



جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای

(نشریه علمی)

سال نوزدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۳۷

- ۱ آینده‌نگاری بازتوسعه اراضی قهوبای کارخانه قند آبکوه مشهد
ریحانه علانی، محمدرحیم رهنما، امیدعلی خوارزمی
- ۳۳ سنجش عملکرد جامع عملکرد تعاونی‌های تولید روستایی (مورد نمونه: استان اصفهان)
مریم نجفی، سیدهدایت‌اله نوری، امیر مظفر امینی
- ۵۵ تبیین رابطه طایفه‌گرایی و مشارکت سیاسی (نمونه‌پژوهی: انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی)
محمدرضا حافظ‌نیا، وحید صادقی
- ۹۳ وزندهی مراحل طرح راهبرد توسعه شهری براساس اهمیت منافع ذی‌نفعان با استفاده از تکنیک گسترش عملکرد کیفیت (نمونه موردی: شهر کاشمر)
هادی سروری
- ۱۲۵ نقش بازاریابی الکترونیکی بر بهبود سرمایه‌های معیشت پایدار خانوارهای روستایی شهرستان گرگان
رضوان کریمی، بهمن صحنه، علی‌اکبر نجفی‌کانی
- نقش عوامل درونی تأثیر گذار در آسیب‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی (۱۳۷۵-۱۳۹۹) مورد: ناحیه تکاب (آذربایجان غربی)
۱۵۹ بهزاد دوستی سبزی، عباس سعیدی، بیژن رحمانی
- ۱۹۳ تحلیل آسیب‌پذیری و تاب‌آوری باغداران و تولید مرکبات نسبت به تغییرات اقلیمی در استان مازندران
سید عبدالحمید هاشمی ساداتی، اسماعیل کرمی دهکردی، یحیی تاجور، سید حسین میرموسوی
- ۲۲۹ آینده‌نگاری مقابله با بحران کرونا در مقاصد گردشگری با استفاده از مدل شبکه عصبی مصنوعی
سعیده مؤیدفر، نجمه نشاط
- ۳۱۳ بررسی اثرات گردشگری در مناطق حفاظت‌شده (مورد مطالعه: منطقه حفاظت‌شده شاسکوه خراسان جنوبی)
مهدی مودودی ارخودی، سجاد فردوسی، ریحانه برومند
- ۲۹۳ شناسایی نیروهای پشیران اثرگذار بر تحقق شکوفایی شهری (مورد پژوهش: شهر یچنورد)
فروغ خراعی‌نژاد
- ۳۲۱ تدوین راهبرد توسعه مناطق روستایی شهرستان چگنی استان لرستان (کاربرد چارچوب راهبردی SOAR)
مهدی محمدی نسب، محمد تیموری طولابی
- ۳۵۹ شناسایی و پهنه‌بندی نقاط داغ آلاینده دی اکسید نیتروژن هوای مشهد
رضا اسماعیلی، محمد پذیرا
- بررسی نقش مشارکت مردمی در افزایش تاب‌آوری اجتماعی سکونتگاه‌های غیررسمی در برابر پاندمی کوید-۱۹ (مطالعه موردی: محلات اسکان غیررسمی شهر زنجان)
۳۸۳ محمدتقی حیدری، محسن احدنژاد روشنی، حسین طهماسبی‌مقدم

ISSN: ۲۰۰۸-۱۳۹۱



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای

(نشریه علمی)

سال نوزدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۳۷

صاحب امتیاز: دانشگاه فردوسی مشهد

مدیر مسئول: دکتر محمد رحیم رهنما

سرمدیر: دکتر حمید شایان

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

محمدعلی احمدیان - دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد (دکترای جغرافیای شهری و ناحیه‌ای)
 عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری - استاد دانشگاه تربیت مدرس (دکترای جغرافیا و برنامه ریزی روستایی)
 سیدرضا حسین‌زاده - دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جغرافیای طبیعی - ژئومورفولوژی)
 کریم حسین‌زاده دلیر - استاد دانشگاه تبریز (دکترای جغرافیای شهری)
 محمدرحیم رهنما - استاد دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)
 محمدجعفر زمردیان - دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جغرافیای طبیعی - ژئومورفولوژی)
 حمید شایان - استاد دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جغرافیای روستایی)
 حسن کامران - دانشیار دانشگاه تهران (دکترای جغرافیای سیاسی)
 عزت‌الله مافی - دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جغرافیای شهری)
 سیدحسن مطیعی لنگرودی - استاد دانشگاه تهران (دکترای جغرافیای روستایی)
 سعدالله ولایتی - استاد دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای زمین‌شناسی)

مقالات نمودار آرای نویسندگان است و به ترتیب وصول و تصویب درج می‌شود.

مدیر داخلی: دکتر رضا دوستان

ویراستار ادبی متن مقالات: دکتر سیده مریم فضائی

مترجم انگلیسی: مرکز ویراستاری انگلیسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی ویراستار این شماره: عبدالله نوروزی

کارشناس اجرایی دفتر مجله: زهرا بنی‌اسد

حروفنگاری و صفحه‌آرایی: الهه تجویدی

شمارگان: ۳۰ نسخه

نشانی: مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، کد پستی ۹۱۷۹۴۸۸۳، شماره: ۸۷۹۴۱۴۴/۰۵۱۱)

بها: داخل کشور: ۲۰۰۰۰ ریال (تک‌شماره) خارج کشور: ۲۵ دلار (آمریکا - سالانه) ۲۰ دلار (سایر کشورها - سالانه)

نشانی اینترنتی: E-mail: JRD@Ferdowsi.um.ac.ir

http://jgrd.um.ac.ir/

شماره‌ی پروانه: ۱۳۴/۷۲۷ - این مجله در نشست کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور مورخ ۱۳۴۱/۸۶ رتبه علمی - پژوهشی دریافت نموده است.

بر اساس مصوبه وزارت عتف از سال ۱۳۹۸، کلیه نشریات دارای درجه "علمی - پژوهشی" به "نشریه علمی" تغییر نام یافتند.

این مجله در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

- پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)
- پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)
- پایگاه بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شرایط تدوین مقاله

به منظور ایجاد تسهیل در روند داوری و چاپ مقالات، از کلیه پژوهشگران که مایل به چاپ مقالات علمی خود در این نشریه‌اند، خواهشمند است به نکات زیر توجه نمایند در غیر این صورت مقاله به نویسنده عودت داده خواهد شد:

۱. دریافت مقاله صرفاً از طریق سامانه مجله (<https://jgrd.um.ac.ir>) خواهد بود و مجله از پذیرش مقالات دستی یا پستی معذور خواهد بود.

۲. مقاله ارسالی نباید قبلاً در هیچ یک از نشریات داخلی یا خارجی چاپ شده باشد. هیئت تحریریه مجله، انتظار دارد نویسندگان محترم تا زمانی که جواب پذیرش از نشریه نرسیده است، مقاله خود را به مجله دیگری برای چاپ ارسال ننمایند.

۳. مقالات فارسی با قلم لوتوس نازک ۱۳ و مقالات انگلیسی با قلم نازک Times New Roman 11 با نرم افزار Word تحت Windows XP تهیه شود. مقالات روی کاغذ A4 (با حاشیه از بالا ۵/۵ و پایین ۵/۵ و راست ۴ و چپ ۴ سانتی متر) تایپ شده و فواصل بین خطوط به صورت single باشد.

۴. حجم مقاله نباید حداکثر بیست و پنج صفحه چاپی به قطع نشریه بیشتر شود (با احتساب فضای مورد نیاز برای جداول، اشکال، خلاصه، نتایج و فهرست منابع).

۵. برای مقالات فارسی، عنوان مقاله با در نظر گرفتن فواصل بین کلمات نباید از ۶۰ حرف بیشتر شود و با قلم لوتوس سیاه ۱۳ تایپ شود.

۶. مشخصات مقاله: نام نویسنده(گان) مقاله با قلم B لوتوس سیاه ۱۰، عنوان علمی یا شغلی او نیز با قلم B لوتوس سیاه ۱۰ و آدرس الکترونیکی نویسنده با قلم Times New Roman 9 باید در زیر عنوان مقاله به صورت وسط چین ذکر شود. ضمناً شماره تلفن تماس و ایمیل نویسنده مسئول مکاتبات در پاورقی آورده شود.

* لازم به ذکر است که بعد از ارسال مقاله به مجله امکان تغییر و یا جابجایی نویسندگان وجود نخواهد داشت.

۷. برای مقالات انگلیسی، عنوان با قلم Times New Roman 12، نام نویسنده مقاله با قلم سیاه Times New Roman 10، عنوان علمی یا شغلی او با قلم Times New Roman 10 در زیر عنوان مقاله ذکر شود.

۸. چکیده مقاله برای مقالات فارسی با قلم B لوتوس نازک ۱۲ و برای مقالات انگلیسی با قلم نازک Times New Roman 12 به صورت تک ستونی صرفاً در یک پاراگراف ارائه شود.

۹. اشکال و نمودارهای مقاله حتماً اصل بوده و دارای کیفیت مطلوب باشد. فایل اصلی اشکال (تحت PDF، Word، Excel) و با دقت 600 dpi ارائه گردد. اندازه قلم‌ها به ویژه در مورد منحنی‌ها (legend) به گونه‌ای انتخاب شوند که پس از کوچک شدن مقیاس شکل برای چاپ نیز خوانا باشند (زیرنویس اشکال، B لوتوس سیاه ۱۲).

۱۰. در متن مقاله به شماره عکس‌ها، جداول و نمودارها اشاره شود و محل تقریبی آنها مشخص گردد.

در تنظیم جداول، منحنی‌ها، اشکال و تصاویر، رعایت نکات زیر الزامی است:

الف- اطلاعات جداول نباید به صورت منحنی و یا به شکل دیگر در مقاله تکرار شوند. شماره و عنوان در بالای جدول ذکر گردد.

ب- هر ستون جدول باید دارای عنوان و واحد مربوط به خود باشد، چنانچه تمام ارقام جدول دارای واحد یکسان باشند، می توان واحد را در عنوان جدول ذکر نمود.

ج- توضیحات اضافی عنوان و متن جدول، به صورت زیرنویس ارائه گردد. نتایج بررسی های آماری، باید به یکی از روش های علمی در جدول منعکس شود و در هر صفحه نباید بیش از دو جدول آورده شود.

د- شکل های هر مقاله شامل منحنی، نمودار، عکس و نقشه بوده و همه به طور یکسان به عنوان شکل شماره گذاری می شوند. شکل ها باید بصورت رنگی یا سیاه و سفید و با کیفیت مناسب و مطلوب تهیه شود و شماره و عنوان آنها در بالا بیاید. عکس ها باید واضح، مطالب آنها خوانا و دارای مقیاس باشند. ذکر مأخذ عکس ها یا شکل هایی که از منابع دیگر اقتباس شده اند الزامی است.

۱۱. معادل انگلیسی واژه های مهم در داخل متن با شماره گذاری مستقیم برای هر صفحه، در پاورقی آورده شود.

۱۲. ساختار مقاله شامل عناصر زیر است:

۱-۱۲. **صفحه عنوان:** در صفحه شناسنامه باید عنوان مقاله، نام و نام خانوادگی نویسنده (گان) درجه علمی، نشانی دقیق شامل: (کد پستی، تلفن، دورنگار و پست الکترونیکی، محل انجام پژوهش، مسئول مقاله و تاریخ ارسال) درج شود. نویسنده مسئول باید با علامت ستاره مشخص شود.

۲-۱۲. **چکیده:** شامل چکیده فارسی و انگلیسی مقاله و واژگان کلیدی (سه تا شش کلمه) است. حتی الامکان چکیده مقاله از ۳۰۰ کلمه بیشتر نباشد و بیانگر طرح مسأله، روش تحقیق، ابزار جمع آوری داده ها، تکنیک به کار رفته، یافته ها و نتیجه گیری باشد. چکیده انگلیسی و فارسی در مطابقت کامل با یکدیگر تهیه شود.

۳-۱۲. **مقدمه:** که در بر گیرنده طرح مسأله، اهمیت و ضرورت، اهداف، سوابق تحقیق می باشد.

۴-۱۲. **مواد و روش ها:** که در بر گیرنده محدوده و قلمرو پژوهش، روش تحقیق و مراحل آن (روش تحقیق، جامعه آماری، روش نمونه گیری، حجم نمونه و روش تعیین آن، ابزار گردآوری داده ها و اعتبارسنجی آنها)، سؤال ها و فرضیه ها، معرفی متغیرها و شاخص ها کاربرد روش ها و تکنیک ها می باشد.

۵-۱۲. **مفاهیم، دیدگاه ها و مبانی نظری:** که در برگیرنده تعاریف و مفاهیم، دیدگاه ها و مبانی نظری، و ... می باشد.

۶-۱۲. **یافته ها:** ارائه نتایج دقیق یافته های مهم با رعایت اصول علمی و با استفاده از جداول و نمودارهای لازم.

۷-۱۲. **بحث و نتیجه گیری:** متضمن آثار و اهمیت یافته های پژوهش و یافته های پژوهش های مشابه دیگر، با تأکید بر مغایرت ها و علل آن، توضیح قابلیت تعمیم پذیری و کاربرد علمی یافته ها و ارائه رهنمودهای لازم برای ادامه پژوهش در ارتباط با موضوع، نتیجه گیری و توصیه ها و پیشنهادهای احتمالی.

۸-۱۲. **تشکر و قدردانی:** قبل از منابع مورد استفاده ارائه شده و از ذکرافراد (شامل: دکتر، مهندس و...) خودداری شود.

۱۳. **نحوه ارجاعات:** منابع و مأخذ باید به صورت درون متنی و همچنین در پایان مقاله ذکر شود. دقت شود که ارجاعات داخل متن به لحاظ تعداد و محتوی منابع همخوانی داشته باشد.

۱-۱۳. ارجاعات در متن مقاله باید به شیوه داخل پرانتز (APA) باشد، به گونه ای که ابتدا نام مؤلف یا مؤلفان، سال انتشار و صفحه ذکر شود. شایان ذکر است که ارجاع به کارهای چاپ شده به همان زبان اصلی (فارسی یا انگلیسی) باشد. به عنوان نمونه: (ولایتی، ۱۳۸۷: ۵۰) یا (Woods, 2005: 8) و این حالت برای دو نویسنده نیز صادق می باشد اما برای ارجاعاتی که

بیش از دو نویسنده دارند نام خانوادگی نفر اول آمده و از واژه همکاران به جای سایر نویسندگان استفاده شود؛ به عنوان نمونه برای منابع فارسی (سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۱) برای منابع لاتین نیز (Gilbert et al, 1994:76)

۱۳-۲. در پایان مقاله، منابع مورد استفاده در متن مقاله، به ترتیب الفبایی نام خانوادگی نویسنده، به شرح زیر آورده شود:

نمونه فارسی:

۱. نام خانوادگی، نام نویسنده یا نویسندگان (سال انتشار)؛ عنوان کتاب (به صورت ایتالیک باشد)؛ شماره جلد، نوبت چاپ، محل انتشار، نام ناشر. نحوه درج در فهرست منابع و مآخذ به ترتیب حروف الفبا خواهد بود.

مثال برای کتاب: توسلی، محمود (۱۳۸۶)؛ اصول و روش های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران؛ مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، جلد اول، چاپ چهارم، تهران.

۲. مثال برای نشریه: نام خانوادگی، نام نویسنده یا نویسندگان (سال انتشار)؛ عنوان مقاله؛ نام نشریه (به صورت ایتالیک باشد)، دوره، محل انتشار.

مثال برای مقاله: سرور، رحیم (۱۳۸۳)؛ استفاده از AHP در مکانیابی جغرافیایی (مطالعه موردی: مکانیابی جهت توسعه آتی شهر میاندوآب)؛ مجله پژوهش های جغرافیایی، شماره ۴۹، صص ۱۹-۳۸.

۱۴. نقل قول ها - مستقیم و غیر مستقیم - نقل به مضمون و مطالب استنتاج شده از منابع و مآخذ، با حروف نازک و استفاده از نشانه گذاری های مرسوم، مشخص شود و نام صاحبان آثار، تاریخ، و شماره صفحات منابع و مآخذ، بلافاصله در میان پرانتز نوشته شود.

۱۵. مقالات برگرفته از رساله و پایان نامه دانشجویان با نام دانشجو، استاد راهنما و مشاوران و با مسئولیت استاد راهنما انتشار می یابد.

۱۶. چنانچه مخارج تحقیق یا تهیه مقاله توسط مؤسسه ای تأمین مالی شده باشد، باید نام مؤسسه در صفحه اول درج شود.

۱۷. شیوه ارزشیابی مقالات: مقالات ارسالی که شرایط پذیرش از جنبه های نوآوری در حوزه نظریه و روش شناختی کاربردی، شرایط لازم را احراز نمایند، برای داوران خبره در آن موضوع ارسال می شوند. داوران محترم، جدای از ارزشیابی کیفی مقالات، راهبردهای سازنده ای پیشنهاد می کنند. پیشنهاد های داوران محترم به طور کامل، اما بدون نام و نشان داور، برای نویسنده مقاله ارسال خواهد شد.

۱۸. فایل های ضروری برای ارسال از طریق سامانه عبارتند از:

الف) فایل مربوط به مشخصات کامل نویسندگان (شناسنامه مقاله) متناسب با بند ۶ شرایط تدوین مقاله به صورت word در یک صفحه

ب) فایل اصلی مقاله: یک نسخه word و pdf از متن اصلی مقاله بدون اسامی و مشخصات نویسندگان و بدون چکیده انگلیسی.

ج) فایل مربوط به چکیده مقاله: یک نسخه word از چکیده مبسوط انگلیسی به همراه متن فارسی آن بر اساس بنده ۱۲-۲ تنظیم و ارسال گردد

۱۹. مجله حق رد یا قبول و نیز ویراستاری مقالات را برای خود محفوظ می‌دارد و مقالات مسترد نمی‌شود. اصل مقالات رد یا انصراف داده شده پس از سه ماه از مجموعه ی بایگانی مجله خارج شده و مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای هیچ مسئولیتی در این ارتباط نخواهد داشت.

۲۰. مسئولیت ارائه صحیح مطالب مقاله بر عهده نویسندگان است. از این‌رو، نسخه‌ای از مقاله آماده چاپ برای انجام آخرین تصحیحات احتمالی به نشانی الکترونیکی نویسنده مسئول ارسال خواهد شد. چنانچه ظرف مدت یک هفته پاسخی از سوی نویسندگان دریافت نگردد به معنای انصراف قلمداد شده و به شماره‌های آتی مોકول خواهد شد و چنانچه پاسخی دوباره دریافت نشود مقاله از اولویت چاپ در مجله خارج می‌شود.

آدرس پستی: مشهد، میدان آزادی، پردیس دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دفتر مجله جغرافیا و توسعه

ناحیه‌ای - کد پستی ۹۱۷۹۴۸۸۳ و نمابر: ۰۵۱۳۸۰۷۰۶۰ تلفن: ۰۵۱۳۸۰۶۷۳۴

پست الکترونیکی E-mail:jrd@Ferdowsi.um.ac.ir

داوران این شماره به ترتیب حروف الفبا

دکتر احمد اسدی (استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه بزرگمهر قائنات)
دکتر روح اله اسدی (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر حسین آقاجانی (استادیار گروه توسعه پایدار شهری و منطقه ای - جهاددانشگاهی خراسان رضوی - مشهد)
دکتر روح اله اوجی (استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه گیلان)
دکتر مصطفی ایستگلدی (استادیار گروه جغرافیا دانشگاه زابل)
دکتر علی اکبر تقی لو (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه ارومیه)
دکتر محمد حجی پور (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه بیرجند)
دکتر امیدعلی خوارزمی (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر رضا دوستان (استادیار اقلیم شناسی دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر احمد رومیانی (دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر ابراهیم رومینا (دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس)
دکتر یعقوب زنگنه (دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه حکیم سبزواری)
دکتر حمداالله سجاسی قیداری (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر علی اکبر شمسی پور (دانشیار گروه جغرافیای طبیعی دانشگاه تهران)
دکتر طاهره صادقلو (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر شیرین صباغی آبکوه (دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر علی اکبر عنابستانی (استاد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه شهید بهشتی)
دکتر یونس غلامی (استادیار گروه جغرافیا و اکوتوریسم دانشگاه کاشان)
دکتر ایمان قلندریان (استادیار گروه شهرسازی دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر مراد کاویانی راد (دانشیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی)
دکتر صدیقه کیانی سلمی (دانشیار گروه جغرافیا و گردشگری دانشگاه کاشان)
دکتر مجید گودرزی (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز)
دکتر افشین متقی (دانشیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی)
دکتر ابوالفضل مشکینی (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تربیت مدرس)
دکتر علی مصطفایی پور (دانشیار گروه مهندسی صنایع دانشگاه یزد)
دکتر جعفر معصوم پور سماکوش (دانشیار اقلیم شناسی دانشگاه رازی کرمانشاه)
دکتر علی موحد (دانشیار گروه جغرافیا و گردشگری دانشگاه خوارزمی)
دکتر محمودرضا میرلطفی (دانشیار گروه جغرافیا دانشگاه زابل)
دکتر علی نجات بخش اصفهانی (استادیار گروه مدیریت منابع انسانی دانشگاه پیام نور)
دکتر محسن نوغانی دخت بهمنی (دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر مجید یاسوری (استاد گروه جغرافیا دانشگاه گیلان)



- ۱ آینده‌نگاری باز توسعه اراضی قهوه‌ای کارخانه قند آبکوه مشهد
ریحانه علایی، محمدرحیم رهنما، امیدعلی خوارزمی
- ۳۳ سنجش عملکرد جامع عملکرد تعاونی‌های تولید روستایی (مورد نمونه: استان اصفهان)
مریم نجفی، سیدهدایت‌اله نوری، امیر مظفر امینی
- ۵۵ تبیین رابطه طایفه‌گرایی و مشارکت سیاسی (نمونه‌پژوهی: انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی)
محمدرضا حافظ‌نیا، وحید صادقی
- وزندهی مراحل طرح راهبرد توسعه شهری براساس اهمیت منافع ذی‌نفعان با استفاده از تکنیک گسترش عملکرد کیفیت (نمونه موردی: شهر کاشمر)
هادی سروری
- ۱۲۵ نقش بازاریابی الکترونیکی بر بهبود سرمایه‌های معیشت پایدار خانوارهای روستایی شهرستان گرگان
رضوان کریمی، بهمن صحنه، علی‌اکبر نجفی‌کانی
- نقش عوامل درونی تأثیر گذار در آسیب‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی (۱۳۹۹-۱۳۷۵) مورد: ناحیه تکاب (آذربایجان غربی)
بهزاد دوستی سبزی، عباس سعیدی، بیژن رحمانی
- ۱۹۳ تحلیل آسیب‌پذیری و تاب‌آوری باغداران و تولید مرکبات نسبت به تغییرات اقلیمی در استان مازندران
سید عبدالحمید هاشمی ساداتی، اسماعیل کرمی دهکردی، یحیی تاجور، سید حسین میرموسوی
- ۲۲۹ آینده‌نگاری مقابله با بحران کرونا در مقاصد گردشگری با استفاده از مدل شبکه عصبی مصنوعی
سعیده مؤیدفر، نجمه نشاط
- ۳۶۳ بررسی اثرات گردشگری در مناطق حفاظت‌شده (مورد مطالعه: منطقه حفاظت‌شده شاسکوه خراسان جنوبی)
مهدی مودودی ارخودی، سجاد فردوسی، ریحانه برومند
- ۲۹۳ شناسایی نیروهای پشران اثرگذار بر تحقق شکوفایی شهری (مورد پژوهش: شهر بجنورد)
فروغ خزاعی‌نژاد
- ۳۲۱ تدوین راهبرد توسعه مناطق روستایی شهرستان چگنی استان لرستان (کاربرد چارچوب راهبردی SOAR)
مهدی محمدی نسب، محمد تیموری طولابی
- ۳۵۹ شناسایی و پهنه‌بندی نقاط داغ آلاینده دی اکسید نیتروژن هوای مشهد
رضا اسماعیلی، محمد پذیرا
- بررسی نقش مشارکت مردمی در افزایش تاب‌آوری اجتماعی سکونتگاه‌های غیررسمی در برابر پاندمی کوید-۱۹ (مطالعه موردی: محلات اسکان غیررسمی شهر زنجان)
محمدتقی حیدری، محسن احدنژاد روشتی، حسین طهماسبی مقدم



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

doi : <https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2022.45539.0>

مقاله پژوهشی - مطالعه موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال نوزدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۳۷

آینده‌نگاری بازتوسعه اراضی قهوه‌ای کارخانه قند آبکوه مشهد

ریحانه علائی (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

reyhane.alaei@mail.um.ac.ir

محمدرحیم رهنما (استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

rahnama@um.ac.ir

امیدعلی خوارزمی (استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

kharazmi@um.ac.ir

صص ۳۱ - ۱

چکیده

هدف اصلی این پژوهش برنامه‌ریزی پایدار اراضی قهوه‌ای کارخانه قند آبکوه مشهد و بررسی سناریوهای محتمل در بازتوسعه اراضی آن است. برای رسیدن به این هدف، شش گام اصلی سناریونویسی انجام شد. برای انجام این گام‌ها مطالعات ترکیبی کمی و کیفی صورت گرفت. ابتدا برای تعیین آینده مورد انتظار، با ۱۲ نفر از کارشناسان آشنا با محدوده مطالعه‌شده، مصاحبه نیمه‌ساختار یافته انجام شد و چارچوب اولیه پرسشنامه طراحی شد در ادامه در قالب پرسشنامه (در دو بعد درجه تأثیر و عدم اطمینان) از ۵۶ نفر از متخصصان، کارشناسان و اساتید نظرخواهی شد و به‌وسیله آزمون‌های آماری توصیفی و استنباطی نظیر T تست، پیشران‌های بحرانی سناریو تعیین شد. سپس برای توسعه سناریوها، بررسی پیامدها و همچنین تعیین راهبردها از ابزار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با شش نفر از کارشناسان، مدیران و مهندسین مشاور و متخصصان دانشگاهی استفاده شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، سه سناریو برای بازتوسعه اراضی کارخانه قند آبکوه مشهد قابل تصور است: سناریوی

طلایی، این سناریو دربردارنده دو پیشران اصلی، فراهم‌سازی منابع درآمدی جدید برای انتقال دائم کارخانه و ایجاد پروژه‌های جدید با رویکرد ترکیبی در اطراف کارخانه بنا به ظرفیت‌ها و موقعیت آن‌هاست؛ سناریوی پایه، تداوم گرایش‌ها در انطباق با شرایط حاکم با ادامه روند موجود است؛ سناریوی رکود: براساس این سناریو، تمایلات منفی ذی‌نفعان می‌تواند موجب توقف در روند اجرای پروژه شود. این توقعات به افزایش هزینه‌ها و تمام‌نشدن پروژه در زمان مقرر منجر خواهد شد. در پایان راهبردهایی ازجمله اولویت‌دادن به توسعه کاربری‌های ویژه تجاری در محدوده طرح، حذف جذابیت‌های محدوده برای توسعه سکونت (راهبرد رقابتی)، فراهم‌کردن بستر مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری در محدوده طرح و... برای رسیدن به سناریوی مطلوب ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: اراضی قهوه‌ای، بازتوسعه، سناریونویسی، کارخانه قند آبکوه، مشهد.

۱. مقدمه

شهر مجموعه تجسم‌یافته و تبلور فضایی ایفای نقش‌های اساسی انسان در محیط جغرافیایی است که به تناسب امکانات، بضاعت فرهنگی و سلیقه‌های فردی شکل گرفته است و توسعه می‌پذیرد (مظفری و اولی زاده، ۱۳۸۷، ص. ۱۱). توسعه شهری در سیر رو به تکامل خود از زمان شروع تا به امروز دارای روند نسبتاً متعادلی بود؛ به‌طوری‌که در اکثر فضاهای شهری همه عناصر شهری دارای یک همگونی و سازگاری خارق‌العاده با یکدیگر بوده‌اند (حسینی و سلیمانی‌مقدم، ۱۳۸۵، صص. ۲۹-۲۸)، اما تحولات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی قرون نوزدهم و بستم متأثر از مدرنیسم، گسترش سریع شهرها و پیدایش کلان‌شهرها را موجب شده و تغییرات بنیادی را در ساختار و سازمان فضایی/کالبدی آن‌ها به وجود آورده است (زیاری، ۱۳۸۲، ص. ۱۵۱)؛ بنابراین در اثر رشد فزاینده شهرها، گسترش فیزیکی شهر به مناطق پیرامون و همچنین افزایش تراکم و انباشتگی در درون شهرها اجتناب‌ناپذیر خواهد بود (پناهی و زیاری، ۱۳۸۸، صص. ۱-۲). این نوع رشد شهری مشکلات جدی و بی‌شماری در پی خواهد داشت (شوگیل، ۱۳۸۱، ص. ۴۳)؛ به همین دلیل توجه به فرم فضایی پایدار

به‌عنوان ضرورت اساسی در برنامه‌های توسعه شهری، حاکی از اهمیت این موضوع در تقویت جبهه‌های اجتماعی و کالبدی شهر است (حسین زاده دلیر و هوشیار ۱۳۸۵، ص. ۲۱۳).

بررسی روند موجود و پیش‌بینی‌های حاصل از آن نشان می‌دهد که با ورود به هزاره سوم بیش از نیمی از جمعیت جهان در نواحی شهری ساکن خواهند بود؛ یعنی جایی که بیشترین منابع مصرف و بیشترین ضایعات و آلودگی‌ها تولید می‌شود (مثنوی، ۱۳۸۲، ص. ۹۰)؛ بنابراین شهرها یکی از اصلی‌ترین مکان‌هایی هستند که باید به اشکال مختلف اصول توسعه پایدار را به‌عنوان مدیریت استفاده انسان از زیست کره به‌نحوی که بیشترین فواید پایدار را برای نسل حاضر ایجاد می‌کند و توان بالقوه زمین برای رفع نیازها و خواست‌های نسل‌های آینده را نیز حفظ می‌کند، مدنظر قرار دهند؛ بنابراین در دهه ۱۹۹۰ و به‌ویژه زمان برگزاری کنفرانس ریو در برزیل (۱۹۹۲) موضوع شکل یا فرم شهری پایدار مطرح شد و به تدوین و تصویب قطعنامه زمین (دستور کار ۲۱ که عبارت است از راهبرد محلی برای توسعه پایدار) انجامید.

امروزه جهت‌گیری الگوهای برنامه‌ریزی شهری در راستای استفاده بهینه و پایدار از زمین عمدتاً بر نوزایی شهری و یا شهرنشینی مجدد (توسعه از درون) در مقابل حومه‌نشینی (توسعه به بیرون) تکیه دارد (رهنما، ۱۳۸۷، ص. ۱۱)؛ از این‌رو بازسازی و بازتوسعه زمین‌ها و اراضی که در اطراف کارخانه‌ها، صنایع و معادن شهری بدون استفاده و راکد مانده‌اند، در برنامه‌ریزی توسعه پایدار امری اجتناب‌ناپذیر است. در شهر مشهد اراضی خالی بزرگ مقیاس زیادی وجود دارد که از جمله می‌توان از پادگان لشگر، کارخانه قند آبکوه، منابع ذخیره نفت، سیلوی گندم، ایستگاه گمرک و... نام برد. در مجموع، ۱۵۹۱ قطعه زمین با ۳۸۶۳۱۷۶۶ مترمربع وسعت (به‌صورت میانگین ۲۴۲۸۱ مترمربع) در شهر مشهد شناسایی شده است که فرصت مناسبی برای رشد درون‌زای این شهر فراهم شده است (رضوی، ۱۳۹۰، ص. ۶). که این مهم فرصتی را برای بازسازی و تدوین سناریوهای محتمل برای آینده این اراضی ممکن کرده است. نظر به توجه و ضرورت رشد کلان‌شهرها و دستیابی برنامه‌های محتمل و اصولی در جهت توسعه پایدار در آینده برای بهره‌برداری از زمین‌های راکد، این پژوهش در یک فرایند گام به گام و مبتنی بر روش‌شناسی علمی و تحقیقاتی به‌دنبال سناریوهای محتمل در آینده اراضی قهوه‌ای کارخانه قند آبکوه شهر مشهد است. کارخانه قند آبکوه در سال ۱۳۱۳ با هدف تولید

و تأمین قند و شکر کشور تأسیس شد و در سال ۱۳۱۵ اولین بهره‌برداری خود را آغاز کرد، اما از آنجا که کارخانه تصفیه خانه فاضلاب نداشته و فاضلاب این کارخانه در کانالی در نزدیکی آن رها شده است، آلودگی‌های زیست‌محیطی به دنبال داشته است؛ همچنین سر و صدا و آلودگی صوتی ناشی از فعالیت کارخانه، آلودگی هوا ناشی از تردد ماشین‌های سنگین از دیگر عوارض استقرار آن در داخل محدوده شهری بوده است؛ به همین منظور، هدف اصلی این تحقیق بر پایه بازتوسعه اراضی این کارخانه و تدوین سناریوهای محتمل در شگل‌گیری کاربری جایگزین در اراضی مذکور است.

۲. پیشینه تحقیق

اراضی قهوه‌ای شهری اولین بار توسط چارلز بارتش در سال ۱۹۹۲ به کار گرفته شده است (ریا، ۲۰۰۳، ص. ۸). از جمله سوابق تحقیق می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. سعیدی رضوانی و کاظمی در سال ۱۳۹۰ در مقاله‌ای با عنوان «بازشناسی چارچوب توسعه دورن‌زا در تناسب با نقد سیاست‌های جاری توسعه مسکن مهر (نمونه موردی: شهر نطنز)» با نقد روند موجود مسکن مهر در شهرهای ایران، توسعه درونی شهر را از طریق بازتوسعه اراضی قهوه‌ای شهری به عنوان یک جایگزین پیشنهاد دادند (سعیدی رضوانی و کاظمی، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۳). بی‌اینگ^۱ در سال ۲۰۱۰ در مقاله «خودداری از رشد پراکنده: مقایسه سیاست‌های بازتوسعه اراضی قهوه‌ای در انگلستان و آلمان» به این نتیجه رسید که ساختار متمرکز برنامه‌ریزی و قدرت مرکزی در انگلستان باعث شده است تا برنامه‌ریزی اراضی قهوه‌ای و سایر برنامه‌ها مانند شهرهای جدید، کمربندهای سبز با موفقیت بیشتری روبه‌رو باشد؛ از همین روست که این کشور می‌خواهد ۶۰ درصد از خانه‌های جدید را روی اراضی قهوه‌ای بسازد (بی‌اینگ، ۲۰۱۰، ص. ۳۴). ردکلیف و کراسزیک^۲ در سال ۲۰۱۱ در مقاله‌ای با عنوان «تصورات آینده شهر: استفاده از روش سناریونویسی در برنامه‌ریزی شهری» معتقدند که عمده برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران شهری فاقد رویکرد آینده‌گرایانه مؤثر و کارآمد به‌منظور درک پیچیدگی‌های

1. Rea

2. Baing

3. Ratcliffe & Krawczyk

محیطی، پیش‌بینی شرایط قریب الوقوع و شکل دادن به شرایط مدنظر در آینده هستند. آن‌ها معتقدند چهار عامل تغییر سیستم‌های ارزشی در جامعه، برنامه‌ریزی استراتژیک شهر، سند چشم‌انداز شهر و مشارکت ذی‌نفعان در امر برنامه‌ریزی شهری موفقیت در آینده را تضمین می‌کنند (ردکلیف و کراسزیک، ۲۰۱۱، ص. ۶۴۶). در مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی بر پیشران‌های مؤثر بر الگوی مطلوب توسعه میان‌افزا و مدیریت اراضی قهوه‌ای (نمونه موردی: کلان‌شهر تبریز)» مؤلفه پویایی جمعیت کمترین تأثیر و ضوابط شهرسازی و حقوقی بیشترین تأثیر را بر توسعه میان‌افزا داشته است. همچنین خروجی مدل DPSIR نشان داد که مؤلفه «پاسخ» شامل امنیت، آلودگی، بهداشت محیط و فرم‌سازی شهر، بیشترین و مؤلفه «تأثیر» اشتغال، منظر محیط و عملکرد دولت، کمترین تأثیر را بر توسعه میان‌افزا دارند؛ به عبارتی دستیابی به توسعه میان‌افزا باید مبتنی بر عامل پاسخ باشد (مستوفی، فرامرزی و درسخوان، ۱۳۹۹، ص. ۲۸۶).

۳. روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی است و روش پژوهش نیز ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی است. از آنجاکه ابزار این پژوهش سناریونویسی است و فرایند سناریونویسی دارای شش مرحله است (رینگلند^۱، ۱۹۹۸، ص. ۸۲)، روش تحقیق براساس هرکدام از مراحل سناریونویسی متفاوت است که به شرح زیر بیان می‌شود.

گام اول: هدف این مرحله، تعیین تمرکز تصمیم‌گیری یا همان سؤال پژوهش است. در این مرحله به‌منظور جلوگیری از گسترش بیش از حد موضوع، محدوده تصمیمات تعیین و مشخص می‌شود تا از گسترش بیش از حد سناریوها جلوگیری شود. در این مرحله سؤال پژوهش تعیین شده است که درحقیقت راهنما و بنیان سناریو و سناریونویسی را شکل می‌دهد. سؤال این پژوهش این است: کاربری پیشنهادی و سناریوهای محتمل در کاربری جایگزین اراضی قهوه‌ای کارخانه قند آبکوه کدام‌اند؟

گام دوم: هدف این مرحله، تعیین عوامل کلیدی در فرایند تعیین کاربری جایگزین اراضی کارخانه قند آبکوه است که در این مرحله نیز بر پایه روش کتابخانه‌ای، مطالعه مبانی نظری و انجام مصاحبه‌ای نیمه ساختاریافته با ۱۲ نفر از متخصصان آشنا با محدوده‌ی مطالعه‌شده، آگاه به موضوع و مدیران و کارشناسان شهرداری، این عوامل شناسایی شده است.

گام سوم: در این مرحله به‌منظور شناسایی و اولویت‌بندی نیروهای محیطی و مؤثر بر عوامل کلیدی، نیروهای مؤثر شناسایی شده بر عوامل کلیدی در قالب یک پرسشنامه در اختیار ۵۶ از استادان، صاحب‌نظران و متخصصان قرار داده شد تا این عوامل را در دو بعد «درجه تأثیرگذاری» و «درجه عدم اطمینان» اولویت‌بندی کنند. روش پژوهش در این مرحله کمی است و براساس نرم‌افزار تحلیل آماری SPSS به پالایش اطلاعات پرسشنامه‌ها اقدام شده است. خروجی پرسشنامه‌ها با استفاده از آمار توصیفی و آزمون T تک نمونه تحلیل شده است و نتایج این آزمون‌ها در یک ماتریس بحرانی اثرگذاری/عدم اطمینان نه‌تایی قرار گرفت تا پیشران‌های بحرانی سناریو مشخص شود.

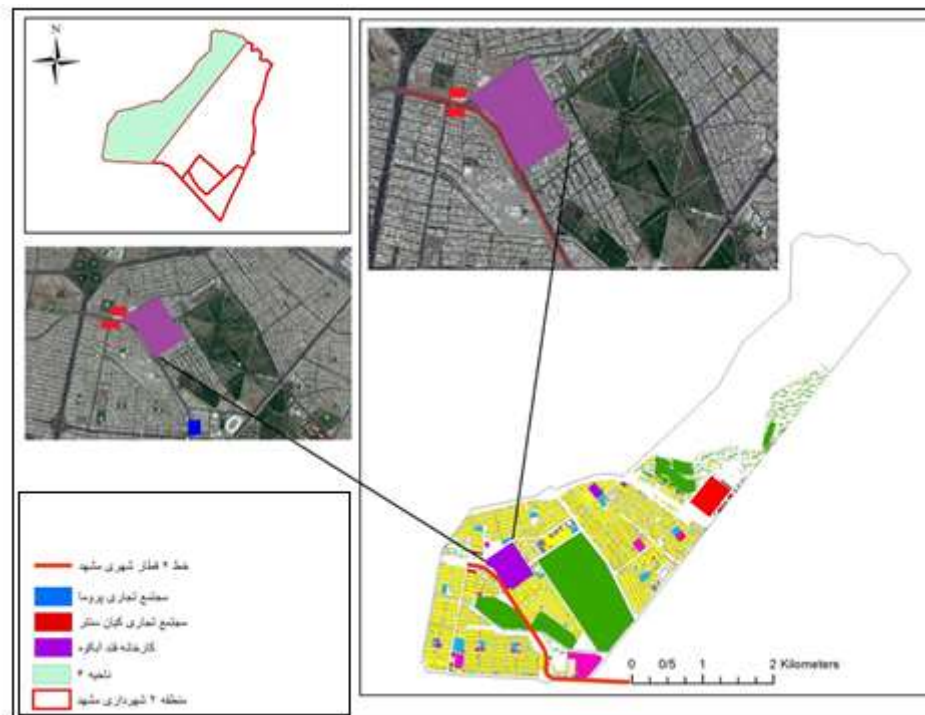
گام چهارم: در این مرحله با هدف شکل‌دادن به منطق سناریو، پیشران‌های بحرانی سناریو تعیین‌شده در مرحله قبل با روش آینده‌مورد انتظار و جایگزین‌های آن مشخص شد؛ بدین صورت که آینده مطلوب براساس کاربری پیشنهادی در مرحله سوم مشخص شد و سپس آینده‌های جایگزین براساس نظرات خبرگان تعریف شد.

گام پنجم: در این مرحله به‌منظور تدوین سناریوهای محتمل، از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با شش نفر از کارشناسان، مدیران و مهندسين مشاور پارسوماش و فرهنگ و مسئول کمیسیون تخصصی محیط‌زیست، خدمات و سلامت شهری و با قراردادن پیشران‌های بحرانی سناریوی کشف‌شده در مرحله قبل در اختیار صاحب‌نظران و متخصصان، سناریوهای محتمل برای کاربری جایگزینی اراضی کارخانه قند آبکوه تدوین شد.

گام ششم: هدف این مرحله تفسیر سناریوهای انتخاب‌شده در مرحله قبلی است.

پرسشنامه پژوهش حاضر حاوی چهار متغیر اصلی نشانه‌گرهای اقتصادی کارخانه بر محیط پیرامون اراضی (با ۷ سؤال)، منشورهای زیست‌محیطی (با ۵ سؤال)، سیاست‌گذاری‌های کلان و خرد مدیریتی (با ۱۲ سؤال) و زیرساخت‌های حقوقی (با ۴ سؤال) بود که داده‌ها وارد نرم‌افزار

SPSS شد. پس از تدوین آماره توصیفی در بخش استنتاجی از آزمون t استفاده شد تا نتایج حاصل از آزمون عوامل بحرانی تعیین شود که در این زمینه عوامل معنادار به عنوان پیشران‌های بحرانی و عوامل غیرمعنادار به عنوان پیشران‌های مهم شناخته می‌شوند.



شکل ۱- موقعیت قرارگیری کاربری‌های شاخص درباره کارخانه قند آبکوه

منبع: ترسیم نگارندگان

۴. مبانی نظری تحقیق

واژه «اراضی قهوه‌ای» در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی ابداع شد؛ زمانی که اندیشمندان به دنبال چگونگی کنترل و مقابله با خسارت زیست‌محیطی سایت‌های آلوده صنعتی و تجاری بودند (هولندر، کرکوود و گلد، ۲۰۱۰، ص. ۱۰). اراضی قهوه‌ای، املاکی متروک، مهجور و بی‌استفاده صنعتی هستند که ممکن است دچار آلودگی زیست‌محیطی باشند که خود مانع

توسعه مجدد آن‌ها شود؛ زمین‌های بایر و رها شده در بافت قدیم که به علت نبود رسیدگی به مکان‌های تجمع زباله، پاتوق معتادان و... تبدیل شده‌اند؛ صنایع و کارخانه‌هایی که بر اثر گسترش شهر وارد محدوده قانونی شهر شده‌اند (فرامرزی و مستوفی، ۱۳۹۸، ص. ۲). این‌گونه اراضی علاوه بر افت زیست‌محیطی موجب فرسودگی همسایگی‌های مجاور نیز می‌شوند، مانع توسعه اقتصادی آنان می‌شوند و اثرات منفی اقتصادی و اجتماعی مختلفی را بر جامعه اطراف خود می‌گذارند (شیعه، ۱۳۸۷، ص. ۱۹). با داشتن شرایط عمومی، هر سایتی از یک کارخانه قدیمی گرفته تا یک قطعه زمین می‌تواند زمین قهوه‌ای محسوب شود (آی‌سی‌ام‌ای^۱، ۲۰۰۰). صرف‌نظر از اثرات منفی، توسعه این اراضی به رشد اقتصادی و اجتماعی و ارتقای سلامت عمومی و محیط‌زیست در شهرها منجر می‌شود (هودنات^۲، ۲۰۱۰، ص. ۱). مسئله اراضی قهوه‌ای نشئت گرفته از دو اتفاق است: اول کوچک‌سازی صنایع و تعطیلی کارخانه‌هاست که از دهه ۱۹۷۰ در ایالات متحده و غرب اروپا به گذار اقتصاد آن‌ها از صنایع به خدمات منجر شد؛ دوم تصویب مقررات زیست‌محیطی است که بخش‌های خاصی را مسئول هزینه‌های پاک‌سازی زیست‌محیطی در سایت‌های آلوده کرد (پیچ و برگر^۳، ۲۰۰۶، ص. ۵۵۲). رویکردهای نظری همسو با بازتوسعه اراضی قهوه‌ای، شهر فشرده، رشد هوشمند و توسعه میان‌افزاست. رویکرد توسعه میان‌افزای شهری از سال ۱۹۸۰ در ایالات متحده و اروپا مدنظر قرار گرفت (خوش‌سیما، اصغری و زمانی، ۱۳۹۹، ص. ۱۸۶). کوچ، مشخصه‌های توسعه میان‌افزای شهری را در مؤلفه‌هایی نظیر تغییر در تراکم در فواصل مختلف از مرکز شهر، نسبت جمعیت مرکز شهر به حومه‌های آن و میزان رفت و آمد از حومه به مرکز تعریف می‌کند (کوچ و کاریچ^۴، ۲۰۱۷، ص. ۲۰). پنس^۵ نیز در زمینه توسعه میزان‌افزا بر خصیصه‌هایی مانند افزایش تراکم، مرکزیت و اختلاط کاربری‌ها تأکید می‌کند (پنس، ۲۰۱۵، ص. ۳). این رویکرد با تمرکز بر اراضی در مناطق توسعه‌یافته، رویکردی مؤثر در جهت توسعه پایدار شهری است. این هدف را می‌توان با پرکردن مناطق بدون استفاده مانند زمین‌های خالی، استفاده مجدد از

1. ICMA

2. Hudnut

3. Page, Berger

4. Couch, Karech

5. Pence

زمین‌های کم‌بهره‌برداری و بازسازی ساختمان‌ها و سایت‌های موجود برای کاربری‌های جدید محقق کرد (کیم^۱، ۲۰۱۶، ص. ۲۸۵؛ آلن^۲، ۲۰۰۱، ص. ۴). ازجمله متغیرهای کلیدی در باز توسعه اراضی قهوه‌ای و پژوهش حاضر عبارت‌اند از: عوامل اقتصادی، زیست‌محیطی، سیاستی-مدیریتی و حقوقی.

سناریوها توصیفی از آینده‌های احتمالی هستند که تجزیه و تحلیل را برای اهداف مختلف تسهیل می‌کنند (آلن و همکاران، ۲۰۲۲، ص. ۱). انواع سناریوها وجود دارد که اغلب به‌عنوان اکتشافی، پیش‌بینی‌کننده یا هنجاری توصیف می‌شوند که می‌توانند در شرایط و اهداف مختلفی اعمال شوند (کوک، پد، گرامبرگر، هاریسون و هولمن^۳، ۲۰۱۹، ص. ۶۴۴؛ روتمن^۴، ۲۰۰۸، ص. ۳۷). سناریو ابزاری برای تحلیل سیاست‌ها و شناخت شرایط، تهدیدها، فرصت‌ها، نیازها و ارزش‌های برتر آینده است. به سبب گوناگونی عوامل و نیروهای سازنده آینده و پیچیدگی و تعامل میان آن‌ها، هرگز نمی‌توان آینده را به‌طور دقیق پیش‌بینی کرد؛ ازاین‌رو، متخصصان آینده‌نگری انتخاب محتمل‌ترین تصویر آینده را چندان درست نمی‌دانند؛ چراکه باید سناریوهای مختلفی را برای برنامه‌ریزی به کار برد؛ بنابراین اگر سناریو شامل همه تصاویر ممکن آینده باشد، می‌تواند ابزار قدرتمندی برای برنامه‌ریزی به شمار آید؛ چنانکه با بهره‌برداری و به‌کارگیری این سناریوها به‌خوبی می‌توان به استقبال آینده رفت (زاللی، ۱۳۹۰، ص. ۳۷).

پرتر در سال ۱۹۸۵ سناریو را این‌گونه تعریف کرد: سناریو نگرش پایدار درونی از آینده‌ای است که ممکن است اتفاق بیفتد، نه پیش‌بینی بلکه وجود یک آینده ممکن می‌داند (رهنما و معروفی، ۱۳۹۴، ص. ۴۸).

1. Kim

2. Allan

3. Kok, Pedde, Gramberger, Harrison & Holman

4. Rothman

۵. یافته‌های تحقیق

هدف این مرحله، تعیین عوامل کلیدی در فرایند تعیین کاربری جایگزین اراضی کارخانه قند آبکوه است که در این مرحله ابتدا به مطالعه مبانی نظری در زمینه عوامل کلیدی و نیروهای مؤثر بر این عوامل و همچنین انجام مصاحبه نیمه ساختاریافته پرداخته شد. در مرحله بعد به منظور اولویت‌بندی نیروهای محیطی و نیروهای مؤثر بر عوامل کلیدی، پرسشنامه‌ای در اختیار ۵۶ نفر استادان، صاحب‌نظران و متخصصان قرار داده شد تا این نیروها را در دو بعد درجه تأثیرگذاری و درجه عدم اطمینان اولویت‌بندی کنند.

از بین جامعه آماری، حدود ۸۰ درصد از کارشناسان، نخبگان و صاحب‌نظران دانشگاهی و مدیران ارشد، متخصصان در حوزه‌های شهرسازی، مطالعات راهبردی و آینده‌پژوهی و ۲۰ درصد از ذی‌نفعان کارخانه بودند که در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- مشارکت‌کنندگان در بخش‌های مصاحبه و پرسشنامه

ردیف	بخش اول مصاحبه شوندگان	بخش دوم پرسش شوندگان
۱	مهندسین مشاور آستان قدس	اساتید دانشگاهی (برنامه‌ریزی شهری، شهرسازی، مدیریت، آینده‌پژوهی و سایر رشته‌های مرتبط) (۲ استاد، ۳ دانشیار، ۵ استادیار)
۲	کارشناس معاونت شهرسازی و معماری	صاحب‌نظران در حوزه آینده‌پژوهی و آشنا با محدوده مطالعه‌شده (۱۰ نفر)
۳	کارشناس ارشد معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری	کارشناسان حوزه شهرسازی، علوم اجتماعی، و مدیران ارشد شهرداری مشهد (۴ کارشناس و ۲ مدیر ارشد)
۴	کارشناس معاونت برنامه‌ریزی	کارکنان درگیر در مجموعه کارخانه قند، متولیان کارخانه، ذی‌نفعان اولیه (۳۰ نفر)
۵	شرکت مهندسین مشاور پارسوماش	
۶	شرکت مهندسین مشاور فرهنگ	
۷	دبیر کارگروه محیط‌زیست	
۸	رییس دفتر توسعه شهری و روستایی استانداری	
۹	کارشناس شهرداری منطقه ۲	
۱۰	کارشناسان حوزه بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران	
۱۱	شهردار ناحیه ۴ شهرداری منطقه ۲	
۱۲	کارشناس شهرسازی سازمان راه و شهرسازی	

آنچه در ادامه بررسی شده است، تعیین عوامل کلیدی بر کاربری جایگزین اراضی کارخانه قند آبکوه است که بر پایه روش کتابخانه‌ای و مطالعه مبانی نظری و انجام مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۱۲ نفر از متخصصان آگاه به موضوع و مدیران و کارشناسان شهرداری است. در نهایت از تمامی مصاحبه‌ها و مرور مطالعات در زمینه آینده‌پژوهی، عوامل کلیدی به همراه نیروهای مؤثر آنان به شرح ذیل تدوین شد.

۵.۱. نیروهای تأثیرگذار و کلیدی

عامل کلیدی اول: نشانه‌گرهای اقتصادی کارخانه بر محیط پیرامون اراضی عبارت‌اند از:

- فراهم‌سازی منابع درآمدی جدید برای انتقال دائم کارخانه به بیرون شهر از طرف آستان قدس؛
- افزایش قیمت زمین در آینده و بورس بازی در زمین‌های قهوه‌ای از سوی دلالان؛
- افزایش روند تقاضا زمین در زمین‌های قهوه‌ای با کاهش رشد افقی شهر مشهد؛
- افزایش رقابتی جدید برای سرمایه‌گذاری در اراضی کارخانه با انتقال دائم آن؛
- افزایش مشارکت مالی ساکنان محله با شهرداری منطقه برای توسعه مجدد اراضی قهوه‌ای به دلیل قرارگیری اراضی در پهنه‌ای از شهر با ساکنان پردرآمد؛
- ایجاد پروژه‌های تجاری جدید در اراضی کارخانه قند از طرف متولیان کارخانه؛
- میزان تمایل همکاری و سودافزایی بین ذی‌نفعان و ذی‌مدخلان کارخانه قند آبکوه.
- عامل کلیدی دوم: منشورهای زیست‌محیطی که عبارت‌اند از:
- ارتقای شاخص‌های زیست‌محیطی در صورت تحقق پروژه شهر سالم در اراضی اطراف کارخانه؛
- پیاده‌سازی پروژه شهر سالم در کل محدوده منطقه ۲ شهرداری مشهد در آینده؛
- ایجاد سیستم‌های انگیزشی برای تحویل اراضی کارخانه به شهرداری برای احیای اراضی و تعیین کاربری مناسب؛
- تحقق برنامه‌های توسعه پایدار در سیاست‌های مدیران کلانشهرهای جهان و اتخاذ پروژه‌های زیست‌محیطی برای اراضی راکد شهری؛

- افزایش احتمالی اثرات زیست‌محیطی و آلودگی‌های ناشی از استقرار کارخانه قند آبکوه در محدوده پیرامون در صورت نبود بازتوسعه اراضی.
 - عامل کلیدی سوم: سیاست‌گذاری‌های کلان و خرد مدیریتی عبارت‌اند از:
 - استفاده از موقعیت جغرافیایی مشهد و افزایش جمعیت زائر و گردشگر در آینده و لزوم استفاده از این اراضی برای کاربری‌های رفاهی و اقامتی؛
 - بازتوسعه یک‌سوم اراضی قهوه‌ای که در دستور کار نهادهای مطالعاتی و اجرایی قرار گرفته است؛
 - در نظر گرفتن جایگاه مناسب برای بازتوسعه اراضی قهوه‌ای کارخانه قند آبکوه در طرح جامع فرهنگ و آمایش استان در آینده؛
 - احتمال افزایش نارضایتی‌های مردمی در آینده از استقرار کارخانه و پیگیری آنان برای انتقال کامل تأسیسات آن؛
 - تمایل به تغییر کاربری منطقه به فرهنگی و گردشگری از سوی رقبای جدید؛
 - رشد استفاده از زمین‌های بایر و رها شده در آینده از طرف شهرداری منطقه؛
 - یکپارچگی و هماهنگی میان استراتژی‌های شهرداری، آستان قدس و مدیران کارخانه در زمینه احیای اراضی محدوده؛
 - ایجاد فرصت سرمایه‌گذاری در اراضی خالی بزرگ مقیاس در شهر مشهد؛
 - رشد استفاده از زمین‌های بایر و رها شده در آینده به‌عنوان رسالت شهرداری منطقه و با توجه به الزامات طرح جامع فرهنگ مبنی بر رشد شهر از درون؛
 - وجود برنامه‌ها و سیاست‌های کلان مدیریتی در بازتوسعه اراضی قهوه‌ای در برنامه ششم توسعه؛
 - آینده سیاست‌های کلان شهرداری درباره بازتوسعه اراضی قهوه‌ای؛
 - افزایش حمایت دولت از بخش خصوصی و صنایع.
- عامل کلیدی چهارم: زیرساخت‌های حقوقی عبارت‌اند از:

- تأثیر نفوذ ماده ۷ قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور مصوب سال ۱۳۸۲/۶/۵، مبنی بر تغییر کاربری عرصه واحدهای صنعتی در محدوده قانونی شهرها به کاربری مسکونی، تجاری و اداری؛
- میزان تمایل همکاری و سودافزایی بین ذی‌نفعان و ذی‌مدخلان کارخانه قند آبکوه؛
- وجود مقررات سخت‌گیرانه محیط‌زیست در چند سال اخیر در قالب بخشنامه‌ها و قوانین و مقررات شهری؛
- کاهش قدرت چانه‌زنی سرمایه‌گذاران و کاهش رقابت میان ذی‌مدخلان در آینده به دلیل سابقه طولانی کارخانه در منطقه و پیوند هویت‌بخش دوسویه آن با شهر.

۲.۵. تحلیل توصیفی نیروهای مؤثر بر نشانه‌گرهای اقتصادی

با توجه به نتایج توصیفی پرسشنامه گردآوری‌شده، به‌منظور تعیین نیروهای مؤثر و درنهایت پیشران‌های توسعه سناریوها جدول ۲ طراحی شد. میانگین درجه تأثیر و میانگین عدم اطمینان به همراه درصد فراوانی زیاد میانگین و بیشترین تأثیر در دوره زمانی نشان داده شده است. اطلاعات جدول بیانگر آن است که موارد ذیل به‌عنوان عوامل بحرانی و پیشران سناریو در عامل کلیدی نشانه‌گرهای اقتصادی از دیدگاه متخصصان معرفی شده‌اند.

- افزایش قیمت زمین در آینده و بورس‌بازی در زمین‌های قهوه‌ای از سوی دلالان؛
- ایجاد پروژه‌های تجاری جدید در اراضی کارخانه قند از طرف متولیان کارخانه؛
- فراهم‌سازی منابع درآمدی جدید برای انتقال دائم کارخانه به بیرون شهر از طرف آستان قدس.

در شاخص نشانه‌گرهای اقتصادی سه گویه که هم میانگین درجه تأثیرگذاری آنان و هم میانگین درجه عدم اطمینان‌شان زیاد است، به‌عنوان عامل بحرانی معرفی شدند.

جدول ۲- تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به عامل کلیدی نشانه‌گرهای اقتصادی

گوینه	میانگین درجه تأثیر	درصد فروانی زیاد میانگین ۴ در درجه تأثیر	میانگین عدم اطمینان	درصد فروانی زیاد میانگین ۴ در عدم اطمینان	بیشترین تأثیر در دوره زمانی	میانگین کل
افزایش قیمت زمین در آینده و بورس بازی در زمین‌های قهوه‌ای از سوی دلالتان	۴,۴۲	۹۰,۵	۴,۲۵	۸۱,۱	سال ۱۴۰۰ ۵۲,۸	۴,۳۳
ایجاد پروژه‌های تجاری جدید در اراضی کارخانه قند از طرف متولیان کارخانه	۴,۳۴	۹۰,۶	۴,۲۳	۸۱,۱	سال ۱۴۰۰ ۵۲,۸	۴,۲۸
فراهم‌سازی منابع درآمدی جدید برای انتقال دائم کارخانه به بیرون شهر از طرف آستان قدس	۴,۱۶	۸۳	۴,۰۸	۷۵,۵	سال ۱۴۰۰ ۶۰,۴ درصد	۴,۱۲
افزایش روند تقاضا زمین در زمین‌های قهوه‌ای با کاهش رشد افقی شهر مشهد	۴,۲۸	۹۶	۲,۵۸	۲۲,۷	سال ۱۴۰۰ ۶۶ درصد	۳,۴۳
افزایش رقبای جدید برای سرمایه‌گذاری در اراضی کارخانه با انتقال دائم آن	۴,۲۱	۸۱,۲	۲,۶۲	۱۷	سال ۱۴۰۴ ۴۷,۲	۳,۴۱
میزان تمایل همکاری و سودافزایی بین ذی‌نفعان و ذی‌مدخلان کارخانه قند آبکوه	۳,۴۷	۵۲,۹	۳,۱۲	۴۱,۵	سال ۱۴۰۰ ۳۷,۷	۳,۲۹
افزایش مشارکت مالی ساکنان محله با شهرداری منطقه برای توسعه مجدد اراضی قهوه‌ای به دلیل قرارگیری اراضی در پهنه‌ای از شهر با ساکنان پردرآمد	۳,۲۳	۳۲	۲,۴۷	۲۰,۸	سال ۱۴۰۰ درصد	۲,۸۵

۳.۵. منشورهای زیست‌محیطی

همان‌طور که در جدول ۳ آمده است، ایجاد سیستم‌های انگیزشی برای تحویل اراضی کارخانه به شهرداری برای احیای اراضی و تعیین کاربری مناسب، به‌عنوان تنها گویه بحرانی شناخته شد. این امر بیانگر این است که اگر شهرداری حمایت‌ها و همکاری‌های لازم را با مدیران کارخانه و متولیان آن در آستان قدس به‌طور جدی پیگیری کند، می‌توان تا سال ۱۴۰۰ شاهد اجرای برنامه‌هایی از جانب شهرداری برای احیای اراضی بود که احتمال به‌وقوع پیوستن این مهم بیش از ۵۰ درصد است.

- ایجاد سیستم‌های انگیزشی برای تحویل اراضی کارخانه به شهرداری برای احیای اراضی و تعیین کاربری مناسب

جدول ۳- تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به عامل کلیدی منشورهای زیست‌محیطی

گویند	میانگین درجه تأثیر	درصد فروانی زیاد میانگین ۴ در درجه اطمینان	میانگین عدم اطمینان	درصد فروانی زیاد میانگین ۴ در درجه تأثیر	میانگین کل	گویند
ایجاد سیستم‌های انگیزشی برای تحویل اراضی کارخانه به شهرداری برای احیای اراضی و تعیین کاربری مناسب	۴,۲۱	۸۰,۸	۴,۰۲	۸۶,۶	۴,۱۱	سال ۱۴۰۰
					۵۳,۸	
پیاپی‌سازی پروژه شهر سالم در کل محدوده منطقه ۲ شهرداری مشهد در آینده	۴,۱۳	۱۵,۳	۲,۷۳	۷۶,۹	۳,۴۲	سال ۱۴۰۰
					۴۶,۲	
افزایش احتمالی اثرات زیست‌محیطی و آلودگی‌های ناشی از استقرار کارخانه قند آبکوه در محدوده پیرامون در صورت نبود بازتوسعه اراضی	۴,۰۲	۱۳,۵	۲,۷	۷۸,۹	۳,۳۶	سال ۱۴۰۰
					۴۸,۱	
تحقق برنامه‌های توسعه پایدار در سیاست‌های مدیران کلانشهرهای جهان و اتخاذ پروژه‌های زیست‌محیطی برای اراضی راکد شهری	۳,۷۲	۲۱,۲	۲,۷۱	۵۵,۷	۳,۲۵	بیشتر از ۱۴۰۴
					۵۷,۷	

گوپه	میانگین درجه تأثیر	درصد فروانی زیاد میانگین ۴ در عدم اطمینان	میانگین عدم اطمینان	درصد فروانی زیاد میانگین ۴ در درجه تأثیر	بیشترین تأثیر در دوره زمانی	میانگین کل
ارتقای شاخص‌های زیست‌محیطی در صورت تحقق پروژه شهر سالم در اراضی اطراف کارخانه	۳,۶۹	۶۳,۵	۲,۴۲	۹,۶	بیشتر از ۱۴۰۴	۳,۰۵
					۴۰,۴	

۵. ۴. سیاست‌گذاری‌های کلان و خرد مدیریتی

همان‌طور که در جدول ۴ بررسی‌شدنی است، این مؤلفه از بیشترین تعداد گوپه برخوردار است که به دلیل ذات و ماهیت پیچیده سیاست‌گذاری‌های مدیریتی حاکم بر محدوده مطالعه شده است. همان‌طور که بررسی‌شدنی است، از ۱۲ مؤلفه و گوپه درگیر، تنها یک مؤلفه به عنوان پیشران بحرانی شناخته شد که شامل استفاده از موقعیت جغرافیایی مشهد و افزایش جمعیت زائر و گردشگر در آینده و لزوم استفاده از این اراضی برای کاربری‌های رفاهی و اقامتی است.

جدول ۴- تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به عامل کلیدی سیاست‌گذاری‌های کلان و خرد مدیریتی

گوپه	میانگین درجه تأثیر	درصد فروانی زیاد میانگین ۴ در درجه تأثیر	میانگین عدم اطمینان	درصد فروانی زیاد میانگین ۴ در عدم اطمینان	بیشترین تأثیر در دوره زمانی	میانگین کل
استفاده از موقعیت جغرافیایی مشهد و افزایش جمعیت زائر و گردشگر در آینده و لزوم استفاده از این اراضی برای کاربری‌های رفاهی و اقامتی	۴,۱۷	۸۲,۵	۴,۰۷	۶۹,۲	سال ۱۴۰۴	۴,۱۲
					۴۰,۴	
بازتوسعه یک‌سوم اراضی قهوه‌ای که در دستور کار نهادهای مطالعاتی و اجرایی قرار گرفته است	۴,۱۷	۸۰,۵	۲,۴۶	۱۳,۵	سال ۱۴۰۰	۳,۴۷
					۳۵,۸	

گوپه	میانگین درجه تأثیر	درصد فروانی زیاد میانگین ۴ در درجه تأثیر	میانگین عدم اطمینان	درصد فروانی زیاد میانگین ۴ در عدم اطمینان	بیشترین تأثیر در دوره زمانی	میانگین کل
رشد استفاده از زمین‌های بایر و رهاشده در آینده از طرف شهرداری منطقه	۴,۲۳	۸۴,۶	۲,۶۷	۱۷,۳	سال ۱۴۰۰ ۵۷,۷	۳,۴۵
ایجاد فرصت سرمایه‌گذاری در اراضی خالی بزرگ‌مقیاس در شهر مشهد	۳,۷۶	۶۳,۵	۲,۹۵	۳۰,۷	سال ۱۴۰۰ ۴۰,۴	۳,۳۵
در نظر گرفتن جایگاه مناسب برای بازتوسعه اراضی قهوه‌ای کارخانه قند آبکوه در طرح جامع فرهنگ و آمایش استان در آینده	۴,۱۵	۸۴,۱	۲,۷۹	۱۹,۲	بیشتر از سال ۱۴۰۴ ۵۵,۸	۳,۳۱
تمایل به تغییر کاربری منطقه به فرهنگی و گردشگری از سوی رقبای جدید	۴,۱۵	۸۲,۷	۲,۴۴	۹,۶	سال ۱۴۰۰ ۳۸,۵	۳,۳۰
احتمال افزایش نارضایتی‌های مردمی در آینده از استقرار کارخانه و پیگیری آنان برای انتقال کامل تأسیسات آن	۴,۰۶	۷۸,۹	۲,۴۴	۱۷,۳	سال ۱۳۹۵ ۳۰,۸	۳,۲۵
یکپارچگی و هماهنگی میان استراتژی‌های شهرداری، آستان قدس و مدیران کارخانه در زمینه احیای اراضی محدوده	۳,۵۵	۵۷,۷	۲,۷۵	۱۵,۴	سال ۱۴۰۰ ۵۰,۵	۳,۱۵
رشد استفاده از زمین‌های بایر و رهاشده در آینده به‌عنوان رسالت شهرداری منطقه با توجه به الزامات طرح جامع فرهنگ مبتنی بر رشد از داخل	۳,۶۵	۵۹,۶	۲,۶۰	۲۳,۱	بیشتر از سال ۱۴۰۴ ۲۸,۸	۳,۱۳
آینده سیاست‌های کلان شهرداری درباره بازتوسعه اراضی قهوه‌ای	۳,۵۴	۵۷,۷	۲,۷۱	۲۳,۱	سال ۱۴۰۰ ۴۸,۱	۳,۱۲

گویه	میانگین درجه تأثیر	درصد فروانی زیاد میانگین ۴ در درجه تأثیر	میانگین عدم اطمینان	درصد فروانی زیاد میانگین ۴ در عدم اطمینان	بیشترین تأثیر در دوره زمانی	میانگین کل
وجود برنامه‌ها و سیاست‌های کلان مدیریتی در بازتوسعه اراضی قهوه‌ای در برنامه ششم توسعه	۳,۴۶	۴۸,۱	۲,۶۳	۱۳,۴	سال ۱۴۰۰	۳,۰۴
					۴۲,۳	
افزایش حمایت دولت از بخش خصوصی و صنایع	۳,۷۳	۶۹,۳	۲,۹۰	۲۸,۸	بیشتر از سال ۱۴۰۴	۲,۳۱
					۳۴,۶	

۵.۵. زیرساخت‌های حقوقی

این بخش دارای چهار گویه در زمینه زیرساخت‌های حقوقی است که در جدول ۴ بررسی‌شدنی است. از میان ۴ گویه در بخش زیرساخت حقوقی، یک عامل به‌عنوان عامل بحرانی شناخته شد که این عامل عبارت است از: وجود مقررات سخت‌گیرانه محیط‌زیست در چند سال اخیر در قالب بخشنامه‌ها و قوانین و مقررات شهری

جدول ۵- تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به عامل کلیدی زیرساخت‌های حقوقی

گویه	میانگین درجه تأثیر	درصد فروانی زیاد میانگین ۴ در درجه تأثیر	میانگین عدم اطمینان	درصد فروانی زیاد میانگین ۴ در عدم اطمینان	بیشترین تأثیر در دوره زمانی	میانگین کل
وجود مقررات سخت‌گیرانه محیط‌زیست در چند سال اخیر در قالب بخشنامه‌ها و قوانین و مقررات شهری	۴,۲۷	۷۷,۸	۴,۱۰	۷۴	سال ۱۴۰۰	۴,۱۸
					۳۴,۶	
افزایش آلودگی هوای ناسالم در آینده و تعطیلی اجباری کارخانه	۴,۱۷	۷۸,۹	۳,۷۳	۶۷,۳	سال ۱۴۰۰	۳,۹۵
					۵۵,۸	
تأثیر نفوذ قانون ماده ۷ محیط‌زیست	۳,۷۱	۵۵,۸	۲,۹۲	۲۵	سال ۱۴۰۰	۳,۳۱

گویه	میانگین درجه تأثیر	درصد فروانی زیاد میانگین ۴ در درجه تأثیر	میانگین عدم اطمینان	فروانی زیاد میانگین ۴ در عدم اطمینان	بیشترین تأثیر در دوره زمانی	میانگین کل
شهری بر تسهیل نوسازی صنایع شهری					۴۴,۲	
کاهش قدرت چانه‌زنی سرمایه‌گذاران و کاهش رقابت میان ذی‌مدخلان در آینده به دلیل سابقه طولانی کارخانه در منطقه و پیوند هویت‌بخش دوسویه آن با شهر	۳,۴۲	۵۷,۷	۲,۶۰	۱۹,۲	بیشتر از ۱۴۰۴	۳,۰۱
					۴۴,۲	

۶.۵. تحلیل پیشران‌ها براساس آمار توصیفی

در نهایت شش عامل بحرانی از میان ۲۸ عامل در چهار مؤلفه به دست آمد. این شش عامل درواقع همان عواملی هستند که میانگین کل آنان بیشتر از ارزش عددی ۴ بوده است و از طرف دیگر عدم قطعیت و درجه تأثیرگذاری زیاد داشته‌اند. در این بین نیمی از عوامل از فاکتوری به نام نشانه‌گرهای اقتصادی به دست آمده است که این خود جای درنگ دارد و شاید بیانگر این باشد که بازتوسعه اراضی کارخانه قند آبکوه، بیشتر ضرورت اقتصادی است تا اجتماعی و حقوقی. همان‌طور که بررسی‌شدنی است، ضرورت و تأثیر این عامل به‌همراه گویه‌های آنان کاملاً محسوس است. به‌طورکلی شش عامل بحرانی که از درجه تأثیر و عدم اطمینان زیاد برخوردار بوده‌اند، به‌ترتیب عبارت‌اند از:

الف: نشانه‌گرهای اقتصادی کارخانه بر محیط پیرامون شامل سه عامل بحرانی:

- افزایش قیمت زمین در آینده و بورس‌بازی در زمین‌های قهوه‌ای از سوی دلالان؛
- ایجاد پروژه‌های تجاری جدید در اراضی کارخانه قند از طرف متولیان کارخانه؛
- فراهم‌سازی منابع درآمدی جدید برای انتقال دائم کارخانه به بیرون شهر از طرف آستان قدس.

ب: منشورهای زیست‌محیطی بازتوسعه اراضی شامل یک عامل بحرانی:

ایجاد سیستم‌های انگیزشی برای تحویل اراضی کارخانه به شهرداری برای احیای اراضی و تعیین کاربری مناسب.

ج: سیاست‌گذاری‌های خرد و کلان مدیریتی شامل یک عامل بحرانی:

- استفاده از موقعیت جغرافیایی مشهد و افزایش جمعیت زائر و گردشگر در آینده و لزوم استفاده از این اراضی برای کاربری‌های رفاهی و اقامتی.
- و در نهایت زیرساخت‌های حقوقی شامل یک عامل بحرانی:
- وجود مقررات سخت‌گیرانه محیط‌زیست در چند سال اخیر در قالب بخشنامه‌ها و قوانین و مقررات شهری.

۵. ۷. بررسی معناداری پیشران‌های بحرانی

در این مرحله داده‌های مربوط به عوامل بحرانی (عواملی که میانگین درجه تأثیرگذاری و عدم قطعیت آنان بیشتر از ۴ بوده است) تعیین‌شده در گام قبل، با استفاده از آزمون تی تک‌نمونه بررسی می‌شوند و عواملی که در دو بعد اثرگذاری و عدم اطمینان میزان معناداری آنان کمتر از $\text{sig}=0.025$ باشد، معناداری آنان تأیید می‌شود و به‌عنوان پیشران‌های بحرانی سناریو تعیین می‌شوند. عواملی که حداقل در یک بعد اثرگذاری و درجه عدم اطمینان $\text{sig}=0.025$ هستند، معناداری آنان رد می‌شود و در قالب پیشران‌های مهم سناریو بررسی می‌شوند. آنچه در جدول ۶ بررسی‌شدنی است، بیانگر نتایج حاصل از آزمون استنباطی تی تک‌نمونه برای شناسایی پیشران‌های بحرانی و مهم سناریو است که تشریح‌شدنی است.

جدول ۶- نتایج آزمون T برای عوامل بحرانی

عامل کلیدی	عوامل مؤثر		میانگین		نمره آزمون t		سطح معناداری (Sig)	
	گویه		اثر گذاری	عدم اطمینان	اثر گذاری	عدم اطمینان	اثر گذاری	عدم اطمینان
کارخانه‌های گردشگری منطقه اقتصادی	افزایش قیمت زمین در آینده و بورس‌بازی در زمین‌های قهوه‌ای از سوی دلالان		۴,۴۲	۴,۲۵	۱,۱۲	۰,۳۰۸	۰,۲۶۶	۰,۷۵۹
	ایجاد پروژه‌های تجاری جدید در اراضی کارخانه قند از طرف متولیان کارخانه		۴,۳۴	۴,۲۳	۳,۸۱	۱,۸۱	۰,۰۰۰	۰,۰۱۵

عامل کلیدی	عوامل مؤثر	میانگین		نمره آزمون t		سطح معناداری (Sig)	
		اثربخشی	عدم اطمینان	اثربخشی	عدم اطمینان	اثربخشی	عدم اطمینان
توسعه اراضی زیست‌محیطی مشارکت‌های باز	گویه	اثربخشی	عدم اطمینان	اثربخشی	عدم اطمینان	اثربخشی	عدم اطمینان
	فراهم سازی منابع درآمدی جدید برای انتقال دائم کارخانه به بیرون شهر از طرف آستان قدس	۴,۱۶	۴,۰۸	۲,۵۳	-۹,۸۵	۰,۰۱۵	۰,۰۰۰
	ایجاد سیستم‌های انگیزشی برای تحویل اراضی کارخانه به شهرداری برای احیای اراضی و تعیین کاربری مناسب	۴,۲۱	۴,۰۲	۱,۹۶	۰,۱۴۲	۰,۰۵۵	۰,۸۸۸
	استفاده از موقعیت جغرافیایی مشهد و افزایش جمعیت زائر و گردشگر در آینده و لزوم استفاده از این اراضی برای کاربری‌های رفاهی و اقامتی	۴,۱۷	۴,۰۷	۱,۴۷	۰,۵۷۴	۰,۱۵۱	۰,۵۶۹
توسعه اراضی زیست‌محیطی مشارکت‌های باز	وجود مقررات سخت‌گیرانه محیط‌زیست در چند سال اخیر در قالب بخشنامه‌ها و قوانین و مقررات شهری	۴,۲۷	۴,۱۰	۱,۹۵۶	۰,۶۲۵	۰,۰۵۶	۰,۵۳۴

شایان ذکر است، عوامل ذیل معناداری آن‌ها به دلیل $\text{sig}=0.025$ تأیید نشده است، اما به سبب اینکه از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان میانگین زیادی را کسب کرده‌اند، به عنوان عوامل مهم موثر بر کارخانه قند شناسایی شده و به عنوان پیشران‌های مهم سناریو تعیین می‌شوند:

- افزایش قیمت زمین در آینده و بورس‌بازی در زمین‌های قهوه‌ای از سوی دلالان؛
- ایجاد سیستم‌های انگیزشی برای تحویل اراضی کارخانه به شهرداری برای احیای اراضی و تعیین کاربری مناسب؛
- استفاده از موقعیت جغرافیایی مشهد و افزایش جمعیت زائر و گردشگر در آینده و لزوم استفاده از این اراضی برای کاربری‌های رفاهی و اقامتی؛
- وجود مقررات سخت‌گیرانه محیط‌زیست در چند سال اخیر در قالب بخشنامه‌ها و قوانین و مقررات شهری.

۵. ۸. تحلیل سناریوها

پس از شناسایی پیشران‌های بحرانی و مهم سناریو با استفاده از نظر متخصصان، در مرحله بعد پژوهش، منطق سناریو براساس پیشران‌ها تدوین می‌شود. منطق سناریو در مطالعه حاضر چون بر مبنای روش سناریو آینده مورد انتظار بود، آینده اصلی مورد انتظار که همان کاربری ترکیبی تعیین شده به وسیله کارشناسان است، به عنوان پایه اصلی قرار گرفت. با توجه به پیشران‌های به دست آمده سناریوها، کارشناسان در این مرحله با تحلیل‌های خود الزامات رسیدن به سناریوی مورد انتظار و پیامدهای آن را مشخص کردند و همچنین سناریوهای جایگزین را براساس ترکیب‌های متفاوت و متغیر پیشران‌ها تصویر سازی کردند. در مجموع، سه سناریو به شرح ذیل مشخص شد. در این راستا منطق سناریو به همراه پیشران‌های بحرانی در اختیار مصاحبه‌شوندگان متخصص قرار داده شد تا روند تغییرات پیشران‌های بحرانی سناریو براساس منطق سناریو را پیش‌بینی کرده و سناریوها را تدوین کنند. پس از تدوین سناریوها، از طریق همان متخصصان پیامدهای آن تفسیر شد. گفتنی است جامعه آماری این مرحله، شش نفر از کارشناسان، مدیران، مهندسین مشاور پارسوماش و فرهنگ و متخصصان دانشگاهی بودند.

۵. ۸. ۱. سناریوی مورد انتظار (سناریوی طلایی)

این سناریو دربردارنده دو پیشران اصلی یعنی فراهم سازی منابع درآمدی جدید برای انتقال دائم کارخانه و ایجاد پروژه‌های جدید با رویکرد ترکیبی در اطراف کارخانه بنا به ظرفیت‌ها و موقعیت آن‌هاست. شایان ذکر است که چهار پیشران دیگر نیز در تصویرسازی این سناریو نقش بازی می‌کنند.

در این سناریو و در افق ۱۴۰۴، شهر مشهد به عنوان دومین کلانشهر ایران و پایتخت معنوی جهان اسلام از موقعیت ویژه‌ای در جذب گردشگر برخوردار است. در این سناریو تمامی ظرفیت‌های شهر در جهت پاسخگویی درست و صحیح اعمال شده است؛ از این رو استفاده از موقعیت جغرافیایی مشهد و افزایش جمعیت زائر و گردشگر لزوم استفاده از اراضی راکد را برای کاربری‌های رفاهی و اقامتی اجتناب‌ناپذیر کرده است. از آنجاکه حجم وسیعی از این اراضی در شهر مشهد وجود دارد، در این سناریو در جهت کاربری مناسب برنامه‌ریزی شده

است که نه تنها اثرات رشد اقتصادی و پویایی اجتماعی را در پی داشته است، بلکه شرایطی برای جذب نیروی آماده به کار و کاهش مشکلات ترافیکی فراهم آورده است و از چندقطبی شدن شهر نیز جلوگیری کرده است. سرمایه‌گذاری در کاربری‌های تجاری و ایجاد پروژه‌های بزرگ این‌چنینی به دلیل بازگشت سود در کوتاه‌مدت، علایق بسیاری از سهام‌داران، ذی‌مدخلان و ذی‌نفعان پروژه را به همراه داشته است؛ از این‌رو در این سناریو سیستم‌های انگیزشی کارآمد برای تحویل اراضی کارخانه به شهرداری برای احیای اراضی و تعیین کاربری مناسب از سوی متولیان کارخانه به‌خوبی انجام شده است و گامی بزرگ در جهت تحقق اهداف پیشرو برداشته است. در این سناریو، مدیریت شهری با همکاری مردم و ذی‌نفعان پروژه، بعد سرمایه‌گذاری و احیای یک منظر را در دستور کار خود قرار داده است که این پروژه نه تنها توانسته است نیازهای مردمی را پاسخگو باشد بلکه تبادل همکاری با سایر نهادهای بین‌بخشی را در پی داشته است. در این سناریو آستان قدس با شهرداری به عنوان ذی‌مدخلان این پروژه همکاری مناسبی داشته است که می‌توان به تحقق مدیریت یکپارچه در شهر مشهد امیدوارتر بود. اینگونه تبادل همکاری‌ها می‌تواند تأثیرات مهمی داشته باشد که اگر به خوبی اجرا نشود شاهد افزایش قیمت زمین در آینده و بورس بازی در زمین‌های قهوه‌ای از سوی دلالان خواهیم بود. در این سناریو کاربری مناسب تجاری-اداری که ماحصل یافته‌های این تحقیق است مورد استفاده قرار گرفته و در واقع این کاربری بزرگ مفیاس هم می‌تواند نقش تکمیلی خرده‌فروشی‌های اطراف کارخانه را تأمین کند و هم اینکه در بحث توزیع عدالت فضایی نیز میتواند سیریز جمعیت زائر را به این گونه محله‌ها و نواحی که سالها قسمت‌های از آنان در رکود رفته است احیا کند. از آنجاییکه در گذشته اراضی بالا دست کارخانه به دلیل زمین‌های رها و بایر در طول چند سال اخیر دارای ساخت و سازهایی در زمینه مسکونی بوده‌اند و اراضی پایین دست کارخانه دارای بافتی قدیمی با ساختمان‌ها و منازل ویلایی هستند به نظر می‌رسد وجود کارخانه توانسته بود در دو طرف خیابان دو بافت متضاد ایجاد کند و حال که کارخانه به کاربری تجاری-اداری تغییر پیدا کرده است می‌توان شاهد بافتی یکدست باشیم. بر اساس این سناریو به نظر می‌رسد تا سال ۱۴۰۰ شاهد تحولاتی این چنین در زمینه احیا کارخانه باشیم اما همواره یک مشکل بزرگ که بر سر راه بوده است:

عدم تمایل ذی نفعان اصلی کارخانه علی رغم تعهدات آنان بوده که وجود مقررات سخت گیرانه محیط زیست در چند سال اخیر در قالب بخش نامه ها و قوانین و مقررات شهری تا حدودی توانسته است کارخانه داران را مجاب به تعطیلی کند اما هنوز تاسیسات کارخانه انتقال پیدا نکرده است که با تحقق منابع درآمدی برای انتقال تمامی شرایط ممکن خواهد بود. این فرایند از چالش های تحقق سناریوی مطلوب خواهد بود.

۵. ۸. ۲. سناریوی پایه (تداوم شرایط در حال حاضر)

بازشناسی جریان رایج و حاکم بر روند موجود کارخانه بیانگر ماندگاری صنایع سبک و لوازم کارخانه در محدوده و تمایل نداشتن آستان قدس برای انتقال دائم این تأسیسات به بیرون از شهر و همچنین نبود نیاز به ایجاد پروژه های جدید در حال حاضر است. تداوم گرایش ها در انطباق با شرایط حاکم با ادامه روند موجود، جریان ذیل را شکل می دهد:

در این سناریو پیشنهاد ابقای کاربری صنعتی در این اراضی در حالی است که تصویب نامه هیئت وزیران راجع به ضوابط و معیارهای استقرار صنایع، بر خروج صناعی از این دست از شهرها تأکید دارد. به نظر برخی کارشناسان، استقرار این کارخانه در درون بافت شهری می تواند به نارضایتی های مردمی و تغییر ذهنیت آنان به اقدامات آستان قدس در آینده منجر شود. از آنجاکه شهرداری منطقه ۲ از دو بافت برخوردار و غیربرخوردار شکل گرفته است و بیشترین وسعت اراضی از لحاظ بزرگی در بین دیگر مناطق را داراست، این امر باعث می شود که قیمت زمین نسبت به دیگر مناطق از لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه باشد؛ به طوری که نتایج مصاحبه با کارشناسان املاک در منطقه ۲ بیانگر قیمت متوسط هر متر زمین در ازای ۵۰۰۰۰۰ تومان بوده است. این امر خود باعث جذب ساکنان دیگر مناطق و مردم به این حوزه می شود. از آنجاکه ناحیه ۴ شهرداری منطقه ۲ یک ناحیه برخوردار محسوب می شود، افراد برای سکونت، بیشتر این ناحیه را مدنظر قرار می دهند و در این شرایط اراضی پشت میدان جانباز به عنوان بهترین پهنه برای سکونت افراد انتخاب می شود؛ این در حالی است که در طرح جامع جدید، اختصاص زمین های محدوده به پهنه مسکونی پیشنهاد شده است؛ بنابراین

طبق بررسی‌های انجام‌شده، استقرار کاربری مسکونی در این محدوده به ناسازگاری کاربری صنعتی و مسکونی منجر شده است.

از طرف دیگر، در صورتی که استفاده از موقعیت جغرافیایی شهر مشهد و افزایش جمعیت زائر و گردشگر در آینده و لزوم استفاده از این اراضی برای کاربری‌های رفاهی و اقامتی، به ایجاد سیستم‌های انگیزشی برای تحویل اراضی کارخانه به شهرداری برای احیای اراضی و تعیین کاربری مناسب تا افق زمانی ۱۴۰۴ منجر نشود، به‌زودی شاهد افزایش قیمت زمین در آینده و بورس‌بازی در زمین‌های قهوه‌ای از سوی دلالان خواهیم بود.

با افزایش قیمت زمین در اراضی محدوده به‌دلیل مناسب‌بودن شبکه ارتباطی شطرنجی در محدوده و قرارگیری کارخانه در پشت بلوار جانباز به‌عنوان یک ناحیه برخوردار در شهر مشهد، گرایش به توسعه در عمق محدوده مشاهده می‌شود و باعث پراکندگی ساخت و سازهای در اطراف کارخانه به‌صورت جزیره‌ای و بی‌نظم خواهد شد. از آنجاکه فعالیت‌های مبنی بر صدور مقررات سخت‌گیرانه محیط‌زیست در چند سال اخیر در قالب بخشنامه‌ها و قوانین و مقررات شهری برای کارخانه وجود داشته است، این احتمال می‌رود که اگر شاهد حرکتی (مثبت و جهت‌دار) در هریک از پیشران‌های تأثیرگذار نباشیم و روند موجود ادامه پیدا کند، صاحبان و مالکان کارخانه به‌عنوان مهم‌ترین ذی‌نفعان هیچ‌گونه انگیزه‌ای برای انتقال نداشته باشند و روند در حال حاضر کارخانه در شرایط موجود که کاربری صنعتی است، باقی بماند.

۵. ۸. ۳. سناریوی رکود

اصولاً تمایلات منفی ذی‌نفعان می‌تواند موجب توقف در روند اجرای پروژه شود. این توقعات به افزایش هزینه‌ها و تمام‌نشدن پروژه در زمان مقرر و طبق برنامه زمان‌بندی پروژه منجر خواهد شد و ایجاد تنش در مراحل طراحی و اجرایی به دنبال خواهد داشت.

در طی چند دهه گذشته، آگاهی گسترده و تمایل بسیاری به موضوع مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها و سازمان‌ها به وجود آمده است که برخی از این تعهدات در کارخانه‌های صنعتی شهر مشهد از جمله کارخانه قند آبکوه صورت گرفته است. در این بین، ذی‌نفعان کارخانه با اعمال فشار بر مدیریت کارخانه، آنان را به شرایط مختلف مسئولیت‌های مدیریتی،

اجتماعی و... مجبور می‌کنند. در صورتی که کارخانه قادر به پاسخگویی به انتظارات آن‌ها نباشد یا از لحاظ اقتصادی قادر به ادامه حیات خود در مکان جدید نباشد، تأثیرات منفی این فشار آشکار خواهد شد و پروژه در جهت کاربری ناسازگار سوق داده خواهد شد. همچنین فشارهای منفی ذی‌نفعان، علاوه بر اینکه هزینه‌های زیادی در جهت انتقال کارخانه توسط آستان قدس به‌عنوان بانی و سهام‌دار پروژه ایجاد می‌کند، باعث ایجاد کاربری ناسازگار در منطقه نیز می‌شود و علاوه بر تضییع حقوق شهروندان، موجب ایجاد چالش‌هایی در سطح ذی‌مدخلان کارخانه می‌شود.

۵. ۹. راهبردهای رسیدن به سناریوی مطلوب

برای توسعه سناریوها، بررسی پیامدها و همچنین تعیین راهبردها از ابزار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۶ نفر از کارشناسان و مدیران و مهندسین مشاور پارسوماش و فرهاد و متخصصین دانشگاهی استفاده شد.

اهداف کلان: رسیدن به سناریوی مطلوب و تحقق نیروهای پیشران در جهت یکدیگر برای بازتوسعه مطلوب اراضی قهوه‌ای کارخانه قند.

مسائل استراتژیک: در حال حاضر در محدوده بیرونی اطراف کارخانه بستر مناسبی برای رشد سریع سکونت و فعالیت در قالب پروژه‌های مجتمع‌های مسکونی نوساخت وجود دارد. شدت استفاده از اراضی خالی در حال افزایش است و وجود کارخانه با کاربری صنعتی با فضای پیرامونی در حال شکل‌گیری قرابت نامتعارف ایجاد می‌کند.

راهبردها عبارت‌اند از:

- ایجاد چند خوشه تجاری در محدوده طرح؛
- اولویت‌دادن به توسعه کاربری‌های ویژه تجاری در محدوده طرح؛
- حذف امکانات و جذابیت‌های محدوده برای توسعه سکونت (راهبرد رقابتی)؛
- رای‌زنی و همکاری مدیریت شهری، اصناف و صاحبان سرمایه در شهر مشهد برای ایجاد کاربری‌های بزرگ‌مقیاس تجاری (راهبرد محافظه‌کارانه)؛
- ایجاد تسهیلات و حمایت‌های لازم به‌منظور ترغیب و حصول اطمینان از سود ناشی از سرمایه‌گذاری در اراضی قهوه‌ای؛

- فراهم کردن بستر مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری؛
- حمایت از سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی در مقیاس‌های کوچک و متوسط؛
- ایجاد شرایطی برای تعامل آستان قدس با سازمان‌های غیردولتی و گروه‌های محلی (ذی‌مدخلان پروژه)؛
- مکان‌یابی کاربری‌ها با توجه به سازگاری و هم‌جواری آن‌ها.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که شش عامل بحرانی از جمله افزایش قیمت زمین در آینده و بورس‌بازی در زمین‌های قهوه‌ای از سوی دلالان، ایجاد پروژه‌های تجاری جدید در اراضی کارخانه قند از طرف متولیان کارخانه، فراهم‌سازی منابع درآمدی جدید برای انتقال دائم کارخانه به بیرون شهر از طرف آستان قدس، ایجاد سیستم‌های انگیزشی برای تحویل اراضی کارخانه به شهرداری برای احیای اراضی و تعیین کاربری مناسب، استفاده از موقعیت جغرافیایی مشهد و افزایش جمعیت زائر و گردشگر در آینده و لزوم استفاده از این اراضی برای کاربری‌های رفاهی و اقامتی و وجود مقررات سخت‌گیرانه محیط‌زیست در چند سال اخیر در قالب بخشنامه‌ها و قوانین و مقررات شهری در باز توسعه اراضی قهوه‌ای کارخانه قند آبکوه مشهد، نقش اساسی ایفا می‌کنند. دو مؤلفه یعنی ایجاد پروژه‌های تجاری جدید در اراضی کارخانه قند از طرف متولیان کارخانه و فراهم‌سازی منابع درآمدی جدید برای انتقال دائم کارخانه به بیرون شهر از طرف آستان قدس، پس از تأیید سطح معناداری در آزمون تی تک‌نمونه به‌عنوان پیشران‌های بحرانی شناسایی شدند، اما از آنجاکه چهار عامل دیگر که از اهمیت و درجه تأثیرگذاری بیشتری برخوردار بودند، در تدوین سناریو مدنظر قرار گرفتند که موجب خلق سه سناریو در برنامه‌ریزی باز توسعه اراضی کارخانه قند آبکوه مشهد شدند:

- سناریوی طلایی: این سناریو دربردارنده دو پیشران اصلی یعنی فراهم‌سازی منابع درآمدی جدید برای انتقال دائم کارخانه و ایجاد پروژه‌های جدید با رویکرد ترکیبی در اطراف کارخانه بنا به ظرفیت‌ها و موقعیت آن‌هاست؛

• سناریوی پایه: تداوم گرایش‌ها در انطباق با شرایط حاکم با ادامه روند موجود است؛

• سناریوی رکود: تمایلات منفی ذی‌نفعان می‌تواند موجب توقف در روند اجرای پروژه شود. این توقعات به افزایش هزینه‌ها و تمام‌نشدن پروژه در زمان مقرر منجر خواهد شد.

در پایان راهبردهایی از جمله اولویت‌دادن به توسعه کاربری‌های ویژه تجاری در محدوده طرح، حذف جذابیت‌های محدوده برای توسعه سکونت (راهبرد رقابتی)، فراهم کردن بستر مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری در محدوده طرح و... برای رسیدن به سناریوی مطلوب (طلایی) ارائه شد.

با توجه به بررسی مبانی نظری و بررسی تفصیلی شهر مشهد، می‌توان پیشنهادهای زیر را برای بازتوسعه اراضی کارخانه قند آبکوه ارائه کرد:

۱- اراضی قهوه‌ای بسیاری در شهر مشهد وجود دارد که می‌تواند به‌عنوان نقطه قوت در توسعه شهری مشهد مطرح باشد و مانع از گسترش افقی شهر در اراضی سبز حاشیه‌ای شود؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود، برنامه‌ای جامع برای استفاده از آن‌ها تهیه شود؛

۲- با توجه به بررسی‌های انجام‌شده و مصاحبه با کارشناسان و مدیران، اصلی‌ترین پیشنهاد این است که اراضی کارخانه قند آبکوه به کاربری ترکیبی تجاری-اداری اختصاص یابد؛

۳- با توجه به اینکه دیدگاه‌های اقتصادی در جایگزینی کارخانه غلبه دارند، پیشنهاد می‌شود از شهروندان و ساکنان نظرخواهی شود تا مانع از تبدیل شدن اراضی کارخانه به بنگاه اقتصادی شود.

کتاب‌نامه

۱. پناهی، ر.، و زیاری، ک. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر فعالیت‌های کشت و صنعت بر شهر نوبنیاد پارس آباد. مجله پژوهش‌های جغرافیایی/انسانی، (۷۰)، ۱-۱۴.
۲. حسین زاده دلیر، ک.، و هوشیار، ح. (۱۳۸۵). دیدگاه‌ها، عوامل و عناصر مؤثر در توسعه فیزیکی شهرهای ایران. مجله جغرافیایی و توسعه ناحیه‌ای، (۶)، ۲۲۶-۲۱۳.

۳. حسینی، ه.، و سلیمانی مقدم، ه. (۱۳۸۵). توسعه شهری و تضعیف مفاهیم محله‌ای. *فصلنامه مسکن و انقلاب*، (۱۱۳)، ۴۱-۲۸.
۴. خوش سیما، م.، و اصغری زمانی، ا. (۱۳۹۹). بررسی نقش توسعه میان افزا در اصلاح بافت های فرسوده شهری (مطالعه موردی: محله حکم آباد تبریز). *نشریه علمی جغرافیا و برنامه‌ریزی*، ۲۴ (۷۲)، ۲۰۴ - ۸۳.
۵. رضوی، م. م. (۱۳۹۰). *برنامه‌ریزی پایدار اراضی قهوه‌ای شهری*، نمونه موردی اراضی پادگان لشگر ۷۷ شهر مشهد. (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری). دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
۶. رهنما، م. ر. عباس زاده، غ. (۱۳۸۷). *اصول، مبانی و مدل های فرم کالبدی شهر*: چاپ اول. مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۷. رهنما، م. ر.، و معروفی، ا. (۱۳۹۴). *سناریونگاری در مطالعات شهری و منطقه ای (مفاهیم، روش ها و تجارب)* (چاپ اول). مشهد: مرکز پژوهش های شورای اسلامی شهر مشهد.
۸. زالی، ن. (۱۳۹۰). *آینده نگاری راهبردی و سیاست گذاری منطقه ای با رویکرد سناریو نویسی*. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، (۴)، ۵۴-۳۳.
۹. زیاری، ک. (۱۳۸۲). *تحولات اجتماعی/ فرهنگی ناشی از انقلاب صنعتی در توسعه فضایی تهران*. *مجله جغرافیا و توسعه*، (۱)، ۱۶۴-۱۵۱.
۱۰. سعیدی رضوانی، ن.، و کاظمی، د. (۱۳۹۰). *بازشناسی چارچوب توسعه درون زا در تناسب با نقد سیاست های جاری توسعه مسکن (مسکن مهر) نمونه موردی: شهر نطنز. پژوهش های جغرافیای انسانی*، (۷۵)، ۱۳۲-۱۱۳.
۱۱. شوگیل، چ. (۱۳۸۱). *آینده توسعه شهری برنامه‌ریزی شده در جهان سوم: جهت گیری های نو (ش. مهدوی، مترجم)*. *مجله هفت شهر*، (۹)، ۱۰، ۴۳-۵۵.
۱۲. شیعه، ا. (۱۳۸۷). *مقدمه ای بر مبانی برنامه‌ریزی شهری (چاپ بیست و دوم)*. تهران: دانشگاه علم و صنعت.
۱۳. فرامرزی، م.، و مستوفی، و. (۱۳۹۸). *توسعه بر مبنای پر کردن فضاهای خالی در شهر درون افزا (نمونه موردی: کلانشهر تبریز)*. مقاله ارائه شده در همایش ملی توسعه پایدار، تبریز.
۱۴. مثنوی، م. (۱۳۸۲). *توسعه پایدار و پارادایم های جدید توسعه شهری: «شهر فشرده» و «شهر گسترده»*. *فصلنامه محیط شناسی*، (۳۰)، ۸۹-۱۰۴.

۱۵. مستوفی، و.، فرامرزی، م.، و درسخوان، ر. (۱۴۰۰)، تحلیلی بر پیشران های مؤثر بر الگوی مطلوب توسعه میان افزا و مدیریت اراضی قهوه‌ای، نمونه موردی: کلانشهر تبریز. نشریه علمی جغرافیا و برنامه‌ریزی، (۷۶)، ۲۸۹-۲۷۹.
۱۶. مظفری، غ.، و اولی زاده، ا. (۱۳۸۷). بررسی وضعیت توسعه فیزیکی شهر سقز و تعیین جهات بهینه توسعه آتی آن، مجله محیط شناسی، (۴۷)، ۲۰-۱۱.
17. Allan, A., Barbour, E., Nicholls, R., Hutton, C., Lim, M., Salehin, M., & Rahmane, M. (2022), Developing socio-ecological scenarios: A participatory process for engaging stakeholders. *Science of the Total Environment*, (807), 1-12.
18. Allan, S. (2001). *Managing Maryland's Growth: Models and Guidelines for Infill Development*. Retrieved from [https:// planning. maryland. gov/ Documents/ Our Products/ Archive/ 72195/ mg23-Infill-Development](https://planning.maryland.gov/Documents/OurProducts/Archive/72195/mg23-Infill-Development)
19. Baing, A. (2010). Containing urban sprawl, comparing brownfield reuse policies in England and Germany. *International Planning Studies*, (15), 25-35.
20. Couch, C., & Karech, J. (2017). *The Consequences of urban sprawl: A case study of wirral, Merseyside*. John Moores University.
21. Hollander, J., Kirkwood, N., & Gold, J. (2010). *Principles of Brownfields regeneration: Cleanup. design. and reuse of derelict land*. Island Press
22. Hudnut, W. (2010). Comment on J. Terence Farris's "Barriers to using urban infill development to achieve smart growth". *Housing Policy Debate*, (12), 41-45.
23. ICMA. (2000). *Brownfields redevelopment: A guidebook for local governments and communities*. International City/County Management Association.
24. Kim, J. (2016). Achieving mixed income communities through infill? The effect of infill housing on neighborhood income diversity. *Urban Affairs*, (38), 280-297.
25. Kok, K., Pedde, S., Gramberger, M., Harrison, P., & Holman, I. (2019). New European socioeconomic scenarios for climate change research: operationalising concepts to extend the shared socio-economic pathways. *Regional Environmental Change*, (19), 643-654.
26. Page, G., & Berger, R. (2006). Characteristics and land use of contaminated brownfield properties in voluntary cleanup agreement programs. *Land Use Policy*, (23), 551-559.
27. Pence, J. (2015). *Measuring Omaha, Nebraska's Urban Sprawl from 1990-2000* (Unpublished master's thesis). Omaha, Nebraska.
28. Ratcliffe, J., & Krawczyk, E. (2011). Imagineering city futures: The use of prospective through scenarios in urban planning, *Futures*, (43), 642-653.
29. Rea, J. A. (2003). *Incentives of redevelopment brownfield on urban land. In partial fulfillment of requirements* (Unpublished master's thesis). University of Texas.

30. Ringland, G. (2006). *Scenario planning: Managing for the future*. Durchschnittliche Kundenbewertung.
31. Ringland, G. (2006). *Scenario planning: Managing for the future*. Durchschnittliche Kundenbewertung.
32. Rothman, D. S. (2008). A survey of environmental scenarios. In: Alcamo, J. (1 st Ed.), *Environmental futures: The practice of environmental scenario analysis* (pp. 37-65). Elsevier.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

doi : <https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2022.48944.0>

مقاله پژوهشی - مطالعه موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال نوزدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۳۷

سنجش عملکرد جامع عملکرد تعاونی‌های تولید روستایی (مورد نمونه: استان اصفهان)

مریم نجفی (پژوهشگر پسادکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران)

maryam_najafi1985@yahoo.com

سیدهدایت‌اله نوری (استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، نویسنده مسئول)

h.nouri@geo.ui.ac.ir

امیر مظفر امینی (دانشیار توسعه روستایی، دانشگاه صنعتی اصفهان، اصفهان، ایران)

aamini@cc.iut.ac.ir

صص ۵۴ - ۳۳

چکیده

شناخت عملکرد تعاونی‌های تولید روستایی به عنوان یکی از مهم‌ترین تشکلهای مردمی در بخش کشاورزی می‌تواند نقش بسیار مهمی در تصمیم‌گیری مدیران و برنامه‌ریزان روستایی به منظور اتخاذ تصمیم مناسب در راستای توسعه تعاونی‌ها داشته باشد. هدف این پژوهش طراحی ابزار سنجش -محقق ساخته- جامعی به منظور ارزیابی عملکرد تعاونی‌های تولید روستایی استان اصفهان است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسش‌نامه است. ارکان تعاونی‌های تولید روستایی استان اصفهان (مجمع عمومی، هیئت مدیره، بازرس یا بازرسان) جامعه آماری پژوهش را تشکیل می‌دهد. داده‌های مورد نیاز با تکمیل پرسشنامه توسط ۳۷۵ نفر از ارکان تعاونی‌های تولید روستایی جمع‌آوری شد. روایی محتوا و روایی سازه هفت بعدی عملکرد جامع و نیز پایایی آن بررسی و تأیید شد. در این پژوهش از مدل تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد و شاخص‌های به‌دست‌آمده (RMSEA برابر با ۰/۰۶۸، CFI برابر با ۰/۹۸۷ و TLI برابر با ۰/۹۷۶) حاکی از

برازش مطلوب مدل بود. در این تحقیق عملکرد تعاونی‌های تولید روستایی استان اصفهان به تفکیک شهرستان با استفاده از ابزار سنجش محقق ساخته بحث شده، بررسی شده است. نتایج تحقیق بیانگر این بود که در میان ابعاد هفت‌گانه عملکرد، بعد بهبود وضعیت معیشتی و ارتقای توان اقتصادی اعضا بیشترین نقش را در ارزیابی عملکرد تعاونی‌ها داشته و نیز ابزار سنجش، توانایی پیش‌بینی عملکرد مالی تعاونی‌ها را داشته است. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که در حدود ۶۳/۶ درصد آن‌ها عملکرد خوبی داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: تعاونی‌های تولید روستایی، ابعاد عملکرد، عملکرد جامع، تحلیل عاملی تأییدی.

۱. مقدمه

در کشور ما نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی تحت تأثیر تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و تاریخی شکل گرفته است. نظام غالب بهره‌برداری در بخش کشاورزی کشور، دهقانی به‌جای‌مانده از اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۲ است. ویژگی عمده این نظام در ایران، خردی و پراکندگی اراضی آن است که برای حفر چاه یا احداث سیستم‌های آبیاری زیر فشار قابل سرمایه‌گذاری نیست (روحانی، ۱۳۸۴، ص. ۵۵).

یکی از مؤثرترین راهکارها برای افزایش مشارکت افراد روستایی که روند توزیع را نیز عادلانه می‌کند، تأسیس و راه‌اندازی تشکلهای گوناگون مانند تعاونی‌هاست. با توجه به اینکه در بسیاری از کشورها (به‌ویژه کشورهای در حال توسعه) ایجاد تحول بنیادین در کار کشاورزی و مکانیزه کردن آن نیازمند به‌کارگیری ماشین‌های گران‌بهای کشاورزی و سرمایه‌گذاری سنگین است، امروزه کشاورزان در بسیاری از نقاط جهان با همفکری و همکاری یکدیگر و استفاده از پس‌اندازهای کوچک خود، به وسیله تأسیس شرکت تعاونی توانسته‌اند بهترین سیستم ماشین‌های کشاورزی را به صورت گروهی خریداری کنند (آزادی و کرمی، ۱۳۸۰، ص. ۳۵). بعد از اصلاحات ارضی و در ابتدای دهه ۱۳۵۰، دولت در راستای افزایش تولیدات کشاورزی، یکدست کردن کشت با توجه به حفظ مالکیت فردی بر زمین، توسعه

برنامه‌ریزی در کشاورزی، استفاده بهینه از منابع آب و خاک و بهبود سطح زندگی روستاییان، گشایش شرکت‌های تعاونی تولید روستایی را هدف قرار داد (صفری شالی، ۱۳۸۱، ص. ۶۵). براساس آخرین اطلاعات سازمان تعاون روستایی استان اصفهان، درمجموع در استان اصفهان ۵۵ شرکت تعاونی تولید روستایی گزارش شده است که از میان آن‌ها ۴۳ تعاونی فعال و بقیه غیرفعال هستند (سازمان تعاون روستایی، ۱۳۹۵). شناخت عملکرد تعاونی‌های تولید روستایی استان اصفهان نیازمند طراحی ابزار سنجش جامعی است که توانایی سنجش عملکرد تعاونی‌های تولید روستایی را داشته باشد. ابزار سنجش جامع که از پایایی و روایی مطلوب برخوردار باشد، قادر به ارزیابی مطلوب عملکرد تعاونی‌ها خواهد بود که به دستیابی به شناخت کاملی از چگونگی عملکرد تعاونی‌های تولید روستایی منجر خواهد شد. در این راستا در این پژوهش تلاش می‌شود ابزار سنجش محقق‌ساخته جامعی به منظور ارزیابی عملکرد تعاونی‌های تولید روستایی استان اصفهان طراحی شود. هدف این پژوهش دستیابی به پاسخ پرسش‌های زیر است:

- عملکرد تعاونی‌های تولید روستایی در چه ابعادی سنجیده می‌شوند؟
- آیا ساختار به دست آمده از روایی و پایایی لازم برخوردار است؟
- اهمیت این ابعاد در عملکرد تعاونی‌های تولید روستایی چقدر است؟

تعاونی‌های تولید روستایی در زمینه‌های متنوع به‌ویژه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فنی، زیست‌محیطی، بازدهی نیروی کار، سود سرانه و جلب رضایت کشاورزان جایگاه مناسبی دارند. در تعاونی تولید تملک از تصرف و این دو از مدیریت مزرعه جدا نیست و درواقع وحدت سه اصل مالکیت، حاکمیت و عاملیت در سطح مزرعه حفظ می‌شود (محبوبی و آبیاری، ۱۳۹۰، ص. ۲۱۹). این قبیل تعاونی‌ها اهداف متعددی را برای کشاورزان برآورده می‌کنند که عبارت‌اند از: یکپارچه‌سازی کشت و ایجاد یک واحد اقتصادی بزرگ و گسترده‌ی تولید، تجمع توانایی‌های پراکنده و ایجاد روحیه همکاری و مشارکت در کار و تولید، جلوگیری از خرد شدن مجدد واحدهای تولیدی و... (صفری شالی، ۱۳۸۰، ص. ۲۱۸).

با توجه به اهمیتی که تعاونی‌های تولید روستایی در بخش کشاورزی، توسعه روستایی و توسعه ملی دارند، ارزیابی عملکرد آن‌ها نقش بسیار مهمی در تصمیم‌گیری‌های مدیران و

برنامه‌ریزان مناطق روستایی خواهد داشت؛ از این رو دستیابی به ابزاری برای سنجش جامع عملکرد تعاونی‌های تولید روستایی بسیار مهم و حیاتی به نظر می‌رسد. ابزاری که تمامی ابعاد عملکرد را در بر بگیرد و به طور جامع تمام عوامل مهم در سنجش عملکرد را در نظر بگیرد و از روایی و پایایی لازم نیز برخوردار باشد. در صورت دستیابی به چنین ابزار جامعی امکان استفاده از آن برای سنجش جامع عملکرد تعاونی‌های تولید روستایی در مکان‌های جغرافیایی مختلف اعم از ملی و بین‌المللی فراهم خواهد شد و محققان خواهند توانست با اطمینان خاطر این ابزار سنجش را برای ارزیابی عملکرد تعاونی‌های تولید روستایی منطقه خود به کار گیرند.

۲. پیشینه تحقیق

در راستای این تحقیق، مطالعات متعددی در داخل و خارج از کشور صورت گرفته است. جدول ۱ به بررسی مهم‌ترین مطالعات انجام‌شده درباره ارزیابی عملکرد تعاونی‌های تولید روستایی در سالهای اخیر می‌پردازد.

جدول ۱- ادبیات تحقیق پیرامون ارزیابی عملکرد تعاونی‌های تولید روستایی

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶

نام نویسندگان و سال	عنوان تحقیق	یافته‌های تحقیق
نجفی (۱۳۶۱)	بررسی برخی اثرات تأسیس شرکت‌های تعاونی تولید در شهرستان ممسنی	تعاونی‌های تولید روستایی در زمینه‌های اقتصادی موفقیت‌های چندی داشته‌اند.
آقاجانی ورزنه (۱۳۸۰)	بررسی و ارزیابی فعالیت‌های شرکت‌های تعاونی تولید روستایی استان اصفهان (۷۱-۱۳۵۱)	تعاونی‌های تولید روستایی در راه رسیدن به اهداف تعیین شده موفق نبوده‌اند.
صدیقی و درویشی‌نیا (۱۳۸۱)	بررسی میزان موفقیت شرکت‌های تعاونی تولید روستایی استان مازندران	۴۲/۹٪ از کشاورزان میزان موفقیت شرکت‌های تعاونی را خوب و عالی و ۴۰/۹٪ از اعضا میزان موفقیت شرکت‌ها را در حد متوسط ارزیابی کردند.
احمدی فیروزجانی، صدیقی و محمدی (۱۳۸۵)	مقایسه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی کشاورزان عضو و غیرعضو تعاونی-های تولید روستایی	تعاونی‌های تولید روستایی به اجرای بهتر برنامه‌های توسعه روستایی و کشاورزی، افزایش میزان همکاری جمعی و مشارکت در اجرای برنامه‌های توسعه منجر شده‌اند.

نام نویسندگان و سال	عنوان تحقیق	یافته‌های تحقیق
میردامادی و چهارسوقی‌امین (۱۳۸۶)	بررسی نقش تشکلهای تولیدی در بهبود وضعیت اقتصادی اعضای تعاونی‌های تولید روستایی (مطالعه موردی استان ایلام)	تعاونی‌ها به بهبود وضعیت اقتصادی اعضای آنها منجر شده‌اند.
محسن‌پور (۱۳۸۷)	بررسی عملکرد طرح‌های آب و خاک در چاه‌های شرکت تعاونی تولید روستایی	در اثر اجرای طرح ۶۰٪ در میزان آب مورد نیاز صرفه جویی شده است؛ همچنین میزان بهره‌وری فیزیکی و اقتصادی محصول افزایش یافته است.
احمدپور، مختاری و پورسعید (۱۳۹۳)	شناسایی عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونی‌های تولید کشاورزی در استان ایلام	میزان موفقیت تعاونی‌های تولید کشاورزی این استان در سطح خوب و مناسب قرار دارد.
امینی، مزینی و قدیمی (۱۳۹۴)	ارزیابی تطبیقی موفقیت شرکت‌های تعاونی تولید روستایی با دیگر نظام- های بهره‌برداری کشاورزی	تعاونی‌های تولید روستایی از نظر شاخص‌های اجتماعی و فنی توانسته‌اند عملکرد بهتری در مقایسه با دیگر نظام- های بهره‌برداری داشته باشند و از نظر شاخص‌های اقتصادی و مدیریتی پس از نظام تجاری قرار گرفته‌اند.
هادیزاده‌باز و بوذرجمهری (۱۳۹۵)	بررسی نقش تعاونی‌های تولید روستایی در افزایش توانمندی فنی و اقتصادی کشاورزان مناطق روستایی شهرستان نیشابور	تعاونی‌ها در افزایش توانمندی اقتصادی کشاورزان توانسته‌اند نقش مهمی را ایفا کنند. دولت باید با حمایت های مالی و تخصصی از تعاونی‌های تولید، زمینه توانمندی اقتصادی اعضای تعاونی‌ها را فراهم کند.
فاریابی و احمدوند (۱۳۹۶)	تعیین‌کننده‌های عملکرد تعاونی‌های تولید روستایی در جنوب استان کرمان	عملکرد این تعاونی‌ها در سطح نسبتاً مطلوبی (۳/۴۰) بوده است؛ همچنین نتایج تحقیق حاکی از سازگاری و تطابق نسبی فعالیت‌های خدماتی تعاونی با نیاز کشاورزان عضو بوده است.
باقری، امامی و محمدزاده نصرآبادی (۱۳۹۶)	سنجش کیفیت خدمات تعاونی‌های تولید روستایی شهرستان اردبیل به روش سرو کوال	کیفیت خدمات ارائه‌شده توسط این تعاونی‌ها هنوز تا دستیابی به وضعیت مطلوب فاصله داشته و کیفیت خدمات تعاونی‌ها نیاز به بهبود و ارتقا داشته است.
پرهیزکاری و بدیع برزین (۱۳۹۶)	ارزیابی عوامل مؤثر بر کارایی اقتصادی تعاونی‌های تولید روستایی ناحیه الموت	کارایی عملکرد تعاونی‌های تولید روستایی را در سطح متوسطی (۷۹ درصد) ارزیابی کردند.
آکوابی آمیای ^۱ (۱۹۹۷)	درس‌هایی از استراتژی توسعه کشاورزی ناموفق در زیمبابوه	عملکرد آنها را ناموفق ارزیابی کرد و علت عملکرد ناموفق این تعاونی‌ها را فرهنگ سازمانی دانست که بر

نام نویسندگان و سال	عنوان تحقیق	یافته‌های تحقیق
		اعضا حاکم بوده که به موجب آن افراد تنها به دنبال تعقیب سود و منافع شخصی خود بودند.
هادیزاده‌باز، بوذرجمهری، شایان و نوغانی دخت بهمنی (۲۰۱۵)	ارزیابی عملکرد تعاونی‌های تولید روستایی بر توسعه کشاورزی پایدار (مطالعه موردی: نیشابور)	تعاونی‌ها در بسیاری از روستاها به طور نسبی موفق بوده‌اند و از نظر کمی (تعداد تعاونی‌ها) و از نظر کیفی (ارائه خدمات زیرساختی) در بالاترین مرتبه قرار گرفته‌اند.
سیسای، ورهیس و ون‌تریچپ ^۱ (۲۰۱۷)	تعاونی‌های تولید بذر در بخش تولید بذر اتیوپی و نقش آن در بهبود عرضه بذر	این تعاونی‌ها نقش حیاتی را در زمینه تأمین بذر ایفا می‌کنند. این تعاونی‌ها بذر را تولید می‌کنند و از طریق کانال‌های مختلف شامل فروش مستقیم به کشاورزان، توافق قراردادهای و نیز فروش مستقیم به خریداران به فروش می‌رسانند.
دونوان، بلر و پول ^۲ (۲۰۱۷)	پیدایش تعاونی‌های تولید کاکائو در پرو و عوامل مؤثر بر عملکرد آن‌ها	تعاونی‌ها توانسته‌اند خدمات زیادی را برای اعضای خود ارائه کنند؛ همچنین برای اعضای خود این امکان را فراهم کردند که تولیدات خود را در بازارهای بین‌المللی عرضه نموده و با خریداران بین‌المللی معامله کنند.
ممبوی و دوب ^۳ (۲۰۱۷)	نقش تعاونی‌ها در بقای معیشت جوامع روستایی زیمبابوه	کمیون‌های حمایت‌های مالی، مدیریت ضعیف، کمیون مهارت‌های مدیریتی و کمیون بازارهای رقابتی برای فروش تولیداتشان را از جمله موانع موفقیت این تعاونی‌ها برشمردند.
موجو، فیسچر و دگفا ^۴ (۲۰۱۷)	عوامل تعیین‌کننده و اثرات اقتصادی عضویت در تعاونی‌های تولید قهوه در اتیوپی	چنانچه تعاونی‌های تولید مزایایی را که برای اعضای خود فراهم می‌کنند افزایش دهند، خواهند توانست به عملکرد موفق‌تری دست پیدا کنند.

۳. روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و برای جمع‌آوری اطلاعات از روش‌های میدانی استفاده شده است. براساس آخرین اطلاعات اخذشده از سازمان تعاون روستایی

1. Sisay, Verhees & van Trijp
2. Donovan, Blare & Poole
3. Mhembwe & Dube
4. Mojo, Fischer & Degefa

استان اصفهان، تعداد کل شرکت‌های تعاونی تولید روستایی فعال استان ۴۳ شرکت بوده است که در مجموع ۱۷۱۵۷ نفر عضو (شامل مجمع عمومی، هیئت‌مدیره، بازرس یا بازرسان) و ۹۲۲۴۱ هکتار اراضی مزروعی را در بر می‌گیرند (سازمان تعاون روستایی استان اصفهان، ۱۳۹۵). تعداد ۱۷۱۵۷ نفر از مجموعه ارکان تعاونی‌های تولید روستایی استان اصفهان جامعه آماری پژوهش را تشکیل می‌دهد. حجم نمونه پژوهش با استفاده از فرمول کوکران با دقت ۵ درصد و اطمینان ۹۵ درصد ۳۷۵ نفر به دست آمد که از روش نمونه‌گیری پژوهش دومرحله‌ای طبقه‌ای خوشه‌ای تصادفی ساده انتخاب شدند؛ بدین گونه که در مرحله اول شهرستان‌های استان (طبقات) تعیین شدند و در مرحله بعد از میان خوشه‌ها که درواقع شرکت‌های تعاونی تولید هستند، به صورت تصادفی نمونه‌های مدنظر انتخاب شد. برای نمونه‌گیری دو اصل در نظر بود: اول اینکه از تمامی شهرستان‌هایی (طبقات) که دارای شرکت‌های تعاونی تولید روستایی هستند، نمونه در نظر گرفته شود و دوم اینکه در هر شهرستان به تعداد نصف تعداد شرکت‌ها، تعداد خوشه‌ها به صورت تصادفی ساده انتخاب شوند و در نهایت چنانکه در جدول ۲ آمده است، ۲۲ شرکت در نظر گرفته شد.

جدول ۲- وضعیت شرکت‌های تعاونی تولید روستایی استان اصفهان و نمونه‌های انتخابی

مأخذ: سازمان تعاون روستایی استان اصفهان، ۱۳۹۵

ردیف	شهرستان	تعداد شرکت	تعداد اعضا	تعداد شرکت انتخابی	تعداد نمونه‌ها انتخاب شده
۱	آران و بیدگل	۵	۱۵۲۹	۲	۳۴
۲	اصفهان	۱۹	۶۳۵۳	۹	۱۵۳
۳	برخوار	۵	۱۳۸۰	۲	۳۴
۴	تیران و کرون	۱	۳۵۹	۱	۱۷
۵	زرین‌شهر	۲	۲۱۵۱	۱	۱۷
۶	سمیرم	۱	۲۲۰	۱	۱۷
۷	شاهین‌شهر و میمه	۲	۱۶۵۴	۱	۱۷
۸	شهرضا	۱	۶۸	۱	۱۷

ردیف	شهرستان	تعداد شرکت	تعداد اعضا	تعداد شرکت انتخابی	تعداد نمونه‌ها انتخاب شده
۹	کاشان	۴	۲۵۳۹	۲	۳۴
۱۰	مبارکه	۲	۴۳۲	۱	۱۷
۱۱	نطنز	۲	۴۷۲	۱	۱۷

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، حجم نمونه پژوهش بر مبنای فرمول کوکران ۳۷۵ نفر به دست آمد و از آنجا که در کل استان ۲۲ شرکت باید در پرسشگری وارد می‌شد، تعداد نمونه لازم در هر شرکت، ۱۷ نفر تعیین شد که در هر شرکت به صورت تصادفی انتخاب شدند. از آنجا که جامعه آماری پژوهش ارکان تعاونی‌های تولید روستایی هستند، در هر شرکت ۵ نفر اعضای هیئت‌مدیره، یک نفر مدیرعامل، یک نفر بازرس و ده نفر از اعضا در مجموع به‌عنوان نمونه در نظر گرفته شد. با این روش تمامی شهرستان‌ها و تمامی مناصب سازمانی زیر پوشش کامل واریانس جامعه آماری قرار گرفتند.

۴. مبانی نظری تحقیق

ارزیابی عملکرد فرایندی است که به‌منظور آگاهی از عملکرد سازمان و ارائه بازخوردهای لازم برای بهبود و ارتقای عملکرد سازمانی انجام می‌شود. فقدان ارزیابی عملکرد، موجب بی‌اطلاعی مدیران از چگونگی انجام فعالیت‌های درون‌سازمانی و نیز شرایط حاکم بر محیط بیرونی سازمان می‌شود که این امر می‌تواند به کاهش کارایی و اثربخشی سازمان منجر شود؛ از این‌رو سازمان‌ها به‌منظور حصول اطمینان از تحقق برنامه‌های خود و همچنین رضایت ذی‌نفعان، باید با استفاده از روش‌های علمی و با به‌کارگیری شاخص‌های کمی و کیفی مناسب، عملکرد خود را پایش مستمر کنند (استیون^۱، ۱۳۹۲، ص. ۱۴). به‌منظور طراحی ابزاری برای سنجش جامع عملکرد تعاونی‌های تولید روستایی استان اصفهان، نخست باید منظور از «عملکرد جامع» مشخص شود. بدین منظور از اساسنامه تعاونی‌های تولید روستایی که توسط هیئت مدیره سازمان مرکزی تعاون روستایی کشور در تاریخ ۱۳۹۱/۲/۱۹ تصویب

1. Steven

شد (سازمان تعاون روستایی استان اصفهان، ۱۳۹۶)، استفاده شده است. بر مبنای اهداف مندرج در اساسنامه تعاونی‌های تولید روستایی، عملکرد تعاونی‌ها در شش بعد «اصلاح ساختار نظام بهره‌برداری و ارتقای بهره‌وری عوامل تولید»، «تخصیص و بهره‌برداری بهینه منابع»، «افزایش کمی و کیفی تولید محصولات»، «حفظ محیط‌زیست»، «بهبود وضعیت معیشتی» و «ارتقای توان اقتصادی اعضا و نیز فعالیت‌های خدماتی» ارزیابی شد (سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران، ۱۳۹۵). آموزش، زیرساختی مهم و حیاتی در نظام تعاون مطرح است. یک شرکت تعاونی بدون جنبه آموزشی در فعالیت‌های خود، یک تعاونی واقعی محسوب نمی‌شود. درواقع، یک شرکت تعاونی بدون آموزش خصوصیات و مشخصاتی را از دست می‌دهد که معرف تعاون است. تعاون و آموزش مکمل و لازم و ملزوم یکدیگرند؛ به‌طوری‌که هیچ نوع تعاونی بدون آموزش نمی‌تواند به موفقیت دست یابد؛ به همین دلیل آموزش را پایه اصلی و بخش جدانشدنی تعاون دانسته‌اند. در اهمیت آموزش می‌توان اضافه کرد که در بند سوم از تبصره ۲ ماده ۲۵ قانون تعاون جمهوری اسلامی ایران آمده است که ۴ درصد از سود شرکت‌های تعاونی باید به امر آموزش اختصاص یابد (امینی و صفری‌شالی، ۱۳۸۱، ص. ۱۹)؛ بنابراین با توجه به اهمیت آموزش و اصل پنجم تعاونی‌ها که آموزش، آگاه‌سازی و کارآموزی است (کاراسو^۱، ۲۰۰۷، ص. ۴۵۷؛ سگومس و بلاس‌آرایا^۲، ۲۰۱۲، ص. ۵)، بعد فعالیت‌های آموزشی و ترویجی نیز به شش بعد نام‌برده افزوده شد و درنهایت عملکرد تعاونی‌ها با در نظر گرفتن هفت بعد نام‌برده ساخته شد؛ بنابراین عملکرد تعاونی‌های تولید روستایی براساس هفت بعد و ۶۳ سنجه پس از بررسی و مطالعه اساسنامه تعاونی‌های تولید روستایی ارزیابی شد که در جدول ۳ به تفصیل آمده است.

1. Carrasco

2. Seguí-Mas & Bolas-Araya

۵. یافته‌های تحقیق

۵.۱. تحلیل مؤلفه‌های اصلی

تحلیل مؤلفه‌های اصلی روشی برای خلاصه کردن اطلاعات زیاد است. درعین حال، خلاصه کردن اطلاعات به گونه‌ای صورت می‌گیرد که نتیجه خلاصه شده از نظر مفهوم معنی دار است (موسوی و حکمت‌نیا، ۱۳۸۴، ص. ۵۹). در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی یا PCA^1 با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۱، ابعاد عملکرد ساخته شد. پیش از استخراج عوامل می‌باید آزمون‌های مختلفی به منظور بررسی مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی صورت گیرد که این آزمون‌ها شامل آماره KMO^2 و آزمون بارتلت^۳ هستند. در صورتی که مقدار آماره KMO بیشتر از ۰/۵۰ باشد، برای تحلیل عاملی مناسب خواهد بود. از طرف دیگر درخصوص آزمون بارتلت، چنانچه احتمال معناداری آن کمتر از ۰/۰۵ باشد ($P < 0/05$) می‌توان نتیجه گرفت که داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب هستند (ویلیامز، انسمن و براون^۴، ۲۰۱۰، ص. ۵). نتایج پژوهش حاکی از این بود که مقدار آزمون بارتلت در سطح بسیار بالایی معنادار بود و مقدار KMO آن‌ها نیز بیشتر از ۰/۵۰ بود که می‌توان گفت همبستگی‌های موجود در بین داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب است (جدول ۳)؛ بنابراین متغیرهای پنهان از سنجه‌های نشان داده شده ساخته شد و برای تحلیل عاملی استفاده شد.

جدول ۳- بار عاملی، KMO و آزمون بارتلت ابعاد هفت گانه عملکرد

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶

بعد	تعداد سنجه	سنجه	بار عاملی	P-value	Bartlett's	KMO
عملکرد	۶۳					
اصلاح ساختار نظام		یکپارچه کردن اراضی خرد و پراکنده و کشت یکپارچه محصول	۰/۵۳۵			

1. Principal component analyses

2. Kaiser-Meyer-Olkin

3. Bartlett Test

4. Williams, Onsman & Brown

بعد	تعداد سنجه	سنجه	بار عاملی	P-value	Bartlett's	KMO
بهره‌برداری و ارتقای بهره‌وری عوامل تولید		مرمت و اصلاح شبکه‌های سنتی آبیاری و زهکشی	۰/۶۴۰			
		توسعه و احداث شبکه‌های مدرن آبیاری و زهکشی	۰/۶۱۷			
		تسطیح و قطعه‌بندی فنی اراضی کشاورزی	۰/۵۹۶			
	۱۳	بهسازی و احداث جاده‌های دسترسی بین مزارع	۰/۴۳۶	۰/۰۰۰	۳۵۱۶/۶۲۰	۰/۸۴۰
		تجهیز و برقی کردن چاه‌های کشاورزی	۰/۴۴۳			
		احیا کردن اراضی بایر و موات	۰/۵۱۹			
		ایجاد گلخانه	۰/۶۶۵			
		ایجاد مجتمع‌های مرتبط با پرورش دام	۰/۶۹۱			
		ایجاد مجتمع‌های مرتبط با پرورش طیور	۰/۷۲۳			
		ایجاد مجتمع‌های مرتبط با زنبورداری	۰/۷۰۵			
		ایجاد مجتمع‌های مرتبط با نوغانداری	۰/۶۸۵			
		ایجاد مجتمع‌های مرتبط با آبی‌پروری	۰/۷۳۵			
		ایجاد واحد مدیریت آب‌بران در شرکت و تشکیل گروه‌های آب‌بران	۰/۸۴۶			
		بهره‌برداری از تأسیسات جدید آبیاری و بهره‌گیری از روش‌های نوین آبیاری	۰/۷۴۳			
تخصیص و بهره‌برداری بهینه منابع	۶	نظارت بر تقسیم و توزیع آب	۰/۸۴۰	۰/۰۰۰	۹۲۷/۴۲۳	۰/۸۳۴
		هماهنگی شرکت در زمینه استفاده از تسهیلات کم‌بهره دولت به منظور بازسازی و نوسازی شبکه آبیاری	۰/۷۸۱			
		انعقاد قرارداد همکاری با شرکت آب منطقه به منظور تأمین آب مورد نیاز	۰/۶۶۹			
		فراهم نمودن وسایل و ادوات کشاورزی	۰/۶۵۳			
		عملیات به منظور بهبود عملکرد محصولات	۰/۶۰۸			
افزایش کمی و کیفی تولید محصولات		عملیات به منظور بهبود کیفیت محصولات	۰/۵۹۹			
		تولید نهال اصلاح شده	۰/۷۲۵			
	۱۰	تولید بذر اصلاح شده	۰/۷۹۰	۰/۰۰۰	۲۸۴۸/۳۶۸	۰/۷۷۷
		فراوری نهال اصلاح شده	۰/۸۰۵			

بعد	تعداد سنجه	سنجه	بار عاملی	P-value	Bartlett's	KMO
		فراوری بذر اصلاح شده	۰/۸۰۸			
		بسته‌بندی نهال اصلاح شده	۰/۷۱۲			
		بسته‌بندی بذر اصلاح شده	۰/۷۲۹			
		توزیع نهال اصلاح شده	۰/۶۱۶			
		توزیع بذر اصلاح شده	۰/۶۳۵			
حفظ محیط زیست		حفظ عرصه‌های منابع طبیعی (شامل آب، خاک، مرتع و...)	۰/۹۵۱			
	۳	احیای عرصه‌های منابع طبیعی (شامل آب، خاک، مرتع و...)	۰/۹۶۵	۰/۰۰۰	۱۱۵۷/۳۰۳	۰/۷۶۹
		بهره‌برداری از عرصه‌های منابع طبیعی (شامل آب، خاک، مرتع و...)	۰/۹۵۱			
بهبود وضعیت معیشتی و ارتقای توان اقتصادی اعضا		انجام فعالیت‌های خرید و فروش داخلی	۰/۵۱۴			
		انجام فعالیت‌های خرید و فروش خارجی	۰/۶۸۱			
		ارائه خدمات پس از فروش (از طریق راه-اندازی واحدهای مکانیزاسیون و تعمیرگاه-های سیار و ثابت)	۰/۶۵۹			
		ایجاد فرصت‌های شغلی برای زنان خانواده اعضا	۰/۷۸۰			
	۱۵	خرید و تهیه مواد و وسایل حرفه‌ای مورد نیاز در صورت وجود حرفه‌هایی چون قالی-بافی و... در تعاونی	۰/۷۸۳	۰/۰۰۰	۳۸۹۴/۶۹۵	۰/۸۷۸
		ایجاد امکانات لازم برای جمع‌آوری و نگهداری محصولات	۰/۷۲۰			
		ایجاد امکانات لازم برای بسته‌بندی و تغییر و تبدیل محصولات	۰/۸۱۱			
		ایجاد امکانات لازم برای حمل و نقل محصولات	۰/۷۰۰			
		ایجاد امکانات لازم برای فروش محصولات	۰/۷۵۷			
		تهیه و توزیع همه نهاده‌های کشاورزی (از قبیل کود، سم، بذر، نهال و...)	۰/۵۵۹			
		بیمه کردن محصولات کشاورزی	۰/۶۹۲			

بعد	تعداد سنجه	سنجه	بار عاملی	P-value	Bartlett's	KMO
		ارائه بیمه اجتماعی (تأمین خسارات آتش - سوزی، بازنشستگی و...)	۰/۷۵۵			
		بیمه کردن شخص	۰/۷۴۸			
		بیمه کردن خانواده	۰/۷۴۴			
		دادن سهام کارخانجات	۰/۷۰۸			
فعالیت‌های آموزشی و ترویجی		برگزاری کلاس‌های آموزشی به منظور آشناکردن اعضا با شیوه‌های نوین کشاورزی	۰/۸۲۴			
		برگزاری کلاس‌های آموزشی سازمانی - مدیریتی (از قبیل آشنایی با اساسنامه شرکت، آموزش مدیریت، حسابداری و مالی و...)	۰/۸۵۰	۰/۰۰۰	۱۱۸۹/۸۱۰	۰/۸۰۹
		برگزاری کلاس‌های آموزشی به منظور آشناکردن اعضا با قوانین کار و تأمین اجتماعی	۰/۷۸۷			
		فراهم کردن فرصت شرکت در بازدیدهای دسته جمعی	۰/۸۶۱			
		احداث مزارع الگویی، تحقیقی و ترویجی به منظور آشناکردن اعضا با شیوه‌های نوین کشاورزی	۰/۸۵۶			
		انجام خدمات آزمایشگاهی آب	۰/۷۱۱			
فعالیت‌های خدماتی		انجام خدمات آزمایشگاهی خاک	۰/۷۰۶			
		انجام خدمات گیاه پزشکی	۰/۷۸۶			
		انجام خدمات دامپزشکی	۰/۶۹۵			
	۱۱	انجام عملیات پیمانکاری در حوزه‌های روستایی	۰/۷۵۳	۰/۰۰۰	۳۲۵۷/۹۶۶	۰/۸۲۵
		انجام عملیات پیمانکاری در حوزه‌های کشاورزی	۰/۶۹۶			
		میزان مشارکت با سایر شرکت‌های تعاونی	۰/۶۶۹			
		عضویت و میزان مشارکت در اتحادیه شرکت‌های تعاونی تولید روستایی	۰/۵۱۹			
		میزان مشارکت با اشخاص حقیقی و حقوقی در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و	۰/۶۱۱			

بعد	تعداد سنجش	سنجش	بار عاملی	P-value	Bartlett's	KMO
		فرهنگی				
		عضویت و فعالیت در تشکلهای صنفی کشاورزی	۰/۶۱۲			
		ارائه خدمات مشاوره‌ی فنی و مهندسی	۰/۷۰۴			

۲.۵. پایایی یا قابلیت اعتماد ابزار سنجش

پایایی ابزار که از آن به اعتبار، دقت و اعتمادپذیری نیز تعبیر می‌شود، یعنی اگر یک وسیله اندازه‌گیری که برای سنجش متغیر و صفتی ساخته شده است، در شرایط مشابه در زمان یا مکان دیگر استفاده شود، نتایج مشابهی از آن به دست آید (حافظ‌نیا، ۱۳۹۵، ص. ۱۸۳). به‌منظور سنجش پایایی ابزار سنجش در قالب پیش‌آزمون^۱، پرسشنامه محقق‌ساخته در بین ۳۰ نفر از افراد نمونه توزیع شد. مقدار آلفای کرونباخ به‌دست‌آمده در هفت بعد عملکرد عبارت بود از: اصلاح ساختار نظام بهره‌برداری و ارتقای بهره‌وری عوامل تولید (۰/۹۱۶)، تخصیص و بهره‌برداری بهینه منابع (۰/۸۵۴)، افزایش کمی و کیفی تولید محصولات (۰/۸۱۵)، حفظ محیط‌زیست (۰/۹۶۳)، بهبود وضعیت معیشتی و ارتقای توان اقتصادی اعضا (۰/۹۳۳)، فعالیت‌های آموزشی و ترویجی (۰/۷۶۱) و فعالیت‌های خدماتی (۰/۹۱۰). تمامی مقادیر بیشتر از ۰/۷۰ به دست آمد که نشان‌دهنده قابل قبول بودن پایایی آن‌ها بود.

۳.۵. روایی ابزار سنجش

روایی یعنی مقیاس و محتوای ابزار با سؤالات مندرج در ابزار گردآوری اطلاعات دقیقاً متغیرها و موضوع مطالعه‌شده را بسنجد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۵، ص. ۱۸۲). سنجش روایی شامل انواع زیر است:

روایی محتوا^۲: ابزار محقق‌ساخته پژوهش به‌منظور سنجش جامع عملکرد برای تعیین روایی محتوا به جمعی از اساتید دانشگاه داده شده و روایی آن تأیید شود.

1. Pretest

2. Content validity

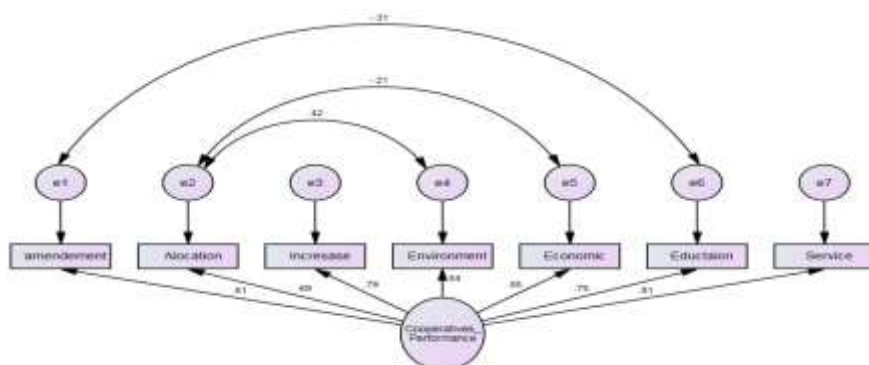
روایی سازه^۱: روایی سازه با روایی همگرا^۲ و روایی مقارن^۳ و روایی پیش‌گویی^۴ سنجیده می‌شود. روایی همگرا شامل نشان‌دادن همبستگی زیاد بین معیارهاست که در تحلیل عاملی تأییدی با ارزیابی بارهای عاملی و اعتبار سازه (CR^۵) سنجیده خواهد شد. بارهای عاملی باید بیشتر از ۰/۴ باشد (لی، لی و ویکس^۶، ۲۰۰۴، ص. ۶۵). روایی مقارن شامل ایجاد همبستگی بین دو اندازه‌گیری مختلف از یک پدیده است که با استفاده از ایجاد همبستگی در مدل تحلیل عاملی تأییدی^۷ و آزمون معنادار بودن رابطه ارزیابی خواهد شد. روایی پیش‌گویی شامل ارزیابی میزان تأثیر یک پدیده بر پدیده دیگر است که از لحاظ نظری پدیده اول بر پدیده دوم تأثیر می‌گذارد. در اینجا اثبات میزان تأثیر عملکرد جامع بر عملکرد مالی شرکت مدنظر است که در تحقیقات قبلی (چسینیک^۸، ۲۰۰۰) اثبات شده است. در صورتی که تأثیر عملکرد جامع بر عملکرد مالی معنادار باشد، می‌توانیم روایی پیش‌گویی سازه را تأیید کنیم.

براساس یافته‌های مطالعه چسینیک (۲۰۰۰، ص. ۸) یکی از معیارهای اصلی ارزیابی عملکرد تعاونی‌ها، معیار مالی آن‌هاست که با استفاده از دو متغیر سود خالص و حقوق صاحبان سهام سنجش‌شدنی است. در تحلیل عاملی تأییدی با در نظر گرفتن هفت بعد عملکرد جامع که پیش‌تر بررسی شد و همبستگی این ساختار با ساختار عملکرد مالی متشکل از سود خالص و حقوق صاحبان سهام از تعاونی‌های تولید روستایی، مدل تحلیل عاملی تأییدی ساخته خواهد شد.

1. Construct validity
2. Convergent validity
3. Concurrent validity
4. Predictive validity
5. Construct reliability
6. Lee, Lee & Wicks
7. Confirmatory factor analysis
8. Chesnick

۵. ۴. تحلیل عاملی تأییدی

در این پژوهش تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از نرم‌افزار AMOS نسخه ۲۳ انجام گرفت. تحلیل عاملی تأییدی، تکنیکی تأییدکننده است که در آن پژوهشگر یک مدل فرضی را به‌منظور مقایسه ماتریس کوواریانس‌های مدنظر با ماتریس کوواریانس‌های مشاهده‌شده آزمون می‌کند (اسچریبر، نورا، استیج، بارلو و کینگ^۱، ۲۰۰۶، ص. ۳۲۳). در تحلیل عاملی تأییدی، شاخص‌های برازش مدل در صورتی مطلوب و مناسب هستند که RMSEA کمتر از ۰/۰۸، CFI بیشتر از ۰/۹۰ و TLI بیشتر از ۰/۹۰ باشند (هر، بلک، بابین، اندرسون و تتم^۲، ۲۰۱۰، ص. ۶۷۵). نتایج گویای این است که شاخص‌های به‌دست‌آمده برای این مدل عبارت‌اند از: RMSEA برابر با ۰/۰۶۸، CFI برابر با ۰/۹۸۷ و TLI برابر با ۰/۹۷۶ که نشان می‌دهد برازش مدل پژوهش مطلوب و مناسب بوده است.



شکل ۱- مدل اصلاح‌شده در نرم‌افزار AMOS

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶

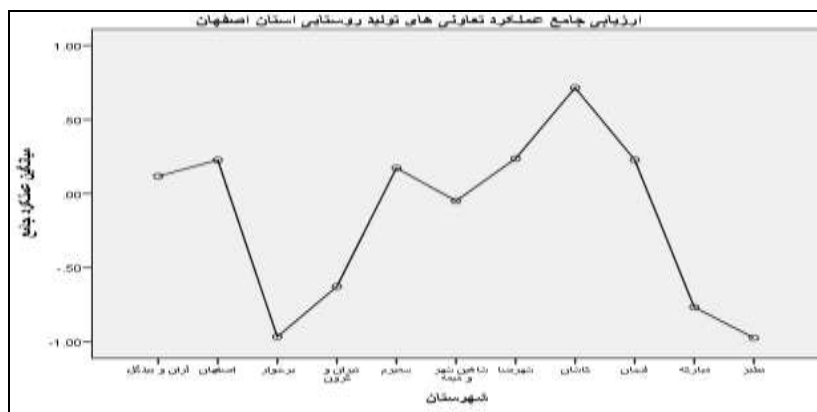
بنابراین بررسی خروجی‌های AMOS گویای این است که مدل ساختار ارزیابی جامع عملکرد مطرح‌شده از برازش مناسبی برخوردار است، با داده‌های پژوهش مطابقت دارد و نشان‌دهنده همسو بودن سؤالات با سازه‌های نظری است. بارهای عاملی از مقادیری بیشتر از

1. Schreiber, Nora, Stage, Barlow & King
2. Hair, Black, Babin, Anderson & Tatham

۰/۴ برخوردار است (اصلاح ساختار نظام بهره‌برداری و ارتقای بهره‌وری عوامل تولید ۰/۸۰۹، تخصیص و بهره‌برداری بهینه منابع ۰/۶۸۹، افزایش کمی و کیفی تولید محصولات ۰/۷۸۶، حفظ محیط‌زیست ۰/۵۳۷، بهبود وضعیت معیشتی و ارتقای توان اقتصادی اعضا ۰/۸۵۵، فعالیت‌های آموزشی و ترویجی ۰/۷۵۱ و فعالیت‌های خدماتی ۰/۸۰۵) که همه نشان‌دهنده رابطه قابل قبول بین سنج‌ها و متغیرهای پنهان است. همچنین CR ساختار ارزیابی جامع ۰/۹۰ به دست آمد که بیشتر از ۰/۷۰ است و AVE آن نیز ۰/۵۶۸ به دست آمد که بزرگ‌تر از ۰/۵۰ است که می‌تواند روایی همگرا را تأیید کند. روایی مقارن با توجه به آنکه رابطه بین عملکرد جامع و سود خالص ($R=0/381$, $P<0/001$) و حقوق صاحبان سهام ($R=0/117$, $P=0/031$) معنادار بوده است، تأیید می‌شود. همچنین ضریب اثر عملکرد جامع بر سود خالص ($B_{standard}=0/386$, $P<0/001$) و حقوق صاحبان سهام ($B=0/132$, $P=0/014$) محاسبه شد و معنادار بود؛ بنابراین روایی پیش‌گویی نیز تأیید می‌شود.

۵.۵. بررسی عملکرد تعاونی‌های تولید روستایی استان اصفهان

در بررسی عملکرد تعاونی‌های تولید روستایی استان اصفهان، در حدود ۶۳/۶ درصد آن‌ها عملکردی بالاتر از میانگین داشتند که می‌توان گفت عملکرد خوبی داشته‌اند. از سوی دیگر ۳۶/۴ درصد تعاونی‌ها دارای عملکردی پایین‌تر از میانگین بودند و عملکرد ضعیفی داشته‌اند. با استفاده از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه (آنوا) تفاوت میانگین عملکرد به‌دست‌آمده از تحلیل عاملی در میان شهرستان‌های استان اصفهان بررسی شد. نتیجه بیانگر این بود که تفاوت معناداری در بین عملکرد شهرستان‌های استان اصفهان وجود داشت ($F=25.169$, $P=0.000$). خروجی نرمال‌شده سازه در شکل ۲ گزارش شده است. براساس یافته‌های پژوهش، شهرستان‌های کاشان (۰/۷۱۴۸)، لنجان (۰/۲۲۸۶) و اصفهان (۰/۲۲۷۱) به‌ترتیب بهترین عملکرد را در بین شهرستان‌های استان اصفهان داشته‌اند.



شکل ۲- ارزیابی جامع عملکرد تعاونی‌های تولید روستایی استان اصفهان

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش ابزاری برای سنجش جامع عملکرد تعاونی‌های تولید روستایی استان اصفهان طراحی شد. پایایی و روایی ابزار سنجش تأیید شد؛ از این رو می‌توان اظهار کرد که این ابزار قابلیت استفاده به‌منظور سنجش تعاونی‌های تولید روستایی در سایر نقاط جغرافیایی ایران را نیز خواهد داشت. همچنین چنانچه تعاونی‌های تولید روستایی در سایر نقاط در مقیاس جهانی نیز دارای وظایف و مسئولیت‌هایی مشابه تعاونی‌های تولید روستایی ایران باشند، می‌توانند از این ابزار سنجش برای بررسی عملکرد تعاونی‌های تولید روستایی خود استفاده کنند؛ از این رو پیشنهاد می‌شود، از این ابزار سنجش جامع برای ارزیابی وضعیت فعلی و پیش‌بینی استراتژی‌های مناسب به‌منظور بهبود عملکرد تعاونی‌های تولید روستایی و حرکت در راستای توسعه روستایی و توسعه ملی استفاده شود. همچنین محققان دیگر می‌توانند تأثیر متغیرهای مستقل متعدد تأثیرگذار بر عملکرد جامع تعاونی‌های تولید روستایی را در تحقیقات خود بررسی کنند. از طرف دیگر بر مبنای بار عاملی محاسبه‌شده توسط نرم‌افزار AMOS در میان ابعاد هفت‌گانه محقق‌ساخته عملکرد جامع، به‌ترتیب ابعاد بهبود وضعیت معیشتی و ارتقای توان اقتصادی اعضا (۰/۸۵۵)، اصلاح ساختار نظام بهره‌برداری و ارتقای بهره‌وری عوامل تولید (۰/۸۰۹)، فعالیت‌های خدماتی (۰/۸۰۵)، افزایش کمی و کیفی تولید محصولات (۰/۷۸۶)،

فعالیت‌های آموزشی و ترویجی (۰/۷۵۱)، تخصیص و بهره‌برداری بهینه منابع (۰/۶۸۹) و حفظ محیط‌زیست (۰/۵۳۷) بیشترین وزن را در ساخت ساختار عملکرد جامع تعاونی‌های تولید روستایی داشتند؛ بدین مفهوم که بهبود وضعیت معیشتی و ارتقای توان اقتصادی اعضا در افزایش عملکرد جامع تعاونی بیشترین اهمیت را داشته است. در این راستا پیشنهاد می‌شود، مدیران تمامی تلاش خود را در بهبود وضعیت معیشتی و ارتقای توان اقتصادی اعضا به کار گیرند؛ چراکه این بعد از عملکرد بیشترین نقش را در ارتقای عملکرد تعاونی‌ها دارد. در محاسبه اثر ارزیابی عملکرد جامع بر سود خالص، میزان ضریب اثر غیراستاندارد معنادار و ۹۱۵ میلیون بود که نشان‌دهنده میزان تغییر سود خالص نسبت به یک واحد افزایش عملکرد جامع تعاونی‌ها بود؛ یعنی با یک واحد ارتقای سطح عملکرد تعاونی‌های تولید روستایی براساس ابعاد هفت‌گانه سنجیده‌شده، سود خالص تعاونی‌ها ۹۱۵ میلیون ریال افزایش می‌یابد. همچنین نتایج ارزیابی عملکرد تعاونی‌های تولید روستایی استان اصفهان حاکی از این بود که در حدود ۶۳/۶ درصد آن‌ها دارای عملکردی بالاتر از میانگین بوده‌اند؛ از این رو می‌توان گفت که آن‌ها عملکرد خوبی داشتند؛ نتیجه‌ای که با نتایج پژوهش‌های نجفی (۱۳۶۱)، احمدی فیروزجانی (۱۳۸۵)، میردامادی و چهارسوقی‌امین (۱۳۸۶)، محسن‌پور (۱۳۸۷)، احمدپور، مختاری و پورسعید (۱۳۹۳)، امینی و همکاران (۱۳۹۴)، فاریابی و احمدوند (۱۳۹۶)، هادیزاده‌باز و همکاران (۲۰۱۵)، سیسای و همکاران (۲۰۱۷) و دونووان و همکاران (۲۰۱۷) مطابقت دارد.

کتابنامه

۱. احمدپور، ا.، مختاری، و. و پورسعید، ع.ر. (۱۳۹۳). شناسایی عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونی‌های تولید کشاورزی در استان ایلام. فصلنامه روستا و توسعه، ۱۷(۳)، ۱۰۵-۱۲۲.
۲. احمدی فیروزجایی، ع.، صدیقی، ح.، و محمدی، م. ع. (۱۳۸۵). مقایسه‌ی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی کشاورزان عضو و غیر عضو تعاونی‌های تولید روستایی. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۶ (۲۳)، ۹۳-۱۱۱.
۳. استیون، ب. (۱۳۹۲). مرجع شاخص‌های کلیدی ارزیابی عملکرد سازمان. ترجمه محسن قره‌خانی و حسین صامعی. تهران: انتشارات آریانا قلم.

۴. امینی، ا. م.، مزینی، ن.، و قدیمی، س. ع. ر. (۱۳۹۴). ارزیابی تطبیقی موفقیت شرکت‌های تعاونی تولید روستایی با دیگر نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی، (مطالعه موردی: شهرستان‌های کاشان و آران و بیدگل). فصلنامه تعاون و کشاورزی، ۴(۱۴)، ۶۱-۸۷.
۵. امینی، ا. م.، و صفری‌شالی، ر. (۱۳۸۱). ارزیابی تأثیر آموزش در موفقیت شرکت‌های تعاونی مرغداران. علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی، ۶(۲)، ۱۷-۲۷.
۶. آزادی، ح.، و کرمی، ع. ا. (۱۳۸۰). مقایسه موفقیت واحدهای مکانیزه تعاونی‌های روستایی، تعاونی‌های تولید و شرکت‌های مکانیزه استان فارس. علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی، ۵(۳)، ۳۳-۴۷.
۷. آقاجانی‌ورزنده، م. (۱۳۸۰). بررسی و ارزیابی فعالیت‌های شرکت‌های تعاونی تولید روستایی استان اصفهان (۱۳۵۱-۷۱). (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد مهندسی توسعه روستایی، دانشگاه صنعتی اصفهان، ایران).
۸. باقری، ا.، امامی، ن.، و محمدزاده نصرآبادی، م. (۱۳۹۶). سنجش کیفیت خدمات تعاونی‌های تولید روستایی شهرستان اردبیل به روش سرو کوال. فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۳۰(۳)، ۳۱-۱.
۹. پرهیزکاری، ا.، و بدیع برزین، ح. (۱۳۹۶). ارزیابی عوامل مؤثر بر کارایی اقتصادی تعاونی‌های تولید روستایی ناحیه الموت. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۴(۱۹)، ۱۹-۴۲.
۱۰. حافظ‌نیا، م. ر. (۱۳۹۵). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: انتشارات سمت.
۱۱. روحانی، س. (۱۳۸۴). مقایسه بهره‌وری آب در مزارع کشاورزان عضو و غیر عضو تعاونی‌های تولید (مطالعه موردی استان همدان). اقتصاد کشاورزی و توسعه ویژه‌نامه بهره‌وری و کارایی، ۵۳-۷۲.
۱۲. سازمان تعاون روستایی استان اصفهان، (۱۳۹۶). بازیابی در ۱ تیر ۱۳۹۶، از <http://www.agri-corc.ir/Portals/7/asasname-taavoni%20tolid.pdf>
۱۳. سازمان تعاون روستایی، (۱۳۹۵). بازیابی در ۱ تیر ۱۳۹۶، از <http://www.agri-corc.ir/Default.aspx?tabid=6096>
۱۴. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان اصفهان، (۱۳۹۴)، سالنامه آماری استان اصفهان. اصفهان: نشر سازمان برنامه و بودجه. معاونت آمار و اطلاعات.
۱۵. صدیقی، ح.، و درویشی‌نیا، ع. ا. (۱۳۸۱). بررسی میزان موفقیت شرکت‌های تعاونی تولید روستایی استان مازندران. مجله علوم کشاورزی ایران، ۳۳(۲)، ۳۱۳-۳۲۳.

۱۶. صفری شالی، ر. (۱۳۸۰). نقش تعاونی‌های تولید روستایی در توسعه پایدار بخش کشاورزی، *نشریه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، (۱۶۷-۱۶۸)، ۲۱۲-۲۱۹.
۱۷. صفری شالی، ر. (۱۳۸۱). تعاونی‌های تولید روستایی ایران. *مجله جهاد*، ۲۲ (۲۵۰-۲۵۱)، ۶۴-۷۱.
۱۸. فاریابی، م.، و احمدوند، م. (۱۳۹۶). تعیین‌کننده‌های عملکرد تعاونی‌های تولید روستایی در جنوب استان کرمان. *فصلنامه پژوهش‌های روستایی*، ۸ (۳)، ۴۰۴-۴۲۱.
۱۹. محبوبی، م.، ر.، و آبیاری، ن. م. (۱۳۹۰). مقایسه بهره‌وری متوسط عوامل تولید در نظام‌های بهره‌برداری (استان گلستان). *نشریه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، (۲۸۳)، ۲۱۸-۲۲۹.
۲۰. محسن پور، ر. (۱۳۸۷). بررسی عملکرد طرح‌های آب و خاک در چاه‌های شرکت تعاونی تولید روستایی. *فصلنامه مدیریت آب*، ۱ (۱)، ۱۱۳-۱۳۵.
۲۱. موسوی، م. ن.، و حکمت‌نیا، ح. (۱۳۸۴). تحلیل عاملی و تلفیق شاخص‌ها در تعیین عوامل مؤثر بر توسعه انسانی نواحی ایران. *مجله جغرافیا و توسعه*، ۳ (۶)، ۵۵-۷۰.
۲۲. میردامادی، س. م.، و چهارسوقی‌امین، ح. (۱۳۸۶). بررسی نقش شکل‌های تولیدی در بهبود وضعیت اقتصادی اعضای تعاونی‌های تولید روستایی (مطالعه موردی استان ایلام). *دوماهنامه علمی-ترویجی جهاد، ترویج کشاورزی و توسعه روستایی*، ۲۷ (۲۷۸)، ۹۰-۱۰۶.
۲۳. نجفی، ب. (۱۳۶۱). بررسی برخی اثرات تأسیس شرکت‌های تعاونی تولید در شهرستان ممسنی. *مجله علوم کشاورزی ایران*، ۱۳ (۱، ۲، ۳ و ۴)، ۴۱-۵۰.
۲۴. هادی‌زاده‌باز، م.، و بوذرجمهری، خ. (۱۳۹۵). بررسی نقش تعاونی‌های تولید روستایی در افزایش توانمندی فنی و اقتصادی کشاورزان مناطق روستایی شهرستان نیشابور. *فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی*، ۳ (۴)، ۴۴۳-۴۵۹.

25. Akwabi-Ameyaw, K. (1997). Producer cooperative resettlement projects in Zimbabwe: Lessons from a failed agricultural development strategy. *World Development*, 25(3), 437-456.
26. Carrasco, I. (2007). Corporate social responsibility, values, and cooperation. *International Advances in Economic Research*, 13(4), 454-460.
27. Chesnick, D. S. (2000). *Financial management and ratio analysis for cooperative enterprises*. United States, Department of Agriculture, Rural Business-Cooperative Service.
28. Donovan, J., Blare, T., & Poole, N. (2017). Stuck in a rut: emerging cocoa cooperatives in Peru and the factors that influence their performance. *International Journal of Agricultural Sustainability*, 15(2), 169-184.

29. Fornell, C., & Larcker, D. F. (1981). Evaluating structural equation models with unobservable variables and measurement error. *Journal of Marketing Research*, 39-50.
30. Hadizadeh Bazaz, M., Bouzarjomehri, K., Shayan, H., & Novghani Dokht Bahmani, M. (2015). Performance Evaluation of Rural Production Cooperatives on the Sustainable Agricultural Development Case Study: Nishabour County. *Journal of Research and Rural Planning*, 4(2), 111-125.
31. Hair Jr, J. F., Black, W. C., Babin, B. J., Anderson, R. E., & Tatham, R. L. (2010). SEM: An introduction. In *Multivariate data analysis: A global perspective* (pp. 629-686). USA: Pearson Education.
32. Lee, C. K., Lee, Y. K., & Wicks, B. E. (2004). Segmentation of festival motivation by nationality and satisfaction. *Tourism Management*, 25(1), 61-70.
33. Mhembwe, S., & Dube, E. (2017). The role of cooperatives in sustaining the livelihoods of rural communities: The case of rural cooperatives in Shurugwi District, Zimbabwe. *Jambá: Journal of Disaster Risk Studies*, 9(1), 1-9.
34. Mojo, D., Fischer, C., & Degefa, T. (2017). The determinants and economic impacts of membership in coffee farmer cooperatives: recent evidence from rural Ethiopia. *Journal of Rural Studies*, 50, 84-94.
35. Schreiber, J. B., Nora, A., Stage, F. K., Barlow, E. A., & King, J. (2006). Reporting structural equation modeling and confirmatory factor analysis results: A review. *The Journal of Educational Research*, 99(6), 323-338.
36. Seguí-Mas, E., & Bolas-Araya, H. (2012). The Sustainability Reporting Assurance in the Biggest Cooperatives. *Centro de Investigación en Gestión de Empresas, Universitat Politècnica de València*. Retrieved June 22, 2017, from www.aeca1.org/pub/on_line/comunicaciones.../cd/109h.pdf.
37. Sisay, D. T., Verhees, F. J., & van Trijp, H. C. (2017). Seed producer cooperatives in the Ethiopian seed sector and their role in seed supply improvement: A review. *Journal of Crop Improvement*, 31(3), 323-355.
38. Williams, B., Onsmann, A., & Brown, T. (2010). Exploratory factor analysis: A five-step guide for novices. *Australasian Journal of Paramedicine*, 8(3), 1-13.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

doi : <https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2022.49954.0>

مقاله پژوهشی-مطالعه موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال نوزدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۳۷

تبیین رابطه طایفه‌گرایی و مشارکت سیاسی

(نمونه پژوهی: انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی)

محمد رضا حافظ‌نیا (استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)

hafezn_m@modares.ac.ir

وحید صادقی (دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

vahidsadeghi86@yahoo.com

صص ۹۱ - ۵۵

چکیده

حوزه انتخابیه ممسنی از جمله سکونتگاهی است که بافتی قومی و طایفه‌ای دارد. از رهگذر چنین فرهنگی، الگوی مشارکت سیاسی طایفه/زادگاه‌محور دارد. هدف پژوهش حاضر، تبیین رابطه طایفه‌گرایی و مشارکت سیاسی است. داده‌کاوی به صورت توصیفی-تحلیلی و گردآوری، کتابخانه‌ای و میدانی (مصاحبه و مشاهده) است. سه دور اول انتخابات مجلس شورای اسلامی که هنوز طایفه‌گرایی شکل خشونت‌بار و تعصب‌آلود نگرفته بود، میزان مشارکت سیاسی (انتخاباتی) فرایند طبیعی خود را داشته است، اما از دوره‌های چهارم و پنجم به بعد، شاهد مرزبندی‌های اجتماعی و جغرافیایی هستیم که ساکنان را از یکدیگر جدا کرد و مفاهیم «خود» و «دیگران» را تولید کرد و به همراه داشت. این مسئله به شکل‌گیری رفتار انتخاباتی هویت‌گرایانه و هم‌وردی خیابانی طایفه‌ای منجر شد و میزان مشارکت سیاسی را تحت‌الشعاع قرار داد و شعله‌های آن را فزون‌تر کرد؛ به‌طوری‌که برطبق داده‌ها،

مشارکت، روندی صعودی فزاینده‌ای را طی می‌کند و حتی از جمعیت واجد شرایط بیشتر می‌شود.

کلیدواژه‌ها: جغرافیای انتخابات، طایفه‌گرایی، مشارکت سیاسی و حوزه انتخابیه ممسنی.

۱. مقدمه

انتخابات^۱، هسته اصلی دموکراسی و مشارکت، کانون محوری انتخابات است. مشارکت سیاسی در هر جامعه‌ای متناسب با شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، جغرافیایی، باورهای مذهبی و پیشینه تاریخی آن جامعه شکل می‌گیرد؛ به نحوی که در فضاهای جغرافیایی پیرامونی و توسعه‌نیافته با توجه به فرهنگ سنتی و عشیره‌ای حاکم بر این جوامع، مشارکت سیاسی بیش از آنکه متکی بر عقلانیت جمعی و دموکراسی باشد، شناسه‌های فضایی و طایفه‌ای نقش اصلی را در جغرافیای تصمیم‌گیری افراد ایفا می‌کند. فضای جغرافیایی ممسنی از دیرباز محل سکونت و زیستگاه مردمانی کوچ‌زی و عشایر بوده است و تاکنون فرهنگ برخاسته از این نوع شیوه زیست در این اجتماع پابرجا و استوار مانده است. به نظر می‌رسد این فرهنگ در تمام امور اجتماعی ممسنی جریان و اثربخش است و با وجود مزایا و فضیلت‌های اخلاقی و انسانی (تعاون و همکاری اجتماعی) که برای این فضای جغرافیایی داشته است، مسائل و مشکلاتی را در روند توسعه‌یافتگی ممسنی خلق و بازساخت کرده است. طایفه محوری بیشترین نمود را در زندگی سیاسی انسان ممسنی یعنی انتخابات مجلس شورای اسلامی داشته است و صحنه انتخابات را به پیکارهای انتخاباتی نفس‌گیر و جانکاهی تبدیل کرده است که کنشگران آن، طوایف ساکن در این فضای جغرافیایی هستند. طوایف با معرفی نامزد به نیابت از زادگاه و مکان جغرافیایی خود، شروع به نقش‌آفرینی، وزن‌کشی، اثبات جایگاه خود می‌کنند و سعی در حذف رقبا از کارزار انتخابات دارند؛ از این‌رو اکتیویست‌هایی وارد گوی رقابت می‌شوند که چشم امیدشان برای جذب رأی در درجه نخست پشوانه زادگاهی و طایفه‌ای آن‌هاست؛ به عبارتی، سیاست طایفه‌ای و حامی‌پروری محور استراتژی

انتخاباتی، موتور پیشران و مانیفستی کامل برای پیروزی نامزدهای انتخاباتی به شمار می‌رود؛ بنابراین مشارکت مردم در انتخابات عمده‌تأثیر از حضور گروه‌ها و گرایش‌های مکانی و زادگاهی است. پُرسمان مقاله حاضر نوع کُنش زیستی و سیاسی رأی‌دهندگان و باشندگان ممسنی است که مبتنی بر انگاره‌های محیطی و طایفه‌ای است و نه تنها همسو با تشکله‌ها و طیف‌های سیاسی (اصلاح‌طلب و اصول‌گرا) نیست، بلکه به‌شدت مشارکت توده‌ای و بی‌دیسپلین را فزونی بخشیده است.

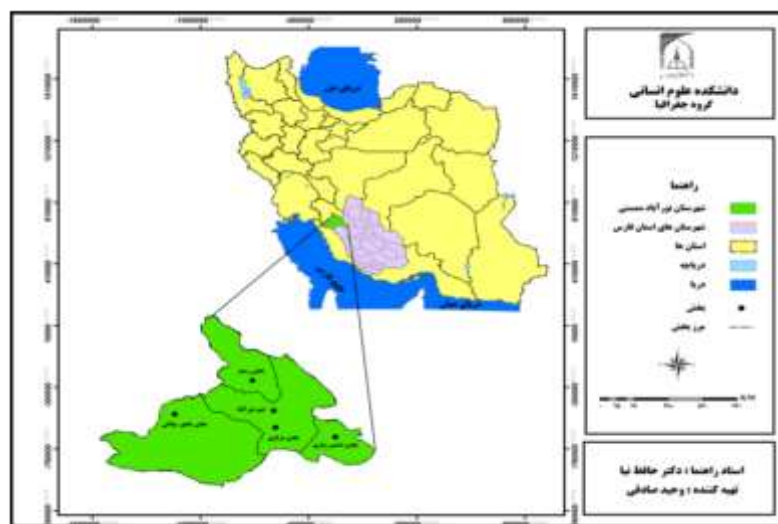
۲. روش‌شناسی تحقیق

مشارکت در سپهر سیاست، نمودهای متفاوتی دارد. از میان نمودهای متنوع مشارکت سیاسی، انتخابات به‌عنوان بارزترین تجلی اراده مردمی مطالعه شده است. داده‌کاوی به‌صورت توصیفی-تحلیلی و گردآوری، کتابخانه‌ای و میدانی (مصاحبه و مشاهده) است.

۲.۱. منطقه مورد مطالعه

شهرستان ممسنی با ۱۶۱۹۱۳ نفر جمعیت و یک حوزه انتخابیه (ممسنی) از چهار بخش مرکزی، رستم، دشمن‌زیاری و ماهور میلانی تشکیل شده است.^۱ هرکدام از این قلمروها و فضاها جغرافیایی، حوزه‌های زیستگاهی طایفه‌های موجود در ممسنی هستند و نه تنها صرفاً مکانی جغرافیایی، بلکه به‌عنوان شخصیت و اکتیویست در سپهر سیاسی ممسنی حضور و نقش‌آفرینی دارند. مشارکت در حوزه انتخابیه ممسنی گسترده و فراگیر است، اما کیفیت و درون‌مایه‌ای کم‌مایه و عاری از معنا دارد. ضعف آگاهی/آموزش و ضعف کارکردی طیف‌های سیاسی کارآمد و فرهنگ سیاسی قومی و طایفه‌ای باعث چنین رویدادی شده است؛ رویدادی که دموکراسی رقابتی انتخاباتی را در حوزه انتخابیه ممسنی شتاب بخشیده است.

۱. بخش مرکزی ۹۸۸۱۶، رستم ۴۴۳۶۱، دشمن‌زیاری ۹۳۲۶، ماهور میلانی ۵۲۹۷ نفر جمعیت دارد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).



شکل ۱- نقشه موقعیت جغرافیایی شهرستان ممسنی

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۳

۳. مبانی نظری تحقیق

۳.۱. جغرافیای انتخابات

جغرافیای انتخابات به تحلیل کنش متقابل فضا، مکان و فرایند انتخاباتی و بررسی اثرگذاری تفاوت‌های فضایی در رفتار سیاسی و به مطالعه الگوی توزیع فضایی قدرت در قالب روابط متقابل جغرافیا، انتخابات و قدرت می‌پردازد (حافظنیا و کاویانی‌راد، ۱۳۹۳، ص. ۲۶۳).

۳.۲. طایفه‌گرایی

طایفه، واحدی فضایی/زیستی است که گروهی از مردم خویشاوند با علایق و فرهنگ مشترک را در خود جای داده است. طایفه‌گرایی، نوعی همذات‌پنداری خونی، زبانی و فرهنگی مشترک با جغرافیای سکونت است که باعث می‌شود آن مکان و فضای جغرافیایی درون‌مایه‌ای قدسی و عاطفی به خود بگیرد و افراد و رأی‌دهندگان را در جهت حمایت از

نامزدهای انتخاباتی قلمرو زیستی خود متمایل کند. این مفهوم جغرافیاسرشت رأی ساز از المان‌های جوامعی است که خاستگاه تاریخی ایلی و عشیره‌ای دارند.

۳.۳. مشارکت سیاسی

رأی دادن به معنای شرکت در هرگونه انتخابات است. ادراک محیطی برگرفته از محیط جغرافیایی باعث برانگیخته شدن افراد به شرکت در انتخابات می‌شود. تأثیر عامل محیطی در کنش سیاسی نشانگر اثرگذاری محیط بر رفتار انتخاباتی است.

۴. یافته‌های پژوهش

۴.۱. بررسی ادوار انتخابات مجلس شورای اسلامی

۴.۱.۱. نخستین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

در این دوره هرکدام از نامزدها در منطقه زیستی و جغرافیایی خود به واسطه «شناختی» که ساکنان و رأی‌دهندگان از این بازیگران داشته‌اند، بیشترین میزان رأی را کسب کرده‌اند؛ باین حال نمی‌توان گفت که پایگاه رأی این کنشگران متأثر از آرای محیطی و طایفه‌ای و صرفاً در قلمرو زادگاهی خود بوده است؛ چراکه عملاً در این دوره مردم زادگاه/ قلمرو به واسطه شناختی که درباره کاندیدای هم‌طایفه‌ای خود داشته‌اند، رأی دادند و اگر به کاندیدایی رأی نمی‌دادند، نه به واسطه اینکه هم‌طایفه‌ای و هم‌قلمروی نبوده است، بلکه به واسطه نبود شناخت یا ضعف شناخت بوده است؛ هرچند نمی‌توان خاستگاه رأی طیف‌های سیاسی مختلف (چپ و راست) را نادیده گرفت. با توجه به شور انقلابی حاکم بر کشور و نیز گذشت کمتر از یک سال از پیروزی انقلاب اسلامی، معمولاً گرایش رأی‌دهندگان به نامزدهایی که پیشینه‌ای فرهنگی - انقلابی و مردمی داشته‌اند، پیش‌بینی‌پذیر بود. در کنار شناخت طایفه جاوید از شجاعیان، دیگر مکان‌ها و فضاها جغرافیایی نظیر قلمرو بکش، پایگاه رأی اطمینان‌بخشی برای وی به شمار می‌رفت. در کنار حوزه جغرافیایی سکونت در الگوی رأی «شجاعیان» می‌توان به عواملی همچون ویژگی‌های شخصیتی نظیر فرهنگی و عضو شورای مرکزی معلمان عشایر، مردمی و تکریم توده، تحصیلات، ساده و مینیمال‌زیست، حسن خلق و توجه به همدردی، داشتن چهره

و ذائقه شوخ طبع، صراحت کلام آمیخته به ادبیات توده‌گرا، ارتباط با افراد برجسته و سنت‌گذار نظیر محمد بهمن بیگی اشاره کرد. بزرگ‌ترین راز موفقیتش این بود که همواره خودش بود، ساده، صمیمی، بی‌تکلف و شوخ طبع. هرگز نخواست قرارداد و ادیب‌مآب یا دارای نفوذ تحمیلی باشد؛ بلکه «رها» بود. رهایی‌اش از جنس خویشتن و نام نیک بود. برخی او را با صمد بهرنگی مشابه می‌دانند. خاستگاه رأی‌آوری شجاعیان از قلمروهای جغرافیایی مختلف و در اکثر فضاها، رأی لازم را اخذ کرد. صمد شجاعیان با کسب ۶۶ درصد آراء، نخستین نماینده حوزه انتخابیه ممسنی بعد از انقلاب اسلامی شد.

جدول ۱- آرای نامزدها در مرحله نخست اولین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی، ۱۳۵۸

ردیف	نامزدها	طایفه (زیستگاه)	آرای نامزدها در بخش مرکزی ^۱ (زیستگاه طوایف بکش، جاوید، رستم، ماهورمیلانی، دشمن‌زیاری)
۱	صمد شجاعیان	جاوید	۸۶۰۴
۲	علی انصاری	رستم	۶۷۳۶
۳	علی حسین کرمی‌آرخلو	ماهور میلانی	۵۳۱۶
۴	سهراب لشکری	بکش	۴۷۵۶
۵	ابراهیم سادات‌عنا	رستم	۳۳۲۵
۶	سید عبدالرسول موسوی	بکش	۲۶۲۶
۷	محمدجعفر نجفی‌علمی	غیربومی	۲۱۴۰
۸	فرج جعفری بهمن‌یاری	رستم	۱۸۵۹
۹	احمد عبدی‌زاده	رستم	۱۷۹۶
۱۰	غلام‌شاه رضایی	جاوید	۱۳۶۷
۱۱	محمدحسین سپاهی	بکش	۱۱۲۶
۱۲	افراز رزمجویی	دشمن‌زیاری	۹۹۶
۱۳	داریوش پارسا	دشمن‌زیاری	۹۳۲
۱۴	بهادر غلامی	بکش	۸۹۴
۱۵	سهراب حسینی	غیربومی	۵۳۶

۱. در دور اول انتخابات مجلس شورای اسلامی آراء به صورت متمرکز بر روی بخش مرکزی حساب می‌شد.

ردیف	نامزدها	طایفه (زیستگاه)	آرای نامزدها در بخش مرکزی ^۱ (زیستگاه طوایف بکش، جاوید، رستم، ماهورمیلانی، دشمن‌زیاری)
۱۶	اکبر جمشیدی	بکش	۴۶۷
۱۷	سهراب رزمجویی	دشمن‌زیاری	۲۶۹
۱۸	مهدی امیری	غیر بومی	۲۶۹
۱۹	هادی سادات	رستم	۷۴
۲۰	محمد حسین جعفری	بکش	۵۳

جدول ۲- میزان مشارکت در مرحله نخست اولین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی، ۱۳۵۸

حوزه انتخابیه	مرحله اول انتخابات دوره اول مجلس شورای اسلامی		
	میزان مشارکت	میزان درصد	جمعیت واجد شرایط
ممسنی	۴۴۱۳۶	۶۴	۶۸۸۴۰

جدول ۳- آرای نامزدها در مرحله دوم اولین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: دفتر انتخابات وزارت کشور، ۱۳۵۹

ردیف	نامزدها	طایفه (زیستگاه)	آرای نامزدها در بخش مرکزی
۱	صمد شجاعیان	جاوید	۱۸۷۶۶
۲	علی انصاری	رستم	۹۳۶۸

جدول ۴- میزان مشارکت در مرحله دوم اولین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: دفتر انتخابات وزارت کشور، ۱۳۵۹

حوزه انتخابیه	مرحله دوم انتخابات دوره اول مجلس شورای اسلامی		
	میزان مشارکت	درصد مشارکت	جمعیت واجد شرایط
ممسنی	۲۸۱۷۱	۴۱	۶۸۸۴۰

۴. ۱. ۲. دومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

بارزترین شناسه این دوره، حضور کم بازیگران، خواه به لحاظ طیف‌های سیاسی و خواه بر

مبنای گرایش‌های قومی و طایفه‌ای بود. در این باره دو گزاره وجود دارد. در مقیاس کلان، انقلاب فرایند «تأسیس» را گذراند، اقدام به نهادهای کرد و حوادث و رویدادهایی را پشت سر گذاشت؛ از این رو قواعد و چارچوبی را مطرح نظر قرار می‌دهد و به این اعتبار، فضا به تدریج به سمت انقباض و پاکسازی می‌رود. در سطح خرد (شهرستانی) الگوی رأی طایفه‌ای و قومی به واسطه شناخت نامزدها تأثیرگذار بود، اما تحولات و رویدادهایی نظیر هشت آذر به رادیکال شدن فضا و این واژدگی منجر شد. با وارد کمپین نشدن نامزدهای پروزن دور قبل و ایجاد خلأ قدرت در فضاهای جغرافیایی، زمینه برای پیشسازی دیگر داوطلبان به خصوص سید عبدالرسول موسوی، کاندیدای نفر ششم، فراهم شد. تصویری که از موسوی به دست داده می‌شد، آغشته بود به سانتیمانتالیزم شور انقلابی و تبلور گفتمانی جدید با عنوان «معنویت سیاسی». از طرفی صمد شجاعیان، نماینده وقت ممسنی، قصد داوطلبی در این دوره از انتخابات را نداشت، اما با درخواست جمع کثیری از مردم و متنفذین وارد صحنه شد.^۱ با ورود مجدد شجاعیان به تورنمنت و حضور از قبل مشخص شده عبدالرسول موسوی و پاکسازی فضا و فیلتر شدن کارزار انتخابات، شکاف سیاسی بین این دو بازیگر پدیدار شد. موسوی که خاستگاهی نظامی و مکتبی داشت و از خانواده‌ای به شدت دینی/مذهبی بود، مبانی نظری مشخصی داشت. او در مقابل صمد شجاعیان که پایگاهی فرهنگی/ایلی داشت و از خانواده‌ای فلاح‌پیشه و زارع (عرفی) برخاسته بود، قرار گرفت و به نوعی یکی نماینده مراکز قدرت و عمده مالک (برزگ‌دار) و دیگری نماینده قشر مردم و خرده مالک (برزگر) بود. بازیگران، سیمایی مبارز و انقلابی داشتند، ولی از دو جنس متفاوت. مبانی نظری موسوی از جنس فقهی/شیعی و شالوده فکری شجاعیان از جنس اجتماعی. شجاعیان به عنوان یک فرد فرهنگی برآمده از مدارس عشایری که زیر فشار ساختار اجتماعی ایلی بزرگ شده بود، ناگهان وارد جامعه و چپ‌گرا می‌شود. چپ‌گرایی وی فلسفی و نظری نیست؛ بلکه نوعاً اجتماعی به شمار

۱. در آن ایام شکاف گودی بین نماینده وقت و سازمان سیاسی و اداری ممسنی وجود داشت؛ به طوری که قدرت در ممسنی عملاً در حیطه موسوی و یارانش بود و نماینده، نفوذ درخوری در حوزه انتخابیه نداشت. مخالفان شجاعیان مدیریت اجرایی شهرستان و استان را در دست داشتند و در کارهای شجاعیان کارشکنی می‌شد تا کارآمدی وی زیر سؤال رود. در این رابطه گفته شده است که شجاعیان، نماینده ممسنی از اوگرو (چشمه آب گرم ممسنی) به آن طرف است و از چنارشجون (شهرستان قائمیه) تا ممسنی، قدرت از آن موسوی و پیروانش است.

می‌رود. شجاعیان، معلم در چارچوبی بود که سیستم سیاسی را قبول داشت، اما با اپوزسیون (هشت آذر) در ارتباط بود و جریان غیرانقلابی را پشت سر خود داشت و در طرف مقابل جریان انقلابی پشتیبان موسوی بود؛ از این رو عملاً حوزه انتخابیه ممسنی به صورت دو باند «باند موسوی/باند صمدی» درآمد. دوئل موسوی و صمدی، در واقع دوقطبی بکش و جاوید نبود؛ بلکه تقابل دو چهره «انقلابی و مبارز» و رویارویی دو گفتمان «انقلابی و غیرانقلابی» بود. در این آوردگاه با توجه به عملکرد و تجربه شجاعیان طی دوران نمایندگی و پیشینه سیاسی، ارتباط و یک‌رنگی با مردم و محبوبیت بین بدنه سنگینی از جامعه و رویدادهایی نظیر هشت آذر، آشکار بود که رقیب راست افراطی وی، قدرت رقابت با او را ندارد و از مجموع ۵۷۰۷۹ رأی مأخوذه، صمد شجاعیان با کسب ۵۹ درصد آراء، پیروز انتخابات شد (قاسمی، ۱۳۹۹؛ صادقی، ۱۳۹۳، ص. ۷۱). برخی پیشتازی شجاعیان بر موسوی را پیروزی آشکار و بسیار مهم دانستند و اذعان داشتند که این یک نبرد سیاسی بود؛ نبرد سیاسی علیه راست افراطی. جدای از داوری درباره عملکرد شجاعیان در حوزه انتخابیه خود، پیروزی این بازیگر آن هم دو دوره متوالی، در خودباوری، پیشرفت و شهری شدن مردم قلمرو جاوید تأثیر بسزایی داشت. تجزیه و تحلیل ترکیب رأی‌دهندگان نشان می‌دهد، در کنار رأی محلی/طایفه‌ای، هریک از این نامزدها به واسطه آشنابودن در بین خویشاوندان خود (نه به دلیل تعصب داشتن)، ساکنان و رأی‌دهندگان سایر حوزه‌ها و مکان‌ها فارغ از هم‌محله‌ای بودن و عصبیت خویشاندی به این نامزدها رأی دادند.

جدول ۵- آرای نامزدها به تفکیک بخش‌ها در دومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی، ۱۳۶۳

ردیف	نامزدها	طایفه (زیستگاه)	بخش مرکزی (زیستگاه طوایف بکش، جاوید، رستم، دشمن‌زیاری)	بخش ماهرملاتی ^۱ (زیستگاه طایفه ماهر ملاتی)	آرای نامزدها
۱	صمد شجاعیان	جاوید	۳۰۷۵۲	۳۱۳۲	۳۳۸۸۴
۲	سید عبدالرسول موسوی	بکش	۲۰۴۲۹	۲۰۶۲	۲۲۴۹۱
۳	میرزا بزرگ طباطبائی	بکش	۲۲۴	۳۷	۲۶۱

۱. در این دوره محدوده جغرافیایی طایفه ماهرملاتی از بخش مرکزی انتزاع و به بخش ماهر ملاتی ارتقاء یافت.

جدول ۶- میزان مشارکت در دومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی، ۱۳۶۳

حوزه انتخابیه	دوره دوم انتخابات مجلس شورای اسلامی		
	جمعیت واجد شرایط	میزان مشارکت	درصد مشارکت
ممسنی	۷۰۹۶۹	۵۷۰۷۹	۸۰

۴. ۱. ۳. سومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

در این دوره نیز مانند دوره قبل هیچ‌کدام از بازیگران پروزن دوره اول و به‌ویژه صمد شجاعیان، نماینده دو دوره حوزه انتخابیه ممسنی پا به عرصه انتخابات نگذاشتند. از پس پرده نگاه کردن به نظر می‌رسد نقش‌آفرینی و در کورس بودن سید عبدالرسول موسوی، ایدئولوژیک‌ترین انسان ممسنی و نامزد چندین دوره انتخابات و هول این بازیگر بر پیروزی در مبارزات انتخاباتی از دلایل عمده این بایکوت سیاسی بوده است. موسوی تنها بازمانده ادوار اول و دوم بود که در این عرصه حضور داشت. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی با همکاری سایر انقلابیون نهادهای را شروع کرد و ارگان‌هایی چون سپاه، کمیته، سازمان تبلیغات و از این دست را بنیاد نهاد. او سکندار سپاه و جریان ۸ آذر ۱۳۵۹ که به جان باختن تعدادی منجر شد و از تاریک‌ترین رویدادهای دوران مسئولیت وی در سپاه پاسداران در آن سال‌ها به شمار می‌رود. این روحانی پرنفوذ شیعی که هدایت جریان سیاسی خاصی (رادیکال) را در دست داشت، برخوردار از جدی سادات و از خانواده‌ای نسبتاً شامخ در بین مردم بکش بود. او در این دوره با ابرام بیشتری وارد صحنه شد؛ گویی تار و پود موسوی را پیروزی در انتخابات و نشستن بر کرسی مجلس شکل داده بود. موسوی که هشت سال از عمر دراز خود را برای چنین روزهایی گذرانده بود و از جغرافیایی (آبادی سید کاظم، توتستان) برخاسته بود که نامی بلند و پلاک انقلابی/ایدئولوژیک را با خود یدک می‌کشید، توانست در این دوره نسبت به ادوار قبل خوش‌تر نمایان شود و به‌عنوان رقیبی سرسخت و کهنه برای دیگر کوشندگان سیاسی ظاهر شود. یکی از مدعیان، غلام‌رضا شهریور بود که نامزد هم‌طایفه‌ای موسوی و نماینده بخشی از بدنه رأی‌دهنده بکش بود. شهریور آن ایام به واسطه منصبی (مدیر کل) که در استان داشت، در ساختار قدرت نفوذ داشت. این بازیگر به رغم اینکه نخستین بار بود پا به

صحنه انتخابات گذاشته بود، توانست جایگاه خوبی (دوم) را در بین رقبا کسب کند، اما فضای اجتماعی آن زمان که درهم تنیده با مستضعف گرایی و پابرهنگی بود و مردم با نامزدهای ساده و هم جنس خود همذات پنداری می کردند، رخصت پذیرش شهریور را که پلاک کاندیدای ثروتمند، تکنوکرات و لیبرال را با خود یدک می کشید، نمی داد. دیگر نامزد رقیب موسوی، کاندیدایی جوان و خوش فکر به نام هیبت اله رضایی بود. رضایی هرچند کاندیدای منطقه دشمن زیاری محسوب می شد، بخشی از بدنه رأی خود را مرهون رویکردها و اندیشه های پرسشگر و منتقدانه خود می دانست. رهیافت ها و ادبیات نو و بی بدیل این بازیگر در سخنرانی ها و تبلیغات، گروهی از رأی دهندگان نخبه و اندیشه ای را به خود جلب کرده بود؛ نامزدی که نظم را به هم ریخته بود و طرحی نو در انداخته بود. این نگاه انتقادی و حرکت خلاف جریان شاید از دلایل علاقه بسیاری از رأی دهندگان به وی بود. به لحاظ اندیشه و طیف سیاسی، نه تنها رضایی و موسوی با همدیگر سنخیت نداشتند، بلکه نقطه مقابل هم و درضدیت با یکدیگر نیز قرار داشتند؛ باین حال، رضایی و شهریور قدرت رقابت با موسوی را نداشتند که برای مدت طولانی نشستن بر کرسی مجلس جُستنی ترین هدف برای وی شمرده می شد. به رغم دل چرکینی ها و ناراحتی هایی که از موسوی به دلیل تحرکات رادیکال وی در آن دوران بین مردم (به ویژه مردم بکش) وجود داشت، در این دوره بعد از گذشت هشت سال، حساسیت ها کمتر شد و ناراحتی ها تقریباً به ورطه فراموشی سپرده شد و مردم با این بازیگر به نوعی آشتی جغرافیایی و فرهنگی کردند. و از آنجاکه سومین بار بود ورود کرده بود و مُصر بود که حتماً پیروز انتخابات شود، بزرگان و افراد قدرتمند این منطقه تصمیم گرفتند که با حمایت از وی، آن را روانه مجلس (تهران) کنند (صادقی، ۱۳۹۳، ص. ۷۳)؛ به دیگر سخن، از آنجاکه فضای طایفه ای به آن صورت حاکم نبود، تقریباً اجماع نانوشته ای روی موسوی در تمامی طوایف صورت گرفت و موسوی در همان مرحله اول به مجلس راه یافت (امینی، ۱۳۹۰، ص. ۵). با این رهیافت به نظر می رسد، تک تک اجزای انتخابات اعم از مردم و ساختارهای قدرت و غیره با هم همیاری و برهم کنش (تعامل) داشتند تا زمینه پیروزی موسوی و روانه کردن او را به پایتخت فراهم سازند. شاید بتوان گفت تا این دوره، مفهوم سینرژی/هم افزایی در انتخابات ممسنى سابقه نداشته است؛ به گونه ای که با توجه به میزان

رأی هنگفتی که موسوی بعد از سال‌ها فعالیت و بی‌خوابی دشت کرد، می‌توان روایی و پایایی این گزاره را که موسوی برآیند فشار جمعی تک‌تک نیروها و افراد بود (سینرزی)، تأیید کرد. گفته شده است که موسوی در یکی از سخنرانی‌هایش اذعان داشته: «مردم من به گردن شما هستم. به من رأی دهید تا از شر شما خلاص شوم». در این دوره، اکثر نامزدها در زادگاه خود بیشترین آراء را اخذ کردند، اما با نگاهی به آرای دیگر داوطلبان (موسوی، شهرپور، رضایی) در مناطق جغرافیایی مختلف، به نظر می‌رسد با توجه به آرای که آن‌ها اخذ کرده‌اند، وابستگی های مکانی/طایفه‌ای چندان در الگوی رأی نامزدها اثرگذار نبوده است. بدین ترتیب برای اولین بار یک روحانی در حوزه انتخابیه ممسنی، با کسب ۵۲ درصد آراء، با فاصله زیاد رقبا را شکست داد و به کرسی مجلس رسید. طی این سه دوره انتخابات، فضای «گفت‌وگو/مذاکره»^۱ بر فرایند انتخابات ممسنی حاکم بود.

جدول ۷- آرای نامزدها به تفکیک بخش‌ها در سومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی، ۱۳۶۷

ردیف	نامزدها	طایفه (زیستگاه)	بخش مرکزی (زیستگاه طوایف بکش، جاوید، رستم و دشمن‌زیاری) ^۲	بخش ماهورمیلاتی (زیستگاه طایفه ماهور میلاتی)	آرای نامزدها
۱	سید عبدالرسول موسوی	بکش	۳۳۰۴۴	۵۳۷۰	۳۸۴۱۴
۲	غلامرضا شهرپور	بکش	۹۳۳۵	۱۱۱۴	۱۰۴۴۹
۳	هیبت‌اله رضایی	دشمن‌زیاری	۸۲۰۱	۲۴۰	۸۴۴۱
۴	رضاقلی الهیاری	رستم	۴۳۷۸	۳۹	۴۴۱۷
۵	قدرت‌اله گشتاسی	بکش	۳۴۶۱	۲۹۰	۳۷۵۱
۶	نصیر نیک‌نژاد	رستم	۳۲۲۳	۵۱	۳۲۷۴
۷	محمد عباسی	دشمن‌زیاری	۱۹۲۶	۲	۱۹۲۸
۸	احمد ارجمند	بکش	۱۲۶۱	۱۱	۱۲۷۲

1. Negotiation

۲. قلمرو جغرافیایی طوایف رستم و دشمن‌زیاری تا این دوره هنوز جدا از بخش مرکزی نشده بود و آراء آن به صورت متمرکز بر روی بخش مرکزی حساب می‌شد.

جدول ۸- میزان مشارکت در سومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: نگهداری، ۱۳۹۰، ص. ۶

حوزه انتخابیه	دوره سوم انتخابات مجلس شورای اسلامی		
	جمعیت واجد شرایط	میزان مشارکت	میزان درصد
ممسنی	۸۲۰۸۰	۷۲۶۲۲	۸۸

۴. ۱. ۴. چهارمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

چهارمین دوره انتخابات تحت تأثیر توسعه اقتصادی و بهبود وضعیت معیشتی انجام شد. قلمروهای جاوید و ماهور میلانی نامزدی در انتخابات نداشتند و ستاره و نقش اول ژانر سیاسی منطقه دشمن‌زیاری و رستم یعنی هیبت‌اله رضایی و سید اعظم هاشمی رد صلاحیت شدند که این مهم، فروزندگی رقابت‌های انتخاباتی را تا حد زیادی کاهش داد. موسوی که با تلاش فراوان و به شرط هجرت کردن به تهران و برنگشتن، توانسته بود کرسی مجلس را از آن خود کند، در این دوره دوباره نامزد انتخابات شد و طبق شواهد، آرای پروزن اما ناکافی را کسب کرد. ضعف عملکردی دوران نمایندگی، تقابل با دولت وقت و پلاک چپ خوردن، انسداد سیاسی و ممانعت ساختاری و برنامه‌ریزی شده هسته گزینش آموزش و پرورش و از این دست در ضعف مقبولیت و پسندیدگی موسوی که تا آن زمان قطب‌نمای قدرت بود، اثرگذار ظاهر شد. همچنین تکرر داوطلب و حضور کاندیدای نسبتاً پروزن همچون شهرپور و عبدی‌پور، بر ناکامی وی در مرحله اول انتخابات اثرگذار بود. شهرپور که در دوره قبل حضور داشت، در این دوره هم نتوانست خوش بدرخشد. عمدتاً آرای زادگاهی و تیره‌ای خود را کسب کرد. عبدی‌پور زاده خاک ممسنی نبود؛ بلکه نامزد غیربومی بود و اصالتی باشتی (گچساران) داشت. وی توسط موسوی با معرفی به وزیر کشور وقت، محتشمی‌پور، فرماندار ممسنی شد. طی دوران فرمانداری از خود کارگزاری عدالت‌خواه، مردم‌دار/خان‌ستیز و عملگرا نشان داد؛ همین امر محبوبیت وی را در بین بخشی از مناطق محروم افزایش داد. فرماندار عبدی‌پور، طی دوران نمایندگی موسوی اقدام به داوطلبی در انتخابات کرد. موسوی از این نقش‌آفرینی سیاسی نگران شد و به رایزنی با این بازیگر تصمیم گرفت. ناکامی در توجیه

عبدی‌پور مبنی بر کناره‌گیری در کارزار، سقوط بخشی از مناطق جغرافیای رأی (به‌ویژه منطقه ترک‌تبار ماهور میلّاتی) موسوی را در پی داشت. این شخصیت سیاسی از جایگاه بالایی در میان ادارات و مقامات محلی برخوردار بود و توانسته رأی آن‌ها را که می‌توانست به سود موسوی به صندوق افکنده شود، برای خود جلب کند و عاقبت شکست موسوی را هموارتر کند. موسوی در رابطه با این قضیه چنین تمثیلی را به کار برد: «ما تخم گذاشتیم زیر پای مرغ که جوجه شود، ولی بوقلمون از آب درآمد»^۱ از طرفی خوش‌مشربی، ادبیات موزون، با دیسپلین و تواضع شخصیتی/اجتماعی الهیاری و پایگاه فرهنگی این بازیگر در بدنه آموزش و پرورش در تطابق با پایگاه نظامی موسوی، خوش‌اقبال‌تر شد و بر عمق رأی وی اثرگذارتر بود. الهیاری که در دوره قبل از خود چهره نسبتاً شناخته‌شده به نمایش گذاشت، این دوره نماینده معترضان به عملکرد موسوی به شمار می‌رفت؛ از این‌رو در تقابل با موسوی، نماینده وقت، قرار گرفت (صادقی، ۱۳۹۳، ص. ۷۶). فوت آیت‌الله خمینی و تغییر فضای سیاسی کشور به نفع طیف سیاسی محافظه‌کار و خلق این انگاره در افکار عمومی که موسوی نامزد جریان حاکم و جزو چپ‌های حکومت است و الهیاری نامزد جغرافیای قدرت نیست، بلکه کاندیدای جریان‌ات رد صلاحیت‌شده‌ای چون سید اعظم هاشمی، هیبت‌اله رضایی و جریان‌هایی است که حاکمیت حضور آن‌ها را در صحنه انتخابات برنتابیده است، در ضدیت فضا علیه موسوی اثرگذار بود. از طرفی موسوی در کسوت روحانیت نتوانسته بود آن‌طور که شایسته است، مقبولیت اجتماعی درخوری در شهرستان به نمایش بگذارد؛ از این‌رو کنشگری‌ها و تحرکات بازیگران و گروه‌های مرجع/ذی‌نفوذ و رد صلاحیت رضایی و هاشمی و جمع شدن نیروها و طرفدارانشان حول محوریت تقابل با موسوی و طرفداری از الهیاری که حمایت جریان روشنفکری محلی را پشت سر خود داشت، باعث شد عمده رأی‌دهندگان فضای جغرافیایی جاوید و دشمن‌زیاری و ماهور میلّاتی به سمت ستاد الهیاری روی آورند و

۱. در همین زمینه یکی از نامزدهای این دوره خطاب به نامزدهای غیربومی گفته: «ممسنی ویرانه‌ای نیست که هر جُغدی بر بامش پرواز کند».

این مهم در توفیق الهیاری تأثیر درخور توجهی داشت (امینی، ۱۳۹۰، ص. ۵؛ رضایی، ۱۳۹۳، ص. ۲۱).

از مجموع ۷۴۷۴۱ آرای مأخوذه، رضاقلی الهیاری با اخذ ۴۱۶۱۵ رأی (۵۵ درصد) به مجلس راه یافت. در این دوره نماینده‌ای از حوزه انتخابیه ممسنی به مجلس راه یافت که تا حد زیادی همسو با گفتمان حاکم بر کشور پیش می‌رفت. این بازیگر بیشترین میزان رأی خود را در طایفه رستم که قلمرو زادگاهی/ طایفه‌ای وی به شمار می‌رفت، اخذ کرد. در کنار الگوی رأی طایفه‌ای، آرای سلبی الهیاری به معنای «نه» به موسوی، قوی‌ترین پایگاه رأی این فعال سیاسی را تشکیل داده است. ممسنی بیش از یک دهه با چالش راست افراطی در عرصه سیاسی و بلوک قدرت مواجه بوده است؛ از این رو رأی‌دهندگان پایین نگه‌داشتن رأی موسوی را وظیفه مدنی خود می‌دانستند و پیروزی الهیاری با واکنش مثبت نیروهای سیاسی و اجتماعی معتدل و مدافعان دموکراسی در ممسنی مواجه شد.

اقدامات و تحرکات بازیگران سیاسی در این دوره، هویت و کارکرد فضاها و جغرافیایی را از حالت طبیعی/زیستگاهی به سیاسی/قلمروی تغییر ماهیت داد و به دنبال آن دگردیسی کنش رأی‌دهی را به همراه داشت؛ یعنی اگر تا این دوره مردم به واسطه شناختی که از نامزد قلمرو جغرافیایی خود داشتند به سوی آن روی می‌آوردند، در این دوره جدای از بحث شناخت یا بی‌معرفتی، به هر روی، خواهان طرفداری و رأی به او شدند.

جدول ۹- آرای نامزدها به تفکیک بخش‌ها در مرحله نخست چهارمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی، ۱۳۷۱

ردیف	نامزدها	طایفه (زیستگاه)	بخش مرکزی (زیستگاه طوایف بکش، جاوید و رستم ^۱)	بخش دشمن‌زیاری (زیستگاه طایفه دشمن زیاری)	بخش مهورمیلاتی (زیستگاه طایفه مهور میلاتی)	آرای نامزدها
۱	سید عبدالرسول موسوی	بکش	۱۳۶۳۴	۳۲۹۸	۱۷۵۸	۱۸۶۹۰
۲	رضاقلی الهیاری	رستم	۱۲۹۹۴	۱۲۴۱	۲۰۶	۱۴۴۲۱

۱. قلمرو جغرافیایی طایفه رستم تا این دوره هنوز جدا از بخش مرکزی نشده بود و آراء آن به صورت متمرکز بر بخش مرکزی حساب می‌شد.

ردیف	نامزدها	طایفه (زیستگاه)	بخش مرکزی (زیستگاه طوایف بکش، جاوید و رستم ^۱)	بخش دشمن‌زیاری (زیستگاه طایفه دشمن زیاری)	بخش ماهورمیلاتی (زیستگاه طایفه ماهور میلاتی)	آرای نامزدها
۳	غلام‌رضا شهریور	بکش	۱۰۶۲۱	۱۳۲۱	۱۶۷۰	۱۳۶۱۲
۴	رهام عبدی‌پور	غیربومی	۴۸۸۶	۵۷۹	۴۳۰۷	۹۷۷۲
۵	فریبرز انصاری	رستم	۸۷۷۸	۵۵	۲۴۲	۹۰۷۵
۶	خسرو گودرزی	رستم	۵۵۸۰	۵۶	۵۶	۵۶۹۲
۷	سید شهاب موسوی	دشمن‌زیاری	۲۵۱	۲۳۷۸	۳۵	۲۶۶۴
۸	جهانشیر لشکری	بکش	۲۵۲۷	۳۰	۱۰۰	۲۶۵۷
۹	محمد‌حسن حسینی‌فر	بکش	۳۱۲	۰	۲	۳۱۴

جدول ۱۰- میزان مشارکت در مرحله نخست چهارمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی، ۱۳۷۱

حوزه انتخابیه	دور چهارم انتخابات مجلس شورای اسلامی		
	جمعیت واجد شرایط	میزان مشارکت	درصد مشارکت
ممسنی	۹۱۸۷۹	۷۷۳۸۰	۸۴

جدول ۱۱- آرای نامزدها به تفکیک بخش‌ها در مرحله دوم چهارمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی، ۱۳۷۱

ردیف	نامزدها	طایفه	بخش مرکزی	بخش دشمن‌زیاری	بخش ماهورمیلاتی	آرای نامزدها
۱	رضاقلی الهیاری	رستم	۳۵۵۰۹	۴۲۳۵	۱۸۷۱	۴۱۶۱۵
۲	سید عبدالرسول موسوی	بکش	۲۵۵۴۱	۴۷۳۶	۲۴۸۵	۳۲۷۶۲

جدول ۱۲- میزان مشارکت در مرحله دوم چهارمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی، ۱۳۷۱

حوزه انتخابیه	دور چهارم انتخابات مجلس شورای اسلامی		
	جمعیت واجد شرایط	میزان مشارکت	میزان درصد
ممسنی	۹۱۸۷۹	۷۴۷۴۱	۸۱

۴. ۱. ۵. پنجمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

این انتخابات با انتخابات دوره قبل متفاوت بود و دوران سازندگی سال آخر خود را پشت سر می گذاشت. الهیاری که در کنار توانمندی های خود و خوش اقبالی هایی نظیر گزاره «نه به موسوی»، بر کرسی مجلس نشست و نیز طی دوران نمایندگی در موضوع حمل و نقل عمومی و شخصی (مینی بوس و نیسان)، تجهیزات و ادوات باغبانی و مکانیزاسیون کشاورزی نظیر تراکتور، کمباین، قطعات یدکی و از این دست و اصلاح ساختار و تعویض نیروی هسته گزینش ممسنی شناخته شده بود، در این دوره با ناخرسندی اجتماعی و ریزش سنگین پایگاه آراء روبه رو شد. به موازات ضعف مقبولیت الهیاری، رقیب طایفه ای و فرهنگی او یعنی فریبرز انصاری که در دوره قبل، نقش آفرین بود و توانسته بود از خود بازیگری کاردان، پاک و راستگو در بین اذهان عمومی خلق کند، وارد گوی رقابت شد. در رأی آوری انصاری ابتدا باید دلایل ضعف رأی آوری سایر داوطلبان را در نظر گرفت. با اجماع بر الهیاری و نه به موسوی در دوره چهارم، موسوی گوی رقابت را وا نهاد و رئیس ستاد انتخاباتی خود یعنی امینی را معرفی کرد و وارد گود سیاست کرد. امینی تا این ایام جزو سمپات ها و مشاوران نزدیک موسوی و به لحاظ تیپولوژی اندیشه ای همسو با وی بود و مشروعیت خود را از این روحانی می گرفت. با توجه به این مشروعیت پذیری و جایگاه سیاسی در ستاد انتخاباتی و وثوق بین نیروهای سیاسی/مذهبی، امینی به عنوان میراث دار موسوی توانست جایگزین موسوی شود و پایگاه رأی این بازیگر را از آن خود کند. وجود سه بازیگر نسبتاً پرقدرت در قلمرو بخش یعنی کشاورز، بهزادفر و چوبینه، به ویژه خداکرم کشاورز که هویتی دشمن زیاری داشت و بزرگ شده و خویشاوند ساکنان بخش مرکزی (بخش) بود و سال ها ساکناندار آموزش و پرورش ممسنی و مقبول در بدنه فرهنگیان بود، جذب آراء و انسجام ژئوپلیتیک طایفه ای را برای امینی پیچیده و سخت کرد. در صورت در صحنه نبودن کشاورز و موسوی، سبد رأی امینی در بین ساکنان طایفه بخش و دشمن زیاری به مراتب بیشتر بود؛ چراکه این بازیگر (کشاورز) بخش وسیعی از آرای بخش را که طبق الگوی رأی طایفه ای به امینی متعلق بود، کسب کرد؛ همچنین میزان زیادی از آرای دشمن زیاری را -با توجه به پیوند و ارتباط ژرفی که امینی با ساکنان این منطقه برقرار کرده بود و توانست به سود امینی در صندوق ریخته شود، اخذ کرد. وجود امراله

زندگی در مقام بازیگری تکنوکرات و سه‌زبانه یعنی ترکی قشقایی، لری زاگرس و انگلیسی‌زبان، با پایگاه اقتصادی بالا و از بدنه شرکت نفت، که هم در طایفه ترک‌تبار خود یعنی ماهور میلانی و هم در بخش مرکزی نفوذ و سیمایی آشنا برای رأی‌دهندگان داشت، بر ناکامی امینی بی‌تأثیر نبود.

قائدی از خانواده‌ای سرشناس/فرهنگی بود و سال‌ها در آموزش و پرورش ممسنی فعالیت داشت. او مدیر دبیرستان ایزدی بود و در بین اقوام و طایفه خود چهره‌ای نام‌آشنا و برجسته داشت. این بازیگر، منش و خصلت اجتماعی مردمی و عامه‌پسند و زبان و فرمی ساده و بی‌آلایش داشت، اما در پیکارهای انتخاباتی، شخصیت کاریزماتیک، جدیت در فرم و زبان بدن، نفوذ و منزلت اجتماعی از اهمیت بسیاری برخوردار بود که قائدی تمام سطوح این شناسه‌ها را نداشت. قائدی در کسب فرصت‌های اقتدار، تأمین مقبولیت و تنظیم رابطه خود با مردم و هیئت اجرایی/اداری شهرستان نتوانست به‌خوبی عمل کند؛ چون در رقابت‌های انتخاباتی نیز زبان و لحن به‌کاررفته در سخنرانی‌ها و الگوهای تعاملی با رأی‌دهندگان از سوی کاندیدا بسیار اهمیت داشته و بر رأی‌آوری آن‌ها تأثیر بسیار دارد. به‌طورکلی، ضعف گفتمانی و مهارت کلامی، ضعف در تبلیغات و ارتباط گرم و همه‌جانبه با مسئولان اجرایی و مراکز قدرت، ضعف در کنشگری و یارگیری برای جذب آرای شناور/مردد و خاکستری، ضعف در اتحاد و انسجام درون‌طایفه‌ای و انفعال روابط اجتماعی، ازجمله استدلال‌هایی است که می‌توان برای ناکامی این نامزد که در یک‌قدمی ورود به پارلمان بود، برشمرد. سایر بازیگران وزن سنگینی برای نقش‌آفرینی در کارزار انتخابات نداشتند.

با توجه به وفور نامزدها و پراکنش آراء در فضای جغرافیایی، هیچ‌کدام از داوطلبان حائز اکثریت آراء نشدند و کارزار بین دو نامزد کورس انتخاباتی یعنی فربرز انصاری و منوچهر قائدی به بیشترین حد خود رسید. در مرحله دوم، هریک از این نامزدها در بین خویشاوندان و طوایف خود بیشترین رأی را اخذ کردند؛ بنابراین پیروز میدان را مکان‌ها و فضاها جغرافیایی مشخص می‌کرد که به این دو منتسب نبود. فضای جغرافیایی دشمن‌زیاری برای هر دوی این نامزدها خاطره‌انگیز و خوش‌اقبال بود؛ چراکه تقریباً رأی هم‌وزنی را دشت کردند. قلمرو کوچ‌روی ماهور میلانی برای فربرز انصاری خوش‌تر ظاهر شد؛ اما در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که رأی این دو در قلمرو یکدیگر چگونه

بوده است؟ باید اذعان داشت که فضای جغرافیایی هر دو بازیگر عمدتاً به کاندیدای خودی طرفداری کرده‌اند، ولی در هر فضایی شماری هستند که کنشی قومی/طایفه‌ای ندارند و فراتر از قوم و طایفه عمل و رفتار می‌کنند. به نظر می‌رسد با توجه به ریشه‌های خویشاوندی و پیوندهای خونی که قانندی در بخشی از طایفه رستم داشت، این امر باعث شد تا شماری به وی رأی دهند، ولی رأیی را که انصاری در قلمرو قانندی (جاوید) کسب کرد، به مراتب بیشتر از رأی وی در منطقه رستم بود که همین امر تأثیر مهمی بر کامیاب شدن وی داشت. فضای جغرافیایی بخش مرکزی زیستگاه دو طایفه جاوید و بکش است. در این مرحله هم جاویدی‌ها به صورت یکپارچه از کاندیدای هم‌طایفه ای یعنی قانندی حمایت کردند و در اینجا فقط کنش ساکنان بکش تعیین‌کننده بود. به نظر می‌رسد، باشندگان و رأی‌دهندگان بکش، «کنش تاریخی جاویدی‌ها» در دوره قبل در جهت حمایت از کاندیدای طایفه رستم یعنی الهیاری و علیه موسوی را از یاد نبردند و با انسجام و اجماع درونی، رأی خود را برای زهر چشم گرفتن از جاویدی‌ها به نفع انصاری به صندوق ریختند و درنهایت، این «کنش تاریخی بکش‌ها» بود که سرنوشت انتخابات را رقم زد. سواى از این طبق دیده‌ها و شنیده‌ها، حضور شماری از اقوام و خویشاوندان انصاری ساکن در باشت، گچساران و یاسوج به حوزه انتخابیه ممسنی برای حمایت از این بازیگر در پیروزی انصاری بی‌تأثیر نبوده است. سرانجام از مجموع ۸۸۶۲۷ آرای مأخوذه، فربرز انصاری با کسب ۵۲ درصد آراء پیروز انتخابات شد. هویت جغرافیایی و طایفه‌ای که در دوره قبل در عمل بنیان نهاده شد، در این دوره با آهنگی سریع گسترش یافت و پرتو آن سراسر جغرافیای ممسنی را پوشاند؛ از این رو، فضای انتخابات از حالت گفت‌وگو/مذاکره به «بحث/مباحثه»^۱ کشانده شد و انتخابات «هویت‌محور» و «اتحادشکن» در متن جامعه ممسنی انداخته شد.

جدول ۱۳- آرای نامزدها به تفکیک بخش‌ها در مرحله نخست پنجمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی، ۱۳۷۴

ردیف	نامزدها	طایفه (زیستگاه)	بخش مرکزی (زیستگاه طوایف بکش و جاوید)	بخش رستم (زیستگاه طایفه رستم)	بخش دشمن‌زیاری (زیستگاه طایفه دشمن‌زیاری)	بخش ماهورمیلانی (زیستگاه طایفه ماهور-میلانی)	جمع آراء
۱	فریبرز انصاری	رستم	۴۳۴۴	۱۳۶۶۱	۱۰۶۰	۹۵۳	۲۰۰۱۸
۲	منوچهر قانندی	جاوید	۱۵۳۳۵	۱۴۱۷	۱۰۲۲	۲۴۶	۱۸۰۲۰
۳	سید ابراهیم امینی	بکش	۱۲۱۳۲	۱۹۶۷	۲۱۷۸	۵۴۰	۱۶۸۱۷
۴	رضاقلی الهیاری	رستم	۳۴۲۹	۶۰۳۶	۷۴۷	۱۰۳	۱۰۳۱۵
۵	خداکرم کشاورز	بکش	۶۷۶۱	۳۱۳	۲۲۴۷	۱۱۳	۹۴۳۴
۶	امراه زندگی	ماهورمیلانی	۴۱۸۴	۷۱	۶	۵۰۰۰	۹۲۶۱
۷	محمد طاهر موسوی	دشمن‌زیاری	۴۵۱	۲۴	۵۵۸۱	۱۹	۶۰۷۵
۸	اصغر بهزادفر	بکش	۳۲۹۹	۱۱۰۳	۱۳۸	۱۳۷	۴۵۴۰
۹	علی چوبینه	بکش	۱۱۱۷	۲۰۷	۸۸	۱۰	۱۴۲۲
۱۰	کرامت‌اله نگین‌تاجی	رستم	۱۸۴	۹۰۱	۳	۱۲	۱۱۰۰

جدول ۱۴- میزان مشارکت در مرحله نخست پنجمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی، ۱۳۷۴

حوزه انتخابیه	دوره پنجم انتخابات مجلس شورای اسلامی		
	جمعیت واجد شرایط	میزان مشارکت	میزان درصد
ممسنی	۱۰۳۱۹۸	۹۷۰۰۲	۹۴

جدول ۱۵- آرای نامزدها به تفکیک بخش‌ها در مرحله دوم پنجمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی، ۱۳۷۴

ردیف	نامزدها	طایفه	بخش مرکزی	بخش رستم	بخش دشمن‌زیاری	بخش ماهورمیلانی	جمع آراء
۱	فریبرز انصاری	رستم	۱۶۶۰۹	۲۲۶۰۲	۵۰۶۴	۲۱۴۶	۴۶۴۲۱
۲	منوچهر قانندی	جاوید	۲۸۲۴۰	۵۸۰۸	۴۶۵۱	۳۵۰۷	۴۲۲۰۶

جدول ۱۶- میزان مشارکت در مرحله دوم پنجمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی، ۱۳۷۴

حوزه انتخابیه	دوره پنجم انتخابات مجلس شورای اسلامی		
	جمعیت واجد شرایط	میزان مشارکت	درصد مشارکت
ممسنی	۱۰۳۱۹۸	۸۸۶۲۷	۸۶

۴. ۱. ۶. ششمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

ششمین دوره که اصلاح طلبان (جبهه دوم خرداد) اکثریت مجلس را در اختیار داشتند، توسعه سیاسی در داخل و تنش زدایی در سیاست خارجی را در دستور کار خود قرار دادند. نماینده وقت ممسنی یعنی فریبرز انصاری و همتای جاویدی وی یعنی منوچهر قائدی وارد گوی رقابت نشدند؛ این امر رویدادی نادر در تاریخ سیاسی/انتخاباتی ممسنی شمرده می شود؛ از این رو، زمینه برای دیگر سیاسیون فراهم شد. امینی چه به لحاظ مواضع، چه سبک گفتار و چه قابلیت های سیاست ورزی و شگردهای انتخاباتی مزیت خاصی داشت که بتواند یخ موجود در فضای انتخاباتی را در طیف معترض و خاکستری جامعه بشکند. این بازیگر در دوره قبل به رغم تحرکات زیاد با بدبینی های روبه رو شد. از یک سو با گفتمان سازندگی همسو نبود و از سوی دیگر، حضور بازیگران متعدد پیروزی را برای وی سخت کرد، اما در این دوره هم با گفتمان حاکم یعنی مباحث تحول گرایانه، جامعه مدنی و آزادی بیان یک جهت بود و هم دیگر نامزدهای پروژن طایفه بکش یعنی کشاورز، بهزادفر و چوبینه در کارزار حضور نداشتند که بخشی از آرای این قلمرو را که می توانست به نفع امینی به صندوق ریخته شود، از آن خود کنند؛ از این رو فضای جغرافیایی بکش، به طور یکدست، شتابی فشرده و متراکم به خود گرفت؛ به نحوی که به نقش آفرینی امینی در جبهه خودی (طایفه ای) نیاز نبود. دشمن زیاری از جمله سکونتگاهی است که امینی عملکرد و مناسبات خوب و سازنده ای با این فضای جغرافیایی برقرار کرد و همواره عمق ژئوپلیتیک گسترده ای در این فضا برای اخذ رأی داشت، اما در این دوره، دشمن زیاری در قامت جغرافیایی پویا و حق طلب سربرآورد و از سکونتگاهی ایستا و اقتصادی به زیستگاهی پویا و کنشگر (سیاسی) متحول شد. به واقع، دشمن زیاری ها طی ادوار انتخابات کنشگری حداکثری داشتند، اما ادوار سوم و ششم برای آن ها نقطه عطف و موضوعی

حیثیتی محسوب می‌شد. دور سوم با معرفی هیئت‌اله رضایی، دانش‌آموخته حقوق سیاسی دانشگاه تهران، که متأثر از اساتید خود یعنی بشیریه، قادری، عالم و غیره، آگاه به مفاهیم بُن فکن/شالوده‌شکن (توسعه سیاسی، آزادی، دموکراسی، روشنفکری و مانند اینها) شده بود، هرچند ناکام شدند، اما به‌رغم دست‌های ضعیف و خالی خوب پوکر بازی کردند. درواقع، در این دوره، رقابت بیش از آنکه بین الهیاری و موسوی باشد، هم‌اوردی بین رضایی و موسوی بود. اما دوره‌ای که برای دشمن‌زیاری‌ها حسرت و کینه را بر دل داشت، دور ششم بود؛ چراکه با تمام دینامیسم و انرژی خود وارد کارزار شدند و با در پیش گرفتن رویکردی ژئوپلیتیک یعنی انسجام جغرافیایی، برای اولین بار توانستند در طول تاریخ شش دوره انتخابات مجلس روی یک داوطلب اجماع کنند و اکتیویستی پروزن و پوشیده به لباس روحانیت یعنی شیخ علی پارسا را به رقابت با امینی بفرستند. درواقع، دوگانه رضایی/موسوی در دور سوم به شکل تقابل پارسا/امینی در دور ششم بازساخت شد. در رقابت هیجان‌انگیز و نفس‌گیر بین دو نامزد قلمرو بکش و دشمن‌زیاری، این کاندیدای طایفه دشمن‌زیاری بود که به زانو درآمد. درپی تقابل‌ها، تنش‌ها و کدورت‌هایی که بین ساکنان این دو سکونتگاه به واسطه ورود و خروج رأی‌دهندگان رخ داد و متعاقب آن، شکست (تراژدی) در انتخابات روی داد، همه آرمان‌ها و آرزوهای دشمن‌زیاری‌ها بر باد رفت و از این تاریخ به بعد بود که به مهاجرت به شیراز تصمیم گرفتند تا آرمان سیاسی خویش را در آنجا دنبال کنند. در بین سایر طوایف به‌خصوص رستم و جاوید که هرکدام به‌ترتیب شش و چهار کاندیدا داشتند، نوعی ناهماهنگی و اختلاف دیدگاه درمورد اجماع و تصمیم مشترک درباره یک نامزد وجود داشت. قلمرو رستم که دو دوره متوالی جغرافیای پیروزی قلمداد شد، اما در این دوره فضای یکپارچه‌ای نداشت. رقابت در این فضای جغرافیایی بیش از آنکه برون‌طایفه‌ای باشد، درون‌طایفه‌ای بود و رقابت بین ظفر افشون و رضاقلی الهیاری از سر گرفته شد. با اینکه این دو بازیگر با یکدیگر خویشاوند نزدیک (الهیاری داماد افشون است) بودند، هیچ‌کدام حاضر به تن دادن به یکدیگر نبودند. الهیاری سومین بار و افشون نخستین بار بود که وارد پویش انتخاباتی می‌شدند. افشون چهره‌ای اصلاح‌طلب، از بدنه وزارت کشور (بخشدار نورآباد) و همسو با گفتمان کشور بود و در سطوح اداری/اجرایی شهرستان نفوذ درخور توجهی داشت. دیگر نامزدهای طایفه رستم در

مقایسه با این دو، وزن چشمگیری نداشتند و درنهایت، آرای هنگفت این پهنه جغرافیایی وسیع بین این کوشندگان سیاسی پخش و تقسیم شد. اتفاق و هماهنگی گروهی و سیاسی نه تنها در طایفه رستم، بلکه در طایفه جاوید نیز وجود نداشت. صفرعلی کریمی در مقایسه با دیگر قدرت‌های سیاسی، شناخته‌تر بود و مردم ساکن در فضای جغرافیایی جاوید، انس و الفت بیشتری با وی داشتند؛ چراکه کریمی در تمام امور اجتماعی مردم طایفه، مشارکت و هم‌ذات‌پنداری داشت. این امر مهم باعث شد که در مقایسه با دیگر نامزدها رأی بیشتری آورد. برخلاف ناهماهنگی و شکافی که در مناطق جاوید و رستم وجود داشت، جغرافیای ماهور میلانی، هموار و هم‌رأی بود. کوچ‌روان ماهور میلانی بعد از آنکه نتوانستند مهندس علی حسین کرمی آرخلو را پیروز نخستین دوره انتخابات کنند، دیگر نتوانستند نقش‌آفرینی سیاسی درخوری در حوزه انتخابیه ممسنی داشته باشند. در این دوره، فردی خوش‌اقبال‌ترین نامزد به نظر می‌رسید که در دوره قبل نیز از این طالع بلند برخوردار بود. امراله زندی دومین کاندیدای پروژن ترک‌تبار تاریخ سیاسی ممسنی به شمار می‌رود که پرستیژ اجتماعی بالایی در حوزه انتخابیه و به‌ویژه بین ترک‌نشینان ماهور میلانی داشت، اما از آنجاکه ترک‌تباران شهرستان ممسنی در مقایسه با لرتباران ممسنی جمعیت به‌مراتب کمتری داشتند، وی نتوانست از الگوی رأی طایفه‌ای برای پیروزی در انتخابات سود جوید و تقریباً همان رأی را (جایگاه ششم) کسب کرد که در دوره قبل دشت کرده بود. زندی قدرت بیان و مهارت ارتباطی خوبی داشت؛ از این‌رو به واسطه این برگ‌های برنده، توانست آرای بخش زیادی از رأی‌دهندگان غیربومی ممسنی نظیر کازرونی‌ها، خشتی‌ها و غیره را کسب کند. شعار انتخاباتی این اکتیویست این بود: امروز مردم با زندی، فردا زندی با مردم.

طبق آمار و ارقام انتخاباتی، پشتوانه آرای امینی، گرایش‌های طایفه‌ای و ارتباطات فامیلی و گوه‌ری بود. آشکارترین نمود فضایی رفتار سیاسی شرکت‌کنندگان در این انتخابات ماهیت قلمرومحور آراء بود؛ بدین صورت که همه نامزدها در بین حوزه جغرافیایی زادگاه خود نفر اول شدند و طایفه‌گرایی تعمیمی بی‌سابقه یافت. نخستین جریان خشونت طایفه‌ای (بکش/دشمن‌زیاری) در انتخابات ممسنی، در این دوره آغاز شد و اگر این دوره را پرچالش

ترین و پرکشمکش‌ترین انتخابات ممسنی بنامیم، از حقیقت دور نشده‌ایم. فروپاشی اخلاقی، مضمون اصلی این انتخابات بود.

جدول ۱۷- آرای نامزدها به تفکیک بخش‌ها در ششمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: مؤذنی، ۱۳۷۹، ص. ۷۸

ردیف	نامزدها	طایفه (زیستگاه)	بخش مرکزی (زیستگاه طوایف بکش و جاوید)	بخش رستم (زیستگاه طایفه رستم)	بخش دشمن‌زیاری (زیستگاه طایفه دشمن‌زیاری)	بخش مهورمیلاتی (زیستگاه طایفه مهورمیلاتی)	جمع آراء
۱	سید ابراهیم امینی	بکش	۲۵۳۵۰	۳۹۶۰	۱۰۶۱	۱۳۵۳	۳۱۷۲۴
۲	علی پارسایی	دشمن‌زیاری	۴۵۶۶	۸۶۰	۱۵۱۴۳	۱۳۰	۲۰۶۹۹
۳	ظفر افشون	رستم	۲۹۶۵	۷۴۰۶	۱۲۴	۸۲	۱۰۵۷۷
۴	رضاقلی الهیاری	رستم	۲۴۳۱	۷۵۵۲	۳۹	۱۷۹	۱۰۲۰۱
۵	صفرعلی کریمی	جاوید	۷۶۲۵	۱۶۸۱	۶۳۱	۱۲۳	۱۰۰۶۰
۶	امراه زندگی	مهور میلاتی	۴۷۸۴	۳۶۸	۱۷	۴۸۳۹	۱۰۰۰۸
۷	علی احمدی	جاوید	۷۲۴۲	۳۰۶	۱۴۸	۶۷	۷۷۶۳
۸	غلام‌رضا نیکنام	رستم	۲۳۷	۲۸۳۰	۰	۶۴	۳۱۳۱
۹	مهران کریمی	جاوید	۲۷۲۱	۱۰۰	۲۷	۱۰	۲۸۵۸
۱۰	علی حسین شهریور	بکش	۱۷۳۶	۱۰۷	۱	۱۷۸	۲۰۲۲
۱۱	ناصر اشرافی	رستم	۳۲۱	۱۶۷۸	۰	۷	۲۰۰۶
۱۲	طاهر ایزدی	جاوید	۱۸۰۴	۱۱۹	۳۷	۲۴	۱۹۸۴
۱۳	محمدرضا دهقان	رستم	۴۲۰	۱۳۷۹	۷	۱۰	۱۸۱۶
۱۴	محمد حسین قائمی	بکش	۷۴	۱۹	۰	۴	۹۷
۱۵	اسکندر سلیمانی	رستم	۶	۳۴	۰	۰	۴۰

جدول ۱۸- میزان مشارکت در ششمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: مؤذنی، ۱۳۷۹، ص. ۷۸

حوزه انتخابیه	دوره ششم انتخابات مجلس شورای اسلامی		
	جمعیت واجد شرایط	میزان مشارکت	درصد مشارکت
ممسنی	۱۰۴۰۰۰	۱۱۵۵۳۸	۱۱۱/۱

۴. ۱. ۷. هفتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

انتخابات مجلس هفتم در شرایطی برگزار شد که اصلاح طلبان بیشتر کرسی‌های مجلس ششم را در اختیار داشتند. جدای از علی احمدی، اول اینکه دیگر بازیگران دوره قبل در این دوره حضور نداشتند، دوم اینکه احمدی در قلمرو طایفه خود، سینگل بود، سوم اینکه کنشگرانی نسبتاً بی‌نام و نشان وارد گوی رقابت شدند؛ از این رو زمینه برای پیش‌تازی احمدی و درنوردیدن فضاهای جغرافیایی مهیا شد. این رجل سیاسی لوگو و اتیکتی اصولگرا داشتند، اما رویکردها و کنشگری‌های آن‌ها منتقدانه و مواضع رفورمیستی داشت. به لحاظ شخصیتی، احمدی چهره‌ای آکادمیک و کاردان بود که ارتباطات دامنه‌دار و پرقدرتی با هسته‌های کلان قدرت داشت و تأییدشده (اعتماد) اولیای امور بالادستی بود. حضور این فعال سیاسی در دوره قبل، درآمد شناختی مناسبی برای این بازیگر آفرید؛ به نحوی که در تطابق با دیگر رقبای نام‌آشنا ترین قدرت سیاسی شمرده می‌شد. از طرفی، تأیید نشدن نامزدِ فرهنگد و اصلاح طلب طایفه بکش یعنی امینی/نماینده وقت و همچنین فقدان بازیگری پروزن جایگزین امینی، نفوذ ژئوپلیتیک احمدی را شتاب بخشید. امینی که دوره قبل پرفروغ بود و در پارلمان جزء هسته اولیه قدرت محسوب می‌شد، با سیاسی‌کاری و تقابل با جغرافیای قدرت نتوانست از هزارتوی درون/شورای نگهبان، عبور کند (صادقی، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۲). رویارویی امینی در مجلس ششم با حاکمیت و تشدید این کنش توسط رقبا با ارسال گزارش‌های خلاف و کذب به نهادهای بالادستی (امینی، ۱۳۹۰، ص. ۶) و پنداشت امینی بر اینکه رقیبانش یعنی عبدالرضا مرادی (و علی احمدی) با نفوذ در جغرافیای قدرت در رد صلاحیت وی تأثیرگذار بودند (مرادی، ۱۳۹۳) و طبعاً دل‌چرکین شدن امینی از مرادی (و علی احمدی) و به تبع آن شکر آب شدن روابط این دو بازیگر، زمینه را برای بی‌ثباتی و تشویش قلمرو بکش و متحول کردن فضای طایفه‌ای آماده کرد. امینی در مقام چهره‌ای که قدرت رهبری بالایی دارد، با جهت‌گیری و انتقادهای شدید در بین طرفداران و خویشاوندان خود علیه مرادی (و علی احمدی) و گوشزد کردن این نکته که به کاندیدای منطقه رستم یعنی میرفردی روی آورید، باعث کنش‌پذیری و انفعال نامزد طایفه بکش (مرادی) و افزایش پایگاه رأی میرفردی شد. به رغم آرای زیاد میرفردی در صندوق‌های طایفه بکش، کثرت بازیگر در قلمرو رستم مانع انباشت آرای

هنگفت طایفه رستم به سود این بازیگر شد و سرشکن شدن آراء و باخت میرفردی در مقابل احمدی را به همراه داشت. در اوایل با ردصلاحیت امینی و میرفردی، این‌طور به نظر می‌رسید که فضای دوقطبی بین علی احمدی و سیدجعفر هاشمی شکل می‌گیرد که با تأیید صلاحیت میرفردی، آراء در فضای جغرافیای رستم، پخش شد و کارزار به سود جغرافیای جاوید و به ضرر جغرافیای بکش و رستم فرجام یافت. به‌طورکلی، به نظر می‌رسد، رقابت در این دوره بین امینی و احمدی بود که یکی از میرفردی حمایت و دیگری از هاشمی طرفداری می‌کرد و درنهایت بازی به سود احمدی خاتمه یافت.

نوع پراکنش فضایی آراء نشان می‌دهد که طایفه‌محوری نقش مؤثری در جهت‌دهی به آرای رأی‌دهندگان داشت؛ به‌طوری‌که هر نامزدی بخشی از طایفه و شهرستان را نمایندگی می‌کرد. طبق آرای که هرکدام از نامزدها به‌ویژه نامزد پیروز یعنی احمدی در بخش‌ها (زادگاه) اخذ کرده‌اند، می‌توان گفت که انتخابات در این دور متأثر از گرایش‌های مکانی/قلمروی و قطب‌بندی طایفه‌ای تشدید یافت. این نوع رفتار سیاسی و محیطی، قاعده بازی در دموکراسی نیست؛ ازاین‌رو، فضای انتخابات طی ادوار ششم و هفتم از حالت بحث/مباحثه به «مشاجره/مناقشه»^۱ کشانده شد. در پایان، علی احمدی با نتیجه‌ای خردکننده، قدرت‌اله میرفردی را ناک‌اوت کرد. گزاره ینه و بالا خواسته (این نامزد خواست و پسند اولیای امور و حاکمیت است)، در این دوره بین شهروندان ممسنی رایج شد. همچنین گزاره هر که بر غیره فلانی (نامزد هر طایفه‌ای وارد پارلمان بشود، آلا نامزد طایفه ایکس) در این انتخابات باب شد.

جدول ۱۹- آرای نامزدها به تفکیک بخش‌ها در هفتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی، ۱۳۸۲

ردیف	نامزدها	طایفه (زیستگاه)	بخش مرکزی (زیستگاه طوایف بکش و جاوید)	بخش رستم (زیستگاه طایفه رستم)	بخش دشمن‌زیاری (زیستگاه طایفه دشمن‌زیاری)	بخش ماهورمیلانی (زیستگاه طایفه ماهور-میلانی)	جمع آراء
۱	علی احمدی	جاوید	۴۱۰۱۸	۵۶۵۰	۵۳۰۷	۲۷۷۶	۵۴۷۵۱
۲	قدرت‌اله میرفردی	رستم	۱۲۵۷۰	۱۳۵۱۷	۴۰۶۵	۱۶۱۲	۳۱۷۶۴

ردیف	نامزدها	طایفه (زیستگاه)	بخش مرکزی (زیستگاه طوایف بکش و جاوید)	بخش رستم (زیستگاه طایفه رستم)	بخش دشمن‌زیاری (زیستگاه طایفه دشمن‌زیاری)	بخش ماهورمیلانی (زیستگاه طایفه ماهور-میلانی)	جمع آراء
۳	سید جعفر هاشمی	رستم	۴۸۴۴	۱۶۲۲۹	۲۹۶	۷۸۱	۲۲۱۵۰
۴	عبدالرضا مرادی	بکش	۱۰۸۷۷	۵۰۴	۱۵۸۰	۶۰۰	۱۳۵۶۲
۵	سهراب انصاری	رستم	۴۳۶	۲۶۲۱	۵۸	۱۱	۳۱۲۶
۶	نوذر بناوی	رستم	۸۵۰	۱۰۹۰	۳۱۰	۱۶۵	۲۴۱۵

جدول ۲۰- میزان مشارکت در هفتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: نگهداری و حسینی، ۱۳۸۷، ص. ۱۳۱

حوزه انتخابیه	دوره هفتم انتخابات مجلس شورای اسلامی		
	جمعیت واجد شرایط	میزان مشارکت	میزان درصد
ممسنی	۱۲۶۱۲۶	۱۲۸۶۱۰	۱۰۲

۴. ۱. ۸ هفتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

گفتمان حاکم بر کشور در این دوره تغییر نکرد و طیف سیاسی اصولگرا اکثریت مجلس را تشکیل داد. وفور بازیگر سیاسی و به دنبال آن جنگیدن در دو جبهه درونی (طایفه) و برونی (غیرطایفه‌ای) که باعث ناکامی داوطلبان منطقه رستم در دوره قبل شد، در این دوره درعمل پیروزی را برای علی احمدی، نامزد قدرتمند قلمرو جاوید و نماینده وقت ممسنی، محال کرد. از طرفی، اثرگذاری جغرافیای قدرت، پراکنش ناعادلانه تعرفه، ناامنی و قُرق کردن صندوق‌های رأی بر شکست احمدی اثرگذار بود (احمدی، ۱۳۸۷، ص. ۸). عبدالرضا مرادی به رغم ناشناخته بودن در دوره قبل و تأخیر در ورود به کارزار انتخابات و کدورت و حوادث منبعث‌شده از مناسبات خود با نماینده وقت، اگر پشتوانه طایفه‌ای می‌داشت، به‌مراتب سبب رأی غنی‌تری را اخذ می‌کرد. مرادی در این دوره با کیاست و کسب تجربه انباشته سیاسی، وفادار در موقعیت‌های اجتماعی و حس همدردی بدون توقع به میدان آمد و اتفاقاً خوش‌اقبال بود؛ چراکه همانند دوره قبل در قلمرو وی کاندیدای پرشوکت و متعددی حضور نداشت؛ این مهم منتج به حضور در چندین جبهه و تقسیم آرای زادگاهی/طایفه‌ای نشد. از طرفی قلمرو رستم از

صحنه‌گردانان قدرتمند و مقبولی نظیر هاشمی و میرفردی خالی بود و به‌ویژه در قلمرو رقیب خود یعنی جاوید، حضور متعدد بازیگر، وحدت جغرافیایی طایفه را ضعیف کرد و باعث خلق شکاف‌های فضایی و تیره‌ای در این طایفه شد. مرادی به‌ویژه در مناطق دورافتاده و شهرها و روستاهای غیربزرگ بیش از همه با تکیه بر مسائل معیشتی و قول و قرار به شکار رأی رفت و نسبتاً موفق بود.

رقابت‌های ژئوپلیتیکی جاوید و بکش که در ادوار قبل شروع شده بود، در این دوره در عمل نهادینه و کلاسیک شد. در این دوره، مرادی با اخذ بیشترین آراء در قلمرو خود یعنی بکش، نشان داد که از پشتوانه زادگاهی/طایفه‌ای وسیعی برخوردار است؛ با این حال، وی نتوانست در صندوق‌های ساکن در حوزه جغرافیایی طایفه جاوید که از وزن ژئوپلیتیک سنگینی برخوردار بود، آرای لازم را اخذ کند؛ این امر حاکی از کاهش نفوذ او در این طایفه است؛ از این رو این بازیگر با اخذ بیشترین آراء در فضای زیستگاهی خود و سایر فضاهای جغرافیایی، علی احمدی را حاکم‌کوت و سکان‌دار منافع و دیدگاه‌های شهروندان در چهارچوب قانون نمایندگی شد. با استناد به آمار و ارقام انتخاباتی، اکتیویست‌ها در حوزه‌های ژئوپلیتیک خود بیشترین پشتیبانی و جانبداری را داشته‌اند و طرفداران سرسخت و دوآتشه آن‌ها که مرد بحران بودند، یکدیگر را به «قُلدری» متهم کردند و به تسخیر صندوق‌ها و جدال بدنی روی آوردند؛ از این رو انتخابات تحت‌الشعاع پیکارهای طایفه‌ای و لایه‌بندی عناصر قومی-طایفه‌ای، در سطحی بی‌سابقه شدیدترین حالت را داشت. انتخابات دور هشتم، نمایش شوربختی بزرگ بود؛ چراکه «چماق/جریان خشونت» نقش مهمی در رأی و پیروزی نامزدها داشت. نبرد علی احمدی و عبدالرضا مرادی، سنگین‌ترین نبرد در طول تاریخ انتخابات ممسنی به شمار می‌رود و از آن به‌عنوان «مادر همه نبردهای انتخاباتی» یاد می‌شود. شکست علی احمدی از عبدالرضا مرادی، شکستی استراتژیک یا حتی فراتر از یک شکست انتخاباتی و امتیازی سترگ در شطرنج سیاسی مرادی علیه مخالفان بود. گزاره یَنَه و بالاً خواسنه در این دوره بین شهروندان ممسنی تثبیت شد.

جدول ۲۱- آرای نامزدها به تفکیک بخش‌ها در هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی، ۱۳۸۶

ردیف	نامزدها	طایفه (زیستگاه)	بخش مرکزی (زیستگاه طوایف بکش و جاوید)	بخش رستم (زیستگاه طایفه رستم)	بخش دشمن‌زیاری (زیستگاه طایفه دشمن‌زیاری)	بخش ماهورمیلانی (زیستگاه طایفه ماهورمیلانی)	جمع آراء
۱	عبدالرضا مرادی	بکش	۳۴۲۹۸	۱۰۲۳۰	۳۹۹۶	۳۰۳۹	۵۱۵۶۳
۲	علی احمدی	جاوید	۲۲۹۱۰	۸۳۲۱	۳۱۶۳	۲۸۹۷	۳۷۲۹۱
۳	نوذر بناوی	رستم	۴۹۹	۷۶۹۶	۱۰۶	۲۷۳	۸۵۷۴
۴	امیرحسین رشیدی	بکش	۳۴۱۰	۱۱۶۶	۲۴۱	۸۱	۴۸۹۸
۵	منوچهر قائدی	جاوید	۲۵۸۲	۳۴۶	۷	۱۲	۲۹۴۷
۶	مهندس ایرج همتی	جاوید	۱۶۰۶	۱۸۵	۹۳۴	۲۱	۲۷۴۶
۷	امین عربی	جاوید	۹۷۵	۲۹۴	۲۴۹	۴۴	۱۵۶۲

جدول ۲۲- میزان مشارکت در هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: نگهداری و حسینی، ۱۳۸۷، ص. ۱۳۱

حوزه انتخابیه	دوره هشتم انتخابات مجلس شورای اسلامی		
	جمعیت واجد شرایط	میزان مشارکت	درصد مشارکت
ممسنی	۱۰۵۰۰۰	۱۰۹۵۸۱	۱۰۴

۴. ۱. ۹. نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی تحت تأثیر حوادث انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ برگزار شد. در بین مردودشده‌ها، نام دو شخص طایفه‌های جاوید و بکش یعنی محمد رنجبر و عبدالرضا مرادی به چشم می‌خورد که توان زیادی در جذب آراء داشتند؛ با وجود این، می‌توان نتیجه گرفت که نامزدهای تأیید صلاحیت‌شده هریک از این دو طایفه یعنی شفیعی و قائدی، گزینه‌های بعدی انتخاب از سوی رأی‌دهندگان بودند. در این دوره کنشگرانی توانسته بودند پا به صحنه انتخابات بگذارند که در درجه نخست برای اولین بار بود که وارد ماراتن انتخابات می‌شدند و برای توده مردم ناشناخته و گمنام بودند؛ از این رو به نظر می‌رسید انتخابات در این دور از شور و هیجان زیاد نداشته باشد؛ با این حال، در بین این فعالان، کاندیدای قلمرو جاوید

یعنی سعید قائدی به تدریج مدنظر بخش سترگی از فضای جغرافیایی قرار گرفت. قائدی نه تنها در قلمرو خود یعنی جاوید شناخته شد، بلکه آرام آرام در بین دیگر قلمروها و دیگر طوایف نسبتاً چهره‌ای شناخته و آشنا از آب درآمد، اما آن سوی داستان فردی از طایفه بکش وارد کارزار شد که بسیار ناشناخته به نظر می‌رسید. نوذر شفیع، کاندیدای راست‌قامت، رسمی، اتوکشیده و پایتخت نشینی بود که سال‌ها به دور از شهرستان و برای مردم ممسنی و به‌خصوص طایفه بکش ناشناخته و تاریک بود؛ بنابراین این دو نامزد شهرت اجتماعی زیادی در رأی‌آوری در حوزه جغرافیایی‌شان (طایفه‌شان) نداشتند. در این دوره، طایفه بکش به طور نسبی اقبالی به نوذر شفیع - به دلیل شهرت کم و پایتخت‌نشینی‌اش - نداشتند و چنانچه پیش‌تر اشاره شد، تک‌دل آن‌ها، نماینده دوره قبل یعنی مرادی بود که از سوی شورای نگهبان پسندیده نشد. اما دلیل اینکه این طایفه به نوذر شفیع رأی دادند چه بود؟ در پاسخ به این سؤال، تحلیل فضای طایفه‌ای در آستانه برگزاری انتخابات راهگشاست. طبق دیده‌ها و شنیده‌ها، اوضاع از هر لحاظ قرین آرامش بود و شرایط به نحوی پیش می‌رفت که فضا برای سعید قائدی فراهم می‌شد و رأی‌دهندگان جاویدی و بخش سنگینی از بدنه بکش، تصمیم به حمایت از کاندیدای طایفه جاوید یعنی قائدی گرفتند که ناگهان در گرماگرم فعالیت‌ها و در واپسین ساعات خاتمه رأی‌گیری به واسطه اختلاف و درگیری‌هایی که بین بخشی از رأی‌دهندگان به وجود آمد، فضا ملتهب شد و شرایط به گونه‌ای دیگر رقم خورد؛ به طوری که تحرکات و جرقه‌هایی برای انتخاباتی با شاخصه طایفه‌ای از طرف بخشی از بدنه رأی‌دهنده زده شد و واکنش شدید طایفه مقابل را به صورت اجماع آن‌ها بر انتخاب شفیع برانگیخت. این مسئله باعث شد، نظم سیاسی، ساختاری دوقطبی و زورآزمایی خیابانی بین طرفداران دو رقیب دیرینه یعنی جاوید و بکش بازساخت شود و منجر به برانگیخته شدن حساس‌ترین اعصاب‌های ژئوپلیتیک، تحریک عواطف، تعصب مکان‌ها و فضاها، جغرافیایی مهم و دارای حس و تعلق مکانی زیاد، برای مشارکت شد؛ از این رو رأی‌دهندگان، شیردلانه توده‌وار با خانواده و خویشان به شعبه‌های اخذ رأی هجوم آوردند و رأی خود را به نفع هم‌زادگاهی خود به صندوق آراء انداختند و برآیند آن، انتخابات با گرایش‌های شدید زیستگاهی و طایفه‌ای همراه شد؛ به نحوی که قشون‌کشی، سنگ‌پرانی و جان باختن یک نفر با شلیک گلوله از جلوه‌های آن بود. خاستگاه تباری و دودمانی آرای نامزدها در انتخابات مجلس نهم آنقدر درون‌مایه‌ای متعصب و دگم داشت

که به پلاک امنیتی (خطوط قرمز) بر حوزه انتخابیه ممسنی منتج شد. از زاویه شدت تعارض با موازین انتخابات آزاد و منصفانه، انتخابات مجلس نهم رکورد جدیدی را ثبت کرد. شفیعی نه تنها در قلمرو طایفه‌ای خود، بلکه در قلمرو ترک‌تبار ماهر میلانی به واسطه خویشی وی با این منطقه، بیشترین رأی را به دست آورد. گزاره ینه و بالا خواسته، در این دوره بین شهروندان ممسنی شکوفا شد.

جدول ۲۳- آرای نامزدها به تفکیک بخش‌ها در نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: دفتر انتخابات استانداری فارس، ۱۳۹۰

ردیف	نامزدها	طایفه (زیستگاه)	بخش مرکزی (زیستگاه طوایف بکش و جاوید)	بخش رستم (زیستگاه طایفه رستم)	بخش دشمن‌زیاری (زیستگاه طایفه دشمن‌زیاری)	بخش ماهر میلانی (زیستگاه طایفه ماهر میلانی)	جمع آراء
۱	نوذر شفیعی	بکش	۳۷۱۲۷	۳۶۴۹	۲۹۳۵	۵۰۲۶	۴۸۷۳۷
۲	سعید قانلی	جاوید	۲۳۹۴۵	۳۳۳۴	۱۹۳۳	۵۵۸	۲۹۷۷۰
۳	مجید انصاری	رستم	۴۴۰۷	۲۳۱۸۸	۱۳۹۴	۶۸۴	۲۹۶۷۳
۴	حمیدرضا دهقان	رستم	۹۳۲	۵۳۶۹	۸۷	۹۰	۶۴۷۸

جدول ۲۴- میزان مشارکت در نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: دفتر انتخابات استانداری فارس، ۱۳۹۰

دوره نهم انتخابات مجلس شورای اسلامی			حوزه انتخابیه
میزان درصد	میزان مشارکت	جمعیت واجد شرایط	
۱۰۳	۱۱۴۶۵۸	۱۱۱۵۶۹	ممسنی

۵. نتیجه‌گیری

مجلس اول نخستین تجربه مجلس در جمهوری اسلامی به شمار می‌رفت. با توجه به گفتمان انقلابی حاکم بر کشور و شور انقلابی که در جامعه حاکم بود، مسلم است که گرایش اکثریت آراء به سمت نامزدهایی بود که چهره انقلابی و مردمی داشتند. از حوزه انتخابیه ممسنی، صمد شجاعیان با توجه به شخصیت فرهنگی و کارنامه مبارزاتی‌اش حائز اکثریت آراء شد. این دوره با توجه به

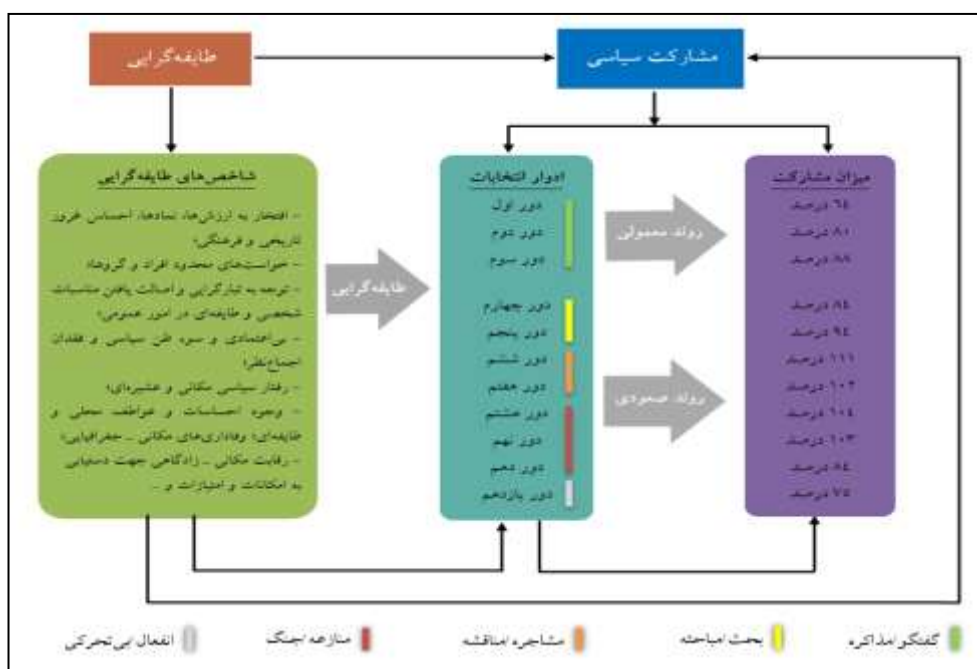
جو انقلابی حاکم در جامعه، میزان مشارکت انتخاباتی ۶۴ درصد بود. دور دوم انتخابات، با توجه به کم بودن تعداد داوطلب در حوزه انتخابیه ممسنی (سه نفر)، رقابت بین صمد شجاعیان و سید عبدالرسول موسوی از سر گرفت. این دو نامزد از یک حوزه زیستگاهی (بخش مرکزی) ولی با دو پایگاه طایفه‌ای/نسبی متفاوت برخاسته بودند. هر دو نامزد از شخصیت‌های به‌نام، با کارنامه مبارزاتی درخشان در منطقه بودند، اما با توجه به مردمی بودن شجاعیان و سابقه چهارساله نمایندگی دوره نخست، مردم با وی احساس قربت بیشتری می‌کردند. میزان مشارکت انتخاباتی با توجه به روحیه و نشاطی که بعد از پیروزی انقلاب به وجود آمده بود، در مقایسه با دوره قبل ۱۶ درصد افزایش داشت. در نوزدهم فروردین ۱۳۶۷ که آخرین سال جنگ تحمیلی بود، ۷۲ هزار و ۶۲۲ نفر از ساکنان حوزه انتخابیه ممسنی به پای صندوق‌های اخذ رأی رفتند تا نماینده مجلس سوم را انتخاب کنند. از نکات درخور توجه در این دوره، اینکه صمد شجاعیان نماینده دو دوره حوزه انتخابیه ممسنی وارد نبرد انتخابات نشد و همین مسئله زمینه را برای پیروزی دیگر نامزدها فراهم کرد که عاقبت موسوی از بخش مرکزی و حوزه جغرافیایی بکش توانست پیروز انتخابات شود. پایگاه رأی‌آوری موسوی متأثر از پیشینه سیاسی-انقلابی وی بود و او تجربه دو دوره نامزدی در کارنامه خود را داشت. میزان مشارکت در این دوره ۸ درصد در مقایسه با دوره قبل افزایش داشت. تداوم سازندگی همچنان در رأس دستور کار مجلس چهارم بود. در این انتخابات، طبعاً گرایش رأی‌دهندگان به سمت نامزدهایی بود که همسو با گفتمان حاکم بر کشور پیش می‌رفتند. قلمرو جغرافیایی جاوید و ماهور میلانی، نامزدی در انتخابات نداشت و کاندیداهای شورانگیز و جریان‌ساز دشمن‌زیاری و رستم یعنی رضایی و هاشمی رد صلاحیت شدند که این مهم، شور انتخاباتی را در مقایسه با دور قبل ۴ درصد فروکاست و رقابت‌های انتخاباتی طایفه‌ای را کاهش داد. این نزول متأثر از خلأ قدرتی بود که در فضای جغرافیایی طایفه جاوید، دشمن‌زیاری و ماهور میلانی احساس می‌شد. ضمن اینکه حضور مجدد موسوی با توجه به ضعف عملکردی دوران نمایندگی و تحرکات رئیس‌مآبانه وی، در این کاهش بی‌تأثیر نبود. گرایش‌های مکانی/زادگاهی در قالب تعصب طایفه‌ای در این دوره آغاز شد. به‌طور کلی، در چهار دوره انتخابات برگزار شده در حوزه انتخابیه ممسنی تا این زمان، این تنها انتخاباتی بود که طایفه‌محوری با ماهیت

سیاسی/تعصبی نقش نسبتاً مؤثری در جهت‌دهی به آرای رأی‌دهندگان داشت. دور پنجم انتخابات مجلس به دلیل حضور جناح‌ها و گرایش‌های مختلف در صحنه، شاهد افزایش مشارکت انتخاباتی در مقایسه با دوره قبل بود. در این دوره با ارتقای منطقه رستم به عنوان بخش رستم و حضور نامزدهایی با طوایف و زیستگاه جغرافیایی مختلف و گرایش‌های متفاوت فکری/اعتقادی، مرزبندی‌ها و جدایی‌گزینی‌های اجتماعی در حوزه انتخابیه ممسنی ایجاد شد. این جدایی‌گزینی‌های اجتماعی به تدریج بعد فضایی/مکانی پیدا کرد. چنین مرزبندی‌ها و جدایی‌گزینی‌های جغرافیایی/زادگاهی، چندی بعد سرشتی هویتی/گوهری به خود گرفت؛ به گونه‌ای که ساکنان به مکان و فضای جغرافیایی خود (طایفه خود) دلبسته شدند و علقه‌های روانی و عاطفی خاصی بین ساکنان با زادگاه خود پدید آمد؛ از این رو مکان واجد بار سیاسی شده و کنش سیاسی ساکنان معطوف به دفاع از نامزدهای قلمرو جغرافیایی خود است. در این دوره، هویت طایفه‌ای به عنوان یک واحد همراه با علایق و گرایش‌های رفتاری خاص، برجسته شد و علایق جغرافیایی و زادگاهی تقویت شد. این امر نوعی اندیشه ناسیونالیسم به همراه داشت که نوعاً بنیاد و مقیاسی طایفه‌ای و محلی داشت و نه زیرساختی ملی و سرزمینی؛ بنابراین با توجه به آرای که نامزدها در حوزه نفوذ خود (طایفه خود) کسب کرده‌اند، به نظر می‌رسد هویت مکانی/طایفه‌ای بنیاد پایگاه رأی‌آوری ایشان بوده است. میزان مشارکت انتخاباتی در این دوره متأثر از تعصب طایفه‌ای در مرحله اول در مقایسه با دور قبل ۱۰ درصد افزایش داشت و در مرحله دوم با توجه به محدود بودن نامزدها و الگوی رفتار انتخاباتی طایفه‌ای حاکم بر حوزه انتخابیه ممسنی، این میزان مشارکت حدود ۸ درصد در مقایسه با مرحله اول کاهش یافت. در ششمین دوره انتخابات، ۱۵ داوطلب از حوزه انتخابیه ممسنی که غالباً از جناح اصلاح طلب بودند، به رقابت با یکدیگر پرداختند. این تعداد بعد از نخستین دوره (۲۰ نفر) بی سابقه بود. به دلیل رقابت همه طوایف با یکدیگر و حضور گروه‌ها و طیف‌های سیاسی و شفاف‌تر شدن مواضع تشکله‌ها، شور و هیجان فزاینده‌ای بین رأی‌دهندگان به وجود آمده بود؛ به طوری که میزان مشارکت در این دوره در مقایسه با دوره قبل ۱۷ درصد افزایش داشت. با توجه به این میزان مشارکت، یکی از داغ‌ترین و پرشورترین انتخابات بوده است. نامزدها در این دوره از طیف سیاسی خاصی هواداری می‌کردند، اما آمار

و ارقام انتخاباتی بیانگر این است که همه نامزدها به یاری طایفه و خویشان پرشمار و گسترده شان که در زیستگاه جغرافیای خودشان ساکن هستند، بیشترین پشتوانه آراء را کسب کرده‌اند. انتخابات مجلس هفتم با دوران دوم دولت اصلاح طلب مقارن بود و طبعاً باید اقبال با داوطلبانی باشد که از این جناح برخاسته بودند، اما اتفاقات مجلس ششم و در پی آن، درصد زیادی از نمایندگان، کناره‌گیری خود را از گُرسی نمایندگی اعلام کردند. این حوادث موجب رد صلاحیت این نامزدها و به‌خصوص نماینده اصلاح طلب دوره قبل (امینی) حوزه انتخابیه ممسنی شد. نوع پراکنش فضایی آراء نشان می‌دهد که انگیزه‌های مشترک و فراگیر سیاسی/اجتماعی نمود عینی در این انتخابات نداشت و نگرش محلی/طایفه‌ای نقش بنیادین را در جهت‌دهی به آرای رأی‌دهندگان داشت؛ به‌طوری‌که هر نامزدی بخشی از طایفه و فضای جغرافیایی خود را نمایندگی می‌کرد و مردم هر محدوده سرزمینی مشخص با شور و اشتیاق به نامزدهای هم‌محلی و هم‌طایفه‌ای خود رأی دادند که با وی احساس خویشاوندی و قرابت بیشتری می‌کردند؛ از این رو به نظر می‌رسد مشارکت انتخاباتی با توجه به تعلق مکانی و عصبيت طایفه‌ای که بین رأی‌دهندگان وجود داشت، تحت‌تأثیر قرار گرفت. با اقدام شورای نگهبان در رد صلاحیت نامزد طایفه بکش در کاهش میزان مشارکت (۹ درصد) در مقایسه با دور قبل بی‌تأثیر نبود، اما میزان مشارکت کم‌نظیر بود. دور هشتم انتخابات مجلس در شهرستان ممسنی با کاندیداتوری ۷ نفر آغاز شد. پیکار انتخاباتی در این دوره بین دو قطب اصلی منطقه یعنی کاندیدای طایفه بکش و جاوید (مرادی و احمدی) بود که این مسئله می‌توانست مشارکت انتخاباتی را از منظر رقابت‌های ژئوپلیتیکی که این دو طایفه با هم دارند، تحت الشعاع قرار دهد؛ چراکه این دو قطب، قدرت برتر در پهنه جغرافیای سیاسی ممسنی شمرده می‌شوند و هر دو در جست‌وجوی نفی یکدیگر هستند؛ بنابراین در این دور تمام نامزدها در قلمرو زیستگاهی خودشان که به‌نوعی عمق و حوزه نفوذ آن‌ها به شمار می‌رفت، حائز اکثریت آراء شدند. میزان مشارکت در این دوره در مقایسه با دوره قبل ۲ درصد افزایش داشت، اما به نظر می‌رسد با حضور نامزدهایی از طایفه دشمن‌زیاری و ماهور میلانی در عرصه انتخابات -با توجه به گرایش‌های طایفه‌ای که در فضای جغرافیایی ممسنی وجود داشت- این میزان مشارکت بیشتر شود. نهمین دوره انتخابات مجلس در حوزه انتخابیه ممسنی با تأیید صلاحیت

چهار کاندیدا کلید خورد. یکی از عواملی که به نظر می‌رسد باعث شد مشارکت انتخاباتی در این دوره در مقایسه با دوره قبل یک درصد کاهش یابد، اقدام شورای نگهبان در رد صلاحیت دو تن از نامزدهای پروزن دو طایفه جاوید و بکش (رنجبر و مرادی) بود. این دو طایفه با توجه به تعارض‌های تاریخی که پیوسته در زمان انتخابات (مجلس) با هم دارند، همواره به تعصب، ستیز و تنش‌های انتخاباتی منجر شده‌اند و رأی‌دهندگان هر طایفه را به تحریک و تشجیع مشارکت و حضور حداکثری وا می‌داشتند؛ از این رو به نظر می‌رسید با حضور داشتن دو نامزد اصلی قلمرو سیاسی جاوید و بکش در پویش انتخابات، میزان مشارکت انتخاباتی در مقایسه با دوره قبل بیشتر شود. نگاهی به آرای هریک از نامزدها نشان می‌دهد که هریک از این بازیگران در بین قلمرو طایفه خودشان بیشترین میزان رأی را اخذ کرده‌اند. می‌توان نتیجه گرفت مشارکت انتخاباتی در این دوره متأثر از علقه‌ها و تعصبات جغرافیایی و عشیره‌ای بود. براساس یافته‌های کتابخانه‌ای و میدانی، به‌رغم تأثیرگذاری الگوی رأی طایفه‌ای در ادوار اول تا سوم، این الگو ماهیتی تعصب‌محور و نفی‌گرا نداشته است؛ بلکه درون‌مایه‌ای اکولوژیک در قالب عنصر شناخت محیطی از نامزدها داشته است. همچنین سبد رأی نامزدها صرفاً متأثر از جایی نیست که در آن زندگی می‌کردند (قلمرو زیستی/زادگاهی)؛ بلکه در سایر مکان‌ها و حوزه‌ها، رأی نسبتاً پروزن و غیرطایفه‌ای تحصیل کرده‌اند که بیانگر آن است که پایگاه رأی اکتیویست‌ها طی این سه دوره به‌شدت طایفه‌محور و زادگاه‌گرایانه (تک‌عاملی) نبوده است؛ بلکه دیگر الگوهای رأی‌دهی (چندعاملی) نیز مؤثر بودند و نمایندگان برآیند عقل جمعی مردم ساکن در فضا بودند؛ از این رو جُستار طایفه و همسایگی و خویشاوندگرایی درون‌مایه‌ای اخلاقی و انسان‌گرایانه داشته و تأثیر چندانی بر پشتوانه آرای نامزدها نداشته است؛ بنابراین مشارکت انتخاباتی تحت‌تأثیر گفتمان‌ها، جریان‌ها و تشکلهای سیاسی حاکم بر کشور روندی صعودی داشته و این سیر فزاینده رویه طبیعی/معمولی خود را داشته است. از دور چهارم با باردار شدن فضای جغرافیایی از حیث سیاسی، گرایش‌های طایفه‌ای تعصب‌محور آغاز شد و دور پنجم به‌ویژه با ارتقا و انتزاع محدوده فضایی طایفه رستم از بخش مرکزی به‌عنوان یک بخش مجزا و مشارکت جناح‌ها و گرایش‌های متفاوت فکری/اعتقادی و حضور نامزدهای با طوایف مختلف، مرزبندی‌ها و جدایی‌گزینی‌های اجتماعی در حوزه انتخابیه ممسنی خلق شد.

این جدایی‌گزینی‌های اجتماعی به تدریج بعد فضایی/مکانی پیدا کرد و حوزه انتخابیه به حوزه‌های جغرافیایی مختلف تقسیم شد. با تکه‌تکه شدن فضای جغرافیایی، کنش سیاسی ساکنان درون‌زادگاهی/انقباضی و طایفه‌گرایی خواستی همگانی شد، بنابراین از دوره‌های چهارم و پنجم به بعد، مرزبندی‌های هویتی و دودمانی نمودار شد، ساکنان را از یکدیگر جدا کرد و سرچشمه تولید مفاهیم «خود» و «دیگران» را به همراه داشت. این مسئله به شکل‌گیری رفتار انتخاباتی هویت‌گرایانه و هم‌وردی خیابانی طایفه‌ای (خسونت‌بار) منجر شد و میزان مشارکت انتخاباتی را تحت الشعاع قرار داد و شعله‌های آن را فزون‌تر کرد؛ به‌طوری‌که داده‌ها گویای این است که مشارکت، روندی صعودی فزاینده‌ای را طی کرده است و حتی از جمعیت واجد شرایط بیشتر است (شکل ۲)؛ بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر تأثیر گرایش‌های طایفه‌ای بر مشارکت سیاسی در انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی تأیید می‌شود.



شکل ۲- مدل مفهومی تأثیر طایفه‌گرایی بر مشارکت انتخاباتی

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۱

کتابنامه

۱. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵. جدول جمعیت و خانوار به ترتیب استان و شهرستان. بازیابی از <https://www.amar.org.ir>
۲. امینی، س. ا. (۱۳۹۰). گفتگو با سید ابراهیم امینی. فصلنامه فراسو، ۵(۱۵)، ۸-۴.
۳. حافظنیا، م. ر. و کاویانی‌راد، م. (۱۳۹۳). فلسفه جغرافیای سیاسی. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴. صادقی، و. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر طایفه‌گرایی بر الگوی رأی‌دهی (مطالعه موردی: شهرستان ممسنی) (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
۵. فرمانداری ممسنی (۱۳۹۰-۱۳۸۶-۱۳۸۲-۱۳۷۴-۱۳۷۱-۱۳۶۷-۱۳۶۳-۱۳۵۹-۱۳۵۸). صورت جلسه گزارش نتیجه اولین، دومین، هفتمین، هشتمین و نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی.
۶. قاسمی، ط. (۱۳۹۹). تبارشناسی طوایف شهرستان ممسنی و نقش آن‌ها در انتخابات، مصاحبه نگارنده با ایشان در تاریخ ۱۳۹۸/۵/۱۰.
۷. مرادی، ع. (۱۳۹۳). تحلیل انتخابات شهرستان ممسنی، مصاحبه نگارندگان با ایشان در تاریخ ۱۳۹۳/۵/۱۰.
۸. معاونت سیاسی دفتر انتخابات استانداری فارس (۹۰-۱۳۸۳). اطلاعات آماری مربوط به حوزه انتخابیه ممسنی.
۹. مؤذنی، م. ع. (۱۳۷۹). سیمای انتخابات فارس (با تأکید بر انتخابات مجلس ششم). حوزه معاونت سیاسی - امنیتی دفتر امور اجتماعی و انتخابات، وزارت کشور، استانداری فارس.
۱۰. نگهداری، م. (۱۳۹۰). اطلاعات آماری، انتخابات دور اول تا ششم مجلس شورای اسلامی در استان فارس. جزوه مکتوب.
۱۱. نگهداری، م.، و حسینی، م. ع. (۱۳۸۷). نگاهی به انتخابات هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی در استان فارس، جزوه مکتوب.
۱۲. رضایی، ه. (۱۳۹۳). گفتگو با هیبت‌اله رضایی. فصلنامه فراسو، ۷(۲۳-۲۴)، ۲۳-۱۸.
۱۳. احمدی، ع. (۱۳۸۷). گفتگوی با علی احمدی. فصلنامه فراسو، ۱(۴-۵)، ۱۲-۸.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2021.70976.1046>

مقاله پژوهشی - مطالعه موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال نوزدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۳۷

وزن‌دهی مراحل طرح راهبرد توسعه شهری براساس اهمیت منافع ذی‌نفعان با استفاده از تکنیک گسترش عملکرد کیفیت (نمونه موردی: شهر کاشمر)^۱

هادی سروری (استادیار، گروه شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران)

sarvari_hadi@mshdiau.ac.ir

صص ۹۳ - ۱۲۳

چکیده

هدف مقاله حاضر کشف ارتباط میان منافع ذی‌نفعان و وزن مراحل برنامه راهبرد توسعه شهری در شهر کاشمر است. برنامه راهبرد توسعه شهری با رویکردی مشارکتی به دنبال جذب همکاری گروه‌های ذی‌نفع با هدف به حداکثر رساندن اثربخشی برنامه‌های توسعه شهر است. راهبرد توسعه شهر کاشمر نیز با هدف ایجاد بستری برای غلبه بر شکاف میان ذی‌نفعان و توسعه بلندمدت شهر در دو بعد مهم زیارتی و خدماتی برنامه‌ریزی شده است، اما همکاری گروه‌های ذی‌نفع تابع میزان تحقق منافع آن‌هاست که مراحل برنامه‌ریزی باید به آن حساس باشد. پژوهش حاضر از نوع کاربردی، روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و براساس استفاده از تکنیک گسترش عملکرد کیفیت است. این تکنیک برای اثرگذاری خواسته‌های مشتریان یا ذی‌نفعان بر ویژگی‌های محصول استفاده می‌شود که طی آن نظرات ذی‌نفعان به صورت روشن و برجسته تعیین شده و برحسب اولویت برای برنامه‌ریزان مشخص می‌شود. جامعه آماری شامل مدیران نهادهای ذی‌نفع در توسعه شهری کاشمر و

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «برنامه راهبردی-عملیاتی شهر و شهرداری کاشمر» در سال ۱۳۹۹ است.

خبرگان برنامه‌ریزی شهری است که پرسشنامه‌ها به صورت هدفمند میان آن‌ها توزیع شده است. روایی به کمک گروه متخصصان تعیین شده و پایایی نیز با روش موازی کنترل شده است. طبق یافته‌ها، قابلیت اجرای دسترسی ریلی و هوایی، حفظ منابع آبی و درنهایت افزایش تعاملات اقتصادی شهر با حوزه نفوذ، مهم‌ترین منافع مدنظر از دیدگاه ذی‌نفعان کلیدی است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که انطباق با طرح‌های بالادست، پیوند برنامه به ساختار موجود و ایجاد توافق بین‌بخشی، به ترتیب مهم‌ترین مراحل تهیه طرح راهبرد توسعه شهر هستند که برنامه‌ریزان باید در تحقق منافع مهم ذی‌نفعان مدنظر داشته باشند.

کلیدواژه‌ها: فرایند راهبرد توسعه شهری، ذی‌نفعان، منافع، گسترش عملکرد کیفیت، شهر کاشمر.

۱. مقدمه

در دهه‌های اخیر برنامه‌ریزی راهبردی به عنوان رویکردی برتر در توسعه شهری مطرح شده است که در قالب نظریات برنامه‌ریزی مشارکتی توجه عمده‌ای به نقش و تأثیر گذاری ذی‌نفعان در روند تهیه طرح‌های توسعه شهری داشته است. در این میان یکی از مهم‌ترین برنامه‌ها، «راهبرد توسعه شهر»^۱ است که در فرایند آن توجه زیادی به ارتباط میان گروه‌های ذی‌نفع می‌شود. راهبرد توسعه شهری چشم‌اندازسازی مشارکتی از آینده شهر را با مشارکت گروه‌های ذی‌نفع ترسیم می‌کند و به دنبال آن برنامه‌های اجرایی را برای توسعه همه جانبه شهرها در نظر می‌گیرد (سازمان ائتلاف شهرها^۲، ۲۰۰۶، ص. ۲۱). از طریق مشارکت ذی‌نفعان می‌توان در اجرای پروژه‌ها و فعالیت‌های عمومی تمرکزگرایی را در دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی کاهش داد و منابع قدرت و تصمیم‌گیری را به سطوح پایین‌تر منتقل کرد (هابیتت^۳، ۲۰۰۴، ص. ۱۳). راهبرد توسعه شهر ضمن اینکه ماهیتی راهبردی دارد و برای سامان دادن به اقدامات لازم در جهت نیل به اهداف خود فعالیت می‌کند، بر مشارکت شهروندان در کل فرایند نیز به شدت تأکید دارد.

1. City development strategy

2. Cities Alliance

3. Un-Habitat

اما نقدهایی متوجه این رویکرد بوده است؛ به ویژه در خصوص توجه کمتر طرح‌های راهبردی به موضوع قدرت ذی‌نفعان و تضادهای حاصل از آن که در بستر اجرایی طرح وجود دارند (تئودور جونز و آلمندیگر^۱، ۱۹۹۸؛ واتسون^۲، ۱۹۹۸؛ هاکسلی و یفتاچل^۳، ۲۰۰۰؛ فلیپجرگ و ریچاردسون^۴، ۲۰۰۲؛ هیلی^۵، ۲۰۰۳). اکنون توافق گسترده‌ای وجود دارد که زمینه و بستر اجرای طرح‌های توسعه شهری بر فرایندهای برنامه‌ریزی تأثیر درخور ملاحظه‌ای دارد؛ بنابراین آگاهی از شرایط خاص زمینه‌ای ازجمله منافع ذی‌نفعان برای تحقق کیفیات برنامه‌های همکارانه و مشارکتی حیاتی است (هیلی، ۲۰۰۳؛ اینز و بوهر^۶، ۲۰۰۳؛ لاوز و فارستر^۷، ۲۰۱۵). درواقع این نیروهای زمینه‌ای هستند که در پشت فرایند برنامه‌ریزی می‌توانند عامل تسهیل کننده یا بازدارنده در ایجاد تعامل و اجماع میان ذی‌نفعان باشند (هاکسلی و یفتاچل، ۲۰۰۰؛ مک‌گورک^۸، ۲۰۰۱؛ کالدرون^۹، ۲۰۱۳) و جامعیت یا محدودیت ذی‌نفعان را مشخص می‌کنند (هالگرسون و هارستاد^{۱۰}، ۲۰۰۹، ص. ۳۵۱). نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل منافع ذی‌نفعان به برنامه‌ریزان کمک می‌کند تا فرایند مناسب برنامه‌ریزی توأم با تبادل نظر با ذی‌نفعان را اتخاذ کنند (بار^{۱۱}، ۲۰۰۶). از آنجاکه اساساً برنامه‌ریزی ابزاری برای کسب منافع گروهی خاص و دور کردن گروه‌های دیگر از آن منافع است، برنامه‌ریزان برای شناسایی ذی‌نفعان و درک تأثیر انتظارات آن‌ها بر موفقیت برنامه، نیازمند مهارت‌های تحلیلی و درک عینی هستند (مسعودی فر، ۱۳۹۰). به‌رغم تأکید محققان بر تأثیر عوامل زمینه‌ای بر فرایند برنامه‌ریزی، تحقیقات کمی در خصوص تأثیر قدرت ذی‌نفعان بر فرایند برنامه‌ریزی راهبرد توسعه شهری وجود دارد (کالدرون و وستین^{۱۲}، ۲۰۱۹، ص. ۲)؛ مسئله‌ای که باعث اجرای ناقص این طرح‌ها و خروج

1. Tewdwr-Jones & Allmendinger
2. Watson
3. Huxley & Yiftachel
4. Flyvbjerg & Richardson
5. Healey
6. Innes & Booher
7. Laws & Forester
8. McGuirk
9. Calderon
10. Hølgerson & Haarstad
11. Baar
12. Westin

آن‌ها از حالت راهبردی می‌شود؛ بنابراین سؤال اصلی پژوهش این است که متناسب با اهمیت منافع ذی‌نفعان، وزن و اولویت فرایند راهبرد توسعه شهر چگونه است؟ بر این اساس هدف پژوهش بر پایه مفهوم «اهمیت منافع»، وزن‌دهی هریک از مراحل فرایند راهبرد توسعه شهری است؛ فرایندی که به درک بهتر موضوعات راهبردی برنامه‌ریزی توسعه شهری کمک می‌کند و بدین ترتیب برنامه را برای گروه‌هایی که تحت‌تأثیر آن قرار می‌گیرند، معنادارتر و کاربردی‌تر می‌کند. در این پژوهش ابتدا به تشریح برنامه راهبرد توسعه شهر و فرایند آن پرداخته شده است و سپس تئوری ذی‌نفعان و منافع آن‌ها مطرح می‌شود. در ادامه با ارائه مدل‌های مورد نیاز برای شناسایی اهمیت منافع ذی‌نفعان، ماتریس علاقه/قدرت و مدل میچل^۱ (۱۹۹۷) به‌عنوان مدل‌های استفاده‌شده در این پژوهش بیان می‌شوند. درنهایت، روش «گسترش عملکرد کیفیت»^۲ که مبتنی بر اعمال نظر ذی‌نفعان در فرایند برنامه‌ریزی است، به‌عنوان روش مؤثر برای تبیین فرایند تهیه طرح راهبرد توسعه شهری تشریح می‌شود. نمونه موردی پژوهش شهر کاشمر ازجمله شهرهای میانی در شرق کشور است که به واسطه نقش زیارتی، از اهمیت ویژه‌ای در سطح ملی برخوردار است. متناسب با قابلیت شهر برای توسعه در ابعاد مختلف، گروه‌های ذی‌نفع متعددی با درجات مختلفی از قدرت و منفعت در سطح شهری و فراشهری حضور دارند. این امر پیچیدگی برنامه‌ریزی در سطح راهبردی شهر را بیشتر کرده و ضرورت شناسایی اهمیت منافع و اثرگذاری آن‌ها را بر مراحل برنامه توسعه راهبردی شهر باعث شده است.

۲. پیشینه تحقیق

اکثر تحقیقات در حوزه نقش ذی‌نفعان در برنامه‌ریزی شهری به زمان ریشه‌گیری نظریه برنامه‌ریزی مشارکتی در برنامه‌ریزی شهری بازمی‌گردد که به دنبال تحولات اجتماعی اقتصادی شکل گرفته بود. در همین راستا ازجمله اولین صاحب‌نظران، فریدمن^۳ (۱۹۷۳) بود که به

1. Mitchell

2. Quality Function Development (QFD)

3. Friedman

ضرورت تعامل برنامه‌ریزان با بهره‌وران از طرح‌های توسعه شهری اشاره کرد. فریمن^۱ در سال ۱۹۸۴ مفهوم ذی‌نفعان را در برنامه‌ریزی مطرح کرد و داندلسون و پرستون^۲ به بسط این مفهوم پرداختند؛ بدین ترتیب نظریه‌های مرتبط با ذی‌نفعان از دانش مدیریت وارد حوزه‌های مختلف از جمله برنامه‌ریزی شهری شد. از جمله محققان درخصوص مشارکت با ذی‌نفعان در برنامه‌ریزی شهری، میجلی^۳ (۱۹۸۶) است که به لزوم مشارکت شهروندان پرداخته و همچنین فورستر^۴ (۱۹۸۷) که به تضاد منافع ذی‌نفعان در برنامه‌ریزی شهری اشاره کرده است. در ادامه سایر نظریه‌پردازان مانند هیلی (۱۹۹۷)، آلمندینگر و جونز (۲۰۰۲) و اینز و بوهر (۲۰۰۳، ۲۰۱۰) به بسط مفهوم ذی‌نفعان در برنامه‌ریزی شهری پرداختند؛ البته دیگر پژوهشگران خارجی متأخر نیز اشاره مستقیمی به ذی‌نفعان در برنامه‌ریزی شهری داشته‌اند (جدول ۱). در حوزه طرح‌های راهبرد توسعه شهری، سازمان ائتلاف شهرها (۲۰۱۰) چهارچوب مفهومی از چیستی و اجرای طرح‌های راهبرد توسعه شهری را بیان کرده است. همین نهاد در سال ۲۰۱۴ در گزارش «شکوفایی شهرها»^۵ به بررسی تجارب اجرای طرح‌های راهبرد توسعه شهری پرداخته و در گزارش سال ۲۰۱۷ مراحل تهیه طرح راهبرد توسعه شهری را براساس تجارب شهرهای مختلف جهان مطرح کرده است. رسولی‌منش (۲۰۱۳) نیز در پژوهشی به بررسی تجربیات اجرای این گونه طرح‌ها در کشورهای مختلف اقدام کرده و در سال ۲۰۱۶ نیز زمینه‌های نظری، محتوا و ساختار طرح‌های راهبرد توسعه شهری را تشریح کرده است. در تحقیقات داخلی نیز طرح‌های راهبرد توسعه شهری با نگاهی غالباً مدیریتی نقد شده است. تحقیق درخصوص ذی‌نفعان در برنامه‌ریزی شهری نیز بیشتر به شناسایی و اولویت‌بندی ذی‌نفعان معطوف بوده است (جدول ۱)؛ بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که مطالعه روشمند تأثیر اهمیت منافع ذی‌نفعان در فرایند تهیه راهبرد توسعه شهری ازجمله خلأهای تحقیقاتی است که بررسی آن هدف مقاله حاضر است.

1. Freeman

2. Donaldson & Preston

3. Midgley

4. Forester

5. Prosperity of cities

جدول ۱- پژوهش‌های مرتبط با راهبرد توسعه شهری و ذی‌نفعان توسعه شهری

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

سال	یافته‌ها	موضوع	محققان
۱۳۹۰	تحلیل ظرفیت نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری کشور	امکان‌سنجی طرح‌های راهبرد توسعه شهری در ایران	حاتمی‌نژاد و ملایی
۱۳۹۱	تبیین جایگاه ذی‌نفعان در راهبرد توسعه شهری	سنجش مشارکت ذی‌نفعان و ذینفوذان در راهبرد توسعه شهری	ملک‌زاده و همکاران
۱۳۹۳	تعادل قدرت میان ذی‌نفعان کلیدی در فرایند تهیه تصویب و اجرای طرح جامع	تحلیل قدرت ذی‌نفعان کلیدی در فرایند سیاست‌گذاری طرح جامع تهران	کاظمیان و جلیلی
۱۳۹۴	ارتباط برقرار کردن از منظر تحقق‌پذیری بین تمامی گزینه‌ها	ارائه شاخص‌های سنجش و ارزیابی توسعه پایدار شهری در طرح‌های توسعه راهبردی شهر	آذرگون و همکاران
۱۳۹۵	سنجش تأثیر طرح راهبردی بر توسعه شهر	نقش راهبرد توسعه شهری در مدیریت توسعه گردشگری و رونق اقتصادی اجتماعی جزیره هرمز	پوراحمد و همکاران
۱۳۹۵	استخراج معیارهای اساسی شناسایی بهره‌وران کلیدی	ارائه مدلی جهت شناسایی بهره‌وران کلیدی در برنامه‌های شهری	نوریان و خاکپور
۲۰۰۹	مفهوم‌سازی ذی‌نفعان براساس منافع و روابط	نفع شهر؛ نقشه‌ریزی ذی‌نفعان	اندرسن و نیلسن ^۱
۲۰۱۴	تجارب شهرهای اروپایی و چالش‌های برنامه‌ریزی	شهروند و درگیری ذی‌نفع، پیش‌شرط پایداری شهری	لیندائو و بوهرلر ^۲
۲۰۱۵	دسته‌بندی ذی‌نفعان فراتر از جایگاه قانونی و بخشی	شناسایی تعامل ذی‌نفعان در شراکت‌های شهری	لوفور ^۳
۲۰۱۸	تقسیم‌بندی مفهوم مشارکت ذی‌نفعان	مشارکت ذی‌نفعان به سمت پایداری شهری	سوما ^۴ و همکاران
۲۰۱۹	دسته‌بندی ذی‌نفعان به دو دسته داخلی و خارجی	تحلیل ذی‌نفعان برای توسعه شهر هوشمند	جایاسنا ^۵ و همکاران

1. Anderson & Nielsen

2. Lindenau & Bohler

3. Le Feuvre

4. Soma

5. Jayasena

۳. روش‌شناسی تحقیق

۳.۱. روش تحقیق

با توجه به تأکید بر مشارکت ذی‌نفعان در فرایند تهیه و اجرای طرح راهبرد توسعه شهری، استفاده از روشی که بتواند اهمیت ذی‌نفعان و منافع آن‌ها را به فرایند برنامه‌ریزی متصل کند، همیشه مدنظر برنامه‌ریزان شهری بوده است. با توجه به قابلیت‌های مؤثر روش گسترش عملکرد کیفیت، استفاده فراوانی از آن در زمینه‌های پژوهشی و حرفه‌ای در موضوعاتی که تحت تأثیر گروه‌های ذی‌نفع هستند شده است، اما در حوزه برنامه‌ریزی شهری مدنظر نبوده است. کار انجام شده در این پژوهش نمونه‌ای دیگر از کاربردهای متفاوت این تکنیک است.

گسترش عملکرد کیفیت، تکنیکی پیشرفته است که در آن خواسته‌های مشتری در کل سازمان شنیده می‌شود. با استفاده از این تکنیک خواسته‌های مشتری به صورت روشن و برجسته تعیین شده و چگونگی برآورده کردن آن‌ها نیز برحسب اولویت برای مشتری مشخص می‌شود. این کار از طریق فرایند سیستماتیک برای دریافت خواسته‌های مشتری و هدایت این خواسته‌ها به داخل سازمان صورت می‌پذیرد. گسترش عملکرد کیفیت یکی از مهم‌ترین تکنیک‌های مهندسی کیفیت است که ضمن لحاظ کردن خواسته‌های مشتری به طراحی و تولید محصول یا خدماتی منجر می‌شود که نظر مشتری را برآورده می‌کند و حتی در برخی موارد فراتر از آن نتیجه می‌دهد. مزیت اصلی این روش در مقایسه با سایر روش‌های اولویت‌بندی مانند روش تحلیل سلسله‌مراتبی، بررسی هم‌زمان اهمیت نظر ذی‌نفعان، کارشناسان و بهره‌برداران و بررسی تأثیر آن بر اولویت‌بندی راه‌حل‌های فنی است. نتیجه آن صرف‌نظر کردن از خواسته‌های کم‌اهمیت مشتری و تمرکز بیشتر روی خواسته‌های مهم‌تر خواهد بود (مؤمنی و مرمضی، ۱۳۸۶، ص. ۱۰۷). طبق روش گسترش عملکرد کیفیت، با حاصل ضرب چند ماتریس متوالی اهمیت موضوعی به اهمیت موضوعات دیگر ترجمه می‌شود (آکائو^۱، ۱۹۹۷). ماتریس‌ها شامل اطلاعات به دست آمده از پرسشنامه‌های مختلفی است که مخاطب آن‌ها خبرگان برنامه‌ریزی شهری و مدیران نهادهای ذی‌نفع در توسعه شهری هستند. روایی آن‌ها به

1. Akao

وسیله طرح در گروهی هفت نفره از متخصصان برنامه‌ریزی شهری کنترل شد و نظرات ایشان در نوع، تعداد و محتوای سؤالات اعمال شد. پایایی پرسشنامه‌ها به کمک روش موازی که در آن به صورت هم‌زمان پرسشنامه‌هایی حاوی دو دسته سؤالات یکسان، میان تعدادی از افراد نمونه توزیع شد و سپس میزان یکسان بودن نتایج کنترل شد.

۳.۲. منطقه مورد مطالعه

نمونه موردی این پژوهش شهر کاشمر است که براساس سرشماری رسمی سال ۱۳۹۵ جمعیتی معادل ۱۰۲ هزار نفر دارد. این شهر در جنوب غربی استان خراسان رضوی قرار دارد و وجود بقاع امامزاده‌ها، محصولات کشاورزی برتر و جاذبه‌های طبیعی از ویژگی‌های ممتاز کاشمر است. این شهر طبق اعلام فرمانداری شهرستان کاشمر (۱۳۹۹) دارای بیشترین احزاب سیاسی فعال پس از مشهد در استان است و همچنین به عنوان قطب خدماتی و گردشگری برای ارائه خدمات مرتبط در مقیاس منطقه‌ای با حوزه نفوذ گسترده، مطرح است. طرح راهبرد توسعه شهری کاشمر با هدف تشویق و توسعه قابلیت‌های شهر در ابعاد اقتصادی و اجتماعی هم‌زمان با تعامل و مشارکت نهادهای متولی توسعه، برنامه‌ریزی شد. وجود گروه‌های ذی‌نفع متنوع که در مقیاس شهر و فراشهر بر توسعه شهر اثرگذار هستند، پیچیدگی‌های طرح راهبرد توسعه شهری را مضاعف کرده است.

۴. مبانی نظری تحقیق

در مبانی نظری، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها درباره دو مقوله اصلی پژوهش یعنی فرایند طرح راهبرد توسعه شهری و ذی‌نفعان در برنامه‌ریزی مورد واکاوی و بررسی می‌شوند. هدف، تبیین مفهوم و اجزای تشکیل دهنده این دو مؤلفه برای رسیدن به شاخص‌های اندازه‌گیری آنهاست که پایه‌ریز طرح تحقیق‌اند.

۴.۱. طرح‌های راهبرد توسعه شهری و برنامه‌ریزی مشارکتی

از آنجاکه برنامه‌ریزی یک عمل فنی خنثی نیست، باید رویکردهای مشارکتی را دنبال کند (هیلی، ۲۰۰۴). برنامه‌ریزی شهری مشارکتی رویکرد جدیدی است که برای حل مسائل و

چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی توسط حکومت‌های محلی استفاده می‌شود (دیدیر، مورنج و پیروکس^۱، ۲۰۱۲)؛ به همین دلیل بسیاری از نظریه‌پردازان برنامه‌ریزی از انطباق رویکردهای جدید برنامه‌ریزی شهری با نظریه‌های مشارکتی و راهبردی حمایت می‌کنند (فریدمن، ۱۹۹۳). این رویکردهای جدید بر پایه تلاش‌های همکارانه همه ذی‌نفعان برای تصمیم‌سازی در برنامه‌ریزی است (اینز و بوهر، ۲۰۱۴). در همین راستا طرح راهبرد توسعه شهری بر مبنای تئوری برنامه‌ریزی مشارکتی و ارتباطی شکل گرفته است (رسولی‌منش، بدرالزمان و جعفر، ۲۰۱۳). راهبرد توسعه شهری با ماهیت راهبردی و برای کمک به ایجاد تصمیم‌گیری بهتر و بهبود وضع زندگی شهروندان توسط سازمان ائتلاف شهرها در سال ۱۹۹۹ پیشنهاد شد. این طرح‌ها با شیوه‌ای مشارکتی به حل مسائل شهری می‌پردازند؛ بنابراین فلسفه تهیه طرح‌های راهبرد توسعه شهر را می‌توان از میان برداشتن بحران‌ها، چالش‌ها و مسائل شهری کشورهای در حال توسعه دانست (پوراحمد، دربان‌آستانه و پورقربان، ۱۳۹۵، ص. ۴۰). این رویکرد از طریق مشارکت همه ذی‌نفعان برای تحقق رشد متعادل و ارتقای کیفیت زندگی شهری به وسیله ذی‌نفعان محلی برنامه‌ریزی می‌شود تا درمورد چشم‌اندازی صریح از آینده شهری به اجماع برسند (ژانگ^۲، ۲۰۱۳؛ لپیئت^۳، ۲۰۰۸)؛ بنابراین یک برنامه راهبردی موفق حول محور مشارکت برنامه‌ریزی می‌شود (هابیت، ۲۰۱۰، ص. ۳)؛ مشارکتی که در آن گروه‌های ذی‌نفع باید شناسایی شوند و برای مشورت دائم در فرایند برنامه‌ریزی و کسب بازخوردهای آن در تعامل با برنامه‌ریزان باشند.

۲.۴. فرایند طرح راهبرد توسعه شهر

راهبرد توسعه شهری عبارت است از تدوین چشم‌اندازهای بلندمدت توسعه شهری و تبدیل آن‌ها به راهبردهای توسعه و در نظر گرفتن فرایندهایی با مشارکت همه طرف‌های ذی‌صلاح و ذی‌نفوذ برای تحقق آن‌ها (براتی و سرداری، ۱۳۸۸، ص. ۱۶)؛ بنابراین این طرح‌ها هم مشارکتی هستند و هم فرایندی اجرامحور دارند. این طرح‌ها فرایند تهیه چشم‌انداز

1. Didier, Morange & Peyroux

2. Zhang

3. Lipietz

بلندمدت از آینده شهر هستند که براساس آن راهبردها و برنامه‌های اجرایی کوتاه‌مدت تهیه می‌شود که همراه با مشارکت فعال بهره‌وران و دست اندرکاران اصلی شهر است (کاردار، رحمانی و ملاآقاخانزاده، ۱۳۸۸، ص. ۱۸۴).

عناصر سازنده و مراحل فرایند تهیه و اجرای طرح راهبرد توسعه شهر متناسب با ضرورت‌های توسعه شهر، متنوع هستند؛ بنابراین براساس موقعیت، محتوا و بازیگران اصلی، طرح راهبرد توسعه می‌تواند دارای فرم و روش خاص خود باشد، اما به طور معمول راهبرد توسعه شهری باید شامل یک سری برنامه‌های اجرایی باشد که این برنامه‌های اجرایی دربردارنده برنامه‌های عملیاتی و همچنین برنامه‌هایی با محتوای تخصیص وظایف سازمانی و برنامه زمان‌بندی است. برنامه‌های سرمایه‌گذاری مالی و راهبردهای مالی-اقتصادی نیز ازجمله مهم‌ترین عناصر ضروری و اصلی این برنامه‌ها هستند (آذرگون، منصوری و براتی، ۱۳۹۴، ص. ۲۶۷)؛ باین حال چهارچوب برنامه‌ریزی راهبردی تا اندازه‌ای منعطف است و توانایی سازگاری با شرایط و تاکتیک‌های در حال تغییر را دارد (سازمان ائتلاف شهرها، ۲۰۱۰، ص. ۱۷). براساس تجارب در شهرهای مختلف در اجرای راهبرد توسعه شهری فرایندهای مختلفی پیشنهاد و اجرا شده است. این فرایندها شامل مراحل است که از شهری به شهر دیگر متفاوت است (جدول ۲). از اولین فرایند پیشنهادی توسط بانک جهانی (۲۰۰۰) تا فرایند پیشنهادی سازمان ائتلاف شهرها در سال ۲۰۱۷ متناسب با تجارب کسب‌شده، بر ابعاد و اجزای فرایند افزوده شده است. در این پژوهش نیز فرایند اخیر سازمان ائتلاف شهرها به‌علت جامعیت و جدید بودن ملاک عمل بوده است.

جدول ۲- فرایندهای پیشنهادی طرح راهبرد توسعه شهری

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

فرایند برنامه راهبردی در ایران (وزارت کشور، ۱۳۹۴)	بانک جهانی (۲۰۰۰)	اکون ^۱ (۲۰۰۵)	پارنل و رابینسون ^۲ (۲۰۰۶)	سازمان ائتلاف شهرها (۲۰۱۱)	سازمان ائتلاف شهرها (۲۰۱۷)
بررسی اسناد فراست و مرتبط مطالعات و برنامه ریزی راهبردی شهر برآورد درآمدها و منابع تأمین اعتبار شهرداری برنامه ریزی عملیاتی شهرداری نظام پایش و بازنگری برنامه	فاز شناخت فاز تحلیل جامع شناسایی عوامل کمکی خارجی	طراحی و ارزیابی چشم اندازسازی و تدوین راهبرد اجرا و پایش	تعریف چشم انداز و راهبردها ایجاد اجماع میان ذی نفعان بهبود ظرفیت های محلی نهادینه سازی راهبرد توسعه تعریف واضح ساختاری برای اجرا و پایش	ارزیابی تدوین راهبردها (مشارکت در تدوین راهبردها، ایجاد اجماع، ارزیابی منابع مالی، تعیین نیروهای اجرایی، تطابق با برنامه های بالادست) اجرا (طرح های اجرایی، منابع مالی، نیروی انسانی)	فاز اول: سازماندهی و تحلیل وضع موجود فاز دوم: چشم اندازسازی و تدوین اهداف راهبردی فاز سوم: فرموله سازی راهبردها فاز چهارم: مدیریت راهبردی اجرا و پایش

۴.۳. ذی نفعان در برنامه ریزی شهری

ذی نفعان غالباً به افراد، گروه ها یا سازمان هایی گفته می شود که از سمت پروژه یا برنامه تحت تأثیر قرار می گیرند یا بر آن اثر می گذارند (فریمن، ۱۹۸۴) و معمولاً گروه های سازمان یافته ای هستند که منفعت جمعی دارند (کاهن، لپتسون، هریمن و هاردی، ۲۰۱۳)؛ بدین ترتیب مفهوم ذی نفع وجوه چندگانه ای دارد که طیف گسترده ای از مفاهیم و معانی در نظریه های سیاسی، اقتصادی و مدیریتی را در سبک های فکری مختلف شامل می شود (اندرسون و نیلسن، ۲۰۰۹، ص. ۳۰۹). از دیدگاه مشارکتی فرض را باید بر مشارکت فعال

1. ECON

2. Parnell & Robinson

3. Kahane, Loftson, Herriman & Hardy

ذی‌نفعان در فرایندهای برنامه‌ریزی و مسئولیت‌پذیری گذاشت (کلارک^۱، ۱۹۹۷، ص. ۲۱۱). با شناسایی و تحلیل درست ذی‌نفعان، پیش‌بینی نوع تأثیر (مثبت یا منفی) و توسعه راهبردهایی برای جلب بیشترین حمایت مؤثر و ممکن از ذی‌نفعان و کاهش هرگونه موانع موفقیت برنامه یا پروژه به دست می‌آید. از دیدگاه ذی‌نفعان نیز مدیران باید منافع مختلف را مطالبه کرده و برای مدیریت راهبردی همه منافع را یکپارچه کنند (میچل، آگل و وود^۲، ۱۹۹۷، ص. ۸۵۳)؛ بنابراین مدیریت ذی‌نفعان در برنامه‌ریزی، مدیریت و سازماندهی ارتباط با ذی‌نفعان خاص براساس رویکردی اقدام‌محور است (فریمن و مک‌وی^۳، ۲۰۰۵، ص. ۱۲۲).

در برنامه‌ریزی شهری که با طیف وسیعی از گروه‌های ذی‌نفع در ارتباط است، همیشه تنش و درگیری با ذی‌نفعان در فرایند برنامه‌ریزی وجود دارد؛ آنچنانکه همیشه راه‌حل‌های فنی خاص را طلب می‌کند؛ به همین دلیل مشارکت با ذی‌نفعان بر فرایند برنامه‌ریزی شهری تأثیر مثبت دارد و آن را قابل‌قبول‌تر می‌کند؛ به شرطی که همه ذی‌نفعان در طول تهیه برنامه درگیر شوند و الزامات خاص خود را بیان کنند (لیندانیو، ۲۰۱۴، ص. ۳۴۹) تا ظرفیت ایجاد راهبرد با توجه به پیچیدگی روابط در برنامه‌ریزی شهری ایجاد شود (هیلی، ۲۰۰۶، ص. ۵۴۲)؛ بدین ترتیب تأثیر برنامه بر ذی‌نفعان در نظر گرفته شده و مسئولیت‌پذیری در برنامه‌ریزی محقق می‌شود (کونارد، استورر و مارتینوزی^۴، ۲۰۰۶). این تعامل مطلوب با ذی‌نفعان و هماهنگی با آن‌ها به برنامه‌ریز شهری کمک می‌کند تا فرصت‌های توسعه را کشف کند، از مزایای حمایت گروه‌های محلی برخوردار شده و در نهایت توسعه بلندمدت شهر محقق شود (باسدور، وستروپ و میوکس^۵، ۲۰۱۷، ص. ۱۶).

۴.۴. ذی‌نفعان کلیدی

مشارکت شهروندان و ذی‌نفعان در فرایندهای برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی با اشتراک‌گذاری قدرت همراه است (لیندانیو، ۲۰۱۴، ص. ۳۴۸)؛ بنابراین ذی‌نفعان براساس منافع و قدرتشان

-
1. Clarke
 2. Mitchell, Agle & Wood
 3. Freeman & McVea
 4. Konard, Steurer & Martinuzzi
 5. Basedow, Westrope & Meaux

در سطوح و درجات مختلفی از اثرگذاری قرار می‌گیرند و براساس تفاوت در نوع و اهمیت منافع ذی‌نفعان، شبکه پیچیده‌ای از تعامل میان ذی‌نفعان ظاهر می‌شود (ماکدو و پینهو^۱، ۲۰۰۶). اعضای مختلف در هر طبقه یا گروه از ذی‌نفعان ی شکل نیستند؛ بنابراین به ضرورت اهداف یا دغدغه‌های مشابه با دغدغه‌های سازمان، دسته‌بندی ذی‌نفعان ضروری است (حیاتی، مشبکی اصفهانی، خورشیدی و مرتضوی، ۱۳۹۷، ص. ۶۱)؛ ازاین‌رو در برنامه‌ریزی، ذی‌نفعانی مهم و کلیدی هستند که نقش مؤثر در فرایند تصمیم‌سازی و همچنین اجرای برنامه دارند. در نظر نگرفتن بهره‌وران کلیدی در روند تهیه طرح‌ها و برنامه‌های شهری موجب نادیده انگاشتن مشارکت بهره‌وران کلیدی و شهروندان که از اصول کلیدی برنامه‌ریزی راهبردی است، در تهیه طرح‌ها و برنامه‌ها می‌شود (نوریان و خاکپور، ۱۳۹۶، ص. ۲۷۲).

معمولاً ذی‌نفعان کلیدی بنا به دلایلی ازجمله منافع خود در تهیه و اجرای برنامه مشارکت دارند. زمانی می‌توان منافع ذی‌نفعان را در نظر گرفت و رضایت همه آن‌ها را جلب کرد که به منافع آن‌ها توجه کافی شود؛ البته متناسب با اهمیت ذی‌نفعان، به‌سختی می‌توان تصور کرد که برنامه‌ریزان بتوانند همه منافع را به طور مساوی تأمین کنند (استرانگ، رینگر و تایلور^۲، ۲۰۰۱). روش‌های شناسایی ذی‌نفعان کلیدی براساس معیارهای مختلفی تدوین شده است که هرکدام به جنبه‌هایی از مدیریت پیچیده ذی‌نفعان اشاره دارد؛ ازجمله مدل فریمن و ساویج^۳ (۱۹۸۴)، مدل بانک جهانی (۱۹۹۸)، مدل فریدمن و مایلز^۴ (۲۰۰۲)، مدل ملتون (۲۰۱۱) و مدل اندرسن (۲۰۰۳) که به معیارهایی همچون نفوذ، اثرگذاری، نوع روابط و همکاری، قدرت و منفعت اشاره دارند. از مهم‌ترین مدل‌ها می‌توان به مدل قدرت/منفعت متعلق به جانسون و چولس^۵ (۲۰۰۲) اشاره کرد که در آن ذی‌نفعان براساس سطح منافع و قدرت تقسیم‌بندی می‌شوند. طبق این مدل، ذی‌نفعانی که دارای بیشترین منفعت و بیشترین قدرت باشند، جزو ذی‌نفعان کلیدی محسوب می‌شوند (حیاتی و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۶۲). این مدل غالباً برای تعیین ذی‌نفعان کلیدی کاربرد دارد. علاوه بر این، مدل میچل (۱۹۹۷) نیز چهارچوب مشهوری

1. Macedo & Pinho
2. Strong, Ringer & Taylor
3. Freeman & Savage
4. Friedman & Miles
5. Johnson & Scholes

است که از آن برای تعیین دقیق اهمیت ذی‌نفعان استفاده می‌شود. چهارچوب ذی‌نفعان میچل و همکارانش نشان می‌دهد ذی‌نفعی که یک یا چند ویژگی قدرت، مشروعیت و فوریت دارد، برای سازمان مهم‌تر است (میچل و همکاران، ۱۹۹۷، ص. ۸۵۳). این دو مدل، مدل‌های کاربردی و شناخته‌شده در اولویت‌بندی ذی‌نفعان هستند که معیارهای اصلی ذی‌نفعان را در بر گرفته‌اند و به پرکاربردترین مدل‌ها در آثار پژوهشی و تجربی تبدیل شده‌اند. به کمک این مدل‌ها تصویری واضح از موقعیت ذی‌نفعان و تأثیر آنها بر برنامه ترسیم می‌شود؛ بر این اساس، چهارچوب نظری پژوهش بر پایه چهار معیار قدرت، منفعت، مشروعیت و فوریت شکل می‌گیرد (جدول ۳). قدرت ذی‌نفعان عبارت است از توانایی تغییر نتایج به صورت دلخواه. مبنای قدرت عمدتاً در نوع منابع استفاده‌شده برای اعمال قدرت دیده می‌شود. پنج منشأ مهم قدرت عبارت است از قدرت فیزیکی، قدرت ناشی از موقعیت، قدرت منابع، قدرت ناشی از تخصص و قدرت شخصی. قدرت در سه نوع اجباری، مالی و اعتبارسازی مبتنی بر منابع نمادین وجود دارد. منافع ذی‌نفعان با نوع تعامل و مشارکت آنها در برنامه‌ریزی مرتبط است که می‌تواند دلایلی مانند مسائل مرتبط با اهداف و رسالت ذی‌نفع داشته باشد (وو^۱، ۲۰۰۷، ص. ۴۱۵). ضرورت و فوریت عبارت است از درجه‌ای که از مطالبات ذی‌نفعان برای توجه فوری به آنها (التونن، جاکو و توماس^۲، ۲۰۰۸، ص. ۵۰۶). این ویژگی، بارز بودن ذی‌نفع را نشان می‌دهد. معیار مشروعیت نشان می‌دهد که هرچه مطالبات ذی‌نفعان قانونی‌تر باشد، احتمال آنکه پاسخ مثبت دریافت کنند، بیشتر خواهد بود (حیاتی و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۵).

1. Wu

2. Aaltonen, Jaakko & Thomas

جدول ۳- معیارهای اهمیت ذی‌نفعان

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

شاخص	معیار	صاحب‌نظران
قدرت	توانایی ایجاد تغییر مدام در فعالیت‌ها، توانایی حفظ وضع موجود، تغییر نتایج برنامه، بی‌اثر یا کم‌اثر کردن سایر قدرت‌ها، حمایت حمیل اقدامات به بخش‌های دیگر	مدل فریمن و ساویج (۱۹۸۴)، مدل ملتون (۲۰۱۱)، مدل جانسون و چولس (۲۰۰۲)، مدل میچل (۱۹۹۷)
منفعت	رسیدن به اهداف، رسیدن به حمایت سیاسی، کسب خوش‌نامی و اعتبار، رسیدن به محصول یا درآمد، رعایت قانون	مدل بانک جهانی (۱۹۹۸)، مدل اندرسن (۲۰۰۳)، مدل جانسون و چولس (۲۰۰۲)
فوریت	میزان تأخیر قابل قبول، اهمیت مطالبه ذی‌نفعان، ضرورت توجه یا واکنش فوری به منفعت	مدل میچل (۱۹۹۷)، مدل فریدمن و مایلز (۲۰۰۲)
مشروعیت	میزان قانونی‌بودن خواسته، میزان اعتبار ریسک ذی‌نفع در برنامه	مدل میچل (۱۹۹۷)، مدل بانک جهانی (۱۹۹۸)

۵. یافته‌های تحقیق

دراین پژوهش استفاده از تکنیک گسترش عملکرد کیفیت در قالب دو مرحله متوالی طراحی شده است (جدول ۴). در مرحله اول میزان اهمیت منافع محاسبه شده و در مرحله دوم اولویت‌بندی مراحل فرایند راهبرد توسعه شهری براساس میزان اهمیت منافع مشخص می‌شود.

جدول ۴- مراحل انجام پژوهش

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

مرحله اول	گام اول	گام دوم	گام سوم	گام چهارم	گام پنجم	گام ششم
	الف: شناسایی ذی‌نفعان	ب: شناسایی منافع ذی‌نفعان	ج: شناسایی ذی‌نفعان کلیدی	د: تکمیل ماتریس منفعت / ذی‌نفع	ه: تکمیل ماتریس ذی‌نفع / اهمیت	و: محاسبه ماتریس منفعت / اهمیت
مرحله دوم	ز: تعیین اوزان نسبی مراحل راهبرد توسعه شهری			ح: محاسبه اوزان نهایی و اولویت مراحل راهبرد توسعه شهری		

الف: شناسایی ذی‌نفعان

برای شناسایی ذی‌نفعان در این پژوهش پرسشنامه‌ای میان خبرگان صاحب‌نظر که دارای تحصیلات عالیه و تجربه کاری مرتبط بودند، توزیع شد. خبرگان براساس روش گلوله‌برفی و رسیدن به اشباع نظری به تعداد ۹ نفر مشخص شدند. با استفاده از مصاحبه در کارگاه‌های مشورتی با خبرگان از آن‌ها خواسته شده بود تا براساس تجارب و آینده‌های محتمل از اجرای راهبرد توسعه شهری کاشمر، گروه‌های ذی‌نفع را شناسایی کنند. ملاک شناسایی نهادها، گروه‌ها و سازمان‌هایی است که بابت اجرای برنامه راهبرد توسعه شهری کاشمر یا تحت‌تأثیر قرار می‌گیرند یا بر آن تأثیر می‌گذارند. علاوه بر آن، با الگوبرداری از برنامه‌های مشابه نیز در تکمیل فهرست ذی‌نفعان استفاده شد. در پایان، ۱۷ ذی‌نفع مشخص شدند و مجدد خود ذی‌نفعان نیز این فهرست را کنترل کردند. غالب ذی‌نفعان، سازمان‌های دولتی و عمومی و کمتر بخش‌های خصوصی و غیردولتی بودند.

ب: شناسایی منافع ذی‌نفعان

در این مرحله با انجام مصاحبه با ذی‌نفعان شناسایی شده انتظارات و منافع مدنظر ایشان گردآوری شد. ملاک تشخیص منافع، معیارهای صاحب‌نظران بود (جدول ۳) و برای تکمیل فهرست منافع از خبرگان نیز درخواست شد تا منافع پیش‌بینی‌شدنی را اضافه کنند. منافع جمع‌آوری شده پس از تلفیق و حذف موارد تکراری در ۱۵ مورد خلاصه شد (جدول ۵). غالب منافع سازمان‌های دولتی به اهداف سازمانی و بخشی آن‌ها معطوف بود و اکثر نهادهای عمومی و غیردولتی، بیشتر به منافع بین‌بخشی تأکید داشتند.

جدول ۵- منافع ذی‌نفعان

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

۱۱. ضرورت پررنگ شدن عرضه محصولات زراعی برتر	۶. افزایش روابط اقتصادی شهر با حوزه نفوذ	اهمیت به توسعه اشتغال
۱۲. اهمیت توجه به تکرر گروه‌های سیاسی در شهر	۷. توسعه دسترسی ریلی و هوایی	رعایت قوانین و طرح‌های بالادست
۱۳. ضرورت تحقق طرح در بازه زمانی مشخص	۸. افزایش مراکز اقامتی	اهمیت حفظ منابع آبی

۹. اهمیت افزایش درآمد پایدار شهرداری	ضرورت توسعه نقش زیارتی شهر
۱۴. افزایش مراسم بومی در عرصه‌های شهری	
۱۰. ضرورت افزایش مراکز تفریحی شهر	اهمیت نقش درمانی شهر
۱۵. اهمیت تبلیغات و فعالیت‌ها در فضای مجازی	

ج: شناسایی ذی‌نفعان کلیدی

با توجه به گستردگی ذی‌نفعان شناسایی شده در گام اول ضروری است تا ذی‌نفعان کلیدی که دارای تأثیر بیشتر بر روند تهیه و اجرای طرح راهبرد توسعه شهر هستند، شناسایی شوند. برای این منظور از ماتریس قدرت/منفعت استفاده شده است؛ بر این اساس ذی‌نفعی که دارای قدرت و منفعت بیشتری باشد، ذی‌نفع کلیدی شناخته می‌شود؛ بنابراین پرسشنامه‌ای در اختیار خبرگان مرحله اول قرار گرفت و طی آن به ذی‌نفعان شناسایی شده براساس معیارهای قدرت و علاقه (جدول ۳) از ۱ تا ۹ امتیاز دادند که حاصل آن شناسایی ۸ ذی‌نفع کلیدی به شرح زیر است:

۱. فرمانداری شهرستان کاشمر، ۲. شهرداری کاشمر، ۳. شورای شهر کاشمر، ۴. اداره اوقاف شهرستان کاشمر، ۵. اداره کل راه و شهرسازی، ۶. اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری، ۷. اداره کل جهاد کشاورزی و ۸. نماینده مجلس شورای اسلامی.

د: ماتریس منفعت/ذی‌نفع

هر یک از ذی‌نفعان متناسب با نیازها و خواسته‌های خود منافع و انتظاراتی از برنامه راهبرد توسعه شهری دارند و برای منافع خود سطوح از اهمیت قائل هستند. هر ذی‌نفع ممکن است به دو یا چند منفعت تشخیص داده شده حساس باشد، ولی اهمیت این منافع برای او یکسان نیست. در این مرحله هدف، تشخیص سطوح اهمیت منافع نزد ذی‌نفعان است؛ بر این اساس، پرسشنامه‌ای تهیه شد و در اختیار ذی‌نفعان کلیدی قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد به منافع گردآوری شده از ۱ تا ۹ امتیاز دهند (جدول ۶).

جدول ۶- اهمیت منفعت‌ها از نظر ذی‌نفعان

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

منفعت‌ها/ذی‌نفعان	فرمانداری	شهرداری	شورای شهر	اداره اوقاف	راه و شهرسازی	میراث فرهنگی و گردشگری	جهاد کشاورزی	نماینده مجلس
S1	۸	۶	۸	۶	۷	۶	۷	۹
S2	۹	۸	۷	۶	۷	۷	۷	۶
S3	۹	۷	۶	۷	۸	۸	۹	۷
S4	۷	۹	۹	۸	۷	۸	۶	۷
S5	۷	۷	۸	۶	۶	۷	۵	۸
S6	۸	۷	۷	۶	۹	۸	۸	۸
S7	۹	۹	۸	۷	۸	۷	۶	۸
S8	۷	۷	۶	۸	۸	۹	۶	۷
S9	۸	۹	۹	۶	۷	۷	۶	۸
S10	۷	۹	۹	۷	۷	۸	۵	۶
S11	۸	۶	۶	۶	۷	۸	۹	۸
S12	۹	۷	۷	۶	۷	۶	۶	۸

نماینده مجلس	جهاد کشاورزی	میراث فرهنگی و گردشگری	راه و شهرسازی	اداره اوقاف	شورای شهر	شهرداری	فرمانداری	منفعت‌ها/ذی‌نفعان
								تکثر گروه‌های سیاسی
۸	۷	۷	۸	۶	۷	۷	۸	S13 ضرورت تحقق طرح در بازه زمانی مشخص شده
۷	۶	۹	۸	۷	۷	۷	۶	S14 افزایش مراسم بومی و محلی در عرصه‌های شهری
۷	۶	۷	۸	۶	۸	۷	۸	S15 اهمیت تبلیغات و فعالیت‌ها در فضای مجازی

ه: ماتریس ذی‌نفع/اهمیت

برای تحلیل ذی‌نفعان مدل‌های متفاوت وجود دارد و همان‌طور که در بخش مبانی نظری گفته شد، مدل میچل و همکاران مناسب‌ترین آن‌هاست. طبقه‌بندی ذی‌نفعان کلیدی براساس معیارهای به‌دست‌آمده در مبانی نظری (جدول ۳) برای سه عامل قدرت، مشروعیت و فوریت است. به‌منظور تعیین سطح سه عامل ذکرشده پرسشنامه‌ای در اختیار خبرگان مرحله اول قرار گرفت تا نظر خود را در طیف خیلی کم تا خیلی زیاد با نمرات ۱ تا ۹ بیان کنند. میانگین نظرات خبرگان درباره سطح یک عامل برای یک ذی‌نفع معین به نمره آن ذی‌نفع در آن عامل منجر می‌شود (جدول ۷).

جدول ۷- میزان اهمیت ذی‌نفعان

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

ذی‌نفعان کلیدی	قدرت	مشروعیت	فوریت	ذی‌نفعان کلیدی	قدرت	مشروعیت	فوریت
فرمانداری	۶/۵	۸/۳	۷/۴	راه و شهرسازی	۵/۴	۷/۵	۷/۸
شهرداری	۸/۲	۸/۸	۷/۶	میراث فرهنگی و گردشگری	۷/۵	۷/۷	۵/۶
شورای شهر	۷/۶	۷/۸	۷/۴	جهاد کشاورزی	۷/۸	۸/۱	۸/۳
اداره اوقاف	۶/۵	۶/۸	۵/۵	نماینده مجلس	۶/۶	۸/۶	۵/۷

و: ماتریس منفعت/اهمیت

برای حصول به اهمیت منافع، ابتدا رابطه میان منافع و ذی‌نفعان کلیدی در ماتریس «منفعت/ذی‌نفع» تعیین شد (جدول ۶) و در ادامه با رابطه میان ذی‌نفعان و ابعاد اهمیت در قالب ماتریس «ذی‌نفع/اهمیت» بررسی شد (جدول ۷). از حاصل ضرب دو ماتریس به‌دست‌آمده می‌توان به ماتریس «منفعت/اهمیت» (WS) دست یافت. ماتریس حاصل بیانگر این است که بین سه عامل قدرت، مشروعیت و فوریت با منافع چه رابطه‌ای وجود داد (جدول ۸).

جدول ۸- اهمیت منفعت‌های ذی‌نفعان

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

منافع	قدرت	مشروعیت	فوریت	مجموع	وزن (WS)	رتبه
S1	۳/۶۲۲	۴/۱۱۹	۳/۵۸۶	۱۱/۳۲۷	۶/۶۱	۹
S2	۳/۶۱۳	۴/۱۲۷	۳/۶۴۵	۱۱/۳۸۵	۶/۶۴	۶
S3	۳/۹۰۰	۴/۴۱۱	۳/۸۶۲	۱۲/۱۷۳	۷/۱	۲
S4	۳/۸۶۴	۴/۳۹۲	۳/۰۳۰	۱۱/۲۸۶	۶/۵۳	۱۱
S5	۳/۳۹۴	۳/۸۸۷	۳/۳۴۳	۱۰/۶۲۴	۶/۲	۱۵
S6	۳/۷۷۹	۴/۳۴۰	۳/۷۹۴	۱۱/۹۱۳	۶/۹	۳
S7	۳/۸۹۴	۴/۴۷۵	۳/۸۸۴	۱۲/۲۵۳	۷/۱۵	۱
S8	۳/۶۳۸	۴/۳۱۸	۳/۵۹۳	۱۱/۵۴۹	۶/۷	۴
S9	۳/۶۷۳	۴/۱۹۵	۳/۳۲۵	۱۱/۱۹۳	۶/۵	۱۲
S10	۳/۴۴۰	۴/۲۲۰	۳/۶۶۴	۱۱/۳۲۴	۶/۶	۱۰

منافع	قدرت	مشروعیت	فوریت	مجموع	وزن (WS)	رتبه
S11	۳/۶۲۳	۴/۱۳۷	۳/۶۰۲	۱۱/۳۶۲	۶/۶۳۵	۷
S12	۳/۴۵۶	۳/۹۸۷	۳/۴۶۱	۱۰/۹۳۷	۶/۳	۱۴
S13	۳/۶۴۷	۴/۱۸۷	۳/۶۵۷	۱۱/۴۹۱	۶/۷	۵
S14	۳/۶۳۵	۴/۱۴۲	۳/۵۸۲	۱۱/۳۵۹	۶/۶۳	۸
S15	۳/۵۱۶	۴/۰۳۴	۳/۵۲۳	۱۱/۰۷۶	۶/۴	۱۳

مرحله دوم پژوهش شامل نحوه اعمال وزن و اهمیت منافع به دست آمده در مراحل فرایند راهبرد توسعه شهر می شود. با توجه به جامعیت و جدید بودن فرایند پیشنهادی سازمان ائتلاف شهرها (۲۰۱۷)، این فرایند مدنظر پژوهش قرار گرفت؛ البته با توجه به فراوانی بندهای مطالعاتی آن، پس از انطباق فرایند مذکور با فرایند ملاک عمل در تهیه راهبرد توسعه شهری کاشمر، مراحل اصلی و مشترک فرایند راهبرد توسعه شهری استخراج شد (جدول ۹).

جدول ۹- مراحل تلفیقی فرایند طرح راهبرد توسعه شهری

مأخذ: یافته های پژوهش، ۱۳۹۹

ارزیابی	راهبردسازی	اجرا
P1: شناسایی ذی نفعان	P6: اجماع میان ذی نفعان در چشم انداز	P11: تعریف برنامه های اجرایی
P2: ارزیابی محیط سازمانی	P7: توسعه راهبرد براساس مشارکت	P12: تعریف منابع مالی جدید
P3: ظرفیت های مالی موجود	P8: ارزیابی منابع مالی	P13: تجهیز نیروی انسانی متخصص
P4: ویژگی های اجتماعی-اقتصادی	P9: ایجاد توافق بین بخشی	
P5: پیوند برنامه به ساختار موجود	P10: انطباق با طرح های بالادست	

ز: تعیین اوزان نسبی مراحل طرح راهبرد توسعه شهری

پس از تعیین اهمیت نسبی خواسته ها و منافع ذی نفعان (WS)، به منظور تعیین وزن نسبی مراحل برنامه ریزی، شدت و میزان رابطه هر منفعت با مراحل برنامه ریزی ارزیابی می شود؛ به عنوان مثال، برای تعیین میزان رابطه منفعت «افزایش درآمدهای پایدار شهرداری (S9)» با مراحل برنامه راهبرد توسعه این سؤال پرسیده شد: برای حصول به درآمد پایدار شهرداری

کدام مرحله اهمیت بیشتری دارد: توسعه راهبرد براساس مشارکت (PV) یا ارزیابی منابع مالی (P8)؟ بدین ترتیب نظرات کارشناسان خبره در طیف نه‌قسمتی، از طریق مقایسه زوجی مراحل راهبرد توسعه برای هرکدام از منفعت‌های به‌دست‌آمده کسب شد.

ح: محاسبه اوزان نهایی و اولویت مراحل طرح راهبرد توسعه شهری

براساس محاسبات بالا، ماتریس اوزان نسبی مراحل تهیه راهبرد توسعه با توجه به منافع ذی‌نفعان به صورت زیر است. جدول نهایی براساس روش گسترش عملکرد کیفیت است که در آن وزن مراحل تهیه راهبرد توسعه شهری براساس منفعت‌های ذی‌نفعان مشخص شده و همچنین مجموع حاصل ضرب اوزان منفعت‌ها (WS) در اوزان مراحل (WP) برای هر مرحله از راهبرد توسعه شهری محاسبه شده است (جدول ۱۰). وزن نهایی نشان‌دهنده رتبه و جایگاه هر مرحله در طرح راهبرد توسعه شهر است.

جدول ۱۰- روابط میان مراحل طرح راهبرد توسعه شهری و منافع ذی‌نفعان

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

اوزان نهایی مراحل	S15	S14	S13	S12	S11	S10	S9	S8	S7	S6	S5	S4	S3	S2	S1	
۷/۷۸	۰/۷۲	۰/۷۶	۰/۶۹	۰/۰۳	۰/۷۴	۰/۸۶	۰/۲۶	۰/۸۰	۰/۱۳۱	۰/۶۳	۰/۹۰	۰/۷۱	۰/۶۶	۰/۹۱	۰/۲۶	P1
۶/۳۲۹	۰/۶۰	۰/۶۲	۰/۴۲	۰/۶۲	۰/۱۳	۰/۸۰	۰/۹۱	۰/۸۲	۰/۶۹	۰/۷۴	۰/۴۳	۰/۵۰	۰/۵۳	۰/۴۹	۰/۹۱	P2
۷/۵۱۳	۰/۲۶	۰/۳۵	۰/۱۹	۰/۱۰۵	۰/۲۲	۰/۲۲	۰/۱۷	۰/۲۲	۰/۳۶	۰/۳۹	۰/۱۰۱	۰/۶۴	۰/۱۱۲	۰/۱۰۱	۰/۱۷	P3
۷/۵۴۵	۰/۳۲	۰/۲۳	۰/۷۹	۰/۷۴	۰/۵۵	۰/۴۵	۰/۹۶	۰/۷۳	۰/۹۸	۰/۱۰۷	۰/۸۹	۰/۶۲	۰/۸۴	۰/۱۱	۰/۹۷	P4

۷/۸۸۶	۵/۶۵۱	۱۰/۳۷۳	۷/۹۸۵	۷/۸۸۶	۷/۴۰۸	۶/۸۲۷	۸/۰۲۸	اوزان نهایی مراحل
۰/۱۰۳	۰/۰۴۶	۰/۱۵۱	۰/۰۷۷	۰/۰۹۲	۰/۰۸۸	۰/۰۵۱	۰/۰۴۹	S15
۰/۱۰۱	۰/۰۴۳	۰/۱۲۲	۰/۰۷۸	۰/۱۱۷	۰/۰۶۷	۰/۰۴۴	۰/۰۵۵	S14
۰/۱۰۸	۰/۰۳۴	۰/۱۲۳	۰/۰۷۷	۰/۱۲۶	۰/۰۳۸	۰/۰۵۷	۰/۰۵۳	S13
۰/۰۳۰	۰/۰۸۸	۰/۰۴۳	۰/۱۷۶	۰/۱۲۰	۰/۱۲۵	۰/۰۶۱	۰/۰۵۲	S12
۰/۰۶۱	۰/۰۲۵	۰/۰۶۰	۰/۱۵۷	۰/۱۱۰	۰/۰۱۹	۰/۰۷۷	۰/۱۳۱	S11
۰/۰۶۰	۰/۰۶۲	۰/۱۵۶	۰/۱۰۳	۰/۰۱۹	۰/۱۲۶	۰/۰۷۳	۰/۱۲۵	S10
۰/۰۳۴	۰/۰۶۰	۰/۱۸۵	۰/۰۹۲	۰/۰۲۳	۰/۰۷۲	۰/۰۴۰	۰/۰۹۴	S9
۰/۰۲۰	۰/۰۵۷	۰/۱۲۹	۰/۰۸۴	۰/۰۲۹	۰/۱۱۵	۰/۰۷۴	۰/۱۲۱	S8
۰/۱۳۱	۰/۱۰۴	۰/۰۲۱	۰/۰۴۴	۰/۰۷۱	۰/۱۱۹	۰/۱۰۷	۰/۰۹۶	S7
۰/۰۲۱	۰/۰۶۷	۰/۱۸۸	۰/۰۶۶	۰/۰۴۱	۰/۰۶۹	۰/۰۷۹	۰/۱۳۱	S6
۰/۰۹۰	۰/۰۳۲	۰/۰۷۱	۰/۰۴۴	۰/۰۲۹	۰/۱۲۵	۰/۱۰۶	۰/۰۴۰	S5
۰/۰۳۰	۰/۰۵۹	۰/۱۴۴	۰/۰۸۴	۰/۰۴۳	۰/۰۴۳	۰/۰۶۲	۰/۱۱۰	S4
۰/۱۳۳	۰/۰۴۸	۰/۰۶۵	۰/۰۴۳	۰/۱۱۲	۰/۰۱۹	۰/۰۵۵	۰/۰۴۱	S3
۰/۱۳۸	۰/۰۶۲	۰/۰۳۰	۰/۰۳۶	۰/۱۰۹	۰/۰۵۰	۰/۰۵۰	۰/۰۳۲	S2
۰/۰۶۰	۰/۰۶۰	۰/۱۸۵	۰/۰۹۲	۰/۰۲۳	۰/۰۷۲	۰/۰۴۱	۰/۰۹۴	S1
P12	P11	P10	P9	P8	P7	P6	P5	

اوزان نهایی	مرحل	S15	S14	S13	S12	S11	S10	S9	S8	S7	S6	S5	S4	S3	S2	S1	P13	منافع (WS)
۷/۵۸۴		۰/۵۰	۰/۶۱	۰/۶۳	۰/۸۳	۰/۷۴	۰/۸۰	۰/۶۴	۰/۸۳	۰/۶۹	۰/۴۷	۰/۴۳	۰/۷۵	۰/۵۷	۰/۳۳	۰/۳۴		اهمیت
		۶/۴	۶/۳۳	۶/۷	۶/۳	۶/۳۵	۶/۶	۶/۵	۶/۷	۷/۱۵	۶/۹	۶/۲	۶/۵۳	۷/۱	۶/۶۴	۶/۶		منافع (WS)

در ستون انتهایی جدول ۱۰ اوزان نهایی مراحل فرایند راهبرد توسعه شهری با توجه به اوزان منافع ذی‌نفعان (WS) محاسبه شده است؛ بدین ترتیب وزن مراحل فرایند برنامه راهبردی توسعه شهر کاشمر براساس اوزان به‌دست‌آمده انجام می‌گیرد (جدول ۱۱).

جدول ۱۱- اولویت مراحل فرایند تهیه راهبرد توسعه شهری

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

رتبه	مرحله	وزن	رتبه	مرحله	وزن	رتبه	مرحله	وزن
۱	انطباق با طرح‌های بالادست (P10)	۱۰/۲۷	۵	ارزیابی منابع مالی موجود (P8)	۷/۷۸	۱۰	اجماع میان ذی‌نفعان در چشم انداز (P6)	۷/۴۰
۲	پیوند برنامه به ساختار موجود (P5)	۸/۰۲	۶	شناسایی ذی‌نفعان (P1)	۷/۷۶	۱۱	توسعه راهبرد براساس مشارکت (P7)	۶/۸۲
۳	ایجاد توافق بین‌بخشی (P9)	۷/۹۸	۷	تجهیز نیروی انسانی متخصص (P13)	۷/۵۸	۱۲	ارزیابی محیط سازمانی (P2)	۶/۳۲
۴	تعریف منابع مالی جدید (P12)	۷/۸۸	۸	ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی (P4)	۷/۵۴	۱۳	تعریف برنامه‌های اجرایی (P11)	۵/۶۵
			۹	شناسایی ظرفیت‌های مالی موجود (P3)	۷/۵۱			

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

خروجی مرحله اول پژوهش به میزان اهمیت منافع ذی‌نفعان در برنامه توسعه راهبردی شهر اشاره دارد. طبق محاسبات انجام‌شده، توسعه دسترسی ریلی و هوایی مهم‌ترین منفعت از دیدگاه ذی‌نفعان کلیدی است. این منفعت علاوه بر دارا بودن جایگاه قانونی در اسناد بالادستی تأثیر بسیار زیادی بر خروج شهر از حالت بن‌بست دارد و در صورت احداث ایستگاه راه‌آهن و فرودگاه با توجه به بعد مسافتی شهر کاشمر از مشهد، باعث می‌شود تا شاهد حضور بیشتر گردشگران و فعالان اقتصادی در کاشمر باشیم. منفعت دوم حفظ منابع آبی است. با توجه به تنش آبی در شهرستان و سهم نسبتاً زیاد فعالیت‌های کشاورزی در اقتصاد شهرستان، ضرورت حفظ و استفاده بهینه از منابع آبی باید مدنظر برنامه راهبرد توسعه شهر باشد؛ آنچنانکه منفعت سوم که افزایش تعاملات اقتصادی شهر با حوزه نفوذ است نیز مؤید بهره‌وری مناسب از منابع آب برای امکان رونق فعالیت‌های اقتصادی بخش کشاورزی در حوزه نفوذ شهر است؛ بدین ترتیب شرایط عرضه و تجارت محصولات کشاورزی برتر شهرستان که جایگاه ملی دارد، در سطح شهر فراهم می‌شود.

خروجی مرحله دوم پژوهش، اهمیت و وزن مراحل تهیه راهبرد توسعه شهری متناسب با اهمیت منافع ذی‌نفعان است. براساس اوزان به‌دست‌آمده مشخص می‌شود که مراحل انطباق با طرح‌های بالادست، پیوند برنامه به ساختار موجود و ایجاد توافق بین‌بخشی، به ترتیب مهم‌ترین مراحل تهیه طرح راهبرد توسعه شهر کاشمر هستند. این مراحل به لزوم توجه به قوانین، اسناد، برنامه‌ها و گزارش‌های مصوب که به صورت بخشی و بین‌بخشی تهیه شده‌اند، اشاره دارد. این اسناد در مقیاس‌های ملی، استانی، شهرستان و شهر که در مقایسه با طرح راهبرد توسعه شهری در سطح بالاتری قرار دارند، باید ملاک عمل و توجه دقیق برنامه‌ریزان باشد تا توجیه لازم برای همکاری و مشارکت بین بخش‌های دولتی با یکدیگر و با بخش خصوصی در سایر مراحل تهیه و اجرای راهبرد توسعه شهری به دست آید. تعریف منابع مالی جدید و توجه به ظرفیت منابع مالی موجود نیز در مراحل بعدی اهمیت قرار دارد. این امر حکایت از محدودیت منابع مالی دارد که باید در اتصال سیاست‌های چشم‌انداز به پروژه‌ها و برنامه‌های پیشنهادی مدنظر باشد؛ به همین ترتیب تعریف برنامه‌های اجرایی در برنامه راهبرد توسعه

کاشمر در رتبه پایین قرار دارد. عینیت بیشتر پروژه‌ها و برنامه‌های اجرایی و ارزیابی راحت‌تر آن‌ها و اینکه کمتر حالت بین‌بخشی دارند، باعث شده تا در اولویت پایین قرار بگیرد. دستاوردهای این پژوهش نشان می‌دهد که تغییر در اهمیت منافع هر گروه ذی‌نفع می‌تواند تغییری در خط‌مشی عمومی برنامه‌ریزی ایجاد کند. در پاسخ به سؤال پژوهش که تعیین وزن مراحل فرایند راهبرد توسعه شهر متناسب با اهمیت منافع ذی‌نفعان مورد سؤال بوده است، چنین می‌توان گفت که برنامه‌ریز باید در فرایند تهیه راهبرد توسعه شهری بیشترین تلاش خود را در مراحل انطباق با طرح‌های بالادست، پیوند با ساختار موجود و ایجاد توافق بین‌بخشی کند؛ مراحل که بیشتر به تنگناهای مدیریتی موجود میان نهادهای دولتی دخیل در توسعه شهری اشاره دارد. در مقایسه با سایر پژوهش‌ها، نتایج حاصل در انطباق با پژوهش‌های حاتمی‌نژاد و فرجی ملایی (۱۳۹۰) و پوراحمد و همکاران (۱۳۹۵) است که در آن‌ها مشکل در نظام مدیریتی کشور به‌ویژه همکاری میان‌بخشی را از مهم‌ترین موانع اجرای راهبرد توسعه شهری دانسته‌اند.

بر مبنای نتایج مذکور پیشنهاد می‌شود، برنامه‌ریزان شهری متناسب با اهمیت ذی‌نفعان و منافع ایشان مراحل برنامه‌ریزی را به گونه‌ای انجام دهند که مؤثرترین اقدامات برای تأمین منافع ذی‌نفعان انجام گیرد؛ بدین ترتیب از طرفی موضوعات اصلی یا راهبردی در اولویت اقدامات برنامه‌ریزان قرار می‌گیرد و از طرف دیگر راهبرد توسعه شهری برای ذی‌نفعان معنادارتر می‌شود و با مشارکت آن‌ها امکان پاسخ‌دهی به مسایل پیچیده شهری در طول اجرای برنامه محقق می‌شود. انجام روش استفاده‌شده در این پژوهش به‌عنوان راهکار پیشنهادی در ابتدای فرایند طرح‌های راهبرد توسعه شهری و در مراحل نخست و دوم می‌نشیند. در این مراحل که شامل شناسایی ذی‌نفعان و ارزیابی محیط سازمانی است، باید شش گام تشخیص اهمیت منافع انجام شود. و در ادامه با اعمال وزن منافع در مراحل تهیه راهبرد توسعه شهری، مهم‌ترین مراحل برنامه راهبرد توسعه که در انجام سایر مراحل برنامه باید مورد تأکید برنامه‌ریزان باشد تا به تأمین مهم‌ترین منافع منتهی شود، مشخص می‌شود.

کتابنامه

۱. آذرگون، ن.، منصوری، ا.، و براتی، ن. (۱۳۹۴). ارائه شاخص‌های سنجش و ارزیابی توسعه پایدار شهری در طرح‌های توسعه راهبردی شهری با استفاده از مدل کارت امتیاز متعادل. *مجله معماری و شهرسازی آرمانشهر*، ۱(۲۳)، ۲۶۵-۲۸۱.
۲. براتی، ن.، و سرداری، م. (۱۳۸۸). *برنامه توسعه راهبردی (استراتژیک) شهری: برنامه توسعه راهبردی شهر قزوین تا سال ۱۴۱۰ (از تئوری تا عمل)*. انتشارات نوآوران دانشگاه پارسه. تهران.
۳. پور احمد، ا.، دربان آستانه، ر.، و پورقربان، ش. (۱۳۹۵). نقش راهبرد توسعه شهری در مدیریت توسعه گردشگری مطالعه موردی: جزیره هرمز. *فصلنامه مطالعات شهری*، ۱(۱۹)، ۳۶-۵۶.
۴. حاتمی‌نژاد، ح.، و فرجی ملایی، ا. (۱۳۹۰). امکان سنجی اجرای طرح‌های استراتژی توسعه شهری در ایران. *مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، ۲(۸)، ۵۵-۷۶.
۵. حیاتی، م.، مشبکی اصفهانی، ا.، خورشیدی، ع.، و مرتضوی، م. (۱۳۹۷). ارائه الگوی مدیریت تعامل با ذی‌نفعان راهبردی بانک. *مجله پژوهش‌های مدیریت منابع سازمانی*، ۱(۲)، ۵۷-۷۳.
۶. کاردار، س.، رحمانی، م.، و مللاآقاجانزاده، س. (۱۳۸۸). طرح استراتژی توسعه شهری رویکردی راهبردی و نوین در مدیریت، طراحی و برنامه ریزی شهری. *مجله راهبرد*، ۱۸(۵۲)، ۱۸۳-۲۰۰.
۷. کاظمیان، غ.، و جلیلی، م. (۱۳۹۴). تحلیل قدرت ذی‌نفعان کلیدی در فرایند سیاست‌گذاری طرح جامع تهران. *مجله نامه معماری و شهرسازی*، ۱(۱)، ۱۳۹-۱۵۹.
۸. مسعودی‌فر، ا. (۱۳۹۰). مدیریت ذی‌نفعان پروژه. *مجله مدیریت پروژه*، ۶(۱۷)، ۳۴-۴۵.
۹. ملک‌زاده، ن.، مسعود، م.، و داداش‌پور، ه. (۱۳۹۱). سنجش میزان مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان در راهبرد توسعه شهری (نمونه موردی: منطقه ۲۲ شهرداری تهران). *مجله شهر ایرانی/اسلامی*، ۱(۸)، ۹۷-۱۱۰.
۱۰. مومنی، م.، و مرمضی، ح. (۱۳۸۶). ارتقای کیفیت خدمات امور مالی با به کارگیری QFD و AHP. *مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۴(۴۸)، ۱۰۵-۱۲۴.
۱۱. نوریان، ف.، و خاکپور، ا. (۱۳۹۶). ارائه مدلی جهت شناسایی بهره‌وران کلیدی در برنامه‌های شهری، نمونه موردی: ناحیه جوادیه منطقه ۱۶ شهرداری تهران. *مجله معماری و شهرسازی آرمانشهر*، ۱(۱۹)، ۲۷۱-۲۸۱.

۱۲. وزارت کشور. (۱۳۹۴). شرح خدمات براساس ابلاغیه سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور و دستورالعمل تهیه، تصویب، اجرا و پایش برنامه عملیات نوسازی و عمران و اصلاحات شهری (برنامه راهبردی- عملیاتی شهر و شهرداری). تهران: سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.

13. Aaltonen, K., Jaakko, K. & Tuomas, O. (2008). Stakeholder's salience in global projects. *International Journal of Project Management*, 26(1), 509-516.
14. Akao, Y. (1997). QFD: Past, present, and future. *International Symposium on QFD Linköping*, 97(2), 1-12.
15. Allmendinger, P., & Tewdwr-Jones, M. (2002). *Planning futures: New directions for planning theory*. London: Routledge.
16. Andersen, S. E., & Nielsen, A. E. (2009). The city at stake: Stakeholder mapping. Linköping University. *Journal of Current Cultural Research*, (1), 305-329.
17. Baar, B. (2006). *Using stakeholder Analysis in Software project Management*. Retrieved from <http://www.SoftwareProjects.org>
18. Basedow, J., Westrope, C., & Meaux, A. (2017). *Urban stakeholder engagement and coordination*. Guidance note for humanitarian practitioners. London: IIED.
19. Calderon, C. (2013). *Politicising participation: Towards a new theoretical approach to participation in the planning and design of public space*. Uppsala: Swedish University of Agricultural Sciences.
20. Calderon, C., & Westin, M. (2019). *Understanding context and its influence on collaborative planning processes: A contribution to communicative planning theory*. International Planning Studies, UK: Taylor & Francis Group.
21. Carroll, A., & Buchholtz, A. (2006). *Business and society: Ethics and stakeholder management*. Mason Thompson Learning.
22. Cities Alliance. (2006). *City development strategy: A conceptual framework*. Washington, DC: Cities Alliance.
23. Cities Alliance. (2010). *Annual Report*. The 2010 Annual Report focuses on the transition process undertaken by the Cities Alliance over the course of the year. Retrieved from <https://www.citiesalliance.org>.
24. Cities Alliance. (2017). *City Development Strategies 2.0*. Rue Royale 94. Belgium: Brussels.
25. Clarke, T. (1997). Measuring and managing stakeholder relations, *Journal of Communication Management*, 12(3), 211-221.
26. Didier, S., Morange, M., & Peyroux, E. (2012). The adaptive nature of neoliberalism at the local scale: Fifteen years of city improvement districts in Cape Town and Johannesburg. *Antipode*, 45(1), 121-139.
27. Donaldson, T., & Preston, L. (1995). The stakeholder theory of the corporation concepts, evidence, and implications. *Academy of Management Review*, (20), 65-91.

28. ECON Analysis and Centre for Local Government, University of Technology, Sydney [ECON & CLG, UTS]. (2005). *The impacts of city development strategies*. Brussels, Belgium: Cities Alliance.
29. Flyvbjerg, B., & Richardson, T. (2002). Planning and foucault: In P. Allmendinger, & M. Tewdwr-Jones (pp. 44-62). *Planning futures: New directions for planning theory*. London: Routledge.
30. Forester, J. (1987). Planning in the face of conflict: Negotiation and mediation strategies in local land use regulation, *Journal of the American Planning Association*, 53(3), 303-314.
31. Freeman, R. E., & McVea, J. (2005). *A stakeholder approach to strategic management*. Social Science Research Network Electronic.
32. Freeman, R., & Edward. (1984). *Strategic management: A stakeholder approach*. Boston: Pitman.
33. Friedmann, J. (1993). Toward a non-Euclidian mode of planning. *Journal of the American Planning Association*, 59(4), 482-485.
34. Healey, P. (1997). *Collaborative planning: Shaping places in fragmented societies*, MacMillan Press: London.
35. Healey, P. (2003). Collaborative planning in perspective. *Planning Theory*, 2(2), 101-123.
36. Healey, P. (2004). The treatment of space and place in the new strategic spatial planning in Europe. *International Journal of Urban and Regional Research*, 28(1), 45-67.
37. Healey, P. (2006). Transforming governance: Challenges of institutional adaptation and a new politics of space. *European Planning Studies*, 14(3), 299-320.
38. Holgerson, F., & Haarstad, H. (2009). Class, community and communicative planning. *Antipode*, 41(2), 348-370.
39. Huxley, M., & Yiftachel, O. (2000). New Paradigm or Old Myopia? Unsettling the Communicative Turn in Planning Theory. *Journal of Planning Education and Research*, 19(4), 333-342.
40. Innes, J., & Booher, D. (2003). Collaborative policymaking: Governance through dialogue. In *Deliberative policy analysis: Understanding governance in the Network society*. Cambridge: Cambridge University Press.
41. Innes, J., & Booher, D. (2010). *Planning with complexity: An introduction to collaborative rationality for public policy*. New York: Routledge.
42. Innes, J., & Booher, D. (2014). A turning point for planning theory? Overcoming dividing discourses. *Planning Theory*, 14(2), 195-213.
43. Jayasena, N. S., Mallawaarachchi, H., & Waidyasekara, K. G. A. S. (2019). Stakeholder analysis for smart city development project: An extensive literature review. *MATECWeb of Conferences*, 266, 06012.
44. Kahane, D., Loptson, K., Herriman, J. & Hardy, M. (2013). Stakeholder and citizen roles in public deliberation. *Journal of Public Deliberation*, 9(2), 1-35.

45. Konrad, A., Steurer, R., Langer, ME., & Martinuzzi, A. (2006). Empirical findings on business society relations in Europe. *Journal of Business Ethics*, (63), 89-105.
46. Laws, D., & Forester, J. (2015). *Conflict, improvisation, governance: Street level practices for urban democracy*. New York: Routledge.
47. Le Feuvre, M., Medway, D., Warnaby, G., Ward, K. & Goatman, A. (2016). Understanding stakeholder interactions in urban partnerships. *Cities*, (52), 55-65.
48. Lindenau, M., & Bohler-Baedeker, S. (2014). Citizen and stakeholder involvement: A precondition for sustainability urban mobility. *ScienceDirect, Transportation Research Procedia*, (4), 347-360.
49. Lipietz, B. (2008). Building a vision for the post-apartheid city: What role for participation in Johannesburg's city development strategy? *International Journal of Urban and Regional Research*, 32(1), 135-163.
50. Macedo, E., & Pinho, J. (2006). The relationship between resource dependence and market orientation: The specific case of non-profit organizations. *European Journal of Marketing*, 40(5/6), 533-553.
51. McGuirk, P. M. (2001). Situating communicative planning theory: Context, power, and knowledge. *Environment and Planning A: Economy and Space*, 33(2), 195-217.
52. Midgley, J., Hall, A., Hardiman, M., & Narine, D. (1986). *Community participation, social development and the state*. London: Methuen.
53. Mitchell, R. K., Agle, B. R., & Wood, D. J. (1997). Toward a theory of stakeholder identification and salience: Defining the principle of who and what really counts. *Academy of Management Review*, 22(4), 853-886.
54. Parnell, S., & Robinson, J. (2006). Development and urban policy: Johannesburg's city development strategy. *Urban Studies*, 43(2), 337-355.
55. Rasoolimanesh, S., Badarulzaman, N., & Jaafar, M. (2013). A review of city development strategies success factors. *Theoretical and Empirical Researches in Urban Management*, 8(3), 62-78.
56. Rasoolimanesh, S., Badarulzaman, N., & Jaafar, M. (2016). City development strategy: theoretical background, themes, and building blocks. *International Journal of Urban Sciences*, 20(2), 285-297.
57. Soma, K., Dijkshoorn-Dekker, M.W.C., & Polman, N.B.P. (2018). Stakeholder contributions through transition urban sustainability. *Journal of Sustainability Cities and Society*, (37), 438-450.
58. Strong, K.C., Ringer, R.C., & Taylor, S.A. (2001). The rules of stakeholder satisfaction (timeliness, honesty, empathy). *Journal of Business Ethics*, (32), 219-230.
59. Tewdwr-Jones, M., & Allmendinger, P. (1998). Deconstructing Communicative Rationality: A Critique of Habermasian Collaborative Planning. *Environment and Planning A: Economy and Space*, (30), 1975-1989.

60. Un-Habitat. (2004-2009). *Kismu city development strategies*, Prepared by Kismu city council and center for development and planning management.
61. Un-habitat. (2010). *Citywide strategic planning: A guideline*. Nairobi: United Nations Human Settlements Program (UNHABITAT).
62. World Bank. (2000). *City development strategy (CDS) South Asia region*. Progress report 2002.
63. Wu, X. (2007). Stakeholder identifying and positioning (SIP) models: from Google's operation in China to general case analysis framework. *Public Relations Review*, (33), 415-425.
64. Zhang, L. Y. (2013). City development strategies and the transition towards a green urban economy. *The Economy of Green Cities*, (3), 231-240.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

doi: <https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2021.71856.1057>

مقاله پژوهشی - مطالعه موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال نوزدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۳۷

نقش بازاریابی الکترونیکی بر بهبود سرمایه‌های معیشت پایدار خانوارهای روستایی شهرستان گرگان

رضوان کریمی (کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران)

rezvnk@gmail.com

بهمن صحنه (استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه گلستان، گرگان،

ایران، نویسنده مسئول)

b.sahneh@gu.ac.ir

علی‌اکبر نجفی‌کانی (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه گلستان،

گرگان، ایران)

alinajafi_1159@yahoo.com

صص ۱۵۷ - ۱۲۵

چکیده

یکی از مشکلات تولید محصولات کشاورزی، بازاریابی، دسترسی به خریدار و دوری از مراکز فروش است. در سالیان اخیر، فناوری اطلاعات و ارتباطات در عرصه تجارت، بسیاری از این چالش‌ها را مرتفع کرده است و از تجارت الکترونیک می‌توان برای بهبود معیشت پایدار خانوارهای روستایی استفاده کرد. هدف این تحقیق بررسی نقش بازاریابی الکترونیکی بر بهبود معیشت پایدار خانوار روستایی شهرستان گرگان است. این مطالعه از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری این پژوهش را خانوارهای ساکن در ۹ روستاهای شهرستان گرگان با مجموع ۷۸۶۳ خانوار تشکیل می‌دهند و با استفاده از فرمول کوکران ۳۶۶ خانوار به عنوان حجم نمونه برای تکمیل پرسشنامه‌ها انتخاب شدند. به

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۵ تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۷/۲۱

منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های فریدمن، فای کرامر، کای اسکوئر دوطرفه و اسپیرمن در محیط نرم‌افزاری SPSS استفاده شد. بین بازاریابی الکترونیکی با ویژگی‌های شخصی افراد از قبیل سن، تحصیلات، شغل و مهارت رابطه معناداری وجود دارد و بازاریابی الکترونیکی در بهبود سرمایه‌های معیشتی خانوارهای روستایی از طریق افزایش علاقه به یادگیری مهارت‌های جدید، کاهش جایگاه واسطه‌ها، مالکیت ابزار و تجهیزات کشاورزی و مالکیت دام تأثیر گذار بوده است. کلیدی‌ترین متغیر را می‌توان در آموزش مستمر ساکنان نواحی روستایی با قابلیت‌های بازاریابی الکترونیکی دانست تا با فعالیت در این عرصه، فرصت اشتغال گسترده و درآمد پایدار و ماندگاری جمعیت به خصوص برای جوانان تحصیل کرده در نواحی روستایی فراهم گردد.

کلیدواژه‌ها: توسعه روستایی، بازاریابی الکترونیکی، معیشت پایدار، نواحی روستایی، شهرستان گرگان.

۱. مقدمه

لازمه رسیدن به توسعه، توجه به روستاها به‌عنوان بخش پایه تولیدات کشاورزی است (بانک جهانی^۱، ۲۰۰۸، ص. ۱). استراتژی معیشت پایدار یکی از رویکردهای تحلیلی جدید در زمینه توسعه روستایی است و در سال‌های اخیر به منظور توسعه روستایی و کاهش فقر مدنظر قرار گرفته است. روستاها همیشه در موقعیت محروم نسبت به شهرها قرار دارند؛ بنابراین تعامل عناصر مادی و غیرمادی مؤثر بر تولیدات روستایی و شیوه زندگی، سبب تفاوت در میزان توسعه روستایی در بخش‌های مختلف شده است (لانگ، زو و لیو^۲، ۲۰۰۹، ص. ۴۵۷). هدف اساسی توسعه، رشد و تعالی همه جانبه جوامع انسانی است و وجود نابرابری فضایی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و... از نشانه‌های توسعه‌نیافتگی است (مهدوی، صحنه و نجفی‌کانی، ۱۳۹۹، ص. ۱۲۱). رسیدن به توسعه پایدار روستایی نیازمند حرکت از الگوهای معیشتی سنتی به الگوهای معیشتی پایدار در جامعه روستایی است که متناسب با

1. World Bank

2. Long, Zou & Liu

نیازهای جامعه امروزی باشند (سجاسی قیداری، صادقلو و شکوری فرد، ۱۳۹۵، ص. ۲۰۰). نبود زیرساخت‌های مناسب برای ایجاد و توسعه اشتغال در مناطق روستایی در دهه‌های اخیر موجب مهاجرت بی‌رویه نیروی کار مناطق روستایی به شهرها شده است که در کنار خالی شدن مناطق روستایی از نیروی کار خبره و ماهر، حاشیه‌نشینی در مناطق شهری را به دنبال داشته و نتیجه آن جز افزایش معضلات اجتماعی، اقتصادی و توسعه فقر نبوده است. توسعه پایدار روستایی در کشورهای در حال توسعه با کشاورزی معیشتی روستایی معنا می‌یابد؛ باین حال این معیشت به ویژه در برابر تغییرات اجتماعی و زیست محیطی آسیب‌پذیر هستند. هر امرار معاش عملکرد خاصی را در سطح یک روستا فراهم می‌کند (صحنه و نورتقانی، ۱۳۹۹، ص. ۳). در این راستا یکی از تحولات مهم در نظام جهانی که بر روستاها نیز تأثیر گذاشته است، رشد و توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات است. در نیمه دوم سده بیستم رشد فناوری‌های ارتباطی و نیز نیاز روزافزون به اشکال مختلف اطلاعات که در آن حیات جوامع بشری به شدت به گردش اطلاعات، اطلاع‌رسانی و فناوری وابسته شد (مولایی هاشجین، ۱۳۹۱، ص. ۱۴۸)؛ بنابراین یکی از راه‌های بهبود کسب و کار و افزایش درآمد در روستاها، توجه به فناوری اطلاعات و بازاریابی الکترونیکی است. متأسفانه از استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در بخش روستایی کشور به‌عنوان مهم‌ترین بخش تولیدی که سهم عمده‌ای در تولید ناخالص داخلی کشور دارند، غفلت شده است. به عبارت دیگر با توجه به شرایط و ویژگی‌های مناطق روستایی، توجه به مسائل و مشکلات آن‌ها و ارائه راهکارهایی نظیر استفاده از فناوری اطلاعات می‌تواند بسیاری از معضلات موجود نواحی روستایی را حل کند که در صورت بی‌توجهی به آن می‌تواند تهدید جدی برای اقتصاد محلی و ملی به شمار رود.

راه‌اندازی بازاریابی الکترونیکی موجب فروش محصولات روستایی و ایجاد و افزایش تنوع شغلی در روستاها می‌شود. بازاریابی الکترونیکی می‌تواند در توسعه رفاه و ارتقای شاخص‌های معیشت پایدار خانوارهای روستایی تأثیر گذار باشد. با اتخاذ این رویکرد می‌توان امید داشت که مردم منطقه و نسل‌های آتی دارای فرصت‌های شغلی پایدار خواهند بود. در این راستا این پژوهش به نقش بازاریابی الکترونیکی در بهبود معیشت پایدار خانوارهای روستایی شهرستان گرگان می‌پردازد. ضرورت انجام این پژوهش را می‌توان در تقویت

اشتغال‌زایی، افزایش درآمد روستاییان، ماندگاری جمعیت در روستاها، کاهش آسیب‌پذیری زندگی در نواحی روستایی، بهبود شأن و منزلت روستاییان، کاهش فاصله بین تولید کننده و خریدار و حذف دلالان و دریافت سود بیشتر برای ساکنان نواحی روستایی دانست و می‌تواند نواحی روستایی را به مکان‌های قابل‌زیست تبدیل کند و رضایت حداکثری روستاییان را در بر داشته باشد. با عنایت به مطالب ارائه‌شده، سؤال‌های مهم این پژوهش عبارت‌اند از: آیا بین بازاریابی الکترونیکی با ویژگی‌های شخصی افراد روستایی از قبیل سن، سطح تحصیلات و... رابطه وجود دارد؟ آیا بین بازاریابی الکترونیکی با بهبود سرمایه‌های معیشت پایدار خانوارهای روستایی رابطه وجود دارد؟

۲. پیشینه تحقیق

حیدری ساریان و عبدپور (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «عوامل بهبود معیشت پایدار روستایی از دیدگاه ساکنان محلی (مطالعه موردی: شهرستان اردبیل)» بیان می‌کنند، هدف و ایده اصلی معیشت پایدار استفاده از منابع، دارایی‌ها و سرمایه‌های موجود (انسانی، اجتماعی، مالی، طبیعی، نهادی و فیزیکی) در مناطق روستایی بدون آسیب‌رسانی به محیط می‌باشد؛ بر این اساس، دارایی‌ها و سرمایه‌های روستایی می‌تواند پایه‌گذار دستیابی به اهداف معیشت پایدار روستایی باشد. بهاری، نوری، تقدیسی و کریم‌زاده (۱۳۹۷) معتقدند بخش کشاورزی در ایران طی دهه‌های گذشته همواره با چالش‌های جدی مواجه بوده است. ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی می‌تواند راهکاری مناسب برای جلوگیری از ضایعات و افزایش ارزش افزوده محصولات کشاورزی باشد. نتایج نشان می‌دهد، صنایع تبدیلی و تکمیلی شهرستان شبستر با مشکلات متعدد از جمله مشکلات مرتبط با قوانین و مقررات، زیرساخت‌ها و فناوری، نهادی-اداری، اقتصادی-مالی، آموزش و نیروی انسانی، مدیریتی و کارآفرینی و همچنین وضعیت بازار همراه است. امیدی و الهی‌نژاد (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر موفقیت بازاریابی و صادرات کالا از نگاه صادر کنندگان کالا در استان کهگیلویه و بویراحمد» بیان می‌کنند که فناوری اطلاعات بر همه فعالیت‌های اجتماعی از جمله کارآفرینی تأثیر گذاشته و در بسیاری از آن‌ها تحولات اساسی به وجود آورده است.

نتایج تحقیق نشان داد که دیدگاه جامعه مدنظر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر (اطلاعات میان خریداران و فروشندگان، فعالیت‌های مربوط به فروش محصولات، تبادل فیزیکی کالاها و خدمات) تأثیر مثبت و معناداری دارد. عارفی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «نقش بازاریابی الکترونیک در صادرات صنایع دستی» بیان می‌کند که بازاریابی الکترونیکی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهایی است که واحد زیادی از شاخص‌ها نظیر افزایش کارایی تجاری، آزدسازی و شفاف‌سازی اطلاعات و توسعه روابط علمی، فرهنگی و تجاری در سطح بین‌المللی را در راستای بازاریابی بین‌الملل و توسعه صادرات برای کشور تامین می‌کند. ویسی و نیکخواه (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی نقش گردشگری در معیشت و پایداری معیشتی خانوارهای روستایی، مطالعه موردی: بخش اورامان سروآباد» بیان می‌کنند، رویکرد معیشت پایدار به‌عنوان رویکردی جدید در ارتباط با توسعه روستایی و با هدف کاهش و ریشه‌کنی فقر روستایی مطرح شده است همچنین گردشگری در سال‌های اخیر، نقش و جایگاه ویژه‌ای در توسعه مناطق روستایی پیدا کرده است. نتایج نشان داد که گردشگری بر سرمایه انسانی، اجتماعی، فیزیکی، طبیعی و مالی بخش اورامان تأثیر مثبت دارد. به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که گردشگری بر معیشت مردم بخش اورامان شهرستان سروآباد تأثیر معناداری دارد. صفری علی‌اکبری، منوچهری و صادقی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل استفاده از فروشگاه‌های اینترنتی برای عرضه محصولات روستایی» بیان می‌کنند که ایجاد فروشگاه‌های اینترنتی آثار مختلفی دارد؛ از جمله آسانی دسترسی، گسترش بازار، کاهش جایگاه واسطه‌ها، افزایش بهره‌وری اقتصادی، تقویت صنایع روستایی و کشاورزی، رقابت تولید، بین‌المللی‌شدن و برندسازی محصولات و اشتغال‌زایی در روند عرضه محصولات روستایی؛ یعنی ایجاد فروشگاه‌های اینترنتی بر روند عرضه محصولات روستایی تأثیرگذار خواهد بود و راهکاری مطلوب است. اصغری لقمجانی و ایزدی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی نقش محصولات استراتژیک در معیشت پایدار روستایی (مطالعه موردی: تولید زعفران در دهستان رشتخوار)» بیان می‌کنند محصول زعفران به‌عنوان گران‌ترین محصول کشاورزی و دارویی جهان، به دلایلی چون بهره‌وری زیاد آب در مقایسه با سایر محصولات کشاورزی، اشتغال روستاییان و جلوگیری از مهاجرت آن‌ها، ارزش بالای دارویی و ادویه‌ای، سهولت نگهداری و

حمل و نقل و از همه مهم‌تر درآمدزایی زیاد آن نسبت به سایر محصولات کشاورزی، محصول کشاورزی درخور توجه محسوب می‌شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که درآمدهای سالانه حاصل از تولید زعفران در ۴۳/۹ درصد از خانوارهای مورد مطالعه، بیش از سایر درآمدها است. همچنین از تجزیه و تحلیل داده‌های مطالعه شده می‌توان استنباط کرد که تولید زعفران بر بهبود وضعیت معیشت ساکنان روستاهای دهستان رشتخوار تأثیر چشمگیری دارد و این امر باعث تقویت انگیزه ماندگاری خانوارهای ساکن در این دهستان شده است. صادق‌لو، رضوانی، فرجی سبکبار و رکن‌الدین افتخاری (۱۳۹۳) بیان می‌کنند با توجه به وابستگی اقتصاد و معیشت، بخش عمده‌ای از جمعیت اجتماعات روستایی به محصولات کشاورزی، مبحث بازاریابی محصولات کشاورزی و دامی توجه بیشتری می‌کنند. نتایج بیانگر وجود ارتباط معنادار بین عوامل سه‌گانه تأثیرگذار بر شبکه فضایی بازاریابی شیر است. مطیعی لنگرودی، قدیری معصوم، رضوانی، نظری و صحنه (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر بازگشت مهاجران به روستاها در بهبود معیشت ساکنان (مطالعه موردی: شهرستان آق‌قلا)» بیان می‌کنند که مهاجرت موقت نیروی جوان روستایی، مهم‌ترین راهبرد به کار رفته برای اداره زندگی بوده است و پس از کسب مهارت و بازگشت به نواحی روستایی، تفاوت چشمگیری در سرمایه‌های انسانی، مالی، فیزیکی، اجتماعی و طبیعی افراد بازگشته رخ داده است.

هوانگ^۱ (۲۰۲۰) معتقد است که آگاه‌سازی بیشتر کشاورزان درباره اطلاعات و فرصت‌های بازار به طور کلی راهی مهم برای بهبود معیشت آن‌ها محسوب می‌شود. ارتباطات و فناوری‌های اطلاعاتی (ICTs) می‌توانند ابزار مهمی برای این کار باشند. به منظور تسهیل پذیرش فناوری اطلاعات و ارتباطات برای بازاریابی محصولات کشاورزی، درک عوامل مؤثر بر پذیرش آن بسیار مهم است؛ باین‌حال، تعداد کمی از مطالعات تجربی عوامل تعیین‌کننده استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای بازاریابی در ویتنام را در نظر گرفته‌اند. این تحقیق عواملی را که به پذیرش ابزارهای ICT برای بازاریابی میوه در ویتنام شکل می‌دهد، بررسی می‌کند. این مطالعه نتیجه گرفت، کشاورزان جوان مرد که دور از بازارهای محلی زندگی می‌کنند و درآمد زیاد دارند و در برنامه‌های آموزشی شرکت می‌کنند، تمایل بیشتری

1. Hoang

به استفاده از ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات (تلفن‌های همراه) برای بازاریابی میوه دارند. هنگام ترویج پذیرش ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات برای بازاریابی محصولات کشاورزی و انتخاب استراتژی‌های اطلاعات بازاریابی برای ارائه به کشاورزان مقیاس کوچک در کشورهای در حال توسعه، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، اجتماعی، اقتصادی، موقعیتی و نهادی کشاورزان باید مدنظر قرار گیرد. آبه‌به و چرینت^۱ (۲۰۱۷) بیان می‌کنند فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICTs) کشاورزان را قادر می‌سازد به موقع و مطمئن به اطلاعات بازار کشاورزی دسترسی داشته باشند تا بتوانند تصمیمات مؤثری اتخاذ کنند. این مطالعه عواملی را که بر استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای بازاریابی غلات در منطقه دمبچا اتیوپی تأثیر می‌گذارد، ارزیابی کرد. این مطالعه به این نتیجه رسید که کشاورزان نزدیک به منابع انرژی الکتریکی که تحصیل‌کرده‌تر و آموزش دیده‌تر هستند، تمایل بیشتری برای استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای بازاریابی غلات دارند. لیو^۲ (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان «پایداری برنامه اطلاعاتی روستایی در کشورهای در حال توسعه مطالعه موردی: از استان سیچوان چین» بیان می‌کند ضعف سیستم مخابرات، به دلیل شیوه‌نامه‌های دولت، ضعف مالی و فرهنگی و فقدان قابلیت‌های اجتماعی بوده است. همچنین راه حل رفع مشکل را در برنامه‌ریزی‌های کاربردی میدانی با سرمایه‌گذاری‌های اولیه و تأمین مالی درازمدت و توسعه باند اینترنت و بهبود سرعت بی‌سیم مخابرات می‌توان مشکل ضعف سیستم مخابرات را بهبود بخشید. کاسا و اشتو^۳ (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با عنوان «تقلیل موقعیت معیشت روستایی و پویایی‌های اجتماعی-اقتصادی برای توسعه پایدار روستایی (مطالعه موردی: بخش لگهیدا وردا در جنوب اتیوپی)» پرداخته است. براساس تقلیل مکانیسم‌های اقتصادی-اجتماعی، نتایج نشان می‌دهد که سازمان‌های دولتی و سهام‌داران باید برای برطرف کردن نیازهای جامعه وردا تلاش کنند تا بتوانند معیشت پایدار و توسعه روستایی را در وردا ایجاد کنند. ناوروتزکی، هانترو و دیکنسون^۴ (۲۰۱۲) ارتباط بین در دسترس بودن سرمایه معیشت به‌ویژه سرمایه طبیعی، برای مهاجران و

1. Abebe & Cherint

2. Liu

3. Kassa & Eshetu

4. Nawrotzki, Hunter & Dickinson

غیر مهاجرها در روستاهای ماداگاسکار را بررسی کردند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مهاجران به طور متوسط از سرمایه‌های مالی، جسمی، انسانی و اجتماعی بیشتری نسبت به افراد غیر مهاجر برخوردار هستند.

۳. روش‌شناسی تحقیق

۳.۱. روش و متغیرهای تحقیق

پژوهش حاضر از نظر روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و از نظر ماهیت کاربردی است. نحوه گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و میدانی است. ابزار اندازه‌گیری این پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته است که در قالب طیف لیکرت پنج گزینه‌ای (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) براساس تحقیقات متعدد خارجی و داخلی مرتبط با موضوع طراحی شده است. روایی محتوایی پرسشنامه‌ها توسط اساتید و پایایی آن با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ $0/725$ تأیید شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های آماری فای کرامر، کای اسکوتر دو طرفه، اسپیرمن و فریدمن در محیط نرم افزاری SPSS و برای تهیه نقشه از نرم افزار ArcGIS استفاده شده است. خانوارهای ساکن در ۹ روستای پرجمعیت ۳ دهستان از بخش مرکزی شهرستان گرگان با ۷۸۶۳ خانوار جامعه آماری تحقیق حاضر را تشکیل دادند و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۶۶ سرپرست خانوار برای پرسشگری انتخاب شد. جدول ۱ روستاهای مطالعه شده و جدول ۲ متغیرهای تحقیق را ارائه می‌دهد.

جدول ۱- انتخاب روستاهای نمونه برای تکمیل پرسشنامه

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵

شهرستان	بخش	دهستان	نام روستا	تعداد خانوار	تعداد نمونه
گرگان	مرکزی	استرآباد جنوبی	زیارت	۷۳۰	۳۴
			قرن آباد	۵۷۲	۲۷
			نصرآباد	۱۲۰۹	۵۶
		انجیراب	کریم آباد	۹۴۶	۴۴
			محمد آباد	۸۰۳	۳۷
			امیرآباد	۱۱۵۴	۵۴

شهرستان	بخش	دهستان	نام روستا	تعداد خانوار	تعداد نمونه
		روشن آباد	حیدرآباد	۵۱۴	۲۴
			نودیجه	۱۱۳۶	۵۳
			هاشم آباد	۷۹۹	۳۷

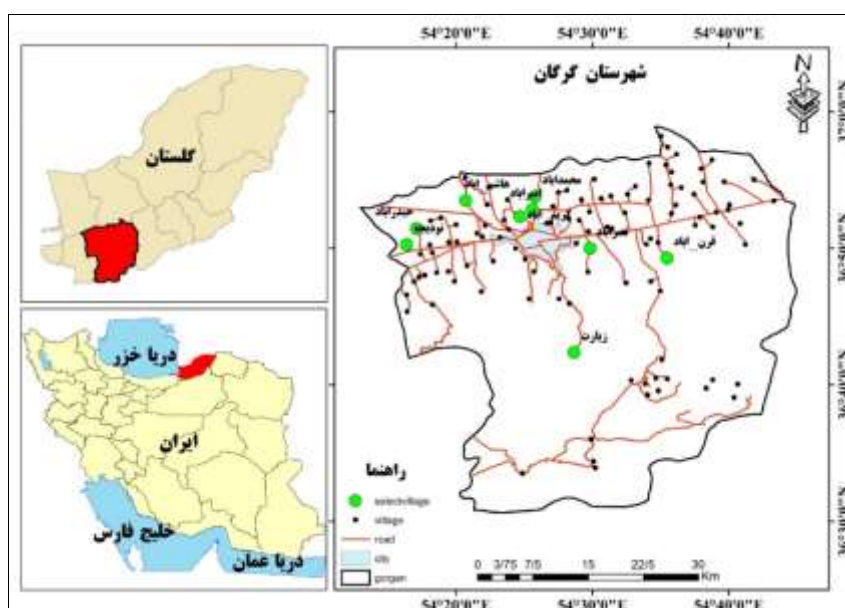
جدول ۲- ابعاد و متغیرهای تحقیق

مأخذ: صحنه و خراسانی، ۱۴۰۰؛ حیدری ساریان و عبدپور، ۱۳۹۸؛ امیدی و الهی نژاد، ۱۳۹۷؛ عارفی، ۱۳۹۷؛ مرادی و صادقی، ۱۳۹۷؛ ویسی و نیکخواه، ۱۳۹۷؛ صفری علی‌اکبری و همکاران، ۱۳۹۷؛ مطیعی لنگرودی، قدیری معصوم، رضوانی، نظری و صحنه، ۱۳۹۰؛ چون لیو، ۲۰۱۶؛ کاسا و اشتو، ۲۰۱۴؛ ناوروتزکی، هاتر و دیکسون، ۲۰۱۲.

ابعاد	متغیرهای تحقیق
مالی	ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب برای جوانان روستایی با بازاریابی الکترونیکی، افزایش رضایت از پس‌انداز سالانه با بازاریابی الکترونیکی، افزایش رضایت از هزینه سالانه خانوار با بازاریابی الکترونیکی، افزایش رضایت از وام و اعتبارات برای راه‌اندازی کسب و کار جدید الکترونیکی، گسترش بازار فروش محصولات با بازاریابی الکترونیکی، رونق صنایع روستایی با بازاریابی الکترونیکی، کاهش جایگاه واسطه‌ها با بازاریابی الکترونیکی، تعلق گرفتن سود بیشتر محصولات به جامعه روستایی با بازاریابی الکترونیکی، عرضه محصولات با قیمت مناسب با بازاریابی الکترونیکی، اطمینان روستاییان از فروش تولیدات خود با قیمت مناسب با بازاریابی الکترونیکی، کاهش هزینه‌ها با بازاریابی الکترونیکی
اجتماعی	تعلق خاطر و ماندگاری در روستا، کاهش مهاجرت در روستا، مشارکت در امور خیریه، افزایش تعامل مردم با یکدیگر، افزایش مشارکت زنان، نیاز به آموزش اینترنت به مردم
انسانی	میزان مهارت در زمینه فناوری اطلاعات، میزان فعالیت در شبکه‌های اجتماعی، میزان تمایل برای فروش محصولات خود و اشتراک گذاشتن در فضای مجازی، آشنایی در زمینه بازاریابی الکترونیکی، میزان فروش محصولات خود از طریق بازاریابی الکترونیکی، میزان آگاهی و سطح دانش شما نسبت به بازاریابی و چگونگی کارکرد آن، توانایی انتقال مهارت خود به دیگران، میزان علاقه به یادگیری مهارت‌های جدید، میزان خلاقیت در اشتغال خود، قدرت رقابت با سایرین
فیزیکی	دسترسی به حمل و نقل مناسب، دسترسی به جاده مناسب، مالکیت وسیله نقلیه، مالکیت مسکن، دسترسی به مدارس برای فرزندان، دسترسی به انرژی برق، مالکیت ابزار و تجهیزات کشاورزی، مالکیت انبار
طبیعی	افزایش زمین‌های زراعی، مالکیت باغ، دسترسی به مراتع، کیفیت منابع آبی، توجه به دفع فاضلاب، مالکیت دام

۲.۳. محدوده مورد مطالعه

شهرستان گرگان در بخش جنوبی استان گلستان واقع شده است. آب و هوای این شهرستان معتدل و تابستان‌هایی نسبتاً گرم و شرجی دارد. شهرستان گرگان از نظر ویژگی‌های طبیعی دارای سه ناحیه جلگه‌ای، کوهپایه‌ای و کوهستانی است که نقاط جنوبی آن دارای اقلیم کوهستانی و نواحی شمالی اقلیم نیمه مرطوب دارند. تنوع اقلیم این منطقه کوه، جنگل و مرتع، جلگه و دشت، صحرا و شوره‌زار، دریا و خلیج، رودخانه و تالاب و زمین زراعی را شامل می‌شود. این شهرستان از شمال به شهرستان‌های آق‌قلا و ترکمن و از جنوب به استان سمنان و از شرق به شهرستان علی‌آباد و از غرب به شهرستان کردکوی محدود می‌شود و براساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۹ از دو بخش مرکزی و بهاران و چهار شهر گرگان، سرخنکلاته، جلین، قرق و نیز پنج دهستان و ۹۸ روستا تشکیل شده است (سایت فرمانداری شهرستان گرگان، ۱۴۰۰).



شکل ۱- موقعیت محدوده مورد مطالعه

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

۴. مبانی نظری تحقیق

مفهوم معیشت شامل شیوه‌های مختلف زندگی فردی، خانوادگی و نیازهای جامعه است. دستیابی به معیشت پایدار به معنای حمایت از رفاه انسانی از طریق اقداماتی در جهت ارتقای سلامت انسان، آموزش، فرصت‌ها، اطمینان از محیط‌زیست سالم و استاندارد برای زندگی است (صحنه، ۱۳۹۰، ص. ۶۳). با مرور ادبیات توسعه روستا مشخص می‌شود که رویکرد معیشت پایدار از بستر و نظریه وسیع توسعه روستایی برخاسته است (جمعه‌پور، ۱۳۹۰، ص. ۴۷). معیشت شامل توانایی‌ها و فعالیت‌های موردنیاز برای استفاده از زندگی است (مبایوا و استرونزا^۱، ۲۰۱۰، ص. ۶۳۷). محققان رهیافت معیشت پایدار را الگویی می‌دانند متشکل از چارچوب معیشت پایدار و اصول معیشت پایدار که برای تضمین معیشت و ثروت برای افراد یک منطقه و نابودی فقر در نظر گرفته می‌شود (مالکی و دماوندی، ۱۳۹۳، ص. ۲). در رویکرد معیشتی منابع به پنج گروه زیر تقسیم می‌شوند.

سرمایه انسانی: دارایی‌های ذاتی و قابل اکتساب یک فرد هستند که شامل نیروی کار، سلامت، مهارت و دانش و توانایی کار در امور مختلف معیشتی است؛

سرمایه فیزیکی: نشان‌دهنده زیرساخت‌های اساسی مانند جاده، حمل و نقل، سرپناه، کانال‌های آبرسانی، انرژی و ارتباطات و تجهیزات تولیدی و ابزارهایی است که امکان پیگیری استراتژی‌های مختلف معیشتی را فراهم می‌کند. همچنین به محیط ساخته شده‌ای اشاره دارد که شامل منازل مسکونی و مکان‌های عمومی می‌شود؛

سرمایه مالی: بیانگر منابع مالی موجود برای افراد و خانوارها، به‌عنوان مثال پس‌انداز، منابع اعتباری یا حواله‌های منظم یا حقوق بازنشستگی است که فرصتی را برای پیگیری گزینه‌های مختلف معیشت فراهم می‌کند؛

سرمایه طبیعی: اصطلاحی است که برای موجودی منابع طبیعی به کار می‌رود و جریان‌های منابع و خدمات مفید مانند زمین، آب، جنگل‌ها، کیفیت هوا و... برای معیشت از

1. Mbaiwa & stronza

آن مشتق شده‌اند و از این طریق خانوارها برای تأمین معاش و درآمدزایی به کارهای کشاورزی و یا جمع‌آوری منابع می‌پردازند (کولمایر و گامپر^۱، ۲۰۰۲، ص. ۱۲)؛

سرمایه اجتماعی: شامل منابع اجتماعی مانند شبکه‌ها، عضویت در گروه‌ها و روابط، اعتماد است که افراد و خانواده‌ها از آن‌ها استفاده می‌کنند. سرمایه اجتماعی نشان‌دهنده میزان اعتماد افراد به یکدیگر و انسجام موجود در جامعه است (فرگوسن^۲، ۲۰۱۲، ص. ۵).

خانوارهای روستایی اغلب برای تأمین نیازهای معیشتی خود تعدادی از فعالیت‌های معیشتی را با هم ترکیب می‌کنند و مسلم است دسترسی خانوارها به سرمایه‌ها و فرصت‌های مختلف معیشتی ترکیبی بالقوه از فعالیت‌ها را شکل می‌دهد. چارچوب معیشت پایدار یک ابزار مناسب برای تجزیه و تحلیل وضعیت معیشت روستاییان است و به محققان و کارشناسان توسعه کمک می‌کند تا در جهت کاهش فقر و توسعه روستا گام بردارند؛ بنابراین معیشت پایدار به دنبال درک دقیق از دارایی‌های مردم و سرمایه‌ها و فرایندهای تبدیل این سرمایه‌ها به نتایج مطلوب است (مباووا و استرونزا^۳، ۲۰۱۰، ص. ۶۴۲). آسیب‌پذیری بیانی از ناامنی در رفاه افراد، خانواده و جامعه در رویارویی با تغییرات محیطی است. چارچوب مفهوم آسیب‌پذیری در معیشت، شامل فصلی بودن (نوسان قیمت‌ها، تولیدات و فرصت‌های شغلی)؛ شوک‌ها یا تکان‌های واردشده ناگهانی (درگیری‌ها، جنگ، بیماری‌ها، سیل، طوفان، خشکسالی، آفت‌ها، زمین‌لرزه، آتش‌سوزی، سرقت) و روندهای بحران‌زای پیش‌بینی‌شدنی (کمبودهای فصلی، افزایش جمعیت، کاهش حاصلخیزی خاک، آلودگی هوا) است (تیمالسینا^۴، ۲۰۰۷، ص. ۷۶).

راهبردهای معیشتی ترکیبی از فعالیت‌ها هستند که مردم برای دستیابی به اهداف خود که همان امرار معاش است انتخاب می‌کنند. فعالیت‌های معیشتی یا راهبردها به ترکیبی از فعالیت‌ها و انتخاب‌هایی که مردم برای رسیدن به آرزوهای خود، در چارچوب دارایی، آسیب‌پذیری و سیستمی که در آن زندگی می‌کنند اشاره می‌کند (سی‌اچ‌اف^۵، ۲۰۰۵، ص. ۱۲). در بسیاری از مناطق روستایی، بقا یا بهبود زندگی مردم، تنها با تکیه بر کشاورزی امکان‌پذیر نیست؛ بلکه

1. Kollmair & Gamper
2. Ferguson
3. Mbaiwa & Stronza
4. Timalcina
5. CHF

اتخاذ طیف وسیعی از راهبردهای معیشتی لازم است (تیمه^۱، ۲۰۰۶، ص. ۱۳). راهبردهای معیشتی ممکن است با کاربرد منابع طبیعی برای فعالیت، مهاجرت و ارسال وجوه، فعالیت‌های خارج از مزرعه، مقرری و حقوق بازنشستگی و... باشد؛ بنابراین انتخاب راهبرد فرایندی پویاست (سرات^۲، ۲۰۰۸، ص. ۴). پیامدهای معیشتی، دستاوردها و خروجی‌های اقدامات معیشتی است و پیامدها می‌تواند در ایجاد انگیزه در تعیین فعالیت‌ها کمک کند.

بازاریابی الکترونیکی: واژه‌هایی مانند بازاریابی اینترنتی، بازاریابی وبی، بازاریابی الکترونیکی فراوان در ادبیات تجارت الکترونیک مشاهده می‌شود و اغلب معادل یکدیگر به کار می‌روند (مانیان و رونقی، ۱۳۹۴، ص. ۹۰۳). بازاریابی الکترونیک را می‌توان با عبارت ساده دستیابی به اهداف بازاریابی از طریق فناوری‌هایی مانند وبسایت‌ها، پست الکترونیک، تلفن همراه و سایر رسانه‌های دیجیتال تعریف کرد (علویون و تقدیسی، ۱۳۹۹، ص. ۳۶۴). با ظهور تجارت الکترونیک، سازمان‌ها در حال تغییر تجارت و کسب و کار خود هستند (منتظری، ابراهیمی، احمدی و راهنما، ۱۳۹۳، ص. ۲۱۰). برخی شرکت‌ها توانسته‌اند با بهره‌گیری از این شیوه نوین بازاریابی، نه تنها درآمد هنگفتی به دست آورند، بلکه عرصه رقابت را چه در بازارهای داخلی و چه در بازارهای خارجی بر رقیبان خود تنگ‌تر کنند (بی‌غم و بی‌غم، ۱۳۹۴، ص. ۵). تجارت الکترونیک به بنگاه‌ها یا مراکز دیگر فرصت بهبود الگوهای کسب و کار فعلی و خلق الگوهای جدید را می‌دهد. خرده‌فروشان به طور روزافزون از اینترنت، برای فروش کالاهای دیجیتال یا سنتی، به طور انحصاری یا ویتروینی مجانی در کنار کانال‌های توزیع فیزیکی خود بهره می‌برند (هوین^۳، ۲۰۱۲، ص. ۳۴). استفاده از فناوری‌های نوین در روستاها از اوایل دهه ۲۰۰۰ آغاز شده است و دهکده‌های آنلاین یا به عبارتی مناطق روستایی متصل به اینترنت در حال گسترش هستند (فائو^۴، ۲۰۱۹، ص. ۴). در چین در بستر بازاریابی الکترونیکی، خانوارهای روستایی به‌طور مستقیم قادر به فروش محصولات خود با هزینه نسبتاً کم هستند. شرکت‌های تحویل فوری زیادی در هر روستا وجود دارند و خرده

-
1. Thieme
 2. Serrat
 3. Huynh
 4. Fao

فروشان الکترونیکی کالاهای خود را همان روز پس از سفارش مشتری ارسال می‌کنند. سیستم تحویل کارآمد منجر به رضایت و رشد تجارت الکترونیک روستایی شده است (لین، لی، لو و بنیتز^۱، ۲۰۲۰، ص. ۵). در ایران در سال ۱۳۸۳ نخستین مرکز ICT روستایی در روستای قرن‌آباد گلستان تأسیس شد و تجربه موفق این مرکز باعث شد تا دولت حدود ۱۰ هزار مرکز ICT را در سراسر کشور تأسیس کند (جلالی، اوکووات و اوکووات^۲، ۲۰۱۱، ص. ۱۱۵۹). این مراکز ظرفیت مناسبی در بازاریابی الکترونیکی دارند و در تعریف کوتاه بازاریابی الکترونیک روستایی می‌توان بیان کرد که روستاییان امکان بازاریابی و عرضه محصولات کشاورزی، صنایع دستی و خدمات گردشگری را از طریق سامانه الکترونیک در شبکه دفاتر ICT داشته باشند (علویون، الهیاری، الریماوی و سوروجلل^۳، ۲۰۱۷، ص. ۶).

۵. یافته‌های تحقیق

از مجموع خانوارهای روستایی مطالعه‌شده، ۲۸۹ نفر معادل ۷۹ درصد از حجم نمونه را مردان و ۷۷ نفر معادل ۲۱ درصد را زنان تشکیل می‌دهند و ۹۴/۵ درصد پاسخ دهندگان متأهل و ۵/۵ درصد مجرد بودند. بیشترین ۱۶۴ نفر در گروه سنی ۴۱ تا ۵۰ سال و کمترین ۳ نفر در گروه سنی کمتر از ۳۰ سال قرار دارند. به لحاظ تحصیلات بیشترین به مقطع دیپلم با ۲۶ درصد و کمترین به فوق لیسانس و بالاتر با ۸ درصد اختصاص یافته است. وضعیت اشتغال خانوارهای روستایی که ۴۲ نفر دارای اشتغال دامی، ۶۴ نفر باغی، ۱۱۸ نفر کشاورز، ۶ نفر بافنده، ۲۰ نفر مغازه‌دار، ۲۹ نفر کارمند، ۱۱ نفر زنبوردار، ۲۰ نفر خانه‌دار، ۲ نفر کارگر، ۶ نفر خدمتگزار، ۲ نفر نگهبان، ۱۷ نفر پرورش طیور، ۶ نفر پرورش گل، ۱۲ نفر راننده، ۱۱ نفر پرورش ماهی بوده‌اند. ۲۳۴ نفر درآمد خود را کمتر از ۵ میلیون تومان مطرح کرده‌اند. ۶۲ درصد از روستاییان صاحب ملک شخصی بودند.

برای سنجش سؤال اول پژوهش مبنی بر اینکه آیا بین بازاریابی الکترونیکی با ویژگی‌های شخصی افراد روستایی از قبیل سن، تحصیلات و مهارت‌های فردی رابطه وجود دارد، از

-
1. Lin, Li, Luo & Benitez
 2. Jalali, Okhovvat & Okhovvat
 3. Alavion, Allahyari, Al-Rimawi & Surujlal

آزمون‌های فای کرامر و کای اسکوئر استفاده شد. برای سنجش رابطه بین شغل و تحصیلات از آزمون فای کرامر بهره گرفته شد جدول ۳ مقدار ضریب همبستگی فای کرامر بین صفر و یک تغییر می‌کند و هرچه به یک نزدیک‌تر باشد، نشان دهنده قوت رابطه بین متغیرهای بررسی شده است. در متغیرهای شغل و تحصیلات، مقدار فای کرامر $0/757$ و سطح معناداری $0/000$ است. نتیجه آزمون همبستگی فای کرامر نشان می‌دهد که رابطه بین شغل و سطح تحصیلات در حد بسیار قوی است؛ یعنی بین سطح تحصیلات و نوع اشتغال رابطه قابل قبول و منطقی مشاهده می‌شود و افرادی که از سطح تحصیلات بالاتری برخوردارند، بیشتر به دنبال کسب مشاغل دولتی بوده‌اند.

جدول ۳- رابطه بین شغل و تحصیلات با استفاده از آزمون فای کرامر

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

متغیر مستقل	متغیر وابسته	فای کرامر	سطح معناداری	تایید	رد
تحصیلات	شغل	$0/757$	$0/000^{**}$	*	-

** در سطح ۹۹ درصد معناداری

همان‌طور که نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد، رابطه معناداری بین متغیر مستقل سن و متغیر وابسته بازاریابی الکترونیکی مشاهده می‌شود و مقدار فای کرامر ($0/621$) و سطح معناداری ($0/049$) در سطح اطمینان ۹۵ درصد دیده می‌شود؛ به این صورت که متغیر سن نقش به سزایی در بازاریابی الکترونیکی ایفا می‌کند. افراد مسن از این فضا به مراتب بسیار کمتر از جوانان استفاده می‌کنند. دلیل آن را می‌توان در آشنایی افراد جوان و تحصیل کرده از این فضا دانست، ولی افراد مسن‌تر به دلیل آشنابودن، اطمینان‌نداشتن و خصلت محافظه‌کارانه کمتر استفاده می‌کنند. از طرفی می‌توان گفت نیازها و خواست‌های افراد گوناگون براساس سن و نسل خاص آنها متغیر است و سبد نیازهای یک جوان با فرد مسن تفاوت‌های درخور ملاحظه‌ای دارد.

جدول ۴- رابطه بین سن و بازاریابی الکترونیکی با استفاده از آزمون فای کرامر

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

متغیر مستقل	متغیر وابسته	فای کرامر	سطح معناداری	تأیید	رد
سن	بازاریابی الکترونیکی	۰/۶۲۱	۰/۰۴۹*	*	-

* در سطح ۹۵ درصد معناداری ** در سطح ۹۹ درصد معناداری

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد رابطه معناداری بین متغیر تحصیلات و متغیر بازاریابی الکترونیکی با سطح معناداری ۰/۰۴۸ در سطح اطمینان ۹۵ درصد دیده می‌شود؛ به این صورت که متغیر تحصیلات نقش بسزایی در بازاریابی الکترونیکی ایفا می‌کند. دلیل آن را می‌توان در تأثیر مهارت و دانش به دلیل فراگرفتن دانش‌های نوین دانست؛ زیرا بسیاری از فعالیت‌های افراد تحصیل کرده در فضای مجازی صورت می‌گیرد و آشنایی و اطمینان بیشتر افراد تحصیل کرده در استفاده از فضای بازاریابی الکترونیکی ایفا می‌کند.

جدول ۵- رابطه بین تحصیلات و بازاریابی الکترونیکی با استفاده از آزمون فای کرامر

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

متغیر مستقل	متغیر وابسته	فای کرامر	سطح معناداری	تأیید	رد
تحصیلات	بازاریابی الکترونیکی	۰/۵۸۹	۰/۰۴۸*	*	-

* در سطح ۹۵ درصد معناداری ** در سطح ۹۹ درصد معناداری

نتایج حاصل از جدول ۶ بیانگر رابطه معنادار بین مهارت فردی روستاییان با بازاریابی الکترونیکی در سطح اطمینان ۹۹ درصد است؛ به عبارت ساده‌تر توان استفاده از اینترنت و گوشی‌های هوشمند و تحصیلات افراد روستایی و توان برقراری ارتباط با مشتری، داشتن آموزش کافی و توان استفاده از اتاق‌های گفت‌وگوی مجازی و اعتماد در این فضای مجازی دقیقاً به مهارت‌های فردی افراد بستگی دارد و افراد با مهارت بالاتر از بازاریابی الکترونیکی بهتر و بیشتر استفاده می‌کنند.

جدول ۶- بررسی رابطه مهارت و بازاریابی الکترونیکی با استفاده از تحلیل همبستگی کای اسکوئر

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

متغیر مستقل	متغیر وابسته	تعداد	آماره کای اسکوئر	درجه آزادی	سطح معناداری
مهارت فردی	بازاریابی الکترونیکی	۳۶۶	۲۷/۳۰	۱	۰/۰۰۰*

* در سطح ۹۵ درصد معناداری ** در سطح ۹۹ درصد معناداری

برای سنجش سؤال دوم پژوهش مبنی بر اینکه آیا بین بازاریابی الکترونیکی با بهبود سرمایه‌های معیشت پایدار خانوارهای روستایی شهرستان گرگان رابطه وجود دارد، از آزمون‌های فریدمن، اسپیرمن و کای اسکوئر دوطرفه بهره گرفته شد. همان‌طور که نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد، در سرمایه انسانی، بیشترین میانگین رتبه‌ای به متغیرهای میزان علاقه به یادگیری مهارت‌های جدید (۶/۴۸) و کمترین میانگین رتبه‌ای به متغیرهای میزان فروش محصولات خود از طریق بازاریابی الکترونیکی (۴/۶۴) مربوط است. در سرمایه اقتصادی، بیشترین میانگین رتبه‌ای به متغیرهای کاهش جایگاه واسطه‌ها با بازاریابی الکترونیکی (۶/۶۱) و کمترین میانگین رتبه‌ای به متغیرهای افزایش رضایت از وام و اعتبارات برای راه‌اندازی کسب و کار جدید با بازاریابی الکترونیکی (۵/۵۶) مربوط است. در سرمایه اجتماعی، بیشترین میانگین رتبه‌ای به نیاز به آموزش اینترنت به مردم برای بازاریابی الکترونیکی (۴/۰۵) و کمترین میانگین رتبه‌ای به مشارکت در امور خیریه روستا (۲/۹۶) مربوط است. در سرمایه فیزیکی، بیشترین میانگین رتبه‌ای به مالکیت ابزار و تجهیزات کشاورزی (۸/۳۶) و کمترین میانگین رتبه‌ای به مالکیت وسیله نقلیه (۵/۰۱) مربوط است. در سرمایه طبیعی، بیشترین میانگین رتبه‌ای به مالکیت دام (۵/۸۹) و کمترین میانگین رتبه‌ای به مالکیت باغ (۴/۳۱) اختصاص یافته است. نتایج بیانگر تفاوت معنادار تا سطح ۹۹ درصد است و نشان می‌دهد ساکنان نواحی روستایی علاقه فراوانی برای یادگیری مهارت‌های جدید و به‌خصوص بازاریابی الکترونیکی برای تولیدات خود دارند. همچنین بازاریابی الکترونیکی باعث شده است که تولیدکنندگان روستایی بدون حضور واسطه‌ها به عرضه و فروش محصولات خود با قیمت مناسب اقدام کنند و با ارتباط مستقیم با مشتریان تا حدود بسیار زیادی توانسته‌اند رضایت خود و رضایت مشتریان را نیز کسب کنند. همچنین در این عرصه توانسته‌اند بازارهای

جدیدی در جغرافیای کشور را تحت تأثیر قرار دهند و مشتریان جدیدی را از سراسر کشور جذب کنند. اما یکی از مهم‌ترین مشکلات در این عرصه، مشکل دریافت اعتبارات لازم است که تولیدکنندگان روستایی از دریافت چنین اعتباراتی به لحاظ بوروکراسی اداری، متأسفانه رضایت چندانی ندارند و به‌عنوان چالشی در این نوع فعالیت قلمداد می‌کنند. نبود دسترسی مطلوب به اعتبارات، هزینه تولید را بیشتر می‌کند و با افزایش هزینه‌ها سودآوری به طور درخور ملاحظه‌ای کاهش می‌یابد. مهم‌ترین بخش بازاریابی را باید در آموزش مداوم روستاییان برای استفاده هر چه بیشتر از این فضا دانست؛ به‌طوری‌که هرچه سطح آموزش بیشتر شود، می‌توان اقتصاد روستایی را به اقتصاد ملی و بین‌المللی ارتباط داد و زمینه ماندگاری روستا را پایدارتر کرد.

جدول ۷- بررسی مقایسه میانگین مؤلفه‌های معیشتی در بازاریابی الکترونیکی با استفاده از آزمون فریدمن

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

سرمایه	متغیر	میانگین رتبه‌ای	میانگین	ضریب کای اسکوتر	درجه آزادی	سطح معناداری
انسانی	میزان مهارت در زمینه فناوری اطلاعات	۵/۳۶	۲/۵۶	۷۶/۳۵۲	۹	۰/۰۰۰**
	میزان فعالیت در شبکه‌های اجتماعی	۵/۱۲	۲/۴۵			
	میزان تمایل برای فروش محصولات خود و اشتراک گذاشتن در فضای مجازی	۵/۴۶	۲/۵۶			
	آشنایی در زمینه بازاریابی الکترونیکی	۴/۹۱	۲/۳۹			
	میزان فروش محصولات خود از طریق بازاریابی الکترونیکی	۴/۶۴	۲/۲۹			
	میزان آگاهی و سطح دانش شما نسبت به بازاریابی و چگونگی کارکرد آن	۵/۲۵	۲/۵۵			
	توانایی انتقال مهارت خود به دیگران	۶/۱۸	۲/۸۶			
	میزان علاقه به یادگیری مهارت‌های جدید	۶/۴۸	۲/۹۸			
	میزان خلاقیت در اشتغال خود	۶/۰۹	۲/۸۵			
اقتصادی	قدرت رقابت با سایرین	۵/۵۱	۲/۶۲	۷۸/۷۵۲	۱۰	۰/۰۰۰**
	ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب برای جوانان روستایی	۶/۱۹	۳/۱۴			

سرمایه	متغیر	میانگین رتبه‌ای	میانگین	ضریب کای اسکوتر	درجه آزادی	سطح معناداری
	با بازاریابی الکترونیکی					
	افزایش رضایت از پس‌انداز سالانه با بازاریابی الکترونیکی	۵/۹۷	۳/۱۱			
	افزایش رضایت از هزینه سالانه خانوار با بازاریابی الکترونیکی	۵/۹۵	۳/۱۴			
	افزایش رضایت از وام و اعتبارات برای راه‌اندازی کسب و کار جدید الکترونیکی	۵/۵۶	۳/۰۰			
	گسترش بازار فروش محصولات با بازاریابی الکترونیکی	۶/۱۹	۳/۱۸			
	رونق صنایع روستایی با بازاریابی الکترونیکی	۵/۸۸	۳/۱۲			
	کاهش جایگاه واسطه‌ها با بازاریابی الکترونیکی	۶/۶۱	۳/۳۳			
	تعلق گرفتن سود بیشتر محصولات به جامعه روستایی با بازاریابی الکترونیکی	۵/۹۷	۳/۱۳			
	عرضه محصولات با قیمت مناسب با بازاریابی الکترونیکی	۵/۹۷	۳/۱۷			
	اطمینان روستاییان از فروش تولیدات خود با قیمت مناسب بازاریابی الکترونیکی	۵/۸۷	۳/۱۱			
	کاهش هزینه‌ها با بازاریابی الکترونیکی	۵/۸۲	۳/۰۶			
اجتماعی	تعلق خاطر و ماندگاری در روستا	۳/۴۹	۳/۰۸			
	کاهش مهاجرت در روستا	۳/۳۷	۲/۹۹			
	مشارکت در امور خیریه روستا	۲/۹۶	۲/۶۹			
	افزایش تعامل مردم با یکدیگر	۳/۴۱	۳/۰۱			
	افزایش مشارکت زنان	۳/۷۲	۳/۲۲			
	نیاز به آموزش اینترنت به مردم برای بازاریابی الکترونیکی	۴/۰۵	۳/۴۲			
فیزیکی	دسترسی به حمل و نقل مناسب	۷/۸۹	۳/۳۱			
	دسترسی به جاده مناسب	۸/۰۵	۳/۳۹			
	مالکیت وسیله نقلیه	۵/۰۱	۲/۷۱			
	مالکیت مسکن	۷/۳۷	۳/۰۱			
	دسترسی به مدارس برای فرزندان	۷/۵۵	۳/۰۹			

سرمايه	متغير	میانگین رتبه‌ای	میانگین کای اسکوئر	درجه آزادی	سطح معناداری
	دسترسى به انرژی برق	۷/۶۹	۳/۱۲		
	مالکیت ابزار و تجهیزات کشاورزی	۸/۳۶	۳/۴۷		
	مالکیت انبار	۶/۴۱	۲/۸۴		
طبیعی	مالکیت زمین زراعی	۵/۶۶	۳/۵۱	۵	۰/۰۰۰**
	مالکیت باغ	۴/۳۱	۳/۰۲		
	دسترسى به مراتع	۴/۳۹	۳/۰۶		
	کیفیت منابع آبی	۵/۵۱	۳/۴۷		
	توجه به دفع فاضلاب	۴/۴۲	۳/۰۷		
	مالکیت دام	۵/۸۹	۳/۵۹		

* در سطح ۹۵ درصد معناداری ** در سطح ۹۹ درصد معناداری

بررسی رابطه بین مؤلفه‌های اقتصادی با بازاریابی الکترونیکی با استفاده از آزمون اسپیرمن

نتایج جدول ۸ رابطه مؤلفه‌های اقتصادی با بازاریابی الکترونیکی با استفاده از آزمون اسپیرمن را نشان می‌دهد و بیانگر رابطه معناداری بین بازاریابی الکترونیکی و مؤلفه‌های اقتصادی است. در بخش زراعت، ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب برای جوانان روستایی در سطح معناداری ۰/۰۰۵، کاهش جایگاه واسطه‌ها در سطح معناداری ۰/۰۰۳، عرضه محصولات با قیمت مناسب در سطح معناداری ۰/۰۰۴؛ در بخش باغداری، ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب برای جوانان روستایی در سطح معناداری ۰/۰۰۱، کاهش جایگاه واسطه‌ها در سطح معناداری ۰/۰۰۰، عرضه محصولات با قیمت مناسب در سطح معناداری ۰/۰۰۲؛ در بخش دامداری، ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب برای جوانان روستایی در سطح معناداری ۰/۰۰۱، کاهش جایگاه واسطه‌ها در سطح معناداری ۰/۰۰۶، عرضه محصولات با قیمت مناسب در سطح معناداری ۰/۰۰۳، در بخش صنایع دستی، ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب برای جوانان روستایی در سطح معناداری ۰/۰۰۲، کاهش جایگاه واسطه‌ها در سطح معناداری ۰/۰۰۳، عرضه محصولات با قیمت مناسب در سطح معناداری ۰/۰۰۴ از وجود رابطه معنادار حکایت می‌کند.

نتایج بیانگر آن است زیرساخت‌های لازم برای ترویج بازاریابی الکترونیکی برای مؤلفه‌های اقتصادی به طور واضح و شفاف در فضای مجازی وجود دارد و آموزش‌های حداقلی برای ورود و بهره‌برداری از این فضا در حد مطلوب انجام گرفته است. همچنین ایجاد درگاه وب ازجمله کارکردهای دیگر اینترنت در توسعه کشاورزی است که عمدتاً مجموعه‌ای از خدمات را به صورت یکپارچه با وبسایت‌های دیگر فراهم می‌کند؛ بنابراین بازارهای الکترونیکی یکپارچه، فرایندی واحد را برای چندین کسب و کار مرتبط ایجاد کرده و همچنین یک راه‌حل تحت وب به جای کاغذ، تلفن و نمایر را برای تعاملات تجاری، در سطوح خرد تا کلان اقتصادی فراهم کرده است. همچنین بازاریابی الکترونیکی به خوبی توانسته است جایگاه مطلوبی در بین روستاییان پیدا کند. از مهم‌ترین علل آن می‌توان به اعتماد به بازاریابی الکترونیکی و آشنایی مناسب با این فضا اشاره کرد؛ با وجود این، اینترنت در توسعه روستایی کارکردهای ویژه‌ای دارد؛ ازجمله این کارکردها می‌توان به توسعه اقتصادی مولدان روستایی اشاره کرد. استفاده از فناوری اطلاعات در فرایندهای مختلف، علاوه بر کاهش تعداد واسطه‌ها و کاهش قیمت‌ها، توانسته است به کاهش تلفات محصولات از طریق کاهش زمان رسیدن محصول به مشتری، در قیمت تمام‌شده محصول تأثیر بگذارد. همچنین خرید و فروش محصولات دامی از رایج‌ترین انواع استفاده از فضای مجازی توسط روستاییان است که در طول سال همواره استفاده می‌شود و این بخش از فعال‌ترین فعالیت‌های رایج در محدوده مطالعه شده دانست. صنایع دستی نیز به عنوان عامل اصلی و پویا در راستای توسعه محلی و ملی مطرح است و توانسته نقش ویژه‌ای در رشد توسعه اقتصادی ایفا کند. صنایع دستی بستری بسیار مناسب برای جذب سرمایه و گسترش چرخه تولید و فروش در داخل بافت روستایی است. این واقعیت است که در تمام دنیا نقش بازاریابی سنتی حتی در صنایع سنتی هم کمرنگ‌تر از قبل شده است؛ بنابراین بازاریابی الکترونیکی توانسته است روحی تازه در کالبد این صنعت فراموش شده بدمد؛ زیرا صنایع دستی ازجمله تجارت‌های درآمدزاست که قابلیت درآمدزایی فراوان دارد.

جدول ۸- بررسی رابطه مؤلفه‌های اقتصادی با بازاریابی الکترونیکی در بخش‌های مختلف اقتصادی با

استفاده از آزمون اسپیرمن

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

متغیر مستقل	متغیر وابسته	اسپیرمن	سطح معناداری
بازاریابی الکترونیکی در بخش زراعت	ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب برای جوانان روستایی با بازاریابی الکترونیکی	۰/۷۴۹	۰/۰۰۵**
	کاهش جایگاه واسطه‌ها با بازاریابی الکترونیکی	۰/۷۴۴	۰/۰۰۳**
	عرضه محصولات با قیمت مناسب با بازاریابی الکترونیکی	۰/۷۱۶	۰/۰۰۴**
بازاریابی الکترونیکی در بخش باغداری	ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب برای جوانان روستایی با بازاریابی الکترونیکی	۰/۸۵۶	۰/۰۰۱**
	کاهش جایگاه واسطه‌ها با بازاریابی الکترونیکی	۰/۸۵۸	۰/۰۰۰**
	عرضه محصولات با قیمت مناسب با بازاریابی الکترونیکی	۰/۸۰۶	۰/۰۰۲**
بازاریابی الکترونیکی در بخش دامداری	ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب برای جوانان روستایی با بازاریابی الکترونیکی	۰/۷۶۷	۰/۰۰۱**
	کاهش جایگاه واسطه‌ها با بازاریابی الکترونیکی	۰/۷۴۶	۰/۰۰۶**
	عرضه محصولات با قیمت مناسب با بازاریابی الکترونیکی	۰/۷۴۶	۰/۰۰۳**
بازاریابی الکترونیکی در بخش صنایع دستی	ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب برای جوانان روستایی با بازاریابی الکترونیکی	۰/۷۴۵	۰/۰۰۲**
	کاهش جایگاه واسطه‌ها با بازاریابی الکترونیکی	۰/۷۱۶	۰/۰۰۳**
	عرضه محصولات با قیمت مناسب با بازاریابی الکترونیکی	۰/۷۰۸	۰/۰۰۴**

* در سطح ۹۵ درصد معناداری ** در سطح ۹۹ درصد معناداری

همان‌طور که نتایج جدول ۹ میزان رضایت از بازاریابی الکترونیکی در فعالیت‌های روستایی را نشان می‌دهد، بیشترین میانگین رتبه‌ای مربوط به متغیرهای میزان رضایت از اشتغال در بخش زراعت (۸/۲۵) و میزان رضایت از درآمد بخش زراعت (۸/۱۸) است. کمترین میانگین رتبه‌ای به متغیرهای میزان ضرر و زیان در زمینه فروش تولیدات در شبکه‌های مجازی (۴/۵۵) و میزان رضایت از بازاریابی الکترونیکی در بخش صنایع دستی (۵/۹۰) اختصاص یافته است. نتایج بیانگر تفاوت معنادار بین متغیرهای بررسی شده تا سطح اطمینان ۹۹ درصد است.

جدول ۹- بررسی مقایسه میانگین متغیرهای رضایت از بازاریابی الکترونیکی با استفاده از آزمون فریدمن

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

متغیر	میانگین رتبه‌ای	میانگین	ضریب کای اسکوتر	درجه آزادی	سطح معناداری
میزان رضایت از اشتغال در بخش زراعت	۸/۲۵	۳/۰۴	۲۷۷/۲۵۵	۱۲	۰/۰۰۰**
میزان رضایت از اشتغال در بخش باغداری	۷/۷۸	۲/۸۳			
میزان رضایت از اشتغال در بخش دامداری	۷/۱۲	۲/۶۵			
میزان رضایت از اشتغال در بخش صنایع دستی	۶/۳۰	۲/۳۴			
میزان رضایت از درآمد بخش زراعت	۸/۱۸	۳/۰۰			
میزان رضایت از درآمد بخش باغداری	۷/۵۷	۲/۸۰			
میزان رضایت از درآمد بخش دامداری	۷/۱۶	۲/۶۵			
میزان رضایت از درآمد بخش صنایع دستی	۶/۴۹	۲/۴۰			
میزان رضایت از بازاریابی الکترونیکی در بخش زراعت	۷/۵۵	۲/۷۹			
میزان رضایت از بازاریابی الکترونیکی در بخش باغداری	۷/۴۳	۲/۷۸			
میزان رضایت از بازاریابی الکترونیکی در بخش دامداری	۶/۷۲	۲/۵۴			
میزان رضایت از بازاریابی الکترونیکی در بخش صنایع دستی	۵/۹۰	۲/۱۷			
میزان ضرر و زیان در زمینه فروش تولیدات در شبکه های مجازی	۴/۵۵	۱/۷۸			

* در سطح ۹۵ درصد معناداری ** در سطح ۹۹ درصد معناداری

جدول ۱۰ مقایسه میانگین متغیرهای موانع گسترش بازاریابی الکترونیکی با استفاده از آزمون فریدمن را نشان می‌دهد. بیشترین میانگین رتبه‌ای مربوط به متغیرهای ورود واسطه‌ها و دلالتان (۱۲/۳۱) و مشکل رقابت با واحدهای بزرگ‌تر (۱۱/۶۵) است. کمترین میانگین رتبه‌ای به متغیرهای ریسک‌پذیری کم (۸/۰۷) و برخورد نامناسب برخی سازمان‌ها و افراد (۸/۸۸) اختصاص یافته است. این نتایج بیانگر آن است که تفاوت معناداری بین متغیرهای بررسی شده تا سطح ۹۹ درصد وجود دارد. مهم‌ترین چالشی که در اقتصاد روستایی وجود دارد، حضور واسطه‌هاست، اما بازاریابی الکترونیکی قابلیت آن را دارد که حضور واسطه‌ها و دلالتان را در حوزه فروش کاهش دهد و این امر موجب افزایش سود بیشتر برای فروشندگان است. از طرفی

به دلیل گستردگی، فضای این حوزه به آموزش و تجربه لازم نیاز دارد تا توان رقابت مولدان روستایی افزایش یابد.

جدول ۱۰- بررسی مقایسه میانگین متغیرهای موانع گسترش بازاریابی الکترونیکی با استفاده از آزمون فریدمن

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

متغیر	میانگین رتبه‌ای	میانگین	ضریب کای اسکوتر	درجه آزادی	سطح معناداری
عدم اطلاع از چگونگی ورود به بازار	۱۰/۳۹	۳/۱۰	۱۹۷/۴۹۰	۱۹	۰/۰۰۰**
ناآشنایی با مهارت‌های جذب مشتری	۱۰/۵۱	۳/۱۱			
ناآشنایی با مهارت‌های مذاکره	۱۱/۳۷	۳/۳۱			
عدم اطلاع از قیمت دقیق محصولات	۱۰/۱۷	۳/۰۵			
ورود واسطه‌ها و دلالان	۱۲/۳۱	۳/۵۱			
مشکل رقابت با واحدهای بزرگ‌تر	۱۱/۶۵	۳/۳۷			
عدم دسترسی به سرمایه	۱۱/۳۵	۳/۳۷			
هزینه زیاد تولید	۱۰/۹۲	۳/۲۱			
کمبود اعتماد به نفس برای فعالیت‌های بازاریابی الکترونیکی	۹/۶۲	۳/۱۰			
ریسک‌پذیری کم	۸/۰۷	۲/۶۳			
عدم تحمل فشارهای روحی در بازاریابی مدرن	۹/۵۸	۲/۹۵			
کمبود نیروی انسانی مسلط به بازاریابی الکترونیکی	۱۱/۴۹	۳/۴۱			
برخورد نامناسب برخی سازمان‌ها و افراد	۸/۸۸	۲/۷۱			
محدودیت زنان در بازاریابی محصولات	۱۰/۳۴	۳/۱۲			
تحصیلات کم نیروی انسانی و نداشتن مهارت لازم	۱۱/۵۲	۳/۳۳			
نبود استانداردهای مشخص در عرضه محصولات	۱۱/۰۳	۳/۲۲			
قیمت زیاد تعرفه‌های اینترنت	۱۰/۴۴	۳/۱۳			
نبود ضمانت کیفیت محصول	۹/۴۹	۲/۹۲			
امنیت‌نداشتن مناسب فضای مجازی برای عرضه بازاریابی الکترونیکی	۱۰/۲۰	۳/۰۵			
نداشتن گوشی یا کامپیوتر	۱۰/۶۷	۳/۱۹			

* در سطح ۹۵ درصد معناداری ** در سطح ۹۹ درصد معناداری

جدول ۱۱ بررسی مقایسه میانگین رتبه‌ای متغیرهای موانع گسترش بازاریابی الکترونیکی با استفاده از آزمون کای اسکوئر دو طرفه را نشان می‌دهد. براساس این جدول، بین متغیر مستقل تحصیلات با متغیر وابسته کمبود نیروی انسانی مسلط به بازاریابی الکترونیکی با سطح معناداری ۰/۰۰۶، عدم اطلاع از چگونگی ورود به بازار با سطح معناداری ۰/۰۴۸ و نبود ضمانت کیفیت محصول با سطح معناداری ۰/۰۴۹ تا سطح اطمینان ۹۵ درصد ارتباط معنادار وجود دارد.

جدول ۱۱- بررسی مقایسه میانگین متغیرهای موانع گسترش بازاریابی الکترونیکی با استفاده از آزمون کای اسکوئر دو طرفه

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

متغیرهای وابسته	متغیر مستقل	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین رتبه‌ای	کای اسکوئر	سطح معناداری
عدم اطلاع از چگونگی ورود به بازار	تحصیلات	۳۵	۹۱	۹۳	۸۸	۵۹	۳/۱۲	۳۰/۹۸۷	۰/۰۴۸*
ناآشنایی با مهارت‌های جذب مشتری		۲۵	۸۳	۱۳۰	۷۸	۴۷	۳/۱۰	۲۲/۷۱۸	۰/۳۰۳
ناآشنایی با مهارت‌های مذاکره		۳۵	۶۳	۸۷	۹۷	۷۴	۳/۳۱	۲۱/۳۶۰	۰/۳۷۶
عدم اطلاع از قیمت دقیق محصولات		۵۵	۶۹	۹۴	۸۰	۶۵	۳/۰۸	۱۸/۱۳۸	۰/۵۷۸
ورود واسطه‌ها و دلالان		۲۵	۵۲	۸۹	۱۰۰	۹۸	۳/۵۳	۲۰/۷۴۴	۰/۴۱۱
مشکل رقابت با واحدهای بزرگ‌تر		۲۷	۵۸	۱۰۰	۹۹	۸۱	۳/۴۰	۲۴/۶۲۳	۰/۲۱۶
عدم دسترسی به سرمایه		۳۸	۵۶	۱۰۶	۸۵	۷۸	۳/۲۹	۲۲/۵۹۰	۰/۶۱۱
هزینه زیاد تولید		۳۱	۶۲	۱۲۱	۹۵	۵۱	۳/۲۰	۲۴/۹۹۰	۰/۲۰۲
ریسک‌پذیری کم		۹۰	۷۶	۱۰۳	۵۳	۳۹	۲/۸۷	۲۳/۴۹۵	۰/۲۶۵
عدم تحمل فشارهای روحی در بازاریابی مدرن		۶۷	۶۲	۱۰۵	۷۵	۵۵	۲/۹۶	۲۱/۱۷۲	۰/۳۸۷
کمبود نیروی انسانی مسلط به بازاریابی الکترونیکی		۲۷	۷۹	۹۲	۴۹	۱۱۹	۴/۹۷	۳۹/۲۵۳	۰/۰۰۶**
برخورد نامناسب برخی		۸۹	۷۳	۸۲	۷۸	۴۱	۲/۷۴	۲۸/۹۲	۰/۹۰

متغیرهای وابسته	متغیر مستقل	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین رتبه‌ای	کای اسکور	سطح معناداری
سازمان‌ها و افراد									
محدودیت زنان در بازاریابی محصولات		۴۶	۷۲	۱۱۱	۷۶	۵۷	۳/۰۷	۲۲/۸۷۱	۰/۲۹۵
تحصیلات کم نیروی انسانی و نداشتن مهارت لازم		۴۱	۴۹	۱۰۶	۷۸	۹۱	۳/۳۵	۹/۵۷۲	۰/۹۷۵
نبود استانداردهای مشخص در عرضه محصولات		۲۸	۷۹	۹۹	۹۱	۶۴	۳/۲۳	۱۸/۶۲۱	۰/۵۴۷
قیمت زیاد تعرفه‌های اینترنت		۵۲	۷۹	۸۷	۷۳	۷۴	۳/۱۰	۱۵/۴۳۵	۰/۷۵۱
نبود ضمانت کیفیت محصول		۴۴	۸۹	۱۱۳	۷۲	۳۹	۲/۹۲	۳۰/۷۹۲	۰/۰۴۹*
امنیت نداشتن مناسب فضای مجازی برای بازاریابی الکترونیکی		۳۹	۷۵	۱۲۹	۷۵	۴۷	۳/۰۴	۱۸/۸۹۱	۰/۵۲۹
نداشتن گوشی یا کامپیوتر		۴۵	۷۹	۹۱	۶۴	۸۴	۳/۱۷	۱۷/۸۹۰	۰/۵۹۵

* در سطح ۹۵ درصد معناداری ** در سطح ۹۹ درصد معناداری

۶. نتیجه‌گیری

پدیده اینترنت توانسته است نقش گذشته بازاریابی را متحول کند. داشتن مشخصه‌های بازاریابی در محیط الکترونیک برای موفقیت ساکنان نواحی روستایی الزامی است؛ بنابراین برای حضور در بازارهای پر رقابت امروز باید به دیدگاه‌ها و پارادایم‌های جدید آشنایی داشته باشند. بازاریابی الکترونیکی به بهبود انتخاب و بهبود مدیریت تولیدات روستایی کمک می‌کند. با شیوع و فراگیری و همه‌گیری جهانی ویروس کرونا و متضرر شدن کسب و کارهای سنتی، بسیاری از کسب و کارهای دنیا تمرکز ویژه‌ای در حوزه فروش و ارائه خدمات خود بصورت آنلاین کرده‌اند. شاید تصور زندگی بدون ابزارهای ارتباطی جدید کمی دشوار باشد؛ بنابراین یکی از ظرفیت‌های مهم این دوران، استفاده از اینترنت برای بازاریابی الکترونیکی است.

برای تحلیل سؤال اول تحقیق مبنی بر وجود رابطه بین بازاریابی الکترونیکی و ویژگی‌های شخصی افراد از قبیل سن، تحصیلات، شغل و مهارت فردی از آزمون فای کرامر و کای اسکور استفاده شد و نتایج بیانگر وجود رابطه معنادار است. بین شغل و تحصیلات براساس

آزمون فای کرامر (۰/۷۵۷) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) رابطه معنادار و قوی وجود دارد و نشان می‌دهد افراد تحصیل کرده فعالیت در عرصه بازاریابی الکترونیکی را به‌عنوان یک فعالیت مکمل در جهت بهبود معیشت خانوار انجام می‌دهند. بین سن و بازاریابی الکترونیکی نیز براساس آزمون فای کرامر در سطح معناداری (۰/۰۴۹) رابطه وجود دارد و افراد جوان‌تر نسبت به افراد مسن به علت آشنایی و اطمینان در این عرصه، فعالیت بسیار بیشتری در بازاریابی الکترونیکی دارند. بین تحصیلات با بازاریابی الکترونیکی نیز براساس آزمون فای کرامر در سطح معناداری (۰/۰۴۸) رابطه قوی وجود دارد و معمولاً افراد تحصیل کرده به سبب آشنایی بیشتر توانسته‌اند در این بازار فعال‌تر باشند. بین مهارت‌های فردی و بازاریابی الکترونیکی نیز براساس آزمون کای اسکوئر در سطح معناداری (۰/۰۰۰) نیز رابطه وجود دارد و داشتن مهارت‌های فردی از قبیل استفاده از توان اینترنت و گوشی‌های هوشمند توسط افراد تحصیل کرده و توان برقراری ارتباط با مشتریان و سطح اطمینان بالاتر فعالان این عرصه باعث موفقیت نسبی این گروه از روستاییان در بازاریابی الکترونیکی شده است.

برای تحلیل سؤال دوم تحقیق مبنی بر وجود رابطه بین بازاریابی الکترونیکی با بهبود سرمایه‌های معیشت پایدار خانوارهای روستایی از آزمون‌های فریدمن، اسپیرمن و کای اسکوئر دوطرفه بهره گرفته شد. نتایج آزمون فریدمن نشان می‌دهد، در سرمایه انسانی بالاترین رتبه به میزان علاقه به یادگیری مهارت‌های جدید و کمترین رتبه به میزان فروش محصولات از طریق بازاریابی الکترونیکی اختصاص یافته است و نشان‌دهنده آن است که ساکنان نواحی روستایی بشدت علاقه‌مند به یادگیری انواع جدید بازاریابی در جهت فروش محصولات خود و به خصوص بازاریابی الکترونیکی هستند، اما هنوز به مطلوبیت مدنظر خود در جهت فروش بیشتر محصولات دست نیافته‌اند و انتظارات بیشتری در این عرصه دارند. در سرمایه اقتصادی بالاترین رتبه به کاهش جایگاه واسطه‌ها و کمترین رتبه به رضایت از وام و اعتبارات برای راه‌اندازی کسب و کارهای جدید اختصاص یافته است؛ بنابراین می‌توان بیان کرد که فعالیت در بازاریابی الکترونیکی باعث کاهش تعداد واسطه‌ها شده است و ارتباط مستقیم بین فروشندگان روستایی با مشتری را فراهم می‌کند که قیمت مناسب باعث رضایت طرفین می‌شود، اما نبود حمایت مالی توسط بانک‌های عامل در جهت توسعه و رونق این فعالیت باعث نارضایتی

روستاییان شده است. در سرمایه اجتماعی بالاترین رتبه به نیاز به آموزش اینترنت به مردم و کمترین رتبه به مشارکت در امور خیریه روستا اختصاص یافته است و نشانگر علاقه‌مندی ساکنان روستایی در جهت بهره‌گیری بیشتر از بازاریابی الکترونیکی است و نیازمند آموزش بیشتر و دائمی توسط سازمان‌های مرتبط با امور روستایی است. در سرمایه فیزیکی بالاترین رتبه به مالکیت ابزار و تجهیزات کشاورزی و کمترین رتبه به مالکیت وسیله نقلیه اختصاص یافته است و نشان می‌دهد روستاییان بیشتر تمایل به خرید و توسعه کالاهای سرمایه‌ای گرایش دارند تا بتوانند سودآوری بیشتری در قبال فعالیت‌هایشان داشته باشند. در سرمایه طبیعی بالاترین رتبه به مالکیت دام و کمترین رتبه به مالکیت باغ اختصاص یافته است و دلیل آن را می‌توان در قیمت کمتر دام نسبت به مالکیت باغ دانست و با کمترین مبلغ می‌توان صاحب دام شد، اما برای مالکیت باغ نیازمند درآمد و سرمایه بیشتری است. نتایج نشان می‌دهد که یکی از فعال‌ترین عرصه‌های بازاریابی الکترونیکی در مورد تولیدات دامی در جریان است.

برای سنجش رابطه بین متغیرهای اقتصادی با بازاریابی الکترونیکی از آزمون همبستگی اسپیرمن بهره گرفته شد. نتایج نشان داد که بین زراعت، باغداری، دامداری، صنایع دستی با متغیرهای فرصت‌های شغلی مناسب برای جوانان روستایی، کاهش جایگاه واسطه‌ها و عرضه محصولات با قیمت مناسب رابطه معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد. همچنین نتایج رضایت از بازاریابی الکترونیکی نشان می‌دهد، رضایت از اشتغال در بخش زراعت و درآمد در بخش زراعت بیشترین میزان رضایت و ضرر و زیان در زمینه فروش تولیدات در شبکه‌های مجازی و بازاریابی الکترونیکی در بخش صنایع دستی از رضایت کمتری نسبت به متغیرهای دیگر برخوردار است؛ بنابراین باید به آموزش دائمی و توسعه بازارها اهتمام بیشتری داشت تا تولیدات روستایی در بازارهای جدید عرضه شود.

بررسی متغیرهای موانع گسترش بازاریابی الکترونیکی نیز بیانگر ورود واسطه‌ها و دلالان و مشکل رقابت با واحدهای بزرگ‌تر و ریسک‌پذیری کم و برخورد نامناسب برخی سازمان‌ها و افراد، به عنوان مهم‌ترین چالش‌های موجود توسط روستاییان اشاره شده است. همچنین نتایج آزمون کای اسکوئر دوطرفه نیز نشان می‌دهد، بین تحصیلات با متغیرهای کمبود نیروی انسانی

مسلط به بازاریابی الکترونیکی، عدم اطلاع از چگونگی ورود به بازار الکترونیکی و نبود ضمانت کیفیت محصول دارای رابطه معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد بوده است؛ بنابراین کلیدی‌ترین فعالیت در این عرصه را باید در آموزش نیروهای انسانی جست‌وجو کرد. امروزه به کمک تجارت الکترونیک به راحتی می‌توان از آخرین قیمت بازار، خریداران، مراکز عمده خرید و... اطلاع یافت و با تحلیل اطلاعات تصمیم‌گیری کرد. ارزانی، سرعت عمل و سهولت و شفافیت اطلاعات در زمینه خرید و فروش تولیدات از جمله مهم‌ترین قابلیت‌های تجارت الکترونیک است که حتی یک فرد روستایی دور افتاده نیز می‌تواند در صورت آموزش مناسب از خدمات آن استفاده کند. با گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات و فراهم کردن امکان و تجهیزات تجارت الکترونیک در روستاها می‌توان با ایجاد سامانه‌های اطلاع‌رسانی در مورد تقاضای بازار و قیمت محصولات، علاوه بر بهبود شرایط رقابتی بازار محصولات روستایی، زمینه سودمندی بیشتر روستاییان را نیز فراهم کرد که این امر به رونق روستاها و مشاغل روستایی منجر می‌شود؛ بنابراین دولت باید با حذف هزینه‌هایی در راه‌اندازی تأسیسات مورد نیاز، روستاییان را یاری رساند و برای فراگیری روستاییان در این زمینه آموزش‌های لازم در سطح روستاها را فراهم کند.

پیشنهادهای پژوهش عبارت‌اند از:

- آموزش به ساکنان نواحی روستایی برای بهره‌برداری از بازاریابی الکترونیکی در جهت عرضه تولیدات روستایی، ایجاد اشتغال به خصوص برای جوانان و تحصیل‌کردگان روستایی و کسب درآمد؛
- تهیه سامانه‌های جدید و قدرتمند بازاریابی الکترونیکی برای تولیدات روستایی؛
- ارائه وام‌های مورد نیاز در جهت راه‌اندازی کسب و کارهای جدید الکترونیکی برای ساکنان نواحی روستایی؛
- ارائه پوشش‌های بیمه‌ای برای فعالان این عرصه و برای تولیدات روستایی؛
- ارائه زیرساخت‌های لازم توسط دولت در روستاها در جهت تسهیل کسب و کارهای الکترونیکی از طریق مجاری قانونی؛

- فرهنگ‌سازی و آگاه‌سازی از طریق رسانه‌های گروهی برای ترویج بیشتر این عرصه.

کتابنامه

۱. اصغری لقمجانی، ص.، و ایزدی، ع. (۱۳۹۶). واکاوی نقش محصولات استراتژیک در معیشت پایدار روستایی (مطالعه موردی: تولید زعفران در دهستان رشتخوار). *زراعت و فناوری زعفران*، ۲۹۳-۲۷۳، (۳) ۵.
۲. امیدی، ف.، و الهی نژاد، ف. (۱۳۹۷). تأثیر فن آوری اطلاعات و ارتباطات بر موفقیت بازاریابی و صادرات کالا از نگاه صادرکنندگان کالا در استان کهگیلویه و بویراحمد. *پنجمین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در مدیریت و حسابداری*، تهران. بازیابی از <https://civilica.com/doc/785042> ۳.
۳. بهاری، ع.، نوری، س.، تقدیسی، ا.، و کریم‌زاده، ح. (۱۳۹۷). چالش‌های پیش‌روی توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی در شهرستان شبستر. *جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، ۱ (۱۶)، ۲۲۳-۲۵۵.
۴. بی‌غم، ز.، و دعاوی، ح. (۱۳۹۴). امکان‌سنجی پیاده‌سازی بازاریابی الکترونیکی در بازار فرش دستباف استان فارس. *تحقیقات بازاریابی نوین*، ۱ (۵)، ۱-۲۰.
۵. تقدیسی، ا.، و علویون، س. (۱۳۹۹). راهکارها و چالش‌های راه‌اندازی سامانه بازاریابی الکترونیک روستایی: تکنیک دلفی. *فصلنامه علمی پژوهشی توسعه کارآفرینی*، ۳ (۱۳)، ۳۶۱-۳۸۰.
۶. جمعه‌پور، م. (۱۳۹۰). تأثیر گردشگری بر معیشت پایدار روستایی (مطالعه موردی: روستای برغان شهرستان ساوجبلاغ). *پژوهش‌های روستایی*، ۵ (۲)، ۳۳-۶۲.
۷. حیدری‌ساربان، و.، و عبدپور، ع. (۱۳۹۸). عوامل بهبود معیشت پایدار روستایی از دیدگاه ساکنان محلی مطالعه موردی: شهرستان اردبیل. *فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۵۴ (۱۹)، ۲۳-۴۶.
۸. سجاسی قیداری، ح.، صادقلو، ط. و شکوری‌فرد، ا. (۱۳۹۵). سنجش سطح دارایی‌های معیشتی در مناطق روستایی با رویکرد معیشت پایدار مطالعه موردی: روستاهای شهرستان تایباد. *پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، ۱ (۵)، ۱۹۷-۲۱۶.

۱۰. صادقلو، ط.، رضوانی، م.، فرجی سبکبار، ح.، و رکن‌الدین افتخاری، ع. (۱۳۹۳). ارائه الگوی بازاریابی شیر در مناطق روستایی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان خداوندۀ استان زنجان). *جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، ۲(۱۲)، ۸۷-۱۱۰.
۱۱. صحنه، ب. (۱۳۹۰). بازگشت مهاجران به روستاها و نقش آن در معیشت پایدار روستایی مطالعه موردی: شهرستان آق‌قلا استان گلستان. (رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی). دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۱۲. صحنه، ب.، و نورتقانی، ع. (۱۳۹۹). تحلیلی بر آسیب‌پذیری سرمایه‌های معیشتی خانوارهای روستایی در سیل شهرستان آق‌قلا. *جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، ۲(۱۸)، ۱-۳۴.
۱۳. صفری علی اکبری، م.، منوچهری، ف.، و صادقی، ح. (۱۳۹۷). تحلیل استفاده از فروشگاه‌های اینترنتی برای عرضه محصولات روستایی. *برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)*، ۱(۸)، ۸۹-۱۱۰.
۱۴. عارفی، م. (۱۳۹۷). نقش بازاریابی الکترونیک در صادرات صنایع دستی. سومین همایش ملی فرهنگ، گردشگری و هویت شهری، کرمان. بازیابی از <https://civilica.com/doc/821695>
۱۵. مالکی، ر.، و دماوندی، ع. (۱۳۹۳). تبیین رویکرد معیشت پایدار با تأکید بر توسعه پایدار روستایی در استان همدان. دومین همایش ملی و تخصصی پژوهش‌های محیط زیست ایران، همدان. بازیابی از <https://civilica.com/doc/293079>
۱۶. مانیان، ا.، و رونقی، م. (۱۳۹۴). ارائه چارچوب جامع پیاده‌سازی بازاریابی اینترنتی با استفاده از روش فرا ترکیب. *مدیریت بازرگانی*، ۴(۷)، ۹۰۱-۹۲۰.
۱۷. مرادی، م.، و صادقی، ت. (۱۳۹۷). چالش‌های صادرات کالاها، خدمات تخصصی و تولیدات داخلی با تأکید بر صنایع دستی. دوازدهمین کنگره ملی پیشگامان پیشرفت، تهران. بازیابی از <https://civilica.com/doc/845012>
۱۸. مطیعی لنگرودی، س.، قدیری معصوم، م.، رضوانی، م.، نظری، ع.، و صحنه، ب. (۱۳۹۰). تأثیر بازگشت مهاجران به روستاها در بهبود معیشت ساکنان مطالعه موردی: شهرستان آق‌قلا. *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۱۷۸(۴۳)، ۶۷-۸۳.
۱۹. منتظری، م.، ابراهیمی، ع.، احمدی، پ.، و راهنما، آ. (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر قصد خرید در تجارت الکترونیک. *مدیریت بازرگانی*، ۲(۶)، ۲۰۷-۲۲۶.
۲۰. مولایی هاشجین، ن.، امیری، م.، و محمدی، م. (۱۳۹۱). نقش دفاتر اطلاعات و ارتباطات (ICT) در توسعه پایدار روستایی شهرستان مشکین شهر. *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۴(۴۴)، ۱۴۷-۱۶۸.

۲۱. ویسی، ف.، و نیکخواه، چ. (۱۳۹۷). واکاوی نقش گردشگری در معیشت و پایداری معیشتی خانوارهای روستایی، مطالعه موردی: بخش اورامان سروآباد. نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی، ۶۶(۲۲)، ۳۲۹-۳۴۸.

22. Abebe, A., & Cherinet, Y. (2019). Factors affecting the use of information and communication technologies for cereal marketing in Ethiopia. *Journal of Agricultural & Food Information*, 1(20), 59-70.
23. Alavion, S., Allahyari, M., Al-Rimawi, A., & Surujlal, J. (2017). Adoption of agricultural E-marketing: Application of the theory of planned behavior. *Journal of International Food & Agribusiness Marketing*, 1(29), 1-15.
24. Bank, W. (2008). *World development report 2008: Agriculture for development*. Washington, DC: World Bank.
25. CHF. (2005). *CHF. Sustainable livelihoods approach guideline*. Ottawa, Canada: Chapel.
26. FAO. (2019). *Digital technologies in agriculture and rural areas*. Rome: Food and Agriculture Organization of the United Nations. Retrieved from [http:// www.fao.org/publications/card/en/c/CA4887EN/](http://www.fao.org/publications/card/en/c/CA4887EN/)
27. Fergusen, J. A. (2012). Generating sustainable livelihoods: The role of co-operatives. *Harnessing the Co-operative Advantage to Build a Better World*, 1-6.
28. Hoang, H. (2020). Determinants of the adoption of mobile phones for fruit marketing by Vietnamese farmers. *World Development Perspectives*, 17(1), 35-44.
29. Huynh, P. (2012). *Effects of Web 2.0 experience on consumers' online purchase intention: The social networking and interaction orientation factors*. New Zealand: Auckland University of Technology Publishing.
30. Jalali, A., Okhovvat, M., & Okhovvat, M. (2011). A new applicable model of Iran rural e-commerce development. *Procedia Computer Science*, 3, 1157-1163.
31. Kassa, K., & Eshetu, Z. (2014). Situation analysis of rural livelihoods and socioeconomic dynamics for sustainable rural development: The case of Legehida Woreda (District), South Wollo of Ethiopia. *Research Journal of Agriculture and Environmental Management*, 3, 201-208.
32. Kollmair, M., & Gamper, S. (2002). *The sustainable livelihoods approach*. University of Zurich, Switzerland: (NCCR) North-South Aeschiried.
33. Lin, J., Li, L., Luo, X., & Benitez, J. (2020). How do agribusinesses thrive through complexity? The pivotal role of e-commerce capability and business agility. *Decision Support Systems*, 1(135), 1-13.
34. Liu, C. (2016). Sustainability of rural informatization programs in developing countries: A case study of China's Sichuan province. *Telecommunications Policy*, 1-11.

35. Long, H., Zou, J., & Liu, Y. (2009). Differentiation of rural development driven by industrialization and urbanization in eastern coastal China. *Habitat International*, 33, 454-462.
36. Mbaiwa, J., & Stronza, A. (2010). The effects of tourism development on rural livelihoods in the Okavango Delta, Botswana. *Journal of Sustainable Tourism*, 15(5), 635-653.
37. Nawrotzki, R., Hunter, L., & Dickinson, T. (2012). Rural livelihoods and access to natural capital: Differences between migrants and non-migrants in Madagascar. *Demographic Research*, 26, 10.
38. Serrat, O. (2008). *The sustainable livelihoods approach*. Manila: ADB.
39. Thieme, S. (2006). *Social networks and migration: Far West Nepalese labour migrants in Delhi (kultur, gesellschaft, umwelt/culture, society, environment)*. Zurich, Switzerland: University of Zurich.
40. Timalisina, K. (2007). *Rural urban migration and livelihood in the informal sector a study of street vendors of kathmandu metropolitan*. Nepal: Norwegia University of Science and Technology (NTNU).



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

doi : <https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2021.71858.1058>

مقاله پژوهشی - مطالعه موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال نوزدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۳۷

نقش عوامل درونی تأثیر گذار در آسیب‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی (۱۳۹۹-۱۳۷۵)

مورد: ناحیه تکاب (آذربایجان غربی)

بهزاد دوستی سبزی (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی،

تهران، ایران)

b_doostisabzi@sbu.ac.ir

عباس سعیدی (استاد جغرافیای انسانی و آمایش، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، نویسنده

مسئول)

abbsaidi@gmail.com

بیژن رحمانی (دانشیار جغرافیای انسانی و آمایش، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران)

rahmani@sbu.ac.ir

صص ۱۹۱ - ۱۵۹

چکیده

آسیب‌پذیری سکونتگاه‌های انسانی متأثر از عوامل مختلفی است. آسیب‌هایی با منشاهای مختلف اثرات متفاوتی را بر فضای سکونتگاهی انسان‌ها بر جای گذاشته‌اند، که البته میزان این اثرات در فضاهایی روستایی بیشتر بوده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی آسیب‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی ناحیه تکاب انجام شده است. روش مورد استفاده کیفی و از نوع اکتشافی بوده است. جامعه آماری پژوهش حاضر خبرگان، کلیه مدیران و مردمان محلی سکونتگاه‌های روستایی ناحیه تکاب بوده است. نمونه‌گیری با استفاده از رویکرد هدفمند انجام گرفته است. برای تعیین حجم نمونه از اشباع نظری بهره گرفته شد به طوری که مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت و در نهایت ۳۰ مصاحبه صورت پذیرفت. روش تجزیه و

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۵ تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۷/۲۵

تحلیل در این پژوهش روش تحلیل محتوا است. نتایج حاصل از مطالعات کیفی مشتمل بر ۱۷۹ کد اولیه، ۴۳ مفهوم، ۱۶ مقوله فرعی و ۳ مقوله اصلی بوده است. نتایج نشان داد که دگرگونی بسترهای مکانی - فضایی ناحیه تکاب در شکل‌پذیری آسیب‌های این ناحیه در قالب آسیب‌های محیطی (محدودیت منابع آب، بروز مخاطرات، آسیب‌های ناشی از معادن، قطعه قطعه شدن زمین‌های کشاورزی و پراکندگی) آسیب‌های اقتصادی (خام فروشی مواد اولیه، اشتغال، مشکلات فروش محصولات، پایین بودن خدمات و زیرساخت‌ها، سو مدیریت در بخش گردشگری و عدم حمایت از بافندگان فرش) و آسیب‌های اجتماعی (مهاجرت، مشارکت پایین مردم در امور روستا، پایین بودن سطح سواد بویژه زنان، مطالبه گر نبودن مردم و آسیب‌های ناشی از شبکه‌های اجتماعی) خود را نشان داده است. **کلیدواژه‌ها:** آسیب‌پذیری، سکونتگاه‌های روستایی، دگرگونی‌های مکانی-فضایی، تحلیل محتوا، ناحیه تکاب.

۱. مقدمه

دستور کار سال ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار متعهد شده است که حداقل نصف نسبت مردان، زنان و کودکان در هر سنی که در فقر زندگی می‌کنند، در تمام ابعاد آن مطابق تعاریف ملی کاهش دهد و فقر شدید را به طور کامل از بین ببرد. در حال حاضر حداقل ۲٫۱ میلیارد نفر در سطح جهان در فقر هستند و حداقل ۷۳۶ میلیون نفر (۱۰ درصد) از جمعیت جهان زیر این خط فقر زندگی می‌کنند (کاستاندا^۱ و همکاران، ۲۰۱۸). این‌ها عمدتاً از اهالی روستایی تشکیل می‌شوند که تحصیلات رسمی کمی دارند (در صورت وجود) و عمدتاً در مناطق پرخطر مانند حاشیه رودخانه‌ها و دشت‌های سیلاب با خانه‌هایی با مصالح بسیار بی‌کیفیت زندگی می‌کنند. بیشتر آن‌ها با توجه به اینکه امرار معاش‌شان از طریق کشاورزی است، به منابع طبیعی از جمله معیشت دیم وابسته هستند. همچنین آن‌ها در برابر تغییرات آب و هوایی و شوک‌های مرتبط از جمله الگوی نامنظم بارندگی، سیل، خشکسالی، طوفان و بادهای شدید بسیار آسیب‌پذیرند

1. Castañeda

(گوندوی^۱، ۲۰۱۹). براساس شواهد، بیشتر کشورهای در حال توسعه به‌ویژه در سکونتگاه‌های روستایی، دارای ساختارهای فیزیکی با ریسک خیلی زیاد هستند که عمدتاً آسیب‌پذیرند (کنن^۲، ۲۰۱۴). درک آسیب‌پذیری روستایی برای توسعه استراتژی‌های کاهش خطر ابتلا به فاجعه ضروری است (جمشد، بیرکمن، فلدمیر و رانا^۳، ۲۰۲۰). آسیب‌پذیری سکونتگاه‌های انسانی متأثر از عوامل مختلفی است. آسیب‌هایی با منشأهای مختلف (تغییرات اقلیمی، مخاطرات محیطی، فقر، اثرات سیاست‌ها و برنامه‌های دولتی و مواردی از این قبیل) اثرات متفاوتی را بر فضای سکونتگاهی انسان‌ها بر جای گذاشته‌اند که البته میزان این اثرات در فضاهایی روستایی به مراتب بیشتر هم بوده است. سکونتگاه‌های روستایی در مواجهه با آسیب‌های محیطی، چالش‌های بزرگی را در پیش روی خود می‌بینند. محدودیت در سرمایه و دارایی‌ها و دسترسی کم به منابع آب، غذا و زیرساخت‌های حوزه سلامت سبب شده است تا میزان در معرض قرار گرفتن، توانایی مقابله با مخاطرات محیطی (اعم از طبیعی و اجتماعی و اقتصادی) و ظرفیت سازگاری چنین جوامعی به‌شدت کاهش پیدا کند (لیو و ژو^۴، ۲۰۱۶). درواقع مسئله این است که یک جامعه ممکن است در برابر عوامل و نیروهای مختلف درونی یا بیرونی و درنهایت، دگرگونی‌های زمانی-مکانی در معرض «انفعال»، «ناتوانی» یا «آسیب» باشد. این آسیب‌پذیری ممکن است بر روابط و مناسبات تولیدی در قالب کارکردهای مختلف فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی-سیاسی و درنهایت، «پایداری» معیشت (گذران زندگانی) در آن جامعه اثرگذار باشد و در روندی پویا، زمینه‌ساز فروپاشی یا رکود آن جامعه شود؛ مگر با کاربرد شیوه‌هایی اندیشیده، توانمندی آن جامعه افزایش یابد و بتواند در برابر تغییرات «آسیب‌زننده» «مقاوم» شده یا با آن‌ها «سازگار» شود؛ البته باید توجه داشت که طبق رویکرد پوشش ساختاری-کارکردی، اجزای یک سیستم مستقل از هم عمل نمی‌کنند (سعیدی، ۱۳۹۱، ص. ۱۴).

1. Gondwe

2. Cannon

3. Jamshed, Birkmann, Feldmeyer & Rana

4. Liu & Xu

کشور ایران با توجه به ساختار طبیعی و استقرار در کمربند بیابانی و خشک جهان در معرض انواع مخاطرات محیطی ا جمله خشک‌سالی، زلزله، سیل و سایر مخاطرات محیطی قرار گرفته است و به تبع چنین شرایطی، آسیب‌پذیری‌های اقتصادی و اجتماعی خاص خود را در سکونتگاه‌های روستایی کشور با شدت و ضعف و بسته به موقعیت قرارگیری و جایگاه عملکردی سکونتگاه‌ها ایجاد کرده است. شهرستان تکاب در استان آذربایجان غربی به دلیل قرارگیری در منطقه کوهستانی با آسیب‌های گوناگونی مواجه است. این شهرستان از دو بخش مرکزی و تخت سلیمان تشکیل شده و دارای ۱۰۱ سکونتگاه روستایی است (۹۸ روستای دارای سکنه و ۹۳ روستای دارای آمار و اطلاعات رسمی براساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵). مهم‌ترین شهر این شهرستان شهر تکاب است که در قسمت جنوبی شهرستان و در بخش مرکزی قرار گرفته است. سطح اراضی آبی این شهرستان ۹۸۸۷ هکتار و سطح اراضی دیم آن ۷۳ هزار و ۱۱۷ هکتار است. سطح زیر کشت باغات این منطقه نیز با احتساب درختان پراکنده یک هزار و ۷۷۰ هکتار است (سالنامه آماری استان آذربایجان غربی، ۱۳۹۴). از مهم‌ترین چالش‌هایی که در این ناحیه دیده می‌شود، می‌توان به موقعیت جغرافیایی و طبیعی شهرستان، یعنی دور افتادن تکاب از شهرهای بزرگ و راه‌های مواصلاتی اصلی کشور، سرمای شدید هوا و محدودیت بسیاری از فعالیت‌ها در ماه‌های سرد سال، ارتفاع زیاد از سطح دریا و کمبود اراضی کم‌شیب اشاره کرد. از طرفی این شهرستان محل قرارگیری بزرگ‌ترین معدن طلای خاورمیانه (زرشوران) است و دارای پتانسیل‌های تاریخی و طبیعی همچون تخت سلیمان و صنایع‌دستی باارزشی مانند فرش افشار است. مسئله اینجاست که با وجود توان معیشتی زیاد ناحیه (صنایع‌دستی ممتاز و منابع معدنی و توریستی)، هنوز اتکای معیشتی سکونتگاه‌های روستایی و حتی شهر تکاب وابستگی بیشتری را به بخش کشاورزی نشان می‌دهد و درواقع، ساختار معیشتی ناحیه متناسب با داشته‌ها و توان‌های محیطی نیست؛ از این رو نتوانسته است کارکرد متناسب با خود را ایجاد کند. در این راستا وضعیت آسیب‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی ناحیه تکاب واقع در استان آذربایجان غربی از شرایط و ساختار محیطی و اقتصادی و اجتماعی خود، می‌تواند در مقیاسی کوچک‌تر بررسی

و تحلیل شود؛ بنابراین هدف اصلی پژوهش بررسی آسیب‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی ناحیه تکاب است.

۲. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

مفهوم آسیب‌پذیری در رویکردهای مختلف استفاده‌شدنی است، اما هیچ اجماعی در مورد معنای آن وجود ندارد. بسته به حوزه پژوهش، این مفهوم به صورت مجزا در زیرسیستم اجتماعی یا در زیرسیستم بوم‌شناختی (طبیعی یا بیوفیزیک) یا در زیرسیستم اجتماعی-بوم‌شناختی به صورتی ترکیبی (همچنین به شکل دیگری به عنوان سیستم هدف، واحد مدنظر یا سیستم مرجع اشاره شده است) به کار گرفته شده است (سیرا، پلناک و جکوبواسکی^۱، ۲۰۲۰). آسیب‌پذیری عبارت است از درجه و شرایطی که یک سیستم در معرض خطر یا تشیی مشخص قرار می‌گیرد (ادگر، لورنزونی و اوبرین^۲، ۲۰۰۹). ادبیات فعلی شامل بیش از ۲۵ تعریف، مفاهیم و روش‌های مختلف تحلیل آسیب‌پذیری است (کانستنتین، استفانسکو و کانتور^۳، ۲۰۱۵). به طور کلی، مشاهده شده است که آسیب‌پذیری مانند تاب‌آوری، مختص آشفتگی‌هایی است که به سیستم فشار وارد می‌کند؛ به عبارت دیگر یک سیستم می‌تواند در برابر اختلالات خاص آسیب‌پذیر باشد، ولی در برابر دیگر موارد چنین نباشد (سیرا و همکاران، ۲۰۲۰) دو نکته مهم در مورد آسیب‌پذیری به طور گسترده پذیرفته شده است: (۱) ماهیت چند مقیاسی آشفتگی و اثر آن بر سیستم و (۲) این واقعیت که اکثر سیستم‌های اجتماعی-بوم‌شناختی معمولاً در معرض آشفتگی‌های متعدد و مرتبط به یکدیگر هستند. از لحاظ تعریف، آسیب‌پذیری به جای آنکه به عنوان نتیجه مواجه شدن با یک اختلال و آشفتگی تصور شود، عبارت است از مستعد بودن برای ابتلا به آسیب، قابلیت برای تغییر یا دگرگونی یک نظام هنگامی که با چنین اختلالی مواجه شود (صفری، ۱۳۹۶، ص. ۵۰).

آسیب‌پذیری ممکن است عامل مؤثر فقر، در حاشیه بودن و محرومیت باشد و از طریق فرایندهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی به وجود می‌آید. این امر ممکن است بر رفاه

1. Seara, Pollnac & Jakubowski

2. Adger, Lorenzoni & O'Brien

3. Constantin, Ștefănescu & Kantor

و سلامت افراد، خانوارها و جوامع در مواجهه با تغییرات اجتماعی، فرهنگی و محیطی و چگونگی پاسخ مردم به چنین تغییرات منفی و برخورد با آن‌ها اثر گذارد (شهباز^۱، ۲۰۰۸). زمینه‌های آسیب‌پذیری ممکن است دارای اثر مستقیم یا غیر مستقیم بر پنج ضلعی سرمایه‌های معیشت باشد (لیو و ژو، ۲۰۱۶). سکونتگاه‌های روستایی به‌عنوان «نظام به هم پیوسته» متشکل از اجزا و عناصری مرتبط با یکدیگر هستند که از کنش متقابل نیروها و عوامل محیطی شکل گرفته‌اند، دارای ساختار و کارکردهای معینی هستند که تمامی ابعاد کالبدی-فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و... به توجه نیاز دارند. برخی از برنامه‌ریزی‌ها درباره سکونتگاه‌های روستایی به پیش‌بینی و شناخت اولیه مسائل بستگی دارد. ازجمله مسائل مهم در زمینه توسعه سکونتگاه‌های روستایی که برنامه‌ریزی و پیش‌بینی دقیق‌تر را می‌طلبد، مدیریت پایدار مخاطرات و بحران‌های محیطی استو فرایند توسعه عمرانی و مدرنیزه شدن جوامع با بحران‌های محیطی آن‌ها رابطه‌ای مستقیم دارد؛ چراکه بحران به‌عنوان عامل اصلی تهدیدکننده برنامه‌های توسعه عمرانی کشورها، همواره تأثیر بازدارنده‌ای بر روند توسعه پایدار کشورها داشته است و بخشی از منابع و امکانات کشورها را از مسیر تخصص به برنامه‌های توسعه بازمی‌دارد (کلمن، گیلارد و لويس^۲، ۲۰۱۶).

آسیب‌پذیری سکونتگاه‌های انسانی به طور گسترده در سطوح ملی و بین‌المللی مطالعه شده است (داس، گپتا و مزومدر^۳، ۲۰۱۲؛ پلامر، گروسبویس، آرمیتیج و دی‌لو^۴، ۲۰۱۳). در ادامه به برخی از مطالعات انجام‌شده در زمینه آسیب‌پذیری اشاره شده است.

گوندوی در سال ۲۰۱۹ پژوهشی با عنوان «کاهش آسیب‌پذیری فقر روستایی از طریق سازگاری» انجام داد. این مقاله استراتژی‌های سازگاری و تخفیف را بررسی می‌کند که در حال حاضر برای کاهش آسیب‌پذیری با تمرکز بر کاهش فقر به کار گرفته شده است (گوندوی، ۲۰۱۹). نتایج پژوهش اوگبی، ادخو و بوربوا^۵ (۲۰۲۰) نشان داد که رشد اقتصادی، بدهی، تورم، فساد اقتصادی، امید به زندگی و نرخ بیکاری عوامل اصلی تعیین‌کننده فقر در نیجریه

1. Shahbaz

2. Kelman, Gaillard, Lewis & Mercer

3. Das, Gupta & Mazumder

4. Plummer, de Grosbois, Armitage & de Loë

5. Ogebe, Adejo & Burbuwa

هستند؛ زیرا دارای پتانسیل تشدید فقر هستند. مشخص شد که اندازه کمتر خانوار با آسیب پذیری کم فقر ارتباط دارد (اوگبی و همکاران، ۲۰۲۰). براساس یافته های تحقیق الم، مشتاک و کلارک^۱ (۲۰۱۷) عوامل آسیب پذیری، راهبردهای معیشت و دسترسی به مواد غذایی، آب و امکانات بهداشتی شناخته شدند. خانوارهای ساحلی به دلیل نداشتن دسترسی نسبی و وضعیت معیشتی آن، آسیب پذیر شده اند که همراه با اثرات آب و هوایی بر رودخانه باعث فرسایش و از دست دادن زمین با کاهش پتانسیل اقتصادی شده و این امر چرخه فقر را ایجاد کرده است (الم و همکاران، ۲۰۱۷).

هوانگ، هوانگ و یانگ^۲ (۲۰۱۷) به ارزیابی آسیب پذیری معیشت کشاورزان زمین ازدست داده در مناطق حاشیه شهر در جیان چین پرداختند. نتایج تحقیق آن ها نشان داد که داشتن یک خانه تجاری قابل قبول، تنوع درآمد، سطح تحصیلات، جبران خسارت و سرمایه اجتماعی، عوامل عمده ای بودند که بر ظرفیت پاسخگویی کشاورزان زمین ازدست داده تأثیر - گذاشتند (هوانگ و همکاران، ۲۰۱۷). شریفی، نوری پور و شریف زاده (۱۳۹۶) در پژوهشی به تحلیل آسیب پذیری خانوارهای روستایی بخش مرکزی شهرستان دنا پرداختند. نتایج نشان داد که آسیب پذیری بیش از ۴۰ درصد پاسخگویان در حد متوسط، آسیب پذیری ۲۵ درصد پاسخگویان در حد زیاد، آسیب پذیری حدود ۱۵ درصد پاسخگویان در حد بسیار زیاد و آسیب پذیری حدود ۱۰ درصد پاسخگویان در حد بسیار کم بوده است. به منظور کاهش آسیب پذیری خانوارهای روستایی، تعیین قیمت تضمینی برای محصولات کشاورزی توسط سازمان جهاد کشاورزی و نیز تدوین الگوی کشت در منطقه توسط کارشناسان سازمان جهاد کشاورزی پیشنهاد شده است.

مطالعه پژوهش های پیشین نشان داده است که اغلب مطالعات انجام شده آسیب پذیری روستاها را در مقابل تنها یک بحران محیطی بررسی کرده اند، اما یکی از ابعادی که موجب نوآوری این پژوهش شده است، پرداختن به تمامی ابعاد آسیب پذیری سکونتگاه های روستایی از جمله آسیب های محیطی، اقتصادی و اجتماعی است. در این پژوهش با استفاده از روش های

1. Alam, Alam, Mushtaq & Clarke

2. Huang, Huang & Yang

کیفی سعی شده است با استفاده از مصاحبه‌های عمیق با ساکنان و مدیران، آسیب‌پذیری عمیقی در تمامی ابعاد شکل بگیرد؛ بنابراین یکی دیگر از جنبه‌های نوآوری این پژوهش، استفاده از روش‌های کیفی به منظور بررسی کاملاً عمیق و دقیق آسیب‌پذیری در محدوده مورد مطالعه است.

۳. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، بنیادی و از نظر روش گردآوری داده‌ها کیفی از نوع اکتشافی است. در پژوهش حاضر به منظور گردآوری اطلاعات از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته بهره گرفته شد. جامعه آماری پژوهش، خبرگان، همه مدیران و مردمان محلی سکونتگاه‌های روستایی ناحیه تکاب هستند. نمونه‌گیری با استفاده از رویکرد هدفمند انجام گرفته است. برای تعیین حجم نمونه از اشباع نظری بهره گرفته شد؛ به طوری که مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت و ۳۰ مصاحبه صورت پذیرفت. سمت خبرگانی که با آن‌ها مصاحبه شد، در جدول ۱ آمده است. روش تجزیه و تحلیل محتوای متون در این پژوهش روش تحلیل محتواست. تجزیه و تحلیل داده‌ها هم‌زمان با جمع‌آوری داده‌ها صورت گرفته است؛ به این شکل که پس از اتمام تجزیه و تحلیل متن هر مصاحبه، مصاحبه بعدی انجام شد. تحلیل‌ها در سه مرحله اصلی کدگذاری باز، محوری و انتخابی شکل گرفته است. در کدگذاری باز فرایند شناسایی مطالب کلیدی اتفاق افتاد، در کدگذاری محوری فرایند تبدیل کدهای باز به مفاهیم صورت پذیرفت و در مرحله کدگذاری انتخابی، فرایند ساخت مقوله‌ها از مفاهیم شکل گرفت. به منظور حصول اطمینان از اعتبار داده‌ها و شبکه مضامین به دست آمده، از معیارهای اعتبار سنجی کیفی قابلیت اعتبار، تطبیق اعضا و کثرت گرایی استفاده شد. به طور دقیق، برای قابلیت اعتبار داده‌های پژوهش، علاوه بر مطالعه مکرر، مقایسه داده‌ها و خلاصه‌سازی و دسته‌بندی اطلاعات بدون اعمال تغییرات در داده‌ها، از روش بازبینی پژوهشگران همکار بهره گرفته شد؛ به این صورت که در تمام مراحل تحلیل، رونوشت‌ها و مضامین استخراج شده از متن مصاحبه‌ها به تأیید پژوهشگران همکار می‌رسید؛ همچنین اگر مواردی مبهم بود یا منظور مشارکت کنندگان به درستی درک نمی‌شد، از طریق تماس تلفنی، مجدد بررسی می‌شد.

به‌منظور تطبیق اعضا، مشارکت‌کنندگان نظر خود را درباره گزارش پژوهش و فرایند داده‌ها عرضه کردند و مطابق نظرات آن‌ها، نتایج بازبینی شد که در حد اصلاح «عناوین» برخی مقولات و مفاهیم زیرمجموعه آن‌ها بود. گفتنی است، منظور از کثرت‌گرایی، تنوع سطوح مصاحبه‌شوندگان و نیز انجام مطالعات آسیب‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی است.

جدول ۱- جزئیات مصاحبه‌شوندگان

کد مصاحبه‌شوندگان	سمت	کد مصاحبه‌شوندگان	سمت
۱	کارمند بخش‌داری مرکزی تکاب	۱۶	شورای روستای آق قلعه
۲	بخشدار تخت سلیمان	۱۷	دهیار روستای آق قلعه
۳	کارمند بخش‌داری تخت سلیمان	۱۸	باغدار روستای آق قلعه
۴	دهیار احمدآباد سفلی	۱۹	دهیار روستای قراقیه
۵	شورای احمدآباد سفلی	۲۰	دامدار روستای قراقیه
۶	کشاورز از احمدآباد سفلی	۲۱	شورای روستای حسن آباد
۷	دهیار روستای نصرت آباد	۲۲	دهیار روستای حسن آباد
۸	شورای روستای نصرت آباد	۲۳	باغدار روستای حسن آباد
۹	دامدار روستای نصرت آباد	۲۴	اعضای انجمن تکابیان مقیم تهران
۱۰	شورای روستای زره شوران	۲۵	اعضای فعال انجمن تکابیان مقیم تهران
۱۱	معدنکار روستای زره شوران	۲۶	روزنامه‌نگار و اعضای انجمن تکابیان مقیم تهران
۱۲	دهیار روستای آق‌دره علیا	۲۷	اعضای فعال انجمن تکابیان مقیم تهران
۱۳	معدنکار روستای آق‌دره علیا	۲۸	اعضای انجمن پیشگامان تحقیق و توسعه
۱۴	شورای روستای باش برات	۲۹	اعضای انجمن پیشگامان تحقیق و توسعه
۱۵	دامدار روستای باش برات	۳۰	اعضای انجمن پیشگامان تحقیق و توسعه

۴. یافته‌های تحقیق

در پژوهش حاضر پس از بررسی و تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده، مضمون‌های مربوط به آسیب‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی ناحیه تکاب استخراج شد. خروجی حاصل از کدگذاری‌ها ۱۷۹ کد اولیه، ۴۳ مفهوم، ۱۶ مقوله فرعی و ۳ مقوله اصلی در زمینه آسیب‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی ناحیه تکاب بود. نتایج دسته‌بندی این مصاحبه‌ها نشان داد که آسیب‌پذیری سکونتگاه‌ها در این ناحیه در سه مقوله اصلی تقسیم‌بندی شده‌اند. این آسیب‌ها، آسیب‌های محیطی، آسیب‌های اقتصادی و آسیب‌های اجتماعی شناسایی شده‌اند. در ادامه به بررسی هرکدام از این آسیب‌ها، شاخص‌ها و مفاهیم مرتبط با آن‌ها پرداخته شده است.

۴.۱. آسیب‌های محیطی

براساس نظرات مشارکت‌کنندگان، آسیب‌های محیطی شناسایی شده به ۵ دسته تقسیم شده‌اند که شامل محدودیت منابع آب، بروز مخاطرات، آسیب‌های ناشی از معادن، قطعه‌قطعه شدن زمین‌های کشاورزی و پراکندگی هستند. به‌طورکلی، از میان ۱۶ مفهوم شناسایی شده در پژوهش، ۶ مفهوم شامل علل و ۱۰ مفهوم به پیامدها اختصاص یافته است. در ادامه به تبیین هریک از این آسیب‌ها براساس نظرات خبرگان پرداخته شده است.

جدول ۲- ابعاد و شاخص‌های آسیب‌پذیری محیطی روستایان ناحیه تکاب

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفهوم	علل یا پیامدها	کد مصاحبه‌کننده	فراوانی
آسیب‌پذیری	محدودیت منابع آب	سیاست محدودیت کشت محصولات آب بر (ستاد احیای دریاچه ارومیه)	علل	۲۵-۱۸-۲	۳
		سیاست کاهش مصرف آب (جهاد کشاورزی)	علل	۲۳-۱۸-۶	۳
		غیرقانونی بودن حفر چاه	علل	۲۴-۲۳-۱۸-۶	۴
		کمبود بارش (بویژه برف)	علل	۲۱-۱۴-۱۰-۶-۲-۱ ۲۸-۲۳-۲۲	۹
	بروز	خشکسالی	پیامدها	۲۷-۲۴-۲۳-۶	۴
	مخاطرات	سرمازدگی	پیامدها	۲۳-۱۸-۱۴-۶	۴

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفهوم	علل یا پیامدها	کد مصاحبه کننده	فراوانی
	آسیب های ناشی از معادن	بیماری ها و مسمومیت های شیمیایی مردم محلی	پیامدها	۱۳-۱۲-۱۰	۴
		تلف شدن دام ها	پیامدها	۱۲-۱۱	۲
		آسیب های زیست محیطی معادن	پیامدها	۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۱ ۳۰-۲۴	۷
		تخریب زمین های کشاورزی	پیامدها	۱۸-۱۲-۱۰	۳
		آسیب به شبکه معابر	پیامدها	۱۳-۱۲-۱۱-۱۰	۴
	قطعه قطعه شدن زمین های کشاورزی	خرده مالکی بودن زمین های کشاورزی	علل	۱۸-۶	۲
		قانون ارث	علل	۲۹-۲۴-۶-۲	۴
	پراکندگی و محصور بودن	پراکندگی مراکز خدماتی	پیامدها	۱۸-۱۵-۹-۸	۴
		پراکندگی نقاط سکونتگاهی	پیامدها	۳۰-۲۲-۴-۱	۴
		فاصله زیاد تا مرکز استان	پیامدها	۱۲-۹-۱	۳

۴. ۱. ۱. محدودیت منابع آب

در محدوده روستاهای ناحیه تکاب همچون مناطق مختلف کشور، ازجمله مهم ترین آسیب های محیطی می توان به محدودیت منابع آب اشاره کرد. با توجه به مصاحبه های انجام شده در این محدوده، درمجموع به چهار عامل شامل سیاست محدودیت کشت محصولات آب بر، غیرقانونی بودن حفر چاه و کمبود بارش اشاره شده است. در زیر به تفصیل به دیدگاه مصاحبه شوندگان در زمینه محدودیت منابع آب در این منطقه اشاره شده است. درمجموع، دو سیاست مهم در زمینه محدودیت های منابع آب از سمت ستادهای دولتی در این منطقه اعمال شده است: سیاست اول از سوی ستاد احیای دریاچه ارومیه بوده که کشت محصولات آب بر را در این منطقه ممنوع اعلام کرده است. یکی از مصاحبه شوندگان بیان کرده است:

«از جمله محصولاتی که کشت آن‌ها از سوی ستاد احیای دریاچه ارومیه محدود شده است، یونجه است که از جمله محصولات ضروری برای دام‌های ماست؛ بنابراین محدودیت کشت این محصول ما را با بحران جدی روبه‌رو کرده است.» (مصاحبه‌شونده کد ۲).

سیاست دوم که از سوی جهاد کشاورزی اعلام شده است، ممنوعیت آبیاری زمین‌های کشاورزی قبل از ۱۵ اردیبهشت است. مردم محلی می‌گویند: «قبلاً که بارندگی‌ها زیاد بود، اصلاً نیازی به آبیاری نداشتیم و تا آخر خرداد ماه هم از باران، زمین‌ها کشاورزی تغذیه می‌کردند، اما در سال‌های اخیر به دلیل کاهش زیاد بارش‌ها به‌ویژه برف، بعد از عید نیاز شدید به آبیاری داریم، اما این محدودیت‌ها ما را با مشکل مواجه کرده است.» در زیر به یکی از نظرات مصاحبه‌شوندگان اشاره شده است:

«سیاست کاهش ۴۰ درصدی مصرف آب کشاورزی حوضه دریاچه ارومیه موجب محدودیت‌های بسیاری برای کشاورزان و باغداران برای آبیاری مزارعشان شده است.» (مصاحبه‌شونده کد ۲۳)

به گفته مردم محلی، یکی دیگر از محدودیت‌های منابع آب در این منطقه، محدودیت حفر چاه بوده است. آن‌ها اعتقاد دارند که این ممنوعیت مشکلات بسیاری برای کشاورزان منطقه ایجاد کرده است. اکثر مصاحبه‌شوندگان اشاره کردند، در گذشته که کمبود آب وجود نداشت، هیچ‌گونه ممنوعیتی از سوی دولت برای حفر چاه نبوده است، اما اکنون که مردم با مشکلات خشکسالی روبه‌رو شده‌اند، به‌شدت با این مسئله برخورد می‌شود. این ممنوعیت آب موجب خشک شدن بسیاری از باغات سیب شده است. در زیر به نظرات یکی از مصاحبه‌شوندگان اشاره شده است:

«یکی از مشکلات ما در کنار کمبود بارش در سال‌های اخیر جلوگیری از حفر چاه است که از طرف دولت به‌شدت محدودیت ایجاد کرده است. به علت حفر نشدن چاه برخی از باغات سیب منطقه خشک شده است. در گذشته در کنار اینکه حفر چاه غیرقانونی نبود، آب و بارندگی هم زیاده‌تر بود.» (مصاحبه‌شونده کد ۲۳)

علاوه بر محدودیت‌های منابع آب از سوی دولت می‌توان به کمبود بارش (به‌ویژه در قالب برف) نیز به عنوان یک محدودیت اشاره کرد. مهم‌ترین آسیبی که کمبود بارش بر زندگی روستاییان داشته است، کم شدن میزان برداشت محصولات باغی و زراعی در منطقه است. در زیر به بخشی از گفت‌وگو با مصاحبه‌شوندگان در زمینه این محدودیت اشاره شده است:

«به دلیل کافی نبودن آب سبب ها خشک می شود. از هر هکتار سه تن سبب برداشت می شود که قبلاً چیزی نزدیک به ۱۵ تن بود.» (مصاحبه شونده کد ۱).

۴. ۱. ۲. بروز مخاطرات

مهم ترین مخاطراتی که در روستاهای ناحیه تکاب از نظر مردم محلی به چشم می آید، سرمای بسیار زیاد در قالب سرمازدگی و خشکسالی است. این دو آسیب تأثیرات بسیار زیادی بر دارایی های مردم به ویژه حجم برداشت محصولات کشاورزی آنها داشته است. در ادامه نگرش برخی از مصاحبه شوندگان در زمینه این مخاطرات و تأثیرگذاری آنها اشاره شده است:

«در سال های اخیر با توجه به کاهش بارندگی به ویژه از نوع برف، ما شاهد پدیده خشکسالی در منطقه بوده ایم که کشاورزان را برای تأمین آب مزارعشان متمایل به حفر چاه ها کرده است.» (مصاحبه شونده کد ۶)

«هوای سرد یکی از مشکلات تکاب است. زمستان زودرس از شهر یور آغاز می شود و باعث صدمه زدن به کشاورزی می شود.»

«در سال های اخیر وضعیت گندم و کشت و کار بسیار بد بود؛ طوری که از هر هکتار یک تن هم گندم نگرفتیم. علت اصلی آن هم خشک سالی است و هم سرما زیاد است.» (مصاحبه شونده کد ۱۸)

۴. ۱. ۳. آسیب های ناشی از معادن

در اغلب مطالعات اتفاق نظر وجود دارد که مجاورت و استقرار پروژه های معدنی و صنعتی با نواحی روستایی می تواند دارای آثاری به شرح زیر در سیستم روستا به ویژه سیستم محیطی آنها باشد: تغییر کاربری اراضی مجاور روستا، آلودگی منابع آب، آلودگی منابع خاک، آلودگی هوا، تهدید زندگی دام و احشام تغذیه کننده از محیط مجاور، خطر تهدید بیماری ها و مسمومیت های شیمیایی و ریوی به واسطه آلودگی محیط، گسترش زباله های صنعتی و آلودگی فضاهای مجاور و تغییر چشم اندازهای روستایی. روستاهای ناحیه تکاب نیز از آسیب های ناشی از معادن در امان نمانده اند. با توجه به گفت وگوهای انجام شده، این آسیب ها در ۵ دسته تقسیم بندی شده است. مهم ترین آسیب ها شامل بیماری های ناشی از سموم معادن، تلف شدن

دام‌ها، آسیب‌های زیست‌محیطی معادن، تخریب زمین‌های کشاورزی و آسیب به شبکه معابر هستند. در ادامه به گفت‌وگوها با مصاحبه‌شوندگان در زمینه این آسیب‌ها پرداخته شده است. مردمان سرزمین طلا اعتقاد دارند سهمشان از معادن طلا، بیماری و مرگ است. فعالان زیست‌محیطی می‌گویند از واحدهای معدنی روزی ۱۸ هزار تن پساب خارج می‌شود و تمهیدات لازم برای مقاوم‌سازی سد پساب این واحدها اتخاذ نشده است. اهالی محلی معتقدند فعالیت این معادن، هوا، آب و خاک منطقه را به جیوه و سیانور آلوده کرده است. نتیجه این آلودگی برای مردم بیماری‌های پوستی و ریوی است. شکل ۱ بیماری‌های پوستی روستاییان ناشی از فعالیت معادن در روستاها را نشان می‌دهد. در زیر نمونه‌ای از گفت‌وگوی مردم محلی آورده شده است:

«تنها عایدی ما از این معادن طلا در روستاها بیماری و مرگ است. تعداد زیادی از افراد روستا از بیماری‌های پوستی و ریوی ناشی از سموم معادن رنج می‌برند و متأسفانه مدیران معادن هیچ فکری برای این مشکلات نمی‌کنند.» (مصاحبه‌شونده کد ۱۳)



شکل ۱- بیماری‌های پوستی ناشی از فعالیت معادن

آسیب‌های زیست‌محیطی فراوانی در منطقه بر اثر فعالیت معادن وجود دارد: آلوده شدن آب، خاک، هوا و طبیعت که تهدیدهای فراوانی برای موجودات زنده و مردم محلی دارد. در زیر به بخشی از صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان در زمینه این آسیب اشاره شده است:

«پیشنهادی که داریم ایجاد تصفیه‌خانه آب شرب در روستاست. ما می‌گوییم که حداقل به فکر ما هم باشند؛ چون می‌توانند این آلودگی را از ۵۰، ۶۰ درصد به ۲۰ درصد کاهش دهند، ولی متأسفانه فقط به فکر خودشان هستند و به فکر آبادانی اینجا نیستند؛ برای مثال، به ماشین سیانور می‌زنند تا پوشش دهند، اما وقتی ماشین از اینجا می‌گذرد، از لاستیکش هم سیانور می‌ریزد و بچه‌ها برای مثال، با همان خاک یا در همان خاک بازی می‌کنند.» (مصاحبه‌شونده کد ۱)

زمین‌های کشاورزی تحت تأثیر آسیب‌های ناشی از معدن هستند. یکی از مهم‌ترین این آسیب‌ها پرتاب شدن قطعات سنگ در داخل زمین‌های کشاورزی است. در ادامه به یکی از نظرات مصاحبه‌شوندگان اشاره شده است:

«یکی از فعالیت‌هایی که در سال‌های اخیر آسیب‌های زیادی به محیط‌زیست و اقتصاد روستاییان وارد کرده است، گسترش فعالیت‌های معدنی در سطح روستاهاست (حدود ۹۰ معدن فعال). طبق گفته اهالی این مناطق، اکتشافات معدنی قسمت‌هایی از مراتع و زمین‌های کشاورزی را از بین برده است و جبران خسارتی نیز در این زمینه صورت نگرفته است (در چند سال اخیر تجمعات زیادی از سوی روستاییان برای توقف فعالیت‌های معدنی صورت گرفته و تا حد زیادی مسئله به سمت امنیتی شدن پیش می‌رود).» (مصاحبه‌شونده کد ۱۲)

تخریب شبکه ارتباطی درون روستا و راه‌های مواصلاتی با شهرها و روستاهای دیگر از جمله صدماتی است که معادن بر منطقه وارد کرده‌اند. اهالی روستاها اشاره می‌کنند، در کنار اینکه دولت هیچ تلاشی برای بهبود شبکه ارتباطی ما نمی‌کند، وجود معادن و تردد ماشین‌های سنگین برای حمل بارهای معادن در این منطقه مشکلات شبکه ارتباطی ما را چند برابر کرده است. در زیر به دیدگاه یکی از مصاحبه‌شوندگان در مورد اثرگذاری این عامل اشاره شده است:

«روزانه بیش از ۱۰۰ دستگاه ماشین‌آلات سنگین از شبکه ارتباطی این منطقه برای حمل و نقل خروجی معادن استفاده می‌کنند. شبکه معابر به‌خاطر وجود این معادن آسیب‌های بسیاری را متحمل شده است.» (مصاحبه‌شونده کد ۱۶)

۴. ۱. ۴. قطعه‌قطعه شدن زمین

یکی از علت‌های مهم در خردشدن زمین‌های کشاورزی، فوت مالک زمین‌های کشاورزی و تقسیم زمین بین وراث و ترکه متوفی است. براساس قانون شرع کشور، اگر فردی فوت کند، ترکه او بین وراث تقسیم می‌شود و معمولاً کمتر اتفاق می‌افتد که وراث زمین را به کیفیت سابق حفظ کنند و معمولاً هنگام تقسیم میراث، زمین‌های کشاورزی هم بین وراث تقسیم می‌شود و همین موجب خردشدن زمین‌های کشاورزی می‌شود. این قطعه‌قطعه شدن زمین مضرات بسیار زیادی برای منطقه دارد. در ادامه با توجه به مصاحبه‌های انجام‌شده، برخی از عوامل خردشدن زمین و مضرات آن اشاره شده است:

«میانگین اراضی زراعی در اختیار یک کشاورز کمتر از ۵ هکتار بوده که همین مقدار هم به شدت پراکنده و غیراقتصادی است.» (مصاحبه‌شونده کد ۱۸)

«نبود امکان استفاده از فناوری نوین از جمله ماشین‌آلات بخش کشاورزی و سامانه آبیاری نوین و استفاده از الگوی کشت مناسب در بخش کشاورزی از دیگر مشکلات خردشدن زمین‌هاست.» (مصاحبه‌شونده کد ۱۹)

«قطعه‌قطعه شدن اراضی موجب آن است که جریان چرخش آب در زمین‌های کشاورزی زمان بیشتر و منابع آبی بیشتری نیاز داشته باشد.» (مصاحبه‌شونده کد ۶)

۴. ۱. ۵. پراکندگی

پراکنش سکونتگاه‌های روستایی، غالباً متأثر از عوامل مختلفی از جمله عوامل طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و نیز انگیزه‌های سیاسی-اداری است. بستر طبیعی قادر است در رابطه با عوامل و عناصر آب و خاک، شیب، آب و هوا محدودیت‌ها یا فرصت‌هایی را در برابر توسعه سکونتگاه‌های روستایی ایجاد کند؛ به بیان دیگر، بسترهای طبیعی شرایط لازم را برای استقرار سکونتگاه‌های روستایی ایجاد می‌کنند.

آسیب‌های ناشی از پراکندگی در ناحیه روستاهای تکاب شامل سه عامل اصلی است: پراکندگی مراکز خدماتی، پراکندگی نقاط سکونتگاهی و فاصله زیاد تا مرکز استان از جمله آسیب‌های ناشی از این عامل‌اند که در ادامه به تبیین این عوامل پرداخته می‌شود.

یکی از مهم‌ترین این آسیب‌ها فاصله بسیار زیاد روستاهای این منطقه تا مرکز استان و نداشتن سلسله‌مراتب مکانی در استان است. میانگین فاصله روستاها ناحیه تکاب تا مرکز استان حدود ۲۸۰ کیلومتر است که حداقل زمان برای رفتن به مرکز استان حداقل چهار ساعت نیاز است؛ به‌طوری‌که فاصله روستاها به استان‌های زنجان و کردستان نسبت به مرکز استان نزدیک‌تر است. این فاصله بسیار زیاد و نداشتن خدمات روستاییان را برای انجام امورات زندگی با مشکلات بسیاری روبه‌رو کرده است.

«این فاصله زیاد تا مرکز استان یکی از معضلات بسیار مهم ماست. گاهی اوقات برای انجام کارهای اداری یا خرید به قطعه ابزار کشاورزی مجبور هستیم تا ارومیه برویم. با توجه به پایین بودن کیفیت شبکه معابر این مسئله برای ما بسیار سخت است.» (مصاحبه‌شونده کد ۹)

ساماندهی سکونتگاه‌های کوچک و پراکنده در یک پهنه جغرافیایی باید از نظامی سلسله‌مراتبی تبعیت کند تا توسعه پایدار اجتماعی، اقتصادی و کالبدی آن‌ها از توجیه فنی و اقتصادی منطقی برخوردار شود. یکی از مهم‌ترین مشکلات آسیب‌های روستاییان به‌ویژه در بخش مرکزی، زیادبودن فاصله روستاها از هم و مشکلات ناشی از آن همچون سخت شدن دسترسی به خدمات برای آن‌هاست.

«در بخش مرکز فاصله روستاها از هم بسیار زیاد است و در کنار آن جمعیت روستاها کم است؛ در نتیجه دسترسی به خدمات برای همه ساکنان روستاها بسیار سخت است.» (مصاحبه‌شونده کد ۱)

۴.۲. آسیب‌های اقتصادی

براساس نظرات خبرگان، آسیب‌های اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی ناحیه تکاب در ۷ شاخص تقسیم‌بندی شده‌اند. این آسیب‌ها خام‌فروشی مواد اولیه، اشتغال، مشکلات فروش محصولات، پایین بودن خدمات و زیرساخت‌ها، سوءمدیریت در بخش گردشگری و نبود حمایت از بافندگان فرش هستند. مفهوم‌های استخراج‌شده از پیامدها ۲۱ مفهوم است که ۱۶ مفهوم مربوط به علل و ۵ مفهوم مربوط به پیامدهاست. در ادامه به معرفی و تبیین هریک از آسیب‌ها پرداخته شده است.

جدول ۳- ابعاد و شاخص‌های آسیب‌پذیری اقتصادی روستایان ناحیه تکاب

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفهوم	علل یا پیامد	کد مصاحبه‌کننده	فراوانی
آسیب‌های اقتصادی	خام‌فروشی مواد اولیه	نبود صنایع تبدیلی سنگ معادن	علل	۲۴-۲۰-۱۲-۱۰	۳
		نبود صنایع بسته‌بندی و فرآوری محصولات باغی	علل	۲۸-۲۴-۲۰-۱	۴
		نبود صنایع فرآوری لبنیات	علل	۲۰-۱۹-۹	۶
	اشتغال	پایین بودن توان اقتصادی مردم در توسعه مشاغل خود	علل	۱۴-۱۱-۷-۵-۱ ۲۴-۲۱-۲۰-۱۹ ۳۰-۲۶-۲۵	۱۲
		نداشتن امنیت شغلی کارگران محلی در معادن	علل	۱۳-۱۱-۱۰	۳
		اشتغال‌نداشتن بومیان در معادن	علل	۲۴-۲۲-۱۲-۱۰	۴
		بیکاری فصلی	پیامد	۲۴-۱۹	۲
		بی‌عدالتی در دسترسی به شغل‌های دولتی	علل	۳۰-۲۳-۱۴-۳	۴
		استفاده از منابع روستا توسط غیربومیان	علل	۱۹-۱۳-۱۰	۳
		نبود حمایت مالی دولت در ارائه تسهیلات به مردم	علل	۱۲-۸-۱	۳
	مشکلات فروش محصولات	وجود واسطه‌ها در زنجیره فروش محصولات	علل	۲۰-۱۹-۱۰-۶ ۲۸-۲۱	۶
		نبود تجهیزات نگهداری محصولات (سردخانه)	علل	۲۲-۱۸-۱۴-۶-۴ ۳۰-۲۷	۷
	پایین بودن خدمات و زیرساخت‌ها	کمبود خدمات و زیرساخت‌های روستایی	پیامد	۲۳-۱۷-۱۲-۷	۴
		پایین بودن کیفیت شبکه معابر	پیامد	۱۰-۸-۶-۴-۲ ۲۲-۲۰-۱۹-۱۳ ۳۰-۲۸-۲۴	۱۲
		پایین بودن کیفیت مسکن روستایی	پیامد	۳۰-۲۴-۳-۱	۴
	سوءمدیریت در بخش گردشگری	مرمت نشدن آثار باستانی	علل	۱۶-۱۵	۲
		نبود زیرساخت‌ها و مراکز اقامتی مناسب	علل	۲۷-۲۲	۲
		نداشتن راه‌های دسترسی مناسب به سایت‌های گردشگری	علل	۳۰-۱۰-۴	۳

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفهوم	علل یا پیامد	کد مصاحبه کننده	فراوانی
	نبود حمایت از بافندگان	نداشتن مدیریت فروش منظم	علل	۲۶-۱۸-۱۴-۵-۳	۵
	فروش	افزایش قیمت مواد اولیه بافت فرش	علل	۱۷-۱۲-۶-۱	۴
		بیماری اسکلتی زنان به دلیل بافندگی فرش	پیامدها	۲۹-۲۱-۱۸	۳

۴. ۲. ۱. خام فروشی مواد اولیه

خام فروشی مواد اولیه در قالب سه بخش کشاورزی و باغات، لبنیات و معدن در روستاهای ناحیه تکاب به چشم می خورد. به گفته مردم محلی و مسئولان، اگر این مسئله رفع شود می تواند مشکلات بیکاری و پایین بودن توان مالی مردم را برطرف کند. در ادامه به تبیین خام فروشی مواد اولیه در سه بخش پرداخته شده است. ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی در هر سه بخش می تواند نقش بسیار مهمی در شکوفایی اقتصاد مردم ایفا کند و تأثیر درخور توجهی بر توسعه پایدار این حوزه و ایجاد اشتغال مولد و پایدار در مناطق روستایی استان داشته باشد. در ادامه نتایج حاصل از گفت وگوهای مردم محلی و مسئولان آمده است:

«ما علاوه بر فروش خام سیب می توانیم از فرآورده های آن همچون میوه خشک این محصول و سرکه سیب نیز استفاده کنیم، اما مشکل اصلی نبود امکانات است.» (مصاحبه شونده کد ۲۸)

«تکاب، کارخانه شیر پاستوریزه ندارد و فقط کارگاه های لبنیاتی سنتی فعال هستند. بیشتر روستاهای تکاب شیر تولیدی خود را به صورت خام به تبریز یا زنجان می فرستند.»

«سنگ تراورتن این روستا سومین رنک کیفیت در خاورمیانه را دارد، اما خام فروشی می شود. مردم روستا از این معادن هیچ بهره اقتصادی نمی برند. اگر کارخانه ای در این حوالی تأسیس شود، کمک بزرگی به اقتصاد مردم روستا خواهد بود.» (مصاحبه شونده کد ۲۴)

۴. ۲. ۲. اشتغال

یکی از مهم ترین آسیب های روستاییان، مسئله اشتغال است. در این پژوهش با توجه به نظرات مصاحبه شوندگان آسیب های مربوط به اشتغال مردم محلی به ۷ دسته تقسیم شده است: پایین بودن توان اقتصادی مردم در گسترش مشاغل، نداشتن امنیت شغلی کارگران محلی در

معادن، اشتغال‌ناداشتن بومیان در معادن، بیکاری فصلی و بی‌عدالتی در دسترسی به شغل‌های دولتی، نبود حمایت مالی دولت در ارائه تسهیلات به مردم، استفاده از منابع روستا توسط غیربومیان تقسیم. در ادامه به تبیین این عوامل پرداخته شده است.

مهم‌ترین مشکل مردم روستا بیکاری‌های فصلی است که مردم روستا با آن دست و پنجه نرم می‌کنند؛ این در حالیست که به دلیل وجود معادن بسیار در این روستاها زمینه اشتغال برای اهالی روستا فراهم است، اما به دلیل سوءمدیریت مدیران معدن و مطالبه‌گر نبودن، مردم محلی نتوانسته‌اند از این فضای اشتغال بهره ببرند. در ادامه به بخشی از گفت‌وگوی مصاحبه‌شوندگان در زمینه این آسیب اشاره شده است:

«اکثر شاغلان معادن در منطقه غیربومی هستند. مدیران معادن تعهدی به اشتغال بومیان منطقه در این معادن ندارند.» (مصاحبه‌شونده کد ۱۲)

در کنار بی‌تعهدی مدیران معدن در قبال اشتغال مردم محلی در معادن، افرادی هم که به‌ندرت در معادن کار می‌کنند، تنها به کارگری در معادن مشغول هستند و شغل بسیار سختی دارند.

«زره‌شوران بزرگ‌ترین معدن طلای خاورمیانه را دارد که تنها عایدی‌اش برای اهالی روستا کارگری در معدن است.» (مصاحبه‌شونده کد ۲۴)

ازجمله مهم‌ترین آسیب‌های مرتبط با توسعه اشتغال مردم در روستاهای ناحیه تکاب، پایین‌بودن توان اقتصادی مردم در گسترش مشاغل خود است. با توجه به اینکه مردم از لحاظ مالی در تنگنا هستند، توانایی آن را ندارند که بتوانند مشاغل خود را توسعه دهند و موجب پیشرفت شوند؛ زیرا سرمایه اولیه‌ای را ندارند که برای هر شغلی نیاز است. در ادامه به نظرات مصاحبه‌شوندگان اشاره شده است:

«طبق مشاهده‌ها و مصاحبه‌های صورت‌گرفته، انگیزه تغییر به اندازه کافی در میان روستاییان وجود دارد و ضعف بنیه مالی سبب شده تا یک خانوار روستایی کمتر به ایجاد نوآوری و ایجاد یک کسب‌وکار جدید فکر کند.» (مصاحبه‌شونده کد ۲۵)

در کنار پایین‌بودن سطح مالی مردم محلی برای توسعه اشتغال خود، نبود حمایت‌های دولت برای توسعه اشتغال نیز به این آسیب‌های اقتصادی دامن زده است.

یکی از مهم‌ترین آسیب‌هایی که مردم محلی بسیار به آن اشاره کرده‌اند، بی‌عدالتی در دسترسی به شغل‌های دولتی است. با توجه به اینکه مردم محلی از نظر زبانی به دو دسته ترک و کرد تقسیم می‌شوند، کردها ادعا می‌کردند که از ترک‌زبان‌ها بیشتر در شغل‌های دولتی استفاده شده و این مسئله زمینه اختلاف را بین این دو گروه ایجاد کرده است. آن‌ها این مسئله را به امور امنیتی نسبت می‌دادند. در ادامه به برخی از دیدگاه‌های مردم محلی در زمینه این آسیب اشاره شده است:

«بیشتر شاغلان در بخش دولتی را ترک‌ها تشکیل می‌دهند و کردها در مشاغل آزاد یا کشاورزی و کارگری مشغول‌اند.» (مصاحبه‌شونده کد ۱۴)

«کردها در ادارات کلیدی حضور ندارند. مسائل امنیتی در این باره نقش دارد.» (مصاحبه‌شونده کد ۲۳)

منطقه روستایی تکاب دارای ظرفیت و منابع بسیاری به‌ویژه در زمینه معادن و گردشگری است که افراد غیربومی به‌خوبی توانسته‌اند از این منابع کسب درآمد کنند و مردم محلی به‌دلیل نداشتن سرمایه و توان اقتصادی هیچ سودی از این منابع نبرده‌اند. در ادامه به نظرات مردم محلی اشاره شده است:

«اکثر اقامتگاه‌های بوم‌گردی که در منطقه شکل گرفته‌اند، توسط افراد غیربومی اداره می‌شوند. این غیربومیان منطقه هستند که از ظرفیت‌های منطقه استفاده می‌کنند.» (مصاحبه‌شونده کد ۱۹)

۴.۲.۳. مشکلات فروش محصولات

درآمد و معیشت بسیاری از خانوارهای روستایی در ناحیه وابسته به بخش کشاورزی و باغداری وابسته است. این بخش بزرگ‌ترین منبع اشتغال در این منطقه است که درآمد خانوارهای روستایی بستگی زیادی به آن دارد؛ بااین‌حال، بازاریابی محصولات کشاورزی در این منطقه در سطح پایینی است. واسطه‌ها عامل اختلاف قیمت محصولات کشاورزی از مزرعه تا مغازه‌ها هستند که این اختلاف قیمت ضرر و زیان کشاورزان و تولیدکنندگان و سودجویی برخی از دلالان را در پی دارد. نظام توزیع عمده‌فروشی و خرده‌فروشی در اختیار تولیدکنندگان نیست و نبود توان مالی کشاورزان و نیاز مالی در فصل برداشت با توجه به هزینه‌های انجام‌گرفته در طول سال برای کشاورز موجب

می‌شود تا در فصل برداشت، کشاورزان محصول را به‌اجبار به قیمتی که واسطه ارائه می‌دهد، بفروشند. حذف واسطه‌ها و عرضه تولیدات و محصولات کشاورزی، باغی، دامپروری و صنایع دستی در روستاها به‌طور مستقیم به شهرها در قالب بازارهای محلی و خاص این بخش، هزینه‌های زیاد را حذف می‌کند و رفاه را برای مصرف‌کنندگان افزایش می‌دهد.

«سال پیش سیب را کیلویی ۱۵۰۰ تومان به شهرستان زنجان فروخته بودند با اینکه کیفیت محصول سیب امسال با سال پیش تفاوتی نداشته است، ولی امسال قیمت کمتر است. این واسطه‌ها هستند که قیمت سیب را تعیین می‌کنند.» (مصاحبه‌شونده کد ۱۹)

مسئله واسطه‌ها نه‌تنها در زمینه محصولات کشاورزی، بلکه در رابطه با هنر قالی‌بافی زنان روستا نیز اثرات مخربی را به همراه داشته است.

«زنان روستا زحمات زیادی برای قالی‌بافی می‌کشند، اما این واسطه‌ها هستند که سود بیشتری به جیب می‌زنند.» (مصاحبه‌شونده کد ۱۰)

یکی دیگر از آسیب‌هایی که مردم محلی در زمینه فروش محصولاتشان با آن مواجه هستند، نبود تجهیزات نگهدارنده (سردخانه) محصولات باغی آن‌هاست. نداشتن سردخانه برای نگهداری بیشتر سیب‌ها موجب می‌شود، به‌دلیل حجم زیاد محصولات در یک زمان بسیاری از محصولات باغی آن‌ها به‌ویژه سیب خراب شود.

۴.۲.۴. پایین بودن خدمات و زیرساخت‌های روستایی

روستاهای ناحیه تکاب با وجود داشتن ظرفیت‌های فراوان برای توسعه، از لحاظ زیرساخت‌ها و امکانات خدماتی در شرایط خوبی قرار ندارند. مردم برای رفع نیازهای اولیه مجبورند به شهرها بروند. برخی از روستاها حتی مدارس دبیرستان هم ندارند. نبود خدمات و امکانات مناسب عامل مهمی برای مهاجرت مردم به شهرها شده است. آن‌ها می‌گویند، اگر امکانات اولیه برای گذارن زندگی در روستاها وجود داشته باشد، دلیلی برای مهاجرت باقی نمی‌ماند. یکی دیگر از آسیب‌های جدی روستاهای این ناحیه، کیفیت بسیار پایین برخی سرپناه‌های روستاهاست. مصالح به‌کاررفته در این مساکن بسیار ضعیف است. مردم به‌دلیل پایین بودن توان اقتصادی مجبورند در این مساکن زندگی کنند. در ادامه تصاویر برخی از این سرپناه‌های روستایی آورده شده است.



شکل ۲- سرپناه‌های روستایی ناحیه تکاب

۴. ۲. ۵. پایین بودن کیفیت شبکه معابر

ساختار شبکه معابر روستایی در روستاهایی ناحیه تکاب به لحاظ نامنظم بودن و محدودیت حرکت، مشکلات خاصی را برای روستاییان به وجود می‌آورد. روستاییان علاوه بر مشکلات شبکه معابر داخلی روستاها از لحاظ دسترسی به شهرها و استان‌های اطراف نیز مشکلات بسیاری دارند. سطح پایین کیفیت شبکه معابر موجب مشکلات دسترسی به خدمات برای اغلب روستاییان شده است. از جمله آسیب‌هایی که اکثر مصاحبه‌شوندگان به آن‌ها اشاره کردند، ناهموار بودن جاده‌ها و سنگلاخی بودن آن‌ها و پرداخت هزینه دسترسی برای خانواده است. آن‌ها می‌گویند، با توجه به اینکه روستاها حداقل خدمات را از نظر آموزش و بهداشتی و... دارند، مشکلات راه‌ها و دسترسی به مراکزی که خدمات بهتری در مقایسه با روستاهای آن‌ها دارند نیز امکان استفاده از خدمات آن مراکز را برای آن‌ها فراهم نمی‌کند. در ادامه به برخی از دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان اشاره شده است:

«راه‌های مواصلاتی روستاهای تکاب بسیار صعب‌العبور و در فرهنگ عامه به جاده نظامی مشهور

است.» (مصاحبه‌شونده کد ۲).

این محدودیت راه‌های دسترسی حتی موجب ناشناخته ماندن برخی از سایت‌های گردشگری در منطقه شده است.

«تخت سلیمان نفعی برای شهرستان نداشته است. در جنب آن آثار بسیاری است که به‌خاطر شبکه راه بسیار ضعیف هستند.» (مصاحبه‌شونده کد ۲۸)

«شاید علت ناشناخته ماندن این جاذبه گردشگری (چمن متحرک) نبود جاده مناسب و همچنین نبود تبلیغات در این سال‌ها بوده است.» (مصاحبه‌شونده کد ۶)

۴.۲.۶. سوءمدیریت در بخش گردشگری

با وجود ظرفیت‌های مناسب گردشگری در روستاهای ناحیه تکاب، برنامه و مدیریت مناسبی برای توسعه گردشگری این منطقه شکل نگرفته است؛ به‌عنوان مثال، راه‌های دسترسی که از جمله ابتدایی‌ترین زیرساخت‌های گردشگری است، کیفیت بسیار پایینی دارد. اگر زیرساخت‌های اولیه گردشگری در کنار مدیریت مقصد در روستاهای بخش تکاب شکل بگیرد، ایجاد شغل به‌طور محسوس و قبل از هر چیز در مواردی مانند ایجاد اقامتگاه بوم‌گردی، ساخت هتل و هتلداری و توسعه شبکه حمل و نقل اتفاق می‌افتد. همچنین گردشگری می‌تواند به ایجاد کسب‌وکارهایی مانند تهیه و تحویل غذاهای محلی و مواردی از این دست منجر شود که به ایجاد تجربه‌ای بهتر از گردشگری روستایی و بوم‌گردی می‌انجامد. در ادامه به برخی از آسیب‌های گردشگری روستاها با توجه به گفته‌های مصاحبه‌شوندگان اشاره شده است:

«گردشگرانی که به این منطقه می‌آیند، از راه بسیار شکایت می‌کنند. آن‌ها می‌گویند، ما فرهنگ مردم و طبیعت بکر منطقه را بسیار دوست داریم، اما امکانات در سطح خیلی پایینی است. همین موضوع ما را از آمدن دوباره به این منطقه باز می‌دارد.» (مصاحبه‌شونده کد ۴)

«زیرساخت‌های گردشگری در تکاب وجود ندارد. کسی نمی‌تواند بیشتر از سه ساعت در تخت سلیمان بازدید کند.» (مصاحبه‌شونده کد ۲۲)

۴.۲.۷. نبود حمایت از بافندگان فرش

شهرستان تکاب و خوی قطب‌های تولید فرش در استان آذربایجان غربی هستند. فرش ریز افشار که محصول روستاییان ناحیه تکاب است، در سال ۱۳۸۹ به ثبت ملی رسید. با وجود

اهمیت صنعت فرش در بین مردم محلی، دولت و مدیران استان تلاشی برای سود بردن مردم از این هنر نداشته‌اند. یکی از مهم‌ترین مشکلات بافندگان، نبود ارگان مدیریتی برای خرید و فروش این هنر با ارزش است. آن‌ها می‌گویند، ما هستیم که فرش را تولید می‌کنیم و آسیب می‌بینیم، اما این واسطه‌ها هستند که بیشترین سود را از این فعالیت می‌برند. در ادامه به گفته یکی از مصاحبه‌شوندگان اشاره شده است:

«در سال‌های گذشته فرش‌فروش‌ها سفارش بافت به بافنده‌ها می‌دادند و پیش‌پرداخت هم انجام می‌شد، ولی چند سالی است که بازار فرش راکد است و حتی فرش بافته‌شده و تمام‌شده را با چک ده‌ماهه می‌خرند.» (مصاحبه‌شونده کد ۱۴)

یکی دیگر از مهم‌ترین آسیب‌ها در زمینه سوءمدیریت صنعت فرش، نبود حمایت از زنان بافنده در برابر بیماری‌های اسکلتی ناشی از بافتن فرش است. اهالی می‌گویند، بیشتر افرادی که بافندگی را به‌عنوان منبع درآمد انتخاب کرده‌اند، مشکلات اسکلتی بسیاری دارند. متأسفانه هیچ گونه حق و حقوقی برای این افراد در نظر گرفته نشده است. برخی از افراد حتی بیمه هم ندارند. در ادامه به گفته یکی از مصاحبه‌شوندگان درباره این آسیب اشاره شده است:

«قالی‌بافی شغل بسیار سختی است. حداقل روزانه باید هشت ساعت پای دار قالی بنشینند. این نشستن دائمی موجب واردشدن آسیب‌های بسیاری به زنان شده است.» (مصاحبه‌شونده کد ۲۱)

هم‌اکنون که تحریم‌ها فشار سنگینی بر جامعه وارد کرده، صنعت فرش نیز از این پس‌لرزه‌ها در امان نمانده و تولید و صادرات فرش را نیز دچار تزلزل کرده است و این ضربه‌ای عمیق بر اقتصاد صنعت فرش و معیشت افرادی است که به این کار وابسته‌اند. وجود تحریم‌ها موجب افزایش یافتن مواد اولیه این هنر شده است و این مسئله موجب ضرر دیدن خانواده‌هایی شده است که از این هنر ارتزاق می‌کنند. در ادامه به دیدگاه افراد در زمینه این آسیب اشاره شده است:

«برای بافتن یک فرش چقدر هزینه کنیم و چقدر آن را بفروشیم که هم خریدار دوست داشته باشد بخرد و هم ما سود کنیم؟» (مصاحبه‌شونده کد ۱۷)

۴.۳. آسیب‌های اجتماعی

طبق گفت‌وگوهای انجام‌شده با مصاحبه‌شوندگان، یکی از مهم‌ترین آسیب‌های شناسایی‌شده در سکونتگاه‌های روستایی ناحیه تکاب، آسیب‌های اجتماعی است. این آسیب‌ها در ۵ بخش دسته‌بندی شده‌اند: مهاجرت، مشارکت پایین مردم در امور روستا، پایین بودن سطح سواد به‌ویژه زنان، مطالبه‌گر نبودن مردم و آسیب‌های ناشی از شبکه‌های اجتماعی. از میان ۶ مفهوم کلی، ۲ مفهوم به بخش علل و ۴ مفهوم به پیامدها اختصاص یافته است. در ادامه به بررسی هریک از این شاخص‌ها پرداخته شده است.

جدول ۴- ابعاد و شاخص‌های آسیب‌پذیری اجتماعی روستایان ناحیه تکاب

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفهوم	علل یا پیامد	کد مصاحبه‌کننده	فراوانی
آسیب‌های ناشی از شبکه‌های اجتماعی	مهاجرت	مهاجرت جمعیت فعال	پیامد	۲-۴-۷-۱۵-۱۸-۲۲-۳۰	۷
		مهاجرت معکوس و پیری جمعیت	پیامد	۶-۲۷	۲
		مشارکت پایین مردم در امور روستا	علل	۳-۸	۲
		پایین بودن سطح سواد به‌ویژه در زنان	پیامد	۴-۹-۱۲	۳
		مطالبه‌گر نبودن مردم	علل	۲-۲۴-۳۰	۳
		آسیب‌های ناشی از شبکه‌های اجتماعی	پیامد	۶-۹	۲

۴.۳.۱. مهاجرت

روستایان ناحیه تکاب همچون دیگر نقاط کشور به تأثیرپذیری از شرایط حاکم بر کشور به منظور بهره‌مندی از مواهب شهرها، به سمت این کانون‌های برخوردار از خدمات، اشتغال و آزادی‌های فردی مهاجرت کرده‌اند. مهاجرت اکثر افرادی که از روستاهای ناحیه تکاب شکل گرفته است، به دو کلان‌شهر تهران و کرج بوده است. به گفته مردم محلی، اکثر افراد جوانان و مرد بوده‌اند که مهاجرت آنان به شدت در پیشرفت اجتماعی آن‌ها تأثیر مثبت داشته است. زنان سهم کمی از مهاجران را تشکیل داده‌اند و ماندن آن‌ها در روستاها و نداشتن دسترسی به

خدمات آموزشی موجب پایین بودن سطح تحصیلات آنان و در نتیجه فقدان پیشرفت های اجتماعی آنان شده است. گفتنی است که جمعی از افرادی مهاجر در شهر تهران انجمنی با عنوان تکابیان مقیم تهران تشکیل داده اند که اکثر افراد دارای سواد نسبتاً بالا و درآمدهای خوبی هستند. در ادامه به دیدگاه های مدیران و مردم محلی در زمینه این آسیب اشاره شده است:

«متأسفانه جمعیت فعال و با تحصیلات منطقه از روستاها مهاجرت می کنند و به شهرها می روند. به دلیل امکانات پایین در روستاها آن ها تمایلی برای بازگشت به روستاها ندارند.» (مصاحبه شونده کد ۲)

«روستای زره شوران ۹۶ خانوار داشته است که حدود ۲۰ خانوار مهاجرت کرده اند.» (مصاحبه شونده کد ۷)

علاوه بر مهاجرت جمعیت فعال به شهرها در سال های اخیر، روستاهای ناحیه تکاب با مهاجرت معکوس به این مناطق از شهرها به ویژه از پایتخت به این روستاها روبه رو بوده اند. به گفته مردم محلی، اکثر بازنشسته های تهرانی که اصالتاً ترک هستند و سطح بالای اقتصادی دارند، برای گذران زندگی خود در دوران بازنشستگی به روستاها مهاجرت کرده اند. آنچه روستاییان را در رابطه با این نوع مهاجرت آزرده کرده است، سطح بالای اقتصادی و زندگی بازنشسته هاست؛ زیرا این تفاوت کیفیت زندگی بین آنان و مهاجران موجب دلزدگی اجتماعی مردم محلی شده است. در ادامه به برخی از گفته های مردم محلی اشاره شده است:

«برعکس روند مهاجرتی جوانان، روستاهای تکاب با بازگشت افراد بازنشسته به موطن خود روبه روست و این عامل بیش از بیش سبب پیری جمعیت روستاییان شده است.» (مصاحبه شونده کد ۶)

۴. ۳. ۲. پایین بودن سطح سواد به ویژه زنان

زنان روستایی ناحیه تکاب نقش تأثیرگذار در کسب درآمد خانوار از طریق فعالیت قالی- بافی و کشاورزی دارند؛ بنابراین نقش آن ها در توسعه روستاها کاملاً روشن است. متأسفانه تحصیلات که یکی از مهم ترین شاخص های پیشرفت اجتماعی زنان است، در این منطقه سطح پایینی دارد. سطح پایین سواد بین زنان ناشی از دو عامل اصلی است: عامل اول به نبود

زیرساخت‌های مناسب آموزشی برای آن‌ها در روستاها برمی‌گردد و عامل دیگر به مخالفت خانواده‌های آن‌ها برای داشتن تحصیلات مربوط است. به دلیل نبود امکانات آموزشی، دختران مجبورند به شهرها مهاجرت کنند یا روزانه برای رفتن به مدرسه به شهرها و روستاهای بزرگ‌تر اطراف رفت‌وآمد کنند. این رفت‌وآمدها برای خانواده‌های آنان بسیار سخت است و موجب جلوگیری از ادامه تحصیل برای دختران شده است. به برخی از گفته‌های مصاحبه‌شوندگان اشاره شده است:

«به دلیل سطح پایین امکانات در روستاها میزان سواد به‌ویژه در میان زنان بسیار کم است. خانواده‌ها تمایل بسیاری به باسواد شدن فرزندانشان دارند، اما علاوه بر اینکه در روستاها امکانات آموزش وجود ندارد، مشکلات شبکه ارتباطی به آن‌ها اجازه نمی‌دهد که به مکان‌های دیگر رفت‌وآمد کنند.» (مصاحبه‌شونده کد ۹)

۴.۳.۳. مطالبه‌گر نبودن مردم

زمینه اصلی مطالبه‌گر بودن روستاییان آگاهی از حق و حقوق خود است که متأسفانه این مسائل در روستاهای ناحیه تکاب شرح داده نشده است. بسیاری از امکانات و تسهیلات اولیه (مراکز بهداشتی، مراکز آموزش، شبکه ارتباطی و...) در برخی از روستاها شکل نگرفته است؛ به‌عنوان مثال، یکی از مهم‌ترین نیازهای اولیه مردم در روستاها داشتن شبکه ارتباطی مناسب برای دسترسی به شهرها و روستاهای اطراف است که متأسفانه روستاییان در این منطقه از این امکانات و حقوق اولیه برخوردار نیستند. محرومیت خدمات و امکانات اولیه سال‌هاست که در این مناطق وجود دارد. آنچه موجب باقی ماندن در این محرومیت شده است، نبود مطالبه‌گری مردم و آگاهی از حقوق خود است. به برخی از گفت‌وگوها درباره این آسیب اشاره شده است:

«افرادی که در روستاها زندگی می‌کنند، متأسفانه انسان‌های مطالبه‌گری نیستند و نداشتن این روحیه موجب شده است که قدمی در راه توسعه برای آن‌ها برداشته نشود؛ به‌عنوان مثال، کمترین خدماتی که دولت باید در اختیار آن‌ها بگذارد، داشتن شبکه ارتباطی مناسب است؛ چون مردم نخواستند، آن‌ها هم کاری نکردند.» (مصاحبه‌شونده کد ۳۰)

۴.۳.۴. مشارکت پایین مردم در امور روستا

متأسفانه مردم محلی روستاهای ناحیه تکاب به مشارکت در برنامه های توسعه روستاها تمایل ندارند و این مسئله آنها را از قرار گرفتن در مسیر توسعه روستاهایشان بازداشته است. مشارکت مردم در برنامه ها موجب می شود تا با طرح ها و عناصر جدید احساس بیگانگی نکنند و از سوی دیگر در طول طراحی و پس از آن در انجام و نگهداری طرح ها سهیم باشند، طرح و محصول به دست آمده را از آن خود بدانند و در نگهداری و پویایی آن بیشترین همکاری را داشته باشند.

«مشارکت روستاییان با همدیگر بیشتر به صورت سنتی صورت می گیرد (مشارکت در مراسم و هزینه ها)، ولی در زمینه امور روستا مشارکت ندارند.» (مصاحبه شونده کد ۸)

۵. نتیجه گیری و پیشنهادها

در فرایند توسعه نواحی روستایی، شناخت و تحلیل وضع موجود روستاها و بررسی امکانات و تنگنای آن ها در زمینه های مختلف ضروری است و برنامه ریزان روستایی را در تعیین اهداف توسعه و مشخص کردن سیاست ها، خط مشی ها و راهکارهای دستیابی به آن یاری می رساند. آسیب های محیطی شناسایی شده در این پژوهش شامل محدودیت منابع آب، بروز مخاطرات، آسیب های ناشی از معادن، قطعه قطعه شدن زمین های کشاورزی و پراکندگی اند. با توجه به اینکه اصلی ترین منبع اقتصادی مردم در این منطقه کشاورزی است، محدودیت منابع آب مشکلات متعددی را برای کشاورزان به بار آورده است. یکی دیگر از آسیب های مهم محیطی، مجاورت و استقرار پروژه های معدن طلای زرشوران با نواحی روستایی ناحیه تکاب است که آسیب های فراوانی در سیستم روستاها به ویژه سیستم محیطی آن ها داشته است: تغییر کاربری اراضی مجاور روستا، آلودگی منابع آب، آلودگی منابع خاک، آلودگی هوا، تهدید زندگی دام و احشام تغذیه کننده از محیط مجاور، خطر تهدید بیماری ها و مسمومیت های شیمیایی و ریوی به واسطه آلودگی محیط.

آسیب پذیری اقتصادی وضعیتی معرفی شده است که در نتیجه آن خانوار، قدرت مقابله با شرایط نامطلوب را از دست می دهد و به وضعیتی سقوط می کند که اغلب با ناامنی غذایی

(گرسنگی)، ناامنی شغلی (بیکاری)، ناامنی اجتماعی (بی قدرتی و انزوا) و ناامنی بهداشتی (بیماری و ضعف جسمانی) مواجه می‌شود. براساس نظرات خبرگان این پژوهش، آسیب‌های اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی ناحیه تکاب در ۷ شاخص تقسیم‌بندی شده‌اند. این آسیب‌ها خام‌فروشی مواد اولیه، اشتغال، مشکلات فروش محصولات، پایین‌بودن خدمات و زیرساخت‌ها، سوءمدیریت در بخش گردشگری و نبود حمایت از بافندگان فرش هستند. با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اقتصادی این منطقه، خام‌فروشی مواد اولیه هم در محصولات کشاورزی و باغی و هم در محصولات دامی و همچنین در محصولات معدنی است، به گفته مردم محلی و مسئولان، اگر این مسئله رفع شود، می‌تواند مشکلات بیکاری و پایین‌بودن توان مالی مردم را تا حد زیادی برطرف کند.

طبق گفت‌وگوهای انجام‌شده با مصاحبه‌شوندگان، یکی از مهم‌ترین آسیب‌های شناسایی شده در سکونتگاه‌های روستایی ناحیه تکاب، آسیب‌های اجتماعی است. این آسیب‌ها در ۵ بخش دسته‌بندی شده‌اند: مهاجرت، مشارکت پایین مردم در امور روستا، پایین‌بودن سطح سواد به‌ویژه زنان، مطالبه‌گر نبودن مردم و آسیب‌های ناشی از شبکه‌های اجتماعی.

روستاییان به‌منظور استفاده از امکانات معیشتی-رفاهی و نیز در جهت یافتن شغل و ایجاد درآمد مکفی، به‌سمت شهرها و دیگر مراکز اقامتگاهی کشور مهاجرت می‌کنند. کشور ما مانند دیگر جوامع در حال توسعه از روند مهاجرتی روستا-شهری دور نبوده است؛ به‌نحوی که اجرای اصلاحات ارضی و تبدیل نفت به مهم‌ترین منبع مازاد اقتصادی در سطح ملی و همچنین کاهش نقش کشاورزی در تولید داخلی و صادرات، موجب برهم‌خوردن رابطه متعادل شهر و روستا شده است و شهرها به مکانی برای تمرکز مازاد اقتصادی ملی، گسترش زیرساخت‌های صنعتی-مالی و مراکز اصلی اشتغال نیروی کار دستمزدی به‌خصوص برای روستاییان تبدیل شدند. در این راستا روستاییان ناحیه تکاب نیز همچون دیگر نقاط کشور به تأثیرپذیری از شرایط حاکم بر کشور به‌منظور بهره‌مندی از مواهب شهرها، به‌سمت این کانون‌های برخوردار از خدمات، اشتغال و آزادی‌های فردی مهاجرت کرده‌اند. مهاجرت اکثر افرادی که از روستاهای ناحیه تکاب شکل گرفته است، به دو کلان‌شهر تهران و کرج بوده

است. به گفته مردم محلی، اکثر افراد جوانان و مرد بوده‌اند که مهاجرت آنان به شدت بر پیشرفت اجتماعی آن‌ها تأثیر مثبت داشته است.

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که سکونتگاه‌های روستایی به عنوان نظام به هم پیوسته متشکل از اجزا و عناصری مرتبط با یکدیگر که از کنش متقابل نیروها و عوامل محیطی شکل گرفته است، دارای ساختار و کاردهای معینی هستند که در تمامی ابعاد کالبدی-فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و ... به توجه نیاز دارند. برخی از برنامه‌ریزی‌ها در راستای سکونتگاه‌های روستایی به پیش‌بینی و شناخت اولیه مسائل بستگی دارد. شناسایی آسیب‌ها یکی از محورهای بنیادین مدیریت روستایی به شمار می‌رود. یافته‌های این پژوهش با نتایج مطالعات گوندوی (۲۰۱۹) و اوگبی و همکاران (۲۰۲۰) (آسیب فقر و کم‌بودن درآمد خانوارها)، الم و همکاران (۲۰۱۷) (آسیب کمبود منابع آب و تأسیسات و خدمات از جمله خدمات بهداشتی)، هوانگ و همکاران (۲۰۱۷) (آسیب فقر، تحصیلات، درآمد) شریفی و همکاران (۱۳۹۶) (آسیب ناشی از مشکلات فروش محصولات کشاورزی) همخوانی دارد.

هرگونه برنامه‌ریزی برای مدیریت آسیب‌ها باید با توانمندسازی سکونتگاه‌های روستایی و ظرفیت‌سازی‌های مورد نیاز برای مدیریت ریسک، از دوره پیش‌آگاهی تا مرحله مقابله، متناسب با شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اکولوژیک، زیست محیطی و غیره باشد. برای تحقق یافتن مدیریت آسیب‌ها در منطقه مورد مطالعه، می‌توان برنامه‌ریزی سیستمی، حمایتگری هدفمند، تقویت و بهره‌گیری از ظرفیت‌های نهادی محلی مانند شوراهای دهیارها در جریان مقابله با آسیب‌ها، ایجاد تنوع شغلی و منابع کسب درآمد از طریق توسعه بخش کشاورزی و غیرکشاورزی، توجه به دانش بومی مردم در کنار دانش رسمی، تدوین راهبردی بلندمدت برای مدیریت ریسک آسیب‌ها توأم با لحاظ کردن ملاحظات منطقه‌ای و شرایط خاص سکونتگاه‌های روستایی، مشارکت‌دهی ساکنان روستاها در فرایند مدیریت آسیب‌ها، توسعه و گسترش رویکرد مشارکتی و اجتماع‌محور را به عنوان سازوکارهای مدیریت آسیب‌ها برشمرد.

کتابنامه

۱. سعیدی، ع. (۱۳۹۰). پوشش ساختاری - کارکردی: رویکردی نظام‌وار در مطالعات مکانی-فضایی. *جغرافیا (نشریه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران)*، ۹ (۲۹)، ۷-۱۶.
۲. شریفی، ز.، نوری پور، م.، و شریف زاده، م. (۱۳۹۶). تحلیل آسیب‌پذیری خانوارهای روستایی بخش مرکزی شهرستان دنا: کاربرد چارچوب معیشت پایدار. *نشریه تحیل فضایی مخاطرات محیطی*، ۴ (۲)، ۱۹-۳۶.
۳. صفری، ف. (۱۳۹۶). تحلیل آسیب‌پذیری، ظرفیت سازگاری و تاب‌آوری زارعان در برابر بحران آب در شهرستان سلطانیه/استان زنجان (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.
4. Adger, W. N., Lorenzoni, I., & O'Brien, K. L. (Eds.). (2009). *Adapting to climate change: Thresholds, values, governance*. Cambridge: Cambridge University Press.
5. Alam, G. M. M., Alam, K., Mushtaq, S., & Clarke, M. L. (2017). Vulnerability to climatic change in riparian char and river-bank households in Bangladesh: Implication for policy, livelihoods and social development. *Ecological Indicators*, 72, 23-32.
6. Cannon, T. (2014). Vulnerability and disasters. *The Companion to Development Studies*, 351.
7. Castañeda, A., Doan, D., Newhouse, D., Nguyen, M. C., Uematsu, H., & Azevedo, J. P. (2018). A new profile of the global poor. *World Development*, 101, 250-267.
8. Constantin, V., Ștefănescu, L., & Kantor, C. M. (2015). Vulnerability assessment methodology: A tool for policy makers in drafting a sustainable development strategy of rural mining settlements in the Apuseni Mountains, Romania. *Environmental Science and Policy*, 52, 129-139.
9. Das, A., Gupta, A. K., & Mazumder, T. N. (2012). Vulnerability assessment using hazard potency for regions generating industrial hazardous waste. *Journal of Hazardous Materials*, 209, 308-317.
10. Gondwe, G. (2019). *Reducing vulnerability of the rural poor through adaptation and mitigation written for the expert group meeting on eradicating rural poverty to implement the 2030 Agenda for sustainable development, Addis Ababa*. 1-12. Retrieved from <https://www.un.org/development/desa/dspd/wp-content/uploads/sites/22/2019/02/Grace-Gondwe.pdf>
11. Huang, X., Huang, X., He, Y., & Yang, X. (2017). Assessment of livelihood vulnerability of land-lost farmers in urban fringes: A case study of Xi'an, China. *Habitat International*, 59, 1-9.
12. Jamshed, A., Birkmann, J., Feldmeyer, D., & Rana, I. A. (2020). A conceptual framework to understand the dynamics of rural-urban linkages for rural flood

- vulnerability. *Sustainability (Switzerland)*, 12(7), 1–25.
13. Kelman, I., Gaillard, J. C., Lewis, J., & Mercer, J. (2016). Learning from the history of disaster vulnerability and resilience research and practice for climate change. *Natural Hazards*, 82(1), 129–143.
14. Liu, Y., & Xu, Y. (2016). A geographic identification of multidimensional poverty in rural China under the framework of sustainable livelihoods analysis. *Applied Geography*, 73, 62–76.
15. Ogebe, O. F., Adejo, M. A., & Burbuwa, P. A. (2020). Factors affecting the rural poverty and its vulnerability. *International Journal of Agricultural Science*, 10(2), 71–79.
16. Plummer, R., de Grosbois, D., Armitage, D., & de Loë, R. C. (2013). An integrative assessment of water vulnerability in First Nation communities in Southern Ontario, Canada. *Global Environmental Change*, 23(4), 749–763.
17. Seara, T., Pollnac, R., & Jakubowski, K. (2020). Impacts of natural disasters on subjective vulnerability to climate change: a study of Puerto Rican fishers' perceptions after Hurricanes Irma & Maria. *Coastal Management*, 48(5), 418–435.
18. Shahbaz, B. (2008). *Risk, vulnerability and sustainable livelihoods: Insights from Northwest Pakistan*. Sustainable Development Policy Institute.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

doi : <https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2021.72546.1067>

مقاله پژوهشی - مطالعه موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال نوزدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۳۷

تحلیل آسیب‌پذیری و تاب‌آوری باغداران و تولید مرکبات نسبت به تغییرات اقلیمی در استان مازندران

سید عبدالحمید هاشمی ساداتی (دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران)

h_zar1380@yahoo.com

اسماعیل کرمی دهکردی (دانشیار ترویج کشاورزی و توسعه روستایی، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده

کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

e.karamidehkordi@modares.ac.ir

یحیی تاجور (استادیار پژوهشکده مرکبات و میوه‌های نیمه‌گرمسیری، مؤسسه تحقیقات باغبانی، سازمان تحقیقات،

آموزش و ترویج کشاورزی، رامسر، ایران)

yahyataj80@gmail.com

سید حسین میرموسوی (دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران)

hossein.mirmousavi@znu.ac.ir

صص ۲۲۸ - ۱۹۳

چکیده

تغییرات اقلیمی از ابعاد محیط زیستی و اجتماعی-اقتصادی اثرات گسترده‌ای بر تولید و جوامع انسانی داشته است. در دو دهه اخیر بر اثر وقوع پدیده‌های اقلیمی سرمازدگی و یخبندان، آسیب‌ها و خسارت‌های شدیدی به تولید مرکبات در شمال کشور وارد شده است؛ با وجود این، اثرات این پدیده‌های اقلیمی بر آسیب‌پذیری و تاب‌آوری تولید و باغداران مرکبات هنوز به طور جامع بررسی نشده است. هدف این مطالعه، شناخت آسیب‌پذیری و مکانیسم‌های تاب‌آوری تولید مرکبات و باغداران در برابر پدیده‌های اقلیمی سرمازدگی و یخبندان از دیدگاه کارشناسان و مروجان کشاورزی است. پژوهش حاضر از روش‌شناسی کیفی آمیخته از دو روش

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۵ تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۸/۱۰

مطالعه موردی و تئوری داده‌بنیاد استفاده کرد. داده‌ها از طریق بررسی اسناد، گروه‌های متمرکز و مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند با کارشناسان جهاد کشاورزی استان مازندران در سطوح استان، شهرستان و دهستان با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند مبتنی بر روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی گردآوری شدند. یافته‌ها نشان داد که در طی دو دهه اخیر، دماهای حدی پایین به دفعات بیشتر در منطقه اتفاق افتاده است که موجب شده است باغات مرکبات که عمدتاً حساس به دماهای پایین هستند، بیشتر از گذشته در معرض خطر سرمازدگی قرار گیرند. این مسئله آسیب‌پذیری باغداران را نیز افزایش داده است. به‌رغم وجود راهکارهای پیشنهادی از سوی کارشناسان، اقدامات انجام‌شده توسط باغداران برای کاهش آسیب‌پذیری و افزایش تاب‌آوری خیلی محدود بوده و به‌موقع نیز اجرا نشده‌اند. حمایت‌های مالی، اعتباری، نهاده‌ای و دانشی نیز کافی نبوده و به‌موقع انجام نشده‌اند.

کلیدواژه‌ها: آسیب‌پذیری، تاب‌آوری، مرکبات، کشاورز، تغییرات اقلیمی.

۱. مقدمه

تغییر اقلیم به‌عنوان یکی از مسایل اصلی زیست محیطی و اقتصادی-اجتماعی جهان، مورد بحث متخصصان مختلف است. اقلیم پدیده چند بعدی است که تنوع را در مقیاس‌های فضایی مختلف نشان می‌دهد. تغییر اقلیم به میزان تغییر درخور توجه آماری هم در میانگین وضعیت اقلیم و هم در تغییرپذیری آن که برای یک دوره طولانی (معمولاً یک دهه یا بیشتر) دوام داشته باشد، اشاره دارد (فوژل و کلین^۱، ۲۰۰۶). بخش کشاورزی و به‌ویژه زیربخش باغبانی، به‌دلیل وابستگی بیشتر به شرایط آب و هوایی، بیشترین آسیب ناشی از تغییرات اقلیمی مانند مخاطرات طبیعی سیل، یخبندان و خشکسالی را متحمل می‌شود. استان مازندران با توجه به موقعیت خاص اقلیمی در بسیاری از محصولات کشاورزی ازجمله مرکبات در کشور از بالاترین جایگاه برخوردار است. براساس آمارنامه وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۹۹) این استان رتبه اول سطح زیرکشت و تولید این محصول را در کشور دارد؛ به‌طوری‌که حدود ۴۵ درصد مرکبات کشور در مازندران تولید می‌شود. بررسی اسناد و گزارش‌های سازمان

1. Füssel & Klein

جهاد کشاورزی و اداره کل مدیریت بحران استان نشان می‌دهد که در دو دهه اخیر در فاصله سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵ در اثر چندین مرحله سرما شدید، یخبندان و ریزش برف‌های سنگین قسمت بیشتری از محصول باغ‌های مرکبات به همراه درختان و سرشاخه‌های آن‌ها در استان دچار خسارت شدیدی شد؛ به طوری که ضرر و زیان‌های جبران‌ناپذیری به باغداران منطقه وارد کرد و در نتیجه آن در بخشی از اقتصاد استان اختلال ایجاد شد.

با وجود این، اثرات این نوسانات اقلیمی بر تولید و باغداران مرکبات و آسیب‌پذیری و تاب‌آوری آن‌ها هنوز به طور جامع بررسی نشده است. با توجه به افزایش بروز پدیده‌های غیرمترقبه اقلیمی مانند سیل‌ها، خشکسالی‌ها، سرمای شدید و یخبندان‌های نابهنگام در دهه‌های اخیر و خسارت‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی ناشی از آن‌ها در کشور و استان، لازم است به این پدیده‌ها به عنوان عارضه و خطر چندبعدی توجه خاصی شود؛ بنابراین لازم است اقداماتی در این زمینه صورت گیرد که از جمله آن‌ها عبارت‌اند از: (۱) شناخت کامل و همه جانبه ابعاد و ویژگی‌های این پدیده‌ها؛ (۲) بررسی پیامدها و خسارت‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی ناشی از آن‌ها؛ (۳) تدوین برنامه و اقدامات لازم برای افزایش ظرفیت‌های سازگاری و تاب‌آوری بخش کشاورزی و جوامع محلی و روستایی در مواجهه با این تغییرات و نوسانات اقلیمی برای کاهش آسیب‌پذیری. در این راستا، بررسی اثرات و پیامدهای تغییر اقلیم بر بخش کشاورزی، آسیب‌پذیری و مکانیسم‌های تاب‌آوری این بخش در برابر تغییر اقلیم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

از لحاظ شرایط اقلیمی، نوع محصول و منطقه‌ای که پژوهش در آن انجام می‌شود هر منطقه با مسائل و چالش‌های مختص به خود مواجه است؛ بنابراین بررسی مسائل، مشکلات و چالش‌های موجود در هر منطقه برای تعیین سیاست‌ها و برنامه‌های خاص آن منطقه اهمیت دارد. با توجه به اینکه مرکبات از لحاظ سطح زیرکشت و میزان تولید در کشور و به ویژه استان مازندران از اهمیت و جایگاه بالایی برخوردار است، بررسی و تحلیل آسیب‌پذیری و تاب‌آوری تولید مرکبات استان در برابر تغییرات اقلیمی ضروری به نظر می‌رسد؛ از این رو این مطالعه ب دنبال بررسی و تحلیل آسیب‌پذیری و مکانیسم‌های تاب‌آوری باغداران و تولید

مرکبات استان در مقابل تغییرات و نوسانات اقلیمی در راستای جلوگیری از آسیب‌ها و کاهش آسیب‌پذیری آن‌ها در استان مازندران است.

این پژوهش با هدف تحلیل دیدگاه کارشناسان جهاد کشاورزی درباره آسیب‌پذیری و تاب‌آوری تولید مرکبات استان مازندران در برابر تغییرات اقلیمی انجام شده است. برای تحقق این هدف، اهداف اختصاصی زیر مدنظر بودند:

- بررسی آسیب‌پذیری تولید و آسیب‌های وارده به باغداران مرکبات از لحاظ در معرض آسیب بودن و حساسیت که با آن مواجه‌اند؛
- تحلیل دیدگاه کارشناسان درخصوص سازوکارهای موجود و مورد نیاز افزایش تاب‌آوری تولید مرکبات؛
- تحلیل دیدگاه کارشناسان درخصوص تأثیر پیاده کردن سازوکارهای تاب‌آوری بر افزایش سازگاری و کاهش آسیب‌های ناشی از تغییرات اقلیمی؛
- بررسی چگونگی ارتقای سازوکارهای تاب‌آوری برای افزایش تاب‌آوری و کاهش آسیب‌پذیری آن‌ها.

۲. پیشینه تحقیق

مسائل اقلیمی به مدیریت و سازگاری جوامع نیاز دارد، ولی این سازگاری بستگی به ظرفیت سازگاری و به کارگیری مکانیسم‌های تاب‌آوری دارد. در این زمینه هنوز دانش و اطلاعات کافی درمورد چگونگی مدیریت پیچیدگی‌های ناشی از تغییرات اقلیمی و کاهش آسیب‌پذیری‌ها وجود ندارد. مطالعات بسیار کمی در ایران و پژوهش‌های متعددی در زمینه آسیب‌پذیری و تاب‌آوری در ارتباط با تغییر اقلیم در کشورهای مختلف دنیا در جوامع روستایی و بخش کشاورزی انجام شده است که در ادامه به بررسی و شرح نمونه‌هایی از آن‌ها پرداخته می‌شود.

ودادی، کرمی دهکردی و میرموسوی (۱۳۹۰) در پژوهشی نشان دادند که کشاورزان از ابعاد انسانی، فیزیکی، طبیعی و اقتصادی آسیب‌پذیرند. و آسیب‌پذیری با میزان دسترسی به خدمات بیرونی و تنوع در استراتژی‌های معیشت خانوارها رابطه معکوس دارد. آسیب‌پذیری

در دهستان‌ها و روستاها برحسب نوع محصول متفاوت است. با افزایش ظرفیت سازگاری، درآمد فعالیت‌های غیرکشاورزی و دسترسی و ارتباط با نهادهای بیرونی آسیب‌پذیری کاهش می‌یابد. جمشیدی، اسدی و کلانتری (۱۳۹۶) بیان می‌کنند که ازجمله مهم‌ترین مکانیسم‌های سازگاری با تغییر اقلیم تغییر الگوی کشت، استفاده از روش‌های نوین آبیاری و استفاده از ارقام مقاوم به خشکی است. نتایج مطالعه زرافشانی و امیریان (۱۳۹۷) نشان می‌دهد که آبی‌پروران نسبت به کم‌آبی و افزایش دما بیشترین آسیب‌پذیری و نسبت به گرد و غبار آسیب‌پذیری کمتری دارند و تغییرات آب و هوایی پیامدهایی همچون تلفات ماهی، کوتاه شدن دوره پرورش و کاهش تولید ماهی را به دنبال داشته است. ولایی، عبدالحی، اسکندرزاده، حسین زاده و ضربی (۱۳۹۹) در پژوهشی بیان می‌کنند، مهم‌ترین عوامل ارتقای تاب‌آوری روستاییان در برابر خشکسالی، عامل سیاست‌ها و حمایت‌های دولت و عامل متنوع‌سازی اقتصاد روستایی است و عملکرد مدیران روستایی در شاخص‌های زیرساختی-کالبدی و تخصیص بودجه و منابع مالی موجب شده است تا آن‌ها مؤثرترین شاخص در ارتقای تاب‌آوری روستاییان در برابر خشکسالی باشند.

در تحقیقی تسو، امانا و کتبا^۱ (۲۰۱۲) نشان دادند که کشاورزان با سرمایه‌گذاری بهتر در مدیریت منابع طبیعی، دسترسی به بازار، دسترسی به اعتبار، داشتن آمادگی، صرفه‌جویی در دارایی‌های مادی، دسترسی به آبیاری و سطح بالاتری از آموزش، سطح تاب‌آوری بالاتری را در طی تغییرات اقلیمی و بعد از آن بروز می‌دهند. هیرمات و شیانی^۲ (۲۰۱۳) در پژوهش خود نشان دادند که متغیرهای مربوط به آسیب‌پذیری کشاورزی نقش عمده‌ای در آسیب‌پذیری کلی نسبت به تغییر اقلیم دارند. و سیاست‌ها باید در جهت توسعه ظرفیت سازگاری و ارائه ارقام محصولات مقاوم در برابر تغییر اقلیم سوق داده شود تا بتوانند با طیف گسترده‌ای از شرایط اقلیمی روبه‌رو شوند. نتایج پژوهش آبید، شفران، شنیدر و آشفاق^۳ (۲۰۱۵) نشان می‌دهد که آگاهی از تغییرات اقلیمی در سراسر منطقه گسترش یافته است و به آموزش کشاورزان و سرمایه‌گذاری بیشتر در آن برای سازگاری با تغییرات اقلیمی نیاز است. خانوارهای کشاورز

1. Tesso, Emana & Ketema

2. Hiremath & Shiyani

3. Abid, Scheffran, Schneider & Ashfaq

برای سازگاری خود در برابر تغییر اقلیم اقداماتی از جمله تغییر انواع ارقام، تغییر تاریخ کاشت و تغییر کودها را انجام می‌دهند. ام‌بکایا و اندیما^۱ (۲۰۱۵) در پژوهش خود نشان دادند که کشاورزان با سطح تحصیلات بالاتر، دسترسی به اعتبار و بازار، دسترسی به خدمات ترویج کشاورزی و شناخت الگوهای بارندگی، سطح تاب‌آوری بیشتری در زمان و بعد از وقوع شوک‌های ناشی از تغییر اقلیم نشان می‌دهند. برای پایداری و ارتقای معیشت خانواده‌ها و جوامع آسیب‌پذیر، نیاز است که دولت از کشاورزان با فراهم کردن منابع لازم در زمینه‌های اعتبارات، اطلاعات، ترویج برای آموزش کشاورزان، راهکارها و تکنولوژی‌های سازگاری با تغییر اقلیم و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های افزایش تاب‌آوری حمایت کند.

لین، چترچیان، توبین، تورن، آلد و رادهاکریشنا^۲ (۲۰۱۸) در پژوهش خود نشان دادند که کشاورزان ضمن اینکه نگران اثرات اقلیم هستند، آن‌ها همچنین تصریح می‌کنند که سایر فشارهای تجاری مانند سودآوری، شرایط بازار، در دسترس بودن نیروی کار یا مقررات دولتی اغلب مسائل مهمی هستند که بر تصمیم‌گیری آن‌ها تأثیر می‌گذارند. همچنین تصمیمات در رابطه با سازگاری با تغییر اقلیم، اقدامات تعدیلی گسترده متفاوت، تجربه شخصی در شرایط حدی آب و هوایی و تغییر فصل بر تصمیم‌گیری تأثیر می‌گذارد. پژوهش آلمو، اولاگو، واندیگا، اورياسو و امواتا^۳ (۲۰۱۹) نشان می‌دهد که دسترسی بیشتر به آبیاری و کودهای کشاورزی، بهبود انواع محصولات، اندازه خانوار کوچک، بهبود اندازه مالکیت زمین‌های کشاورزی، دسترسی بیشتر به خدمات آموزش و ترویج کشاورزی از جمله زمینه‌های مؤثر مداخله‌گری برای بهبود تاب‌آوری خانوارها و کاهش سطح آسیب‌پذیری خانوارها در برابر اثرات تغییر اقلیم و افزایش کل تولیدات کشاورزی خانوارهاست.

نتایج پژوهش ابوباتا^۴ (۲۰۲۱) نشان می‌دهد درختان مرکبات شرایط سرما و یخبندان را تحمل نمی‌کنند و دمای زیر ۶- درجه سانتی‌گراد به سوختن کامل درختان (سوختگی برگ و شاخه) منجر می‌شود. شرایط سخت آب و هوایی باعث کاهش عملکرد می‌شود. استفاده از

1. Mbakahya & Ndiema

2. Lane, Chatrchyan, Tobin, Thorn, Allred & Radhakrishna

3. Alemu, Olago, Wandiga, Oriaso & Amwata

4. Abobatta

پایه‌های متحمل نقش مهمی در تولید پایدار مرکبات در شرایط آب و هوایی سخت دارد. با توجه به مطالب بیان شده، پژوهش‌های مختلف به شکل‌های متفاوتی موضوع آسیب‌پذیری، تاب‌آوری و مکانیسم‌های آن را در برابر تغییرات اقلیمی بررسی کرده‌اند. این موضوع بیانگر آن است که مناطق مختلف مسائل مختص به خود را از لحاظ شرایط اقلیمی، نوع محصول و منطقه‌ای که پژوهش در آن انجام شده است، دارند.

۳. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی است و از لحاظ پارادایم در گروه تحقیقات کیفی آمیخته قرار دارد و از روش تحلیل استقرایی بهره گرفته است. این مطالعه از ترکیب دو روش‌شناسی مطالعه موردی^۱ و نظریه داده‌بنیاد^۲ برای طراحی، گردآوری و تحلیل داده‌ها استفاده کرده است. برای جمع‌آوری داده‌ها از روش‌هایی همچون مشاهدات میدانی، مصاحبه-های نیمه‌ساختارمند و گروه‌های متمرکز^۳ و اسناد (داده‌های هواشناسی و گزارش‌های جهاد کشاورزی) بهره گرفته شد. کارشناسان سازمان جهاد کشاورزی استان مازندران (۵ نفر) و شهرستان جویبار (۴ نفر) در بخش‌های باغبانی و ترویج کشاورزی، همچنین ۱۸ نفر از مروجان مسئول پهنه‌های کشاورزی مراکز جهاد کشاورزی در سطح سه دهستان این شهرستان (مراکز جهاد کشاورزی مستقر در سه دهستان لاریم، چیکرود و حسن رضا) مشارکت‌کنندگان این مطالعه را تشکیل می‌دادند. علاوه بر مشاهدات میدانی در باغات سه دهستان مذکور، تعداد ۲۰ مصاحبه نیمه‌ساختارمند و سه گروه متمرکز با کارشناسان و مروجان مذکور انجام گرفت.

برای شناسایی و انتخاب نمونه کارشناسان مدنظر از روش نمونه‌گیری هدفمند مبتنی بر روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی بهره گرفته شد. در این زمینه مبنای انتخاب و معرفی افراد جدید به صورت گلوله‌برفی، اطلاع داشتن از چالش‌های اقلیمی مرکبات و فعالیت میدانی آن‌ها در زمینه مدیریت بحران‌های مربوط به مرکبات بود. به دلیل شرایط به‌وجودآمده ناشی از همه-گیری کرونا و ضرورت رعایت پروتکل‌های بهداشتی، ضمن رعایت این پروتکل‌ها با انجام

-
1. Case study
 2. Grounded theory
 3. Focus groups

مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند و برگزاری گروه‌های متمرکز با تعداد محدود، اقدام به جمع‌آوری اطلاعات شد. در ابتدا در نظر بود که داده‌ها از طریق گروه‌های متمرکز با حضور کارشناسان سطوح مختلف گردآوری شود و ابتدا سه گروه متمرکز تشکیل شد، ولی به دلیل به وجود آمدن وضعیت قرمز ناشی از کرونا در منطقه، امکان ادامه تشکیل گروه‌های متمرکز وجود نداشت؛ بنابراین در ادامه جمع‌آوری داده‌ها تا رسیدن به اشباع تئوریک از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختارمند انجام گرفت.

آسیب‌پذیری، تاب‌آوری و سازگاری شاخص‌های مهم بررسی شده در این مطالعه بودند. اگرچه تغییرات اقلیمی می‌تواند به شکل‌های مختلفی باغات و باغداران را تحت‌تأثیر قرار دهد، با توجه به اولویت تغییرات دمایی حادی و وقوع یخبندان و سرمازدگی از سوی کارشناسان، در این مقاله بر آسیب‌پذیری ناشی از یخبندان و سرمازدگی تأکید شده است و دیگر ابعاد تغییرات اقلیمی در نوشتارهای دیگر بحث خواهد شد. در این مطالعه برای بررسی شاخص در معرض خطر بودن آسیب‌پذیری (به‌ویژه یخبندان و سرمازدگی)، از داده‌های هواشناسی (تغییرات دما، دماهای حداقل و تعداد روزهای یخبندان) در طی سال‌های مختلف و نظرات کارشناسان استفاده شد. داده‌های مربوط به شاخص حساسیت آسیب‌پذیری و آسیب‌های واردشده به باغات نیز براساس نظرات کارشناسان و تحلیل گزارش‌های رسمی سازمان جهاد کشاورزی استان درمورد خسارت‌های ناشی از وقوع یخبندان و سرمازدگی به باغات به دست آمد. درباره آسیب‌پذیری، پرسش‌های زیر از کارشناسان مطرح شد:

- وضعیت تغییر اقلیم (وقوع پدیده‌های اقلیمی مانند یخبندان، سرمازدگی و غیره) در منطقه

چگونه بوده است و کدام‌یک بیشتر باغداران را آسیب‌پذیر کرده است؟

- آسیب‌پذیری تولید مرکبات و باغداران را در برابر پدیده‌های اقلیمی سرمازدگی و یخبندان

(از لحاظ در معرض وقوع خطر بودن) و حساسیت باغات به سرمازدگی و یخبندان در

منطقه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

- چه آسیب‌ها و خساراتی ناشی از وقوع سرمازدگی و یخبندان بر تولید و باغداران مرکبات

منطقه وارد شده است؟

سؤالات کلی پرسش شده از کارشناسان برای بررسی سازگاری و مکانیسم‌های تاب‌آوری عبارت بودند از: «چه راهبردها یا سازوکارهای مطلوبی برای افزایش تاب‌آوری و سازگاری باغداران و تولید مرکبات در برابر پدیده‌های سرمازدگی و یخبندان وجود دارد؟» «چه راهبردها یا سازوکارهایی برای افزایش تاب‌آوری و سازگاری باغداران و تولید مرکبات در برابر پدیده‌های سرمازدگی و یخبندان از سوی کارشناسان به باغداران معرفی شده‌اند یا حمایت شده‌اند؟» «چه سازوکارهایی در این زمینه توسط باغداران به کار گرفته شده است؟» این سازوکارها براساس چهار مرحله مدیریت بحران مدنظر قرار گرفتند و از ابعاد مختلف ازجمله راهبردهای مالی و اعتباری، فیزیکی - نهاده‌ای و دانشی - تکنیکی بررسی شدند.

روایی و پایایی در پژوهش‌های کیفی به‌ویژه مطالعات موردی اهمیت زیادی دارد و از ابعاد مختلف مدنظر قرار می‌گیرد. هم در گردآوری داده‌ها و هم هنگام تجزیه و تحلیل داده‌ها و تهیه گزارش اهمیت خود را نشان می‌دهد. به روش‌های مختلف بررسی روایی و پایایی در پژوهش‌های کیفی انجام می‌شود؛ مانند روش مثلث‌سازی، استفاده از شواهد و مدارک از چند منبع مختلف، ارتباط دادن هر چه بیشتر این شواهد و مدارک با یکدیگر و ساختن پایگاه داده - ها از اطلاعات جمع‌آوری شده (یین^۱، ۲۰۰۹).

در این پژوهش به‌منظور تأیید و اطمینان از روایی و پایایی داده‌ها، ابتدا براساس پرسش‌های اصلی پژوهش، درباره سؤالات مدنظر توسط تیم پژوهش و گروهی از متخصصان مرتبط در پژوهش‌شکده مرکبات کشور بحث و بررسی شد و در فرایند گردآوری داده‌ها یادداشت‌برداری و ثبت وضبط انجام شد؛ به‌گونه‌ای که امکان مراجعه مکرر برای مرور مصاحبه‌ها و یادداشت‌ها فراهم شد. در این تحقیق داده‌ها و شواهد را هم از کارشناسان سطح استان هم کارشناسان سطح شهرستان و هم از کارشناسان سطح دهستان گردآوری کرده‌ایم. بخش دیگری از مدارک و شواهد را از داده‌های هواشناسی و گزارش‌های سازمان جهاد کشاورزی استان به دست آوردیم و با ایجاد زنجیره‌ای از مدارک و شواهد سعی شد ارتباط بین این شواهد و مدارک مختلف با هم دیده شود. زمانی که داده‌ها جمع‌آوری می‌شد، سعی شد با کارشناسان مختلف کار بازنگری انجام شود تا صحت و سقم موارد مطرح شده مشخص

شود. برای حصول اطمینان از دقت و اعتماد به نتایج پژوهش و روایی درونی، از مثلث‌سازی و ارتباط داده‌ها استفاده شد. بدین منظور با ارتباط بین یافته‌های حاصل از روش گروه متمرکز و روش مصاحبه نیمه‌ساختارمند، نتایج به‌دست‌آمده از بررسی و تحلیل اسناد و گزارش‌های مربوطه بررسی و مقایسه شدند و روابط بین مفاهیم و مقولات اولیه از نظر روایی درونی نیز مدنظر قرار گرفت. هنگام تجزیه و تحلیل داده‌ها سعی شد این مقولات و ارتباطات بین این مقولات از متن داده‌ها و مفاهیم مختلف استخراج شود. چه در کدگذاری محوری و چه در کدگذاری کانونی به طور مداوم ارتباط بین این مقولات مختلف مدنظر قرار گرفت. در بحث روایی بیرونی سعی شد تا مشارکت‌کنندگان به تعداد کارشناسان کمتر محدود نشود و به جای اینکه یک مرکز جهاد کشاورزی از یک دهستان انتخاب شود، سه مرکز جهاد کشاورزی از سه دهستان انتخاب شد. درواقع از مطالعه چندموردی استفاده شد که این امر تکرارپذیری تحقیق را بیشتر می‌کند و از روایی بیرونی لازم برخوردار می‌شود. برای موضوع پایایی (اعتبار) تلاش شد تا از داده‌های به‌دست‌آمده یک پایگاه داده‌ها ایجاد شود؛ یعنی داده‌های به‌دست‌آمده از همه افراد مشارکت‌کننده در پژوهش از طریق مصاحبه‌ها و گروه‌های متمرکز و داده‌های ثانویه به صورت مجموعه‌ای درآمد که بعداً براساس این داده‌ها مفاهیم و مقولات اولیه استخراج شدند. هدف اصلی نظریه داده‌بنیاد تبیین یک پدیده به واسطه بررسی و شناخت مفاهیم، گزاره‌ها و مقولات آن پدیده و سپس طبقه‌بندی این عناصر با توجه به روابط در فرایند کار است (گلیسر^۱، ۱۹۶۸). درنظریه داده‌بنیاد، از طریق مفهوم‌سازی و کدگذاری‌ها، پژوهشگر به دنبال استخراج مفاهیم، ساخت مقوله‌های اولیه، اصلی و کانونی، فرضیه‌ها یا نظریه‌هاست. برای اجرای نظریه داده‌بنیاد چندین کار انجام می‌شود. ابتدا داده‌ها با نمونه‌گیری مناسب و انتخاب افراد گردآوری شده و سپس داده‌های به‌دست‌آمده کدگذاری می‌شود. کدگذاری در سه مرحله یعنی کدگذاری باز^۲، کدگذاری محوری^۳ و کدگذاری انتخابی^۴ انجام می‌گیرد. در طی این مراحل کدگذاری، مفاهیم و مقولات اولیه استخراج شده و مقولات اصلی براساس آن‌ها ساخته می‌شود؛ همچنین

1. Glaser

2. open coding

3. axial coding

4. selective coding

روابط بین این مقولات اصلی مدنظر قرار می‌گیرد و در ادامه مقولات کانونی ساخته می‌شود و با بررسی روابط بین آن‌ها فرضیه‌ها ساخته خواهد شد. در مطالعات موردی، تجزیه و تحلیل داده‌ها هم در فرایند گردآوری داده‌ها و هم پس از آن انجام می‌شود (برایمن^۱، ۲۰۱۶). در پژوهش حاضر در هر مرحله از پژوهش، داده‌های جمع‌آوری شده در قالب یادداشت‌های میدانی و نوارهای ضبط شده ثبت شد و نیز بسیاری از مفاهیمی که در هنگام گردآوری داده‌ها استخراج می‌شوند، زمانی که داده‌های نهایی گردآوری شدند، از آن‌ها استفاده می‌شود. سپس داده‌های ثبت‌شده در نرم افزار وُرد پیاده‌سازی شده و پس از بررسی خط به خط متن مصاحبه‌ها، مفاهیم مرتبط با پرسش‌های پژوهش شناسایی و مشخص شدند. پس از پیاده‌سازی و استخراج مطالب جمع‌آوری شده از طریق گروه‌های متمرکز و مصاحبه‌ها، داده‌ها با استفاده از نظریه داده‌بنیاد از طریق کدگذاری در نرم‌افزار اطلس تی‌آی (Atlas ti 9) طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل شد. در این مطالعه ابتدا مفاهیم استخراج شد و با مفاهیم مرتبط به هم با توجه به ویژگی‌های مشابه مقولات اولیه ساخته شد. در ادامه با مقولات اولیه با توجه به ارتباطی که با هم داشتند، مقولات اصلی ساخته شد. در نهایت، آن دسته از مقولات اصلی به‌دست‌آمده که ارتباطی نزدیک با هم داشتند، در یک مقوله کانونی قرار گرفتند.

۴. مبانی نظری تحقیق

تغییرات اقلیمی را می‌توان به‌عنوان مخاطره‌ای پیچیده و طولانی توصیف کرد که چندوجهی (از خشکسالی به سیل) و چندبعدی (از محلی به جهانی) است و دارای جنبه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت و پیامدهای نامعلومی است (اوبراین، اوکیف، رز و ویزنر^۲، ۲۰۰۶). همچنین تغییر اقلیم به تغییرات چشمگیر و مداوم در حالت متوسط سیستم اقلیم دلالت دارد که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به فعالیت‌های انسانی مربوط می‌شود (به‌عنوان مثال، انتشار گازهای گلخانه‌ای توسط انسان) که ترکیب جو زمین را در دوره‌های زمانی طولانی تغییر می‌دهد. این موارد شامل تغییراتی مانند دمای متوسط، بارش، رطوبت، باد و تمام

1. Bryman

2. O'Brien, O'Keefe, Rose & Wisner

جنبه‌های دیگر اقلیم زمین می‌شود (هامسو^۱، ۲۰۱۵). تأثیرپذیری بخش کشاورزی و کشاورزان از تغییرات اقلیمی را باید با نگاه به مفاهیم آسیب‌پذیری، تاب‌آوری و ظرفیت سازگاری و ارتباط بین آن‌ها بررسی و تحلیل کرد. اصطلاح آسیب‌پذیری توسط بسیاری از جوامع تحقیقاتی مختلف و به روش‌های متفاوت، از جمله افرادی که در زمینه امنیت معیشت، امنیت غذایی، حوادث طبیعی، مدیریت ریسک بحران، بهداشت عمومی، تغییرات زیست‌محیطی - جهانی و تغییر اقلیم مربوط هستند، به کار می‌رود (فوژل و کلین^۲، ۲۰۰۶). در گزارش هیئت بین دولتی تغییرات اقلیم^۳ (۲۰۰۷) آسیب‌پذیری به شرح زیر تعریف شده است: درجه‌ای که یک سیستم در مواجهه با اثرات نامطلوب تغییر اقلیم، حساس و ناتوان است. آسیب‌پذیری تابعی از ویژگی و میزان تغییر اقلیم و تغییری که سیستم در معرض آن قرار دارد، حساسیت آن و ظرفیت سازگاری آن است (لودویگ^۴ و همکاران، ۲۰۰۷). آدگر^۵ (۲۰۰۶) تحول رویکردهای آسیب‌پذیری را که در علوم اجتماعی و علوم طبیعی صورت می‌گیرد بررسی می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که آسیب‌پذیری اغلب از سه مؤلفه تشکیل شده است که شامل مواجهه با اختلالات و تنش‌های خارجی، حساسیت به اختلال و ظرفیت سازگار شدن است. آسیب‌پذیری مانند تاب‌آوری در برابر اختلالاتی که بر سیستم تأثیر می‌گذارد، خاص است؛ به عبارت دیگر، یک سیستم می‌تواند در برابر اختلالات خاصی آسیب‌پذیر باشد و به اختلالات دیگر آسیب‌پذیر نباشد (گالوپین^۶، ۲۰۰۹). آسیب‌پذیری که به طور گسترده تعریف شده است، سطحی است که جامعه در آن سطح به تأثیرات منفی حساس است و در برخورد با آن تأثیرات و بازسازی آن ناتوان است. مفهوم نزدیک به آسیب‌پذیری، تاب‌آوری است. تشخیص داده شده است که زمینه‌های همپوشانی در برداشت ما از هر دو وجود دارد. آسیب‌پذیری احتمالی است که جامعه توسط یک رویداد منفی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، تاب‌آوری، تجزیه و تحلیل می‌کند که تا چه اندازه جامعه می‌تواند در مقابل تغییرات شدید مقاومت کند،

1. Hameso
2. Füssel and Klein
3. Intergovernmental Panel on Climate Change (IPCC)
4. Ludwig
5. Adgar
6. Gallopín

دوباره شکل بگیرد یا در مقابل تغییر مقابله کند (لازاروس^۱، ۲۰۱۱). کاسپرسون و کاسپرسون^۲ (۲۰۰۱، ۲۰۰۵) معتقدند که آسیب پذیری طرف دیگر تاب آوری است: زمانی که یک سیستم اجتماعی یا زیست محیطی تاب آوری خود را از دست می دهد، در برابر تغییری که قبلاً می توانست جذب کند، آسیب پذیر می شود (لی، یو، ژو و یین^۳، ۲۰۱۴). کارپنتر، واکر، آندریس و آبل^۴ (۲۰۰۱) تاب آوری اجتماعی-اکولوژیک را چنین توصیف می کنند:

۱- میزان تغییری که یک سیستم می تواند متحمل شود و همچنان کنترل بر عملکرد و ساختار را حفظ می کند؛

۲- درجه ای که این سیستم قادر به سازماندهی خود (سازماندهی مجدد) برای سازگاری با تغییرات بیرونی است؛

۳- توانایی ایجاد و افزایش ظرفیت یادگیری و سازگاری (دورن^۵، ۲۰۱۷).

در ادبیات مدیریت بحران و سازگاری با اقلیم، به نظر می رسد مفهوم سوم تاب آوری به عنوان ظرفیت سازگاری، یادگیری و خود سازماندهی، در حال حاضر رایج ترین تعریف از این اصطلاح باشد. تاب آوری برای بحث آسیب پذیری به سه دلیل اهمیت دارد: اول اینکه تفکر تاب آوری کمک می کند که یک رهیافت برای همه مخاطرات (تمام خطر) با توجه به روندها، در بررسی مخاطرات برای ارزیابی همه جانبه مخاطرات تهیه شود؛ دوم اینکه تاب آوری بر توانمندی یک سیستم برای مواجهه با خطر تأکید دارد. این امر اجازه می دهد تا به شکل های مختلفی که امکان دارد، پاسخ داده شود؛ از جمله توانایی سیستم برای جذب اختلال که یا از آن چیزی بیاموزد یا سازگاری با آن صورت گیرد یا پس از تأثیر دوباره سازماندهی شود؛

1. Lazarus

2. Kaperson & Kaperson

3. Lei, Yue, Zhou & Yin

4. Carpenter, Walker, Anderies & Abel

5. Doorn

سوم، به دلیل اینکه تاب‌آوری با پویایی پاسخ در برابر خطرات سروکار دارد، تاب‌آوری به دنبال بررسی گزینه‌های سیاستی برای مقابله با عدم قطعیت و تغییر است (برکس^۱، ۲۰۰۷). تاب‌آوری به عنوان یک رویکرد به سیاست‌گذاران و متخصصان در مدیریت چالش‌های تغییر اقلیم، به ویژه در مورد عدم اطمینان کمک می‌کند (آلدونس، هندمر، بیلین و هودن^۲، ۲۰۱۶).

۵. یافته‌های تحقیق

۵.۱. آسیب‌پذیری و حساسیت مرکبات در برابر سرمازدگی

مطالعات و گزارش‌های موجود پژوهش‌کننده مرکبات و میوه‌های نیمه‌گرمسیری نشان می‌دهند، هنگامی که دمای حداقل هوا به کمتر از صفر درجه سانتی‌گراد کاهش یابد، از لحاظ فیزیولوژیک، گیاهان حساس تحت تأثیر این کاهش دما قرار می‌گیرند و آسیب می‌بینند. مرکبات به عنوان یکی از انواع گیاهان نیمه‌گرمسیری و همیشه‌سبز به دماهای یخ‌زدگی حساس‌اند و دچار آسیب می‌شوند. میزان آسیب وارده به چندین عامل از جمله گونه، رقم، دمای یخ‌زدگی، مدت زمان پایداری دمای پایین، شرایط گیاه قبل از تنش و سن گیاه وابسته است. درخصوص در معرض خطر بودن و حساسیت و آسیب‌پذیری مرکبات چندین موضوع از جمله حساسیت میوه و حساسیت درخت به سرما و یخبندان، میزان دمای یخ‌زدگی، زمان وقوع و مدت پایداری آن قابل بحث و بررسی است. درختان ارقام مختلف مرکبات، حساسیت متفاوتی به تنش یخ‌زدگی نشان می‌دهند. عموماً وقتی دمای هوا به $-1/7$ درجه سانتی‌گراد به مدت ۳۰ دقیقه یا طولانی‌تر کاهش می‌یابد، برخی علائم آسیب یخ‌زدگی در درختان مرکبات حساس بروز می‌کند. به‌طور کلی، میوه مرکبات به آسانی در دمای $-2/2$ تا $-3/3$ درجه سانتی‌گراد زمانی که این دما برای چند ساعت پایدار باشد، یخ می‌زند. درجه حرارتی که در آن میوه‌های مرکبات آسیب می‌بینند، بسته به گونه و درجه رسیدگی میوه متفاوت است. میوه‌های بالغ یا رسیده، مواد جامد محلول بیشتری در مقایسه با میوه‌های نابالغ دارند و این مواد جامد محلول در برابر سرما به‌عنوان ضدیخ (برای کاهش دمایی که در آن مایع یخ می‌زند)

1. Berkes

2. Aldunce, Handmer, Beilin & Howden

عمل می‌کنند؛ بنابراین میوه‌های بالغ تحمل بیشتری در مقایسه با میوه‌های نابالغ در برابر سرما دارند. تعیین درجه حرارت بحرانی مشخص برای میوه مرکبات مشکل است؛ زیرا عوامل متعددی بر آن تأثیر دارد. مدت‌زمان پایداری دمای پایین، قدرت رشد درخت، شرایط آب و هوایی قبل از یخ‌زدگی، بلوغ میوه و سرعت کاهش دما همگی بر میزان آسیب به میوه پرتقال و سایر مرکبات مؤثرند. درجه حرارت‌های بحرانی که در آن میوه مرکبات یخ می‌زند، برای برخی از مرکبات در جدول ۱ آمده است (فتوحی قزوینی و فتاحی‌مقدم، ۱۳۸۹؛ هاشم‌پور و همکاران، ۱۳۹۶).

جدول ۱- حساسیت مرکبات: درجه حرارت‌های بحرانی برای یخ‌زدن و آسیب برخی میوه‌های مرکبات

مأخذ: هاشم‌پور و همکاران، ۱۳۹۶

دمای بحرانی	میوه	
	مرحله رسیدگی	نام فارسی میوه
-۱/۹ تا -۱/۴	سبز	پرتقال‌ها
-۲/۸ تا -۱/۷	نیمه رسیده	
-۳/۹ تا -۱/۷	رسیده	
-۳/۵ تا -۱/۷	رسیده	نارنگی
-۱/۴ تا -۰/۸	رسیده	لمون‌ها

بررسی گزارش‌های سازمان جهادکشاورزی نشان می‌دهد که سرما و یخبندان‌های شدید در دو دهه اخیر، نتایج زیانبار و ویران‌کننده‌ای را برای بسیاری از گیاهان زراعی و باغی در پی داشته است؛ به‌طوری‌که یخبندان‌های سال‌های ۱۳۸۶، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۵ به باغات و باغداران مرکبات استان مازندران آسیب‌ها و خسارات شدیدی وارد کرد. براساس داده‌های هواشناسی، وقوع پدیده سرمازدگی و یخبندان را می‌توان به صورت دوره‌ای در طی دهه‌های گذشته در این استان مشاهده کرد.

۲.۵. تحلیل روند تغییرات دما براساس داده‌های هواشناسی

برای بررسی روندهای تغییر دما در طی دوره‌ای ۳۰ ساله از داده‌های هواشناسی دو ایستگاه ساری و قراخیل قائم‌شهر که نزدیک به شهرستان جویبار هستند، استفاده شد. شایان ذکر است که ایستگاه ساری نزدیک‌ترین شرایط اقلیمی را با شهرستان جویبار دارد، ولی به دلیل شروع کار از سال ۱۳۷۹، داده‌های اقلیمی آن برای ۲۰ سال موجود بود؛ بنابراین داده‌های ایستگاه قراخیل قائم‌شهر که از سال ۱۳۶۹ موجود هستند نیز تحلیل شدند. تحلیل داده‌های هواشناسی ایستگاه ساری و قراخیل نشان می‌دهد که متوسط بارش سالانه دو ایستگاه به ترتیب ۷۵۰ و ۷۱۵ میلی‌متر و متوسط دما به ترتیب ۱۸/۲ و ۱۷/۳ درجه سانتی‌گراد گزارش شده است. حداقل مطلق دما در هر دو ایستگاه ۶- درجه سانتی‌گراد، حداکثر مطلق دما به ترتیب ۴۲/۶ و ۴۰/۶ درجه سانتی‌گراد و میانگین تعداد روزهای یخبندان به ترتیب ۸ و ۱۴ روز در ایستگاه‌های ساری و قراخیل در دو دوره زمانی بیست‌ساله و سی‌ساله ثبت شده است (جدول ۲).

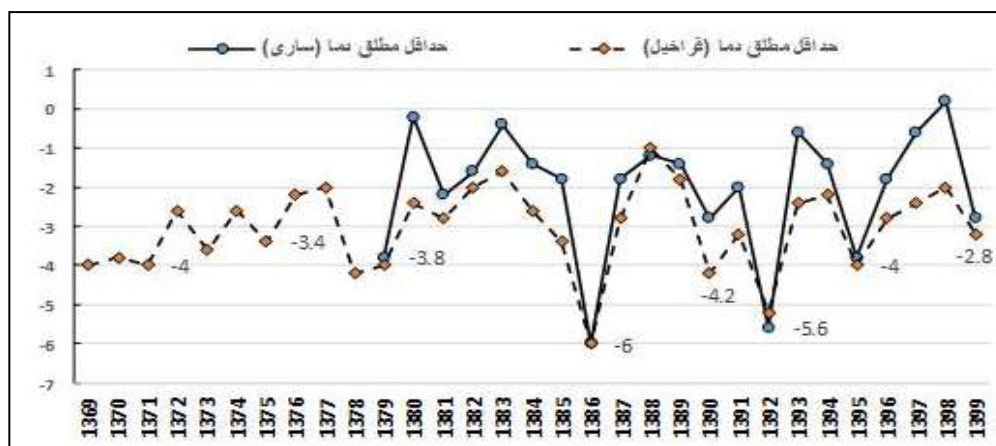
جدول ۲- روند تغییرات بارش، دمای سالانه و تعداد روزهای یخبندان در ایستگاه‌های ساری و قراخیل در طول دوره آماری (۱۳۶۹-۱۳۹۹)

مأخذ: سازمان هواشناسی کشور، ۱۴۰۰

ایستگاه ساری (۱۳۶۹-۱۳۹۹)				ایستگاه قراخیل (قائم‌شهر) (۱۳۶۹-۱۳۷۹)				متغیر
حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	
۱۷/۱	۱۹/۲	۱۸/۲	۰/۶	۱۵/۸	۱۸/۴	۱۷/۳	۰/۷	متوسط دمای سالانه (C^0)
-۶	۰/۲	-۲	۱/۶	-۶	-۱	-۳	۱/۱	حداقل مطلق دما (C^0)
۳۵/۶	۴۲/۶	۳۸/۷	۱/۷	۳۲/۶	۴۰/۶	۳۷/۴	۱/۹	حداکثر مطلق دما (C^0)
۰	۳۲	۸	۷/۷	۰	۴۰	۱۴/۲	۹/۴	تعداد روزهای یخبندان
۵۳۸/۶	۱۰۶۶/۶	۷۵۰/۱	۱۳۳/۷	۵۲۵	۹۴۱/۳	۷۱۵/۵	۱۰۹/۱	بارش (mm)

بررسی روند تغییرات دمایی حداقل دمای مطلق در شکل ۱ نشان می‌دهد که در منطقه چه در گذشته و چه در حال حاضر وقوع دمای زیر ۳- درجه سانتی‌گراد دیده می‌شود؛

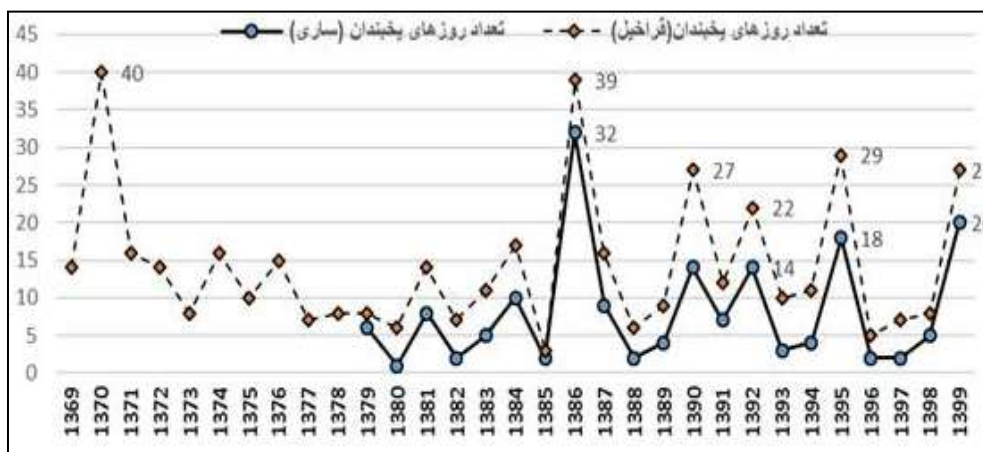
هرچند در دو دهه اخیر دماهای حدی پایین در منطقه بیشتر مشاهده می شود که تأییدکننده تغییرات اقلیمی است. بررسی حداقل مطلق دمای سی ساله در ایستگاه قراخیل نشان می دهد در سال های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۱، ۱۳۷۳، ۱۳۷۵ و ۱۳۷۸ حداقل مطلق دمای هوا به زیر ۳- درجه سانتی گراد رسیده است. همچنین کمترین حداقل مطلق دما سالانه در هر دو ایستگاه در سال های ۱۳۷۹، ۱۳۸۶، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۵ اتفاق افتاد (۳/۸- تا ۶- درجه سانتی گراد) که به دلیل مصادف بودن این پدیده با زمان قبل از برداشت محصول، خسارات واردشده به باغات و باغداران بسیار بالا بوده است. علاوه بر این، در سال های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۹ در ایستگاه قراخیل عدد زیر ۳- درجه سانتی گراد و در سال ۱۳۹۹ در ایستگاه ساری حداقل مطلق دمای ۲/۸- درجه سانتی گراد ثبت شده است، ولی به دلیل وقوع این پدیده بعد از زمان برداشت محصول، خسارات کمتر گزارش شد. این داده ها نظرات کارشناسان مشارکت کننده در پژوهش حاضر را نیز تأیید می کند؛ همچنین داده ها نشان می دهد، در دو دهه اخیر وقوع دماهای حدی زیر منفی ۳- درجه سانتی گراد در منطقه به شدت در حال افزایش است که این موضوع با توجه به دماهای بحرانی میوه مرکبات (جدول ۱)، ارقام حساس مرکبات را در منطقه آسیب پذیرتر می کند.



شکل ۱- روند تغییرات حداقل مطلق دما بر حسب درجه سانتی گراد در ایستگاه های ساری و قراخیل در

طول دوره آماری (۱۳۶۹-۱۳۹۹)

مأخذ: یافته های پژوهش، ۱۴۰۰



شکل ۲- روند تغییرات تعداد روزهای یخبندان در ایستگاه‌های ساری و قراخیل در طول دوره آماری (۱۳۶۹-۱۳۹۹)

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

شکل ۲ تعداد روزهای یخبندان سالانه دو ایستگاه را نشان می‌دهد که بیشترین روزهای یخبندان در سال‌های ۱۳۷۰ (ایستگاه قراخیل)، ۱۳۸۶، ۱۳۹۰، ۱۳۹۲، ۱۳۹۵ و ۱۳۹۹ اتفاق افتاده است. با ملاحظه شکل ۱ مشخص می‌شود که کمترین حداقل مطلق دما هم تقریباً در همین سال‌ها روی داده است. این موضوع نشان می‌دهد که نه تنها در دو دهه اخیر وقوع دماهای حدی منفی پایین‌تر از دمای بحرانی و زیاد شدن تعداد روزهای یخبندان در منطقه به شدت رو به افزایش است، بلکه هم‌زمانی وقوع این دو پدیده نیز مشاهده می‌شود. این مسئله با توجه به دماهای بحرانی که در آن‌ها میوه‌های مرکبات دچار یخ‌زدگی می‌شوند (جدول ۱)، ارقام حساس مرکبات در منطقه را به شدت آسیب‌پذیرتر می‌کند.

۳.۵. تحلیل دیدگاه کارشناسان مشارکت‌کننده

مشارکت‌کنندگان این پژوهش را کارشناسان مراکز جهاد کشاورزی دهستان‌های واقع در شهرستان جویبار، کارشناسان باغبانی و ترویج مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان جویبار و کارشناسان مدیریت‌های باغبانی و ترویج سازمان جهاد کشاورزی استان مازندران تشکیل می‌دادند. تقریباً ۵۹ درصد مشارکت‌کنندگان مرد و ۴۱ درصد زن بودند. از لحاظ سطح

تحصیلات، ۲۹/۶ درصد آن‌ها دارای مدرک کارشناسی، ۵۱/۹ درصد در سطح کارشناسی ارشد و ۱۸/۵ درصد در سطح دکتری گروه‌بندی شدند. میانگین سن آن‌ها نیز ۴۳ سال بود. همه کارشناسان تجربه میدانی و آشنایی با وضعیت سرمازدگی و یخبندان‌های دهه اخیر در باغات مرکبات را داشتند.

به منظور تحلیل دیدگاه‌های کارشناسان با استفاده از روش‌شناسی نظریه داده‌بنیاد، ابتدا نقل‌قول‌ها و مباحث کارشناسان از طریق کدگذاری باز تحلیل شد؛ به این ترتیب که پس از پیاده‌سازی متن مصاحبه‌های انجام‌شده، در نرم‌افزار اطلس تی‌آی (Atlas.ti9) داده‌ها عبارت به عبارت و کلمه به کلمه بررسی شدند و نکات مهم و کلیدی آن به عنوان مفاهیم استخراج شدند. در ادامه، برحسب ویژگی‌های مشابه‌ای که بین مفاهیم وجود داشت، سطح بالاتری از انتزاع به دست آمد و از بین مفاهیم مشابه مقوله‌های اولیه ساخته شدند. در انتهای مرحله کدگذاری باز، ۷۰ مقوله اولیه به دست آمد که در جدول ۳ آمده‌اند. در ادامه، از طریق کدگذاری محوری، مقولات اولیه مقایسه شدند و از بین مقوله‌های مشابه مقوله‌های اصلی ساخته شدند. هدف این مرحله، برقراری رابطه بین مقوله‌های اولیه به وجودآمده در مرحله کدگذاری باز بود؛ به طوری که از بین ۷۰ مقوله اولیه، ۲۵ مقوله اصلی در مرحله کدگذاری محوری ساخته شد (جدول ۳).

جدول ۳- مفهوم‌سازی و مقوله‌یابی حاصل از داده‌ها در کدگذاری‌های باز و محوری

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های اولیه	برخی از مفاهیم
در معرض خطر تغییرات اقلیمی بودن	افزایش وقوع پدیده‌های حدی اقلیمی در دو دهه اخیر در مقایسه با گذشته	تغییرات دمایی، سرماهای شدید و یخبندان، خشکسالی، سال‌های اخیر، بیشتر شدن تغییرات دمایی در مقایسه با سی و چهل سال گذشته
	وقوع مکرر سرما و یخبندان در دو دهه اخیر	سرما و یخبندان سال ۸۶، برف شدید سال ۹۲، سرما و یخبندان سال ۹۵
	وقوع پدیده‌های خشکسالی، بارش تگرگ و باران سیل‌آسا	خشکسالی، تگرگ، باران‌های سیل‌آسا
حساسیت مرکبات بخصوص ارقام جدید به	متحمل بودن ارقام محلی	ارقام قدیمی، موجود بودن ارقام قدیمی از قبل در منطقه، تاحدی مقاوم بودن به سرما و یخبندان، خسارت کمتر

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های اولیه	برخی از مفاهیم
سرمازدگی و یخبندان		نارنگی
	حساسیت و خسارت شدید ارقام جدید	خسارت زیاد ارقام جدید به دلیل سرما و یخبندان، وقوع سرمازدگی بیشتر در دو دهه اخیر، کشت ارقام جدید حساس، زیاد مقاوم نبودن، خسارت بیشتر تامسون
کاهش تولید	کاهش بارآوری درختان	افزایش نابهنگام دما در پاییز و زمستان، واردشدن درختان به فاز زایشی و گل دادن، کاهش شدید دما، خسارت به گل‌ها و ریزش گل
	افزایش سال آوری درختان	افزایش نابهنگام دما در پاییز و زمستان، واردشدن درختان به فاز زایشی و گل دادن، کاهش شدید دما، خسارت به گل‌ها و ریزش گل، تأثیر روی سال آوری سال بعد
	کاهش عملکرد	افزایش نابهنگام دما در پاییز و زمستان موجب گل دادن درختان، کاهش شدید دما، تأثیر روی نگهداری میوه روی درختان و ریزش محصول
افزایش مصرف کودها	جبران کاهش عملکرد	استفاده از انواع و اقسام کودها، جبران کاهش عملکرد
	افزایش مصرف انواع کودها	مصرف زیاد انواع و اقسام کودها، کود فسفیت پتاسیم، کودهای اسیدآمین دار
خسارات وارده به درخت و میوه در اثر سرمازدگی	خسارت به میوه ناشی از سرما و یخبندان	یخبندان و سرمای شدید سال ۹۵، تلخ شدن میوه در اثر یخبندان و سرمای شدید، خشک شدن آب میوه‌ها در اثر یخبندان و سرمای شدید
	خسارت به تنه ناشی از سرما و یخبندان	خشک شدن درختان، خشک شدن نهال‌های جوان، در اثر یخبندان و سرمای شدید سال‌های ۸۶ و ۹۵
	خسارت به سرشاخه ناشی از سرما و یخبندان و برف	برف شدید سال ۹۲، شکستن سرشاخه درختان در اثر برف شدید، سوختگی شاخه و برگ درختان در اثر یخبندان و سرمای شدید سال‌های ۸۶ و ۹۵
	کاهش قابلیت انبارداری و بازارپسندی ناشی از سرما و یخبندان و تگرگ	بارش تگرگ، خسارت به میوه‌ها در اثر تگرگ، کاهش قابلیت انبارداری، کاهش بازارپسندی، خسارت به میوه‌ها در اثر یخبندان و سرما
افزایش شیوع آفات و بیماری	افزایش شیوع انواع آفات و بیماری	ترک پوست درختان حساس در اثر سرما و یخبندان، پوست‌های ترک‌خورده محل نفوذ قارچ‌ها و گسترش آن، فعالیت بیشتر و زودتر آفت مگس میوه در اثر شروع زودتر گرما

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های اولیه	برخی از مفاهیم
خسارت‌های مالی	افزایش هزینه تولید	تنش ناشی از سرما و یخبندان، زیاده‌بودن قیمت انواع کودها، افزایش مصرف انواع و اقسام کودها
	کاهش درآمد باغدار	کاهش سود، کاهش قیمت محصول
تأثیر روانی منفی	تأثیر روانی منفی بر باغدار و خانواده‌اش	وابسته بودن زندگی اکثر باغداران به باغ، خسارات وارد شده بر باغ در اثر یخبندان و سرمای شدید، تأثیر روانی منفی روی باغدار و خانواده‌اش
اقدامات موجود پیشگیرانه باغداران برای کاهش خسارت قبل از وقوع سرمازدگی	برداشت زودهنگام میوه	برداشت زودهنگام میوه
	بهداشت محدود باغ	ایجاد زه‌کش، رعایت محدود بهداشت باغ
	محل‌لپاشی تغذیه‌ای خیلی محدود با فسفیت پتاسیم	تغذیه مناسب، محل‌لپاشی، خیلی محدود، فسفیت پتاسیم
	پوشاندن محدود تنه درختان جوان	پوشاندن محدود تنه، درختان جوان، فوم یا گونی
	سمپاشی با قارچ کش در چند نوبت	زدن قارچ کش اکسی کلرور مس، در چند نوبت
اقدامات موجود باغداران برای کاهش خسارت هنگام وقوع سرمازدگی	غرقاب محدود باغ با آب چاه	غرقاب کردن محدود، کف باغ، با آب چاه
	مه‌پاشی محدود شبانه با آب چاه	مه‌پاشی، روی درختان، با آب چاه، در طول شب
	ایجاد محدود دود و گرما	ایجاد محدود دود، ایجاد محدود گرما
اقدامات موجود باغداران برای کاهش خسارت بعد از وقوع سرمازدگی	استفاده محدود از پایه و ارقام مناسب	انتخاب پایه مناسب، انتخاب رقم مناسب
	محل‌لپاشی تغذیه‌ای خیلی محدود با فسفیت پتاسیم	تغذیه مناسب، محل‌لپاشی خیلی محدود، فسفیت پتاسیم
	پوشش خیلی محدود قسمتهای آسیب‌دیده تنه درختان با چسب باغبانی	پوشاندن خیلی محدود، قسمت‌های آسیب دیده تنه درختان، با چسب باغبانی
لزوم افزایش دانش و تجربه باغداران و کارشناسان در مواجهه با پدیده‌های اقلیمی	افزایش دانش و تجربه کارشناسان در مواجهه با تغییر اقلیم	افزایش دانش کارشناسان، زیاد شدن تجربه کارشناسان، نسبت به تغییر اقلیم و نحوه مواجهه با آن
	افزایش دانش و تجربه باغداران در مواجهه با تغییر اقلیم	افزایش دانش باغداران، زیاد شدن تجربه باغداران، نسبت به تغییر اقلیم و نحوه مواجهه با آن

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های اولیه	برخی از مفاهیم
مکانیسم‌های پیشگیرانه (تاب‌آوری) قبل از وقوع سرمازدگی (کاهش خطر)	اصلاح نوع کشت	گرایش برخی از باغداران به سمت کشت برنج همراه با کار باغداری، تعادل بین باغ و کشت برنج، دچار خسارت شدن در یک محصول (مثلاً باغ) محصول برنج خود را دارد، کف‌بر کردن درختان باغ توسط برخی از باغداران، تغییر نوع کشت از باغ به شالیزاری
	کاهش خطر (اقدام پیشگیرانه): ۱- تغذیه مناسب ۲- رعایت بهداشت باغ ۳- جلوگیری از وارد شدن تنش به درختان	ایجاد زه‌کش مناسب، استفاده از کود حیوانی در پای درختان باغ، تغذیه مناسب، محلولپاشی با فسفیت پتاسیم، زدن قارچ‌کش اکسی کلرورمس، مبارزه با آفات و علف‌های هرز، جلوگیری از وارد شدن هر گونه تنش به درختان
مکانیسم‌های آمادگی (تاب‌آوری) در برابر تأثیر سرمازدگی بر درختان باغ	آمادگی: ۱- دریافت پیش‌آگاهی‌های هواشناسی و توصیه‌های ترویجی ۲- برداشت زودتر محصول ۳- مهیا کردن ملزومات مه‌پاشی و ملزومات ایجاد دود و گرما در باغ ۴- کاربرد مواد ضدتنش یخبندان ۵- پیچیدن تنه درختان جوان	پیچیدن تنه درختان جوان با گونی یا فوم، مهیا کردن ملزومات ایجاد دود و گرما در باغ (بخاری باغی، پنکه باغی، لاستیک کاه و کلش)، آماده کردن سیستم مه‌پاش، کاربرد مواد ضد تنش یخبندان، برداشت زودتر محصول، دریافت پیش‌آگاهی‌های هواشناسی، دریافت توصیه‌های ترویجی
مکانیسم‌های آنی (تاب‌آوری) برای کاهش خسارت هنگام و پس از وقوع سرمازدگی (پاسخ)	غرقاب کل باغ با آب چاه	غرقاب کل کف باغ، آب چاه
	مه‌پاشی شبانه کل باغ با آب چاه	مه‌پاشی، روی همه درختان، با آب چاه، درطول شب
	ایجاد دود و گرما در کل باغ	ایجاد دود، ایجادگرما، درون باغ
	پاسخ : ۱- حذف شاخه‌های آسیب‌دیده ۲- برداشت و جمع‌آوری میوه-های آسیب‌دیده ۳- تغذیه مناسب و متعادل با توجه به میزان آسیب ۴- کنترل آفات و بیماری‌ها	حذف شاخه‌ها و میوه‌های آسیب‌دیده، جمع‌آوری میوه آسیب‌دیده، هرس درختان آسیب‌دیده، تغذیه مناسب و متعادل درختان با توجه به میزان آسیب با ترکیبات اسید آمینه‌دار و فسفیت پتاسیم، کنترل آفات و بیماری‌ها (زدن قارچ‌کش اکسی کلرور مس)

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های اولیه	برخی از مفاهیم
مکانیسم‌های بلندمدت (تاب‌آوری) برای بازسازی باغات بعد از وقوع سرمازدگی	تغذیه مناسب	تغذیه مناسب، محلولپاشی با فسفیت پتاسیم، تغذیه با کودهای اسید آمینه‌دار
	پوشش قسمت‌های آسیب‌دیده تنه کل درختان با چسب باغبانی	پوشاندن قسمت‌های آسیب‌دیده تنه همه درختان، با چسب باغبانی
	زدن قارچ کش اکسی کلرور مس	زدن قارچ‌کش اکسی کلرور مس، بعد از وقوع سرمازدگی
	بازسازی: ۴- تغییر الگوی کشت ۱- انتخاب مکان و سیستم کشت مناسب در احداث باغ ۲- تغییر پایه و ارقام حساس و کاشت پایه و ارقام زودرس و متحمل ۳- کشت در شرایط حفاظت شده در گلخانه	تغییر ارقام و پایه، کاشت پایه و ارقام مناسب زودرس و متحمل به جای ارقام حساس، کاشت نهال ارقام مقاوم در بین درختان خسارت دیده، انتخاب مکان مناسب احداث باغ، احداث بادشکن، انتخاب سیستم کشت مناسب (جوی پشته) امکان کشت در شرایط حفاظت شده در گلخانه و پوشش، تغییر الگوی کشت
حمایت محدود نظام دانش و نوآوری کشاورزی در مدیریت بحران	کسب محدود اطلاعات کاهش خسارت از طریق دوره‌های ترویجی	دوره‌های ترویجی، توصیه‌های ارائه‌شده، استفاده از ارقام مقاوم، استفاده از بخاری باغی، محلول‌پاشی با فسفیت پتاسیم برای افزایش تحمل درختان
	بازدید محدود کارشناس و ارائه توصیه برای کاهش خسارت	بازدید از باغ، کارشناسان جهاد کشاورزی، توصیه به محلول‌پاشی برای نجات درختان، انبارنزدن میوه خسارت‌دیده، نداشتن ماندگاری
	کسب اطلاعات محدود از فروشندگان سموم	فروشندگان سموم، گرفتن توصیه، استفاده از ترکیبات اسید آمینه‌دار
	فعالیت‌های ترویجی بسیار محدود سازمان‌های غیردولتی و خصوصی	فعالیت خیلی محدود، شرکت‌های خدمات فنی و مشاوره‌ای، کلینیک‌های خصوصی
	ضعف پیش‌آگاهی هواشناسی از طریق رسانه‌های جمعی	نبود پیش‌آگاهی، وقوع سرمازدگی، وقوع یخبندان، چند سال اخیر، دادن پیش‌آگاهی محدود در سال ۹۵، ارسال پیامک از جهاد کشاورزی، اخبار هواشناسی تلویزیون
حمایت‌های مالی و	ناچیز بودن مقدار خسارت	پرداخت خسارت بلاعوض، میزان خیلی کم خسارت

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های اولیه	برخی از مفاهیم
اعتباری ضعیف در مدیریت بحران	بلاغرض	داده شده
	پرداخت محدود تسهیلات کم بهره	پرداخت تسهیلات کم بهره برای آبیاری قطره‌ای، پرداخت نکردن تسهیلات کم بهره به خسارت ناشی از سرمازدگی و یخبندان
	پوشش ضعیف بیمه‌ای	بیمه باغات، پرداخت غرامت، دیرپرداختن غرامت، تناسب نداشتن غرامت پرداختی با خسارت وارد شده
حمایت‌های نهاده‌ای ضعیف در مدیریت بحران	معرفی نکردن ارقام مناسب	ارقام مقاوم و سازگار، معرفی نکردن از طرف مراکز تحقیقاتی
	عرضه ناچیز نهال یارانه‌ای	نهال یارانه‌ای، عرضه به میزان ناچیز درموردی
	نبود حمایت‌های فیزیکی	نبود حمایت‌های فیزیکی، ندادن بخاری باغی
	نبود نهاده باکیفیت و قیمت مناسب	نهاده کود و سم، کیفیت پایین نهاده کود و سم، قیمت خیلی زیاد

در مرحله بعد، از طریق کدگذاری انتخابی، مقوله‌های کانونی، براساس نتایج دو مرحله قبلی کدگذاری باز و محوری ساخته شدند. با استفاده از نرم افزار Atlas.ti⁹، در این کدگذاری، پس از مقایسه و تجزیه و تحلیل مقولات اصلی، آن دسته از مقوله‌هایی که ارتباطی نزدیک با همدیگر داشتند، در یک مقوله کانونی قرار گرفتند. در نهایت در این مرحله ۲۵ مقوله اصلی به ۵ مقوله کانونی تبدیل شدند که عبارت بودند از: ۱) آسیب پذیری مرکبات در برابر پدیده‌های اقلیمی؛ ۲) آسیب‌ها، خسارت‌ها و پیامدهای تغییر اقلیم (سرمازدگی)؛ ۳) مکانیسم‌های اجرایی شده توسط باغداران برای افزایش تاب‌آوری باغات مرکبات در برابر سرمازدگی؛ ۴) مکانیسم‌های مناسب پیشنهادی توسط کارشناسان برای افزایش تاب‌آوری باغات مرکبات در برابر سرمازدگی و ۵) حمایت‌های محدود مالی، اعتباری، نهاده‌ای و دانشی (جدول ۴).

جدول ۴- مقوله‌های کانونی حاصل از کدگذاری انتخابی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

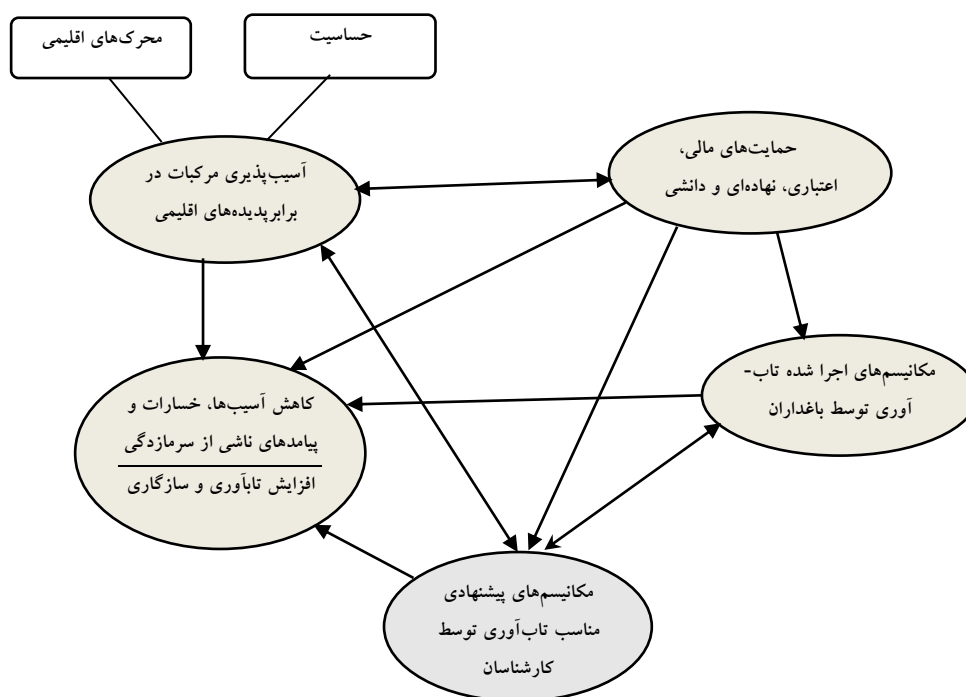
مقولات اصلی	مقولات کانونی
در معرض خطر تغییرات اقلیمی بودن	آسیب‌پذیری مرکبات در برابر
حساسیت مرکبات به خصوص ارقام جدید به سرمازدگی و یخبندان	پدیده‌های اقلیمی
کاهش تولید	آسیب‌ها، خسارت‌ها و پیامدهای

مقولات اصلی	مقولات کانونی
خسارات وارد شده به درخت و میوه ناشی از سرمازدگی	تغییر اقلیم (سرمازدگی)
افزایش مصرف انواع کودها	
افزایش شیوع آفات و بیماری	
خسارت های مالی	
تأثیر منفی روانی	
اقدامات موجود پیشگیرانه باغداران برای کاهش خسارت قبل از وقوع سرمازدگی	مکانیسم های اجرایی شده توسط باغداران برای افزایش تاب آوری باغات مرکبات در برابر سرمازدگی
اقدامات موجود باغداران برای کاهش خسارت هنگام وقوع سرمازدگی	
اقدامات موجود باغداران برای کاهش خسارت بعد از وقوع سرمازدگی	
لزوم افزایش دانش و تجربه باغداران و کارشناسان در مواجهه با پدیده های اقلیمی	مکانیسم های مناسب پیشنهادی توسط کارشناسان برای افزایش تاب آوری باغات مرکبات در برابر سرمازدگی
مکانیسم های پیشگیرانه تاب آوری قبل از وقوع سرمازدگی (کاهش خطر)	
مکانیسم های آمادگی تاب آوری در برابر تأثیر سرمازدگی بر درختان باغ	
مکانیسم های آنی تاب آوری برای کاهش خسارت هنگام و پس از وقوع سرمازدگی (پاسخ)	
مکانیسم های بلندمدت تاب آوری برای بازسازی باغات بعد از وقوع سرمازدگی	
حمایت محدود نظام دانش و نوآوری کشاورزی در مدیریت بحران	حمایت های محدود مالی، اعتباری، نهاده ای و دانشی
حمایت های مالی و اعتباری ضعیف در مدیریت بحران	
حمایت های نهاده ای ضعیف در مدیریت بحران	

۶. بحث

پدیده های اقلیمی و آسیب ها و خسارت های ناشی از آن ها نیازمند بررسی جامع و به کارگیری مکانیسم های تاب آوری و مدیریت آن هاست؛ هرچند ظرفیت سازگاری جامعه در این خصوص از اهمیت زیادی برخوردار است و لازم است به صورت ویژه از ابعاد مختلف بررسی شود. این مطالعه با هدف تحلیل آسیب پذیری و آسیب ها و خسارات ناشی از وقوع پدیده اقلیمی سرمازدگی و یخبندان، همچنین مکانیسم های تاب آوری تولید و باغداران مرکبات در راستای جلوگیری از آسیب ها و کاهش آسیب پذیری در مقابل این پدیده اقلیمی در

استان مازندران با استفاده از روش کیفی نظریه داده‌بنیاد انجام شد. یافته‌ها نشان داد که آسیب‌پذیری و تاب‌آوری باغداران را می‌توان در قالب یک مدل پارادایمی متشکل از پنج مؤلفه یا مقوله کانونی تحلیل کرد (شکل ۳: ۱) آسیب‌پذیری مرکبات در برابر پدیده‌های اقلیمی؛ ۲) آسیب‌ها، خسارت‌ها و پیامدهای تغییر اقلیم (سرمازدگی)؛ ۳) مکانیسم‌های اجرایی شده توسط باغداران برای افزایش تاب‌آوری باغات مرکبات در برابر سرمازدگی؛ ۴) مکانیسم‌های مناسب پیشنهادی توسط کارشناسان برای افزایش تاب‌آوری باغات مرکبات در برابر سرمازدگی؛ ۵) حمایت‌های مالی، اعتباری، نهاده‌ای و دانشی.



شکل ۳- روابط مقوله‌های آسیب‌پذیری، خسارت، سیاست‌های حمایتی و تاب‌آوری

همان‌طور که در شکل ۳ ملاحظه می‌شود، اگر حمایت‌های مالی، اعتباری، نهاده‌ای و دانشی کم باشد، آسیب‌پذیری افزایش می‌یابد و آسیب‌ها و خسارت‌ها نیز بیشتر می‌شود. اگر این حمایت‌ها بیشتر باشد، آسیب‌پذیری، آسیب‌ها و خسارت‌ها کاهش می‌یابد. اگر مکانیسم‌های

مناسب‌تری پیشنهاد داده شود و این مکانیسم‌ها توسط باغداران، بیشتر و به‌موقع اجرا شوند، آسیب‌ها و خسارات کاهش پیدا می‌کند. از طرفی روند تغییرات دمایی نشان می‌دهد که در سال‌های گذشته نه‌تنها وقوع دماهای حدی پایین کم نشده بلکه بیشتر هم شده است. این مسئله باغات منطقه را در معرض خطر دمای حدی پایین قرار می‌دهد و موجب واردشدن آسیب و خسارات به آن‌ها می‌شود؛ بنابراین برنامه‌ها و سیاست‌های استفاده از ارقام متحمل و زودرس در منطقه باید دنبال شود و با استفاده از این ارقام حساسیت به محرک‌های اقلیمی کاهش یافته و باید ظرفیت‌ها نیز افزایش یابد.

۱.۶. آسیب‌پذیری مرکبات در برابر پدیده‌های اقلیمی

همان‌طور که بیان شد، براساس گزارش هیئت بین دولتی تغییرات اقلیم (IPCC) (۲۰۰۷) و نظرات آدگر (۲۰۰۶)، آسیب‌پذیری شامل دو بحث در معرض خطر بودن و حساسیت است و ظرفیت سازگاری و تاب‌آوری به‌عنوان متغیرهای دیگر آن سوی آسیب‌پذیری قرار می‌گیرند که می‌توانند آن را تعدیل کنند (گالوپین^۱، ۲۰۰۹؛ لودویگ و همکاران، ۲۰۰۷؛ لین و همکاران، ۲۰۱۴). با عنایت به این موضوع آسیب‌پذیری مرکبات در برابر پدیده‌های اقلیمی از دو بخش مهم تشکیل می‌شود: الف) حساسیت مرکبات به‌خصوص ارقام جدید به سرمازدگی و یخبندان و ب) در معرض خطر تغییرات اقلیمی بودن. درخصوص در معرض خطر بودن و حساسیت و آسیب‌پذیری مرکبات دو موضوع حساسیت میوه و حساسیت درخت به سرما و یخبندان و زمان وقوع آن‌ها باید مد نظر قرار گیرد. ارقام مرکبات موجود در منطقه حساسیت زیاد به سرما و یخبندان دارند. به‌طور کلی، میوه‌ها حساسیت بیشتری در مقایسه با شاخه‌ها و برگ‌ها به سرما و یخبندان دارند. میوه مرکبات به‌آسانی در دمای ۲/۲- تا ۳/۳- درجه سانتی‌گراد، زمانی که این دما برای چند ساعت پایدار باشد، آسیب می‌بیند و دچار یخ‌زدگی می‌شود. ممکن است میوه از نظر ظاهری تغییری نکند، ولی طعم میوه کاملاً عوض شده و تلخ می‌شود. مقاومت درختان در مقابل سرما و یخبندان به عواملی از جمله نوع پایه و ارقام درخت، مدت سرما، بافت خاک (رسی و آبدار بودن خاک)، وجود باد و ارتفاع باغ از سطح دریا بستگی دارد.

1. Gallopín

به‌طور کلی، برگ‌ها در صفر درجه سلسیوس خسارت می‌بینند و با از دست دادن کلروفیل سفید شده و می‌ریزند (هاشم‌پور و همکاران، ۱۳۹۶).

از نظر مشارکت‌کنندگان، مقاومت ارقام مختلف مرکبات به تنش یخبندان نیز حد آستانه تحمل دارد؛ یعنی ارقام متحمل (همچون نارنگی انشو) در شرایط تنش یخبندان شدید نیز دچار خسارت می‌شود که این وضعیت در تنش یخبندان دو دهه اخیر در برخی از باغات مشاهده شده است. آن‌ها به این موضوع نیز تأکید داشتند. در مناطقی که احتمال وقوع دماهای حدی پایین وجود دارد، از کاشت ارقام حساس به سرما و یخبندان باید خودداری شود. این نتایج با یافته‌های ابوباتا (۲۰۲۱) در یک راستاست. تحلیل داده‌های هواشناسی و نظرات کارشناسی هر دو تأیید می‌کنند که در طی چهار دهه گذشته ارقام مرکبات در منطقه به‌طور مداوم در معرض خطر بوده‌اند، ولی در طی دو دهه اخیر این میزان در معرض خطر قرار گرفتن به مراتب بیشتر شده است؛ به‌طوری‌که دماهای حدی خیلی پایین‌تر و به دفعات بیشتری اتفاق افتاده است.

۲.۶. آسیب‌ها، خسارت‌ها و پیامدهای تغییر اقلیم (سرمزدگی)

از یک سو، حساسیت‌ها و در معرض خطر بودن زیاد و از سوی دیگر، ظرفیت سازگاری کم جامعه به وقوع آسیب‌ها و خسارت‌های ناشی از وقوع پدیده‌های اقلیمی، به‌ویژه سرمزدگی منجر شده است. با وقوع سرمزدگی و یخبندان و بارش برف در سال‌های ۱۳۸۶، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۵ باغداران استان غافل‌گیر شدند و آسیب‌ها و خسارات شدیدی به باغات مرکبات‌شان (درختان و میوه) وارد شد که متعاقب آن با کاهش تولید و عرضه محصول به بازار، کاهش بازارپسندی و از بین رفتن بسیاری از درختان مرکبات معیشت آن‌ها را دچار آسیب کرد؛ به‌خصوص در سال ۱۳۹۵ که با وقوع نابهنگام سرمزدگی و یخبندان و بارش سنگین برف در روزهای سوم و چهارم آذرماه با توجه به اینکه زمان برداشت محصول اصلی مرکبات استان (پرتقال تامسون) هنوز آغاز نشده بود (زمان برداشت انواع پرتقال در اواخر آذر و اوایل دی ماه است) و میوه‌ها روی درخت قرار داشتند، این موضوع میزان خسارات و آسیب‌های وارد شده را به شدت افزایش داد. به این موارد هم در گزارش‌های رسمی سازمان جهاد کشاورزی درخصوص وقوع سرمزدگی و یخبندان و بارش برف در سال‌های ۱۳۸۶،

۱۳۹۲ و ۱۳۹۵ و هم توسط کارشناسان مشارکت‌کننده در پژوهش تأکید شد. ازجمله این آسیب‌ها، خسارت‌ها و پیامدها می‌توان به کاهش تولید (در سال‌های بعد از وقوع و واردشدن تنش شدید به درختان که به کاهش بارآوری درختان و عدم نگهداری میوه روی درختان و ریزش محصول منجر می‌شود) و خسارات واردشده به درخت و میوه (سوختگی شاخه و برگ و خشک شدن درختان، تلخ شدن میوه، کاهش قابلیت انبارداری و بازارپسندی) اشاره کرد. دیگر پیامدها و آسیب‌ها عبارت بودند از: افزایش مصرف انواع کودها (برای تقویت درختان و جبران کاهش عملکرد)، افزایش شیوع آفات و بیماری (به دلیل ضعف درختان ناشی از تنش شدید واردشده به آن‌ها، پوست‌های ترک‌خورده محل نفوذ قارچ‌ها می‌شود) و خسارت‌های مالی و تأثیر منفی روانی بر باغدار و خانواده او (به دلیل ازدست دادن کامل محصول و درآمد حاصل از فروش آن و نیز آسیب شدید به درختان و سوختگی و خشک شدن آن‌ها). ابوباتا (۲۰۲۱) نیز در پژوهش خود به نتایج مشابهی دست یافت؛ بنابراین نتایج حاصل یافته‌های دیگران را نیز تأیید می‌کند؛ ازاین‌رو پدیده‌های اقلیمی به دلیل حساسیت‌هایی که مرکبات دارند، می‌توانند خسارت‌های زیادی به تولید و باغداران وارد کنند.

۳.۶. مکانیسم‌های مناسب پیشنهادی توسط کارشناسان برای افزایش تاب‌آوری باغات مرکبات در

برابر سرمازدگی

از دید مشارکت‌کنندگان، علاوه بر مکانیسم‌هایی که به صورت خیلی محدود توسط باغداران منطقه به کار گرفته می‌شود، می‌توان مکانیسم‌ها و سازوکارهای مناسبی را برای افزایش تاب‌آوری باغات مرکبات و باغداران در برابر پدیده‌های اقلیمی مانند سرمازدگی و یخبندان به کار گرفت که در صورت اجرای صحیح و به موقع و در سطح گسترده در باغات منطقه، باعث جلوگیری و کاهش آسیب‌ها و خسارت‌های وارده به باغات می‌شود. این مکانیسم‌های افزایش تاب‌آوری عبارت‌اند از:

- مکانیسم‌های پیشگیرانه تاب‌آوری قبل از وقوع سرمازدگی (کاهش خطر) که شامل اقداماتی ازجمله اصلاح نوع کشت (برنامه‌ریزی برای تعادل بین کشت مرکبات و کشت محصولات زراعی غالب منطقه مانند برنج برای ایجاد پایداری نسبی در اقتصاد خانوار و جلوگیری از پیامدهای منفی آسیب‌ها و خسارت‌های واردشده ناشی از وقوع این پدیده‌های

اقلیمی)، رعایت بهداشت باغ (مبارزه با آفات، بیماری‌ها و علف‌های هرز و ایجاد زه‌کش مناسب)، تغذیه مناسب (استفاده از کود حیوانی در پای درختان، محلول‌پاشی گسترده با فسفیت پتاسیم) و جلوگیری از وارد شدن تنش به درختان است؛

- مکانیسم‌های آمادگی تاب‌آوری در برابر تأثیر سرمازدگی بر درختان باغ که شامل اقداماتی مانند دریافت و پیگیری پیش‌آگاهی‌های هواشناسی و توصیه‌های ترویجی، برداشت زودتر محصول، مهیا کردن ملزومات مه‌پاشی و ملزومات ایجاد دود و گرما در باغ، کاربرد مواد ضد تنش یخبندان و پیچیدن تنه درختان جوان می‌شود؛

- مکانیسم‌های آبی تاب‌آوری برای کاهش خسارت هنگام و پس از وقوع سرمازدگی (پاسخ)، با توجه به اینکه وقوع پدیده‌های سرمازدگی و یخبندان و اثرگذاری آن‌ها به‌طور آبی اتفاق نمی‌افتد و زمان وقوع آن‌ها از چند روز قبل پیش‌بینی‌شدنی است و تا وقوع مدت‌زمانی طول می‌کشد؛ بنابراین این مکانیسم‌های کاهش خسارت هنگام و پس از وقوع سرمازدگی اهمیت زیادی دارند. این مکانیسم‌ها عبارت‌اند از: غرقاب کل باغ با آب چاه، مه‌پاشی شبانه کل باغ با آب چاه، ایجاد دود و گرما در کل باغ، برداشت و جمع‌آوری میوه‌های آسیب‌دیده، حذف شاخه‌های آسیب‌دیده، تغذیه مناسب و متعادل با توجه به میزان آسیب (با فسفیت پتاسیم و ترکیبات اسید آمینه‌دار) و کنترل آفات و بیماری‌ها؛

- مکانیسم‌های بلندمدت تاب‌آوری برای بازسازی باغات بعد از وقوع سرمازدگی شامل اقداماتی از جمله پوشش قسمت‌های آسیب‌دیده تنه کل درختان با چسب باغبانی، زدن قارچ-کش اکسی کلرور مس، تغذیه مناسب، انتخاب مکان و سیستم کشت مناسب در احداث باغ، تغییر پایه و ارقام حساس و کاشت پایه و ارقام زودرس و متحمل، کشت در شرایط حفاظت شده (پوشش گلخانه) و تغییر الگوی کشت می‌شود؛

- مکانیسم لزوم افزایش دانش و تجربه باغداران و کارشناسان در مواجهه با پدیده‌های اقلیمی؛ این موضوع موجب می‌شود که آن‌ها به‌خصوص باغداران در زمان احداث باغ و انتخاب نوع ارقام برای کاشت ضمن لحاظ کردن ملاحظات و شرایط اقلیمی منطقه، از ارقام و پایه‌های مناسب برای کاشتن در باغ استفاده کنند؛ همچنین در زمان وقوع پدیده‌های اقلیمی سرمازدگی و یخبندان با فراهم کردن امکانات مورد نیاز و با به‌کارگیری به‌موقع روش‌های

مناسب باعث جلوگیری و کاهش آسیب‌ها و خسارات شوند؛ البته دانش و تجربه در همه مراحل پیشگیری و قبل از وقوع، هنگام وقوع و پس از وقوع سرمازدگی و یخبندان اهمیت دارد. همچنین لازم است پژوهش‌هایی در راستای افزایش دانش انجام شود تا بتواند دانش مناسب و به‌روز را در اختیار باغداران و کارشناسان در مواجهه با پدیده‌های اقلیمی قرار دهد. پژوهشگرانی مانند جمشیدی و همکاران (۱۳۹۶)، هیرم و شیانی (۲۰۱۳)، ایبید و همکاران (۲۰۱۵)، آلمو و همکاران (۲۰۱۹) و ابوباتا (۲۰۲۱) نیز در پژوهش‌های خود به نتایج مشابهی اشاره کرده‌اند.

۶.۴. مکانیسم‌های اجرا شده توسط باغداران برای افزایش تاب‌آوری باغات مرکبات در برابر

سرمازدگی

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اقدامات محدودی توسط باغداران منطقه برای افزایش تاب‌آوری باغات مرکبات در برابر سرمازدگی و یخبندان و نیز کاهش آسیب‌ها و خسارت‌ها انجام شده است. ازجمله آن‌ها می‌توان به اقدامات پیشگیرانه باغداران برای کاهش خسارت قبل از وقوع سرمازدگی (مانند برداشت زودهنگام میوه، محلول‌پاشی تغذیه‌ای مناسب (فسفیت پتاسیم)، پوشاندن تنه درختان جوان، بهداشت باغ، سمپاشی با قارچ‌کش در چند نوبت)، اقدامات هنگام وقوع سرمازدگی (مانند ایجاد دود و گرما داخل باغ، مه‌پاشی شبانه با آب چاه روی درختان، غرقاب باغ با آب چاه)، اقدامات بعد از وقوع سرمازدگی (مانند محلول‌پاشی تغذیه‌ای مناسب، پوشش قسمت‌های آسیب‌دیده تنه درختان با چسب باغبانی و استفاده از پایه و ارقام مناسب) اشاره کرد. اجرای محدود این اقدامات در سطح منطقه نتوانسته است باغات و باغداران را در برابر پدیده اقلیمی سرمازدگی تاب‌آور و مصون سازد. این نتایج با یافته‌های ایبید و همکاران (۲۰۱۵) و ابوباتا (۲۰۲۱) در یک راستاست. درواقع، مکانیسم‌های به‌کارگرفته‌شده توسط باغداران شکاف زیادی با مکانیسم‌های پیشنهادی و مناسب ارائه‌شده توسط کارشناسان دارد. حتی مکانیسم‌هایی که به کار گرفته شده است، به‌درستی و به‌موقع اجرا نمی‌شوند یا در سطح خیلی محدود و توسط تعداد خیلی کمی از باغداران انجام می‌گیرند؛ به همین دلیل این مکانیسم‌ها (موجود) نتوانستند در جلوگیری از آسیب‌ها

وخسارت‌ها موفق عمل کنند. این امر مستلزم حمایت و پشتیبانی سازمان‌های بیرونی از باغداران از لحاظ دانش و نوآوری، حمایت‌های مالی و تأمین نهاده‌های مناسب است.

۵.۶. حمایت‌های مالی، اعتباری، نهاده‌ای و دانشی

نتایج پژوهش نشان می‌دهد، حمایت‌های محدودی از لحاظ مالی و اعتباری، نهاده‌ای و دانشی بعد از وقوع سرمازدگی و یخبندان در دو دهه اخیر به باغداران منطقه صورت گرفت. ازجمله این حمایت‌ها عبارت است از: پرداخت خسارت بلاعوض، پرداخت غرامت توسط بیمه، پرداخت محدود تسهیلات کم بهره، عرضه ناچیز نهال یارانه‌ای، ارائه دانش و اطلاعات فنی برای جلوگیری و کاهش خسارت به باغداران از طریق دوره‌های ترویجی، انجام بازدیدهای کارشناسی از باغات و ارائه توصیه‌های لازم برای کاهش خسارت. ولی از دیدگاه مشارکت‌کنندگان، این حمایت‌ها بسیار محدود است و کافی نیست و حمایت‌هایی مانند معرفی ارقام مناسب مرکبات، ارائه نهاده‌های (مانند کود و سم) با کیفیت و قیمت مناسب، ارائه حمایت‌های فیزیکی مانند بخاری باغی و ارائه به موقع و دقیق پیش‌آگاهی هواشناسی نیز انجام نگرفته است. این یافته‌ها مورد تأکید محققانی همچون ولائی و همکاران (۱۳۹۹)، ابیبد و همکاران (۲۰۱۵)، ام‌باکایا و ان‌دیتما (۲۰۱۵) و آلمو و همکاران (۲۰۱۹) بوده است؛ بنابراین اگر حمایت‌های لازم از لحاظ مالی، اعتباری، نهاده‌ای و دانشی به میزان کافی و به موقع انجام شود، باعث کاهش میزان آسیب‌پذیری‌ها، آسیب‌ها و خسارت‌ها می‌شود.

۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

درخصوص در معرض خطر بودن و حساسیت و آسیب‌پذیری مرکبات باید مواردی مانند حساسیت میوه و حساسیت درخت به سرما و یخبندان و نیز زمان وقوع و مدت آن در نظر گرفته شود. تاب‌آوری هرچه بیشتر تولید مرکبات و باغداران مستلزم آن است که در درجه اول باید پذیرفت، تغییرات اقلیمی در حال رخداد است و در آینده بخش کشاورزی و ازجمله تولید مرکبات را بیشتر از امروز تحت تأثیر قرار می‌دهد. دوم اینکه، مرکبات به خصوص پرتقال به این پدیده‌های اقلیمی حساس است و با توجه به روند وقوع پدیده‌های حدی در گذشته، به خصوص در دو دهه اخیر، باید پذیرفت که این پدیده‌های حدی در آینده احتمالاً با شدت

بیشتری به مرکبات آسیب وارد می‌کنند؛ بنابراین براساس این واقعیت‌ها، باید سیاست‌ها و برنامه‌های مختلف اعم از تحقیقات، ترویج، بیمه و حمایت‌های اعتباری و نهاده‌ای برای سازگار شدن با این پدیده‌های اقلیمی تقویت شوند، ظرفیت جامعه از بعد دانش و نوآوری و تقویت امکانات مورد نیاز افزایش یابد و مکانیسم‌های تاب‌آورانه در بین باغداران تقویت شود. در این زمینه لازم است دسته‌ای از مکانیسم‌های کوتاه‌مدت آماده شود و در دسترس باشد تا هنگام رخداد پدیده سرمازدگی و یخبندان، باغداران آمادگی لازم را برای این رخداد و سازگاری با آن داشته باشند؛ به‌طوری‌که به‌سرعت چند روز قبل از رخداد پدیده، اطلاع‌رسانی پیش‌آگاهانه صورت گیرد و باغداران بتوانند مکانیسم‌های تاب‌آورانه را در جریان وقوع خطر به کار گیرند. درواقع، برخلاف برخی مخاطرات، سرما و یخبندان خیلی سریع و در مدت‌زمان کوتاهی آسیب و خسارت را وارد می‌کند. علاوه بر این، لازم است مکانیسم‌های بلندمدت کاهش خطر و بازسازی نیز معرفی و به کار گرفته شوند. در مناطقی که در برخی از سال‌ها آسیب و خسارت در اثر وقوع سرمازدگی و یخبندان وارد شده است، ضرورت دارد مکانیسم‌های بازسازی از جمله استفاده از ارقام زودرس انجام گیرد. در این زمینه، انتخاب و معرفی ارقام مقاوم به تنش‌های محیطی به‌ویژه سرما و سرمازدگی و سازگار با شرایط اقلیمی منطقه باید در برنامه‌ها و سیاست‌های پژوهش و ترویج در نظر گرفته شود.

همان‌طور که بیان شد، از باغداران در منطقه به شکل محدودی حمایت صورت گرفته است و کافی نیست. انتظار این است، ضمن اینکه این حمایت‌ها به اندازه کافی، به‌موقع و در سطح گسترده انجام شود، حمایت‌هایی مانند معرفی ارقام مناسب مرکبات، ارائه نهاده‌های باکیفیت و قیمت مناسب، ارائه حمایت‌های فیزیکی مانند بخاری باغی و ارائه به‌موقع و دقیق پیش‌آگاهی هواشناسی نیز به کار رود تا ضمن افزایش تاب‌آوری، باغداران منطقه از آن‌ها برای کاهش آسیب‌پذیری و جلوگیری و کاهش آسیب‌ها و خسارات ناشی از پدیده‌های اقلیمی استفاده و بهره‌برداری کنند.

همچنین باید با هماهنگی و همکاری بسیار نزدیکی بین سازمان‌های مرتبط دولتی و غیردولتی (از جمله سازمان هواشناسی، جهاد کشاورزی، صدا و سیما و مراکز پژوهشی، ترویجی و دانشگاهی)، اطلاع‌رسانی مداوم، دقیق و زودهنگام درخصوص بروز پدیده‌های

سرمازدگی و یخبندان و ارائه توصیه‌های لازم برای جلوگیری و کاهش آسیب‌ها و خسارات ناشی از وقوع آن‌ها به باغداران انجام شود.

تشکر و قدردانی

از حمایت‌های مالی صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور و دانشگاه زنجان در انجام این پژوهش سپاسگزاری می‌شود.

کتاب‌نامه

۱. جمشیدی، ا.، اسدی، ع.، و کلانتری، خ. (۱۳۹۶). سازوکارهای سازگاری با تغییر اقلیم کشاورزان خرده‌پای استان همدان. *علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، ۱۳ (۲)، ۱۰۹-۱۳۰.
۲. زرافشانی، ک.، و امیریان، ش. (۱۳۹۷). بررسی آسیب پذیری آبی پروران نسبت به تغییرات آب و هوایی مورد مطالعه: شهرستان قصرشیرین. *راهبردهای توسعه روستایی*، ۵ (۱)، ۳۳-۵۰.
۳. سازمان جهاد کشاورزی. (۱۳۹۶). *گزارشات خسارات سرمازدگی باغات مرکبات استان مازندران* (منتشر نشده). ساری، سازمان جهاد کشاورزی.
۴. سازمان هواشناسی کشور. (۱۴۰۰). *داده‌های اقلیمی ایستگاه‌های هواشناسی استان مازندران*. بازیابی از <http://www.irimo.ir>
۵. فتوحی قزوینی، ر.، و فتاحی مقدم، ج. (۱۳۸۹). *پرورش مرکبات در ایران*. رشت: دانشگاه گیلان.
۶. ودادی، ا.، کرمی دهکردی، ا.، و میرموسوی، س. ح. (۱۳۹۰). *تحلیل آسیب‌پذیری کشاورزان سبزی و صیفی‌کار با استفاده از چارچوب معیشت‌های روستایی پایدار: مطالعه موردی در شهرستان اسداباد*. دانشگاه زنجان، دانشکده کشاورزی زنجان. بازیابی از <http://ganj.irandoc.ac.ir/articles/576433>
۷. وزارت جهاد کشاورزی. (۱۳۹۹). *آمارنامه کشاورزی سال ۱۳۹۸ (جلد سوم: محصولات باغبانی)*. تهران: وزارت جهاد کشاورزی، معاونت برنامه‌ریزی و اقتصادی، مرکز فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات.
۸. ولائی، م.، عبدالحی، ع.، اسکندرزاده، آ.، حسین زاده، ا.، و ضربی، ه. (۱۳۹۹). *تحلیل نقش مدیریت روستایی در افزایش تاب‌آوری روستاییان در برابر خشکسالی (مطالعه موردی: شهرستان میاندوآب)*. *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۵ (۳)، ۸۵۷-۸۷۲.

۸. هاشم پور، ا.، تاجور، ی.، شیخ اشکوری، ع.، عبادی، ه.، فتاحی مقدم، ج.، فقیه نصیری، م.، و گل محمدی، م. (۱۳۹۶). بررسی آسیب سرما و یخزدگی در مرکبات و کیوی استان مازندران (آذرماه ۱۳۹۵). رامسر، پژوهشکده مرکبات و میوه‌های نیمه گرمسیری.

9. Abid, M., Scheffran, J., Schneider, U. A., & Ashfaq, M. (2015). Farmers' perceptions of and adaptation strategies to climate change and their determinants: The case of punjab province, pakistan. *Earth System Dynamics*, 6(1), 225-243.
10. Abobatta, W. (2021). Managing citrus orchards under climate change. *MOJ Eco Environ Sci*, 6(2), 43-44 .
11. Adger, W. N. (2006). Vulnerability. *Global Environmental Change*, 16(3), 268-281.
12. Aldunce, P., Handmer, J., Beilin, R., & Howden, M. (2016). Is climate change framed as 'business as usual' or as a challenging issue? The practitioners' dilemma. *Environment and Planning C: Government and Policy*, 34(5), 999-1019 .
13. Alemu, A., Olago, D., Wandiga, S., Oriaso, S., & Amwata, D. A. (2019). Smallholder Farmers Vulnerability Level to Climate Change Impacts and Implications to Agricultural Production in Tigray Regional State, Northern Ethiopia . *Journal of Agriculture and Crops, Academic Research Publishing Group*, 5(12), 237-250.
14. Berkes, F. (2007). Understanding uncertainty and reducing vulnerability: Lessons from resilience thinking. *Natural Hazards*, 41(2), 283-295 .
15. Bryman, A. (2016). *Social research methods*. Oxford: Oxford University Press.
16. Carpenter, S., Walker, B., Anderies, J. M., & Abel, N. (2001). From metaphor to measurement: Resilience of what to what? *Ecosystems*, 4(8), 765-781.
17. Doorn, N. (2017). Resilience indicators: Opportunities for including distributive justice concerns in disaster management. *Journal of Risk Research*, 20(6), 711-731.
18. Füssel, H.-M., & Klein, R. J. (2006). Climate change vulnerability assessments: An evolution of conceptual thinking. *Climatic Change*, 75(3), 301-329 .
19. Gallopín, G. C. (2006). Linkages between vulnerability, resilience, and adaptive capacity. *Global Environmental Change*, 16(3), 293-303.
20. Glaser, B. G., Strauss, A. L., & Strutzel, E. (1968). The discovery of grounded theory; strategies for qualitative research. *Nursing Research*, 17(4), 364.
21. Hiremath, D., & Shiyani, R. (2013). Analysis of vulnerability indices in various agro- climatic zones of gujarat. *Indian Journal of Agricultural Economics*, 68(1), 122-137.
22. Lane, D., Chatrchyan, A., Tobin, D., Thorn, K., Allred, S., & Radhakrishna, R. (2018). Climate change and agriculture in New York and Pennsylvania: Risk

- perceptions, vulnerability and adaptation among farmers. *Renewable Agriculture and Food Systems*, 33(3), 197-205.
23. . Lazarus, N. W. (2011). Coping capacities and rural livelihoods: Challenges to community risk management in southern sri lanka. *Applied Geography*, 31(1), 20-34 .
24. Lei, Y., Yue, Y., Zhou, H., & Yin, W. (2014). Rethinking the relationships of vulnerability, resilience, and adaptation from a disaster risk perspective. *Natural Hazards*, 70(1), 609-627.
25. Ludwig, F., Van Scheltinga, C. T., Verhagen, J., Kruijt, B., van Ierland, E., Dellink, R., . . . , & Kabat, P. (2007). *Climate change impacts on developing countries-eu accountability*. Retrieved from [https:// www.europarl.europa.eu/thinktank/en/document/IPOL-ENVI_ET\(2007\)393511](https://www.europarl.europa.eu/thinktank/en/document/IPOL-ENVI_ET(2007)393511).
26. Mbakahya, G., & Ndiema, A. (2015). Farming households' vulnerability and resilience to climate cahnge in nambale sub-county of kenya. *International Journal of Science, Environment and Technology*, 4, 1608-1617.
27. O'Brien, G., O'Keefe, P., Rose, J., & Wisner, B. (2006). Climate change and disaster management. *Disasters*, 30(1), 64-80 .
28. Tesso, G., Eman, B., & Ketema, M. (2012). Analysis of vulnerability and resilience to climate change induced shocks in north shewa, ethiopia. *Agricultural Sciences*, 3(06), 871.
29. Yin, R. K. (2009). *Case study research: Design and methods* (Vol. 5). London: Sage.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

doi : <https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2022.71650.1055>

مقاله پژوهشی - کاربردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال نوزدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۳۷

آینده‌نگاری مقابله با بحران کرونا در مقاصد گردشگری با استفاده از مدل شبکه عصبی مصنوعی

سعیده مؤیدفر (دانشیار گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه میبد، میبد، ایران، نویسنده مسئول)

moayedfar@meybod.ac.ir

نجمه نشاط (استادیار گروه مهندسی صنایع، دانشگاه میبد، میبد، ایران)

neshat@meybod.ac.ir

صص ۲۶۱ - ۲۲۹

چکیده

صنعت گردشگری، مهم‌ترین منبع درآمد و ایجاد فرصت‌های شغلی برای بسیاری از کشورهای دنیاست که موتور توسعه محسوب می‌شود. بدون شک، چنین صنعتی در مقایسه با انواع بحران‌های طبیعی، انسانی و بیولوژیک آسیب‌پذیر است و شیوع بحران‌ها این صنعت را با چالش‌های جدی مواجه می‌کند. هدف از انجام این پژوهش، ارائه یک سیستم تصمیم‌یار مبتنی بر رویکرد شبکه عصبی است که با الگوبرداری از تجربیات کشورهای مختلف در مقابله با بحران‌های گردشگری ایجاد شده است. مدل شبکه عصبی پیشنهادی با تکیه بر قابلیت تعمیم‌دهی خود قادر است تا با مدل‌سازی دینامیک‌های موجود بین «سیاست‌ها/عوامل و شرایط» حاکم بر اکوسیستم‌ها و «میزان اثربخشی سیاست‌های اتخاذ شده»، اثربخشی سیاست‌های پیش‌رو را برای بحران‌های احتمالی در اکوسیستم‌های مختلف پیش‌بینی کند. نحوه طراحی و پیاده‌سازی سیستم پیشنهادی برای بحران کرونا موردکاوی شد. خروجی‌های مدل بیانگر آن است که بهترین سیاست اتخاذ شده برای بازگشت به شرایط گردشگری قبل از این بحران بیولوژیک در ایران، بهره‌گیری از سیاست

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۳ تاریخ تصویب: ۱۴۰۱/۰۳/۲۱

«ترکیبی اقتصادی و مالی با آمادگی در مقابله با بحران» در وهله اول و سیاست «ترکیبی تمرکز بر گردشگری داخلی همراه با آمادگی» در مرتبه بعدی است که با توجه به معیارهای توسعه پایدار گردشگری و شرایط تحریم‌های اقتصادی در ایران، سیاست دوم برطبق معیار تعریف شده مدل، کاربردی‌تر خواهد بود. **کلیدواژه‌ها:** آینده‌نگاری، مدیریت بحران، بحران کرونا، مدل شبکه عصبی مصنوعی، گردشگری.

۱. مقدمه

براساس آمار شورای جهانی سفر و گردشگری^۱، بخش سفر و گردشگری بعد از «اطلاعات و ارتباطات» و «خدمات مالی» سومین بخش اقتصادی در جهان از نظر رشد اقتصادی در سال ۲۰۱۹ بوده است. سفر و گردشگری با صنایع وابسته به آن، در مجموع حدود ۱۰/۳ درصد از تولید ناخالص داخلی و ۱۰/۴ درصد از کل اشتغال دنیا را در سال ۲۰۱۹ به خود اختصاص داده است. همچنین سهم مستقیم سفر و گردشگری از تولید ناخالص داخلی جهان ۳/۲ درصد و سهم مستقیم اشتغال آن ۳/۸ درصد از کل اشتغال جهان بوده است (سازمان جهانی گردشگری^۲، ۲۰۲۰، ص. ۵۷)؛ این در حالی است که وقوع بحران‌های مختلف اعم از بحران‌های طبیعی، انسانی و بیولوژیک همواره چالشی جدی برای جوامع امروزی بوده است و گردشگری نیز یکی از آسیب‌پذیرترین صنایع در مقایسه با انواع بحران‌هاست (بکن، زامیت و هیندرکس^۳، ۲۰۱۵، ص. ۴۳۲)؛ به‌نحوی که بحران‌ها پتانسیل زیادی برای بازداشتن گردشگران از سفر به مقاصد آسیب‌دیده دارند (باهاتی، آپاهایادا و شرما^۴، ۲۰۱۶، ص. ۱۵۰).

برخی معتقدند بحران را به‌صورت یک اتفاق موردی در گردشگری نباید مطرح کرد؛ بلکه باید آن را فرایندی دانست که به‌طور سیستماتیک آغاز می‌شود، دارای دوره زمانی خاصی است، در زمان و مکان مشخصی به وقوع می‌پیوندد و تأثیرات طولانی‌مدت در بر خواهد

1. WTTC: The World Travel & Tourism Council
2. UNWTO
3. Becken, Zammit & Hendrikx
4. Bhati, Upadhyaya & Sharma

داشت (رن^۱، ۲۰۰۰، ص. ۴۵). در گذشته تجربه مواجهه با بحران‌هایی همچون زلزله، سونامی، آتش‌سوزی و خشکسالی وجود داشته که اقداماتی در زمینه مدیریت بحران برای مهار و حتی هم‌زیستی با آن‌ها در جوامع انسانی ایجاد شده است (روسلو، بکن و سانتانا گالگو^۲، ۲۰۲۰، ص. ۱)، ولی به دلیل تغییرات اقلیمی وسیع و افزایش پیچیدگی سیستم‌های اکولوژیک و اجتماعی، تأثیرات بحران‌های گردشگری به‌طور چشمگیری در دهه‌های اخیر افزایش داشته است (بکن، ماهون، رنی و شکیلا^۳، ۲۰۱۴، ص. ۹۶۰)؛ بنابراین در شرایط کنونی، شناخت صحیح عوامل مؤثر در بحران و چگونگی پاسخ به انواع آن‌ها، جزء جدانشدنی مدیریت گردشگری پایدار محسوب می‌شود (شکیلا و بکن^۴، ۲۰۱۵، ص. ۷۰).

با توجه به تأثیراتی که بحران‌های بیولوژیک و به‌خصوص بحران‌های همه‌گیر (پاندمیک) در سطح جوامع دارند، غالباً فراتر از یک فاجعه محسوب می‌شوند (ریچی^۵، ۲۰۰۴، ص. ۴۵)؛ علاوه بر آن، در مقایسه با بحران‌های طبیعی و انسانی دیگر، ناشناخته‌تر است و تجربه کافی برای مقابله با آن‌ها نیز وجود ندارد؛ از این‌رو بازگشت به قبل از بحران می‌تواند در شرایط پیچیده‌تر و زمان طولانی‌تری اتفاق افتد.

شیوع بیماری کوید-۱۹ که یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های جهانی و شدیدترین بحران اپیدمیک بعد از جنگ جهانی دوم به شمار می‌آید و از اواخر سال ۲۰۱۹ آغاز شده است، به گونه‌ای است که انتقال سریعی دارد (روته و همکاران^۶، ۲۰۲۰، ص. ۹۷۰) و پیش‌بینی می‌شود تا زمان واکسینه‌شدن همه افراد در مقابل آن، همچنان ادامه داشته باشد (گاسلینگ، اسکات و هال^۷، ۲۰۲۰، ص. ۱۵)؛ این در حالی است که جهان تعدادی از بیماری‌های پاندمی را در ۴۰ سال اخیر تجربه کرده، اما هیچ‌کدام از آن‌ها پیامدهای مشابهی با کوید ۱۹ را نداشته است؛ به-گونه‌ای که در پاندمی مشابه (شیوع آنفولانزای اسپانیایی) فقط GDP جهانی، ۶/۷ درصد کاهش یافت و خسارات اقتصادی آن در حد کوید-۱۹ نبود. به اعتقاد بانک جهانی، پاندمی کرونا،

1. Ren
2. Rossello, Becken & Santana-Gallego
3. Becken, Mahon, Rennie & Shakeela
4. Shakeela & Becken
5. Ritchie
6. Rothe
7. Gossling, Scott & Hall

چهار شوک اقتصادی شامل کاهش اشتغال، افزایش هزینه‌های معاملات بین‌المللی، کاهش شدید سفر و کاهش تقاضا برای خدماتی را در پی داشته است که نیاز به ارتباط نزدیک و مستقیم افراد با یکدیگر داشته‌اند (فروچی و ابونبی، ۱۳۹۹، ص. ۳۵)؛ به گونه‌ای که سازمان گردشگری جهانی کاهش ۲۰ تا ۳۰ درصدی تعداد گردشگران را که می‌تواند به ضرر ۳۰۰ تا ۴۵۰ بلیون دلاری منجر شود، پیش‌بینی کرده است (سازمان گردشگری جهانی^۱، ۲۰۲۰). به‌رغم پیش‌بینی صورت‌گرفته، کاهش ۷۴ درصدی گردشگران ورودی در سال ۲۰۲۰ ثبت و گزارش شده است؛ بنابراین بدیهی است در چنین شرایطی که تمامی بخش‌های مرتبط با گردشگری به‌ویژه بخش‌هایی که بیشتر از این پاندمی متضرر شده‌اند، مترصد فرصتی باشند تا در دوران پسا کرونا با شدت بیشتری به فعالیت‌ها و وضعیت قبلی خود بازگردند (مکی بین و فرناندو^۲، ۲۰۲۰).

نکته مهم آنکه صنعت گردشگری ازجمله صناعی است که نمی‌تواند از ظرفیت فعلی خود در آینده استفاده کند و به عبارت دیگر ارائه خدمات خود را به تعویق بیندازد (گاسلینگ، اسکات و هال^۳، ۲۰۲۰، ص. ۱۶)؛ بنابراین لازم است سیاست‌های مناسبی را برای بازگشت هرچه سریع‌تر به شرایط قبل از بحران در برنامه‌های خود قرار دهد.

با توجه به تجربه بحران‌های مشابه در کشورهای مختلف در دهه‌های گذشته و اقدامات انجام‌شده برای مقابله با آن‌ها، این مطالعه قصد دارد با بررسی انواع بحران‌های تأثیرگذار بر گردشگری در کشورهای توریستی و نحوه رفتار و مواجهه با آن‌ها، از طریق ایجاد یک شبکه عصبی مصنوعی، الگویی را طراحی کند تا براساس آن امکان پیش‌بینی سیاست‌ها و اقدامات اجرایی جهت بحران‌هایی که تاکنون اتفاق نیفتاده است، در مکان‌های دیگر فراهم شود. در این پژوهش بعد از طراحی الگو، برای پیش‌بینی اثربخشی سیاست‌های ارائه‌شده درمورد بحران کوید-۱۹، این الگو در کشور ایران بررسی شده است.

1. UNWTO

2. McKibbin & Fernando

3. Gossling, Scott & Hall

۲. پیشینه تحقیق

مقوله بحران در صنعت گردشگری سابقه زیادی دارد؛ هرچند به صورت علمی از اواخر قرن بیستم به آن توجه ویژه‌ای شده است (اندرسون^۱، ۲۰۰۶، ص. ۱۲۹۲) و مطالعاتی در زمینه پیش‌بینی بحران، علائم بحران، نحوه رفتار در بحران‌ها و استراتژی‌های بازگشت به قبل از بحران در فاصله سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۰ در زمینه گردشگری انجام شده است (مؤیدفر، ۱۳۹۷، ص. ۴۵).

منظور از بحران در گردشگری، هرگونه حادثه‌ای است که عملکرد طبیعی مقصد گردشگری را تهدید کرده و کسب و کار مرتبط با گردشگری را مختل کند؛ به این معنا که هرگونه رکود در سفرهای محلی، کاهش گردشگر ورودی و غیرفعال شدن مشاغل مرتبط با گردشگری، به‌عنوان بحرانی برای این صنعت تلقی می‌شود (مؤیدفر و تقوایی، ۱۳۹۴، ص. ۱۲۷)؛ این در حالی است که صنعت گردشگری یکی از آسیب‌پذیرترین صنایع به بحران است که با توجه به وجود عناصر متعدد دخیل در آن و وابستگی زیاد گردشگری با حمل‌ونقل، نرخ ارز، ساختارهای سیاسی و اجتماعی مقصد و مبدأ، ضرورت توجه به مدیریت بحران در این صنعت بیش از پیش احساس می‌شود (سانتانا^۲، ۲۰۰۸، ص. ۱۰۶).

مباحث مرتبط با مدیریت بحران به‌عنوان یک ابزار مدیریتی در صنعت گردشگری، اولین بار توسط بارتون^۳ در سال ۱۹۹۴ مطرح شد. فاکنر^۴ در سال ۲۰۰۱ چارچوب مدیریت جامع حوادث گردشگری را در قالب ارائه طرح‌هایی مطرح کرد و سه شرط لازم در مدیریت بحران گردشگری را هماهنگی، مشاوره و تعهد دانست.

فریسی^۵ (۲۰۰۲) تأثیرات بیماری تب برفکی و حوادث ۱۱ سپتامبر را بر انگلستان که یکی از مقاصد خاص گردشگری در دنیا است، بررسی کرد. ازجمله سیاست‌های اتخاذشده از سوی کشور انگلستان در مقابله با این بحران، حمایت مالی دفاتر گردشگری منطقه‌ای برای بازاریابی

-
1. Anderson
 2. Santana
 3. Barton
 4. Faulkner
 5. Frisby

بیشتر در بخش‌هایی بود که اثرات منفی شیوع بیماری باعث کسادی کسب‌وکار آن‌ها شده بود؛ همچنین انجام تبلیغات گسترده در تلویزیون و سایر رسانه‌ها در جهت جذب و برگرداندن گردشگر به انگلستان به‌خصوص از آلمان، فرانسه و آمریکا را می‌توان ذکر کرد؛ بنابراین اعتقاد بر آن بود که افزایش بودجه دولتی به‌تنهایی در جذب گردشگر خارجی در شرایط بحرانی کافی نیست.

بلیک و سینکلایر^۱ (۲۰۰۳) با استفاده از مدل اقتصادی تعادل عمومی^۲، تأثیرات حملات ۱۱ سپتامبر را در نیویورک بر رفاه، تولید ناخالص داخلی و اشتغال بررسی کرد و معتقد بودند که سیاست‌های مالی آمریکا بعد از این حادثه دچار تغییراتی شده است؛ به این معنا که هزینه‌های مربوط به امنیت ملی افزایش درخور ملاحظه‌ای پیدا کرده است؛ درحالی‌که در ۱۸ ماه اول پس از این رویداد، با مرگ نزدیک به سه هزار نفر و مجروح شدن هزاران شهروند آمریکایی، مالیات‌های دریافتی از سوی دولت ۳/۵ میلیارد دلار کاهش داشته است. همچنین این رویداد آغاز سیاست مبارزه علیه تروریسم بود که هزینه آن برای آمریکا حدود چهار تا شش تریلیون دلار برآورد شده بود؛ باین‌حال تخصیص بودجه ۱۵ میلیارد دلاری برای بهبود صنعت گردشگری و جلوگیری از ورشکستگی شغل‌های مرتبط و تبلیغات بیشتر برای گسترش بازار گردشگری نیز از سیاست‌های دیگر برای مقابله با این بحران بود. سیاست‌های کشور سنگاپور در مقابله با بحران سارس و تأثیرات آن بر گردشگری، تلاش برای ترمیم کامل مشاغل تجاری آسیب‌دیده از بحران تا زمان بازگشت به حالت طبیعی، سرمایه‌گذاری در زمینه تبلیغات گسترده و رقابتی و بهره‌گیری از طرح‌های مشارکتی و ایده‌های جدید برای همکاری با سایر سازمان‌ها در جهت بهبود گردشگری بود (هندرسون^۳، ۲۰۰۳).

اکوموس و کارامصطفی^۴ (۲۰۰۵) تأثیر بحران‌های اقتصادی ۲۰۰۱ را بر صنعت گردشگری ترکیه بررسی کردند. ترکیه از کشورهایی بود که هیچ‌گونه آمادگی برای مقابله با بحران در آن وجود نداشت و از طرف دیگر بودجه زیادی را نیز نمی‌توانست در این زمینه متحمل شود؛

1. Blake & Sinclair

2. Computable General Equilibrium (CGE)

3. Henderson

4. Okumus & Karamustafa

از این رو بعد از این بحران اقتصادی، سیاست ایجاد صندوق مالی برای مقابله با بحران، سیاست آماده‌سازی مدیران مرتبط با بخش گردشگری در قالب برگزاری کارگاه‌های متعدد و سیاست کاهش چندباره نرخ بهره بانک مرکزی ترکیه با هدف کاهش شدید واردات و حمایت از صادرات و بالطبع تأثیر آن بر صنعت گردشگری نیز مدنظر قرار گرفت. کوآ^۱ و همکاران (۲۰۰۸) تأثیرات سارس و آنفلوآنزای مرغی را بر تقاضای گردشگری در محدوده آسیا بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که هر دو بیماری تا حد زیادی بر تقاضای گردشگری تأثیرگذار بوده است، ولی با توجه به تأثیرات بیشتر شیوع آنفلوآنزای مرغی، اقدامات اجرایی ضروری-تری در مورد آنفلوآنزای مرغی در مقایسه با سارس در این محدوده باید صورت گیرد. هوی^۲ (۲۰۰۹) برای ارزیابی بحران‌های گردشگری، مدل شبکه عصبی فازی را بررسی کرد و روش‌های مختلف به‌کارگرفته‌شده در این زمینه را ذکر کرد.

کشور مالزی، سیاست‌های تأکید بر یادگیری سازمانی برای مقابله با بحران در سازمان‌های مرتبط با گردشگری و تمرکز بر ابزارهای بازاریابی را برای بازگشت به شرایط گردشگری قبل از بحران اتخاذ کرده است (قادری، پاد، سام و هندرسون^۳، ۲۰۱۴، ص. ۸۱). آلپرتی^۴ و همکاران (۲۰۱۹) معتقدند بخش بزرگی از صنعت گردشگری از بحران‌های امروزی آسیب می‌بیند؛ چراکه گردشگری سیستمی است که تعامل بین مردم، سازمان‌ها و حوادث در آن تأثیرگذار است و به دلیل پیچیدگی زیرسیستم‌های دخیل در این صنعت، تحقیقات مرتبط با بحران‌های گردشگری باید بر استفاده از دانش به‌روز برای مقابله با بحران و ارائه مسیر مناسب به‌منظور کاهش شکاف بین بحران‌های گردشگری و حوادث طبیعی حرکت کند.

از بین مطالعات داخلی، فعالجو و نصیریان (۱۳۹۴) تأثیر بحران مالی جهانی بر تقاضای گردشگری در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا را بررسی کردند. آن‌ها مهم‌ترین توصیه سیاستی را سیاست‌های اقتصادی شامل کاهش هزینه سفر و کنترل نرخ تورم برای افزایش تقاضای گردشگری، مصو سازی اقتصاد داخلی در مقابل بحران‌های پولی و مالی

1. Kuo

2. Hui

3. Ghaderi, Puad, Som & Henderson

4. Aliperti

جهانی از طریق افزایش ظرفیت تولید و درآمد و نیز بهبود ساختارهای فرهنگی و اجتماعی دانسته‌اند. مؤیدفر و تقوایی (۱۳۹۴) رابطه بین مدیریت بحران، سازماندهی فضایی و امنیت در گردشگری را بررسی کردند و سیاست‌های ضدتروریستی و آمادگی در مقابل بحران را از مهم‌ترین سیاست‌ها در مقابله با بحران‌های گردشگری دانستند. یآوری گهر و منصوری مؤید (۱۳۹۶) چارچوبی سیستماتیک با به کارگیری روش FMEA برای مدیریت بحران در صنعت گردشگری ارائه داده‌اند. مؤیدفر (۱۳۹۷) در ارزیابی فضاهای گردشگری در مقابله با بحران‌های گردشگری، راهکارهایی در جهت مقاوم‌سازی فضاهای گردشگری و افزایش امنیت کالبدی و انسانی را پیشنهاد داده است. حسن‌پور و همکاران (۱۳۹۹) الگوی مدیریت بحران برای بخش عرضه گردشگری در ایران را با توجه به بحران شیوع کوید-۱۹ ارائه کرده‌اند. آن‌ها سیاست‌های مالی و اقتصادی در قالب راهکارهای بازنگری در بازارهای موجود گردشگری متناسب با شرایط و نظم جدید، مدیریت هزینه‌ها و دارایی‌های صنعت گردشگری و کسب‌وکارهای مرتبط، حمایت از ایجاد سرمایه‌گذاری‌های لازم در جهت احیا و ارتقای مقصدهای گردشگری و حمایت دولت از کسب و کارهای آسیب دیده از بحران را ارائه کرده‌اند.

با بررسی مقالات متعدد علاوه بر موارد ذکر شده شامل پریدوکس^۱ و همکاران (۲۰۰۳)، کوشناهان^۲ (۲۰۰۸) (درمورد بحران ۱۱ سپتامبر)، هوآنگ^۳ و همکاران (۲۰۰۸) (درمورد زلزله تایوان)، وانگ^۴ (۲۰۰۹) (حوادث بحرانی تایوان)، مور (۲۰۱۰) (بحران تغییر اقلیم کارائیب)، تسای و چن^۵ (۲۰۱۰) (بحران زلزله تایوان، وو و هایاشی^۶ (۲۰۱۴) (بحران‌های ژاپن)، ماتیسون^۷ و همکاران (۲۰۱۸) (بحران طوفان کاترینا) و جوو^۸ و همکاران (۲۰۱۹) (شیوع مرس در کره) و مقالاتی که درمورد کوید-۱۹ منتشر شده است، هریک به نوعی بحران‌های

1. Prideaux

2. Cushnahan

3. Huang

4. wang

5. Tsai & Chen

6. Wu & Hayashi

7. Matheson

8. Joo

مؤثر در گردشگری را در کشورهای مقصد بررسی کرده‌اند که فراوانی سیاست‌های اتخاذشده در مقابله با این بحران‌ها در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- انواع بحران‌های گردشگری و سیاست‌های اتخاذ شده برای مقابله با بحران از ۱۹۹۹ میلادی
مأخذ: مطالعات نگارندگان با بررسی مقالات متعدد از سال ۱۹۹۹ تاکنون

انواع بحران‌ها	سال	انواع سیاست‌ها			
		سیاست مالی و اقتصادی	سیاست ضدتروریستی	سیاست آمادگی در مقابل بحران	سیاست تبلیغاتی
بحران زلزله تایوان	۱۹۹۹			*	
حادثه ۱۱ سپتامبر نیویورک	۲۰۰۱	*	*		
بیماری تب برفکی انگلستان	۲۰۰۱	*			*
بحران اقتصادی ترکیه	۲۰۰۱	*		*	
سارس چین	۲۰۰۳	*		*	
سارس هنگ کونگ	۲۰۰۳	*		*	
سارس سنگاپور	۲۰۰۳				*
سارس مالزی	۲۰۰۳			*	
جنگ دوم خلیج	۲۰۰۳	*			
سونامی تایلند	۲۰۰۴	*		*	
بمب گذاری در بالی	۲۰۰۵		*	*	
طوفان کاترینا نیواورلئان	۲۰۰۵	*			*
آنفلونزای مرغی اسکاتلند	۲۰۰۵				*
آنفلونزای مرغی تایوان	۲۰۰۵	*		*	
تاثیر حمله اسرائیل به لبنان	۲۰۰۶		*		*
موج گرما در آمریکا	۲۰۰۶			*	
مه آسیایی	۲۰۰۶			*	
موج گرما در اروپا	۲۰۰۷			*	
بالا رفتن قیمت نفت	۲۰۰۸	*			
آنفلونزای خوکی در اسپانیا	۲۰۰۹				*
موج سرما در اروپا و آمریکا	۲۰۰۹			*	
بحران اقتصاد جهان	۲۰۰۹				*

انواع سیاست‌ها					سال	انواع بحران‌ها
سیاست مالی و اقتصادی	سیاست ضدتروریستی	سیاست آمادگی در مقابل بحران	سیاست تبلیغاتی	سیاست تمرکز بر گردشگری داخلی		
						(کاستاریکا، تانزانیا، مالدیو)
		*			۲۰۱۰	بحران تغییر اقلیم کارائیب
		*			۲۰۱۱	زلزله در ژاپن
				*	۲۰۱۵	بیماری مرس کره
		*			۲۰۱۷	طوفان هاتوونگ کنگ
	*	*			۲۰۱۹	شیوع کوید-۱۹

با توجه به جدول ۱ می‌توان به این نتیجه رسید که عمده سیاست‌ها در وهله اول سیاست مالی، در وهله دوم سیاست آمادگی در مقابل بحران و در وهله آخر تمرکز بر گردشگری داخلی بوده است.

بر این اساس وجه تمایز مقاله حاضر با سایر مطالعات انجام‌شده آن است که سعی دارد با بهره‌گیری از تجارب سایر کشورها در مقابله با انواع بحران‌های گردشگری، الگویی را ارائه کند تا براساس آن بتوان بهترین سیاست‌ها و اقدامات اجرایی را برای بازگشت سریع به قبل از بحران ارائه کرد.

۳. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش با توجه به کشف الگوهای موجود، اکتشافی محسوب می‌شود. مبانی نظری از طریق مطالعه منابع کتابخانه‌ای حاصل شد و سعی شد از تجارب کشورهای استفاده شود که در فاصله زمانی ۱۹۹۹-۲۰۲۰ میلادی با بحران‌های تأثیرگذار بر گردشگری مواجه بوده‌اند. درمورد نحوه جمع‌آوری اطلاعات، ابتدا با بررسی مقالات علمی، شاخص‌ها و متغیرهایی استخراج شده و در مرحله بعد، شاخص‌هایی که بیشترین تکرار را داشته، در جدول ۲ ارائه شده است؛ به این معنا که در مرحله پیش از بحران، وضعیت اقتصادی، وضعیت اجتماعی-فرهنگی و موقعیت اقلیمی در کشورهای مختلف به‌نوعی مطرح بوده است. در فاز بحران، فاکتورهای محرک در شدت یا کاهش خسارات

بحران نقش اساسی داشته است که با بررسی مقالات، عوامل محرکی در قالب عوامل فنی یا تکنیکی، عوامل محیطی یا بیولوژیک، عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا تروریسم، جغرافیایی یا اقلیمی شناسایی شده است. در فاز بعد از بحران نیز نوع سیاست‌های کشورهای مختلف برای مقابله با بحران و بازگشت به شرایط قبل از بحران، میزان حرکت به سمت توسعه پایدار و تأثیر وضعیت اقتصادی کشورها در روند بازگشت به بحران مطرح بوده است. درواقع، جدول ۲ بیانگر شاخص، متغیر و گویه‌های مورد استفاده در تحقیق است.

جدول ۲- شاخص‌ها، متغیر و گویه‌های تحقیق

مأخذ: بررسی مقالات متعدد در زمینه بحران گردشگری (۱۹۹۹-۲۰۲۰)

شاخص و متغیر	گویه	گستره شاخص*
وضعیت محیط پیش از بحران	موقعیت اقتصادی	۱ تا ۹
	موقعیت اجتماعی و فرهنگی	۱ تا ۹
	موقعیت اقلیمی	۰ تا ۱
ویژگی‌های بحران	فنی و تکنولوژیک	۱ تا ۶
	زیست محیطی یا بیولوژیک	
	اجتماعی	
	اقتصادی	
	سیاسی و تروریستی	
	جغرافیایی و اقلیمی	
پس از بحران	تأثیرات بر تعداد گردشگر ورودی	۱ تا ۹
	تأثیرات بر اقتصاد	۱ تا ۹
	نوع سیاست	۰ یا ۱ یا ۲

شاخص و متغیر	گویه	گستره شاخص*
	سیاست‌ها	
	ترکیبی تمرکز بر گردشگری داخلی با	
	آمادگی در مقابل بحران	
میزان اثربخشی سیاست	سیاست ترکیبی مالی و اقتصادی با	۰ یا ۱ یا ۲
	آمادگی در مقابل بحران	
	بازه کوتاه‌مدت بازگشت	
	بازه میان‌مدت بازگشت	
	بازه بلندمدت بازگشت	

هدف این تحقیق، به‌نوعی مدل‌سازی است؛ از این‌رو رویکردی به کار رفت که قابلیت مدل‌سازی پدیده‌های پیچیده با الگوی غیرخطی و غیرقطعی را داشته باشد. رویکرد مدل‌سازی مبتنی بر شبکه‌های عصبی مصنوعی^۱ یکی از رویکردهای مدل‌سازی است که به‌عنوان زیرشاخه‌ای از هوش مصنوعی با شبیه‌سازی از سیستم مغز و شبکه عصبی موجودات زنده توسعه‌یافته است. درواقع، این سیستم‌ها با پردازش داده‌های تجربی، دانش یا قانون نهفته در ورای داده‌ها را به ساختار شبکه منتقل می‌کنند. درعمل، شبکه‌های عصبی مصنوعی مجموعه‌ای از مدل‌های غیرخطی انعطاف‌پذیر هستند که قادر به کشف الگوهای موجود در داده‌ها هستند و در خلال پردازش داده‌های تجربی، اطلاعات و یا قوانین پنهان در داده‌ها را به ساختار شبکه منتقل می‌کنند. این مدل‌ها می‌توانند آینده یک رویداد را با استفاده از داده‌های تاریخی مشابه پیش‌بینی کنند و چنانچه اطلاعات جامع و کاملی از یک پدیده در دسترس باشد، می‌توانند برای پیش‌بینی رفتار این پدیده در منطقه دیگر استفاده شوند (یگنانارایانا^۲، ۲۰۰۹).

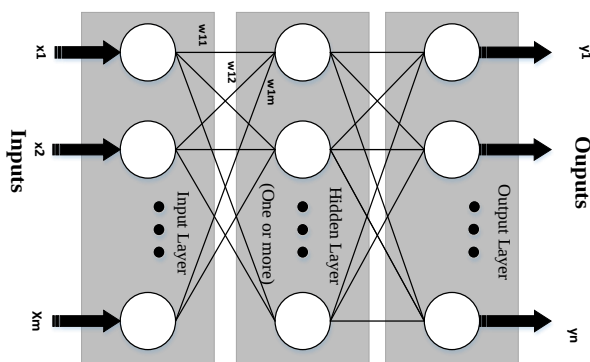
ساختار یک شبکه عصبی استاندارد به نورون‌های شبکه و لایه‌ها (مجموعه‌ای از نرون‌ها) تقسیم می‌شود. در شکل ۱، شماتیکی از ساختار یک شبکه عصبی مشاهده می‌شود؛ لایه‌ای که اطلاعات ورودی توسط m نرون به آن داده می‌شود، با عنوان «لایه ورودی»^۳ شناخته می‌شود

1. Artificial Neural Network (ANN)

2. Yegnanarayana

3. Input layer

و لایه‌ای که مقادیر محاسبه شده برای y_i از آن دریافت می‌شود، لایه خروجی^۱ است و به لایه‌های دیگر موجود در شبکه که در بین این دو لایه وجود دارند، لایه پنهان^۲ گفته می‌شود.



شکل ۱- ساختار کلی یک شبکه عصبی مصنوعی با m نورون ورودی و n نورون در لایه خروجی

از طریق ایجاد یک شبکه عصبی مصنوعی، الگوی موجود بین متغیرهای ورودی و متغیرهای خروجی در مدل شبکه عصبی شکل می‌گیرد. هنگامی که محیط شبکه تغییر می‌کند و شبکه شرایط جدیدی را تجربه می‌کند، براساس مکانیسم تعمیم‌دهی^۳ که همان مکانیسم برون‌یابی است، می‌تواند خروجی مناسب را ارائه کند. این قابلیت، شبکه‌های عصبی مصنوعی را مجهز به ویژگی برجسته‌ای می‌کند که می‌توانند برای پیش‌بینی پدیده‌هایی که تاکنون اتفاق نیفتاده است، کارآمد باشند.

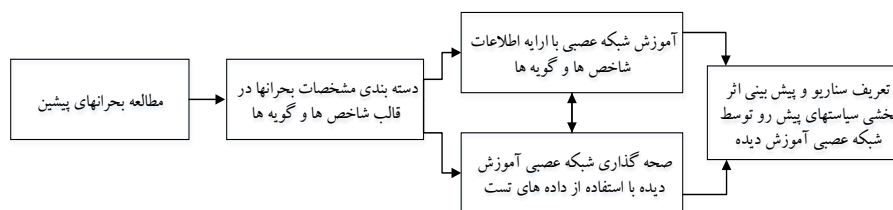
مدل شبکه عصبی پیشنهادی می‌تواند امتیازات مختلف را در زمان انتقال داده‌ها به مدل، نرمالیزه کند؛ از این رو برای دستیابی به نتیجه مطلوب، امتیازات متناسب با هر گویه در نظر گرفته می‌شود که این تنوع امتیازدهی محدودیتی ایجاد نمی‌کند و باعث خطا در خروجی‌ها نمی‌شود. روایی مدل از طریق ارزیابی عملکرد آموزش مدل و پایایی از طریق صحت‌گذاری مدل شبکه عصبی انجام می‌شود.

1. Output layer
2. Hidden layer
3. Generalization

از آنجاکه در این تحقیق سعی بر آن است که مدل‌سازی برای بررسی رابطه پیچیده بین شرایط حاکم بر سیستم و اثربخشی سیاست‌های مواجهه با بحران ایجاد شود، از مدل شبکه عصبی مصنوعی استفاده شده است که می‌تواند آینده یک رویداد را با استفاده از داده‌های تاریخی مشابه پیش‌بینی کند و چنانچه اطلاعات جامع و کاملی از یک پدیده در دسترس باشد، برای پیش‌بینی رفتار این پدیده در منطقه دیگر قابل استفاده خواهد بود.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، در این تحقیق، گستره امتیازدهی گویه‌ها به چند روش انجام شده است: برای برخی طیف ۱ تا ۹ در نظر گرفته شده که عدد ۱ مطلوب‌ترین حالت و عدد ۹ نامطلوب‌ترین حالت برای هر گویه است. همچنین برخی شاخص‌ها به صورت باینری در بازه صفر و ۱ امتیاز داده شده که عدد صفر حالت مطلوب و عدد ۱ حالت نامطلوب بوده است. برای عوامل محرک، سیاست‌ها و بازه‌های زمانی هم اعداد اسمی از ۱ تا ۶ تعریف شده است.

در این تحقیق ورودی‌ها به مدل شبکه عصبی شامل «سیاست‌ها/شرایط و عوامل حاکم» بر اکوسیستم و خروجی مدل، دوره زمانی بازگشت که معیاری برای اندازه‌گیری میزان «اثربخشی سیاست‌های اتخاذ شده» است، تعریف شده است. سیاست‌های اتخاذ شده در مواجهه با بحران‌های گردشگری بر طبق فراوانی سیاست‌های ارائه شده در جدول ۱ به مدل شبکه عصبی معرفی شده‌اند. خروجی شبکه عصبی که با معیار «بازه زمانی تا بازگشت به شرایط قبلی» اندازه‌گیری می‌شود، به یکی از سه بازه کوتاه‌مدت (۳ تا ۵ سال)، میان‌مدت (۵ تا ۸ سال) و بلندمدت (۸ تا ۱۰ سال) تقسیم‌بندی شده است. مدل شبکه عصبی ارائه‌شده در این تحقیق، با الگوبرداری از بحران‌های قبلی می‌تواند با داشتن اطلاعات بحران‌های فعلی، اثربخشی هر کدام از سیاست‌های پیش‌رو را پیش‌بینی کند. به‌منظور تشریح نحوه توسعه و به‌کارگیری مدل پیشنهادی، پیش‌بینی اثربخشی سیاست‌های ارائه‌شده در مورد بحران پاندمی کوید-۱۹ در کشور ایران به‌عنوان یک نمونه مدنظر قرار گرفته است. مراحل انجام تحقیق در شکل ۲ خلاصه شده است.



شکل ۲- مدل مفهومی تحقیق

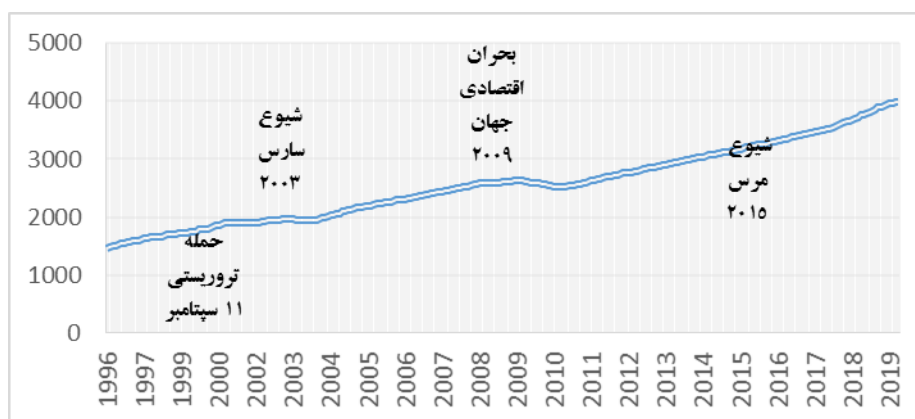
۴. مبانی نظری تحقیق

تأثیر بحران‌ها و بلایای موجود در جهانگردی براساس ماهیت، بزرگی و مقیاس آن‌ها می‌تواند پیچیده باشد (بیکر و ریچی^۱، ۲۰۱۷، ص. ۴۰۵). برخی از حوادث به سرعت به پایان می‌رسند و دوره‌های بازگشت می‌توانند کوتاه باشند (به عنوان مثال، حملات تروریستی)؛ درحالی‌که در برخی دیگر مانند بلایای طبیعی که به زیرساخت‌ها و ارتباطات آسیب می‌رسانند (زمین‌لرزه‌ها)، دوره بازگشت طولانی‌تری دارند. هم نوع پاسخ و هم زمان بازگشت، براساس ماهیت و تأثیر بحران یا فاجعه متفاوت خواهد بود. در برخی موارد، مقاصد گردشگری ممکن است به طور مستقیم تحت تأثیر یک بحران نباشد، ولی تأثیرات غیرمستقیم بحران، شدیدتر از تأثیرات مستقیم باشد و مدیریت بحران را با مشکلاتی مواجه کند؛ مانند بحران گردشگری ناشی از ابولا در گامبیا (ناولی^۲ و همکاران، ۲۰۱۸، ص. ۸۰).

توجه به این نکته مهم است که جهانگردی جهانی در معرض طیف گسترده‌ای از بحران‌هاست. شکل ۳ بحران‌های مهم تأثیرگذار بر گردشگری جهانی بین سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۵ را نشان می‌دهد. حوادث مهم مخرب در این بازه زمانی شامل حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر (سال ۲۰۰۱ م)، شیوع سندرم حاد تنفسی^۳ (سال ۲۰۰۳ م)، بحران اقتصاد جهانی (سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ م) و شیوع سندرم تنفسی خاورمیانه^۴ (سال ۲۰۱۵ م) بوده است. هیچ‌کدام از این بحران‌ها به کاهش طولانی مدت در توسعه جهانی گردشگری منجر نشده است و برخی از آن‌ها هرگز درخور توجه نبوده‌اند؛ باین حال، سارس حدود ۰/۴ درصد و بحران

1. Backer & Ritchie
2. Novelli
3. SARS
4. MERS

اقتصاد جهانی حدود ۴ درصد به کاهش تعداد گردشگران ورودی در سطح بین‌المللی منجر شده است (بانک جهانی^۱، ۲۰۲۰ الف و ۲۰۲۰ ب) که این مسئله نشان می‌دهد، گردشگری به‌عنوان یک سیستم پیچیده می‌تواند تا حدودی در برابر شوک‌های خارجی مقاوم باشد؛ با این حال، شواهد زیادی وجود دارد که هم تأثیرات بیماری کرونا و هم رهایی از این بیماری در مقاصد گردشگری در مقایسه با سایر بحران‌های مشابه کاملاً متفاوت است و در آینده نیز چهره‌های جدیدی را از خود نشان خواهد داد.



شکل ۳- روند تأثیرگذاری بحران‌های مهم گردشگری در سطح جهانی

مأخذ: گاسلینگ^۲، ۲۰۲۰

این درحالی است که در نتیجه تغییرات جهانی و نتایج تأثیرات انسانی بر اکوسیستم‌ها و تنوع زیستی (اشمیت^۳، ۲۰۱۶، ص. ۱۶۰) میزان وقوع بیماری‌های همه‌گیر در حال افزایش است؛ به‌گونه‌ای که جهان در قرن بیستم شاهد سه بیماری همه‌گیر شامل «آنفلوآنزای اسپانیایی ۱۹۱۹»، «آنفلوآنزای آسیایی ۱۹۵۷^۴» و «آنفلوآنزای هنگ‌کنگ ۱۹۶۸» و در قرن بیست‌ویکم شاهد چهار مورد همه‌گیری شامل «سارس ۲۰۰۲»، «آنفلوآنزای مرغی ۲۰۰۹»، «مرس ۲۰۱۲» و «ابولا ۲۰۱۴-۲۰۱۳» بوده است.

1. World Bank
2. Gössling
3. Schmidt
4. H2N2

سازمان بهداشت جهانی، شیوع سارس را در سال ۲۰۰۳ به عنوان اپیدمی تعریف کرد که بیشتر موارد آن در چین، هنگ‌کنگ و همچنین در تایوان و کانادا گزارش شده بود؛ ولی طبق بررسی‌ها، تأثیر این بحران‌ها بر اقتصاد هنگ‌کنگ آنچنان‌که انتظار می‌رفت شدید نبود، اما بر گردشگری و اقتصاد خرد بسیار درخور توجه بود. به‌طورکلی، سارس حدود ۱۰۰ میلیارد دلار آمریکا بر اقتصاد جهانی و ۴۸ میلیارد دلار آمریکا در چین هزینه وارد کرد (مک کرکر و چان، ۲۰۰۴، ص. ۷۱۶؛ سیو و وانگ^۲، ۲۰۰۴، ص. ۶۵).

در سال ۲۰۰۹، آنفولانزای خوکی نیز به عنوان یک بیماری همه‌گیر تعریف شد، اما بسیار خفیف بود؛ با وجود این، همه‌گیری آنفولانزای خوکی در این سال به حدود ۲۸۴۰۰۰ مرگ در سراسر جهان منجر شد (ویبود و سیمونسن^۳، ۲۰۱۲، ص. ۶۵۲)؛ همچنین این بحران در مکزیک باعث از دست دادن تقریباً یک میلیون بازدیدکننده خارج از کشور طی یک دوره پنج‌ماهه شد که در حدود ۲/۸ میلیارد دلار آمریکا زیان به بار آورد (راسی و اسمیت^۴، ۲۰۱۳، ص. ۸۲۶). بر این مبنا در کشورهای دیگر نیز به‌نوعی چنین بحران‌هایی زیان‌هایی را به گردشگری وارد آوردند.

بر این اساس، جدول ۳ به جمع‌بندی اطلاعات مربوط به «سیاست‌ها/عوامل و شرایط حاکم» بر بحران‌های مطالعه‌شده در جدول ۱ و «میزان اثربخشی سیاست‌های اتخاذشده» در ۲۴ کشور دنیا پرداخته است. امتیازدهی نیز براساس موارد مطرح‌شده در روش‌شناسی تحقیق انجام گرفته است.

-
1. McKercher & Chon
 2. Siu & Wong
 3. Viboud & Simonsen
 4. Russy & Smith

مأخذ: نگارندگان

شاخص	وضعیت محیط پیرامون ایران			وضعیت و تدابیرهای ایران				
	موقعیت اقتصادی	موقعیت اجتماعی و فرهنگی	موقعیت اقلیمی	عوامل محرک				
گونه	رونق اقتصادی ↕ تحریم و کساد	بالا بودن سطح سواد و فرهنگ ↕ ناهمگنی اجتماعی و فرهنگی	مؤثر در بحران	تأثیر نداشتن بر بحران	فنی و تکنولوژیک	زیست محیطی یا بیولوژیک	اجتماعی	اقتصادی
زلزله ۲۱ سپتامبر ۱۹۹۹ تایوان	۷	۸	۰			۲		
حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نیویورک	۲	۷		۱	۱			
بیماری پا و دهان ۲۰۰۱ انگلستان	۷	۷		۱		۲		
بحران اقتصادی ۲۰۰۱ جهانی ترکیه	۲	۴		۱				۴
سارس ۲۰۰۳ چین	۱	۱		۱		۲		
سارس ۲۰۰۳ هونگ کنگ	۵	۵		۱		۲		
سارس ۲۰۰۳ سنگاپور	۷	۷		۱		۲		
سارس ۲۰۰۳ مالزی	۴	۶		۱		۲		
جنگ دوم خلیج ۲۰۰۳	۵	۵		۱				
سونامی ۲۰۰۴ تایلند	۵	۵	۰					
بمب گذاری در بالی ۲۰۰۵	۴	۴		۱				
طوفان کاترینا ۲۰۰۵ نیواورلئان	۶	۷	۰					

شاخص	متغیر	تأثیرات بر تعداد گردشگران		تأثیرات بر اقتصاد		نوع سیاست		سیاست ترکیبی مالی
گروه	سیاسی و تروریستی	زیاد ↑ کم	زیاد ↑ کم	ترکیبی آمادگی در مقابل بحران با سایر سیاست‌ها	ترکیبی تمرکز بر گردشگری داخلی با آمادگی در مقابل بحران			
زلزله ۲۱ سپتامبر ۱۹۹۹ تایوان		۹	۹	۰			۲	
حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نیویورک	۵	۹	۹				۲	
بیماری پا و دهان ۲۰۰۱ انگلستان		۶	۲				۲	
بحران اقتصادی ۲۰۰۱ جهانی ترکیه		۵	۸				۲	
سارس ۲۰۰۳ چین		۷	۵				۲	
سارس ۲۰۰۳ هونگ کونگ		۶	۷				۲	
سارس ۲۰۰۳ سنگاپور		۶	۷		۱			
سارس ۲۰۰۳ مالزی		۷	۷	۰				
جنگ دوم خلیج ۲۰۰۳	۵	۷	۸				۲	
سونامی ۲۰۰۴ تایلند		۹	۸				۲	
بمب‌گذاری در بالی ۲۰۰۵		۷	۸	۰				
طوفان کاترینا ۲۰۰۵ نیواورلئان	۵	۸	۹		۱			

شاخص	میزان اتریشی سیاست			متغیر	گویه
	بازگشت بلندمدت	بازگشت میانه مدت	بازگشت کوتاه مدت	و اقتصادی با آمادگی در مقابل بحران	زلزله ۲۱ سپتامبر ۱۹۹۹ تایوان
۲	۲	۱	۰		حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نیویورک
					پیماری پا و دهان ۲۰۰۱ انگلستان
۲	۲				بحران اقتصادی ۲۰۰۱ جهانی ترکیه
					سارس ۲۰۰۳ چین
		۱			سارس ۲۰۰۳ هونگ کونگ
					سارس ۲۰۰۳ سنگاپور
			۰		سارس ۲۰۰۳ مالزی
		۱			جنگ دوم خلیج ۲۰۰۳
۲	۲				سونامی ۲۰۰۴ تایلند
		۱			بمب گذاری در بالی ۲۰۰۵
۲	۲				طوفان کاترینا ۲۰۰۵ نیواورلئان

شاخص	متغیر	موقعیت اقتصادی	موقعیت اجتماعی و فرهنگی	موقعیت اقلیمی	عوامل محرک	ویژگی‌های بحران
گروه	روتن اقتصادی ↕ تحریم و کساد	بالا بودن سطح سواد و فرهنگ ↕ ناهمگنی اجتماعی و فرهنگی	مؤثر در بحران	تأثیر نداشتن بر بحران	فنی و تکنولوژیکی زیست محیطی ی یا بیولوژیک اجتماعی	
آنفلوآنزای مرغی ۲۰۰۵ اسکاتلند	۶	۸		۱	۲	
آنفلوآنزای مرغی ۲۰۰۵ تایوان	۵	۵		۱	۲	
تأثیر حمله اسرائیل به لبنان ۲۰۰۶ در جهان	۵	۵		۱		
موج گرما در آمریکا ۲۰۰۶	۷	۷	۰			
مه آسیایی ۲۰۰۶	۸	۶	۰			
موج گرما در اروپا ۲۰۰۷	۷	۷	۰			
بالا رفتن قیمت نفت ۲۰۰۸				۱		
آنفلوآنزای خوک ۲۰۰۹ در اسپانیا	۶	۷		۱	۲	
موج سرما در اروپا و آمریکا ۲۰۰۹	۷	۸	۰			
بحران اقتصاد جهانی ۲۰۰۹ (کاستاریکا، نازانیا، مالدیو)	۶	۶		۱		
زلزله ۲۰۱۱ در ژاپن	۸	۹	۰			
بیماری مرس ۲۰۱۵ کره	۹	۸		۱	۲	
طوفان هاتو ۲۰۱۷ هنگ کنگ	۸	۷	۰			

شاخص	متغیر	گروه				پس از بحران		
			اقتصادی	سیاسی و تروریستی	جغرافیایی و اقلیمی	تعداد گردشگر	تأثیرات بر اقتصاد	نوع سیاست
						زیاد ↕ کم	زیاد ↕ کم	ترکیبی آمادگی در مقابل بحران با سایر سیاست‌ها
								ترکیبی تمرکز بر گردشگری داخلی با آمادگی در
آنفلوآنزای مرغی ۲۰۰۵ اسکاتلند						۸	۸	
آنفلوآنزای مرغی ۲۰۰۵ تایوان						۷	۶	
تأثیر حمله اسرائیل به لبنان ۲۰۰۶ در جهان	۵					۶	۶	۱
موج گرما در آمریکا ۲۰۰۶					۶	۶	۵	
مه آسیایی ۲۰۰۶					۶	۲	۵	
موج گرما در اروپا ۲۰۰۷					۶	۶	۸	
بالا رفتن قیمت نفت ۲۰۰۸								
آنفلوآنزای خوک ۲۰۰۹ در اسپانیا						۷	۷	۱
موج سرما در اروپا و آمریکا ۲۰۰۹					۶	۸	۶	
بحران اقتصاد جهانی ۲۰۰۹ (کاستاریکا، تانزانیا، مالدیو)	۴					۸	۹	۱
زلزله ۲۰۱۱ در ژاپن					۶	۹	۵	
بیماری مرس ۲۰۱۵ کره						۹	۵	۱
طوفان هاتو ۲۰۱۷ هنگ کنگ					۶	۸	۸	

شاخص	مقیاس					منفیر	گویه	آفلوئزای مرغی ۲۰۰۵ اسکاتلند	آفلوئزای مرغی ۲۰۰۵ تایوان	تأثیر حمله اسرائیل به لبنان ۲۰۰۶ در جهان	موج گرما در آمریکا ۲۰۰۶	مه آسیایی ۲۰۰۶	موج گرما در اروپا ۲۰۰۷	بالا رفتن قیمت نفت ۲۰۰۸	آفلوئزای خوکی ۲۰۰۹ در اسپانیا	موج سرما در اروپا و آمریکا ۲۰۰۹	بحران اقتصاد جهانی ۲۰۰۹ (کاستاریکا، تانزانیا، مالدیو)	زلزله ۲۰۱۱ در ژاپن	بیماری مرس ۲۰۱۵ کره	طوفان هاتو ۲۰۱۷ هنگ کنگ
	مقیاس	بازه	بلندمدت بازگشت	بازه	میانمدت بازگشت	بازه	مقابل بحران													
							سیاست ترکیبی مالی و اقتصادی با آمادگی در مقابل بحران	۲						۲						
							بازه کوتاه مدت بازگشت									۰				۰
	مقیاس	بازه	بلندمدت بازگشت	بازه	میانمدت بازگشت	بازه	بازه کوتاه مدت بازگشت													
							بازه	۱	۱						۱			۱	۱	
							بازه بلندمدت بازگشت			۲				۲			۲			

۵. یافته‌های تحقیق

با توجه به بررسی مبانی نظری و روش‌شناسی تحقیق، مراحل مدل شبکه عصبی پیشنهادی به شرح زیر ارائه می‌شود.

-در مرحله اول، مدل با ۷ ورودی که بیانگر «سیاست‌ها/عوامل و شرایط حاکم بر اکوسیستم‌ها» و یک نوروں خروجی که بیانگر «میزان اثربخشی سیاست‌ها» است، در محیط زبان برنامه‌نویسی متلب کدنویسی شد.

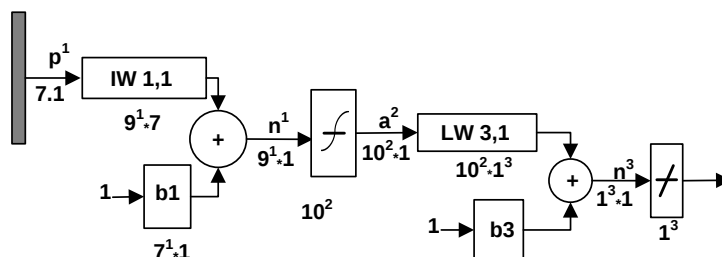
-داده‌های کمی جدول ۳ در مدل وارد شد و با توجه به آنکه برخی از داده‌ها در بازه ۱ تا ۹ متغیر و برخی از متغیرها باینری (صفر و ۱) بودند، نرمال‌سازی درمورد تمامی متغیرها انجام شد.

-به‌منظور دستیابی به بهترین پیکره‌بندی برای شبکه مدل عصبی، شبکه‌های مختلفی شامل ۱ تا ۳ لایه مخفی با تعداد متغیری از نوروں لایه مخفی و همچنین توابع محرک متفاوت در نظر گرفته شد.

-معمولاً در این مدل، تخمین پارامترهای مدل شبکه عصبی از طریق آموزش شبکه^۱ با مشاهده‌های جمع‌آوری‌شده و تنظیم پارامترهای داخلی (وزن‌ها و بایاس‌ها) فراهم می‌شود. آموزش شبکه پیشنهادی با عملکرد تابع میانگین مربعات خطا برابر با ۰/۰۳۸۱ و پس از ۶ بار آزمون صحت‌گذاری با گرادیان خطای $e=0.07$ متوقف شد. (صحت‌گذاری شبکه‌های عصبی در اصل همان بررسی معیارهای توقف در حین فرآیند آموزش است که اگر مدل برازش‌شده در سطح عملکرد قابل‌قبولی با توجه به معیارهای مناسب برازش باشد، فرایند آموزش به معنای دستیابی به مدل قابل‌قبول متوقف می‌شود).

-در مرحله بعد، انتخاب معیارهای ارزیابی عملکرد و اندازه‌گیری عملکرد مدل از طریق تحلیل رگرسیون خروجی‌های تخمینی توسط مدل در مقایسه با مقدار واقعی آن‌ها محاسبه شد که از متداول‌ترین آن‌ها میانگین مربعات خطاست که در این مورد مدل پیشنهادی استفاده شد. -نتایج ارزیابی مناسب هریک از این شبکه‌ها بیانگر این مطلب بود که شبکه‌ای با دولایه مخفی شامل ۹ و ۱۰ نوروں با توابع محرک تانژانت سیگموئید و تابع محرک خطی به‌ترتیب برای لایه‌های آن می‌تواند بهترین پیکره‌بندی برای شبکه مدل عصبی باشد. جزئیات بیشتر این شبکه در شکل ۴ مشاهده می‌شود.

۱. اصطلاح آموزش شبکه مختص به مدل شبکه عصبی است.



شکل ۴- توپولوژی شبکه عصبی مصنوعی پیشنهادی

مأخذ: نگارندگان

همان‌طور که در شکل ۴ مشاهده می‌شود، ماتریس ورودی $۱*۷$ توسط تابع تانژانت و خطی به ترتیب در لایه مخفی اول و دوم، ماتریس خروجی $۱*۱$ را نتیجه می‌دهد. مدل به‌دست‌آمده این قابلیت را دارد که برای بحران‌های دیگر که حتی درمورد آن‌ها آموزش ندیده است، با تکیه بر قابلیت تعمیم‌دهی خود، خروجی‌های قابل قبول و دقیقی را ارائه دهد و پیش‌بینی قابل قبولی را برای میزان اثربخشی هرسایست با توجه به عوامل و شرایط حاکم بر اکوسیستم مطالعه‌شده انجام دهد.

موردکاوی این تحقیق روی کشور ایران انجام شده است. ایران کشوری است که هنوز صنعت گردشگری در اقتصاد آن سهم عمده‌ای ندارد، ولی باید توجه داشت که گردشگری در ایران صنعت نوپایی است که در سال‌های اخیر روند رشد و بهبود را طی کرده، فعالیت‌های خود را گسترش داده و اشتغال‌زایی داشته است. در چنین شرایطی، بدون شک بحران‌های مختلف بیولوژیک، اقتصادی و سیاسی این مسیر را ناهموار خواهد کرد و از حجم مسافرت‌های داخلی و خارجی خواهد کاست و فعالیت آژانس‌های گردشگری و تمامی فعالان صنعت توریسم را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

از این‌رو ایران برای جذب گردشگر باید از تجارب دیگر کشورهایی که در سال‌های گذشته بحران‌های مختلف را تجربه کرده‌اند، استفاده کند و با آینده‌نگری مناسب در این زمینه اقدام کند. لازمه سیاست‌گذاری پیش‌بینانه در حوزه گردشگری، دستیابی به ابزار و اطلاعاتی است که بتواند اثرات آتی هرکدام از سیاست‌های اتخاذشده را پیش‌بینی کند که این امر با تکیه

بر یک سیستم تصمیم یار که براساس تجربیات به دست آمده از بحران‌های قبلی، آموزش دیده و صحنه گذاری شده است، می‌تواند اثربخشی سیاست‌های پیش روی ایران را ارزیابی کرده و سیاست بهینه را با توجه به شرایط و مقتضیات موجود انتخاب کند.

بدین منظور اطلاعات مربوط به شرایط حاکم بر صنعت گردشگری ایران در جدول ۴ گردآوری شد و الگوی شبکه عصبی پیشنهادی ارائه شد تا میزان اثربخشی هر کدام از سیاست‌های پیش‌رو را در سه سناریو متفاوت زیر پیش‌بینی کند:

- سناریوی اول (سیاست ترکیبی آمادگی در مقابل بحران با سایر سیاست‌ها)؛
- سناریوی دوم (سیاست ترکیبی تمرکز بر گردشگری داخلی به همراه آمادگی)؛
- سناریوی سوم (سیاست ترکیبی مالی و اقتصادی به همراه آمادگی).

جدول ۴- خروجی‌های مدل شبکه عصبی پیشنهادی در مورد صنعت گردشگری ایران

شاخص و متغیر	گروه	سناریوی اول	سناریوی دوم	سناریوی سوم
وضعیت محیط پیش از بحران	موقعیت اقتصادی	۲	۲	۲
	موقعیت اجتماعی و فرهنگی	۲	۲	۲
	موقعیت اقلیمی	۰	۰	۰
ویژگی‌های بحران	تأثیر نداشتن بر بحران			
	فنی و تکنولوژیک			
	زیست محیطی یا بیولوژیک	*	*	*
	اجتماعی			
	اقتصادی			
تأثیرات بر بحران	سیاسی و تروریستی			
	تأثیرات بر تعداد گردشگر ورودی			
	تأثیرات بر اقتصاد	۸	۸	۸

شاخص و متغیر		گوینه	سناریوی اول	سناریوی دوم	سناریوی سوم
نوع سیاست	کم	کم			
	زیاد	زیاد	۹	۹	۹
	↓	↓			
	کم	کم			
	ترکیبی آمادگی در مقابل بحران با سایر سیاست‌ها	*			
	ترکیبی تمرکز بر گردشگری داخلی با آمادگی در مقابل بحران	*			
میزان اثربخشی سیاست	سیاست ترکیبی مالی و اقتصادی با آمادگی در مقابل بحران	*			
	بازه کوتاه مدت بازگشت				۱/۴۳
	بازه میان مدت بازگشت	۱/۸۹	۱/۵۱		
	بازه بلند مدت بازگشت				

همان‌طور که از نتایج جدول ۴ مشاهده می‌شود، کوتاه‌ترین زمان تا جبران آسیب دیدگی‌ها، در سناریوی سوم و از طریق اتخاذ سیاست ترکیبی مالی و اقتصادی/به همراه آمادگی اتفاق می‌افتد که پیش‌بینی می‌شود با این سیاست، بازگشت به شرایط قبل از بحران، به سه تا چهار سال زمان نیاز داشته باشد. با اختلاف بسیار کم، سیاست بعدی مربوط به سناریوی دوم یا اتخاذ سیاست ترکیبی تمرکز بر گردشگری داخلی/به همراه آمادگی است که چنانچه معیارهای گردشگری پایدار را نیز در این تحلیل دخیل بدانیم، بدون شک این سیاست به‌عنوان سیاست برتر معرفی خواهد شد. ذکر این نکته ضروری است که میزان اثربخشی سیاست اتخاذ شده در سناریوهای دوم و سوم بسیار به هم نزدیک است؛ این در حالی است که در سناریوی دوم، سیاست توسعه گردشگری داخلی انتخاب شده است که یک سیاست همسو با توسعه پایدار این صنعت است. از سوی دیگر ضمانت اجرایی سیاست به‌کار گرفته شده در سناریوی سوم که سیاست حمایت مالی و اقتصادی است، با توجه به شرایط اقتصادی، تحریم و تورم شدید در کشور مورد تردید است؛ بنابراین به‌نظر می‌رسد، منطقی‌ترین گزینه پیش‌رو استفاده از

سیاست‌های ترکیبی تمرکز بر گردشگری داخلی به همراه آمادگی در بازه‌های زمانی طولانی‌تر برای بازگشت به وضعیت قبل از بحران باشد.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

دنیای کنونی، جهانی است که هرروزه بحران‌های مختلفی را تجربه می‌کند و صنعت گردشگری نیز آسیب‌پذیری زیادی به انواع بحران‌ها دارد که از گذشته تا به امروز ادامه داشته است. انواع بحران‌ها اعم از حوادث طبیعی، بحران‌های انسانی و بیولوژیک در کشورهای مختلف در دهه‌های اخیر مطرح بوده است که به‌نوعی باعث زیان‌های زیادی در بخش‌های مختلف اقتصادی و همچنین گردشگری شده است.

بحران شیوع بیماری کوید-۱۹ در پایان سال ۲۰۱۹ از بحران‌هایی بوده که درگیری‌های زیادی را برای کشورهای مختلف در برداشته و باعث رکود شدید در گردشگری شده است. با توجه به تجربیات مشابه در این زمینه در سال‌های گذشته، در این پژوهش سعی شد که انواع بحران‌های مختلف اتفاق‌افتاده در کشورهای مختلف در بازه بیست‌ساله بررسی شده و وضعیت این کشورها قبل از بحران، حین بحران و بعد از بحران ارزیابی شود. هدف این بود که بتوان از موارد مشابه و سیاست‌های اتخاذشده به‌عنوان الگویی برای مقابله با بحران کوید-۱۹ و بازگشت به قبل از بحران در صنعت گردشگری در کشوری مانند ایران استفاده کرد.

با توجه به در نظر گرفتن نظرهای هال، سانتانا و برانل درمورد بحران گردشگری و با بررسی مقالات آلپرتی و همکاران (۲۰۱۹)، هوی (۲۰۰۹) و کوآ و همکاران (۲۰۰۸)، نتایج این تحقیق با استفاده از مدل شبکه عصبی مصنوعی، حاکی از آن است که برای بازگشت به شرایط قبل از بحران کوید-۱۹ که رکود گردشگری را در سطح وسیع در برداشته است، با توجه به تورم و تحریم‌های اقتصادی در ایران، سناریوی برتر می‌تواند تمرکز بر گردشگری داخلی باشد.

شیوع ویروس کرونا را برای صنعت گردشگری می‌توان همانند دو روی یک سکه دید. یک روی این سکه اتخاذ سیاست‌های نامناسب همچون تکیه بر افزایش تعداد گردشگر خارجی برای جبران زیان‌های واردشده به این صنعت است که در شرایط کنونی می‌تواند

فاجعه زیست‌محیطی به دنبال داشته باشد، اما روی دیگر سکه حرکت به سمت گردشگری پایدار خواهد بود که با اتخاذ سیاست‌هایی همچون رونق گردشگری محلی و گردشگری مجازی می‌توان این تهدید جهانی را فرصتی برای تجدید ساختار فعلی صنعت گردشگری و حرکت به سمت گردشگری پایدار دانست؛ بنابراین این بحران می‌تواند به‌عنوان فرصتی برای مهندسی مجدد صنعت گردشگری در همه کشورها و بخصوص ایران قلمداد شود.

از طرف دیگر براساس نتایج این مطالعه، استفاده از سیستم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی به‌عنوان پشتیبان سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران حوزه‌های مدیریت گردشگری می‌تواند در حل مسائل نیمه‌ساختاریافته کمک‌کننده باشد و موجب بهبود کارایی تصمیم‌گیری و توجه بیشتر به اثر بخشی آن شود. استفاده از ابزارهایی چون شبکه عصبی مصنوعی با توجه به قابلیت زیاد کشف الگوی های موجود در بین داده‌ها و تعمیم‌دهی آن‌ها به اتفاقاتی که هنوز توسط سیستم تجربه نشده است، موجب خواهد شد تا آینده‌نگاری به صورت دقیق‌تری درخصوص سناریوهای پیش رو انجام گیرد و به انتخاب سناریو مطلوب‌تر منجر شود.

با توجه به مطالب ارائه‌شده، راهکارهای پیشنهادی عبارت‌اند از:

- تفکیک برنامه‌ریزی برای گردشگر داخلی و خارجی (برنامه‌ریزی گردشگری سنتی برای گردشگر داخلی و برنامه‌ریزی گردشگری مجازی برای گردشگر خارجی)؛
- برنامه‌ریزی برای توسعه گردشگری روستایی و شهرهای کوچک هم‌زمان با شهرهای بزرگ و مرکزی در راستای توسعه پایدار برای گردشگران داخلی؛
- طراحی پکیج‌های گردشگری خلاقانه روستایی و بوم‌گردی برای جذابیت بیشتر در شرایط کرونا؛

- تدوین پروتکل‌های بهداشتی برای سفرهای داخلی؛

- طراحی پکیج به‌منظور گردشگری ایمن برای هم‌وطنان و اطلاع‌رسانی و بازاریابی در این زمینه؛

- طراحی پکیج‌های اقتصادی کم‌هزینه برای افزایش تقاضا.

کتاب‌نامه

۱. حسن پور، م.، شاهی، ط.، و ارژنگ مهر، د. (۱۳۹۹). الگوی مدیریت بحران برای بخش عرضه گردشگری ایران؛ نمونه موردی: بحران شیوع ویروس کووید-۱۹، *فصلنامه مدیریت گردشگری ویژه نامه همه‌گیری کووید ۱۹*، ۱۵، ۸۹-۵۹.
۲. فروچی، ش.، و ابونبی، آ. (۱۳۹۹). *بررسی مسائل روز اقتصادی: گزارش دوم اثرات اقتصادی کرونا بر صنعت گردشگری، معاونت اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران*. تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های اتاق ایران.
۳. فعالجو، ح. ر.، و نصیریان، ا. (۱۳۹۴). تأثیر بحران مالی جهانی بر تقاضای گردشگری در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا. *فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری*، ۱۰ (۳۰)، ۲۵-۵.
۴. مؤیدفر، س. (۱۳۹۷). ارزیابی فضاهای گردشگری شهر یزد با تأکید بر بحران‌های گردشگری. *فصلنامه گردشگری شهری*، ۵ (۴)، ۷۲-۵۱.
۵. مؤیدفر، س.، و تقوایی، م. (۱۳۹۴). بررسی رابطه مدیریت بحران و سازماندهی فضایی و امنیت در گردشگری (نمونه موردی شهر یزد)، *مجله برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری*، ۴ (۱۳)، ۱۲۰-۱۴۶.
۶. یاوری گهر، ف.، و منصوری مؤید، ف. (۱۳۹۶). مدیریت بحران در صنعت گردشگری، *فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری*، ۱۲ (۴)، ۴۰-۲۱.
7. Aliperti, G., Sandholz, S., Hagenlocher, Mi., Rizzi, F., Frey, M., & Garschagen, M. (2019). Tourism, crisis, disaster: An interdisciplinary approach, *Annals of Tourism Research*, 79 (c), 1-20.
8. Anderson, B.A. (2006). Crisis management in the Australian tourism industry: Preparedness, personnel and postscript. *Tourism Management*, 27, 1290-1297.
9. Baker, E., & Ritchie, B. (2017). VFR Travel: A viable market for tourism crisis and disaster recovery? *International Journal of Tourism Research*, 19(4), 400-411.
10. Becken, S., Mahon, R., Rennie, H., & Shakeela, A. (2014). The tourism disaster vulnerability framework: An application to tourism in small island destinations. *Natural Hazards*, 71(1), 955-972.
11. Becken, S., Zammit, C., & Hendrikx, J. (2015). Developing climate change maps for tourism: Essential information or awareness raising? *Journal Travel Research*, 54(4), 430-441.
12. Bhati, A., Upadhayaya, A., & Sharma, A. (2016). National disaster management in the ASEAN-5: An analysis of tourism resilience. *Tourism Review*, 71, 148-164.

13. Blake, A., & Sinclair, M. Th. (2003). Managing tourism shocks: CGE analysis of September 11. Paper presented at the *International Conference on Tourism*, University of Nottingham, UK.
14. Burkle, F. M. Jr. (2006). Globalization and disasters: Issues of public health, state capacity and political action. *Journal of International Affairs*, 59(2), 231–265.
15. Cushnahan, G. (2004). Crisis management in small-scale tourism. *Journal of Travel & Tourism Marketing*, 15(4), 323-338.
16. Faulkner, B. (2001). Towards a framework for tourism disaster management. *Tourism Management*, 22(2), 135-147.
17. Frisby, E. (2002). Communicating in a crisis: The British tourist authority's responses to the foot-and-mouth outbreak and 11th September, *Journal of vacation Marketing*, 9(1), 1–12.
18. Ghaderi, Z., Puad, A., Som, M., & Henderson, J. C. (2012). Tourism crises and island destinations: Experiences in Penang, Malaysia. *Tourism Management Perspectives*, 2 (3), 79–84.
19. Gossling, S., Scott, D., & Hall, C.M. (2021). Pandemics, tourism and global change: A rapid assessment of COVID-19. *Journal of Sustainable Tourism*, 29(1), 1-20.
20. Henderson, J. C. (2003). Managing a health-related crisis: SARS in Singapore. *Journal of Vacation Marketing*, 10(1), 67-77.
21. Huang, Y., Tseng, Y., & Petrick, J.F. (2008). Crisis management planning to restore tourism after disasters. *Journal of Travel & Tourism Marketing*, 23(2-4), 203-221.
22. Hui, S. (2009). Study on Fuzzy artificial neural networks in tourism crisis evaluation. Paper presented at the *International Joint Conference on Artificial Intelligence*, Hainan, China.
23. Joo, H., Maskery, B. A., Berro, A.D., Rotz, L. D., Lee, Y. K., & Brown, C.M. (2019). Economic impact of the 2015 MERS outbreak on the Republic of Korea's tourism-related industries. *Health Security*, 17(2), 100-108.
24. Kuo, H.I., Chen, Ch.Ch, Tseng, W. Ch., Bing, L., & Fen J. (2008) Assessing impacts of SARS and Avian Flu on international tourism demand to Asia. *Tourism Management*, 29(2008), 917–928.
25. Leung, P., & Lam, T. (2004) Crisis Management During the SARS Threat. *Journal of Human Resources in Hospitality & Tourism*, 3(1), 47-57.
26. Matheson, V., Baade, R., & Hendershott, C. (2018). *Professional sports, Hurricane Katrina, and the economic redevelopment of New Orleans: Revisited*. College of the holy cross, department of economics faculty research series, Paper No. 17-18.
27. McKercher, B., & Chon, K. (2004). The over-reaction to SARS and the collapse of Asian tourism. *Annals of Tourism Research*, 31(3), 716–719.
28. McKibbin, W., & Fernando, R. (2020). *The global macroeconomic impacts of COVID-19: Seven scenarios* (CAMA Working paper 19/2020). Australian National University. Retrieved from <https://cama.crawford.anu.edu.au/>

29. Moore, W.R. (2010). The impact of climate change on Caribbean tourism demand. *Current Issues in Tourism*, 13(5), 495-505.
30. Novelli, M., Burgess, L. G., Jones, A., & Ritchie, B. W. (2018). "No Ebola...Still doomed" the ebola-induced tourism crisis. *Annals of Tourism Research*, 70, 76–87.
31. Okumus, F., & Karamustafa, K. (2005). Impact of an economic crisis evidence from Turkey. *Annals of Tourism Research*, 32(4), 942–961.
32. Peters, M., & Pikkemaat, B. (2005). Crisis management in alpine winter sports resorts—The 1999 avalanche disaster in Tyrol. *Journal of Travel and Tourism Marketing*, 19(2/3), 9-20.
33. Prideaux, B., Laws, E., & Faulkner, B. (2003). Events in Indonesia: exploring the limits to formal tourism trends forecasting methods in complex crisis situations. *Tourism Management*, 24, 475–487.
34. Ren, C.H. (2000). Understanding and managing the dynamics of linked crisis events. *Disaster Prevention and Management*, 9, 12–17.
35. Ritchie, B.W. (2004) Chaos, crises and disasters: A strategic approach to crisis management in the tourism industry. *Tourism Management*, 25 (6), 669–683.
36. Rossello, J., Becken, S., & Santana-Gallego, M. (2020). The effects of natural disasters on international tourism: A global analysis, *Tourism Management*, 79, 1-10.
37. Rothe, C., Schunk, M., Sothmann, P., Bretzel, G., Froeschl, G., Wallrauch, C., Zimmer, T., Thiel, V., Janke, C., Guggemos, W., Seilmaier, M., Drosten, C., Vollmar, P., Zwirgmaier, K., Zange, S., Wölfel, R., & Hoelscher, M. (2020). Transmission of 2019-nCoV Infection from a symptomatic Contact in Germany. *New England Journal of Medicine*, 382(10), 970–971.
38. Russy, D., & Smith, R. (2013). The economic impact of H1N1 on Mexico's tourist and pork sectors. *Health Economics*, 22(7), 824–834. doi: 10.1002/hec.2862
39. Santana, G. (2008). *Crisis management and tourism. Beyond the rhetoric*. In C. M. Hall, D. J. Timothy & D. T. Duval (Eds.) *Safety and Security in ourism. Relationships, Management and Marketing* (pp.299-322). New York: Haworth Press.
40. Schmidt, C.W. (2016). Zika in the United States: How are we preparing? *Environmental Health Perspectives*, 124(9), A157–A165.
41. Shakeela, A., & Becken, S. (2015). Social amplification and attenuation of climate change risk in a vulnerable tourism destination. *Journal of Sustainable Tourism*, 23(1), 65–84.
42. Siu, A., & Wong, Y. R. (2004). Economic impact of SARS: The case of Hong Kong. *Asian Economic Papers*, 3(1), 62–83.
43. Sonnenberg, C. & Wöhler, K. (2004). Was bewirkt Sicherheit bzw. Unsicherheit? Prädiktoren der Reisesicherheit. In W. Freyer & S. CroB (Eds.), *Sicherheit in Tourismus: Schutz vor Risiken und Gefahren*. Dresden: FIT-Verlag.

44. Tsai, Ch., & Chen, Ch. (2010). An earthquake disaster management mechanism based on risk assessment information for the tourism industry-a case study from the island of Taiwan. *Tourism Management*, 31, 470–481.
45. UNWTO. (2020a). *COVID-19: UNWTO calls on tourism to be part of recovery plans*. Retrieved from <https://www.unwto.org/news/covid-19-unwto-calls-on-tourism-to-be-part-of-recovery-plans>
46. Viboud, C., & Simonsen, L. (2012). Global mortality of 2009 pandemic influenza A H1N1. *The Lancet Infectious Diseases*, 12(9), 651-653.
47. Wang, Y.S.H. (2009). The impact of crisis events and macroeconomic activity on Taiwan's international inbound tourism demand. *Tourism Management*, 30, 75–82.
48. World Bank. (2020a). *Air transport, passengers carried*. Retrieved April 4, 2020, from <https://data.worldbank.org/indicator/is.air.psg>
49. World Tourism Organization (WTO). *United Nations*. Retrieved on July 14, 2006, from <http://www.worldtourism.org/newsroom/Releases/2006/july/twobillion.html>
50. Wu, L., & Hayashi, H. (2014). The impact of disasters on japons inbound tourism demand. *Journal of Disaster Research*, 9, 699-708.
51. Yegnanarayana, B. (2009). *Artificial neural networks*. Delhi: PHI Learning Pvt. Ltd.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

doi: <https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2022.71059.1045>

مقاله پژوهشی - مطالعه موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال نوزدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۳۷

بررسی اثرات گردشگری در مناطق حفاظت‌شده (مورد مطالعه: منطقه حفاظت‌شده شاسکوه خراسان جنوبی)

مهدی مودودی ارخودی (استادیار گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بزرگمهر قائنات، خراسان جنوبی، قائن، ایران، نویسنده مسئول)

mododi@buqaen.ac.ir

سجاد فردوسی (دانشجوی دکتری گردشگری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران)

s.ferdowsi@atu.ac.ir

ریحانه برومند (دکتری ژئومورفولوژی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران)

reyhane.boroumand@gmail.com

صص ۲۹۱ - ۲۶۳

چکیده

مناطق حفاظت‌شده، حساس‌ترین محیط‌های طبیعی به شمار می‌روند که اقدامات انسانی به‌ویژه فعالیت‌های گردشگری، در صورت نبود مدیریت می‌تواند این مناطق را با آسیب‌های جبران‌ناپذیر رویاروی کند؛ بر این اساس، این پژوهش با هدف ارزیابی اثرات گردشگری بر منطقه حفاظت‌شده شاسکوه انجام پذیرفت. رویکرد کلی پژوهش، از نوع پژوهش‌های کمی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها، مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای و پیمایشی بوده است. جامعه آماری تحقیق، ساکنان روستاهای پیرامون و درون منطقه حفاظت‌شده شاسکوه بوده است. در این تحقیق به‌منظور تحلیل داده‌ها، روش‌های آمار توصیفی شامل فراوانی و درصد و همچنین روش‌های آماری استنباطی شامل آزمون کلموگروف-اسمیرنوف و آزمون خی دو به کار گرفته شده است. یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که بر مبنای سطح

معناداری محاسبه شده ($\text{sig}=0/000$) با ۹۹ درصد از درجه اطمینان می‌توان دریافت که گونه‌های گیاهی منطقه در سطح زیاد، با پیامدهای مثبت و همچنین منفی گردشگری مواجه هستند. همچنین در خصوص گونه‌های جانوری و محیط روستاهای منطقه، یافته‌ها نشان می‌دهد که گردشگری در سطح زیاد، اثرات مثبتی به همراه داشته است؛ با این حال، تأثیرات منفی گردشگری در سطح متوسط تا کم نیز بر گونه‌های جانوری و روستاهای منطقه نمایان است. توسعه گردشگری در منطقه حفاظت‌شده شاسکوه، به پیامدهای مثبتی در حفاظت از گونه‌های گیاهی و جانوری منطقه و همچنین بهبود محیط روستاهای پیرامون منجر شده است؛ با وجود این، متقابلاً تنوع زیستی منطقه و محیط روستاهای پیرامون نیز با تهدیداتی از سوی فعالیت‌های گردشگری مواجه‌اند. در این راستا، ضروری است که با تعریف ساختار مدیریتی مناسب در حوزه گردشگری بتوان تا حد ممکن اثرات منفی ناشی از گردشگری در منطقه را کاهش داد و کنترل کرد و در مقابل نیز به تقویت پیامدهای مثبت حاصل از گردشگری پرداخت.

کلیدواژه‌ها: گردشگری، محیط‌زیست، منطقه حفاظت‌شده، خراسان جنوبی، شاسکوه.

۱. مقدمه

در حال حاضر یکی از مهم‌ترین مسائلی که جهان با آن مواجه است، مسئله محیط‌زیست و چگونگی حفاظت از آن در مقابل تهدیدات گسترده از سوی جوامع انسانی است. در این راستا، ایجاد و تعریف مناطق حفاظت‌شده، از جمله راهکارهایی است که به منظور حفاظت از محیط‌زیست برخی مناطق در کانون توجه قرار گرفته است. مناطق حفاظت‌شده و پناهگاه‌های حیات وحش به محدوده‌هایی از منابع طبیعی اعم از جنگل، مراتع، بیشه‌های طبیعی، اکوسیستم‌های بیابانی یا کوهستان گفته می‌شود که دارای شرایط طبیعی خاصی برای جانوران حیات وحش و رویش رستنی‌ها باشد (مجنونیان، ۱۳۶۵، ص. ۲۹). باید توجه داشت که یکپارچگی و ارتباط داشتن زیستگاه‌ها در مناطق حفاظت‌شده برای دوام جمعیت‌های گیاهی و جانوری امری ضروری است (لیتائو و آهرن^۱، ۲۰۰۲، ص. ۶۶)؛ با این حال، رشد تعارضات

1. Leitao & Ahern

انسانی مانند آلودگی‌های زیست‌محیطی، تخریب زیستگاه‌های طبیعی، تغییر کاربری اراضی، عملیات نامناسب کشاورزی، بی‌توجهی به آمایش سرزمین، احداث راه‌گذراهایی که به جدایی جغرافیایی گونه‌ها منجر می‌شود و همگی از مخاطرات تنوع‌زیستی در دنیای کنونی محسوب می‌شود (صادقی‌پور مروی، پوربابایی، علیخانی، حیدری و منافی، ۱۳۹۵، ص. ۴۱)، یکپارچگی و ارتباط بین زیستگاه‌ها در مناطق حفاظت‌شده را کاهش داده است که خطری جدی برای حیات‌وحش و گونه‌های کلیدی منطقه به حساب می‌آید (تاونسند، لوکینگبیل، کینگدون و گاردنر^۱، ۲۰۰۹، ص. ۱۴۱۱).

در ایران، ۱۰/۵ درصد از مساحت کشور به مناطق حفاظت‌شده اختصاص پیدا کرده است تا در این مناطق زیستگاه‌های گیاهی و جانوری کشور حفظ و حراست شوند. در بسیاری از این مناطق فعالیت‌هایی از قبیل راه‌سازی، استخراج معادن، کشاورزی، دامپروری و غیره وجود دارد که متأسفانه برخی از آن‌ها با فلسفه وجودی این مناطق تضاد و تعارض دارند. دراصل، نباید از این مناطق انتظار اشتغال‌زایی و رفع مشکلات اقتصادی داشت؛ چراکه کارکرد آن‌ها دراصل حفاظت از گیاه، جانور و اکوسیستم است (قمری‌زارع، ۱۳۹۶، ص. ۶۸). سازمان محیط‌زیست و منابع طبیعی به‌عنوان عامل مدیریتی و نظارت بر منابع طبیعی کشور، مسئولیت تعیین ضوابط و قوانین و مقررات بهره‌برداری از مناطق حفاظت‌شده و پناهگاه‌های حیات-وحش را بر عهده دارد. این سازمان با ارزیابی پیامدهای زیست‌محیطی بهره‌برداری از محیط‌زیست ازجمله مناطق حفاظت‌شده، ارزیابی طرح‌های محیط‌زیستی، توسعه‌ای و مدیریتی سعی در اولویت‌بندی سیاست‌های مدیریتی در محیط‌زیست دارد (یزدی، کرمی و شریعت، ۱۳۹۵، ص. ۳۰۸؛ سلطانی ذوقی و حاجی رحیمی، ۱۳۹۷، ص. ۶۲۶)؛ بااین‌حال، آمارها نشان می‌دهد که فشار زیادی به مناطق حفاظت‌شده کشورمان وارد می‌شود و بارگذاری‌های انجام‌شده، خارج از توان این مناطق است (قمری‌زارع، ۱۳۹۶، ص. ۶۸).

بحث‌های محیط‌زیستی نشان می‌دهد که بسیاری از کشمکش‌ها در خصوص حفاظت از محیط‌زیست، در نتیجه صنعت گردشگری ایجاد شده است (می‌هالیک^۲، ۲۰۰۰، ص. ۶۶).

1. Townsend, Lookingbill, Kingdon, & Gardner

2. Mihalic

درواقع، گسترش فعالیت‌های گردشگری با منافع اقتصادی همراه است، اما درمقابل می‌تواند مناطق را با تهدید و آسیب مواجه کند (مودودی ارخودی، فردوسی، نجفی ارخودی، ۱۳۹۸، ص. ۲۰۷؛ پورفرج، قادری، جمعه‌پور و فردوسی، ۱۳۹۸، ص. ۲۳؛ فردوسی، نظری مزیدی و مودودی ارخودی، ۱۳۹۷، ص. ۹۳؛ دربان آستانه، فردوسی و شاه‌محمدی، ۱۳۹۷، ص. ۲۲۹؛ پوراحمد، فردوسی و شاه‌محمدی، ۱۳۹۶، ص. ۶۳ و ۱۳۹۵، ص. ۵۵؛ فردوسی، شاه‌محمدی و جلالی، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۳؛ مطیعی لنگرودی، فردوسی و شاه‌محمدی، ۱۳۹۶، ص. ۴۱؛ جلالی، گندمکار و فردوسی، ۱۳۹۵، ص. ۱۶۱؛ گلستانی، فردوسی و مجاب، ۱۳۹۴، ص. ۵۵). توسعه گردشگری در مناطق حفاظت‌شده، در صورت نبود مدیریت اثربخش، بر تنوع زیستی این مناطق تأثیر می‌گذارد و موجب آسیب به گونه‌های گیاهی و جانوری می‌شود. در این راستا، منطقه حفاظت‌شده شاسکوه در استان خراسان جنوبی، ازجمله مناطق مهم در کشور ایران است که با برخورداری از تنوع زیستی درخور توجه، هر ساله مورد استقبال بازدیدکنندگان زیادی قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد که رفت‌وآمد گردشگران در این منطقه و البته در کنار سایر عوامل همچون چرای بی‌رویه، شکار غیرقانونی، تغییر کاربری اراضی، و غیره، گونه‌های گیاهی و جانوری این منطقه را با آسیب و تهدید مواجه کرده است؛ ازاین‌رو، پژوهش حاضر، باهدف تبیین اثرات گردشگری بر منطقه حفاظت‌شده شاسکوه، در پی ارزیابی اثرات گردشگری در این منطقه است تا از این طریق بتوان توجه مدیران و مسئولان را بیشتر به این امر جلب کرد.

۲. پیشینه تحقیق

در قلمروی موضوعی پژوهش حاضر، مطالعاتی در مناطق حفاظت‌شده ایران انجام شده است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره شده است.

شربتی، نظری، طالشی و موسی کاظمی (۱۴۰۰) به بررسی اثرات گردشگری خانه‌های دوم پرداختند. نتایج نشان داد که میزان تأثیرگذاری گردشگری خانه‌های دوم بر ابعاد محیطی-کالبدی روستاها در تیپ کوهستانی ییلاقی-جنگلی در مقایسه با روستاهای تیپ جلگه‌ای بیشتر است. امیدوار، پورطاهری و رکن‌الدین افتخاری (۱۴۰۰) به بررسی پیامدهای توسعه

خدمات گردشگری بر ناپایداری زیست‌محیطی-کالبدی سکونتگاه‌های روستایی پرداختند. نتایج نشان داد که ۸۳ درصد از ناپایداری زیست‌محیطی و ۸۹ درصد از ناپایداری کالبدی در روستاهای نمونه تابع توسعه خدمات گردشگری بوده است. جهانی و صفاریها (۱۳۹۹) به بررسی اثر گردشگری بر درصد پوشش تاجی گیاهی در پارک ملی و پناهگاه حیات وحش قمیشلو پرداختند و مدلی را برای سنجش این اثر ارائه دادند. دلیری و نوحه‌گر (۱۳۹۹) به بررسی اثرات محیط‌زیستی اکوتوریسم و جایگاه آموزش محیط‌زیست در کاهش اثرات مخرب آن پرداختند. نتایج حاکی از آن است که آموزش بهترین و مؤثرین راه برای آگاه‌کردن و ایجاد حس مسئولیت در بین اقشار جامعه به‌خصوص افرادی است که با هدف حفاظت از طبیعت در آن گردش می‌کنند. پرورش و بیرامی بسطام (۱۳۹۹) به ارائه و اولویت‌بندی راهکارهای گردشگری پایدار در منطقه حفاظت‌شده گنو پرداختند. نتایج حاکی از آن است که مهم‌ترین اقدام در منطقه حفاظت‌شده گنو در راستای گردشگری پایدار، افزایش تعداد محیط-بانان است. ذوقی، سراج‌الدین و فتاحی اردکانی (۱۳۹۸) به ارزیابی و اولویت‌بندی استراتژی‌های مدیریت مناطق حفاظت‌شده استان همدان پرداختند. مطابق با نتایج، استراتژی توسعه پایدار و استراتژی حفاظت سبز به‌عنوان استراتژی‌های غالب در مناطق مورد مطالعه انتخاب شدند. نتایج از اصلاح رویکرد فعلی حمایت می‌کند و انتظار می‌رود نتایج مطالعه در سیاست‌گذاری‌ها، در منطقه مطالعه‌شده مدنظر قرار گیرد. عابدی (۱۳۹۸) به بررسی تأثیر گردشگری طبیعت بر ویژگی‌های ساختار و تنوع زیستی گونه‌های چوبی در اکوسیستم جنگلی پرداخت. نتایج حاکی از آن است که گردشگری طبیعت در منطقه جنگلی بر ساختار اشکوب درختی اثرات کاهنده معناداری نداشته است، ولی بر شاخص‌های تنوع زیستی در این اشکوب اثرات معناداری را نشان داد. نوروزی، پورابراهیم، گشتاسب و جهانی (۱۳۹۸) به پهنه‌بندی مخاطرات تنوع زیستی در منطقه حفاظت‌شده البرز مرکزی پرداختند. نتایج حاکی از آن است که حدود ۸۳ درصد از منطقه، به دلیل فرسایش‌پذیری زیاد منطقه، تخریب پوشش گیاهی و سکونتگاه غیرقانونی و زیاد منطقه و... در وضعیت تهدید زیاد قرار دارد؛ همچنین شدت ریسک زلزله، خطوط انتقال نیرو و انرژی، بزرگراه، پوشش گیاهی، شدت فرسایش، تغییر کاربری اراضی و کاربری‌های غیرمجاز بالاترین اولویت را دارند و جزو

زیرمعیارهای برتر از نظر تهدید برای تنوع زیستی منطقه هستند. به ترتیب منابع آب سطحی، نبود طرح‌های حفاظتی، نبود تناسب پراکنش اراضی با توان اکولوژیک، سد، شدت ریسک خشکسالی، سیل، آتش‌سوزی، راه اصلی و برداشت بی‌رویه از منابع طبیعی، نشان‌دهنده کمترین اولویت است. پارساجو و ناصحی (۱۳۹۷) به بررسی نقش توسعه پایدار توریسم در مناطق حفاظت‌شده سبلان در استان اردبیل پرداختند. نتایج حاکی از آن است که هرگونه فعالیت در راستای مدیریت پایدار گردشگری در منطقه نیازمند سازمان‌دهی منسجم و یکپارچه است؛ همچنین ساماندهی فعالیت‌های موجود در کنار رعایت ظرفیت برد منطقه می‌تواند شرایط مدیریت منطقه را بهبود بخشد. از جمله مواردی که می‌تواند به بهبود شرایط منجر شود، می‌توان آموزش گردشگران و نیز کارکنان منطقه را نام برد. این آموزش‌ها می‌تواند کارکنان و گردشگران را متوجه اهمیت این منطقه کرده و از تخریب بی‌رویه آن جلوگیری کند. حضور راهنمای تور در منطقه نیز می‌تواند علاوه بر تمرکززدایی از اطراف کمپ، موجب نوعی آموزش در حین بازدید از محل نیز شود. شیرانی سرمازه، جهانی، گشتاسب میگونی و اعتماد (۱۳۹۷) به تشریح اثرات محیط‌زیستی اکوتوریسم بر مناطق حفاظت‌شده پرداختند. نتایج حاکی از آن است که گردشگری و بازدید از مناطق بکر و حفاظت‌شده، بدون در نظر داشتن ظرفیت برد اکولوژیک، ممکن است سبب فشردگی و فرسایش خاک، کاهش پوشش گیاهی، آشفتنی حیات وحش و غیره شود. سرانجام این روند، به کاهش ارزش‌های حفاظتی، تقاضا و رضایت‌مندی گردشگران منتهی می‌شود؛ بنابراین گردشگری در مناطق حفاظت‌شده هم به عنوان تهدید و هم به عنوان فرصتی برای حفظ طولانی‌مدت گونه‌ها و این مناطق تلقی می‌شود. شیرمحمدی، جهانی، اعتماد، ضرغام و مخدوم فرخنده (۱۳۹۵) به ارزیابی آثار محیط‌زیستی توسعه بر مناطق حفاظت‌شده کرکس پرداختند. نتایج حاکی از آن است که تبدیل و تغییر کاربری اراضی به زمین‌های زراعی، تعلیف احشام و حفر چاه‌ها و فعالیت مخرب معادن از مهم‌ترین معضلات منطقه است و بیشترین تعارضات انسانی را با حفاظت تشکیل می‌دهد؛ همچنین عوامل مختلفی نظیر نبود امکانات و تسهیلات کافی، محدودیت مکان‌های اقامتی، نگرش و دیدگاه منفی اهالی روستاها درباره گردشگران، وجود فعالیت‌های مخرب همچون معادن و مراکز صنعتی بزرگ بر کاهش تقاضای اکوتوریسم منطقه اثر می‌گذارند.

سو، وال، وانگ و جین^۱ (۲۰۱۹) به بررسی پایداری معیشت در مقصدهای گردشگری روستایی در چین پرداختند. نتایج حاکی از آن است که بهره‌گیری از روابط هم‌افزایی بین گردشگری و سایر منابع درآمدی به بهبود تنوع معیشت اکثر ساکنان منجر شده است. فیتري امير، عبدقادر، سلاميه و ناجيا احمد^۲ (۲۰۱۵) به بررسی توسعه توریسم پایدار در نواحی روستایی کشور مالزی پرداختند. نتایج حاکی از آن است که پایدارشدن توسعه توریسم در نواحی روستایی به قابلیت ارتجاعی جامعه میزبان کمک می‌کند. درعین حال، شیوع انواع آلودگی‌ها در محیط و بروز ناپایداری در انجام فعالیت‌های توریسم روستایی، سبب آسیب به جامعه میزبان و همچنین از رونق افتادن توریسم روستایی شد. گاوریل-پاون، بارسان میرسیا و لیا-دوریکا^۳ (۲۰۱۵) به بررسی مزیت‌ها و محدودیت‌های توسعه توریسم در یک منطقه روستایی پرداختند. نتایج حاکی از آن است که فعالیت گردشگری می‌تواند اثرات منفی بر محیط‌زیست گذاشته و اقدام‌های محرکی بر حفاظت از محیط‌زیست، آثار و سایت‌های تاریخی، جامعه گیاهی و جانوری بگذارد. میلی^۴ (۲۰۱۲) به مطالعه توسعه گردشگری روستایی در یک منطقه روستایی در هند پرداخت. نتایج نشان داد که اثرات اجتماعی و اقتصادی گردشگری شامل اشتغال برای جوانان، تقویت صنایع دستی، حفاظت از محیط‌زیست و تبادل درآمد شده است. کلتونبورن، نیاهاگو و کیدگشو^۵ (۲۰۱۱) به ارزیابی پارک ملی سرنگتی پرداختند. نتایج حاکی از آن است که فشار جمعیت، دزدی، فقر، شکار غیرقانونی، تخریب زیستگاه‌ها و بیماری‌های حیات‌وحش در مناطق اطراف پارک افزایش یافته است. پیکرینگ، هرینگتون و وربویز^۶ (۲۰۰۳) به بررسی اثرات زیست‌محیطی فعالیت‌های گردشگری در منطقه حفاظت‌شده رشته‌کوه‌های آلپ استرالیا پرداختند. نتایج حاکی از آن است که فعالیت‌های اسکی و زیرساخت‌های مرتبط با آن، تأثیرات منفی بر حیات وحش، پوشش گیاهی، و کیفیت آب مناطق مجاور داشته است.

1. Su, Wall, Wang & Jin
2. Fitri Amir, Abd Ghapar, Salamiah & Najiah Ahmad
3. Gavrilă-Păven, Bârsan Mircea & Lia-Dorica
4. Mili
5. Kaltenborn, Nyahongo & Kideghesho
6. Pickering, Harrington & Worboys

به‌طور کلی، تمرکز مطالعات پیشین عمدتاً بر بررسی اثرات گردشگری بر محیط‌زیست منطقه بوده است و کمتر به مسئله تأثیر گردشگری بر گونه‌های جانوری پرداخته شده است؛ بنابراین در پژوهش حاضر سعی بر آن است که در رویکردی جامع، اثرات گردشگری بر سه حوزه گونه‌های جانوری، گیاهی، و محیط روستاهای پیرامون مطالعه شود.

۳. روش‌شناسی تحقیق

۳.۱. روش تحقیق

رویکرد کلی پژوهش، از نوع پژوهش‌های کمی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها، مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای و پیمایشی (از طریق پرسشنامه) بوده است. مطالعات میدانی تحقیق در تابستان ۱۳۹۸ انجام پذیرفته است. جامعه آماری تحقیق، ساکنان ۲۲ روستا (جدول ۱) در پیرامون و درون منطقه حفاظت‌شده شاسکوه است که جمعیت آن‌ها در سال ۱۳۹۵ بالغ بر ۱۶۴۵۳ نفر است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).

در تحقیق حاضر، از پرسشنامه ساختاریافته به‌عنوان ابزار پژوهش استفاده شده است. بدین‌منظور برای پایش اثرات گردشگری، طیف لیکرت پنج‌قسمتی در نظر گرفته شد؛ به‌نحوی که عدد ۱ نشان‌دهنده کم‌ترین تأثیر و عدد ۵ نشان‌دهنده بیشتر تأثیر بود. در این میان، نمونه‌ای به تعداد ۴۲۲ نفر مدنظر قرار گرفت. به‌منظور توزیع پرسشنامه از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است. در تحقیق حاضر برای تعیین روایی پرسشنامه از روایی محتوایی استفاده شد؛ به این ترتیب که سؤالات پرسشنامه پس از بررسی ادبیات موضوع و تحقیق‌های مرتبط و با توجه به نحوه طرح سؤالات در پرسشنامه‌های استاندارد، طراحی شد و سپس به تأیید کارشناسان و متخصصان این حوزه رسید. به‌منظور سنجش پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد؛ بر این اساس ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۶۹ محاسبه شد؛ بنابراین با توجه به اینکه ضریب آلفای محاسبه‌شده بیشتر از ۰/۷ است، نشان می‌دهد که پرسشنامه تحقیق پایایی خوب و قابل قبول دارد. در این تحقیق به‌منظور تحلیل داده‌ها، روش‌های آمار توصیفی و آماری استنباطی به کار رفته است.

جدول ۱- جامعه آماری تحقیق

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نام روستا	جمعیت (نفر)	تعداد خانوار	تعداد پرسشنامه
ابیز	۲۷۱۶	۷۸۷	۵۹
بهمن آباد	۱۶۵۴	۴۵۰	۳۳
بیدخت	۲۲۵	۵۶	۱۰
چناران	۱۴۸	۴۴	۱۰
دو چاهی	۷۷	۲۸	۱۰
دوست آباد	۱۰۰	۳۷	۱۰
ابراهیم آباد	۶۱۹	۱۶۸	۱۲
اسفاد	۶۲۹	۲۲۱	۱۶
اسفدن	۳۵۹۸	۱۰۷۰	۸۰
استند	۱۱۰۰	۳۱۹	۲۴
فندخت	۱۶۶۵	۴۶۳	۳۵
فرخی	۲۶۵	۸۰	۱۰
فیروز آباد	۴۴۴	۱۵۵	۱۱
گرماب	۹۰۶	۲۵۴	۱۹
گردتیغ	۹۰	۳۰	۱۰
حسین آباد	۲۷۰	۶۴	۱۰
کریزان	۳۷۳	۱۰۴	۱۰
میرآباد	۳۴۱	۹۱	۱۰
نیار	۱۱۴	۳۲	۱۰
نوده	۱۸۸	۵۴	۱۰
شیخ علی	۲۷۱	۷۷	۱۰
تیگاب	۶۶۰	۱۷۵	۱۳
جمع	۱۶۴۵۳	۴۷۵۹	۴۲۲

این تحقیق بر پایه سه متغیر گونه‌های گیاهی، گونه‌های جانوری، و محیط روستا استوار است. برای سنجش هریک از متغیرها، چند گویه به شرح جدول ۲ مدنظر است.

جدول ۲- متغیرهای تحقیق

مأخذ: یافته‌های تحقیق

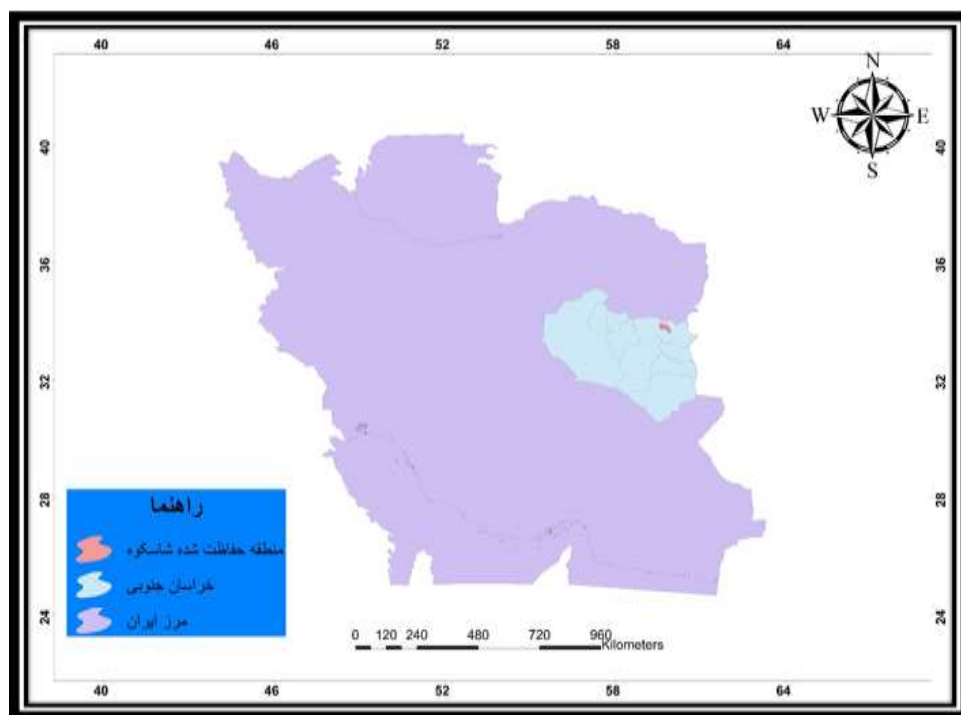
متغیر	گویه‌ها
گونه‌های گیاهی	آگاهی نسبت به فواید گیاهان بهبود رفتار حفاظتی نسبت به گیاهان آگاهی نسبت به تنوع گونه‌های گیاهی در معرض انقراض قرار گرفتن برخی گیاهان منقرض شدن برخی گونه‌های گیاهی پایمال کردن گیاهان
گونه‌های جانوری	آگاهی نسبت به فواید وجود گونه‌های جانوری بهبود رفتار حفاظتی نسبت به جانوران آگاهی نسبت به تنوع گونه‌های جانوری در معرض انقراض قرار گرفتن برخی جانوران منقرض شدن برخی گونه‌های جانوری شکار بی‌رویه گونه‌های جانوری
محیط روستا	توجه به پاکیزگی محیط روستا توجه به زیباسازی معابر روستا توجه به زیباسازی بناهای روستا تخریب اراضی کشاورزی روستا آلودگی صوتی در روستا آلودگی زیست‌محیطی در روستا

۲.۳. محدوده مورد مطالعه

منطقه شاسکوه به وسعت ۷۰۳۰۰ هکتار در جلسه شورای عالی حفاظت محیط‌زیست که در تاریخ ۸۶/۱۱/۱۲ برگزار شد، به‌عنوان یکی از مناطق حفاظت‌شده استان خراسان جنوبی معرفی شد (اداره کل حفاظت محیط‌زیست خراسان جنوبی، ۱۳۹۸). منطقه مورد مطالعه که قسمتی از رشته‌کوه آهنگران است، در شمال شرقی خراسان جنوبی واقع شده است. این منطقه در تقسیم‌بندی حوزه‌های آبخیز ایران بخشی از حوزه آبخیز شرق کشور و به‌طور خاص بخشی از حوزه آبخیز دریاچه هامون محسوب می‌شود. حداقل ارتفاع منطقه ۱۰۰۰ متر و حداکثر

ارتفاع آن ۲۳۵۲ متر است. اقلیم منطقه نیمه خشک سرد و میانگین بارندگی سالانه در حدود ۲۵۲ میلی متر است. رویشگاه های این منطقه روی اراضی کوه ها از جنس سنگ های دولومیتی، ماسه سنگی، آذرآواری در شیب های بیش از ۳۲ درصد واقع شده است (رستم پور، ۱۳۹۲، ص. ۸۶).

از جمله پوشش گیاهی این منطقه می توان این موارد را نام برد: درمنه، گون، کنگر، قیچ، گل نسترن وحشی، گل لاله، پونه، گز، جارو، بادام وحشی، بنه، شاتره، آویشن، مستار، بومادران، زوفا، کاکوتی، کما، ریواس و انواع گراس. همچنین گونه های حیات وحش این منطقه شامل این موارد است: قوچ و میش، گرگ، روباه، شغال، کفتار، خرگوش تشی و انواع موش، کبک، تیهو، کبوتر چاهی، قمری، عقاب دشتی، عقاب طلایی، دلیجه، هما، کرکس، مار، سوسمار، بزمجه، لاک پشت (اداره کل حفاظت محیط زیست خراسان جنوبی، ۱۳۹۸). شکل ۱ موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه تحقیق را نشان می دهد.



شکل ۱- موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه تحقیق

از جمله تعارضات و تهدیدهایی که منطقه حفاظت‌شده شاسکوه با آن مواجه است، مواردی همچون چرای بی‌رویه، اجرانشدن ممیزی مراتع، تخریب و تصرف اراضی، بهره‌برداری رقابتی و بیش‌ازحد از منابع گیاهی، ایجاد مسیرهای عبوری متعدد در منطقه به‌واسطه فعالیت‌های گردشگری و دامداری، شکار بی‌رویه، نبود نیروی انسانی و کارکنان کافی برای حفاظت، وجود سکونتگاه‌های متعدد و فعالیت‌های دامداری گسترده در منطقه است (دیده‌بان محیط‌زیست و حیات‌وحش جانوران، ۱۳۹۱).

۴. مبانی نظری تحقیق

نقش گردشگری به‌عنوان منبع جدیدی برای ایجاد اشتغال، افزایش درآمدهای ارزی، افزایش درآمدهای دولتی و تقویت زیرساخت‌های اجتماعی در مطالعات مختلف تأیید شده است (کلوردان^۱، ۲۰۰۲، ص. ۸). به‌طورکلی، گردشگری، دربرگیرنده جریانی از سرمایه، انسان، فرهنگ و کنش متقابل میان آن‌هاست که در فضاهای جغرافیایی آثار مختلفی بر جای می‌گذارد (فرهودی، شورچه، و صبوری، ۱۳۸۹، ص. ۴۶). به‌تبع ورود گردشگران به مکان‌های مختلف جغرافیایی، آثار اقتصادی مختلفی نیز بر اشتغال، درآمد و دیگر جنبه‌های اقتصادی برجای خواهد گذاشت. تأکید بر مقوله اقتصادی در فضاهای جغرافیایی برای توسعه و رفاه ساکنان محلی اهمیت گردشگری را دوچندان می‌کند. این خود مستلزم سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی در سطح جهانی درباره گردشگری است که آن را به امری جهانی تبدیل می‌کند (سوجیارتو، بلیک، سینکلایر^۲، ۲۰۰۳، ص. ۶۸۳). درواقع بعد اقتصادی این فعالیت نخستین جنبه‌ای بود که توجه سیاست‌گذاران و محققان را به خود جلب کرد و به دلیل بازده مناسب این بخش، تمایل به گسترش آن همه‌گیر شد (علیزاده، ۱۳۸۲، ص. ۵۶).

به‌تدریج با فراگیر شدن گردشگری در بسیاری از نقاط، به‌ویژه در محیط‌های طبیعی آثار سوء آن پدیدار شد که حاکی از آسیب‌های جدی به محیط‌زیست بود. در مواجهه با این آسیب‌ها، مناطق زیست‌محیطی که از تنوع زیستی در خور توجهی برخوردار بودند، به‌عنوان

1. Cleverdon

2. Sugiyarto, Blake & Sinclair

مناطق حفاظت‌شده معرفی شدند تا از این طریق بتوان اقدامات مدیریتی برای حفاظت از آنها را در پیش گرفت. فعالیت‌های گردشگری در مناطق حفاظت‌شده زمینه‌ساز تغییر سیمای طبیعی چشم‌اندازها و تشدید آسیب‌پذیری این مناطق می‌شود؛ چراکه فعالیت‌های انسانی در این مناطق با اثرگذاری بر خاک، پوشش گیاهی، حیات‌وحش، منابع آبی، کیفیت هوا و سروصدا موجب تغییرات اکولوژیک می‌شوند (همیت و همکاران، ۲۰۱۵، ص. ۶۴).

فعالیت‌های گردشگری در مناطق حفاظت‌شده می‌تواند به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم، گونه‌های گیاهی را با آسیب مواجه کند. اثرات مستقیم یا به‌صورت فرایند پاک‌تراشی، در مرحله اجرا و احداث مطرح است یا به‌صورت کوبیدگی، بریدگی و ریشه‌کن شدن آنها بر اثر فعالیت‌هایی مانند کمپینگ، اسب‌سواری، راه رفتن، رانندگی خارج از جاده و کوه‌نوردی اتفاق می‌افتد (نیوسام، میلوسکی، فیلپس، و آئیئر^۱، ۲۰۱۰، ص. ۵۳) که می‌تواند به زوال ساختار جوامع گیاهی، کاهش زادآوری گیاهان (ژونگ، دنگ، سونگ، و دینگ^۲، ۲۰۱۱، ص. ۲۹۷۳) یا حتی افزایش خطر انقراض برخی گونه‌ها منجر شود (نیوسام، مور، و داوولینگ^۳، ۲۰۱۲، ص. ۱۲۹). همچنین اثرات ناشی از گردشگری می‌تواند به کاهش ارتفاع گیاهان، بیومس، اندام‌های مولد، فراوانی پوشش گیاهی، آسیب به جوانه‌زنی و تغییر در ترکیب گونه‌های گیاهی منجر شود (پیکرینگ و هیل^۴، ۲۰۰۷، ص. ۷۹۲). در این میان، اثرات محیط‌زیستی ناشی از فعالیت‌های گردشگری می‌تواند در نتیجه لگدکوبی، تغییر در مواد مغذی خاک و آب-های زیرزمینی، تغییر در ساختار پوشش گیاهی و یا اثرات غیرمستقیمی مانند معرفی گونه‌های جدید (علف هرز)، عوامل بیماری‌زا و قطعه‌قطعه شدن زیستگاه‌ها شود (مونز، کول، لیونگ، و ماریون^۵، ۲۰۱۰، ص. ۵۵۲؛ بالانتاین، گودز، و پیکرینگ^۶، ۲۰۱۴، ص. ۱۱۳). یکی از اثرات غیرمستقیم لگدکوبی خاک، جلوگیری از جوانه‌زنی بذر و رشد آن است؛ چراکه فشردگی خاک موجب کاهش عبور آب و هوا، میزان نفوذپذیری آب (همیت و همکاران، ۲۰۱۵، ص.

1. Newsome, Milewski, Phillips & Annear

2. Zhong, Deng, Song & Ding

3. Newsome, Moore & Dowling

4. Pickering & Hill

5. Monz, Cole, Leung & Marion

6. Ballantyne, Gudes & Pickering

۶۶) و میزان نگهداری آب در خاک می‌شود (گلت و رز^۱، ۲۰۰۲، ص. ۲۶۸). یکی دیگر از اثرات غیرمستقیم و بالقوه اکوتوریسم، معرفی غیرتعمدی گونه‌های جدید از طریق کفش، لباس و تجهیزات گردشگران است (وینام، چیلکوت، برگستروم^۲، ۲۰۰۵، ص. ۲۰۸؛ به نقل از شیرانی سرمازه، جهانی، گشتاسب میگوئی، اعتماد، ۱۳۹۷، صص. ۲۷-۲۸).

اقداماتی که در حوزه گردشگری انجام می‌پذیرد، می‌تواند گونه‌های جانوری را نیز به صورت مستقیم و غیرمستقیم متأثر کند؛ اثرات مستقیم از طریق اختلالاتی است که به واسطه اجرای طرح‌های گردشگری به زیستگاه و رفتار جانوران منطقه وارد می‌شود (ژونگ، دنگ، سونگ، و دینگ^۳، ۲۰۱۱، ص. ۲۹۷۸). اثرات غیرمستقیم گردشگری بر حیوانات، به واسطه تغییر در پوشش گیاهی، غذا، خاک و... ایجاد می‌شود. فعالیت‌های تفرجی مانند مشاهده حیات وحش، عکس‌برداری و حتی اقدامات ساده نظیر راه رفتن از میان قلمرو آن‌ها موجب اثرات منفی بر حیات وحش می‌شود و موقعیت‌های تنش‌زا برای آن‌ها ایجاد می‌کند. شواهد و مدارک بسیار حاکی از این است که حضور گردشگران و ازدحام آن‌ها در زیستگاه‌های حساس می‌تواند موجب فشردگی جمعیت حیوانات (مونز و همکاران، ۲۰۱۰، ص. ۵۵۶) آشفته‌گی حیات وحش (باکلی^۴، ۲۰۰۴، ص. ۱۸۸) تغییر عملکرد آن‌ها مانند تنفس، استرس، تولیدمثل و وضعیت بدن شود. علاوه بر این، اثرات نامطلوب ناشی فعالیت‌های گردشگری می‌تواند سبب تغییر اندازه جمعیت پرندگان، عملکرد اکولوژیکی، نرخ تغذیه (ماسلو، برگر، و هندل^۵، ۲۰۱۲، ص. ۱۸۲) و تخریب لانه، کاهش زادآوری آن‌ها و اختلال در زندگی و زیستگاه پرندگان و حیات وحش شود (پانگ^۶، ۲۰۰۴، ص. ۲۶). درکل، اثرات ناشی از گردشگری بر گونه‌های جانوری به سه طریق صورت می‌گیرد (گرین و هیگینباتم^۷، ۲۰۰۱، ص. ۱۴: الف) انجام فعالیت‌های پر سروصدا؛ ب) از بین بردن یا آزار رساندن به گونه‌ها بر اثر حوادث ناگهانی، شکار تعمدی، ماهیگیری، جمع‌آوری گونه‌ها و کشتن تعمدی آن‌ها به دلایل امنیتی؛

1. Gallet & Roze
2. Whinam, Chilcott & Bergstrom
3. Zhong, Deng, Song & Ding
4. Buckley
5. Maslo, Burger & Handel
6. Pang
7. Green & Higginbottom

ج) تغییر زیستگاه حیات وحش هنگام پاکروبی یا تغییر کاربری زمین، در راستای ایجاد زیرساخت‌ها و امکانات گردشگری (به نقل از شیرانی سرمازه و همکاران، ۱۳۹۷، صص. ۲۸-۲۹).

به‌طور کلی، فعالیت‌های گردشگری می‌تواند به منافع اقتصادی منجر شود؛ با این حال، در صورت نبود مدیریت اثربخش اقدامات گردشگری، اثرات زیان‌باری متوجه مناطق گردشگری خواهد شد (کروبی و فردوسی، ۲۰۲۱، ص. ۶۲۸؛ پورفرج، قادری، جمعه‌پور و فردوسی، ۲۰۲۰، ص. ۱؛ ضیائی و فردوسی، ۲۰۲۰، ص. ۱؛ مودودی ارخودی و فردوسی، ۱۴۰۰، ص. ۲۴۱ و ۱۳۹۹، ص. ۸۵؛ نعمتی، بابائی و فردوسی، ۱۴۰۰، ص. ۲۰۸؛ نعمتی و فردوسی، ۱۴۰۰، ص. ۵۳؛ قادری، بابائی، اکبری آرباتان فردوسی، ۱۳۹۹، ص. ۱۱۲؛ فردوسی، آغنده و بابائی، ۱۳۹۹، ص. ۱۳؛ زیاری، رضوانی و فردوسی، ۱۳۹۹، ص. ۱۸۹ و ۱۳۹۸، ص. ۱۲۳). در این میان، مناطق حفاظت‌شده به‌عنوان یکی از حساس‌ترین مناطق زیست‌محیطی، در معرض تهدیدات و آسیب‌های متعددی قرار دارند که بی‌توجهی به آن‌ها، زیان‌های جبران‌ناپذیری را به همراه خواهد داشت؛ بنابراین در راستای مدیریت مناطق حفاظت‌شده، به‌ویژه در ارتباط با فعالیت‌های گردشگری، باید با رویکردی جامع، همه جوانب را مدنظر قرار داد. در ادامه به تبیین اثرات گردشگری بر گونه‌های گیاهی و جانوری و همچنین محیط روستاهای واقع در منطقه حفاظت‌شده شاسکوه پرداخته شده است.

۵. یافته‌های تحقیق

در این بخش ابتدا یافته‌های توصیفی تحقیق ذکر می‌شود. در جدول ۳، ویژگی‌های توصیفی نمونه مطالعه‌شده نشان داده شده است.

جدول ۳- ویژگی‌های توصیفی نمونه مطالعه‌شده

مأخذ: یافته‌های تحقیق

پارامتر		فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۳۳۲	۷۸/۷
	زن	۹۰	۲۱/۳

پارامتر		فراوانی	درصد
تأهل	مجرد	۱۲۶	۲۹/۸۶
	متأهل	۲۹۶	۷۰/۱۴
شغل	کارمند دولتی	۴۴	۱۰/۴۳
	کشاورزی	۱۲۱	۲۸/۶۷
	دامداری	۹۳	۲۲/۰۴
	خانه‌دار	۶۲	۱۴/۶۹
	دانشجو	۸۴	۱۹/۹۱
	سایر	۱۸	۴/۲۷
	کمتر از دیپلم	۲۳۷	۵۶/۱۶
میزان تحصیلات	دیپلم	۷۵	۱۷/۷۷
	فوق دیپلم	۵۱	۱۲/۰۹
	لیسانس	۴۷	۱۱/۱۴
	فوق لیسانس	۱۰	۲/۳۷
	دکتری	۲	۰/۴۷

همان‌طور که در جدول ۳ نشان داده شده است، مردان ۷۸/۷ درصد از نمونه آماری را و زنان ۲۱/۳ درصد آن را تشکیل می‌دهند. بیشترین فراوانی مربوط به افراد متأهل با ۷۰/۱۴ درصد و کم‌ترین فراوانی مربوط به افراد مجرد با ۲۹/۸۶ درصد است. ۱۰/۴۳ درصد نمونه آماری دارای شغل دولتی، ۲۸/۶۷ درصد کشاورز، ۲۲/۰۴ درصد دامدار، ۱۴/۶۹ درصد خانه‌دار، ۱۹/۹۱ درصد دانشجو ۴/۲۷ درصد دارای سایر مشاغل هستند. از نظر میزان تحصیلات، ۵۶/۱۶ درصد کمتر از دیپلم، ۱۷/۷۷ درصد دیپلم، ۱۲/۰۹ درصد فوق دیپلم، ۱۱/۱۴ درصد لیسانس، ۲/۳۷ درصد فوق لیسانس و ۰/۴۷ درصد دکتری است.

در راستای پاسخگویی به سؤال تحقیق، پیش از به‌کارگیری آزمون‌های آماری به‌منظور تحلیل استنباطی داده‌ها، در ابتدا باید داده‌ها را به لحاظ نرمال بودن آزمون کرد. بدین منظور آزمون کلموگروف-اسمیرنوف استفاده شده است. نتایج آزمون در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴- نتایج آزمون کلموگروف-اسمیرنوف

مأخذ: یافته‌های تحقیق

متغیر	عدد معناداری (Sig)
گونه‌های گیاهی	۰/۰۳۳
گونه‌های جانوری	۰/۱۷۶
محیط روستا	۰/۰۲۴

با توجه به جدول ۴، اگرچه سطح معناداری برای متغیر گونه‌های جانوری بیش از ۰/۰۵ شده است، سطح معناداری برای متغیرهای گونه‌های گیاهی و محیط روستا کمتر از ۰/۰۵ شده است که حاکی از نرمال نبودن داده‌های مربوط به این متغیرهاست؛ بنابراین در ادامه برای آزمون داده‌ها، از آزمون‌های ناپارامتریک استفاده شده است. با توجه به غیرنرمال بودن داده‌ها، به منظور بررسی تأثیر گردشگری در منطقه حفاظت شده شاسکوه، از آزمون خی دو استفاده شد که نتایج آن در جداول زیر نشان داده شده است.

مطابق با جدول ۵، نتایج آزمون خی دو در ارتباط با تأثیرات منفی و مثبت گردشگری بر گونه‌های گیاهی منطقه حفاظت شده شاسکوه ارائه شده است. همان‌طور که در جدول ۵ نشان داده شده است، درباره اثرات منفی گردشگری، بیشترین فراوانی مشاهده شده در سؤال‌های «پایمال کردن گیاهان»، «منقرض شدن برخی گونه‌های گیاهی»، و «در معرض انقراض قرار گرفتن برخی گیاهان» در سطح زیاد است. با توجه به اینکه سطح معناداری محاسبه شده (sig=۰/۰۰۰) کمتر از ۵ درصد است، توزیع فراوانی از اختلاف معناداری برخوردار است؛ بنابراین با ۹۹ درصد از درجه اطمینان می‌توان گفت که تأثیرات منفی گردشگری بر گونه‌های گیاهی، براساس گویه‌های مذکور، در سطح زیاد ارزیابی شده است.

همچنین مطابق با جدول ۵، درباره اثرات مثبت گردشگری، بیشترین فراوانی مشاهده شده در سؤال‌های «آگاهی نسبت به تنوع گونه‌های گیاهی»، «بهبود رفتار حفاظتی نسبت به گیاهان» و «آگاهی نسبت به فواید گیاهان» در سطح زیاد است. با توجه به اینکه سطح معناداری محاسبه شده (sig=۰/۰۰۰) کمتر از ۵ درصد است، توزیع فراوانی از اختلاف معناداری

برخوردار است؛ بنابراین با ۹۹ درصد از درجه اطمینان می‌توان گفت که تأثیرات مثبت گردشگری بر گونه‌های گیاهی، براساس گویه‌های مذکور، در سطح زیاد ارزیابی شده است. مطابق با نتایج مذکور، هرچند گردشگری توانسته است تأثیرات مثبت در حد زیاد بر گونه‌های گیاهی منطقه شاسکوه داشته باشد، هنوز شاهد تأثیرات منفی گردشگری در سطح زیاد بر گونه‌های گیاهی منطقه نیز هستیم؛ ازاین‌رو با توجه به اینکه اثرات منفی بر گونه‌های گیاهی در مواردی می‌تواند به انقراض گونه‌ها منجر شود، ضروری است که فعالیت‌های گردشگری تحت اقدامات مدیریتی مناسب قرار گیرد تا ضمن بهره‌مندی از اثرات مثبت، بتوان اثرات منفی گردشگری را نیز کنترل کرد.

جدول ۵- نتایج آزمون خی‌دو (تأثیرات گردشگری بر گونه‌های گیاهی منطقه حفاظت‌شده شاسکوه)

مأخذ: یافته‌های تحقیق

اثرات مثبت						اثرات منفی						
آگاهی نسبت به فواید گیاهان		بهبود رفتار حفاظتی نسبت به گیاهان		آگاهی نسبت به تنوع گونه‌های گیاهی		در معرض انقراض قرار گرفتن برخی گیاهان		منقرض شدن برخی گونه‌های گیاهی		پایمال کردن گیاهان		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	دسته
۹/۵	۴۰	۵/۷	۲۴	۴/۷	۲۰	۱۰/۲	۴۳	۹/۰	۳۸	۵/۵	۲۳	خیلی کم
۱۲/۶	۵۳	۱۴/۷	۶۲	۱۱/۴	۴۸	۲۸/۲	۱۱۹	۲۰/۹	۸۸	۱۷/۱	۷۲	کم
۲۶/۸	۱۱۳	۲۳/۹	۱۰۱	۳۲/۹	۱۳۹	۲۴/۹	۱۰۵	۲۶/۳	۱۱۱	۲۶/۱	۱۱۰	متوسط
۴۲/۷	۱۸۰	۴۰/۳	۱۷۰	۳۷/۴	۱۵۸	۲۴/۹	۱۰۵	۲۹/۱	۱۲۳	۲۷/۰	۱۱۴	زیاد
۸/۵	۳۶	۱۵/۴	۶۵	۱۳/۵	۵۷	۱۱/۸	۵۰	۱۴/۷	۶۲	۲۴/۴	۱۰۳	خیلی زیاد
۱/۸۰۸		۱/۴۳۷		۱/۷۳۲		۵۸/۵۶۹		۵۷/۶۴۵		۶۸/۷۳۵		Chi-square
۴		۴		۴		۴		۴		۴		df
۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		sig

مطابق با جدول ۶، نتایج آزمون خی‌دو در ارتباط با تأثیرات منفی و مثبت گردشگری بر گونه‌های جانوری منطقه حفاظت‌شده شاسکوه ارائه شده است. همان‌طور که در جدول ۶ نشان داده شده است، درباره اثرات منفی گردشگری، بیشترین فراوانی مشاهده‌شده در سؤال‌های «شکار بی‌رویه گونه‌های جانوری» و «منقرض شدن برخی گونه‌های جانوری» در

سطح متوسط است. همچنین بیشترین فراوانی مشاهده‌شده در سؤال «در معرض انقراض قرار گرفتن برخی جانوران» در سطح کم است. با توجه به اینکه سطح معناداری محاسبه‌شده ($\text{sig}=0/000$) کمتر از ۵ درصد است، توزیع فراوانی از اختلاف معناداری برخوردار است؛ بنابراین با ۹۹ درصد از درجه اطمینان می‌توان گفت که تأثیرات منفی گردشگری بر گونه‌های جانوری، براساس گویه‌های مذکور، در سطح متوسط تا کم ارزیابی شده است.

همچنین مطابق با جدول ۶، دربارهٔ اثرات مثبت گردشگری، بیشترین فراوانی مشاهده‌شده در سؤال‌های «آگاهی نسبت به تنوع گونه‌های جانوری»، «بهبود رفتار حفاظتی نسبت به جانوران» و «آگاهی نسبت به فواید وجود گونه‌های جانوری» در سطح زیاد است. با توجه به اینکه سطح معناداری محاسبه‌شده ($\text{sig}=0/000$) کمتر از ۵ درصد است، توزیع فراوانی از اختلاف معناداری برخوردار است؛ بنابراین با ۹۹ درصد از درجه اطمینان می‌توان گفت که تأثیرات مثبت گردشگری بر گونه‌های جانوری، براساس گویه‌های مذکور، در سطح زیاد ارزیابی شده است.

مطابق با نتایج مذکور، گردشگری توانسته است تأثیرات مثبت در حد زیاد بر گونه‌های جانوری منطقه شاسکوه داشته باشد. در این میان، تأثیرات منفی گردشگری در سطح متوسط تا کم بر گونه‌های جانوری منطقه ارزیابی شده است.

جدول ۶- نتایج آزمون خی‌دو (تأثیرات گردشگری بر گونه‌های جانوری منطقه حفاظت‌شده شاسکوه)

مأخذ: یافته‌های تحقیق

اثرات مثبت		اثرات منفی		شکار بی‌رویه گونه‌های جانوری		منقرض شدن برخی گونه‌های جانوری		در معرض انقراض قرار گرفتن برخی جانوران		آگاهی نسبت به تنوع گونه‌های جانوری		بهبود رفتار حفاظتی نسبت به جانوران		آگاهی نسبت به فواید وجود گونه‌های جانوری		دسته
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۷/۵۸	۳۲	۸/۲۹	۳۵	۵/۹	۲۵	۱۴/۲	۶۰	۱۳/۷	۵۸	۲۰/۱	۸۵	۷/۵۸	۳۲	۸/۲۹	۳۵	خیلی کم
۷/۰۶	۷۲	۱۳/۷۴	۵۸	۱۲/۶	۵۳	۲۸/۲	۱۱۹	۲۶/۳	۱۱۱	۱۸/۲	۷۷	۷/۰۶	۷۲	۱۳/۷۴	۵۸	کم
۲۶/۷۸	۱۱۳	۲۷/۹۶	۱۱۸	۲۱/۳	۹۰	۲۸/۰	۱۱۸	۲۹/۹	۱۲۶	۲۷/۳	۱۱۵	۲۶/۷۸	۱۱۳	۲۷/۹۶	۱۱۸	متوسط
۳۵/۳۱	۱۴۹	۴۲/۱۸	۱۷۸	۴۴/۱	۱۸۶	۲۲/۳	۹۴	۲۲/۳	۹۴	۲۳/۷	۱۰۰	۳۵/۳۱	۱۴۹	۴۲/۱۸	۱۷۸	زیاد
۱۳/۲۷	۵۶	۷/۸۲	۳۳	۱۶/۱	۶۸	۷/۳	۳۱	۷/۸	۳۳	۱۰/۷	۴۵	۱۳/۲۷	۵۶	۷/۸۲	۳۳	خیلی زیاد

اثرات مثبت		اثرات منفی			
آگاهی نسبت به فواید وجود گونه‌های جانوری	بهبود رفتار حفاظتی نسبت به جانوران	آگاهی نسبت به تنوع گونه‌های جانوری	در معرض انقراض قرار گرفتن برخی جانوران	منقرض شدن برخی گونه‌های جانوری	شکار بی‌رویه گونه‌های جانوری
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
۱/۵۱۴	۱/۶۲۷	۱/۷۹۴	۶۹/۴۹۳	۶۹/۵۴۰	۳۳/۰۲۴
۴	۴	۴	۴	۴	۴
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
				Chi-square	
				df	
				sig	

مطابق با جدول ۷، نتایج آزمون خی دو در ارتباط با تأثیرات منفی و مثبت گردشگری بر محیط روستاهای منطقه حفاظت‌شده شاسکوه ارائه شده است. همان‌طور که در جدول ۷ نشان داده شده است، دربارهٔ اثرات منفی گردشگری، بیشترین فراوانی مشاهده‌شده در سؤال‌های «آلودگی زیست‌محیطی در روستا» و «آلودگی صوتی در روستا» در سطح متوسط است. همچنین بیشترین فراوانی مشاهده‌شده در سؤال «تخریب اراضی کشاورزی روستا» در سطح کم است. با توجه به اینکه سطح معناداری محاسبه‌شده ($\text{sig}=0/000$) کمتر از ۵ درصد است، توزیع فراوانی از اختلاف معناداری برخوردار است؛ بنابراین با ۹۹ درصد از درجه اطمینان می‌توان گفت که تأثیرات منفی گردشگری بر محیط روستاها، براساس گویه‌های مذکور، در سطح متوسط تا کم ارزیابی شده است.

همچنین دربارهٔ اثرات مثبت گردشگری، بیشترین فراوانی در سؤال‌های «توجه به زیباسازی بناهای روستا»، «توجه به زیباسازی معابر روستا» و «توجه به پاکیزگی محیط روستا»، در سطح زیاد است. با توجه به اینکه سطح معناداری ($\text{sig}=0/000$) کمتر از ۵ درصد است، توزیع فراوانی از اختلاف معناداری برخوردار است؛ بنابراین با ۹۹ درصد از درجه اطمینان می‌توان گفت که تأثیرات مثبت گردشگری بر محیط روستاها، براساس گویه‌های مذکور، در سطح زیاد ارزیابی شده است.

مطابق با نتایج مذکور، گردشگری توانسته است تأثیرات مثبت در حد زیاد بر محیط روستاهای منطقه داشته باشد. در این میان، تأثیرات منفی گردشگری در سطح متوسط تا کم بر روستاها ارزیابی شده است.

جدول ۷- نتایج آزمون خی دو (تأثیرات گردشگری بر محیط روستاهای منطقه حفاظت‌شده شاسکوه)

مأخذ: یافته‌های تحقیق

دسته	اثرات منفی						اثرات مثبت					
	آلودگی زیست-محیطی در روستا		آلودگی صوتی در روستا		تخریب اراضی کشاورزی روستا		توجه به زیباسازی بناهای روستا		توجه به زیباسازی معابر روستا		توجه به پاکیزگی محیط روستا	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
خیلی کم	۵۷	۱۳/۵	۴۱	۹/۷	۷۷	۱۸/۲	۲۵	۵/۹	۲۳	۵/۵	۲۰	۴/۷
کم	۱۰۹	۲۵/۸	۱۱۴	۲۷/۰	۱۰۱	۲۳/۹	۶۰	۱۴/۲	۵۶	۱۳/۳	۵۴	۱۲/۸
متوسط	۱۵۲	۳۶/۰	۱۴۰	۳۳/۲	۹۳	۲۲/۰	۱۲۱	۲۸/۷	۱۰۶	۲۵/۱	۹۹	۲۳/۵
زیاد	۷۲	۱۷/۱	۹۸	۲۳/۲	۸۹	۲۱/۱	۱۳۸	۳۲/۷	۱۵۷	۳۷/۲	۱۵۸	۳۷/۴
خیلی زیاد	۳۲	۷/۶	۲۹	۶/۹	۶۲	۱۴/۷	۷۸	۱۸/۵	۸۰	۱۹/۰	۹۱	۲۱/۶
Chi-square	۱/۰۴۶		۱/۰۷۹		۱۰/۹۸۶		۹۹/۲۵۶		۱/۲۲۴		۱/۲۷۳	
df	۴		۴		۴		۴		۴		۴	
sig	۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		۰/۰۰۰	

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش، تأثیرات گردشگری در منطقه حفاظت‌شده شاسکوه براساس سه متغیر گونه‌های جانوری، گونه‌های گیاهی و محیط روستاهای واقع در محدوده مطالعاتی ارزیابی شد. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که هرچند گردشگری توانسته است تأثیرات مثبت در حد زیاد بر گونه‌های گیاهی منطقه شاسکوه داشته باشد، هنوز شاهد تأثیرات منفی گردشگری در سطح زیاد بر گونه‌های گیاهی منطقه نیز هستیم؛ به‌نحوی که فعالیت‌های گردشگری در سطح زیاد به «پایمال کردن گیاهان»، «منقرض شدن برخی گونه‌های گیاهی» و «در معرض انقراض قرار گرفتن برخی گیاهان» منجر شده است. درمقابل، توسعه گردشگری به آثار مثبت از قبیل «آگاهی نسبت به تنوع گونه‌های گیاهی»، «بهبود رفتار حفاظتی نسبت به گیاهان» و «آگاهی نسبت به فواید گیاهان» در سطح زیاد نیز منجر شده است. در ارتباط با گونه‌های جانوری، نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که گردشگری توانسته است تأثیرات مثبت در حد زیاد بر گونه‌های جانوری منطقه شاسکوه داشته باشد؛ به‌نحوی که توسعه گردشگری به «آگاهی نسبت به تنوع گونه‌های جانوری»، «بهبود رفتار حفاظتی نسبت به جانوران» و «آگاهی نسبت به فواید

وجود گونه‌های جانوری» در منطقه منجر شده است؛ در این میان، تأثیرات منفی گردشگری در سطح متوسط تا کم بر گونه‌های جانوری منطقه ارزیابی شده است که شامل «شکار بی‌رویه گونه‌های جانوری»، «منقرض شدن برخی گونه‌های جانوری» و «در معرض انقراض قرار گرفتن برخی جانوران» می‌شود. نتایج مذکور که در پژوهش حاضر حاصل شد، همسو با یافته‌های تحقیقات نوروزی و همکاران (۱۳۹۸)، شیرانی سرمازه و همکاران (۱۳۹۷)، پارساجو و ناصحی (۱۳۹۷)، پیکرینگ و همکاران (۲۰۰۳) و کلتونبورن و همکاران (۲۰۱۱) است که هریک به‌نحوی به تأثیرات منفی فعالیت‌های گردشگری بر مناطق حفاظت‌شده و محیط‌های طبیعی اشاره داشته‌اند.

در پژوهش حاضر، علاوه بر تأثیر گردشگری بر گونه‌های جانوری و گیاهی منطقه حفاظت‌شده شاسکوه، تأثیر توسعه گردشگری بر محیط روستاهای واقع در این منطقه نیز بررسی شد؛ بر این اساس، نتایج نشان داد که گردشگری توانسته است تأثیرات مثبت در حد زیاد بر محیط روستاهای منطقه شاسکوه داشته باشد؛ به‌نحوی که توسعه گردشگری به «توجه به زیباسازی بناهای روستا»، «توجه به زیباسازی معابر روستا» و «توجه به پاکیزگی محیط روستا» منجر شده است. در این میان، تأثیرات منفی گردشگری در سطح متوسط تا کم بر محیط روستاهای منطقه ارزیابی شده است که شامل «آلودگی زیست‌محیطی در روستا»، «آلودگی صوتی در روستا» و «تخریب اراضی کشاورزی روستا» است.

به‌طورکلی، می‌توان بروز تأثیرات منفی بر گونه‌های گیاهی و جانوری و همچنین محیط روستاهای پیرامون منطقه حفاظت‌شده را ناشی از ضعف ساختار مدیریتی منطقه در حوزه گردشگری دانست. در این راستا، می‌توان انتظار داشت که با لحاظ ساختار مدیریتی مناسب بتوان تا حد امکان، اثرات منفی گردشگری را کاهش داد یا کنترل کرد و درمقابل به تقویت اثرات مثبت نیز پرداخت. در ادامه پیشنهادهایی در این زمینه ارائه شده است که عبارت‌اند از:

- اجرای ساختار مدیریتی مناسب در حوزه گردشگری به‌منظور کنترل اثرات ناشی

از گردشگری بر منطقه؛

- پایش مستمر اثرات گردشگری بر گونه‌های گیاهی و جانوری منطقه و کاربست

اقدامات حفاظتی لازم به‌منظور کاهش اثرات منفی گردشگری در منطقه؛

- مدیریت بازدیدکنندگان از منطقه در جهت هدایت آن‌ها به بخش‌هایی از منطقه که تاب‌آوری بیشتری درباره حضور گردشگران دارند؛
- افزایش آگاهی و شناخت افراد نسبت به گونه‌های جانوری در راستای بهبود رفتار حفاظتی آنان نسبت به گونه‌های جانوری و جلوگیری از شکار بی‌رویه و انقراض جانوران؛
- اجرای برنامه‌های آموزشی در جهت افزایش آگاهی نسبت به اهمیت و تنوع گونه‌های جانوری؛
- کاربست اقدامات مدیریتی لازم در راستای کنترل فعالیت‌های گردشگری با هدف کاهش آلودگی‌های زیست‌محیطی، تخریب اراضی کشاورزی و آلودگی صوتی در روستاها؛
- برپایی نمایشگاه‌ها و برگزاری دوره‌های آموزشی در راستای افزایش آگاهی نسبت به فواید و تنوع گونه‌های گیاهی؛
- ارتقای فعالیت‌های آموزشی در راستای بهبود رفتار حفاظتی نسبت به گونه‌های گیاهی و تلاش به‌منظور جلوگیری از انقراض گونه‌های گیاهی؛
- اجرای اقدامات لازم به‌منظور زیباسازی بناها و معابر روستاها در راستای جذب گردشگران.

تقدیر و تشکر

این تحقیق در قالب طرح پژوهشی به شماره ابلاغیه ۳۹۲۱۱ مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۱۵ و با استفاده از اعتبارات پژوهشی دانشگاه بزرگمهر قائنات انجام شده است که بدین‌وسیله تشکر و قدردانی می‌شود.

کتابنامه

۱. اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان خراسان جنوبی (۱۳۹۸). *مناطق حفاظت‌شده*. بازیابی از <https://sko.doe.ir/>
۲. امیدوار، ن.، پورطاهری، م.، رکن‌الدین افتخاری، ع. (۱۴۰۰). تحلیل پیامدهای توسعه خدمات گردشگری بر ناپایداری زیست‌محیطی-کالبدی سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی، بخش طرقله در شهرستان بینالود). *نشریه پایداری، توسعه و محیط زیست*، ۲(۱)، ۴۲-۲۵.
۳. پارسا جو، ش.، ناصحی، ف. (۱۳۹۷). نقش توسعه پایدار توریسم در مناطق حفاظت‌شده مطالعه موردی منطقه سبلان در استان اردبیل. *نشریه علوم جغرافیایی*، ۱۴(۲۹)، ۳۰-۱۸.
۴. پرورش، ح.، بیرامی بسطام، ل. (۱۳۹۹). ارائه و اولویت بندی راهکارهای گردشگری پایدار در منطقه حفاظت شده گنو. *فصلنامه جغرافیایی فضای گردشگری*، ۹(۳۶)، ۵۴-۳۷.
۵. پوراحمد، ا.، فردوسی، س.، شاه‌محمدی، ح. (۱۳۹۵). بررسی شاخص‌های گردشگری دریایی در استان‌های ساحلی ایران. *فصلنامه علوم و فناوری دریا*، ۲۰(۷۸)، ۶۴-۵۵.
۶. پوراحمد، ا.، فردوسی، س.، شاه‌محمدی، ح. (۱۳۹۶). تبیین آسایش اقلیمی گردشگری ساحلی. *فصلنامه علوم و فناوری دریا*، ۲۱(۸۱)، ۷۳-۶۳.
۷. پورفرج، اکبر؛ قادری، ا.، جمعه پور، م.، فردوسی، س. (۱۳۹۸). واکاوی آسیب‌پذیری جاذبه‌های ژئوتوریستی در مقصدهای گردشگری. *فصلنامه پژوهش‌های فرسایش محیطی*، ۹(۳)، ۴۲-۲۳.
۸. جلالی، م.، گندمکار، ا.، فردوسی، س. (۱۳۹۵). واکاوی و تبیین اثرات گردشگری بر کیفیت زندگی (مطالعه موردی، شهربابک-کرمان). *فصلنامه آمایش جغرافیایی فضا*، ۶(۲۰)، ۱۷۴-۱۶۱.
۹. جهانی، ع.، صفاریها، م. (۱۳۹۹). مدل پیش‌بینی ارزیابی اثر گردشگری بر درصد پوشش تاجی گیاهی در پارک ملی و پناهگاه حیات وحش قمیشلو. *نشریه محیط‌زیست طبیعی*، ۱۳(۲)، ۲۷۰-۲۵۷.
۱۰. دربان آستانه، ع.، فردوسی، س.، شاه‌محمدی، ح. (۱۳۹۷). شناسایی مطلوب‌ترین نقاط جهت احداث سایت گردشگری دریایی (مطالعه موردی، شهرستان تنکابن). *فصلنامه اطلاعات جغرافیایی (سپهر)*، ۲۷(۱۰۶)، ۲۳۹-۲۲۹.
۱۱. دلیری، غ.، نوحه گر، ا. (۱۳۹۹). بررسی اثرات محیط زیستی اکوتوریسم و جایگاه آموزش محیط زیست در کاهش اثرات مخرب آن (مطالعه‌ی موردی، استان خراسان جنوبی). *انسان و محیط زیست*، ۱۸(۳)، ۴۱-۲۵.

۱۲. دیده بان محیط زیست و حیات وحش جانوران (۱۳۹۱). منطقه حفاظت شده شاسکوه و اسفدن. بازیابی از <http://www.iew.ir/>
۱۳. رستم پور، م. (۱۳۹۲). بررسی اثر گردادیان های محیطی و چرا بر ساختار بانک بذر خاک مراتع مناطق خشک مطالعه موردی مراتع قاینات خراسان جنوبی (رساله دکتری منتشر نشده)، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۱۴. زیاری، ک.، رضوانی، م.، فردوسی، س. (۱۳۹۸). تعیین ظرفیت تحمل اجتماعی گردشگران ساحلی (مطالعه موردی، بندر گز). فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۲۱(۵)، ۱۳۵-۱۲۳.
۱۵. زیاری، ک.، رضوانی، م.، فردوسی، س. (۱۳۹۹). تعیین ظرفیت تحمل فیزیکی-اکولوژیکی گردشگری ساحلی و تأثیرپذیری آن از میزان رضایت مندی گردشگران (مطالعه موردی، بندر گز). فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۲۲(۶)، ۲۰۲-۱۸۹.
۱۶. سلطانی ذوقی، ا.، سراج الدین، ا.، فتاحی اردکانی، ا. (۱۳۹۸). ارزیابی و اولویت بندی استراتژی های مدیریت مناطق حفاظت شده استان همدان. فصلنامه محیط شناسی، ۴۵(۴)، ۶۴۳-۶۲۵.
۱۷. سلطانی ذوقی، ا.، و حاجی رحیمی، م. (۱۳۹۷). برآورد و مقایسه سطح برداشت از سفره های آب زیرزمینی تحت الگوهای مختلف بهره برداری و تأثیر آن بر پایداری مطالعه دشت بهار استان همدان. نشریه تحقیقات اقتصاد کشاورزی، ۱۰(۴۰)، ۱۹۴-۱۷۳.
۱۸. شربتی، ا.، نظری، ع.، طالشی، م.، موسی کاظمی، س. (۱۴۰۰). گونه شناسی، ارزیابی اثرات و پیامدهای گردشگری خانه های دوم (مورد مطالعه، سکونتگاههای روستایی غرب استان گلستان). نشریه مطالعات جغرافیایی مناطق کوهستانی، ۲(۷)، ۲۳-۱.
۱۹. شیرانی سرمازه، ن.، جهانی، ع.، گشتاسب میگونی، ح.، اعتماد، و. (۱۳۹۷). ارزیابی اثرات محیط زیستی اکوتوریسم در مناطق حفاظت شده. نشریه محیط زیست و توسعه، ۹(۱۷)، ۳۶-۲۵.
۲۰. شیرمحمدی، ا.، جهانی، ع.، اعتماد، و.، ضرغام، ن.، مخدوم فرخنده، م. (۱۳۹۵). ارزیابی آثار محیط زیستی توسعه بر منطقه حفاظت شده کرکس با استفاده از مدل تخریب. نشریه پژوهش های محیط زیست، ۷(۱۴)، ۱۰۲-۹۱.
۲۱. صادقی پور مروی، م.، پوربابایی، ا.، علیخانی، ح.، حیدری، ا.، منافی، ز. (۱۳۹۶). ارزیابی عملکرد باکتری های اکسیدکننده گوگردی جداسازی شده از خاک معدن مس و شناسایی مولکولی آنها براساس توالی. نشریه پژوهش های سلولی و مولکولی (مجله زیست شناسی ایران)، ۳۰(۱)، ۵۴-۴۰.

۲۲. عابدی، ر. (۱۳۹۸). تأثیر گردشگری طبیعت بر ویژگی‌های ساختار و تنوع زیستی جنگل ارسباران. *مجله پژوهش‌های گیاهی*، ۳۲(۲)، ۲۵۸-۲۴۸.
۲۳. علیزاده، ک. (۱۳۸۲). اثرات حضور گردشگران بر منابع زیست محیطی. *مجله پژوهش‌های جغرافیایی*، ۳۵(۴۴)، ۷۰-۵۵.
۲۴. فردوسی، س.، آغنده، م.، بابایی، ی. (۱۳۹۹). تحلیلی بر ریسک‌ها و مخاطرات مقاصد گردشگری (مطالعه موردی، بندر انزلی). *مجله پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری*، ۱۰(۲۰)، ۲۶-۱۳.
۲۵. فردوسی، س.، شاه‌محمدی، ح.، جلالی، م. (۱۳۹۶). مطالعه پتانسیل‌های اقلیم گردشگری سواحل جنوبی دریای خزر. *فصلنامه اطلاعات جغرافیایی (سپهر)*، ۲۶(۱۰۴)، ۱۱۵-۱۰۳.
۲۶. فردوسی، س.، نظری مزیدی، ن.، مودودی ارخودی، م. (۱۳۹۷). تحلیلی بر شاخص باقیمانده ظرفیت تحمل جامعه میزبان نسبت به توسعه گردشگری (مطالعه موردی، شهر شاهرود). *فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۱۸(۴۹)، ۱۱۰-۹۳.
۲۷. فره‌ودی، ر.، شورچه، م.، صبوری، ح. (۱۳۸۹). برآورد اثر تغییرات فصلی بر درآمد گردشگری معبر آناهیتا با تحلیل رگرسیونی. *مجله جغرافیا و توسعه*، ۱۷، ۶۲-۴۵.
۲۸. قادری، ا.، بابایی، ی.، اکبری آرباتان، گ.، فردوسی، س. (۱۳۹۹). تبیین تأثیر خودکارآمدی کارآفرینی و قابلیت نوآوری بر عملکرد کسب‌وکارهای گردشگری (مورد مطالعه، شهر تبریز). *نشریه برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری*، ۹(۳۵)، ۱۳۴-۱۱۲.
۲۹. قمری‌زارع، ع. (۱۳۹۶). اهمیت و جایگاه مناطق حفاظت‌شده و چالش‌های فراروی آن‌ها. *نشریه طبیعت ایران*، ۲(۵)، ۷۹-۶۸.
۳۰. گلستانی، م.، فردوسی، س.، مجاب، د. (۱۳۹۴). سنجش پارامترهای اقلیمی با هدف توسعه بوم گردی (اکوتوریسم) در شهرستان نور. *نشریه نیوار*، ۳۹(۹۱-۹۰)، ۶۲-۵۵.
۳۱. مجنونیان، ه. (۱۳۶۵). پارک‌های ملی و مناطق حفاظت‌شده لزوم طبقه‌بندی مشکلات مدیریت. *نشریه محیط‌شناسی*، ۱۴(۱۴)، ۱۴۴-۱۲۹.
۳۲. مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن. بازیابی از www.amar.org.ir
۳۳. مطیعی لنگرودی، س.، فردوسی، س.، شاه‌محمدی، ح. (۱۳۹۶). تبیین اثرات رضایتمندی گردشگران در بازاریابی گردشگری دریایی (مورد مطالعه، نواحی ساحلی استان گلستان). *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۷(۲۶)، ۵۴-۴۱.

۳۴. مودودی ارخودی، م.، فردوسی، س. (۱۳۹۹). سنجش الگوی رفتاری عرضه و تقاضای گردشگری مبتنی بر تحولات نظام سرمایه‌داری (مورد مطالعه، شهر کرج و روستاهای پیرامونی). فصلنامه مطالعات شهری، ۹(۳۶)، ۸۵-۱۰۰.

۳۵. مودودی ارخودی، م.، فردوسی، س. (۱۴۰۰). تبیین نقش بوم‌گردی در توسعه جوامع روستایی (مورد مطالعه، روستای افین). مجله کاوش‌های جغرافیایی مناطق بیابانی، ۹(۱)، ۲۵۷-۲۴۱.

۳۶. مودودی ارخودی، م.، فردوسی، س.، نجفی ارخودی، ع. (۱۳۹۸). بررسی عوامل مؤثر بر وفاداری و ماندگاری گردشگران در هتل‌ها (مطالعه موردی، هتل‌های پنج ستاره شهر مشهد). مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، ۶(۱)، ۲۲۲-۲۰۷.

۳۷. نعمتی، و.، بابائی، ی.، فردوسی، س.، آغنده، م.، عباسقلی‌زاده، ن. (۱۴۰۰). تأثیر گردشگری سلامت بر ارتقاء رفاه اجتماعی جامعه میزبان. مجله سلامت و بهداشت، ۱۲(۲)، ۲۲۱-۲۰۸.

۳۸. نعمتی، و.، فردوسی، س. (۱۴۰۰). تبیین اثرات توسعه گردشگری روستایی بر ظرفیت تحمل جامعه محلی (مطالعه موردی، روستای کندلوس، شهرستان نوشهر). فصلنامه روستا و توسعه، ۲۴(۱)، ۸۰-۵۳.

۳۹. نوروزی، ا.، پورابراهیم، ش.، گشتاسب، ح.، جهانی، ع. (۱۳۹۸). پهنه‌بندی مخاطرات تنوع زیستی در منطقه حفاظت‌شده البرز مرکزی بخش جنوبی تحت مدیریت استان البرز. فصلنامه محیط‌زیست جانوری، ۱۱(۱)، ۹۷-۱۰۴.

۴۰. یزدی، م.، کرمی، م.، شریعت، م. (۱۳۹۵). ارزیابی منطقه شکارممنوع به منظور تبدیل به یک منطقه حفاظت‌شده. فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط‌زیست، ۲(۱۸)، ۳۰۷-۳۱۶.

41. Amir, A. F., Abd Ghapar, A., Jamal, S. A., & Ahmad, K. N. (2015). Sustainable tourism development: A study on community resilience for rural tourism in Malaysia. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 168, 116-122.
42. Ballantyne, M., Gudes, O., & Pickering, C. M. (2014). Recreational trails are an important cause of fragmentation in endangered urban forests: A case-study from Australia. *Landscape and Urban Planning*, 130, 112-124.
43. Buckley, R. (2004). Impacts of ecotourism on birds. In *Environmental impacts of ecotourism* (pp. 187-209). CABI.
44. Cleverdon, R. G. (2002). Tourism development in the SADC region: the opportunities and challenges. *Development Southern Africa*, 19(1), 7-28.
45. Gallet, S., & Rozé, F. (2002). Long-term effects of trampling on Atlantic Heathland in Brittany (France): Resilience and tolerance in relation to season and meteorological conditions. *Biological Conservation*, 103(3), 267-275.

46. Gavrilă-Păven, I., Bârsan Mircea, C., & Lia-Dorica, D. (2015). Advantages and Limits for Tourism Development in Rural Area (Case Study Ampoi and Mures Valleys). *Procedia Economics and Finance*, 32, 1050–1059.
47. Green, R., & Higginbottom, K. (2001). *The negative effects of wildlife tourism on wildlife: With a focus on non-consumptive free-ranging terrestrial wildlife tourism*. Brisbane, CRC for Sustainable Tourism.
48. Hammitt, W. E., Cole, D. N., & Monz, C. A. (2015). *Wildland recreation: ecology and management*. John Wiley & Sons.
49. Kaltenborn, B. R. P., Nyahongo, J. W., & Kideghesho, J. R. (2011). The attitudes of tourists towards the environmental, social and managerial attributes of Serengeti National Park, Tanzania. *Tropical Conservation Science*, 4(2), 132-148.
50. Karoubi, M., Ferdowsi, S. (2021). Impact of perceived social apathy on tourists' behavioral intentions. *Leisure Studies*, 40(5), 628-644.
51. Leitao, A. B., & Ahern, J. (2002). Applying landscape ecological concepts and metrics in sustainable landscape planning. *Landscape and urban planning*, 59(2), 65-93.
52. Maslo, B., Burger, J., & Handel, S. N. (2012). Modeling foraging behavior of piping plovers to evaluate habitat restoration success. *The Journal of Wildlife Management*, 76(1), 181-188.
53. Mihalič, T. (2000). Environmental management of a tourist destination: A factor of tourism competitiveness. *Tourism Management*, 21(1), 65-78.
54. Mili, N. (2012). Rural tourism development: An overview of tourism in the Tipam Phakey village of Naharkatia in Dibrugarh district, Assam (India). *International Journal of Scientific and Research Publications*, 2(12), 1-3.
55. Monz, C. A., Cole, D. N., Leung, Y. F., & Marion, J. L. (2010). Sustaining visitor use in protected areas: future opportunities in recreation ecology research based on the USA experience. *Environmental Management*, 45(3), 551-562.
56. Newsome, D., Milewski, A., Phillips, N., & Annear, R. (2002). Effects of horse riding on national parks and other natural ecosystems in Australia: Implications for management. *Journal of Ecotourism*, 1(1), 52-74.
57. Newsome, D., Moore, S. A., & Dowling, R. K. (2012). *Natural area tourism: Ecology, impacts and management*. Bristol: Channel View Publications.
58. Pang, S. (2004). *Some environmental problems and countermeasures in developing ecotourism in China*. *Environmental Protection*, 9, 25-30.
59. Pickering, C. M., & Hill, W. (2007). Impacts of recreation and tourism on plant biodiversity and vegetation in protected areas in Australia. *Journal of Environmental Management*, 85(4), 791-800.
60. Pickering, C. M., Harrington, J., & Worboys, G. (2003). Environmental impacts of tourism on the Australian Alps protected areas. *Mountain Research and Development*, 23(3), 247-254.
61. Pourfaraj, A., Ghaderi, E., Jomehpour, M., Ferdowsi, S. (2020). Conservation management of geotourism attractions in tourism destinations. *Geoheritage*, 12(4), 1-21.

62. Su, M. M., Wall, G., Wang, Y. and Jin, M. (2019). Livelihood sustainability in a rural tourism destination-Hetu Town, Anhui Province, China. *Tourism Management*, 71, 272-281.
63. Sugiyarto, G., Blake, A., & Sinclair, M. T. (2003). Tourism and globalization: Economic impact in Indonesia. *Annals of Tourism Research*, 30(3), 683-701.
64. Townsend, P. A., Lookingbill, T. R., Kingdon, C. C., & Gardner, R. H. (2009). Spatial pattern analysis for monitoring protected areas. *Remote Sensing of Environment*, 113(7), 1410-1420.
65. Whinam, J., Chilcott, N., & Bergstrom, D. M. (2005). Subantarctic hitchhikers: Expeditioners as vectors for the introduction of alien organisms. *Biological Conservation*, 121(2), 207-219.
66. Zhong, L., Deng, J., Song, Z., & Ding, P. (2011). Research on environmental impacts of tourism in China: Progress and prospect. *Journal of Environmental Management*, 92(11), 2972-2983.
67. Ziaee, M., Ferdowsi, S. (2020). A systematic review of Iranian research in the field of geotourism studies. *Geoheritage*, 12(4), 1-13.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

doi : <https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2022.73926.1093>

مقاله پژوهشی - کاربردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال نوزدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۳۷

شناسایی نیروهای پیشران اثرگذار بر تحقق شکوفایی شهری (مورد پژوهش: شهر بجنورد)

فروغ خزاعی‌نژاد (استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد، ایران)

f.khazaei@kub.ac.ir

صص ۳۲۰ - ۲۹۳

چکیده

تا پیش از این هرگز بشر تا این میزان با انباشتی از بحران‌های متعدد در شهرها مواجه نبوده است؛ از این‌رو توجه ویژه به شهرها به طور عام و مفهوم شکوفایی شهری به طور خاص در جهان و ایران لازم به نظر می‌رسد. پژوهش حاضر با هدف شناسایی نیروهای پیشران اثرگذار بر شکوفایی شهری تدوین شده است. برای این منظور شهر بجنورد مرکز استان خراسان شمالی به عنوان نمونه مطالعاتی انتخاب شده است. این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی و از نظر روش، ترکیبی است. برای گردآوری اطلاعات از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه متخصصان) بهره گرفته شده است. در رابطه با شناسایی پیشران‌های تأثیرگذار، ۲۰ نفر متخصص در شکوفایی شهری به عنوان نمونه انتخاب شدند. شاخص‌های بررسی شده طبق برنامه شکوفایی شهری سازمان ملل متحد، در شش حوزه (بهره‌وری، توسعه زیرساخت، کیفیت زندگی، عدالت و مشارکت اجتماعی، پایداری زیست‌محیطی و حکمرانی و قانون‌گذاری شهری) و در قالب ۲۵ متغیر بررسی شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل تأثیر متقابل در نرم‌افزار Micmac انجام شد. براساس نتایج پژوهش، متغیر فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان پیشران با بیشترین تأثیر گذاری و کمترین وابستگی و متغیرهای قدرت اقتصادی، وضعیت اقتصادی، وضعیت

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۵ تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۱۲/۲۱

اشتغال، زیرساخت مسکن، زیرساخت‌های اجتماعی، سلامت و زیرساخت‌های بهداشت، فضای عمومی، ایمنی و امنیت، برابری اقتصادی، وضعیت اجتماعی، فناوری مدیریت پسماند، فناوری انرژی پایدار، وضعیت و توانایی اداره و مدیریت شهر و موقعیت جغرافیایی شهر دارای بیشترین تأثیر گذاری هستند. **کلیدواژه‌ها:** شکوفایی شهری، نیروهای پیشران، شهرهای میانی، بجنورد.

۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین تحولات اجتماعی جهان در نیم‌قرن اخیر، توسعه شهرنشینی است. دنیای امروز بیش از ۷/۸ میلیارد نفر جمعیت دارد که بیش از ۵۰ درصد آن‌ها در شهرها سکونت دارند (کلارک، ۱۳۹۸). هم‌زمان با افزایش میل و رغبت به شهرنشینی، شهرها به طور فزاینده‌ای با مشکلاتی چون جدایی‌گزینی قومی، تفکیک کاربری‌ها، جدایی محل کار از سکونت، فرسودگی و زوال محله‌ها، افزایش ترافیک خیابان‌ها، محرومیت و نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی، سلامت، رفاه، نابرابری در دسترسی به خدمات بهداشتی، آموزشی، تفریحی و مسائلی چون کیفیت پایین محیط، آلودگی صوتی و هوا... نیز مواجه هستند (سلیمانی، تولایی، رفیعیان، زنگانه و خزاعی‌نژاد، ۱۳۹۵، ص. ۲۸)؛ با این همه، در تازه‌ترین دستور کار ۲۰۲۰ شهرهای جهان که از سوی برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد منتشر شده، تأکید شده است که باید از شهرنشینی به‌مثابه فرصتی برای مبارزه با فقر، نابرابری، بیکاری، تغییرات آب‌وهوایی و سایر چالش‌های جهانی استفاده کرد. علاوه بر این، دستورکار ۲۰۳۰ نیز بر تلاش برای پایان دادن به فقر و حرکت در مسیر صلح و شکوفایی شهری و تأمین فرصت برای همه تأکید دارد (آبیللا، ۲۰۱۸).

تحقق این اهداف پژوهشگران و برنامه‌ریزان شهری را بر آن داشت تا با تبیین شاخص‌های مختلف، میزان رشد و توسعه را به طور صحیح بسنجند و توسعه‌ای درخور انسان و تأمین نیازهای او با افزایش کیفیت زندگی و ارتقای رضایت از زندگی فراهم کنند. مطالعات نشان می‌دهد، تلاش برای تبدیل شهرها به مکان‌های بهتر و مناسب‌تر برای زندگی، همواره از

دغدغه‌های اصلی مدیریت شهری بوده است. سابقه این نوع تلاش‌ها تقریباً به بیش از ۷۰ سال پیش می‌رسد؛ زمانی که شاخص تولید ناخالص داخلی (GDP) مطرح شد و برنده جایزه نوبل متریک و مادر تمام آمارها نام گرفت. این شاخص، مفهوم شکوفایی هر کشور را در میزان تولید کالا و خدمات آن بیان می‌کرد، اما بعدها به نظر رسید که این شاخص به‌رغم گستردگی و پذیرش، برای سنجش میزان کلی رفاه و خوشبختی یک جامعه و شکوفایی شهری کاستی‌هایی دارد. در سال ۲۰۰۶، چین شاخص تولید ناخالص داخلی سبز را تهیه کرد که به طور جدی استانداردهای زیست‌محیطی را به چالش می‌کشید. در سال ۲۰۰۹ مشخص شد که شاخص تولید ناخالص داخلی بیان‌کننده بسیاری از ویژگی‌های اساسی رفاه، شکوفایی، خوشبختی و شادی در جوامع نیست (محمدیارزاده، ۱۳۹۷، ص. ۱۱۲)؛ در نتیجه در سال ۲۰۱۳ برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد (UN-Habitat) شاخص ترکیبی شکوفایی شهری را (CPI) به‌عنوان رویکردی یکپارچه در توجه به مسائل توسعه و زندگی شهری با سنجشی درخور انسان، متعادل، هماهنگ و پایدار مطرح کرد که مدنظر کشورهای مختلف جهان قرار گرفت. با فراگیر شدن این رویکرد، مطالعات متعددی با اهداف و روش‌های گوناگون و در محدوده‌های مکانی مختلف در باب شکوفایی شهری در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه انجام شد؛ اما واقعیت آن است که با شتاب تحولات شهری و دگرگونی همه ابعاد و زمینه‌های شهر، شناخت، ارزیابی و بررسی وضع موجود به‌تنهایی کافی نیست و برای برنامه‌ریزی مطلوب و بهبود شکوفایی شهرها در آینده، نیاز جدی به شناخت پیشران‌های مؤثر بر این مفهوم وجود دارد تا بتوان آینده‌ای پایدار را رقم زد.

شهر بجنورد با بیش از ۲۲۸۹۳۱ نفر جمعیت طبق آمار سال ۱۳۹۵، مرکز استان خراسان شمالی است که از زمان قرارگرفتن در این نقش و طبعاً تحولات اجتماعی، اقتصادی، جمعیتی و کالبدی ناشی از آن، نیازمند مطالعات و بررسی‌های پژوهشی و کاربردی شهری است تا آینده‌ای بهتر را پیش‌رو داشته باشد. نظر به مباحث گفته‌شده، به نظر می‌رسد بررسی و شناخت وضعیت شهر بجنورد از منظر شاخص‌های شکوفایی و تأثیر آن‌ها بر شرایط زندگی و تحولات حال و آینده شهر که گاه به ظهور فرایندهایی منجر می‌شود که زمینه شکوفایی شهر را فراهم می‌کنند و گاه باعث ایجاد موانع در راه شکوفایی شهری می‌شوند، امری ضروری

است؛ از این رو پژوهش حاضر در این راستا گام برمی‌دارد؛ بر این اساس پژوهش حاضر می‌کوشد به این سؤال‌ها پاسخ دهد:

۱. عوامل مؤثر بر شکوفایی شهری بجنورد کدام‌اند؟
۲. رابطه میان عوامل مؤثر بر شکوفایی شهری بجنورد به چه شکل است؟
۳. از میان عوامل اثرگذار بر شکوفایی شهری بجنورد، چه نیروهایی به‌عنوان پیشران با بیشترین سطح تأثیر گذاری و کمترین وابستگی عمل می‌کنند؟

۲. پیشینه تحقیق

شکوفایی مستلزم موفقیت، ثروت، شرایط شکوفا، رفاه یا خوش‌بختی است، اما هنگامی که درمورد شهرها به کار می‌رود، سؤال کلیدی این است که شرایط و عناصر ضروری برای شکوفایی یک شهر یا برای توصیف یک منطقه شهری به‌عنوان یک منطقه یا شکوفا چیست؟ (آریماه^۱، ۲۰۱۷، ص. ۲۴۷) برای نخستین بار در دهه ۱۹۳۰ مفهوم شکوفایی شهری به‌صورتی ابتدایی شکل گرفت؛ با وجود این، تاکنون همچنان به‌عنوان بحثی جدید در برنامه‌ریزی شهری مطرح است که در جهان و در سال‌های اخیر در ایران مدنظر ویژه قرار گرفته است. سابقه تحقیقات خارج از کشور در زمینه شکوفایی شهری چندان گسترده و به لحاظ قدمت طولانی نیست، اما نتایج آن‌ها درخور ملاحظه بوده و بر تحقیقات داخل کشور اثرگذار است. کامل‌ترین مطالعه در این زمینه در سال ۲۰۱۳-۲۰۱۲ توسط سازمان ملل متحد انجام شد که به شکل‌گیری چارچوب مفهومی و ابعاد و شاخص‌های نسبتاً کامل در این زمینه منجر شد. این مطالعه مرجع اغلب مطالعات شکوفایی شهری در جهان و ایران است. علاوه بر این می‌توان به برخی پژوهش‌های موردی نیز اشاره کرد؛ برای مثال، تحقیق وانگ^۲ (۲۰۱۵) با عنوان «چارچوبی برای شاخص شکوفایی شهری» از آن جمله است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، شاخص‌های شناسایی‌شده توسط هیئتات به ناچار با ظهور مسائل جدید و داده‌های با کیفیت بیشتر، تغییر خواهند کرد. ایگیت جانلار، دور و ایزداروگلو^۳ (۲۰۱۵) نیز در پژوهشی با

1. Arimah

2. Wong

3. Yigitcanlar, Dur & Dizdaroglu

عنوان «در مسیر شهرهای پایدار و شکوفا: روش چندگانه ارزیابی پایداری شهری» مطرح کردند، اگرچه مدل‌های متعددی برای ارزیابی پایداری شهری وجود دارد، در اغلب موارد ناکافی هستند؛ بنابراین رویکرد پایدار شهری چندکمیته را از طریق ایجاد ارتباط بین دو مدل ارزیابی پایدار معرفی می‌کنند. جونز، تفه و اپیاه اوپوکو^۱ (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان «مشارکت ذی‌نفعان در انتخاب پروژه‌های حمل‌ونقل: گامی به سوی شکوفایی شهری در کشورهای در حال توسعه» به بررسی حمل‌ونقل به عنوان یکی از زیرساخت‌های شهری و عنصری برای شکوفایی شهری پرداختند. ایستید^۲ در پژوهش خود با عنوان «آیا کیفیت حکومت به معنای شکوفایی شهری است؟» به بررسی رابطه بین حاکمیت و شکوفایی شهرها، مناطق و شهرها پرداخت. فریتز و کوه^۳ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «الگوهای توسعه اقتصادی و شکوفایی در سراسر جهان: چالش‌های ساختاری برای پایداری اقتصاد» انجام دادند. گارسیا سانچز، سیلز و مندز^۴ (۲۰۱۸) در مقاله «رقابت و نوآوری: اثرات بر شکوفایی» با مطالعه رقابت‌پذیری مقاصد گردشگری، چگونگی تأثیر نوآوری را بر تمام ابعاد و کیفیت زندگی مقصد گردشگری و در نهایت شکوفایی شهری نشان دادند.

طی دهه اخیر مطالعات متعددی با رویکرد شکوفایی شهری در کشور ما نیز انجام شده است؛ برای مثال می‌توان به مطالعات صفایی‌پور، ملکی، حاتمی‌نژاد و مدانلو جویباری (۱۳۹۶)، صرافی و هاشمی (۱۳۹۷)، دانش‌پور، سعیدی رضوانی و بذرگر (۱۳۹۷)، محمدیارزاده و شمس‌اللهی (۱۳۹۷)، طلوعی، حبیب و زراآبادی (۱۳۹۸)، رضاعلی، حاتمی‌نژاد، فرجی سبکبار، علوی و رحمتی (۱۳۹۹)، علوی، نظم‌فر و عشقی چهاربرج (۱۳۹۹)، نیک‌پور، مرادی و یاراحمدی (۱۳۹۹) و جهانی، نظم‌فر، معصومی و صمدزاده (۱۴۰۰) اشاره کرد. ویژگی مشترک همه پژوهش‌های مذکور استفاده از چارچوب مدل شکوفایی شهری سازمان ملل متحد^۵ در سال ۲۰۱۳-۲۰۱۲ به عنوان ملاک سنجش و ارزیابی وضعیت موجود شکوفایی شهری شهرهای مطالعه شده است؛ با وجود این، پژوهش‌های

1. Jones, Tefe & Appiah-Opoku

2. Stead

3. Fritz & Koch

4. Garcia-Sanchez, Siles & Mendez

5. CPI

متعددی در این باره، تنها تعداد معدودی با رویکرد آینده‌نگاری و نگاه به آینده شکل گرفته است. پژوهش احدنژاد و همکاران (۱۳۹۷) از این جمله است. در این تحقیق با عنوان «شناسایی عوامل کلیدی مؤثر بر شکوفایی شهری با رویکرد آینده‌نگاری در کلان‌شهر تبریز»، نویسندگان نشان می‌دهند این شهر در رابطه با شاخص‌های شکوفایی شهری، سیستمی ناپایدار است (احدنژاد و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۱۷). فیروزی و شنبه‌پور نیز در مقاله «تحلیل ساختاری شکوفایی شهری با رویکرد آینده‌نگاری در کلان‌شهر اهواز» نتیجه می‌گیرند، هیچ‌کدام از مؤلفه‌های شکوفایی شهری در این شهر از نگاه کارشناسان به‌عنوان یک هدف تعریف‌شدنی نیست که حکایت از چندجانبه بودن مسئله شکوفایی شهری دارد (فیروزی و شنبه‌پور، ۱۳۹۹، ص. ۲۱).

بنابراین آنچه پژوهش حاضر را از سایر پژوهش‌های این حوزه متمایز می‌کند، از یک منظر نگاه آینده‌نگرانه آن به شکوفایی شهری است و از منظر دیگر، تلاش آن برای شناسایی نیروهای پیشران تأثیر گذار بر تحقق شاخص‌ها و ابعاد شکوفایی شهری است. علاوه بر این، پژوهش حاضر برخلاف سایر پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه با انتخاب شهری میانی و رو به توسعه که با تغییر نقش و جایگاه آن مسیر جدیدی را در پیش گرفته است، می‌کوشد تا با شناسایی عوامل مهم و اثرگذار در این راه، مسیر توسعه پیش روی این شهر را هموارتر کند.

۳. روش‌شناسی تحقیق

روش‌های آینده‌پژوهی گسترده و متنوع‌اند. این پژوهش با در نظر گرفتن هدف ارائه‌شده برای آن از نوع کاربردی است؛ چرا که می‌توان از نتایج آن برای تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی‌های آینده شهر استفاده کرد. با توجه به ماهیت آن، از نوع کمی است. برای دستیابی به اهداف مدنظر از دو روش استفاده شده است: مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی مشتمل بر انجام مطالعات اکتشافی در راستای بررسی متون نظری مرتبط با موضوع پژوهش که به شناسایی شاخص‌های مؤثر در شکوفایی شهری منجر می‌شود؛ مشاهدات میدانی، برای آگاهی از دیدگاه‌های صاحب‌نظران در رابطه با شناسایی پیشران‌ها با بیشترین تأثیر گذاری. جامعه مورد مطالعه در این تحقیق متخصصان شهری هستند که علاوه بر مطالعه و پژوهش در

زمینه شکوفایی شهری، درباره شهر بجنورد نیز مطالعه یا آگاهی داشتند. برای این منظور ۲۰ نفر از متخصصان و صاحب نظران انتخاب شدند و از آن‌ها پرسش شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و پاسخگویی به سؤالات تحقیق از روش تأثیر متقابل با استفاده از نرم افزار میک مک بهره گرفته شد.

روش تحلیل تأثیر متقابل/ساختاری

روش ساختاری، روشی است که برای تحلیل روابط بین متغیرها به خصوص در سیستم‌های گسترده و دارای ابعاد متعدد به کار می‌رود. قابلیت این روش در استفاده از داده‌های کیفی در کنار داده‌های کمی، سبب شده است که این روش به یکی از روش‌های پرکاربرد در آینده پژوهی تبدیل شود. در روش تحلیل ساختاری با کمک نرم افزار میک مک، متغیرهای مؤثر بر سیستم، در یک ماتریس $N \times N$ قرار می‌گیرند و براساس نظرات گروه کارشناسان در قالب ۰-۱-۲-۳-p ارزش گذاری می‌شوند. خروجی‌های نرم افزار به صورت جداول و نمودارها می‌تواند کمک بسزایی به درک ابعاد و روابط سیستم و چگونگی عمل آن در آینده داشته باشد. علاوه بر این، امکان تعیین مهم ترین متغیرهای سیستم را از میان مجموعه متغیرهای معین فراهم می‌کند (روستایی، علی اکبری و حسین زاده، ۱۳۹۸، ص. ۷). مراحل اصلی کار عبارت است از:

۱. شناسایی متغیرها (عوامل مؤثر): تمام متغیرهای مؤثر و اولیه در فرایند تصمیم که سیستم‌های پیچیده را تحت تأثیر قرار می‌دهند، با بررسی وضع موجود و نظر کارشناسان در قالب فهرست تهیه شد؛

۲. تعیین روابط بین متغیرها: در این مرحله یک ماتریس عددی $N \times N$ تهیه شد. این ماتریس بیانگر تأثیر هر متغیر بر متغیرهای دیگر سیستم است و ماتریس اثرات مستقیم (MDI) نام دارد. هر سلول m_{ij} در ماتریس، بیانگر میزان اثرگذاری متغیر i بر j است. این ارزش گذاری می‌تواند به صورت زیر باشد:

- صفر در صورتی که متغیر i هیچ تأثیری بر متغیر j نداشته باشد.

- ۱ در صورتی که متغیر i تأثیری ضعیف بر متغیر j داشته باشد.

۲- در صورتی که متغیر i تأثیری قوی بر متغیر j داشته باشد.

۳- در صورتی که متغیر i تأثیری بسیار قوی بر متغیر j داشته باشد.

p- در صورتی که متغیر i تأثیری بالقوه بر متغیر j داشته باشد.

سلول‌های m_{ij} واقع در قطر ماتریس همگی صفر هستند؛

۳. شناسایی متغیرهای کلیدی (پیشران‌ها): این مرحله مهم‌ترین و اساسی‌ترین گام تحقیق است. بعضی مقادیر مهم که نشانه‌ای از درجه اهمیت متغیرها هستند، با انجام عملیاتی ساده در ماتریس MDI محاسبه شدند. این عمل ابتدا با استفاده از روش طبقه‌بندی مستقیم^۱ و سپس با استفاده از روش طبقه‌بندی غیر مستقیم^۲ صورت گرفت.

اول) روش طبقه‌بندی مستقیم: این روش، تأثیر مستقیم و وابستگی مستقیم یک متغیر در سیستم را به صورت مستقیم از ماتریس MDI ارزیابی می‌کند؛ بر این اساس، مجموع کل ارتباطات در یک ردیف نشان‌دهنده اهمیت تأثیر مستقیم یک متغیر بر کل سیستم و مجموع یک ستون، نشان‌دهنده درجه وابستگی مستقیم یک متغیر است (صبغی آبکوه، ۱۴۰۰).

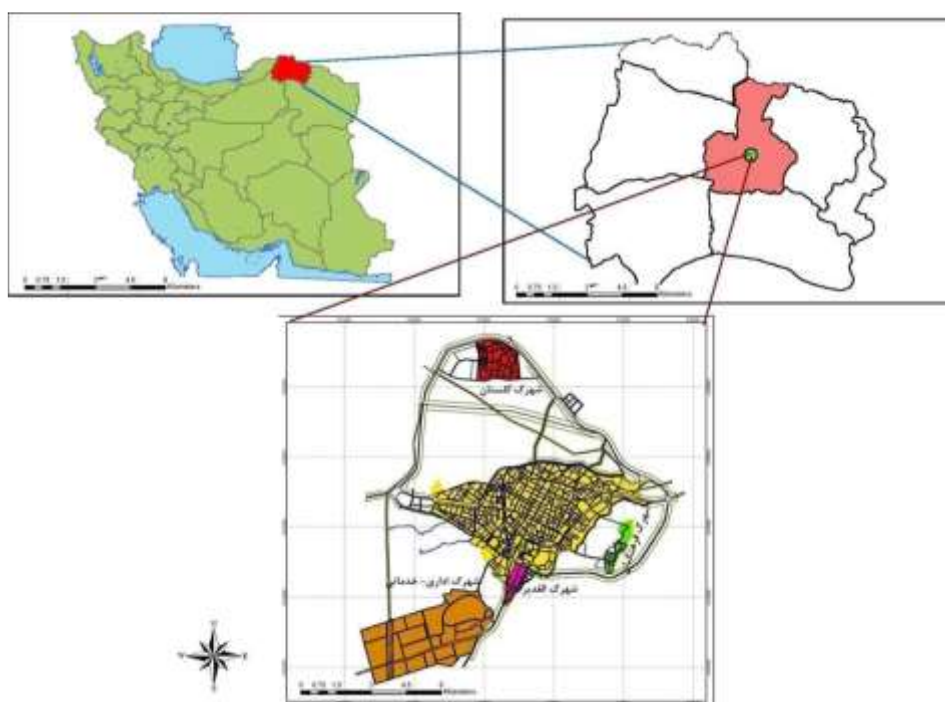
ب) روش طبقه‌بندی غیرمستقیم: در این روش با کمک برنامه ضرب ماتریس، متغیرهای مخفی تشخیص داده می‌شود. این برنامه اجازه مطالعه تلفیقی از تأثیرات حاصل از مسیرها و حلقه‌های بازخورد و در نتیجه مرتب‌سازی متغیرها را از طریق مرتبه اثر، با در نظر گرفتن تعداد مسیرها و حلقه‌هایی با طول $1, 2, \dots, N$ که از هر متغیر حاصل می‌شود، با مرتبه وابستگی با در نظر گرفتن تعداد مسیرها و حلقه‌های با طول $1, 2, \dots, N$ که به هر متغیر می‌رسد، امکان‌پذیر می‌کند. معمولاً دسته‌بندی پس از ضربی با درجه‌های ۳، ۴ یا ۵ ثابت می‌شود (رهنما و حسینی، ۱۳۹۵، صص. ۱۶۶-۱۶۷).

۳.۱. محدوده مورد مطالعه

شهر بجنورد، مرکز استان خراسان شمالی، با ۹۵ کیلومتر مربع مساحت، در شمال شرق ایران در طول جغرافیای ۲۱ درجه و ۵۱ دقیقه و عرض جغرافیای ۹۱ درجه و ۵۵ دقیقه در جنوب رشته‌کوه کپه داغ و شرق رشته‌کوه آلاداغ و شمال رشته‌کوه البرز واقع شده است. از

1. Direct method
2. Indirect method

شمال و شمال شرق هم‌مرز با ترکمنستان، از غرب با مانه و سملقان، از جنوب غرب با شهرستان جاجرم است و از جنوب به شهرستان اسفراین و از جنوب شرق و شرق به شهرستان شیروان محدود می‌شود. فاصله این شهر تا تهران ۸۲۱ کیلومتر است. این شهر با جمعیت ۲۲۸۹۳۱ نفر جمعیت در سال ۱۳۹۵، ۴۱ درصد کل جمعیت استان را به خود اختصاص داده است. نظر به تغییر جایگاه و موقعیت سیاسی و اداری شهر بجنورد از سال ۱۳۸۳ شهر دچار تحول و رشد و توسعه درخور ملاحظه در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و اداری و کالبدی شده است که نتایج درخور توجه و اثرگذاری در شهر و ابعاد گوناگون آن ایجاد کرده است. شکل ۱ موقعیت شهر بجنورد را در ایران و استان نشان می‌دهد.



شکل ۱- موقعیت شهر بجنورد در کشور، استان خراسان شمالی و شهرستان بجنورد

۴. مبانی نظری تحقیق

شکوفایی شهری نخستین بار در دهه ۱۹۳۰ به صورت اولیه مطرح شد. از آن زمان تاکنون، بحث‌های فراوانی درباره این مفهوم شده است، اما نظریه شهر شکوفا به طور رسمی در سال ۲۰۱۲ توسط سازمان ملل متحد و در برنامه اسکان بشر مطرح شد. در این سال، گزارشی با عنوان «شکوفایی شهری، وضعیت شهرهای جهان ۲۰۱۳-۲۰۱۲» منتشر شد که براساس آن، شکوفایی شهری، مفهومی و رای تفکر رشد اقتصادی شهرها و تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر آن دارد (علیزاده افشار و خزاعی‌نژاد، ۱۳۹۸، ص. ۱۲)؛ به عبارت دیگر، شکوفایی مفهومی پیچیده‌تر از آن دارد که تنها براساس شاخص‌های ساده به دست آید که به بررسی میزان درآمد مالی افراد یا تعداد خودروهای شخصی آن‌ها می‌پردازد (احدنژاد، حاضری، مشکینی و پیری، ۱۳۹۷، ص. ۱۹)؛ بنابراین رویکردی با نفوذ در تکمیل شاخص‌های قبلی است که همسو با مفهوم مثبت و چندبعدی توسعه است و هدف آن ایجاد شرایط مطلوب زندگی و تحول به نفع همه مردم است؛ مفهومی وسیع، همراه با بهبود کیفیت همه ابعاد زندگی یعنی ترکیبی از افزایش درآمد، آموزش بهتر، بهبود استانداردهای بهداشتی و تغذیه، کاهش فقر، محیط‌زیست بهتر و برابری اجتماعی و اقتصادی در برخورداری از امکانات و فرصت‌ها، آزادی بیشتر و زندگی اجتماعی-فرهنگی غنی. به کمک این مفهوم باید بتوان ضمن مواجهه با چالش‌های شهرهای کنونی، زمینه‌های لازم را برای برنامه‌ریزی مطلوب توسعه شهری و هدایت به توسعه‌ای متوازن، پایدار و مردم‌محور ایجاد کرد؛ از این رو شاخص شکوفایی شهری، مفهوم متمایز و قدرتمند توسعه است که در صورت استفاده صحیح، نقشی محوری و تعیین‌کننده در چارچوب برنامه‌ریزی شهری، نهادی، قانونی و نظارتی برای توسعه مردم‌محور، متوازن و پایدار خواهد داشت. این شاخص با متعادل و هماهنگ کردن مفهوم توسعه، محیطی از انصاف و عدالت را در شهرها به وجود می‌آورد؛ از این رو ابزار آماری جدیدی برای اندازه‌گیری پیشرفت حال و آینده شهرها به سوی شکوفایی شهری است که می‌تواند تصمیم‌گیرندگان را در مداخلات روشن، برای هدایت شهرها به سوی توسعه‌ای متعادل و هماهنگ یاری کرده، کمبودها و زمینه‌های مداخله را شناسایی کرده و سیاست‌های مداخله‌ای مناسبی را برای رفع آن‌ها مطرح کند. این شاخص با هدف بهتر شدن کیفیت زندگی تمامی افراد و تحقق شهر

خوب، پایدار و نیک‌بخت، به صورت چرخه‌ای متعادل و در چارچوبی منسجم در شش بعد مطرح می‌شود: اولین بعد، بهره‌وری است. بهره‌وری یعنی استفاده بهینه از منابع با اجرای استانداردها و الگوها و افزایش تولید شهری؛ بنابراین یک شهر شکوفا باید مولد و دارای اقتصادی باشد که بتواند به رشد، درآمدزایی و ایجاد اشتغال کمک کند تا به شهروندانش امکان کسب درآمد مناسب و برخورداری از استاندارد معینی از زندگی برای رفع نیازهای مختلف خود را بدهد (آریما، ۲۰۱۷، ص. ۲۴۷)؛ دوم، توسعه زیرساخت‌هایی چون آب، راه، انرژی، اطلاعات و ارتباطات و... است که معمول‌ترین و حیاتی‌ترین عامل برای دستیابی به شکوفایی شهری است. علاوه بر این، شکوفایی شهرها نه تنها به میزان تأمین، ارتقا و نگهداری زیرساخت‌ها وابسته است، بلکه به برابری دسترسی شهروندان شهری به آن‌ها نیز بستگی دارد (آریما، ۲۰۱۷، ص. ۲۴۷)؛ کیفیت زندگی بعد دیگر شکوفایی شهر است که دربرگیرنده بهبود کیفیت زندگی و ارتقای استفاده از فضاهای عمومی به منظور افزایش همبستگی اجتماعی، هویت مدنی و تضمین امنیت، عدالت و مشارکت اجتماعی (شامل برابری اجتماعی-اقتصادی و ارائه مشارکت مدنی در همه حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی)، پایداری زیست‌محیطی (پرهیز از آسیب به طبیعت و حفظ دارایی‌های طبیعی به منظور شهرسازی پایدار) و حکمرانی و قانون‌گذاری شهری (اداره و مدیریت شهر مطلوب شهر با مشارکت مردم) است. سه بعد مذکور، ابعاد مهم دیگر شکوفایی شهری بودند که به اختصار به آن‌ها پرداخته شد (صرافی و هاشمی، ۱۳۹۷، ص. ۵۶۰). این ابعاد که با عنوان «شاخص شکوفایی شهری (CPI)» شهرت یافتند، می‌توانند برای شناخت، ارزیابی، مشاهده و ارائه گزارش درباره شهرها، در دستور کار ۲۰۳۰ توسعه پایدار به کار روند. علاوه بر این، ابعاد نوآورانه مذکور به عنوان پره‌های یک چرخ در نظر گرفته می‌شوند که در صورت حضور متعادل در یک جامعه، شکوفایی را برای آن ممکن می‌کنند.

۵. یافته‌های تحقیق

همان‌طور که بیان شد، برای شناسایی پیشران‌های تأثیرگذار بر شکوفایی شهر بجنورد، از روش تحلیل تأثیر متقابل/ساختاری و نرم‌افزار میک‌مک استفاده شده است. این روش از سه

گام اصلی شامل شناسایی متغیرها، تعیین روابط بین متغیرها و شناسایی پیشران‌ها تشکیل شده که در ادامه به بررسی نتایج هریک از آن‌ها پرداخته شده است.

۵. ۱. شناسایی متغیرها (عوامل اولیه مؤثر)

از آنجا که شاخص‌سازی برای شکوفایی شهری به تشویق سیاست‌گذاران، محققان، رسانه‌ها و عموم علاقه‌مندان به‌سوی این مفهوم منجر می‌شود و دیدی جامع و کامل از شکوفایی شهری و درک چگونگی ایجاد آن می‌کند، این گام بخش مهمی از فرایند تحقیق است (انستیتو لگاتوم، ۲۰۰۸، ص. ۳). براساس مطالعه اکتشافی در ادبیات و پژوهش‌های بنیادی و کاربردی ملی و بین‌المللی انجام‌شده در شکوفایی شهری، ۲۵ متغیر در شش بعد (بهره‌وری، توسعه زیرساخت، کیفیت زندگی، عدالت و مشارکت اجتماعی، پایداری زیست‌محیطی و نیز حکمرانی و قانون‌گذاری شهری) به‌عنوان عوامل مؤثر در شکوفایی شهری بجنورد استخراج شد که به شرح جدول ۱ است.

جدول ۱- معیارها و شاخص‌های اولیه مؤثر بر شکوفایی شهری

مأخذ: مطالعات نویسنده براساس منابع مختلف مطالعه‌شده

ردیف	ابعاد	زیرابعاد (شاخص)	علامت اختصاری
۱	بهره‌وری (آریما، ۲۰۱۷؛ حاضری احدنژاد، مشکینی و پیری، ۱۴۰۰؛ رضاعلی و همکاران، ۱۳۹۹)	قدرت اقتصادی	Q1
		وضعیت اقتصادی	Q2
		وضعیت اشتغال	Q3
۲	توسعه زیرساخت (آریما، ۲۰۱۷؛ نیک‌پور و همکاران، ۱۳۹۹؛ رضاعلی و همکاران، ۱۳۹۹)	زیرساخت مسکن	Q4
		زیرساخت‌های اجتماعی	Q5
		فناوری اطلاعات و ارتباطات	Q6
		تحرك و جابه‌جایی شهری	Q7
		ارتباطات بین‌شهری	Q8
		فرم شهری	Q9
۳	کیفیت زندگی (آریما، ۲۰۱۷؛ حاضری و همکاران، ۱۴۰۰)	سلامت و زیرساخت‌های بهداشت	Q10
		تحصیلات و زیرساخت‌های آموزش	Q11

ردیف	ابعاد	زیرابعاد (شاخص)	علامت اختصاری
	رضاعلی و همکاران، ۱۳۹۹)	فضای عمومی	Q12
		ایمنی و امنیت	Q13
		برابری اقتصادی	Q14
۴	عدالت و مشارکت اجتماعی (آریما، ۲۰۱۷؛ نیک پور و همکاران، ۱۳۹۹)	وضعیت اجتماعی	Q15
		توازن جنسیتی	Q16
		اشتغال و مشارکت زنان	Q17
		تنوع شهری	Q18
		کیفیت هوا	Q19
۵	پایداری زیست محیطی (آریما، ۲۰۱۷؛ علوی و همکاران، ۱۳۹۹)	فناوری مدیریت پسماند	Q20
		فناوری انرژی پایدار	Q21
		مشارکت مردم	Q22
۶	حکمرانی و قانون گذاری شهری (دانش پور و همکاران، ۱۳۹۷)	ظرفیت سازمانی شهر	Q23
		وضعیت و توانایی اداره و مدیریت شهر	Q24
		موقعیت جغرافیایی شهر	Q25

۲۰۵. تعیین روابط بین متغیرها

به منظور تعیین روابط بین متغیرهای مؤثر بر شکوفایی شهر بجنورد، یک ماتریس عددی 25×25 با عنوان ماتریس اثرات مستقیم (MDI) در نرم افزار میک مک تهیه شد و تأثیر هر متغیر بر دیگر متغیرها با تکیه بر نظرات متخصصان بررسی شد (جدول ۲). شیوه امتیازدهی توسط متخصصان به این گونه است که متغیرهای قرارگرفته در ردیف هر ماتریس به عنوان متغیر تأثیرگذار و متغیرهای قرارگرفته در هر ستون به عنوان متغیر اثرپذیر در نظر گرفته می شوند؛ بر این اساس، طبق امتیازات موجود در مدل، تأثیر متغیر اثرگذار بر متغیر اثرپذیر بررسی شده است.

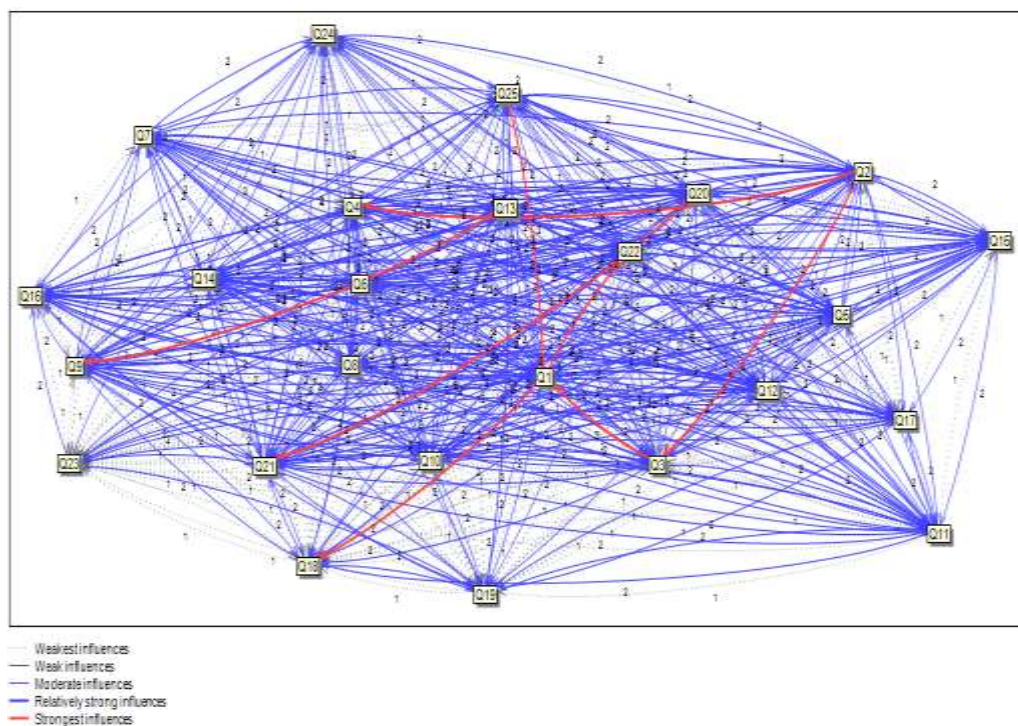
طبق تحلیل های اولیه ویژگی های ماتریس MDI مشخص شد که تعداد تکرارها دو بار در نظر گرفته شده است. درجه پرشدگی ماتریس با ۹۶ درصد بیانگر ضریب زیاد تأثیرگذاری متغیرها بر یکدیگر است. از مجموع ۶۰۰ رابطه، ۲۵ رابطه عدد صفر به معنای بدون تأثیر،

جدول ۲- ماتریس اثرات مستقیم متغیرهای اولیه مؤثر بر شکوفایی شهری بخش مرکزی شهر بجنورد

		Q 1	Q 1
Q1	.	2	Q 2
Q2	.	2	Q 3
Q3	2	2	Q 4
Q4	2	2	Q 5
Q5	2	2	Q 6
Q6	2	2	Q 7
Q7	2	2	Q 8
Q8	2	2	Q 9
Q9	2	2	Q 10
Q10	2	2	Q 11
Q11	2	2	Q 12
Q12	2	2	Q 13
Q13	2	2	Q 14
Q14	2	2	Q 15
Q15	2	2	Q 16
Q16	2	2	Q 17
Q17	2	2	Q 18
Q18	2	2	Q 19
Q19	2	2	Q 20
Q20	2	2	Q 21
Q21	2	2	Q 22
Q22	2	2	Q 23
Q23	2	2	Q 24
Q24	2	2	Q 25
Q25	2	2	

	Q1	Q2	Q3	Q4	Q5	Q6	Q7	Q8	Q9	Q10	Q11	Q12	Q13	Q14	Q15	Q16	Q17	Q18	Q19	Q20	Q21	Q22	Q23	Q24	Q25
Q1	۱																								
Q2		۱																							
Q3			۱																						
Q4				۱																					
Q5					۱																				
Q6						۱																			
Q7							۱																		
Q8								۱																	
Q9									۱																
Q10										۱															
Q11											۱														
Q12												۱													
Q13													۱												
Q14														۱											
Q15															۱										
Q16																۱									
Q17																	۱								
Q18																		۱							
Q19																			۱						
Q20																				۱					
Q21																					۱				
Q22																						۱			
Q23																							۱		
Q24																								۱	
Q25																									۱

به کمک ماتریس MDI می‌توان وضعیت اثر-وابستگی را در قالب شکل ۲ نمایش داد. گراف اثرات مستقیم، شدت روابط مستقیم بین متغیرها را به تصویر می‌کشد و طبقه‌بندی صورت گرفته بیانگر اثرگذاری متوسط و بسیار ضعیف بخش درخور توجهی از متغیرها بر یکدیگر است؛ زیرا اعداد ۱ و ۲ دارای بیشترین فراوانی در سطح این شکل هستند. از مجموع متغیرها شش متغیر از اثرگذاری قوی برخوردارند که عبارت‌اند از: قدرت اقتصادی، وضعیت اقتصادی، وضعیت اشتغال، ایمنی و امنیت، فناوری انرژی پایدار و اشتغال و مشارکت زنان.



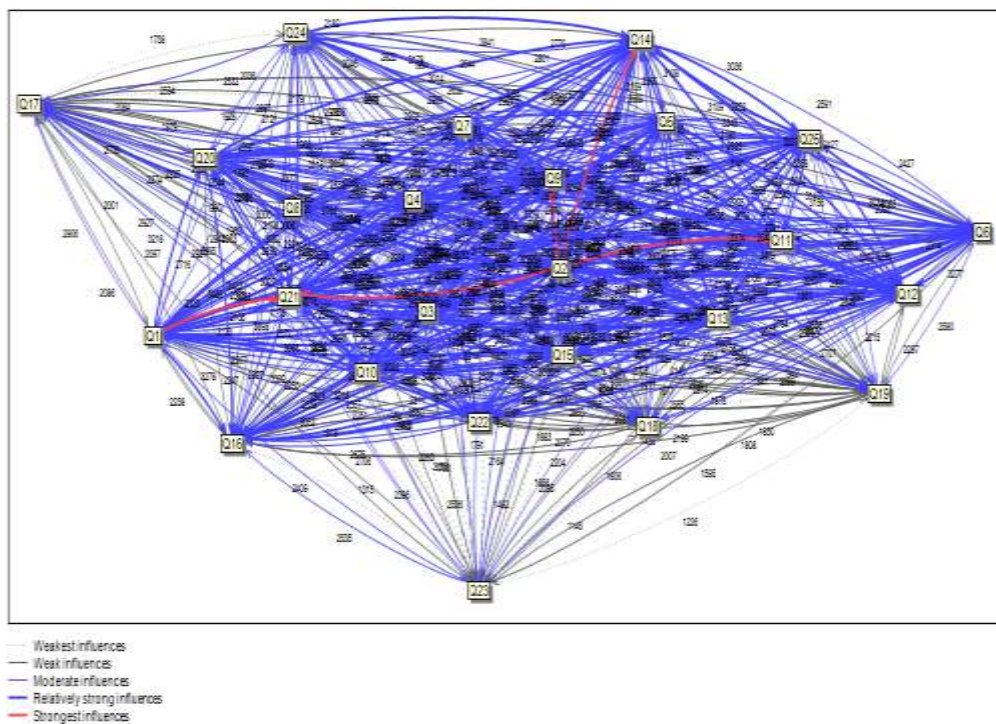
شکل ۲- گراف اثر-وابستگی مستقیم متغیرهای مؤثر بر شکوفایی شهری بجنورد

از آنجا که تعداد تکرار ماتریس دوبار در نظر گرفته شده است، طبقه‌بندی جدیدی از روابط متغیرها در قالب ماتریس اثرات غیرمستقیم (MII) ضروری است. این ماتریس، ضمن تشخیص متغیرهای پنهان، در غنی کردن ثبات نتایج ماتریس نیز کمک‌کننده است. نتایج این ماتریس در جدول ۳ مشاهده می‌شود.

جدول ۳- ماتریس اثرات غیرمستقیم متغیرهای اولیه مؤثر بر شکوفایی شهری بجنورد

	Q1	Q2	Q3	Q4	Q5	Q6	Q7	Q8	Q9	Q10	Q11	Q12	Q13	Q14	Q15	Q16	Q17	Q18	Q19	Q20	Q21	Q22	Q23	Q24	Q25
Q1	۳۱۰۲	۳۰۶۳	۲۹۳۹	۳۰۰۲	۳۱۶۴	۲۶۴۴	۳۱۶۳	۲۹۰۵	۳۳۶۴	۳۰۹۵	۳۴۱۷	۳۲۹۷	۲۹۰۸	۳۳۷۷	۲۸۰۰	۳۲۷۸	۲۹۰۶	۲۷۲۲	۲۵۹۳	۳۲۱۸	۳۴۸۸	۳۲۸۲	۱۸۱۸	۲۶۹۲	۳۱۰۳
Q2	۳۲۰۳	۳۱۵۶	۳۰۵۵	۳۱۱۷	۳۲۸۵	۲۷۳۷	۳۲۷۲	۳۰۰۷	۳۴۸۷	۳۲۱۱	۳۵۳۷	۳۴۲۰	۳۰۰۳	۳۴۹۲	۲۹۰۰	۳۳۸۸	۳۰۰۶	۲۸۲۹	۲۷۰۳	۳۳۴۷	۳۳۹۳	۳۳۹۳	۱۸۸۳	۲۸۰۲	۳۲۱۶
Q3	۳۰۶۶	۳۰۰۳	۲۸۷۷	۲۹۵۴	۳۱۲۵	۲۶۰۲	۳۱۰۸	۲۸۵۱	۳۳۱۵	۳۰۴۸	۳۳۶۵	۳۲۴۴	۲۸۵۱	۳۳۲۳	۲۷۵۵	۳۲۱۸	۲۸۴۴	۲۶۷۸	۲۵۶۱	۳۱۸۶	۳۴۲۷	۳۲۱۴	۱۷۹۱	۲۶۵۸	۳۰۴۸
Q4	۲۸۵۰	۲۷۹۴	۲۶۷۲	۲۷۳۰	۲۹۰۳	۲۴۱۷	۲۸۰۰	۲۶۴۹	۳۰۸۰	۲۸۲۳	۳۱۲۰	۳۰۰۶	۲۶۵۲	۳۰۸۵	۲۵۵۸	۲۹۹۰	۲۶۴۴	۲۴۷۳	۲۳۷۳	۲۹۵۹	۳۱۸۶	۲۹۹۳	۱۶۶۳	۲۴۵۷	۲۸۲۲
Q5	۲۸۵۹	۲۸۱۲	۲۷۰۲	۲۷۵۶	۲۹۱۲	۲۴۲۷	۲۹۰۵	۲۶۷۷	۳۱۰۴	۲۸۴۰	۳۱۴۱	۳۰۱۴	۲۶۷۱	۳۱۰۹	۲۵۷۶	۳۰۰۶	۲۶۶۰	۲۴۹۴	۲۳۸۹	۲۹۷۵	۳۲۰۴	۳۰۱۲	۱۶۷۴	۲۴۷۴	۲۸۵۲
Q6	۳۰۸۸	۳۰۳۸	۲۹۱۷	۲۹۸۲	۳۱۵۶	۲۶۲۳	۳۱۳۶	۲۸۸۸	۳۳۴۷	۳۰۷۷	۳۳۹۶	۳۳۷۷	۲۸۸۳	۳۳۵۸	۲۷۸۴	۳۲۵۳	۲۸۸۳	۲۷۰۷	۲۵۰۳	۳۲۱۱	۳۴۶۴	۳۲۵۲	۱۸۰۸	۲۶۸۴	۳۰۸۳
Q7	۲۵۹۹	۲۵۳۷	۲۴۳۵	۲۴۷۹	۲۶۲۷	۲۶۲۷	۲۶۱۱	۲۴۱۴	۲۸۰۱	۲۵۶۵	۲۸۳۱	۲۷۸۲	۲۴۰۲	۲۸۰۱	۲۳۱۲	۲۷۱۱	۲۳۹۷	۲۲۶۴	۲۱۵۰	۲۶۶۴	۲۸۲۲	۲۷۱۶	۱۵۰۷	۲۲۲۸	۲۵۶۸
Q8	۲۴۳۳	۲۳۹۵	۲۳۰۲	۲۳۰۲	۲۴۶۱	۲۰۶۸	۲۴۸۱	۲۴۷۵	۲۴۳۵	۲۴۳۷	۲۵۹۱	۲۶۸۳	۲۵۹۱	۲۶۳۸	۲۲۰۰	۲۵۷۲	۲۲۷۴	۲۱۴۲	۲۰۴۰	۲۵۳۵	۲۷۳۰	۲۵۶۸	۱۴۲۵	۲۱۱۱	۲۴۳۱
Q9	۲۵۴۵	۲۵۰۹	۲۴۹۴	۲۴۵۳	۲۶۰۲	۲۱۷۴	۲۵۹۱	۲۳۷۹	۲۷۵۵	۲۵۴۴	۲۸۰۶	۲۷۰۵	۲۷۰۳	۲۷۳۳	۲۷۰۰	۲۳۰۱	۲۶۸۷	۲۳۷۷	۲۲۴۳	۲۱۲۶	۲۶۴۸	۲۸۵۷	۲۶۸۰	۱۴۹۰	۲۵۴۳
Q10	۲۸۹۷	۲۸۵۴	۲۷۴۰	۲۷۹۸	۲۹۷۲	۲۴۷۵	۲۹۵۴	۲۷۱۶	۳۱۴۵	۲۸۸۷	۳۱۸۴	۳۰۸۶	۲۷۱۶	۳۱۵۷	۳۱۵۷	۳۰۵۲	۲۷۱۶	۲۵۵۲	۲۴۳۱	۳۰۲۷	۳۲۵۲	۳۰۶۱	۱۷۰۰	۲۵۲۰	۲۸۹۹
Q11	۲۴۵۵	۲۴۱۰	۲۳۱۷	۲۳۶۸	۲۵۱۰	۲۰۹۳	۲۴۹۸	۲۴۹۴	۲۶۶۱	۲۴۳۳	۲۶۸۷	۲۶۰۲	۲۶۲۲	۲۶۷۰	۲۲۰۸	۲۵۸۶	۲۴۹۹	۲۱۵۶	۲۰۴۶	۲۵۵۲	۲۷۵۲	۲۵۸۷	۱۴۳۵	۲۱۲۲	۲۴۵۳
Q12	۲۷۲۲	۲۶۷۸	۲۵۷۶	۲۶۳۵	۲۷۸۱	۲۳۱۴	۲۷۷۳	۲۵۴۲	۲۶۶۰	۲۷۰۵	۲۸۸۳	۲۵۳۵	۲۶۷۰	۲۶۳۸	۲۶۶۰	۲۸۶۳	۲۵۳۳	۲۳۸۹	۲۲۸۷	۲۸۳۸	۳۰۵۲	۲۸۷۴	۱۵۹۵	۲۳۶۷	۲۷۱۸
Q13	۳۰۸۶	۳۰۳۵	۲۹۲۰	۲۹۷۴	۳۱۵۳	۲۶۳۳	۳۱۳۷	۲۸۹۵	۳۳۶۱	۳۰۶۶	۳۳۹۰	۳۲۶۷	۲۸۸۰	۳۳۵۵	۳۳۵۵	۳۳۴۲	۲۸۶۸	۲۶۹۵	۲۵۸۹	۳۲۰۸	۳۴۵۳	۳۲۵۳	۱۸۰۶	۲۶۷۲	۳۰۷۸
Q14	۳۰۴۱	۲۹۹۲	۲۸۷۴	۲۹۳۷	۳۱۰۸	۲۵۹۱	۳۰۸۹	۲۸۴۵	۳۳۰۱	۳۳۰۱	۳۳۲۷	۲۴۰۰	۲۴۰۰	۳۲۹۸	۲۴۰۰	۲۷۴۳	۲۸۳۸	۲۵۴۵	۲۵۴۵	۳۱۶۷	۳۴۱۴	۳۲۰۸	۱۷۸۲	۲۶۴۴	۳۰۳۶
Q15	۲۸۴۲	۲۷۹۷	۲۶۸۷	۲۷۴۱	۲۹۸۷	۲۴۱۹	۲۸۸۶	۲۶۶۶	۳۰۸۸	۲۸۲۲	۳۱۲۷	۳۰۱۵	۲۶۵۶	۳۰۹۴	۲۵۵۴	۲۹۹۲	۲۶۵۴	۲۴۸۷	۲۳۷۷	۲۹۶۳	۳۱۹۲	۲۹۸۹	۱۶۶۶	۲۴۶۸	۲۸۴۲
Q16	۲۲۳۸	۲۲۰۴	۲۱۱۵	۲۱۶۰	۲۲۹۸	۱۹۰۹	۲۲۷۱	۲۱۰۵	۲۴۳۱	۲۲۵۰	۲۴۷۶	۲۳۸۸	۲۰۹۹	۲۴۴۸	۲۰۲۳	۲۰۸۶	۱۹۰۰	۱۸۲۲	۱۸۲۲	۲۵۰۷	۲۳۳۳	۲۳۵۷	۱۳۱۵	۱۹۶۰	۲۲۳۵
Q17	۲۰۰۱	۱۹۶۶	۱۸۹۳	۱۹۲۸	۲۰۴۶	۱۷۰۷	۲۰۳۶	۱۸۷۹	۲۱۷۹	۱۹۹۰	۲۲۰۲	۲۱۱۹	۱۸۷۵	۲۱۸۲	۱۸۰۲	۲۰۹۷	۱۸۵۷	۱۷۴۸	۱۶۸۵	۲۰۸۴	۲۲۳۵	۲۱۰۸	۱۱۷۳	۱۷۳۸	۱۹۹۴
Q18	۱۹۵۴	۱۹۲۲	۱۸۵۱	۱۸۸۷	۱۹۹۶	۱۶۶۱	۱۹۹۶	۱۹۹۰	۱۸۳۴	۱۹۲۹	۲۱۴۵	۲۰۷۲	۱۸۲۹	۲۱۲۳	۱۷۶۵	۲۰۵۶	۱۸۲۰	۱۷۰۹	۱۶۴۱	۲۰۴۰	۲۱۸۹	۲۰۷۰	۱۱۴۶	۱۶۹۸	۱۹۶۸
Q19	۲۰۹۱	۲۰۵۴	۱۹۷۷	۲۰۲۳	۲۱۳۶	۱۷۷۴	۲۱۲۳	۱۹۶۸	۲۲۶۸	۲۰۸۱	۲۳۰۲	۲۳۰۲	۲۱۸۲	۲۲۷۴	۱۸۷۸	۲۲۰۴	۱۹۴۹	۱۸۳۰	۱۷۵۱	۲۱۷۸	۲۲۵۵	۲۱۹۹	۱۲۲۶	۱۸۱۴	۲۰۸۹
Q20	۲۹۲۷	۲۸۷۹	۲۷۶۶	۲۸۲۷	۲۹۸۹	۲۴۸۹	۲۹۷۵	۲۷۲۹	۳۱۷۴	۲۹۱۴	۳۲۱۸	۳۱۰۲	۲۷۳۳	۳۱۷۸	۳۰۸۵	۲۶۲۵	۲۷۳۶	۲۵۵۴	۲۴۴۴	۳۰۴۴	۳۳۰۰	۳۰۸۴	۱۷۱۵	۲۵۳۲	۲۹۲۱
Q21	۳۱۳۳	۳۰۸۷	۲۹۶۳	۳۰۲۵	۳۲۰۷	۲۶۷۴	۳۱۸۸	۲۹۳۸	۳۴۰۲	۳۱۲۷	۳۴۴۸	۳۳۳۱	۲۹۳۱	۳۴۰۹	۲۸۲۹	۳۳۰۲	۲۹۲۷	۲۷۵۱	۲۶۲۹	۳۲۶۳	۳۵۰۷	۳۳۰۶	۱۸۳۶	۲۷۲۸	۳۱۳۳
Q22	۲۵۳۸	۲۵۰۱	۲۴۰۴	۲۴۵۲	۲۶۰۷	۲۱۷۹	۲۵۸۴	۲۳۹۷	۲۷۷۱	۲۵۵۰	۲۸۰۹	۲۷۱۰	۲۳۸۰	۲۷۷۸	۲۴۹۲	۲۶۷۵	۲۴۶۵	۲۲۳۷	۲۱۴۰	۲۶۴۴	۲۸۴۹	۲۶۷۷	۱۴۹۲	۲۲۲۱	۲۵۴۴
Q23	۲۴۰۹	۲۳۷۳	۲۲۶۳	۲۲۶۳	۲۴۵۸	۲۰۴۲	۲۴۴۰	۲۶۰۶	۲۳۹۶	۲۶۴۴	۲۶۴۴	۲۵۵۵	۲۶۰۹	۲۶۰۹	۲۶۴۴	۲۵۳۵	۲۴۲۴	۲۰۹۵	۲۰۰۷	۲۵۰۳	۲۷۰۶	۲۵۳۶	۱۴۰۹	۲۰۸۵	۲۳۹۶
Q24	۲۷۸۰	۲۷۳۴	۲۶۲۲	۲۶۷۳	۲۸۴۱	۲۳۶۵	۲۸۲۲	۲۵۹۴	۳۰۱۴	۲۷۵۱	۳۰۶۷	۲۹۳۵	۲۵۹۳	۳۰۱۹	۲۴۹۸	۲۹۲۱	۲۵۹۴	۲۴۲۲	۲۳۲۱	۲۸۹۷	۳۱۱۸	۲۹۲۷	۲۴۰۱	۲۷۰۰	۲۷۷۰
Q25	۲۸۶۵	۲۸۱۶	۲۷۰۵	۲۷۵۶	۲۹۲۸	۲۴۲۷	۲۹۰۳	۲۶۷۸	۳۱۱۱	۲۸۵۱	۳۱۴۷	۳۰۳۴	۲۶۷۱	۳۱۰۹	۲۵۷۷	۳۰۱۱	۲۶۶۱	۲۴۹۶	۲۴۰۲	۲۹۸۴	۳۲۰۸	۳۰۱۷	۱۶۷۷	۲۴۸۳	۲۸۶۷

با استفاده از گراف اثرات غیرمستقیم نیز مشخص شد که بخش درخور توجهی از متغیرها تأثیر متوسط، ضعیف و بسیار ضعیف بر یکدیگر دارند. در بین متغیرها، تنها متغیرهای قدرت اقتصادی و وضعیت اقتصادی از اثرگذاری قوی برخوردارند.



شکل ۳- گراف اثر-وابستگی غیرمستقیم متغیرهای مؤثر بر شکوفایی شهری بجنورد

۳.۵. پیشران‌های تأثیر گذار بر شکوفایی شهری بجنورد

برای شناسایی پیشران‌های اثرگذار بر شکوفایی شهری بجنورد، از داده‌های ماتریس‌های MDI و MII استفاده شد و در قالب دو روش طبقه‌بندی مستقیم و غیرمستقیم پیشران‌ها مشخص شدند.

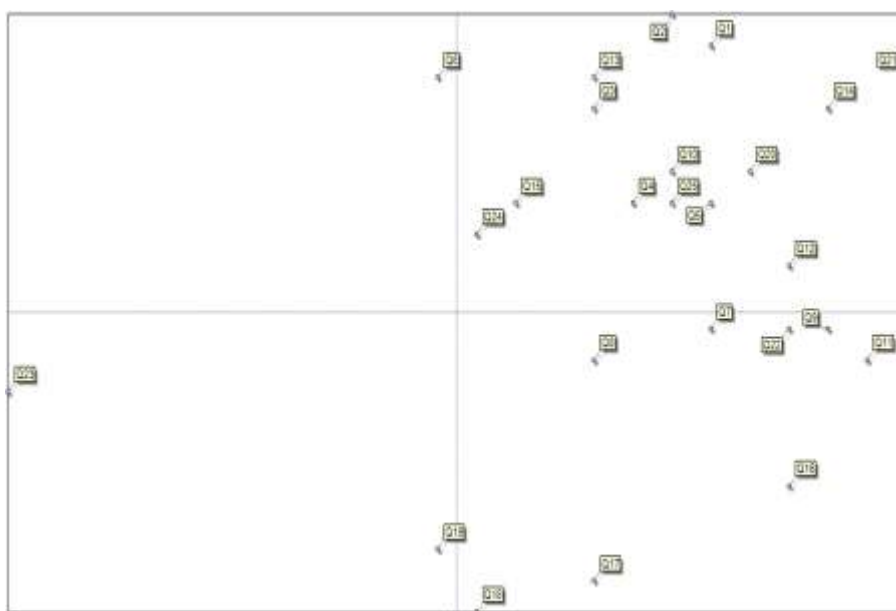
۳.۵.۱. روش طبقه‌بندی مستقیم و غیرمستقیم

از این روش برای بررسی شدت تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مستقیم و غیرمستقیم متغیرها استفاده شده است. برای این منظور با جمع کل روابط در هر ردیف از ماتریس MDI و ماتریس MII، شدت اثرگذاری متغیرها بر کل سیستم تعیین شد. نمرات جدول ۴، نتایج میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مستقیم و غیرمستقیم را نشان می‌دهد.

جدول ۴- درجه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مؤثر بر شکوفایی شهری بجنورد

علامت اختصاری	متغیر	طبقه‌بندی مستقیم		طبقه‌بندی مستقیم	
		میزان تأثیرپذیری	میزان تأثیرگذاری	میزان تأثیرپذیری	میزان تأثیرگذاری
Q1	قدرت اقتصادی	۴۷	۴۲	۷۵۳۴۰	۶۷۶۹۴
Q2	وضعیت اقتصادی	۴۸	۴۱	۷۸۰۵۵	۶۶۶۰۹
Q3	وضعیت اشتغال	۴۵	۳۹	۷۴۱۱۲	۶۳۹۶۶
Q4	زیرساخت مسکن	۴۲	۴۰	۶۸۷۷۹	۶۵۳۲۸
Q5	زیرساخت‌های اجتماعی	۴۲	۴۲	۶۹۲۵۵	۶۹۱۹۵
Q6	فناوری اطلاعات و ارتباطات	۴۶	۳۵	۷۴۸۷۵	۵۷۶۳۴
Q7	تحرك و جابه‌جایی شهری	۳۸	۴۲	۶۲۳۸۱	۶۸۸۱۵
Q8	ارتباطات بین‌شهری	۳۷	۳۹	۵۹۰۸۹	۶۳۳۵۶
Q9	فرم شهری	۳۸	۴۵	۶۱۷۶۳	۷۳۴۸۹
Q10	سلامت و زیرساخت‌های بهداشت	۴۳	۴۱	۷۰۴۰۷	۶۷۴۴۶
Q11	تحصیلات و زیرساخت‌های آموزش	۳۷	۴۶	۵۹۴۸۶	۷۴۴۵۶
Q12	فضای عمومی	۴۰	۴۴	۶۶۰۳۰	۷۱۸۳۳
Q13	ایمنی و امنیت	۴۶	۳۹	۷۴۷۹۳	۶۳۲۳۸
Q14	برابری اقتصادی	۴۵	۴۵	۷۳۷۵۵	۷۳۶۱۵
Q15	وضعیت اجتماعی	۴۲	۳۷	۶۸۹۴۴	۶۰۹۹۷
Q16	توازن جنسیتی	۳۳	۴۴	۵۴۴۱۸	۷۱۲۸۵
Q17	اشتغال و مشارکت زنان	۳۰	۳۹	۴۸۵۲۴	۶۳۱۴۱
Q18	تنوع شهری	۲۹	۳۶	۴۷۴۱۸	۵۹۲۸۴
Q19	کیفیت هوا	۳۱	۳۵	۵۰۶۸۱	۵۶۶۹۲
Q20	فناوری مدیریت پسماند	۴۳	۴۳	۷۰۹۴۰	۷۰۴۶۸
Q21	فناوری انرژی پایدار	۴۷	۴۷	۷۶۰۷۳	۷۵۹۴۳
Q22	مشارکت مردم	۳۸	۴۴	۶۱۷۹۵	۷۱۳۶۳
Q23	ظرفیت سازمانی شهر	۳۶	۲۴	۵۸۲۹۰	۳۹۶۵۹
Q24	وضعیت و توانایی اداره و مدیریت شهر	۴۱	۳۶	۶۷۲۸۶	۵۸۷۸۰
Q25	موقعیت جغرافیایی شهر	۴۲	۴۱	۶۹۳۶۴	۶۷۵۶۷
	کل	۱۰۰۶	۱۰۰۶	۱۰۰۶	۱۰۰۶

برای بررسی و درک بهتر میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متغیرها در کل سیستم، نقشه‌های مستقیم و غیرمستقیم از مختصات تأثیرگذاری و وابستگی متغیرها تهیه شده است (شکل‌های ۴ و ۵). با توجه به جدول ۴ و شکل ۴، در میان متغیرهای مستقیم مؤثر بر شکوفایی شهری بجنورد، فناوری اطلاعات و ارتباطات (Q6) بیشترین تأثیرگذاری و کمترین وابستگی را به کل سیستم دارد و متغیرهای قدرت اقتصادی (Q1)، وضعیت اقتصادی (Q2)، وضعیت اشتغال (Q3)، زیرساخت مسکن (Q4)، زیرساخت‌های اجتماعی (Q5)، سلامت و زیرساخت‌های بهداشت (Q10)، فضای عمومی (Q12)، ایمنی و امنیت (Q13)، برابری اقتصادی (Q14)، وضعیت اجتماعی (Q15)، فناوری مدیریت پسماند (Q20)، فناوری انرژی پایدار (Q21)، وضعیت و توانایی اداره و مدیریت شهر (Q24) و موقعیت جغرافیایی شهر (Q25) بیشترین تأثیرگذاری را بر سیستم دارند.



شکل ۴- درجه تأثیرگذاری و وابستگی مستقیم متغیرهای مؤثر بر شکوفایی شهری بجنورد

نقشه غیرمستقیم به‌طور آشکارتری شدت تأثیرگذاری و وابستگی غیرمستقیم متغیرها را مشخص می‌کند. با توجه به مختصات تأثیرگذاری و وابستگی متغیرها، مشخص شد که از

مجموع ۲۵ متغیر بررسی شده، متغیرها به لحاظ بیشترین تأثیرگذاری وضعیتی مشابه با روش طبقه‌بندی مستقیم دارند و تنها جایگاه تحرک و جابه‌جایی شهری (Q7) تغییر یافته و در این گروه جای گرفته است.

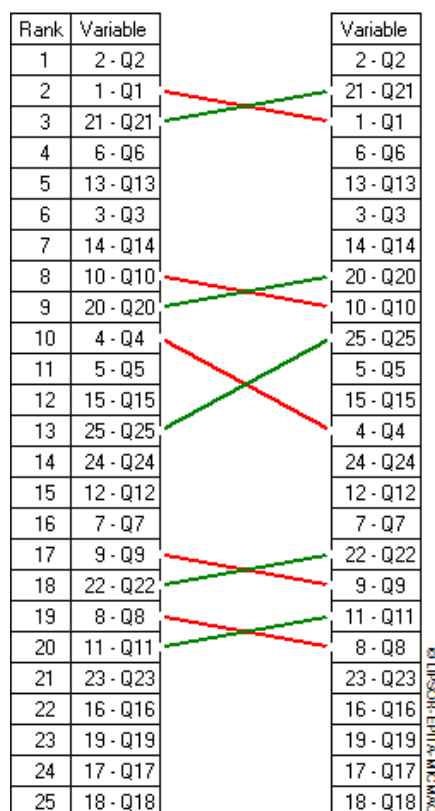


شکل ۵- درجه تأثیرگذاری و وابستگی غیرمستقیم متغیرهای مؤثر بر شکوفایی شهری بجنورد

در این قسمت به بررسی و مقایسه نتایج حاصل از دو روش طبقه‌بندی مستقیم و غیرمستقیم پرداخته شده است؛ چراکه از یک سو احتمال تأیید اهمیت متغیرهای معین فراهم می‌شود و از سوی دیگر، امکان آشکار شدن متغیرهای خاصی وجود دارد که به دلیل فعالیت‌های غیرمستقیم، نقش مهم و غالب را در شکوفایی شهری بازی می‌کنند. مقایسه شدت اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم نشان می‌دهد که از میان ۲۵ متغیر بررسی شده، ۱۵ متغیر بیشترین تأثیرگذاری را دارند. از این میان، ۹ متغیر دارای رتبه یکسان در سلسه‌مراتب تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم هستند که به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از: وضعیت اقتصادی (رتبه ۱)، فناوری اطلاعات و ارتباطات (رتبه ۴)، ایمنی و امنیت (رتبه ۵)، وضعیت اشتغال (رتبه ۶)، برابری اقتصادی (رتبه ۷)، زیرساخت‌های اجتماعی (رتبه ۱۱)، وضعیت اجتماعی

(رتبه ۱۲)، وضعیت و توانایی اداره و مدیریت شهر (رتبه ۱۴) و فضای عمومی (رتبه ۱۵). در مقابل، شش متغیر با اندکی جابه‌جایی در سلسله‌مراتب تأثیرگذاری مستقیم نسبت به تأثیرگذاری غیرمستقیم مواجه‌اند. این متغیرها قدرت اقتصادی (رتبه ۲ در اثرگذاری مستقیم و رتبه ۳ در اثرگذاری غیرمستقیم)، فناوری انرژی پایدار (رتبه ۳ در اثرگذاری مستقیم و رتبه ۲ در اثرگذاری غیرمستقیم)، سلامت و زیرساخت‌های بهداشت (رتبه ۸ در اثرگذاری مستقیم و رتبه ۹ در اثرگذاری غیرمستقیم)، فناوری مدیریت پسماند (رتبه ۹ در اثرگذاری مستقیم و رتبه ۸ در اثرگذاری غیرمستقیم)، زیرساخت مسکن (رتبه ۱۰ در اثرگذاری مستقیم و رتبه ۱۳ در اثرگذاری غیرمستقیم) و موقعیت جغرافیایی شهر (رتبه ۱۳ در اثرگذاری مستقیم و رتبه ۱۰ در اثرگذاری غیرمستقیم) هستند.

Classify variable



شکل ۶- طبقه‌بندی متغیرها براساس میزان تأثیر مستقیم (سمت چپ) و تأثیر غیرمستقیم (سمت راست)

مقایسه شدت وابستگی مستقیم و غیرمستقیم نیز بیانگر این است که در بین ۲۵ متغیر، ۲۳ متغیر بیشترین وابستگی را دارند که از آن میان، ۱۴ متغیر از رتبه‌های یکسان در سلسه‌مراتب وابستگی مستقیم و غیرمستقیم برخوردارند که به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از: فناوری انرژی پایدار (رتبه ۱)، تحصیلات و زیرساخت‌های آموزش (رتبه ۲)، فضای عمومی (رتبه ۵)، فناوری مدیریت پسماند (رتبه ۸)، سلامت و زیرساخت‌های بهداشت (رتبه ۱۳)، زیرساخت‌های مسکن (رتبه ۱۵)، وضعیت اشتغال (رتبه ۱۶)، ارتباطات بین‌شهری (رتبه ۱۷)، ایمنی و امنیت (رتبه ۱۸)، اشتغال و مشارکت زنان (رتبه ۱۹)، وضعیت اجتماعی (رتبه ۲۰)، تنوع شهری (رتبه ۲۱)، وضعیت و توانایی اداره و مدیریت شهر (رتبه ۲۲)، فناوری اطلاعات و ارتباطات (رتبه ۲۳)، کیفیت هوا (رتبه ۲۴) و ظرفیت سازمانی شهر (رتبه ۲۵).

Classement par dépendance

Rank	Variable	Variable
1	21 - Q21	21 - Q21
2	11 - Q11	11 - Q11
3	9 - Q9	14 - Q14
4	14 - Q14	9 - Q9
5	12 - Q12	12 - Q12
6	16 - Q16	22 - Q22
7	22 - Q22	16 - Q16
8	20 - Q20	20 - Q20
9	1 - Q1	5 - Q5
10	5 - Q5	7 - Q7
11	7 - Q7	1 - Q1
12	2 - Q2	25 - Q25
13	10 - Q10	10 - Q10
14	25 - Q25	2 - Q2
15	4 - Q4	4 - Q4
16	3 - Q3	3 - Q3
17	8 - Q8	8 - Q8
18	13 - Q13	13 - Q13
19	17 - Q17	17 - Q17
20	15 - Q15	15 - Q15
21	18 - Q18	18 - Q18
22	24 - Q24	24 - Q24
23	6 - Q6	6 - Q6
24	19 - Q19	19 - Q19
25	23 - Q23	23 - Q23

© LIPSOB - EPTA-MCMAC

شکل ۷- طبقه‌بندی متغیرها براساس میزان وابستگی مستقیم (سمت چپ) و وابستگی غیرمستقیم (سمت راست)

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مقیاس و شدت مشکلات شهری در دهه‌های اخیر در سراسر جهان و به‌ویژه در شهرهای به‌سرعت در حال رشد کشورهای در حال توسعه، واقعیتی انکارناپذیر است. رشد شهر و شهرنشینی از یک سو و گسترش مشکلات شهری از سوی دیگر باعث شده است برنامه‌ریزان، تصمیم‌گیرندگان و مدیریت شهری در کشورها و سازمان‌های جهانی همواره رویکردهای جدیدی را برای حل و بهبود مسائل زندگی شهری مدنظر قرار دهند. شاخص ابتکار شکوفایی شهر، یک چارچوب مفهومی گسترده و انعطاف‌پذیر برای اندازه‌گیری و پایش شهرنشینی و بهبود شرایط شهرهاست که در دهه‌های اخیر به‌طور گسترده مدنظر قرار گرفته است.

یکی از وظایف مهم برنامه‌ریزان شهری، از یک سو ارزیابی و شناخت وضع موجود و موضوع آینده و از سوی دیگر، شناخت بلندمدت آن در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای است؛ بنابراین پژوهش حاضر با هدف شناسایی پیشران‌های مؤثر بر شکوفایی شهری و بررسی میزان تأثیرگذاری متغیرهای مؤثر در وضعیت آینده شکوفایی شهر بجنورد، با بهره‌گیری از آینده‌پژوهی انجام شد. درباره سؤال اول تحقیق، همان‌طور که در جدول ۱ آمد، ۲۵ متغیر در شش بعد (بهره‌وری، توسعه زیرساخت، کیفیت زندگی، عدالت و مشارکت اجتماعی، پایداری زیست‌محیطی و نیز حکمرانی و قانون‌گذاری شهری) به‌عنوان عوامل مؤثر در شکوفایی شهری بجنورد شناسایی شدند. در پاسخ به سؤال دوم، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در گراف اثرات مستقیم که شدت روابط مستقیم بین متغیرها را به تصویر می‌کشد، بیانگر اثرگذاری متوسط و بسیار ضعیف بخش درخور توجهی از متغیرها بر یکدیگر است. گراف اثرات غیرمستقیم نیز نشان می‌دهد که بخش درخور توجهی از متغیرها تأثیر متوسط، ضعیف و بسیار ضعیف بر یکدیگر دارند و تنها متغیرهای قدرت اقتصادی و وضعیت اقتصادی از اثرگذاری قوی برخوردارند.

نتایج مطالعه نشان می‌دهد که از میان ۲۵ متغیر بررسی‌شده، ۱۵ متغیر دارای بیشترین تأثیر گذاری هستند؛ بنابراین در پاسخ به سؤال سوم تحقیق باید گفت، در بعد بهره‌وری، متغیرهای «قدرت اقتصادی»، «وضعیت اقتصادی» و «وضعیت اشتغال» جزو پیشران‌ها هستند. در بعد توسعه زیرساخت‌ها، «زیرساخت مسکن»، «زیرساخت‌های اجتماعی»، «فناوری اطلاعات و

ارتباطات»، در بعد کیفیت زندگی، «سلامت و زیرساخت‌های بهداشت»، «فضای عمومی» و «ایمنی و امنیت»، قرار دارند و در بعد عدالت و مشارکت اجتماعی، «برابری اقتصادی» و «وضعیت اجتماعی» و در بعد پایداری زیست‌محیطی، «فناوری مدیریت پسماند» و «فناوری انرژی پایدار» و در بعد حکمرانی و قانون‌گذاری شهری، «وضعیت و توانایی اداره و مدیریت شهر» و «موقعیت جغرافیایی شهر» با بیشترین سطح تأثیرگذاری شناسایی شدند.

یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های تحقیق نیک‌پور و همکاران (۱۳۹۹) در شهر نورآباد ممسنی، در بعد توسعه زیرساخت‌ها (زیرساخت مسکن و زیرساخت‌های اجتماعی)، بعد کیفیت زندگی (ایمنی و امنیت) و بعد عدالت و مشارکت اجتماعی در وضعیت اجتماعی منطبق است. همچنین در بعد کیفیت زندگی با پژوهش‌های صفایی‌پور و همکاران (۱۳۹۶)، یارمحمدزاده و شمس‌الهی (۱۳۹۷) و رهسپار طلوعی و همکاران (۱۳۹۸) همسوست، اما با نتایج تحقیقات احدنژاد و همکاران (۱۳۹۷) در کلانشهر تبریز و فیروزی و شنبه‌پور (۱۳۹۹) در کلان‌شهر اهواز متفاوت است.

با توجه به یافته‌های پژوهش، برای دستیابی به شکوفایی شهری در بجنورد و بسیاری شهرهای مشابه، پیشنهاد می‌شود در رابطه با بعد بهره‌وری، ایجاد اشتغال جوانان مدنظر ویژه قرار گیرد. بدیهی است ایجاد اشتغال، وضعیت اقتصادی، برابری اقتصادی و وضعیت اجتماعی بر جامعه تأثیر می‌گذارد؛ از این‌رو سرمایه‌گذاری در آن دارای اثرات کلان بر شاخص‌های دیگر نیز است. علاوه بر این، پیشنهاد می‌شود با توجه به شرایط اقلیمی منطقه و محدودیت‌های شهری بجنورد، توسعه استفاده از انرژی‌های پایدار و ایجاد فرهنگ تفکیک زباله از مبدا مدنظر ویژه قرار گیرد. افزایش مشارکت مردم در تصمیم‌های شهری، بهبود و برنامه‌ریزی در زمینه فضاهای عمومی شهری و ارتقای استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در شهر، همگی از عوامل اثرگذار بر بهبود و زمینه‌سازی شکوفایی شهری بجنورد هستند. بدیهی است توجه کردن به این پیشران‌ها و مطالعه و بررسی‌های تکمیلی در این زمینه، نقش بسزایی در بهبود و ارتقای شکوفایی شهری خواهد داشت.

کتابنامه

۱. احدنژاد، م.، حاضری، ص.، مشکینی، ا.، و پیری، ع. (۱۳۹۷). شناسایی عوامل کلیدی مؤثر بر شکوفایی شهری با رویکرد آینده نگاری (مطالعه موردی: کلان‌شهر تبریز). نشریه پژوهش و برنامه ریزی شهری، (۳۲)، ۱۵-۳۰.
۲. جهانی، د.، نظم فر، ح.، معصومی، م. ت.، و صمدزاده، ر. (۱۴۰۰). سنجش کیفیت زندگی براساس شاخص شکوفایی شهری در شهر اردبیل. فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، (۳۷)، ۴۵-۶۰.
۳. حاضری، ص.، احدنژاد، م.، مشکینی، ا.، و پیری، ع. (۱۴۰۰). سنجش وضعیت مؤلفه‌های شکوفایی شهری (مورد مطالعه: کلان‌شهر تبریز). فصلنامه علمی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، (۵۴)، ۶۳-۸۰.
۴. دانش پور، ح. ر.، سعیدی رضوانی، ن.، و بذرگر، م. ر. (۱۳۹۷). ارزیابی مناطق یازده گانه شهر شیراز به لحاظ شاخص شکوفایی شهری با استفاده از مدل FAHP. نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، (۳۳)، ۳۲-۱۷.
۵. رضاعلی، م.، حاتمی نژاد، ح.، فرجی سبکبار، ح.، علوی، س. ع.، و قائد رحمتی، ص. (۱۳۹۹). تبیین الگوی فضایی شاخص‌های شکوفایی شهری در ایران: رویکردی نوین در مطالعه پایداری کلان‌شهرها (مطالعه موردی کلان‌شهر تهران). مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، (۵۰)، ۲۸۱-۲۹۴.
۶. رهسپارطلوعی، غ.، حبیب، ف.، و سعیده زرآبادی، ز. س. (۱۳۹۸). سنجش کیفیت زندگی در محله نارمک تهران بر اساس مدل توسعه یافتگی شاخص شکوفایی شهری (CPI-QL)، مطالعات محیطی هفت‌حصار، (۲۹)، ۶۵-۷۶.
۷. روستایی، ش.، پورمحمدی، م. ر.، و رنجبرنیا، ب. (۱۳۹۸). شناسایی و تحلیل عوامل تأثیرگذار شکاف دیجیتال در توسعه پایدار تبریز. آمایش جغرافیایی فضا، ۳۴، ۱-۱۶.
۸. روستایی، ش.، علی اکبری، ا.، و حسین زاده، ر. (۱۳۹۵). بررسی عوامل کلیدی اثرگذار بر رشد شهرهای بزرگ (مورد مطالعه شهر ارومیه). نشریه پژوهش و برنامه ریزی شهری، (۲۶)، ۷۴-۵۳.
۹. سلیمانی مهرنجانی، م.، تولایی، س.، رفیعیان، م.، زنگانه، ا.، و خزاعی‌نژاد، ف. (۱۳۹۵). زیست پذیری شهری، اصول، ابعاد و شاخص‌ها. پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، (۱)، ۵۰-۲۷.

۱۰. صباغی آبکوه، ش. (۱۴۰۰). شناسایی نیروهای پیشران تأثیر گذار بر تحقق توسعه اجتماع محور در محلات کم برخوردار شهری (مورد مطالعه: محله التیمور مشهد). *جغرافیا و توسعه فضای شهری*، ۲(۲)، ۲۳۱-۲۵۱.
۱۱. صراف، م.، و هاشمی، ن. (۱۳۹۷). بازنگری و کاربری شاخص نیک بختی شهری (CPI) با توجه به ویژگی های جامعه ایران (مطالعه موردی: شهرهای بالای ۱۰۰ هزار نفر منطقه شمال غرب کشور). *پژوهش های جغرافیای انسانی*، (۳)، ۵۵۵-۵۷۲.
۱۲. صفایی پور، م.، ملکی، س.، حاتمی نژاد، ح.، و مدانلو جویباری، م. (۱۳۹۶). ارزیابی و سنجش مؤلفه های شکوفایی شهری در کلان شهر اهواز. *جغرافیا و پایداری محیط*، (۲۲)، ۳۵-۴۷.
۱۳. علوی، س.، نظم فر، ح.، و عشقی چهاربرج، ع. (۱۳۹۹). ارزیابی و سنجش شاخص های شکوفایی شهری در کلان شهر تهران. *فصلنامه علمی برنامه ریزی فضایی*، (۳۸)، ۷۷-۹۷.
۱۴. عزیزاده افشار، ف.، و خزاعی نژاد، ف. (۱۳۹۸). *شکوفایی شهری وضعیت شهرهای جهان ۲۰۱۳-۲۰۱۲، برنامه اسکان سازمان ملل متحد*. تهران: انتشارات پاپلی، نشر کتاب امید.
۱۵. فیروزی، م. ع.، و شنبه پور، ف. (۱۳۹۹). تحلیل ساختاری شکوفایی شهری با رویکرد آینده نگاری (مطالعه موردی کلان شهر اهواز). *فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی*، (۳۵)، ۲۱-۳۰.
۱۶. کلارک، دیوید. (۱۳۹۸). *جهان شهری، شهر جهانی* (م. قرخلو، ف. خزاعی نژاد و ع. اکبری، مترجمان). تهران: نشر انتخاب.
۱۷. محمدیارزاده، س.، و شمس الهی، ب. (۱۳۹۷). نقش فضاهای عمومی در تحقق شکوفایی شهری و توسعه پایدار. *اقتصاد و مدیریت شهری*، ۲۳، ۱۲۴-۱۱۱.
۱۸. نیک پور، ع.، مرادی، ا.، و یاراحمدی، م. (۱۳۹۹). مدل سازی ساختاری تفسیری عوامل مؤثر بر شکوفایی شهری (مورد مطالعه: نورآباد ممسنی). *فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی شهری چشم انداز زاگرس*، ۴۴، ۲۶-۷.

19. Abilla.A. (2018). *UN-Habitat, city prosperity initiative conceptualization and application*. Thailand: Bangkok.
20. Arab, P. (2017). City prosperity initiative index: Using AHP method to recalculate the weights of dimension and sub-dimension in reference to Tehran metropolis. *European Journal of Sustainable Development*, 6(4), 289-301.
21. Arimah, B. (2017). Infrastructure as a catalyst for the prosperity of African cities. *Procedia Engineering*, 198, 245-266.

22. Fritz, M., & Koch, M. (2016). Economic development and prosperity patterns around the world: Structural challenges for a global steady-state economy. *Global Environmental Change*, 38, 41-48
23. Garcia-Sunchez, A., Siles, D., & Mendez, M. (2019). Competitiveness and innovation: Effects on prosperity, Anatolia. *An International Journal of Tourism and Hospitality Research*, 30(2), 200-213.
24. Jones, S., Tefe, M., & Appiah-Opoku, S. (2015). Incorporating stakeholder input into transport project selection e A step towards urban prosperity in developing countries? *Habitat International*, 45, 1-9.
25. Legatum Institute. (2008). The Legatum prosperity index report. Retrieved from https://www.prosperity.com/download_file/view_inline/2884
26. Stead, D. (2015). What does the quality of governance imply for urban prosperity? *Habitat International*, 45, 64-69.
27. Yigitcanlar, T., Dur, F., & Dizdaroglu, D. (2015). Towards prosperous sustainable cities: A multiscalar urban sustainability assessment approach. *Habitat International*, 45, 36-46.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

doi : <https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2022.73897.1101>

مقاله پژوهشی - مطالعه موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال نوزدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۳۷

تدوین راهبرد توسعه مناطق روستایی شهرستان چگنی استان لرستان (کاربرد چارچوب راهبردی SOAR)

مهدی محمدی نسب (استادیار گروه مدیریت، دانشگاه قم، قم، ایران، نویسنده مسئول)

mohammadinasab@qom.ac.ir

محمد تیموری طولابی (کارشناسی ارشد مدیریت، دانشگاه قم، قم، ایران)

mteymori.1370@gmail.com

صص ۳۵۸ - ۳۲۱

چکیده

هدف پژوهش تدوین راهبردهای توسعه روستایی در مناطق روستایی شهرستان چگنی است. شهرستان چگنی با ویژگی‌ها و شرایط ویژه‌ی به‌عنوان مورد مطالعه بررسی شده است. این پژوهش از نظر نتیجه کاربرد با هدف اکتشافی و از نظر ماهیت کیفی است. جمع‌آوری داده‌های پژوهش به شیوه مصاحبه و روش نمونه‌گیری هدفمند بوده است. جامعه نظری این پژوهش، ۳۲ نفر از ذی‌نفعان (متخصصان، خبرگان محلی و مسئولین مربوطه) شهرستان چگنی هستند که توسط تسهیلگران به‌صورت هدفمند شناسایی و انتخاب شدند. برای تدوین راهبرد توسعه روستایی از چارچوب راهبردی SOAR استفاده شده است که به خاطر دیدگاه مثبت‌نگر و مشارکتی آن، برای این پژوهش مناسب‌تر است. منابع آب، ظرفیت‌های پرورش دام و تولیدات دامی، آب و هوای مناسب و زمین حاصلخیز جزو مهم‌ترین قوت‌ها و مراتع کافی برای توسعه دام و طیور و زنبور عسل، بازار مناسب تولیدات روستایی، مشارکت روستاییان، حمایت‌های دولت، افزایش تمایل به گردشگری و نیروی جوان تحصیل‌کرده از مهم‌ترین فرصت‌های شهرستان چگنی توسط ذی‌نفعان شناسایی شد.

تاریخ تصویب: ۱۴۰۱/۰۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۴

سپس براساس آن‌ها و در نظر گرفتن ارزش‌ها، چشم‌اندازها و مأموریت‌های شهرستان، بهره‌وری حداکثری مراتع، شهرت به‌عنوان مقصد گردشگری، منطقه جذاب برای سرمایه‌گذاری، اشتغال جوانان و قطب تولیدات دامی استان جزو مهم‌ترین آرمان‌ها ترسیم شد. درنهایت، راهبردهای توسعه مناطق روستایی شهرستان چگنی مانند توسعه صنایع تبدیلی، اولویت دهی به گردشگری و توسعه ظرفیت بهره‌برداری از معادن تدوین شد.

کلیدواژه‌ها: توسعه، توسعه روستایی، راهبرد، روستا، شهرستان چگنی، SOAR.

۱. مقدمه

روستانشینی شکل ویژه‌ای از استقرار و معیشت انسانی و جلوه بارزی از حیات اقتصادی و اجتماعی است که با نظامی کم‌وبیش پایدار در طی قرون متمادی دوام یافته است. با وجود مهاجرت‌های گسترده روستا - شهری و روند شتابان تبدیل نقاط روستایی به شهر، هنوز بیش از نیمی از جمعیت جهان در نقاط روستایی زندگی می‌کنند و البته سهم عرصه‌های روستایی از فضاها و طبیعت زیستی بسیار بیشتر از این است. با توجه به نقشی که نواحی روستایی در حیات اقتصادی و اجتماعی کشورها به‌ویژه در تولید محصولات کشاورزی و غذایی ایفا می‌کنند، از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای در توسعه ملی و سرزمینی برخوردارند و بدون سازمان‌دهی و توسعه این مناطق، برنامه‌های توسعه با ناکامی مواجه خواهند شد؛ ازاین‌رو توجه به مدیریت روستایی در نظام برنامه‌ریزی و توسعه فضاها و روستایی لازم و ضروری است (بدری و موسوی، ۱۳۸۸).

هدف اصلی برنامه توسعه مناطق روستایی، دستیابی به شرایط زندگی و کاری پایدار و متعادل در جوامع روستایی همگام با جوامع شهری، با توجه به توان بالقوه محلی و حفاظت از منابع طبیعی و فرهنگی است. در این حوزه، سیاست‌های توسعه روستایی باید به‌عنوان مکملی برای سیاست‌های کشاورزی جهت کاهش اثرات منفی اجتماعی-اقتصادی مهاجرت اجرا شوند. برای دستیابی به تنوع، ثبات و افزایش درآمد جمعیت روستایی، برنامه‌های توسعه روستایی باید با رویکرد اشتغال‌زایی طراحی شوند. علاوه بر آن، تقویت اقشار محلی و

مقیاس‌های اجرا و پیاده‌سازی در ارتباط با توسعه منطقه‌ای و برنامه‌های کشاورزی تعیین شود (کاظمی، ثانی و عطاء الله، ۱۳۹۴).

توسعه و پیشرفت روستایی به معنای ارتقای سطح رفاه و معیشت روستاییان، همواره دغدغه اندیشمندان و سیاست‌گذاران توسعه بوده است. در این رابطه رهیافت‌های بسیاری از طرف اندیشمندان به منظور افزایش سطح رفاه زندگی و رفاه روستاییان مطرح شده است. در رهیافت‌های بالا به پایین فرض بر این است که سیاست‌های توسعه‌ای نوین به علت پیروی از عقلانیت مدرن مسلم است مورد پذیرش جوامع روستایی خواهد بود؛ ولی در عمل این رهیافت‌ها به علت انطباق‌نداشتن با نیازها و اولویت‌های اجتماعی-فرهنگی روستاییان و درگیر نکردن ذی‌نفعان، همواره با شکست نسبی همراه بوده است (رضوانی، وبدری، ترابی و هاجری، ۱۳۹۵). رهیافت‌های نوین در توسعه روستایی بر مشارکت‌جویی و مشارکت‌پذیری تأکید دارند (بدری و نعمتی، ۱۳۸۶). در بسیاری از مناطق کشور، روستاهایی وجود دارد که از موقعیت راهبردی مناسبی برای توسعه برخوردارند، اما در این مناطق، توسعه روستایی به‌خوبی صورت نگرفته و راهبردهای مناسبی برای آن‌ها تدوین نشده است که می‌توان روستاهای شهرستان چگنی را به دلیل داشتن زمین‌های حاصلخیز، وجود منابع آبی کافی و شرایط اقلیمی مناسب، منابع طبیعی فراوان، تعداد زیادی نیروی جوان آماده‌به‌کار، نمونه‌ی مناسبی برای انجام پژوهش به حساب آورد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). با توجه به گزارش مرکز آمار و سایر گزارشات منطقه‌ای مانند سند آمایش شهرستان چگنی، شرایط برای زندگی و توسعه روستایی در این شهرستان بسیار مستعد است و نیاز است که راهبردهای برای توسعه روستایی در این شهرستان تدوین شود؛ از این‌رو در این پژوهش با بهره‌گیری از چارچوب مشارکتی مثبت-اندیش^۱ SOAR سعی شده است با درگیر کردن ذی‌نفعان، قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها شناسایی شود و بر اساس آن‌ها، راهبردها و ابتکارات توسعه روستایی در روستاهای شهرستان چگنی تدوین شود.

۲. پیشینه تحقیق

توسعه (پیشرفت): توسعه، واژه معادل و منتخب برای کلمه Development است که ابتدا در مقولات مادی و اقتصادی مطرح بوده است. توسعه روندی متشکل از سیستم‌ها، مکان، موضوع و انسان است که از وضعیتی به وضعیت دیگر تغییر می‌یابد. این روند بر دوره‌ای دلالت دارد که ضمن تغییر، در جهت رشد یا بهبود تداوم پیدا می‌کند (درآیک^۱، ۱۳۸۳).

از نظر مایکل تودارو^۲، توسعه را باید جریانی چندبعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است. توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل نظام، از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده است و به‌سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است، سوق می‌یابد. هدف کلی توسعه، رشد و تعالی همه‌جانبه جوامع انسانی است؛ از این‌رو در فرایند برنامه‌ریزی برای دستیابی به توسعه و قرارگرفتن در مسیر آن، شناخت و درک شرایط و مقتضیات جوامع انسانی و نیازهای آنان در ابعاد مادی و معنوی از جمله اقدامات ضروری است (برقی و محمود صالحی، ۱۳۹۵).

سال‌های اخیر در کشور ما، در حوزه سیاست‌گذاری واژه پیشرفت در حال جایگزین شدن با واژه توسعه است؛ زیرا از واژه توسعه، توسعه به مفهوم غربی به ذهن متبادر می‌شود و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به‌عنوان بالاترین سند بالادستی کشور در دست نهایی‌شدن است. مقدمه این سند (۱۳۹۸) چارچوب این الگو را معرف سیر مطلوب ایران در عرصه فکر، معنویت و زندگی به سوی تمدن نوین اسلامی ایرانی در نیم قرن آینده می‌داند. مقام معظم رهبری پیشرفت را رسیدن به حیات طیبه یعنی زندگی گوارا همراه با آسایش و آرامش و در کل سعادت دنیا و عقبی می‌دانند (مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۸). ایشان ضمن تذکر درباره تأثیر مبانی معرفتی در الگوی مطلوب و ضرورت غفلت نکردن از خصال مثبت

1. Drabek

2. Michael Todaro

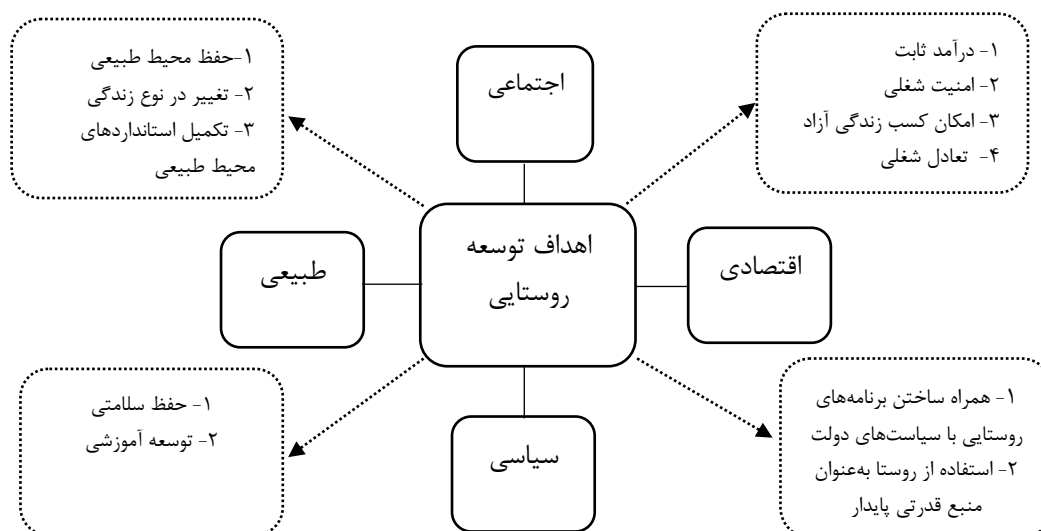
غربی‌ها، پسوند عدالت را برای پیشرفت مطلوب ضروری می‌دانند (پایگاه اینترنتی دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب، ۱۴۰۰).

روستا: روستا در فرهنگ معین معادل «رستاک» در زبان پهلوی و معرب آن رستاق، روستاق، رسداق یا رزداق است و هم‌ارز ده یا قریه تعبیر شده است؛ همچنین «ده»، آبادی کوچک در خارج شهر و در مقابل آن، شهر آبادی بزرگ که دارای خیابان‌ها و کوچه‌ها و خانه‌ها و دکان‌ها و سکنه بسیار باشد، تعریف شده است. در فرهنگ صبا، «ده»، «روستا»، «قریه» هم‌عرض یکدیگر است و برابر با «آبادی کوچک در خارج شهر که دارای چندین خانه روستایی باشد» تعریف شده است. همچنین روستا نقطه سکونت کوچکی با اقتصاد مبتنی بر کشاورزی و منابع طبیعی نیز تعریف شده است (راهب، ۱۳۸۶). روستا کوچک‌ترین واحد تشکیلاتی و اجتماعی در ایران محسوب می‌شود و بدیهی است که این واحد اجتماعی (روستا) به لحاظ وجود مناسبات اجتماعی، اقتصادی و پایبند بودن افراد به قوانین عرفی و مدنی نمی‌تواند از تشکیلات سازمان مدیریتی بی‌نیاز باشد. در جوامع انسانی شکل سازمان مدیریتی متأثر از نظام اجتماعی حاکم بر آن جامعه است؛ به‌خصوص اگر جامعه، زیرجامعه‌ای از جوامع فراتر باشد، نقش آن جوامع فراتر نیز به‌مراتب تأثیرگذارتر خواهد بود (مهدوی و نجفی کانی، ۱۳۸۴). سطوح تقسیمات سیاسی کشور از بالاترین سطح تا پایین‌ترین آن به ترتیب شامل استان، شهرستان، بخش و دهستان است؛ بدین گونه که هر استان از چند شهرستان، هر شهرستان از چند بخش و هر بخش از چند دهستان تشکیل می‌شود. گفتنی است که هر دهستان نیز شامل تعدادی نقاط روستایی، مکان و مزرعه است که عناصر تقسیماتی نامیده می‌شوند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).

توسعه (پیشرفت) روستایی: توسعه روستایی ارتقای اقتصادی و اجتماعی مردم روستایی، افزایش مشارکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، رفع نیازها در دوره‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت است. توسعه روستایی در دیدگاهی کلی با نقش مناطق روستایی در توسعه ملی، که نقش تعیین‌کننده‌ای در ظرفیت تولید دارند، مرتبط است. توسعه روستایی فرایندی چندبعدی است که موضوع آن بهبود و ارتقای کیفیت زندگی اقشار فقیر و آسیب‌پذیر اجتماع روستایی است؛ فرایندی که با بهره‌گیری از سازوکارهایی چون برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، تقویت

خوداتکایی فردی و جمعی و ایجاد دگرگونی مناسب در ساختارهای ذهنی و اجتماعی روستاییان تلاش می‌کند که در آن‌ها قدرت و توان و اختیار بهره‌گیری از قابلیت‌ها و منابع در اختیارشان تقویت شود تا به واسطه آن بتوانند وضعیت موجودشان را به شکل مناسب‌تر تغییر دهند (ازکیا، ۱۳۸۴؛ برقی و محمود صالحی، ۱۳۹۵)؛ بنابراین توسعه روستایی به‌عنوان یکی از زیرشاخه‌های توسعه و بلکه مهم‌ترین آن‌هاست (طالب، ۱۳۹۱) که موضوع آن، بهبود شرایط زندگی افراد کم‌درآمد ساکن در روستاها و خودکفا کردن آن‌ها در روند توسعه کلی یک کشور است. در برخی از تعاریف نیز مفهوم توسعه روستایی در انطباق با برنامه‌های توسعه ملی با هدف دگرگون‌سازی اجتماعی اقتصادی جوامع روستایی تشریح شده است. در همین راستا از توسعه روستایی به‌عنوان عنصری حیاتی برای توسعه ملی و راه‌حل نهایی مشکل بیکاری و تراکم جمعیت شهری یاد می‌شود که در عمل به بهبود سطح زندگی روستاییان در ابعاد مختلف درآمد، اشتغال، آموزش، بهداشت، تغذیه، مسکن و گسترش توانایی بخش روستایی در تثبیت و تشریع روند توسعه در طول زمان می‌انجامد (برقی و محمود صالحی، ۱۳۹۵).

درکل، توسعه مناطق روستایی باید دارای خصوصیات زیر باشد: ۱) توسعه باید تغییری در جهت بهبود شرایط برای اکثریت مردم باشد؛ ۲) مردمی که از توسعه سود می‌برند باید بیش از مردمی باشند که از آن متضرر می‌شوند؛ ۳) توسعه باید دست‌کم مردم را نسبت به تأمین حداقل نیازهای زندگی‌شان یا نیازهای ضروری زندگی‌شان مطمئن کند؛ ۴) توسعه باید با نیازهای مردم هماهنگی و مطابقت داشته باشد؛ ۵) توسعه باید باعث تشویق و خوداتکایی شود؛ ۶) توسعه نباید باعث تخریب محیط‌زیست شود (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲). جامعیت فرایند توسعه روستایی، آزادی انتخاب و برابری برای دسترسی به فرصت‌ها، مردم‌گرایی، مشارکت و درون‌زایی، رسیدن به هدف نهایی انسان یعنی رضایت از زندگی، توانمندسازی، ایجاد ظرفیت‌های جدید، احترام به اطلاعات و دانش بومی، افزایش آگاهی و اطلاعات، ایجاد ارتباط کارآمد درون‌گروهی بین کنشگران توسعه و مردم محلی و کیفیت محیط‌زیست از اهداف توسعه روستایی با نگرش جدید در توسعه روستایی است (رکن‌الدین افتخاری، سجاسی و عینالی، ۱۳۸۶). مطیعی لنگرودی (۱۳۸۲) اهداف توسعه روستایی را در شکل ۱ خلاصه کرده است.



شکل ۱- اهداف توسعه روستایی (مطبیعی لنگرودی، ۱۳۸۲)

مدیریت راهبردی: بدون شک سازمان‌های امروزی پیوسته با امواج سهمگینی از تغییرات دائمی روبه‌رو هستند و مدیریت راهبردی یکی از بهترین ابزارها برای آن‌هایی است که در صددند بدون تسلیم در برابر تغییر، با حضوری آگاهانه و موفقیت‌آمیز در صحنه رقابت، سرنوشت خود را رقم زنند و آینده را به کنترل درآورند. مدیریت راهبردی به سازمان‌ها این امکان را می‌دهد که با شیوه‌ای خلاق و نوآور عمل کنند و برای شکل دادن به آینده خود منفعل نباشند. این شیوه باعث می‌شود که سازمان دارای ابتکار عمل بوده و فعالیت‌هایش به گونه‌ای درآمدی که اعمال نفوذ کند؛ نه اینکه تنها در برابر کنش‌ها، واکنش نشان دهد (اعرابی و دهقان، ۱۳۹۰).

فرایند مدیریت راهبردی دربرگیرنده سه مرحله است: تدوین راهبردها، اجرای راهبردها و ارزیابی راهبردها (دیوید^۱، ۱۳۸۶). در تدوین راهبرد، مأموریت سازمان تعیین شده و عوامل خارجی و داخلی مشخص می‌شوند تا براساس آن‌ها اهداف و راهبردهای سازمان در سطوح مختلف تعیین شوند. در اجرای راهبرد، راهبردهای تعیین شده در مرحله قبل باید به اجرا

1. David

درآیند. برای اجرای راهبردها ابتدا اهداف و سیاست‌ها در راستای مأموریت و راهبردها تعیین شده و براساس آن‌ها، منابع سازمان تخصیص داده می‌شوند و سپس در ساختاری مناسب و با فرهنگ سازنده هدایت می‌شوند تا راهبردها به اجرا درآیند. در ارزیابی راهبرد، تغییرات احتمالی عوامل اثرگذار داخلی و خارجی و اثرات احتمالی آن‌ها بر مأموریت، اهداف و راهبردها و راهکارهای اجرایی بررسی می‌شود؛ همچنین نحوه انجام هرکدام از مراحل تدوین و اجرای راهبرد از ابعاد مختلف مورد مذاقه قرار می‌گیرد و درنهایت نتایج به دست آمده و نحوه دستیابی به آن‌ها ارزیابی می‌شود تا انحرافات احتمالی شناسایی شده و در جهت رفع آن‌ها اقدام شود (اعرابی، آقازاده و نظامی‌وند چگینی، ۱۳۹۳).

علاوه بر سازمان که نقطه کانونی در تدوین راهبرد در دانش مدیریت راهبردی است، می‌توان اشخاص، رویدادها، مسائل و موضوعات، مکان‌ها، ایده‌ها و... را هم مدیریت راهبردی کرد و برای آن‌ها برنامه راهبردی تهیه کرد که در این پژوهش موضوع توسعه روستایی در شهرستان چگینی مدنظر قرار گرفته است. از آنجاکه موضوع پژوهش، تدوین راهبرد است، تمرکز بر مرحله نخست الگوی جامع مدیریت راهبردی یعنی تدوین راهبرد است.

تدوین راهبرد یا «برنامه‌ریزی راهبردی» یک فرایند است. برای آنکه سازمان بداند به کجا خواهد رفت باید بداند اکنون دقیقاً کجا قرار گرفته است. پس از آن باید آنچه می‌خواهد باشد را به درستی تعریف کرده و چگونگی رسیدن به آن جایگاه را مشخص کند؛ به دیگر سخن، برنامه‌ریزی راهبردی تلاشی منظم و سازمان‌یافته برای اتخاذ تصمیم‌ها و مبادرت به اقدامات بنیادی است که به موجب آن، اینکه یک سازمان (یا هر موجودیت دیگر) چیست، چه می‌کند و چرا اموری را انجام می‌دهد، مشخص خواهد شد (برایسون، ۱۳۸۱). برای تدوین راهبرد راهکارها و روش‌های مختلفی وجود دارد که استراتژیست‌ها و طراحان راهبردی سازمان با توجه به شناخت خود از موقعیت و شرایط سازمان راهکار و روش خاصی را برای تدوین راهبرد سازمان انتخاب می‌کنند (مهرمنش، ۱۳۹۱).

مدل SOAR: مدل‌های متعددی در مراحل مختلف فرایند مدیریت راهبردی مطرح شده است که هرکدام با توجه به اقتضائات و نیازمندی‌ها در موضوعات پژوهشی مدیریت راهبردی

به کار می‌روند. مدل^۱ SWOT (مدل هاروارد) از مدل های پرکاربردی است که حدود شش دهه به عنوان ابزاری استاندارد برای تدوین راهبرد استفاده قرار می‌شود (زارسکی و کول^۲، ۲۰۱۷). محققان نقدها و ویرایش های متعددی را بر این مدل مطرح کرده‌اند؛ مانند نقد جنستر و هاسی^۳ یا الگوهای متفاوت مانند^۴ SOFT،^۵ WOTS،^۵ UP،^۵ TOWS که محققان مطرح کرده‌اند (جنستر و هاسی، ۲۰۰۱)؛ برای مثال هانگر و ویلن^۶ (۲۰۰۶) TOWS را به عنوان جایگزین SWOT پیشنهاد دادند. آن‌ها بیان می‌کنند که SWOT بر قوت ها و فرصت های سازمان برای کسب موفقیت متمرکز است (که در خانه SO قرار می‌گیرد)؛ در حالی که تحلیل TOWS بیشتر بر تحولات محیط بیرون سازمان متمرکز است. در هر دو مدل عناصر چهارگانه بررسی شده یکسان است اما تفاوت ذکرشدنی در فرایند تحلیل است. فرایند تحلیل در TOWS از بیرون (تهدیدها و فرصت‌ها) به درون (قوت‌ها و ضعف‌ها) است (TOWS با کشف عوامل محیط بیرونی آغاز می‌شود و در مرحله بعد تحلیل محیط درونی را بررسی می‌کند)؛ در حالی که در SWOT این فرایند از درون به بیرون است. در کنار SWOT و TOWS، مدل جدیدتری با عنوان SOAR با رویکرد روان‌شناسی مثبت اندیش مطرح شده است (فهمی و عارف‌الدین^۷، ۲۰۱۵).

اولین ارائه نظام‌مند SOAR در سال ۲۰۰۹ با انتشار کتابی از سوی استوارس و هنریش^۸ انجام شد (استوارس و هنریش، ۲۰۰۹). این مدل چارچوبی قوت‌محور با رویکرد مشارکتی برای تحلیل راهبردی، تدوین راهبرد و تحول سازمانی است (استوارس و سینت^۹، ۲۰۱۰). SOAR نگاه مثبت‌گرایانه (AI^{۱۰}) را با چارچوب برنامه‌ریزی راهبردی ترکیب می‌کند تا فرایندی تحول‌آفرین ایجاد کند که سازمان‌ها و ذی‌نفعان آن‌ها را برای درگیر شدن و مشارکت

1. Strength, Weakness, Opportunity, Threat

2. Zarestky & Cole

3. Jenster & Hussey

4. Strength, Opportunity, Fault, Threat

5. Weakness, Opportunity, Threat, Strength, Underlying Planning

6. Hunger & Wheelen

7. Fahmie & Arifudin

8. Stavros & Hinrichs

9. Stavros & Saint

۱۰. Appreciative Inquiry از کاربردهای روان‌شناسی مثبت‌گرا در سازمان است.

در برنامه‌ریزی راهبردی نتیجه‌گرا تشویق و ترغیب کند (استاورس، کوپریدر و کلی^۱، ۲۰۰۳). AI رویکرد و فلسفه‌ای برای تحول سازمانی است که هسته مثبت خود را بر پایه قوت‌ها و آنچه به عنوان عوامل حیات بخش^۲ نامیده می‌شود، بنا می‌کند. این رویکرد با جست‌وجوی «کارهای مفید» یا «چگونگی انجام کارهای مفید» به جای مدل‌های سنتی آسیب‌شناسی که به شناسایی و کاهش مسائل و شکاف‌ها می‌پردازند، کل سیستم را در شکل‌دهی آینده سازمان درگیر می‌کند. SOAR چارچوبی برای تفکر و گفت‌وگوی راهبردی در فرایند AI ایجاد می‌کند که سیستم را در تدوین، اجرا و ارزیابی راهبردی راهنمایی می‌کند (استاورس و هنریش، ۲۰۰۹). SOAR مخفف چهار واژه قوت‌ها، فرصت‌ها، آرزوها و نتایج^۳ است که به صورت ماتریس SOAR استفاده می‌شود (شکل ۲).

فرصت‌ها بهترین فرصت‌های بالقوه بازار ما کدامند؟ چگونه ما می‌توانیم بهترین شرکای دیگران باشیم؟	قوت‌ها چه کارهایی را ما خوب انجام می‌دهیم؟ بزرگترین دارایی ما چیست؟	بررسی‌های راهبردی
نتایج نتایج قابل سنجش ما کدام است؟ ما می‌خواهیم به چه چیزی شناخته شویم؟	آرمان‌ها (آرزوها یا چشم‌اندازها) آرزوی ما چیست؟ آینده‌ای که ما ترجیح می‌دهیم چیست؟	نیات (تصمیم‌های) مثبت

شکل ۲- ماتریس SOAR (استاورس و سینت، ۲۰۱۰)

از آنجا که SOAR، قوت‌ها و فرصت‌ها را از مدل SWOT دریافت می‌کند و سپس آرمان‌ها (آرزوها) و نتایج را به آن اضافه می‌کند (استاورس و هنریش، ۲۰۰۹)، این دو چارچوب راهبردی شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با هم دارند که در جدول ۱ مقایسه شده است.

1. Stavros, Cooperrider & Kelley

۲. Life-giving عناصر یا تجربیاتی در گذشته یا حال سازمان که نشان‌دهنده قوت‌های سازمان در بهترین وضعیت کاری خود است (استاورس و هنریش، ۲۰۰۹).

3. Strength, Opportunity, Aspiration, Result

جدول ۱- مقایسه SWOT با SOAR

مأخذ: استاورس و سینت، ۲۰۱۰

تجزیه و تحلیل SWOT	رویکرد SOAR
تحلیل گرا	اقدام گرا
تمرکز بر ضعف‌ها و تهدیدات	تمرکز بر قوت‌ها و فرصت‌ها
تمرکز بر رقابت- بهتر باش	تمرکز بر احتمالات- بهترین باشید!
بهبود تدریجی	نوآوری و میانبرها
بالا به پایین	درگیری همه سطوح
تمرکز بر تجزیه و تحلیل - برنامه‌ریزی	تمرکز بر روی برنامه‌ریزی - اجرا
تخلیه انرژی- ضعف و تهدیدهای بسیاری وجود دارد	ایجاد انرژی- ما خوب هستیم و می‌توانیم عالی شویم!
توجه به شکاف‌ها	توجه به نتایج

اگرچه SWOT می‌تواند در هر سطح سازمان استفاده شود، به‌طور سنتی در سطح مدیریت ارشد استفاده می‌شود؛ درحالی‌که مدل SOAR به دنبال جلب همکاری ذی‌نفعان و کارکنان در سطوح مختلف است؛ زیرا مدل SOAR آن دسته از کارکنان را در بر می‌گیرد که عموماً بخشی از فرایند برنامه‌ریزی راهبردی به شمار نمی‌آیند (استاورس و سینت، ۲۰۱۰). تفاوت کلیدی دیگر رویکرد SOAR این است که شناسایی و گسترش نقاط قوت و فرصت‌های موجود به جای درک مشکلات، کمبودها، ضعف‌ها و تهدیدها را مدنظر قرار می‌دهد. اختصاص زمان مشابه به هریک از چهار مؤلفه SWOT به معنای صرف نیمی از وقت فکرکردن در موارد مثبت (نقاط قوت و فرصت‌ها) و نیمی دیگر در موارد منفی‌ها (ضعف‌ها و تهدیدات) است. این تلاش به لغو هر حرکت رو به جلو تمایل دارد. تحقیقات نشان داده است که ارتقای نقاط قوت افراد می‌تواند نتایج بیشتری را نسبت به صرف زمان برای اصلاح نقاط ضعف آنان ایجاد کند (استاورس و سینت، ۲۰۱۰). از سوی دیگر انسان به‌طور ذاتی به تمرکز بر نقاط منفی تمایل دارد (رضایی، خاوریان و غفورزاده، ۱۳۹۵)؛ ازاین‌رو SOAR با نگاه مثبت‌اندیش بر نقاط مثبت تمرکز می‌کند. تفاوت مهم دیگر این است که SWOT بر تجزیه و تحلیل محیطی متمرکز است و بخشی از مرحله برنامه‌ریزی راهبردی در کنار هدف‌گذاری و

انتخاب راهبرد است؛ درحالی‌که SOAR علاوه بر تحلیل محیطی و برنامه‌ریزی راهبردی، مرحله اجرا و نتایج را نیز در بر می‌گیرد. درمجموع می‌توان گفت که ایده شکل‌گیری SOAR از ترکیب مدل SWOT با نظریه ذی نفعان و دیدگاه مثبت‌اندیشی است (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۵).

در حوزه پیشرفت و توسعه روستایی پژوهش‌های زیادی عمدتاً در رشته جغرافیا و اقتصاد روستایی با روش‌های متنوع صورت گرفته است که به آسیب‌شناسی و ارائه راهکارهایی برای توسعه روستایی پرداخته‌اند. بخشی از این پژوهش‌ها به صورت سیاست پژوهی انجام شده‌اند و نتایج سیاست‌گذاری توسعه روستایی در کل یک کشور یا منطقه خاص براساس پایگاه‌های داده و اسناد و گزارش‌های موجود بررسی شده است؛ مانند کاکا دزفولی (۱۳۹۴) در پژوهش «تحلیل و سنجش میزان توسعه مناطق روستایی (مطالعه موردی: دهستان‌های شهرستان دزفول)» یا پژوهش زاهدی، غفاری و ابراهیمی لویه (۱۳۹۱) با عنوان «کاستی‌های نظری برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران». نمونه این پژوهش‌ها در سایر کشورها نیز انجام شده‌اند؛ مانند پژوهش ساندو^۱ (۲۰۱۴) درباره توسعه روستایی در اتحادیه اروپا، پژوهش لانگ، تیو، جی، لی و لیو^۲ (۲۰۱۶) درباره مشکلات و چشم‌انداز تخصیص و مدیریت منابع حیاتی در بازسازی روستایی چین، پژوهش هیس^۳ و همکاران (۲۰۱۹) در توسعه روستایی ایالت ریودوژانیرو برزیل، پژوهش مازین و میچاود^۴ (۲۰۱۶) در ویتنام، پژوهش اتیمن^۵ (۲۰۱۳) در رومانی یا پژوهش رولندز^۶ (۱۹۹۶) در کانادا. پژوهش‌هایی هم به صورت تطبیقی به توسعه روستایی پرداخته‌اند؛ مانند کاظمی، ثانی و عطاله (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «نظام برنامه‌ریزی توسعه روستایی در کشور ترکیه» به مقایسه ترکیه و ایران پرداخته‌اند.

1. Sandu

2. Long, Tu, Ge, Li & Liu

3. Hissa

4. Marzin & Michaud

5. Otiman

6. Rowlands

بخش دیگری از پژوهش‌های توسعه روستایی به تدوین راهبردها و راهکارهای توسعه در مناطق روستایی به صورت کلی یا به صورت بخشی مانند توسعه گردشگری روستایی می‌پردازد. در این پژوهش‌ها از مدل‌های مختلفی مانند SWOT، MS-SWOT، QSPM، SOAR، برنامه‌ریزی سناریو و روش‌های ترکیبی با تکنیک‌های تصمیم‌گیری مانند AHP یا منطق فازی استفاده شده است که پرکاربردترین مدل SWOT بوده است (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۵). مدل SWOT در پژوهش‌هایی مانند «تدوین استراتژی جهت تمرکز بر صنایع روستایی (اقتصاد غیرزراعتی) برای رسیدن به توسعه پایدار به روش تحلیل SWOT» توسط درویشی و مربی (۱۳۹۸) یا سواری، اسدی و حسین پور (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «تدوین راهبردهای توسعه اشتغال پایدار در مناطق روستایی شهرستان دلفان» یا MS-SWOT در مقاله «کاربرد مدل MS-SWOT در تحلیل مدیریت گردشگری مطالعه‌ی موردی: کلانشهر مشهد» متعلق به مافی و سقایی (۱۳۸۸) یا برنامه‌ریزی سناریو مانند بهشتی و زالی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «شناسایی عوامل کلیدی توسعه منطقه‌ای با رویکرد برنامه‌ریزی بر پایه‌ی سناریو: مطالعه موردی آذربایجان شرقی» یا پژوهش زالی و زمانی‌پور (۱۳۹۴) در پژوهش «تحلیل سیستمی متغیرهای راهبردی توسعه منطقه‌ای در برنامه‌ریزی سناریو مبنا (مورد مطالعه: استان مازندران)» به کار گرفته شده‌اند. مدل SOAR که مدل نسبتاً جدیدتری است، در پژوهش‌هایی مانند رضوانی و همکاران (۱۳۹۵) و قریشی و کرامتی (۱۳۹۵) استفاده شده که در این پژوهش نیز از آن استفاده شده است.

سؤال اصلی پژوهش عبارت است از:

- مناسب‌ترین راهبردهای توسعه مناطق روستایی شهرستان چگنی کدام‌اند؟

سؤالات فرعی پژوهش عبارت‌اند از:

- مهم‌ترین نقاط قوت مناطق روستایی شهرستان چگنی برای توسعه روستایی کدام‌اند؟
- مهم‌ترین فرصت‌های مناطق روستایی شهرستان چگنی برای توسعه روستایی کدام‌اند؟
- چشم انداز (آرمان)‌های مطلوب مناطق روستایی شهرستان چگنی برای توسعه

روستایی کدام‌اند؟

۳. روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از نظر ماهیت کاربردی با هدف اکتشافی است که از راهبرد پژوهشی پیمایشی بهره می‌برد. روش جمع‌آوری داده‌های آن به شیوه مصاحبه و روش نمونه‌گیری به صورت نمونه‌گیری هدفمند است.

جدول ۲- ویژگی‌های پژوهش

انتخاب در این پژوهش	ابعاد پژوهش
اکتشافی	هدف پژوهش
کاربردی	ماهیت پژوهش
پیمایشی	راهبرد پژوهش
کیفی و کمی	پژوهش از نظر نوع داده
نمونه‌گیری هدفمند	روش نمونه‌گیری
مصاحبه و پرسشنامه	روش و ابزار گردآوری

۳.۱. منطقه مورد مطالعه (شهرستان چگنی)

شهرستان چگنی از شهرستان‌های جدید استان لرستان در غرب ایران با یک هزار و ۵۰۰ کیلومتر مربع وسعت است که در امتداد رشته‌کوه سفیدکوه، به طول ۹۰ کیلومتر مابین شهرستان خرم‌آباد، کوهدشت و پلدختر واقع شده است. مرکز این شهرستان، شهر سراب دوره است. براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، این شهرستان دارای ۲ شهر (دوره و ویسیان) و ۳ بخش (مرکزی، چمپلک و ویسیان) و ۱۳۳ روستاست که جمعیت شهرستان ۴۱ هزار و ۷۵۶ نفر و جمعیت روستایی شهرستان ۳۷،۸۰۰ نفر است. این شهرستان در اواخر سال ۱۳۸۶ با جداشدن دو بخش چگنی و ویسیان از شهرستان خرم‌آباد، تأسیس شد. مردم این شهرستان از قوم لر هستند و زبان اکثریت این شهرستان لری و لکی است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).

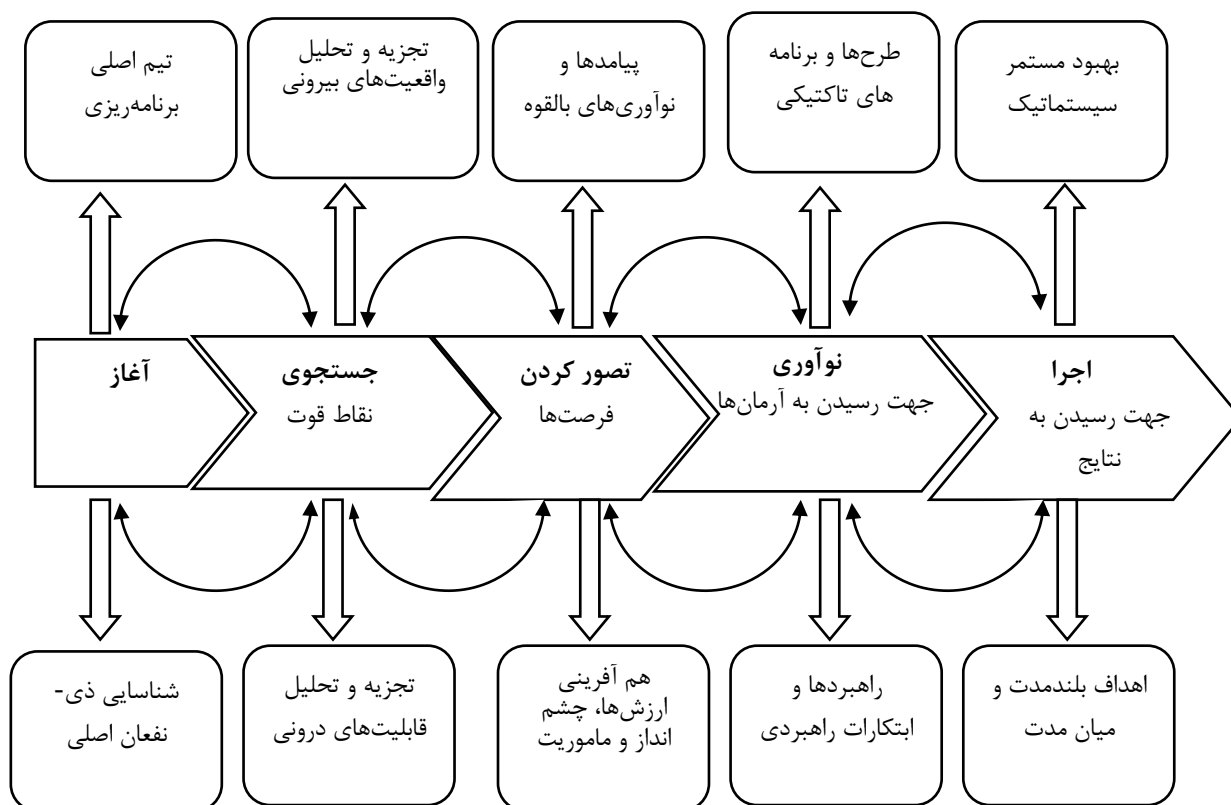
جدول ۳- بخش‌های شهرستان چگنی و دهستان‌های هر بخش به تفکیک

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵

شهرستان	بخش	دهستان
شهرستان چگنی	بخش مرکزی (دوره چگنی)	دوره
		تشکن
	بخش ویسیان	ویسیان
		شورآباد
	بخش شاهینوند	کشکان شمالی
		کشکان جنوبی

۴. یافته‌های تحقیق

هدف در توسعه، رسیدن به نتایجی است که بهترین تعادل منافع و هزینه‌ها را برای تمام گروه‌های ذی‌نفع فراهم کند، اما هدف یادشده محقق نمی‌شود مگر با شناسایی و درگیرکردن همه ذی‌نفعان کلیدی که در یک سیستم در ارتباط با هم هستند؛ ازاین‌رو در این پژوهش از چارچوب SOAR استفاده شده است. شکل ۳ مراحل چارچوب راهبردی SOAR را که پنج مرحله است، نمایش می‌دهد.



شکل ۳- چارچوب راهبردی SOAR

مأخذ: استاورس و سینت، ۲۰۱۰؛ استاورس و مالون^۱، ۲۰۱۵

برای پیاده‌سازی چارچوب راهبردی SOAR مراحل به صورت گام‌های زیر تطبیق و استفاده شد که متناسب با هر مرحله یافته‌های تحقیق ارائه می‌شود

گام اول- شناسایی ذی‌نفعان (آغاز)

از آنجاکه تدوین راهبردهای توسعه باید به صورت مشارکتی و با کمک ذی‌نفعان (افراد تأثیرگذار و تأثیرپذیر در تصمیم‌گیری‌های توسعه روستایی) انجام شود، گام اول در این پژوهش شناسایی ذی‌نفعان به عنوان اقدامی کلیدی است. ذی‌نفعان شامل متخصصان، خبرگان

1. Stavros & Malone

محلی و مسئولان ذی ربط جامعه نظری این پژوهش را تشکیل می دهند. چهار معیار برای انتخاب شرکت کنندگان در پژوهش تعیین شد که عبارت اند از:

کلیدی بودن: آیا این افراد جزء کسانی هستند که در فرایند تصمیم گیری توسعه روستایی، نقش کلیدی بر عهده دارند؟

فهم نظری موضوع: آیا افراد (ذی نفعان) فهم درستی از توسعه روستایی دارند؟ بدین معنی که بدانیم افراد شناسایی شده برای مشارکت در پژوهش، دانش و درک لازم را در زمینه مربوطه دارند. در این پژوهش، افرادی برای مصاحبه انتخاب شدند که یا دارای دانش در زمینه توسعه روستایی هستند یا با این موضوع ارتباط مستقیم و تجربه دارند.

تنوع: ذی نفعان منتخب در زمینه های متنوع در حال فعالیت باشند؛ از این رو سعی شد افرادی به عنوان ذی نفع شناسایی و انتخاب شوند که از لحاظ دانش، تجربه، فعالیت و مسئولیت در حوزه توسعه روستا تاحدودی متنوع باشند و همچنین از لحاظ محل زندگی در شهرستان تا حد امکان پراکنده باشند.

علاقه: افراد منتخب انگیزه یا علاقه مناسبی برای مشارکت در پژوهش داشته باشند. یکی از راه های شناسایی ذی نفعان، شناخته شدن توسط دیگران است؛ بنابراین یک گروه تسهیلگر برای شناسایی ذی نفعان کلیدی و همچنین ذی نفعان کلیدی منتخب (تیم اصلی برنامه ریزی) تشکیل شد. این گام به صورت مراحل زیر انجام شد:

۱- شناسایی تسهیلگران توسط محقق به وسیله پرس و جو و تحقیق میدانی. این تسهیلگران دارای شناخت و ارتباط مناسبی با ذی نفعان کلیدی بودند؛

۲- شناسایی ذی نفعان کلیدی توسط تسهیلگران با معیار کلیدی بودن، فهم نظری موضوع پژوهش، تنوع و علاقه که توضیح داده شد؛

۳- شناسایی ذی نفعان کلیدی منتخب توسط تسهیلگران با کمک ماتریس علاقه-قدرت.

جامعه نظری تحقیق

برای مدیریت ذی نفعان ابزارها، روش ها و تکنیک های زیادی وجود دارد؛ مانند ارزیابی ریسک ذی نفعان، ماتریس قدرت-علاقه، شبکه نفوذ-بهره، ماتریس ضربه-احتمال، شاخص

تأثیر ذی‌نفعان، شاخص سود واگذار شده، مقدار ویژگی ذی‌نفعان، ارزش موقعیت ذی‌نفعان، حلقه ذی‌نفعان، ماتریس رابطه، ماتریس مسئولیت اخلاقی ذی‌نفعان، ماتریس تعهد ذی‌نفعان، تکنیک‌های بررسی سهام‌داران و... (سیرینگ و سوانسون^۱، ۲۰۱۲). یکی از شناخته‌شده‌ترین این ابزارها، ماتریس علاقه-قدرت است که برای شناسایی ذی‌نفعان کلیدی منتخب در این پژوهش استفاده شد. ماتریس علاقه-قدرت ابزاری است که به وسیله آن ذی‌نفعان بررسی می‌شوند و با توجه به ابعاد ماتریس یعنی علاقه و قدرت، جایگاه ذی‌نفعان در ماتریس به عنوان ذی‌نفعان کلیدی انتخاب می‌شود (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۵). مندلو در اصل این روش را ابداع کرد، اما جانسون و شولز ساده‌سازی کردند و تطبیق دادند و با جایگزین کردن اندازه‌گیری علاقه به جای محور داینامیک، به شکل فعلی ماتریس علاقه - قدرت درآمد (اولاندر و لندین^۲، ۲۰۰۵).

با توجه به ویژگی‌های جامعه نظری و تعریف ذی‌نفع، تعداد ۱۱۰ ذی‌نفع کلیدی شامل دهیاران و شوراهای روستایی و محلی، خبرگان محلی، مسئولان شهرستانی و استانی و افراد مطلع در روستاهای چگنی از طریق گروه تسهیل‌کننده شناسایی شدند (جدول ۴).

جدول ۴- تعداد ذی‌نفعان براساس مسئولیت

۲۳	دهیاران
۲۲	اعضای شوراهای شهری و روستایی
۴۴	خبرگان محلی و افراد مطلع
۲۱	مسئولین شهرستانی و استانی
۱۱۰	جمع

1. Siering & Svensson

2. Olander & Landin

پس از شناسایی ذی‌نفعان کلیدی، گروه تسهیلگر تعدادی از این افراد را به‌وسیله ماتریس علاقه-قدرت به‌عنوان ذی‌نفعان کلیدی برای تشکیل تیم اصلی برنامه‌ریزی انتخاب کردند. برای این کار، دو سؤال با پاسخ‌ها زیاد و کم طراحی شد:

۱- میزان علاقه‌مندی ذی‌نفع مدنظر به همکاری با محققان در ادامه‌ی پژوهش چه مقدار است؟

۲- میزان قدرت ذی‌نفع مدنظر برای تأثیرگذاری بر توسعه روستایی شهرستان چگنی چه مقدار است؟

سؤال اول، توسط خود ذی‌نفعان کلیدی به‌واسطه تسهیل‌گر و سؤال دوم توسط تسهیل‌گران مرتبط با ذی‌نفع پاسخ داده شد. پس از پاسخ‌گویی به پرسشنامه، جایگاه هرکدام از ذی‌نفعان در ماتریس علاقه-قدرت مشخص شد. برای تشکیل گروه ذی‌نفع کلیدی منتخب، افرادی انتخاب شدند که هم علاقه‌مندی و هم قدرت تأثیرگذاری آن‌ها زیاد بود. در مراحل بعدی پژوهش از این گروه منتخب به‌عنوان تیم اصلی برنامه‌ریزی در جلسات و نشست‌ها استفاده شد و تسهیلگران نیز نقش هماهنگ‌کننده و ارتباط‌دهنده بین پژوهشگر و ذی‌نفعان کلیدی منتخب را داشتند.

جدول ۵- تعداد تسهیل‌گران و ذی‌نفعان به تفکیک هر بخش

علاقه	قدرت		میانگین
	«الف» ۲۴ نفر	«ب» ۲۷ نفر	
	«ج» ۲۷ نفر	«د» ۳۲ نفر	
	کم	زیاد	

جدول ۶- وضعیت ذی‌نفعان بر اساس ماتریس قدرت - علاقه

نام بخش‌ها	تعداد تسهیل‌گران	ذی‌نفعان کلیدی	ذی‌نفعان کلیدی منتخب
دوره چگنی	۴	۴۸	۱۴
ویسیان	۲	۲۸	۸
چمپلک	۲	۳۴	۱۰
جمع	۸	۱۱۰	۳۲

گام دوم: شناسایی نقاط قوت و فرصت‌ها

در این گام ابتدا با مصاحبه جداگانه با هریک از ذی‌نفعان کلیدی منتخب، موارد نقاط قوت و فرصت‌ها در حوزه‌های صنعت و معدن، کشاورزی، گردشگری، منابع طبیعی و انسانی، اجتماعی و فرهنگی، بهداشت و درمان، آموزش، فناوری اطلاعات و ارتباطات، حمل‌ونقل و زیرساخت‌های روستایی پیش روی شهرستان چگنی شناسایی شدند. آن‌ها با توجه به دانش و تجربه خود، قوت‌ها و فرصت‌ها را با تأکید به رویکرد مثبت اندیش (AI) بیان کردند. این رویکرد به‌جای تمرکز بر مشکلات، ضعف‌ها و تهدیدات، به شناسایی و تأکید بر نقاط قوت و فرصت‌های پیش‌رو می‌پردازد (خاشعی و اصلانی افراشته، ۱۳۹۴). پس از جمع‌آوری، تجمیع، تعدیل و حذف تکرار و موارد موازی، فهرستی از نقاط قوت و فرصت توسط پژوهشگران شناسایی شد. سپس با همکاری تسهیلگران از همه ذی‌نفعان کلیدی منتخب برای جلسه دعوت شد که جلسه با حضور ۱۸ نفر از آن‌ها تشکیل شد. در این جلسه از آن‌ها خواسته شد که فهرست جمع‌بندی قوت‌ها و فرصت‌ها را بررسی کنند و در صورت نیاز، آن‌ها را تغییر، کاهش یا افزایش دهند. در این جلسه پژوهشگر به‌عنوان برگزارکننده و دبیر حضور داشت. حاصل این جلسه ارائه ۳۶ نقطه قوت و ۳۲ فرصت بود. سپس در ادامه جلسه، قوت‌ها و فرصت‌ها به پرسشنامه تبدیل شد و از ذی‌نفعان کلیدی منتخب خواسته شد تا با اجماع نظر برای هر نقطه قوت و فرصت، ضریب و امتیاز براساس منطق ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (IFE) و ماتریس ارزیابی خارجی (EFE) تعیین کنند که درنهایت مهم‌ترین نقاط قوت و فرصت شناسایی شدند. برای تعیین ضریب از ذی‌نفعان کلیدی درخواست شد که تأثیر هرکدام از عوامل راهبردی قوت و فرصت را در توسعه روستایی براساس درصد ذکر کنند؛ به‌نحوی که

جمع درصد تأثیر قوت‌ها صد درصد و جمع درصد فرصت‌ها هم صد درصد شود. هرچه ضریب قوت یا فرصتی بیشتر باشد، به معنای تأثیر بیشتر آن عامل در موفقیت شهرستان در رسیدن به اهداف توسعه خود است. برای تعیین امتیاز هریک از قوت‌ها و فرصت‌ها از حاضران درخواست شد که به هریک از این عوامل نمره‌ای بین ۱ تا ۵ اختصاص دهند؛ به این صورت که در قوت‌ها، بیشترین قوت نمره ۵ و کمترین قوت نمره ۱ می‌گیرد و در فرصت‌ها با توجه به وضعیت منطقه، فرصت‌هایی که بیشترین احتمال بهره‌برداری دارند، نمره ۵ و مواردی که کمترین احتمال بهره‌برداری دارند، نمره ۱ می‌گیرند. درنهایت از ضرب ضریب در امتیاز، نمره هر عامل راهبردی تعیین می‌شود. تعداد ۱۵ نقطه قوت و ۱۵ فرصت که بیشترین نمره را داشتند، به‌عنوان مهم‌ترین عوامل شناخته شدند.

جدول ۷- فهرست قوت‌های مناطق روستایی شهرستان چگنی

ردیف	قوت‌ها	ضریب (درصد)	امتیاز (۵-۱)	نمره
۱	وجود منابع آب زیرزمینی و سطحی به اندازه کافی	۳/۸۲	۵	۰/۱۹۱۰
۲	ظرفیت زیاد شهرستان در پرورش دام (دامداری، محیط مناسب و تجربه مردمی)	۳/۵۷	۵	۰/۱۷۸۵
۳	شرایط آب و هوایی معتدل و مناسب برای زندگی در روستاها	۳/۳۵	۵	۰/۱۶۷۵
۴	برخوردار از اراضی به اندازه کافی برای انجام طرح‌ها و پروژه‌ها	۳/۱۸	۵	۰/۱۵۹
۵	خانه‌های مسکونی جدید روستاییان مطابق با استانداردها و ضوابط مهندسی و به اندازه کافی	۲/۷۹	۵	۰/۱۳۹۵
۶	تولیدات دامی (شیر، گوشت و پشم) در دامداری‌های روستا	۳/۴۴	۴	۰/۱۳۷۶
۷	خاک و زمین مناسب و حاصلخیز و شرایط اقلیمی مساعد برای انواع فعالیت‌های کشاورزی	۳/۴۴	۴	۰/۱۳۷۶
۸	وجود بناهای تاریخی، زیارتی و جاذبه‌های طبیعی در برخی روستاهای شهرستان برای گردشگری	۳/۳۵	۴	۰/۱۳۴۰
۹	بهره‌مندی روستاها از خدمات اینترنتی	۳/۲۷	۴	۰/۱۳۰۸
۱۰	وجود امنیت زیاد در روستاها	۳/۲۲	۴	۰/۱۲۸۸
۱۱	وضعیت مناسب مسیرهای ارتباطی روستاها به معبر شهری و معبرهای بین روستایی	۳/۲۲	۴	۰/۱۲۸۸

ردیف	قوت‌ها	ضریب (درصد)	امتیاز (۵-۱)	نمره
۱۲	میزان نسبتاً زیاد تولیدات کشاورزی در سطح روستا	۳/۰۹	۴	۰/۱۲۳۶
۱۳	برخورداری از نیروی کار ارزان و ماهر در مناطق روستایی شهرستان جهت فعالیت‌ها اقتصادی	۳/۰۹	۴	۰/۱۲۳۶
۱۴	خانواده‌گرایی و پیوند عاطفی محکم درون خانواده‌ها	۳/۰۱	۴	۰/۱۲۰۴
۱۵	وجود سابقه برنامه‌ریزی روستایی در سطح ملی در سلسله‌مراتب برنامه‌ریزی کشور و همچنین وجود مستندات قانونی در مورد افزایش اختیارات مقامات محلی و منطقه‌ای برای تصمیم‌گیری در امور برنامه‌ریزی کشور	۳/۰۱	۴	۰/۱۲۰۴
۱۶	اجرای طرح هادی در اکثر روستاهای شهرستان	۲/۹۷	۴	۰/۱۱۸۸
۱۷	دارابودن تجربه و دانش بومی در بخش کشاورزی و دامداری	۲/۸۸	۴	۰/۱۱۵۲
۱۸	وجود مراکز بهداشتی در اکثر روستاها و همچنین آموزش پزشکی برای واکسیناسیون در جهت پیشگیری از بیماری‌های واگیردار	۲/۸۸	۴	۰/۱۱۵۲
۱۹	وجود وسایل ایاب و ذهاب به مراکز استان و شهرستان (تاکسی، مینی بوس و...)	۲/۸۴	۴	۰/۱۱۳۶
۲۰	نگرش مثبت مسئولان و مدیران دولتی به توسعه روستایی	۲/۷۹	۴	۰/۱۱۱۶
۲۱	دارابودن خدمات اساسی (تلفن، اینترنت، برق، گاز و آب لوله کشی) در روستاهای شهرستان	۳/۵۲	۳	۰/۱۰۵۶
۲۲	وجود مراکز آموزشی ابتدایی، متوسطه و دبیرستان دخترانه و پسرانه در مراکز دهستان‌های بخش	۲/۴۵	۴	۰/۰۹۸
۲۳	علاقه و رضایت‌مندی مردم روستا از روستائیشینی و محیط روستا	۲/۴۵	۴	۰/۰۹۸
۲۴	توانایی جذب بودجه و تسهیلات از بانک‌ها برای انجام طرح‌ها و پروژه‌ها	۲/۸۸	۳	۰/۰۸۶۴
۲۵	بهره‌مندی همه مردم روستاها از بیمه خدمات درمانی روستاییان	۲/۶۶	۳	۰/۰۷۹۸
۲۶	وجود ادوات جدید و کارآمد کشاورزی	۲/۵۸	۳	۰/۰۷۷۴
۲۷	وجود ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه در زمینه تولید، فرآوری و عرضه گوشت مرغ	۱/۹۳	۴	۰/۰۷۷۲

ردیف	قوت‌ها	ضریب (درصد)	امتیاز (۵-۱)	نمره
۲۸	وجود تعدادی معدن سنگ مرمریت و همچنین ظرفیت‌های بدون استفاده ذخایر سنگ	۱/۸۰	۴	۰/۰۷۲۰
۲۹	پتانسیل زیاد تولید انواع محصولات کشاورزی (انار، برنج و ماش، صیفی‌جات و...)	۲/۳۶	۳	۰/۰۷۰۸
۳۰	پایبندی به آداب، رسوم و سنت‌ها و برخورداری از همگنی‌های قومی، زبانی و مذهبی	۲/۲۳	۳	۰/۰۶۶۹
۳۱	وجود نهادهای محلی (تعاونی‌ها، صندوق‌های خرد روستایی و...) و شکل‌گیری شوراهای اسلامی روستا، بخش و دهیاران	۲/۱۵	۳	۰/۰۶۴۵
۳۲	وجود کوهستان‌ها در روستاهای شهرستان جهت انجام ورزش‌ها و تفریحات کوهستانی (مانند راه پیمایی و کوهنوردی)	۲/۰۲	۳	۰/۰۶۰۶
۳۳	استفاده روستاییان از روش‌های جدید آبیاری و کشاورزی که باعث تسهیل کار مردم روستا شده است	۲/۷۹	۲	۰/۰۵۵۸
۳۴	وجود تعدادی پرورش ماهی در روستاهای شهرستان	۱/۸۵	۳	۰/۰۵۵۵
۳۵	وجود گیاهان دارویی خودرو در زمین‌ها و کوهستان‌های اطراف روستاها	۱/۳۸	۴	۰/۰۵۵۲
۳۶	برخورداری از روحیه همیاری و مشارکت در مردم روستا	۱/۷۲	۳	۰/۰۵۱۶
جمع		۱۰۰/۰۰		۳/۷

جمع نمرات قوت‌ها ۳/۷ شده است که نشان می‌دهد نقاط قوت منطقه بالاتر از متوسط است، اما خیلی بیشتر از ۳ که میانه امتیازات است، قرار ندارد.

جدول ۸- فهرست فرصت‌های مناطق روستایی شهرستان چگنی

ردیف	فرصت‌ها	ضریب (درصد)	امتیاز (۵-۱)	نمره
۱	وجود مراعات کافی برای پرورش و توسعه دام و طیور و زنبور عسل	۳/۴۸	۵	۰/۱۷۴
۲	بازار مناسب خرید و فروش محصولات و تولیدات روستایی	۳/۳۸	۵	۰/۱۶۹۰
۳	شرایط مناسب محیطی برای توسعه کشت محصولات کشاورزی و توسعه دامداری‌ها	۳/۷۷	۴	۰/۱۵۰۷
۴	افزایش مشارکت روستاییان در توسعه روستایی	۳/۷۲	۴	۰/۱۴۸۷

ردیف	فرصت‌ها	ضریب (درصد)	امتیاز (۵-۱)	نمره
۵	افزایش حمایت دولت در دادن تسهیلات کم‌بهره کشاورزی، دامداری و دیگر فعالیت‌های اقتصادی در روستاها	۳/۶۲	۴	۰/۱۴۴۹
۶	افزایش علاقه‌مندی جامعه برای مسافرت و تفریح در روستاها	۳/۵۷	۴	۰/۱۴۲۹
۷	امکانات محیطی کافی برای احداث و توسعه طرح‌های اشتغال زایی	۳/۴۸	۴	۰/۱۳۹۱
۸	افزایش نرخ باسوادی در روستاها و افزایش تعداد نیروهای جوان باسواد تحصیل کرده برای ارتقای مهارت‌ها و کارآفرینی در روستاها	۳/۴۳	۴	۰/۱۳۷۱
۹	توسعه روزافزون فناوری اطلاعات و ارتباطات و نفوذ آن در اقصی نقاط روستاها	۳/۳۸	۴	۰/۱۳۵۲
۱۰	وجود منابع و ذخایر سنگ مرمریت برای احداث و توسعه معادن سنگ	۳/۲۸	۴	۰/۱۳۱۳
۱۱	امکان افزایش ارزش محصولات کشاورزی و دامپروری از طریق بهبود کیفیت و فراوری مناسب	۳/۲۸	۴	۰/۱۳۱۳
۱۲	وجود زمینه‌های لازم برای حضور کارآفرینان و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در طرح‌های اشتغال‌زا روستایی	۳/۱۹	۴	۰/۱۲۷۵
۱۳	زمینه‌های مساعد دسترسی به روستاهای مجاور و مراکز شهرستان‌ها	۳/۱۴	۴	۰/۱۲۵۵
۱۴	افزایش اهمیت استفاده از گیاهان دارویی در جامعه	۳/۰۴	۴	۰/۱۲۱۷
۱۵	افزایش علاقه‌مندی مهاجران روستایی و ساکنان شهری برای سرمایه‌گذاری در روستاها	۲/۹۹	۴	۰/۱۱۹۷
۱۶	وجود امکانات برای افزایش تعداد مراکز بهداشت و درمان	۲/۹۵	۴	۰/۱۱۷۸
۱۷	بهبود نسبی ساختارها و زیربنای صنعتی	۳/۷۷	۳	۰/۱۱۳۰
۱۸	وجود شرایط و امکانات برای تأسیس دانشگاه در شهرستان	۲/۸۰	۴	۰/۱۱۲۰
۱۹	تأکید مسئولان کشوری، استانی و شهرستانی بر توسعه روستاها	۳/۷۲	۳	۰/۱۱۱۵
۲۰	افزایش حس تعلق به محیط زندگی در ساکنان روستایی	۲/۶۶	۴	۰/۱۰۶۲
۲۱	ظرفیت‌های خالی و مناسب در توسعه مکانیزاسیون کشاورزی	۲/۶۶	۴	۰/۱۰۶۲
۲۲	بهبود وضع زندگی روستاییان	۳/۴۸	۳	۰/۱۰۴۳
۲۳	امکان جذب سرمایه‌های مختلف از سرمایه‌گذاران خصوصی و دولت در راستای توسعه گردشگری	۳/۳۳	۳	۰/۱۰۰۰

ردیف	فرصت‌ها	ضریب (درصد)	امتیاز (۱-۵)	نمره
۲۴	امکان تبدیل دامداری‌های سنتی به نیمه‌صنعتی و صنعتی	۳/۲۸	۳	۰/۰۹۸۵
۲۵	امکان اشتغال و بهره‌گیری مناسب از نیروی کار زنان و سالخوردگان در فعالیت‌های روستایی نظیر کشاورزی و دامداری	۲/۳۲	۴	۰/۰۹۲۷
۲۶	استقرار روستاها در حد فاصل مراکز شهرستان‌های خرم‌آباد، کوهدشت و پلدختر و همچنین در مسیر ترانزیتی عراق	۲/۷۰	۳	۰/۰۸۱۱
۲۷	وجود زمینه‌های مناسب برای خدمات دهی به دیگر شهرستان‌ها	۲/۶۶	۳	۰/۰۷۹۷
۲۸	تمایل به سرمایه‌گذاری مهاجران روستایی خارج از شهرستان در روستاها	۲/۶۶	۳	۰/۰۷۹۷
۲۹	افزایش نهادهای حقیقی و حقوقی غیردولتی کمک‌کننده به توسعه و آبادانی روستا، به ویژه در روستاهای محروم	۱/۹۳	۴	۰/۰۷۷۳
۳۰	افزایش مصرف آب معدنی در کشور	۱/۹۳	۴	۰/۰۷۷۳
۳۱	وجود شرایط برای احداث صنایع تبدیلی و تکمیلی	۳/۷۷	۲	۰/۰۷۵۳
۳۲	امکان ارتقای برخی سکونتگاه‌های روستایی به شهر	۲/۶۶	۲	۰/۰۵۳۱
	جمع	۱۰۰/۰۰		۴/۴۷۹

جمع نمره فرصت‌ها ۴/۴۷۹ به دست آمده است که نشان از وجود فرصت‌های مطلوب و احتمال زیاد بهره‌برداری از این فرصت‌ها دارد که زمینه مناسبی را برای ترسیم آرمان‌های مطلوب برای این منطقه فراهم می‌کند.

گام سوم: بیان آرمان‌ها

در این گام پس از مشخص شدن مهم‌ترین نقاط قوت و فرصت پیشرو در توسعه روستایی شهرستان چگنی، جلسه‌ای با حضور گروه منتخب برگزار شد که اعضای گروه بر اساس نقاط قوت و فرصت شناسایی شده و همچنین با در نظر گرفتن ارزش‌ها و بررسی مأموریت‌ها و چشم‌اندازهای تعیین شده در اسناد^۱ شهرستان، به بحث و گفت‌وگو در مورد آرمان (تصور آینده)‌های شهرستان چگنی پرداختند. در این مرحله از ذی‌نفعان خواسته می‌شود براساس نقاط و قوت فرصت شناسایی شده و همچنین در نظر گرفتن ارزش‌ها و چشم‌اندازها و

۱. به‌عنوان نمونه سند آمایش شهرستان چگنی که معاونت برنامه‌ریزی و اشتغال استانداری لرستان تهیه کرده است.

مأموریت‌های شهرستان، به این سؤال پاسخ دهند که آینده مطلوب و آرمانی شهرستان چگنی چیست؟

شرکت‌کنندگان از قدرت تصور مثبت آینده به عنوان پایه‌ای برای پیش‌بینی آینده مطلوب و آرمان‌ها استفاده کردند. این تصورها و گفت‌وگوهای پشتیبان، درگام بعد الهام‌بخش و عامل محرک راهبردها و ابتکارات راهبردی هستند. فهرست آرمان‌های مورد اجماع درباره شهرستان چگنی به صورت زیر است:

۱- دارای جایگاهی بالا در استفاده حداکثری از مراتع برای پرورش دام و طیور و زنبور عسل؛

۲- شناخته شدن شهرستان چگنی به عنوان یک مکان گردشگری در کشور؛

۳- برتر بودن در زمینه جذب حداکثر سرمایه از سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی؛

۴- دارای جایگاهی بالا در اشتغال جوانان جویای کار شهرستان و به کارگیری آن‌ها در زمینه‌های تخصصی تحصیلی‌شان؛

۵- یکی از قطب‌های تولید محصولات دامی در بین شهرستان‌های استان؛

۶- حداکثر مشارکت مؤثر سرمایه‌گذاران خارجی، دولت و مهاجران روستایی در توسعه و عمران روستا؛

۷- دارای جایگاهی بالا در استفاده از فناوری‌های به‌روز و کارآمد در تمام زمینه‌های توسعه روستایی؛

۸- حداکثر استفاده از صنایع تبدیلی و تکمیلی؛

۹- شناخته شدن به عنوان یکی از قطب‌های تولیدات کشاورزی و باغی؛

۱۰- حداکثر استفاده مؤثر و کارآمد از آب‌های سطحی و زیرزمینی؛

۱۱- شناخته شدن به عنوان یکی از شهرستان‌های استخراج معادن سنگ؛

۱۲- افتخار به داشتن محیط‌زیستی با کمترین آسیب ممکن.

گام چهارم: تدوین راهبردها و ابتکارات راهبردی

در این گام پس از شناسایی نقاط قوت و فرصت و ترسیم آرمان‌ها، جلسه‌ای دیگر با حضور ذی‌نفعان کلیدی منتخب برگزار شد. از آن‌ها خواسته شد با توجه به نقاط قوت و آرمان‌های تعیین شده در جلسات قبل، بر پایه قوت‌ها و فرصت‌ها و برای رسیدن به آرمان‌های ترسیم شده، راهبردها و ابتکارات راهبردی را بیان کنند. شرکت‌کنندگان در پاسخ، موارد زیر را به‌عنوان بهترین راهبردها و ابتکارات راهبردی بیان کردند:

- ۱- شناسایی ذخایر طبیعی شهرستان و افزایش ظرفیت استخراج از معدن‌های شهرستان؛
- ۲- ایجاد و توسعه واحدهای صنایع تبدیلی و تکمیلی مرتبط با بخش‌های کشاورزی و دامداری و آبی‌پروری؛
- ۳- توسعه و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در تمام زمینه‌های توسعه روستایی؛
- ۴- اولویت قرار دادن صنعت گردشگری در سند توسعه شهرستان و بهره‌گیری از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل جاذبه‌های طبیعی، تاریخی و مذهبی شهرستان برای جلب گردشگران؛
- ۵- فراهم آوردن بستر لازم برای جذب سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری در شهرستان؛
- ۶- گسترش و توسعه شبکه فناوری اطلاعات و ارتباطات و افزایش سرعت ارتباطات؛
- ۷- بهره‌برداری و بهره‌وری درست از منابع آب شهرستان و حفاظت از منابع آب سطحی و زیرزمینی؛
- ۸- نوسازی و بهبود همه شبکه‌های ارتباطی جاده‌ای؛
- ۹- بسترسازی برای توسعه فعالیت نهادها و تشکلات در زمینه اجتماعی-فرهنگی شهرستان؛
- ۱۰- پوشش امکانات و خدمات بهداشتی درمانی در همه حوزه‌های شهری و روستایی شهرستان؛
- ۱۱- به حداقل رساندن نرخ بی‌سوادی جمعیت شهرستان و توسعه فضاهای آموزشی و پرورشی در همه مقاطع در تمام حوزه‌های شهری و روستایی شهرستان؛
- ۱۲- ایجاد بخش صادرات و واردات و همچنین ساماندهی به بازار خرید و فروش محصولات؛

- ۱۳- حفاظت از منطقه حفاظت‌شده سپیدکوه و سایر زیستگاه‌های حساس شهرستان؛
- ۱۴- فراهم‌آوردن زمینه‌ها برای ایجاد اشتغال برای همه افراد جامعه به‌خصوص جوان‌های تحصیل‌کرده.
- جزئیات اجرای گام‌های پژوهش در جدول ۹ خلاصه شده است.

جدول ۹- جزئیات اجرایی پژوهش

فعالیت	روش انجام کار	مجری (توسط چه کسی؟)	زمان
شناسایی تسهیل‌گران (۸ نفر)	شناسایی افرادی که ارتباط مناسب و شناخت خوبی از ذی‌نفعان کلیدی دارند که از طریق تحقیقات محلی توسط محقق شناسایی شدند.	محقق	از تاریخ ۱۳۹۸/۰۷/۲۰ تا ۱۳۹۸/۰۷/۲۷
شناسایی ذی‌نفع کلیدی (۱۱۰ نفر)	شناسایی ذی‌نفعان کلیدی با توجه به ۴ معیار کلیدی بودن، فهم نظری موضوع، تنوع و علاقه	تسهیلگران (۸ نفر)	از تاریخ ۱۳۹۸/۰۷/۲۹ تا ۱۳۹۸/۰۸/۰۴ ۱۳۹۸
شناسایی ذی‌نفع کلیدی منتخب (۳۲ نفر)	شناسایی ذی‌نفعان کلیدی به‌وسیله ماتریس علاقه-قدرت که علاقه و قدرت بسیار در زمینه پژوهش دارند	تسهیلگران	از تاریخ ۱۳۹۸/۰۸/۰۸ تا ۱۳۹۸/۰۸/۱۳
شناسایی نقاط قوت و فرصت‌ها	پرسش از همه ذی‌نفعان به‌صورت تکی برای معرفی نقاط قوت و فرصت‌ها	ذی‌نفعان کلیدی منتخب (۳۲ نفر)	از تاریخ ۱۳۹۸/۰۸/۱۵ تا ۱۳۹۸/۰۸/۲۰
جمع‌بندی و پالایش قوت‌ها و فرصت‌های شناسایی‌شده	تهیه فهرست پالایش‌شده از قوت‌ها و فرصت‌ها با تحلیل مضمون نکات بیان‌شده و حذف موارد تکرار و موازی	پژوهشگران	هفته پایانی آبان
شناخت ۳۶ نقطه قوت و ۳۲ فرصت نهایی و اولویت‌بندی آن‌ها که ۱۵ نقطه قوت و ۱۵ فرصت به‌عنوان مهم‌ترین‌ها شناسایی شد.	تهیه فهرست نهایی قوت‌ها و فرصت‌ها با تغییر، اصلاح و کاهش یا افزایش نقاط قوت و فرصت‌هایی که در مرحله قبل جمع‌آوری شده بود، همچنین در ادامه اولویت‌بندی این نقاط قوت و فرصت‌ها	ذی‌نفعان کلیدی منتخب (شرکت‌کنندگان در جلسه ۱۸ نفر)	در تاریخ ۱۳۹۸/۰۹/۰۶ به مدت یک ساعت و نیم

فعالیت	روش انجام کار	مجری (توسط چه کسی؟)	زمان
ترسیم آرمان‌ها (۱۲ مورد)	شناسایی آرمان‌ها با توجه به نقاط قوت و فرصت‌ها و با در نظر گرفتن و بررسی ارزش-ها و مأموریت‌ها و چشم‌اندازهای شهرستان	ذی‌نفعان کلیدی منتخب (شرکت‌کنندگان در جلسه ۲۳ نفر)	۱۳۹۸/۰۹/۲۰ به مدت یک ساعت و نیم
پیشنهاد راهبردها و ابتکار راهبردی (۱۴ مورد)	شناسایی راهبردها و ابتکارات راهبردی با توجه به نقاط قوت و فرصت‌ها و برای رسیدن به آرمان‌ها	ذی‌نفعان کلیدی منتخب (شرکت‌کنندگان در جلسه ۲۰ نفر)	۱۳۹۸/۱۰/۱۱ به مدت یک ساعت ونیم

محتوای حاصل از اجرای چهار مرحله SOAR را به صورت جدول ۱۰ می‌توان خلاصه کرد.

جدول ۱۰- چهار عامل کلیدی SOAR

ماخذ: یافته‌های پژوهش

	Strengths بزرگ‌ترین دارایی‌ها و جنبه‌های مثبت کدام‌اند؟	Opportunities بهترین فرصت‌های ممکن پیش‌رو کدام‌اند؟
بررسی‌های راهبردی	۱. وجود منابع آب زیرزمینی و سطحی به اندازه کافی ۲. ظرفیت زیاد شهرستان (دامداری، محیط مناسب و تجربه مردمی) در پرورش دام ۳. امکانات و شرایط آب‌وهوایی مناسب برای زندگی در روستاها ۴. برخورداری از اراضی به اندازه کافی جهت انجام طرح‌ها و پروژه‌ها ۵. خانه‌های نوساز روستاییان مطابق با استانداردها و ضوابط مهندسی و به اندازه کافی ۶. تولیدات دامی (شیر، گوشت و پشم) در دامداری‌های روستا ۷. خاک و زمین مناسب و حاصلخیز و شرایط اقلیمی مساعد برای انواع فعالیت‌های کشاورزی ۸. وجود بناهای تاریخی، زیارتی و جاذبه‌های طبیعی در	۱. وجود مراتع به اندازه کافی برای پرورش و توسعه دام و طیور و زنبورعسل ۲. بازار مناسب خرید و فروش محصولات و تولیدات روستایی ۳. شرایط مناسب محیطی برای توسعه کشت محصولات کشاورزی و توسعه دامداری‌ها ۴. افزایش مشارکت روستاییان در همه زمینه‌های توسعه روستایی ۵. افزایش حمایت دولت در دادن تسهیلات کم‌بهره کشاورزی، دامداری و دیگر فعالیت‌های اقتصادی در روستاها ۶. افزایش علاقه‌مندی جامعه برای مسافرت و تفریح در روستاها ۷. امکانات محیطی کافی برای احداث و توسعه

	طرح‌های اشتغال‌زایی ۸. نرخ باسوادی بالا در روستاها (حدود ۸۷ درصد باسوادی) و تعداد زیاد نیروهای جوان تحصیل‌کرده برای ارتقای مهارت‌ها و کارآفرینی در روستاها ۹. توسعه روزافزون فناوری اطلاعات و ارتباطات و نفوذ آن در اقصی نقاط روستاها ۱۰. وجود منابع و ذخایر سنگ مرمریت برای احداث و توسعه معادن سنگ ۱۱. امکان افزایش ارزش محصولات کشاورزی و دام‌پروری از طریق بهبود کیفیت و فرآوری مناسب ۱۲. وجود زمینه‌های لازم برای حضور کارآفرینان و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در طرح‌های اشتغال‌زا روستایی ۱۳. زمینه‌های مساعد دسترسی به روستاهای مجاور و مراکز شهرستان‌ها ۱۴. افزایش اهمیت استفاده از گیاهان دارویی در جامعه ۱۵. افزایش علاقه‌مندی مهاجران روستایی و ساکنان شهری برای سرمایه‌گذاری در روستاها	برخی روستاهای شهرستان برای گردشگری ۹. بهره‌مندی روستاها از خدمات اینترنتی و توانایی استفاده از فناوری‌های بروز ۱۰. وجود امنیت زیاد در همه زمینه‌ها ۱۱. وضعیت مناسب مسیرهای ارتباطی روستاها به معبر شهری و معبرهای بین روستایی ۱۲. میزان نسبتاً زیاد تولیدات کشاورزی در سطح روستا ۱۳. برخورداری از نیروی کار ارزان و ماهر در مناطق روستایی شهرستان جهت فعالیت‌ها اقتصادی ۱۴. خانواده‌گرایی و پیوند عاطفی محکم درون خانواده‌ها ۱۵. وجود سابقه برنامه‌ریزی روستایی در سطح ملی در سلسله‌مراتب برنامه‌ریزی کشور و همچنین وجود مستندات قانونی در مورد افزایش اختیارات مقامات محلی و منطقه‌ای برای تصمیم‌گیری در امور برنامه‌ریزی کشور
	Aspirations آینده مطلوب و آرمانی کدام‌اند؟	Results بهترین راهبردها و ابتکارات راهبردی کدام‌اند؟
بهره‌وری	۱. بهره‌وری حداکثری مراتع برای پرورش دام و طیور و زنبور عسل ۲. شناخته‌شدن شهرستان چگنی به‌عنوان یک مقصد گردشگری در کشور ۳. مقصد جذاب سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی ۴. یکی از قطب‌های تولید محصولات دامی در بین شهرستان‌های استان ۵. اشتغال جوانان جویای کار شهرستان و به‌کارگیری آن‌ها	۱. توسعه واحدهای صنایع تبدیلی و تکمیلی مرتبط با بخش‌های کشاورزی و دامداری و آبی-پروری ۲. اولویت‌دهی به صنعت گردشگری در سند توسعه شهرستان و بهره‌گیری از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل جاذبه‌های طبیعی، تاریخی و مذهبی شهرستان برای جلب گردشگران ۳. توسعه ظرفیت بهره‌برداری از معدن‌های شهرستان

در زمینه‌های تخصصی تحصیلی‌شان	۴. توسعه و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در تمام زمینه‌های توسعه روستایی
۶. مشارکت مؤثر سرمایه‌گذاران خارجی، دولت و مهاجران روستایی در توسعه و عمران روستا	۵. فراهم آوردن بستر لازم برای جذب سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری در شهرستان
۷. استفاده از فناوری‌های به‌روز و کارآمد در تمام زمینه‌های توسعه روستایی	۶. گسترش و توسعه شبکه فناوری اطلاعات و ارتباطات و افزایش سرعت ارتباطات
۸. حداکثر استفاده از صنایع تبدیلی و تکمیلی	۷. ارتقای بهره‌وری منابع آب شهرستان و حفاظت از منابع آب سطحی و زیرزمینی
۹. شناخته‌شدن به‌عنوان یکی از قطب‌های تولیدات کشاورزی و باغی	۸. نوسازی و بهبود همه شبکه‌های ارتباطی جاده-ای
۱۰. حداکثر استفاده مؤثر و کارآمد از آب‌های سطحی و زیرزمینی	۹. توسعه فعالیت نهادها و تشکل‌های اجتماعی-فرهنگی در شهرستان
۱۱. شناخته‌شدن به‌عنوان یکی از شهرستان‌های استخراج معادن سنگ	۱۰. پوشش امکانات و خدمات بهداشتی درمانی در کلیه حوزه‌های شهری و روستایی شهرستان
۱۲. داشتن محیط زیستی با کمترین آسیب ممکن	۱۱. به حداقل رساندن نرخ بی‌سوادی جمعیت شهرستان با توسعه فضاهای آموزشی و پرورشی در همه مقاطع در همه حوزه‌های شهری و روستایی شهرستان
	۱۲. ساماندهی بازار خرید و فروش محصولات کشاورزی و دامی و ایجاد بخش صادرات و واردات
	۱۳. حفاظت از منطقه حفاظت‌شده سپیدکوه و سایر زیستگاه‌های حساس شهرستان
	۱۴. زمینه‌سازی ایجاد اشتغال به‌ویژه برای جوان‌های تحصیل کرده

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در برنامه‌ریزی توسعه و پیشرفت روستا، توجه به روستا از ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی باید مدنظر قرار گیرد. برای این منظور باید راهبردها و اقداماتی طراحی شود که مبتنی بر ظرفیت‌ها و توانمندی‌های آن منطقه باشد. در حوزه برنامه‌ریزی منطقه‌ای به‌خاطر نقش‌آفرینی ذی‌نفعان متعدد و لزوم بهره‌گیری از نظرات این ذی‌نفعان و نیز مقابله با تورش

تمایل به نقد و بیان صرف نقاط منفی، لازم بود از تکنیکی استفاده شود که نتایج مناسب‌تری حاصل شود؛ به همین دلیل در این پژوهش سعی شد با رویکرد مثبت اندیش و با استفاده از تکنیک SOAR که تکنیکی نسبتاً جدید است، به شناسایی قوت‌ها و فرصت‌ها و ترسیم آرمان‌ها و نقاط ایده‌آل اقدام شود. سپس براساس نقاط قوت و فرصت و برای تحقق آرمان‌های ترسیم‌شده، راهبردها و ابتکارات راهبردی تدوین شد. نتایج این گام‌ها براساس اجماع نظر حاضران در جلسه حاصل شد. از آنجاکه یافته‌ها و نتایج پژوهش خود از نوع راهبرد پیشنهادی است، به ارائه پیشنهادها نیاز جدید نیست، اما برای تأکید بر یافته‌ها و نتایج پژوهش، پیشنهادهای زیر طرح شدنی است:

- حمایت و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش زراعت، باغداری و دامداری با رویکرد صادرات برای ارتقای کارآفرینی و اشتغال روستایی مانند کارخانه تولید رب، بسته‌بندی محصولات لبنی و محصولات باغی؛
- توسعه گردشگری در مناطق مستعد گردشگری روستایی با توسعه زیرساخت‌های روستایی، معرفی جاذبه‌های گردشگری و تسهیل سرمایه‌گذاری‌ها در ایجاد و ارتقای مراکز اقامتی و بوم‌گردی؛
- جذب سرمایه‌گذاران بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در روستاها از طریق معرفی و تبلیغ ظرفیت‌های موجود، دادن امتیازهای ویژه در مراحل اولیه شروع فعالیت از قبیل تسهیل مجوزهای سرمایه‌گذاری، اعطای تسهیلات همراه با کاهش سود بانکی و تنفس مناسب برای بازپرداخت؛
- توجه به صنایع کاربر در سطح دهستان (با توجه به تعداد زیاد بیکاران در سطح منطقه)؛ از جمله احداث مراکز پرورش دام، فعال‌سازی معادن؛
- حمایت از کارآفرینی روستایی با ارائه تسهیلات بانکی بلاعوض یا با سود بانکی کم حداقل تا مراحل اولیه شروع فعالیت‌های اشتغال‌زا؛
- ارائه یارانه از سوی دولت به روستاییان به‌عنوان تولیدکنندگان اصلی مواد غذایی در کشور در بخش‌های مختلف، به‌ویژه در بخش کشاورزی در جهت کاهش هزینه تولید محصولات تولیدشده؛ مانند اعطای یارانه در خرید کودهای بیولوژیک و ارگانیک؛

- کاهش واسطه‌ها در عرضه محصولات کشاورزی و دامی روستایی با ایجاد زمینه رابطه مستقیم روستاییان با بازار و عرضه مستقیم محصولات در قالب‌هایی مانند اتحادیه گلخانه داران و فعال‌سازی تعاونی‌های روستای؛
- استفاده مؤثر از نیروی فارغ‌التحصیل دانشگاهی به‌عنوان مشاور در بخش‌های مختلف تولیدی برای افزایش بهره‌وری و عملکرد به‌ویژه در بخش زراعت (در مراحل مختلف تولید صیفی‌جات، غلات و باغداری) و دامداری (در مراحل مختلف رشد دام)؛
- توسعه دوره‌های آموزشی-ترویجی برای آگاه‌سازی کشاورزان درباره سلامت افراد و محیط‌زیست (مثلاً آشناکردن کشاورزان با روش‌های کشت ارگانیک که هم سلامت افراد و هم محیط‌زیست را تضمین می‌کند)؛
- توسعه دوره‌های آموزشی صنایع‌دستی برای زنان و دختران روستایی برای توسعه اشتغال در این زمینه؛
- توسعه امکانات زیربنایی، رفاهی، خدماتی، فرهنگی هنری روستاهای شهرستان و همچنین شبکه ارتباطات در نواحی روستایی.

کتابنامه

۱. ازکیا، م. (۱۳۸۴). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی*. تهران: انتشارات اطلاعات.
۲. استانداری لرستان. (۱۳۹۲). *سند آمایش شهرستان چگنی*. دفتر برنامه ریزی و بودجه.
۳. اعرابی، م.، آقازاده، ه.، و نظامی‌وند چگینی، ه. (۱۳۹۳). *دستنامه مدیریت استراتژیک*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴. اعرابی، م.، و دهقان، ن. (۱۳۹۰). *روش‌های تحقیق در مدیریت راهبردی*. فصلنامه راهبرد، ۲۰(۶۰)، ۱۹۳-۲۱۶.
۵. بدری، ع.، و موسوی، ع. (۱۳۸۸). *مدیریت نوین روستایی در جستجوی راهکارهای مناسب برای توسعه دهیاری‌ها*. تهران: اشتیاق نور.
۶. بدری، ع.، و نعمتی، م. (۱۳۸۶). *ارزیابی نقش کارکردی نظام نوین مدیریت روستایی، مقایسه‌ی تطبیقی دهیاری‌های فعال در روستاهای کوچک و بزرگ، مطالعه‌ی موردی: استان گلستان*. پژوهش‌های جغرافیایی، ۵۹، ۱۵۸-۱۶۹.

۷. برایسون، ج. ام. (۱۳۸۱). *برنامه‌ریزی استراتژیک برای سازمان‌های دولتی و غیرانتفاعی* (ع. منوریان، مترجم). تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۸. برقی، ح.، و محمودصالحی، س. (۱۳۹۵). نقش مدیریت نوین روستایی. *راهبرد توسعه*، ۴۵، ۲۰۵-۲۳۹.
۹. پایگاه اینترنتی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی خامنه‌ای. (۱۳۹۸). *سابقه مباحث رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره پیشرفت اسلامی ایرانی*. بازیابی از Khamenei.ir
۱۰. پولادی، م. (۱۳۸۷). *برنامه راهبردی، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی*. تهران: سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها.
۱۱. خاشعی، و.، و اصلانی افراشته، ا. (۱۳۹۴). کاوشی بر مدل تدوین استراتژی بر اساس مدل SOAR. *پژوهش‌های رهبری و مدیریت آموزشی*، ۵، ۱۴۸-۱۲۳.
۱۲. خاکی، غ. (۱۳۷۸). *روش تحقیق با رویکرد پایان نویسی*. تهران: نشر فوژان.
۱۳. درآیک، ت.، و هواتمر، ج. (۱۳۸۳). *مدیریت بحران: اصول و راهنمای عملی برای دولت‌های محلی*. تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهری.
۱۴. درویشی، ز.، و مربی هروی، ه. (۱۳۹۸). تدوین استراتژی جهت تمرکز بر صنایع روستایی (اقتصاد غیرزراعتی) برای رسیدن به توسعه پایدار به روش تحلیل SWOT. *مدیریت محیط زیست و توسعه پایدار*، ۳(۱۰)، ۱۷-۱۳.
۱۵. دیوید، ف. (۱۳۸۶). *مدیریت استراتژیک* (ع. پارسایان و م. اعرابی، مترجمان). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۱۶. راهب، غ. (۱۳۸۶). *درنگی در مفهوم روستا*. *نشریه محیط‌شناسی*، ۳۳(۴۱)، ۱۱۶-۱۰۵.
۱۷. رضایی، م.، خاوریان گرمسیر، ا.، و غفورزاده، م. (۱۳۹۵). توسعه صنعت گردشگری در استان یزد با استفاده از چارچوب استراتژیک SOAR و ماتریس ANSOFF. *فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۶(۲۱)، ۴۵-۵۶.
۱۸. رضوانی، م.، بدری، ع.، ترابی، ذ.، و هاجری، ب. (۱۳۹۵). شناسایی راهکارهای توسعه روستایی با استفاده از چارچوب مشارکتی SOAR (مورد: روستای میغان). *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۵(۱۸)، ۲۷-۴۳.
۱۹. رکن الدین افتخاری، ع.، سجاسی قیداری، ح.، و عینالی، ج. (۱۳۸۶). *نگرش نو به مدیریت روستایی با تأکید بر نهاده‌های تأثیرگذار تهران*. *فصلنامه روستا و توسعه*، ۱۰(۲)، ۳۰-۱.

۲۰. زالی، ن.، و زمانپور، م. (۱۳۹۴). تحلیل سیستمی متغیرهای راهبردی توسعه منطقه‌ای در برنامه‌ریزی سناریومنا (مورد مطالعه: استان مازندران). *آمایش سرزمین*، ۱۷(۱)، ۲۸-۱.
۲۱. سواری، م.، اسدی، ز. و حسن پور، ک. (۱۳۹۹). تدوین راهبردهای توسعه اشتغال پایدار در مناطق روستایی شهرستان دلفان. *راهبردهای کارآفرینی در کشاورزی*، ۷(۱۳)، ۵۳-۴۲.
۲۲. طالب، م.، میرزایی، ح.، و نادری، ع. (۱۳۹۱). ارزیابی نقش مشارکت در طرح‌های توسعه مناطق روستایی (بررسی موردی: طرح‌های تجمیع مناطق روستایی). *فصلنامه توسعه محلی*، ۴(۱)، ۱۸-۱.
۲۳. قریشی، غ.، و کرامتی، م. (۱۳۹۵). کاربرد تکنیک SOAR در تدوین برنامه راهبردی توسعه شهر اشتهاارد. *دومین کنفرانس شهرسازی، مدیریت و توسعه شهری، مؤسسه عالی علوم و فناوری خوارزمی، شیراز*.
۲۴. کاظمی ثانی عطالله، ن. (۱۳۹۴). نظام برنامه‌ریزی توسعه روستایی در کشور ترکیه. *راهبرد توسعه*، ۴۴، ۱۴۳-۱۶۶.
۲۵. مافی، ع.، و سقایی، م. (۱۳۸۸). کاربرد مدل MS-SWOT در تحلیل مدیریت گردشگری (مطالعه موردی: کلان‌شهر مشهد). *فصلنامه جغرافیا و توسعه*، ۷(۱۴)، ۲۷-۵۰.
۲۶. مختاریان پور، م. (۱۳۹۵). مدل فرایندی طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. *مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی*، ۴(۸)، ۹-۳۰.
۲۷. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). *سرشماری عمومی نفوس و مسکن*. بازیابی از www.sci.org.ir در ۱۳۹۷/۹/۲۴
۲۸. مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. (۱۳۹۸). *درباره الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*. بازیابی از <https://www.olgou.ir>
۲۹. مطیعی لنگرودی، ح. (۱۳۸۲). *برنامه‌ریزی روستایی با تأکید بر ایران*. مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۳۰. مهدوی حاجیلویی، م.، و نجفی کانی، ع. (۱۳۸۴). تجربه‌ای دیگر در مدیریت روستاهای ایران (نمونه موردی: دهیاری‌های استان آذربایجان غربی). *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی*، ۳۷(۵۳)، ۳۹-۲۱.
۳۱. مهرمنش، ح.، سعیدی، ن.، لسانی، پ.، و بایرامی لاطران، ا. (۱۳۹۱). تدوین استراتژی و اولویت‌بندی استراتژی‌های شرکت بهنوش ایران با مقایسه رویکردهای فازی و QSPM. *فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات بازاریابی نوین*، ۲(۳)، ۱۳۵-۱۵۳.

۳۲. مینتزرگ، ه.، آلستراند ب.، و لمپل ژ. (۱۳۸۴). *جنگل راهبرد* (م. احمدپور داریانی، مترجم). تهران: انتشارات پردیس.
۳۳. نوری، ح. (۱۳۹۳). *تدوین استراتژی‌های توسعه شهرک گلخانه‌ای خرم‌آباد* (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد رشته کشاورزی). دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.
۳۴. یاری‌حصار، ا.، بوچانی، م.، مهدوی، د.، و پریشان، م. (۱۳۹۲). *تدوین راهبردهای توسعه‌ی مدیریت روستایی ایران با استفاده از رویکرد پژوهش‌های روستایی*، ۴(۴)، ۷۱۴-۹۶۱.
35. Bryson, J. M. (2002). *Strategic planning for government and non-profit organizations*. Translated by Abbas Monavarian. Tehran: Public Management Training Center.
36. Courtney, P., Mayfield, L., Tranter, R., Jones, P., & Errington, A. (2007). Small towns as 'sub-poles' in English rural development: Investigating rural-urban linkages using sub-regional social accounting matrices. *Geoforum*, 38(6), 1219-1232.
37. David, F. R. (2007). *Strategic Management* (A. Parsaiyan., & M. Aarabi, Trans). (11th ed.). Tehran: Cultural Research Office Publications.
38. Drake, T., & Howatmer, G. J. (2004). *Crisis management: Principles and practical guide for local governments*. Tehran: Center for Urban Studies and Planning.
39. Eccles, R. G., & Pyburn, P. J. (1992). Creating a comprehensive system to measure performance. *Strategic Finance*, 74(4), 41.
40. Fahmie, A., & Arifudin, E. (2015) Implementation of positive psychology approach in identification process of action research. *International Academic Research Journal of Social Science*, 1(2), 125-130.
41. Hartman, C. L., Hofman, P. S., & Stafford, E. R. (1999) Partnerships: A path to sustainability. *Business Strategy and the Environment*, 8(5), 255-266.
42. Hissa, H. R., Alves Filho, N. T., Costa, M., Strauch, G., Bassi, L., & de Assis, R. L. (2019). Sustainable rural development in Rio de Janeiro state: the Rio rural program. In *Strategies and tools for a sustainable rural Rio de Janeiro* (pp. 23-39). Cham: Springer.
43. Huang, J. T., Kuo, C. C., & Kao, A. P. (2003). The inequality of regional economic development in China between 1991 and 2001. *Journal of Chinese Economic and Business Studies*, 1(3), 273-285.
44. Hunger, J. D., & Wheelen, T. L. (2003). *Essentials of strategic management* (Vol. 9). New Jersey: Prentice Hall.
45. Jenster, P. V., & Hussey, D. (2001). *Company analysis: Determining strategic capability*. Sussex: John Willey and Sons.

46. Long, H., Tu, S., Ge, D., Li, T., & Liu, Y. (2016). The allocation and management of critical resources in rural China under restructuring: Problems and prospects. *Journal of Rural Studies*, 47, 392-412.
47. Martić, M., & Savić, G. (2001). An application of DEA for comparative analysis and ranking of regions in Serbia with regards to social-economic development. *European Journal of Operational Research*, 132(2), 343-356.
48. Marzin, J., & Michaud, A. (2016). *Evolution of rural development strategies and policies: Lessons from Vietnam*. Montpellier: UMR Art-Dev.
49. Mintzberg, H. (1987). The strategy concept 1: Five p's for strategy. *California Management Review*, 30(1), 11-24.
50. Motie Langroudi, S. H. (2003). *Rural planning with emphasis on Iran*. Mashhad: University Jihad Publications.
51. Olander, S., & Landin, A. (2005). Evaluation of stakeholder influence in the implementation of construction projects. *International Journal of Project Management*, 23(4), 321-328.
52. Otiman, P. I. (2013). Romania's Agri-Food and rural development strategy. *Agricultural Economics and Rural Development*, 10(2), 133-153.
53. Ovebeek, G., & Terlin, I. (2006). *Rura Area under Urban pressure, case studies of rural-urban Relationship across Europe*. Hague: Rurban.
54. Pasakarnis, G., & Maliene, V. (2010). Towards sustainable rural development in Central and Eastern Europe: Applying land consolidation. *Land Use Policy*, 27(2), 545-549.
55. Pérez-Fra, M. M., López-Iglesias, E., García-Arias, A. I., Sineiro, F., & Lorenzana, R. (2012). Representativeness and civic participation in rural development programmes: The case of the PRODER programme in Galicia, Spain. *Outlook on Agriculture*, 41(3), 215-220.
56. Rowlands, D. (1996). Regional development in Canada: Problems and prospects. *The Canadian Journal of Economics/Revue canadienne d'Economique*, 29, 340-343.
57. Sandu, A. M. (2014). Coordinates of the new EU rural development policy. *Calitatea*, 15(S1), 463.
58. Siering, J., & Svensson, A. (2012). *Managing external stakeholder relationships in PPP Projects-A multidimensional approach* (Master's thesis). Gothenburg, Sweden
59. Stavros, J. M., & Hinrichs, G. (2009). *The thin book of SOAR: Building strengths-based strategy*. Bend: Thin Book Publishing.
60. Stavros, J. M., & Malone, P. (2015). SOAR: Building strategic capacity. In Rothwell W., Stavros J., & Sullivan R (Eds.), *Practicing organization development: Leading transformation and change* (pp. 285-302). New York: John Wiley and Sons.
61. Stavros, J. M., & Saint, D. (2010). SOAR: Linking strategy and OD to sustainable performance. *Practicing Organization Development: A Guide for Leading Change*, 3, 377-394.

-
62. Stavros, J., Cooperrider, D., & Kelley, D. L. (2003). Strategic inquiry appreciative intent: inspiration to SOAR, a new framework for strategic planning. *Art Practitioner*, 11, 1-21.
63. Willer, H., & Lernoud, J. (2016). *The world of organic agriculture. Statistics and emerging trends*. Frick and Bonn: Research Institute of Organic Agriculture FiBL and IFOAM Organics International.
64. Zarestky, J., & Cole, C. S. (2017). Strengths, opportunities, aspirations, and results: An emerging approach to organization development. *New Horizons in Adult Education and Human Resource Development*, 29(1), 5-19.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

doi: <https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2022.71862.1059>

مقاله پژوهشی - مطالعه موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال نوزدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۳۷

شناسایی و پهنه‌بندی نقاط داغ آلاینده دی اکسید نیتروژن هوای مشهد

رضا اسماعیلی (دکتری آب و هواشناسی، معاونت محیط‌زیست و خدمات شهری شهرداری مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

r.esmaili.n@gmail.com

محمد پذیرا (کارشناس ارشد بهداشت محیط، معاونت محیط‌زیست و خدمات شهری شهرداری مشهد، ایران)

m_pazira@yahoo.com

صص ۳۸۱ - ۳۵۹

چکیده

دی اکسید نیتروژن (NO_2) یکی از آلاینده‌های معیار هوا محسوب می‌شود که علاوه بر اثرات سوء بهداشتی، پیش‌نیاز تشکیل ترکیبات خطرناک جوی نیز است. در پژوهش حاضر براساس ۸۴ نقشه ماهانه که از حداکثر تعداد ایستگاه‌های کیفیت هوا با طولانی‌ترین دوره آماری ممکن ترسیم شده است، چهار نقشه فصلی پراکنش این آلاینده برای مشهد تهیه شد. سپس با استفاده از شاخص آماری گتیس-ارد-جی (Getis-Ord-Gi) نقاط داغ روی نقشه‌های فصلی شناسایی شد. در ادامه با استفاده از تحلیل خوشه‌ای سلسله‌مراتبی، پهنه‌بندی نواحی همگن NO_2 شهر مشهد به دست آورده شد. طبق نتایج به‌دست آمده، الگوی مکانی تشکیل هسته نقاط داغ در تمامی فصول مشابه با هم است و اکثر مناطق شرق و شمال شرق مشهد کانون غلظت‌های زیاد این آلاینده است. از لحاظ غلظت NO_2 سطح شهر مشهد را می‌توان به سه پهنه یا منطقه همگن تفکیک کرد. منطقه ۱ با غلظت متوسط، ۲۴ درصد از مساحت شهر را در نواحی جنوب و جنوب غربی مشهد در بر گرفته است. منطقه ۲ دارای کمترین غلظت بوده و نیمی از مساحت شهر (۵۰ درصد) که عمدتاً منطبق بر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۲ تاریخ تصویب: ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

نیمه غربی است، در این پهنه قرار دارد و پهنه ۳ یا منطقه دارای غلظت زیاد، مناطقی از شرق و شمال شرق مشهد را در بر می‌گیرد. در واکاوی دلایل غلظت زیاد در پهنه ۳، می‌توان به مواردی همچون تراکم بیشتر جمعیت نسبت به مناطق دیگر، ضعف زیرساخت‌های شبکه حمل و نقل شهری، بافت فرسوده شهری، وسایل نقلیه موتوری غالباً مستهلک و دودزا، مجاورت با واحدهای تولیدی و صنعتی حاشیه شهر اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: دی اکسید نیتروژن، مشهد، نقاط داغ، پهنه‌بندی، شاخص گتیس-ارد-جی.

۱. مقدمه

رشد جمعیت، توسعه کشاورزی، گسترش شهرها، پیشرفت صنعت و افزایش حمل و نقل موتوری در اکثر نقاط جهان به‌ویژه کلان‌شهرهای کشورهای در حال توسعه آلودگی هوا را به معضل بزرگ زیست‌محیطی تبدیل کرده است. ازجمله مهم‌ترین آلاینده‌های هوای شهرها می‌توان به ذرات معلق، مونوکسیدکربن، دی‌اکسید نیتروژن، دی‌اکسیدگوگرد و ازن اشاره کرد. براساس گزارش سازمان بهداشت جهانی (WHO)، آلودگی هوا به‌عنوان یکی از ده عامل مهم افزایش مرگ و میر در دنیا مطرح است؛ به‌طوری‌که میزان مرگ و میر ناشی از آن سالانه حدود هفت میلیون نفر گزارش شده است. امروزه زندگی بیش از یک میلیارد نفر از مردم دنیا به‌دلیل آلودگی هوای شهری در معرض تهدید است (جولایی، پیروی، اسماعیلی، کتابی و متعلمی، ۱۳۹۶، ص. ۳۴؛ خرسندی، امینی، کارگر و موسوی مغانجوقی، ۱۳۹۱، ص. ۷۶۷؛ کیم، کبیر و کبیر، ۲۰۱۵، ص. ۴۴). در سراسر جهان آلودگی هوا عامل ۲۵ درصد از کل مرگ‌ها و بیماری‌های ناشی از سرطان ریه، ۱۷ درصد از کل مرگ‌ها و بیماری‌های ناشی از عفونت حاد تنفسی تحتانی، ۱۶ درصد از کل مرگ‌ها به علت سکتة مغزی، ۱۵ درصد از کل مرگ‌ها و بیماری‌های ناشی از بیماری ایسکمیک قلب، ۸ درصد از کل مرگ‌ها و بیماری‌های ناشی از انسدادی مزمن ریوی برآورد شده است (ناندا، کانت، گاپتا و میترا، ۲۰۱۸، ص. ۳۳۹).

1. Kim, Kabir & Kabir

2. Nanda, Kant, Gupta & Mitra

در میان آلاینده‌های اصلی هوا، اکسیدهای نیتروژن (NO_x) ارتباط نزدیکی با مصرف سوخت‌های فسیلی توسط انسان دارد؛ به‌نحوی که در ۲۰ سال گذشته نرخ انتشار NO_x در مقایسه با سایر آلاینده‌های هوا بیشتر بوده است. در کشور چین هم‌زمان با توسعه اقتصادی و مصرف مداوم از منابع طبیعی مختلف، سطح تولید آلاینده‌های ثانویه ازجمله ذرات معلق (PM_{10})، ازن (O_3) و دی اکسید نیتروژن به‌طور درخور توجهی در مناطق شهری افزایش یافته است. مطالعات نشان داده است که آلاینده NO_x به‌عنوان یکی از آلاینده‌های مهم آلودگی منطقه‌ای جو و کاهش کیفیت محیط‌زیست مطرح است؛ به‌نحوی که نقش مهمی در تشکیل ازن (O_3)، تروپوسفر، نترات پراکسی استیل (PAN) و آئروسول‌ها دارد. NO_x شامل ترکیبات متنوعی ازجمله نیتروز اکساید (N_2O)، نیتریک اکساید (NO ، NO_2)، دی نیتروژن تری اکساید (N_2O_3) و دی نیتروژن تتراکساید (N_2O_4) است که در این میان، NO و NO_2 به‌عنوان مهم‌ترین ترکیبات NO_x در جو مطرح است که از طریق تولید اسید نیتریک و نترات به وسیله اکسیداسیون NO_2 (از طریق فتو اکسیداسیون NO هیدروکربن‌ها (HC) و ازن (O_3))، بر سلامت انسان و محیط‌زیست تأثیر می‌گذارد. NO می‌تواند سبب تحریک سیستم تنفسی شود. همچنین از طریق اتصال به هم^۱ خون، ماده سمی نیتروزه‌موگلوبین تولید کند. NO_2 می‌تواند سیستم تنفسی را به شدت تحریک کند و منجر به نیتراتاسیون هم خون شود و از نظر زیست‌محیطی از NO مضرت‌تر است؛ زیرا موجب باران اسیدی می‌شود (وانگ، وانگ، تان و فانگ^۲، ۲۰۲۰، ص. ۱؛ ژانگ، گنگ و وانگ^۳، ۲۰۱۲، ص. ۲۸۵۸؛ ژانگ، استریس و هی^۴، ۲۰۰۷، ص. ۲؛ وارشنی و سینگ^۵، ۲۰۰۳، ص. ۱۲۸).

بررسی‌های متعدد انجام‌شده روی ساکنان مناطق نزدیک به معابر اصلی در زمینه تأثیر آلاینده‌های متداول هوای شهر ازجمله CO_2 ، CO ، NO_x ، SO_2 ، ذرات معلق و... نشان می‌دهد که قرار گرفتن در معرض طولانی این آلاینده‌ها خطر مرگ و میر و ابتلا به بیمارهای قلبی و

1. heme
2. Wang, Wang, Tan & Fang
3. Zhang, Geng & Wang
4. Zhang, Streets & He
5. Varshney & Singh

ریوی را افزایش می‌دهد. در همین ارتباط نتایج مطالعه‌ای، افزایش غلظت آلاینده‌های NO_2 و NO_x در مناطق نزدیک به جاده‌ها و معابر اصلی شهرها را گزارش داد (کو^۱، ۲۰۲۰، ص. ۳). مطالعات نشان می‌دهد غلظت زیاد NO_2 در مناطق شهری باعث سرطان برونش و سرطان ریه و ایجاد اثرات شدید روی بیماران مبتلا به آسم می‌شود. در ۱۵ کشور اتحادیه اروپا متوسط هزینه‌های پزشکی-اجتماعی ناشی از آلودگی NO_2 در هوا تقریباً ۴/۸۵ میلیارد دلار در هر تن برآورد شده است؛ به همین دلیل و به منظور کاهش هزینه‌های اجتماعی این آلاینده، بسیاری از کشورها از جمله کشورهای اتحادیه اروپا اقدام به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در این زمینه از طریق توافق نامه سیاست یکپارچه زیست‌محیطی در بخش‌های حمل و نقل، صنایع و انرژی در سطوح منطقه‌ای و محلی کرده‌اند. علاوه بر این، از سال ۲۰۱۳ کشور چین از طریق نصب کاتالیست‌های تجهیزات کاهش دهنده (SCR^2) در نیروگاه‌ها به منظور کاهش سطح NO_2 به‌عنوان یکی از برنامه‌های کنترل آلودگی هوا اقدام کرده است (ریا، پارک و جون^۳، ۲۰۱۹، ص. ۲؛ سی‌ای‌سی^۴، ۲۰۱۳، ص. ۲؛ تکنولوژی محیط‌زیست ای‌ای‌آ^۵، ۲۰۰۵، ص. ۱۴).

۲. پیشینه تحقیق

در حال حاضر، پایش و بررسی ویژگی‌های زمانی و مکانی کیفیت هوا از سه طریق امکان‌پذیر است: مطالعات بر مبنای سنجش از راه دور و با استفاده از عمق نوری آتروسول (AOD^6)، مطالعات با استفاده از ایستگاه‌های پایش زمینی و در نهایت مطالعات بر پایه مدل-سازی که تکمیل‌کننده بررسی‌های ماهواره‌ای و زمینی است. مطالعات با استفاده از داده‌های سنجش از دور معمولاً در مناطق با مقیاس بزرگ و به منظور دستیابی به مطالعه جامع از منطقه قابل کاربرد است. به دلیل کنترل شده بودن (به لحاظ زمانی) داده‌های به‌دست‌آمده از پایش‌های

1. Ku
2. Selective Catalytic Reduction
3. Ryu, Park & Jeon
4. CAAC (Clean Air Alliance of China)
5. AEA Technology Environment
6. Aerosol optical depth

زمینی، عموماً از این داده‌ها برای بررسی الگوهای فصلی و روزانه در مناطق با مقیاس متوسط و کوچک مانند منطقه شهری کاربرد دارد (لی، دای، یانگ و ما^۱، ۲۰۱۹، ص. ۳). اخیراً استفاده از فناوری و مدل‌های آماری و تحلیلی جدید سبب گسترش دانش و یافته‌های محققان در زمینه مطالعات آلودگی هوا شده است؛ به‌ویژه به‌کارگیری تکنیک‌های آماری-فضایی به‌منظور شناسایی الگوهای زمانی و مکانی آلاینده‌ها کاربرد گسترده یافته است. در تحلیل فضایی داده‌ها، پراکندگی داده‌های جغرافیایی به لحاظ قوانین، نظام و الگوهای فضایی بررسی می‌شود؛ به عبارت دیگر تحلیل فضایی از مجموعه‌ای از مهارت‌های کارتوگرافی و روش‌های ریاضی و آماری برای پردازش و تحلیل داده‌های فضایی استفاده می‌کند؛ به عبارتی ساده‌تر تحلیل فضایی با استفاده از مهارت‌ها و روش‌های گوناگون تلاش می‌کند الگوهای فضایی پراکندگی‌ها را شرح دهد. مهم‌ترین ویژگی تحلیل فضایی تأکید بر بعد فضایی داده‌هاست (علی‌جانی، ۱۳۹۴، ص. ۲).

در همین ارتباط، توزیع فضایی و محلی داده‌های شاخص کیفیت هوا^۲ (AQI) ثبت‌شده در ۱۶۱ شهر مهم چین با استفاده از شاخص موران بررسی و ارزیابی شد و تأثیرگذارترین پارامترهای شهری مؤثر بر این شاخص تعیین گشت (پو، لو، وانگ، وانگ و کانگ^۳، ۲۰۱۷، ص. ۴۴۵۷). در مطالعه انجام‌شده در شهر مادرید اسپانیا از ابزارهای آماری تجزیه و تحلیل همبستگی، تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PCA^۴) و تجزیه و تحلیل خوشه‌ای (CA^۵) به‌منظور ارزیابی آلاینده‌های هوا (NO₂، NO، PM₁₀ و O₃) در ۲۲ ایستگاه طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷ استفاده شد. نتایج این بررسی نشان داد، همبستگی قوی بین آلاینده‌های هوا با ساختارهای فضایی سطح شهر وجود دارد که در این زمینه با استفاده از تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های اصلی و خوشه‌ای، برنامه‌ها و اقدامات پیشنهادی به‌خصوص در حوزه ترافیک

1. Li, Dai, Yang & Ma
2. Air Quality Index
3. Pu, Luo, Wang, Wang & Kang
4. Principal Component Analysis
5. Cluster Analysis

به منظور بهبود کیفیت هوا تدوین شد (نانز-آلونسو، ویسنت، منزور و کاسرس^۱، ۲۰۱۹، ص. ۳).

در همین ارتباط الگوی پراکنش غلظت آلاینده PM_{2.5} و ارتباط آن با عواملی همچون کاربری‌های جمعیتی، پارامترهای هواشناسی، فاصله از معابر اصلی و آزادراه‌ها و ارتفاع در شهر تهران با استفاده از رگرسیون موزون جغرافیایی (GWR) مطالعه شد. در نهایت نقشه‌هایی از وضعیت PM_{2.5} تهران با هدف شناخت مناطق پرریسک و پیش‌بینی و به کارگیری اقدامات مؤثر برای کاهش آلودگی در آن نقاط تهیه شد (بهاری، عباسپور، و پهلوانی، ۱۳۹۴، ص. ۱۶۵).

توزیع زمانی و مکانی شاخص آلاینده‌های هوای مشهد و عوامل مؤثر بر آن در سال ۱۳۹۱ بررسی شد (تقوی، ۱۳۹۱). نواحی همگن آلودگی هوای مشهد از لحاظ بار ذرات معلق با استفاده از GIS و روش تحلیل خوشه‌ای شناسایی شد که نتایج این تحقیق سه منطقه همگن و مجزا را (منطقه کم غلظت در شمال غرب، منطقه آلوده با غلظت زیاد ذرات معلق در شرق و منطقه جنوب شرق و منطقه حائل با بار آلودگی متوسط) برای مشهد مشخص کرد (اسماعیلی، ۱۳۹۷، ص. ۲۲۷). به رغم تعدد مطالعات در زمینه آلودگی هوای مشهد، بررسی سوابق مطالعاتی در زمینه NO₂ نشان می‌دهد، علاوه بر فقدان مطالعات فضایی روی این آلاینده در شهر مشهد، موارد موجود بیشتر به صورت موردی یا دوره‌های آماری کوتاه مدت صورت گرفته است؛ از این رو در این پژوهش سعی شده است با استفاده از حداکثر تعداد ایستگاه‌های سنجش کیفیت هوا و طولان‌ترین دوره آماری ممکن، ضمن ترسیم نقشه‌های فصلی، برای اولین بار پهنه‌بندی و نواحی همگن NO₂ برای این کلان‌شهر کشور صورت گیرد.

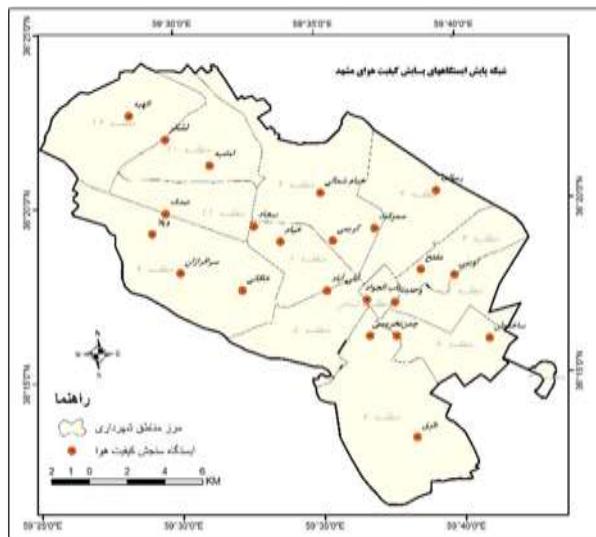
۳. روش‌شناسی تحقیق

مشهد با جمعیت ۳,۰۰۱,۱۸۴ نفر (سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵) دومین کلان‌شهر کشور محسوب می‌شود که از لحاظ موقعیت در ۳۵° ۵۹' طول جغرافیایی و ۳۶° ۱۴' عرض

1. Nunez-Alonso, Vicente, Manzoor & Caceres

جغرافیایی، دارای ۳۲۸ کیلومترمربع مساحت و در ارتفاع ۹۹۰ متری از سطح دریا قرار دارد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۷).

شهر مشهد دارای ۲۳ ایستگاه سنجش کیفیت هواست که ۱۲ ایستگاه (صدف، تقی‌آباد، طرق، ماشین ابزار، ویلا، پارک وحدت، شهرک لشگر، رسالت، شهرک شهید رجایی (ساختمان)، نخریسی، سجاد، خیام) متعلق به اداره کل حفاظت محیط‌زیست خراسان رضوی و ۱۰ ایستگاه (شهید آوینی، خیام شمالی، چمن، مفتح، سمزقند، سرافرازان، خاقانی، امامیه، شهید کریمی، الهیه) متعلق به شهرداری مشهد است و ایستگاه واقع در حرم مطهر امام رضا (ع) نیز متعلق به اداره کل هواشناسی خراسان رضوی است. شبکه موجود زیر نظارت و مدیریت یکپارچه مرکز پایش آلاینده‌های زیست‌محیطی مشهد، پایش، تجمع، پردازش و اطلاع‌رسانی را به صورت متمرکز انجام می‌دهد. در شکل ۱ شبکه ایستگاه‌های پایش کیفیت هوای شهر مشهد نشان داده شده است (مرکز پایش آلاینده‌های زیست محیطی شهر مشهد، ۱۳۹۶، ص. ۴۲).



شکل ۱- شبکه ایستگاه‌های پایش کیفیت هوای شهر مشهد

مأخذ: مرکز پایش آلاینده‌های زیست‌محیطی شهر مشهد، ۱۳۹۶

دی اکسید نیتروژن (NO_2) به عنوان یکی از آلاینده‌های اصلی در ۲۰ ایستگاه سطح شهر سنجش می‌شود. داده‌های غلظت روزانه آلاینده مدنظر برای ایستگاه‌های فعال در دوره آماری هفت‌ساله (از ۱۳۹۳/۱/۱ تا ۱۳۹۹/۱۲/۲۹) از مرکز پایش آلاینده‌های زیست‌محیطی مشهد گردآوری شد. در گام نخست، داده‌های پرت^۱ شناسایی شد و درستی یا نادرستی داده‌ها بررسی و تأیید شد. سپس میانگین غلظت این آلاینده برای هر ماه در هر ایستگاه محاسبه شد. برای ترسیم نقشه‌ها، داده‌ها به محیط سیستم اطلاعات جغرافیایی منتقل شد و با استفاده از تابع درونیابی، مقادیر ماهانه غلظت NO_2 ایستگاه‌ها روی توری با یاخته‌های ۵۰۰ در ۵۰۰ مترگسترانیده و تعمیم داده شد؛ بنابراین سطح شهر مشهد با ۱۲۴۷ یاخته یکسان دارای مقادیر عددی اختصاصی پوشش داده شد که مبنای محاسبات آماری و فضایی بعدی قرار گرفت. در ادامه ۸۴ نقشه ماهانه ترسیم شد که با ترکیب با همدیگر به مقیاس فصلی و سالانه تبدیل شد. در مرحله بعد با استفاده از ابزار تجزیه و تحلیل مکانی (GIS) و بکارگیری آماره گتیس-ارد-جی^۲ تحلیل نقاط داغ پرداخته شد. درنهایت با استفاده از روش تحلیل خوشه‌ای سلسله‌مراتبی به روش ادغام وارد (Ward) مناطق دارای تشابه حداکثری گروه‌بندی شد؛ به عبارتی نواحی همگن یا یکسان از لحاظ غلظت آلاینده NO_2 شناسایی و مشخص شد. در ادامه به واکاوی دلایل شکل‌گیری نقاط داغ و نقشه پهنه‌بندی نهایی پرداخته شد. برای این منظور از بانک اطلاعات جغرافیایی پایگاه داده‌های زیر ساخت مکانی (SDI) سازمان فاوی شهرداری و لایه‌های اطلاعاتی شامل خطوط ارتباطی و حمل و نقل، ارتفاع سطح شهر، حجم تردد، تراکم جمعیت، متوسط سرعت حرکت وسایل نقلیه استفاده شد که در ادامه روش تحلیل فضایی و مدل مفهومی انجام پژوهش به اختصار بیان شده است (شکل ۲).

ظهور و توسعه فناوری‌ها و مدل‌های آماری و تحلیلی جدید باعث توسعه توانمندی پژوهشگران در واکاوی‌های علمی از جمله آلودگی هوا شده است؛ از این رو به کارگیری روش‌های تحلیلی توان‌آمار-فضایی کاربرد وسیعی پیدا کرده است. درحقیقت، تحلیل فضایی داده‌ها می‌کوشد دانش نهفته در پراکندگی داده‌های جغرافیایی یعنی قوانین، نظام و

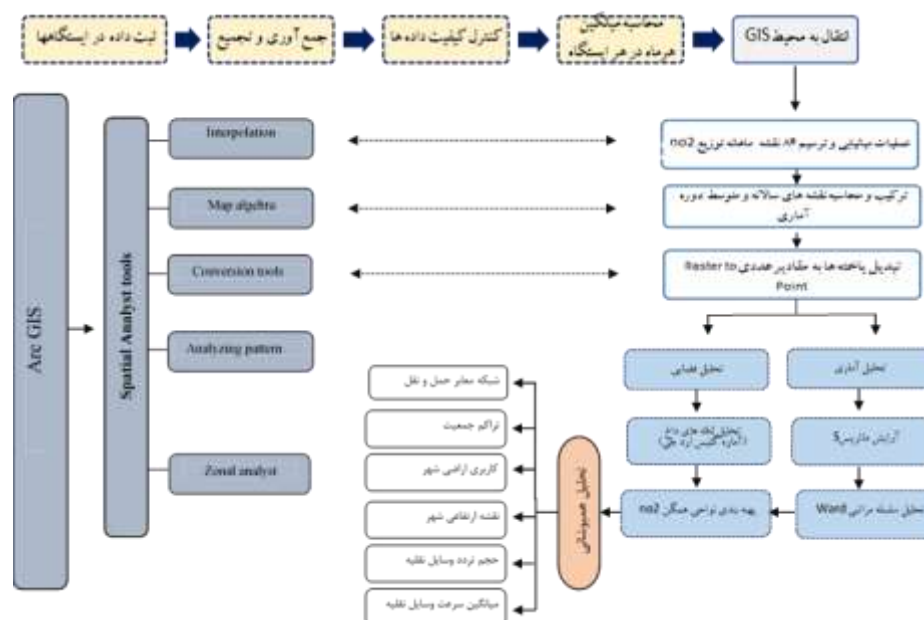
1. Outlier

2. Hot Spot Analysis (Getis-Ord Gi)

الگوهای فضایی را کشف کند؛ به عبارت دیگر تحلیل فضایی مجموعه‌ای از مهارت‌های کارتوگرافی و روش‌های ریاضی و آماری را معرفی می‌کند که برای پردازش و تحلیل داده‌های فضایی به کار می‌رود. مهم‌ترین ویژگی تحلیل فضایی تأکید بر بعد فضایی داده‌هاست (علیجانی، ۱۳۹۴، ص. ۳).

خودهمبستگی فضایی برای شناسایی شباهت پدیده‌های نزدیک به هم از طریق ارزیابی توزیع جغرافیایی مجموعه مشخصی از ویژگی‌ها به صورت خوشه‌ای، پراکنده یا تصادفی طبق مشخصه‌های مرتبط استفاده می‌کند. از خودهمبستگی فضایی به عنوان یک ابزار مهم تحلیلی در علم GIS و علوم محیط‌زیست برای شناسایی لکه‌های داغ آلاینده‌های مختلف استفاده می‌شود (نادیان، میرزایی و سلطانی محمدی، ۱۳۹۷، ص. ۱۹۸؛ چو، هانگ و لین^۱، ۲۰۱۵، ص. ۱۷۸؛ وانگ و فنگ^۲، ۲۰۱۶، ص. ۱۵۳). در همین ارتباط، تحلیل نقاط داغ یا آماره گتیس-ارد-جی برای بررسی دقیق‌تر توزیع فضایی لکه‌های داغ^۳ یا خوشه مکانی با مقادیر زیاد و لکه‌های سرد^۴ یا خوشه مکانی با مقادیر کم استفاده می‌شود. این آماره در سه کلاس ± 3 ، ± 2 و ± 1 و در سطوح اطمینان ۹۰، ۹۵ و ۹۹ درصد به کار گرفته می‌شود. مقادیر زیاد G نشان‌دهنده خوشه‌های مکانی با مقادیر زیاد (نقاط داغ) و مقادیر کم G نشان‌دهنده خوشه‌های مکانی با مقادیر کم (نقاط سرد) است (نادیان و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۲۰۲؛ خسروی و بحری، ۱۳۹۷، ص. ۳۷).

-
1. Chu, Huang & Lin
 2. Wang & Fang
 3. Hot Spot
 4. Cold Spot



شکل ۲- مدل مفهومی انجام پژوهش

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰

۴. یافته‌های تحقیق

۴.۱. ویژگی‌های آماری آلاینده NO_2

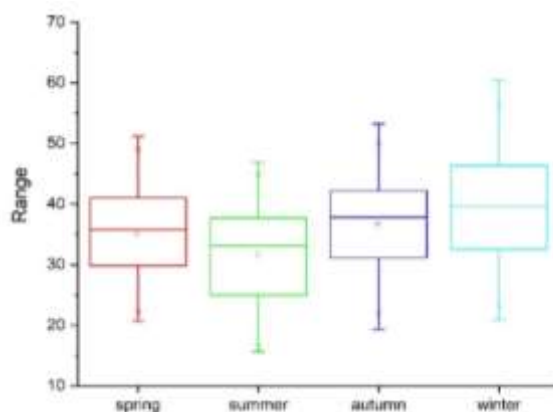
از بین شبکه ایستگاه‌های مشهد (شکل ۱) تعدادی از ایستگاه‌ها به دلیل از کار افتادگی مقطعی یا نقص فنی که ثبت داده‌های غیرموثق یا داده‌های پرت شده است، از محاسبات کنار گذاشته شده‌اند و در نهایت با در نظر گرفتن کمیت و کیفیت داده‌ها ۱۷ ایستگاه در ترسیم نقشه‌ها و تحلیل‌های فضایی استفاده شده است. مطابق جدول ۱، بیشترین غلظت NO_2 مربوط به ایستگاه‌های آوینی و چمن و کمترین آن‌ها از ایستگاه‌های حرم مطهر، صدف و لشکر در غرب مشهد گزارش شده است؛ با این حال بیشترین انحراف معیار در ایستگاه امامیه ثبت شده است. بیشترین اختلاف بیشینه و کمینه را ایستگاه‌های چمن و آوینی که میانگین بیشتری داشتند، تجربه کرده‌اند. نکته درخور توجه این است که ایستگاه‌های اشاره‌شده (به جز حرم مطهر و لشکر) جزو ایستگاه‌های ترافیکی محسوب می‌شوند.

جدول ۱- ویژگی‌های آماری ایستگاه‌های مورد مطالعه

دامنه (بیشینه - کمینه)	واریانس	انحراف معیار	میانگین	
۳۴/۴	۵۱/۶	۷/۲	۲۸/۴	نخریسی
۲۶/۳	۴۱/۴	۶/۴	۲۱/۸	ساختمان
۵۳/۱	۸۷/۴	۹/۳	۳۲/۳	سجاد
۲۵/۹	۹۳/۶	۹/۷	۱۶/۷	صدف
۳۹/۷	۸۰/۶	۹	۱۹/۷	تقی‌آباد
۷۷	۲۶۹	۱۶/۴	۱۹/۲	خیام
۲۳/۳	۴۳/۵	۶/۶	۱۸	لشگر
۴۴/۸	۸۸/۵	۹/۴	۲۱/۷	ویلا
۶۹/۴	۲۲۵	۱۵	۳۸/۱	الهیة
۱۰۰/۶	۴۲۲	۲۰/۵	۶۳/۴	آوینی
۱۰۵/۷	۵۴۹	۲۳/۴	۶۳/۱	چمن
۸۸/۴	۷۳۵	۲۷/۵	۳۳/۹	امامیه
۸۱/۴	۳۶۳/۷	۱۹/۱	۶۲/۲	خیام شمالی
۴۲/۴	۱۹۱	۱۳/۸	۳۹/۹	خاقانی
۴۲/۵	۱۷۵	۱۳/۲	۵۳/۷	مفتح
۷۷/۶	۴۱۱	۲۰/۳	۶۰	کریمی
۱۸/۲	۱۵/۲	۳/۹	۱۲	حرم مطهر

ترسیم نمودار جعبه‌ای^۱ روشی مفید برای مصورسازی داده‌ها و درک سریع نحوه توزیع پراکندگی آن‌هاست. در شکل ۳ نمودار جعبه‌ای فصلی در دوره آماری نشان داده شده است. براساس این نمودار، دامنه تغییرات و همچنین فراوانی داده‌های پرت در فصل تابستان و پس از آن بهار کمتر و در فصول سرد سال زمستان و پاییز بیشتر است؛ به عبارتی با شروع نیمه دوم سال روند افزایشی غلظت شروع می‌شود؛ به نحوی که متوسط غلظت در فصل زمستان به بیشترین مقدار خود می‌رسد. متوسط غلظت در شش‌ماهه اول ۳۳/۴ ppb و در شش‌ماهه دوم سال ۳۷/۹ ppb محاسبه شده است.

1. Box Plot



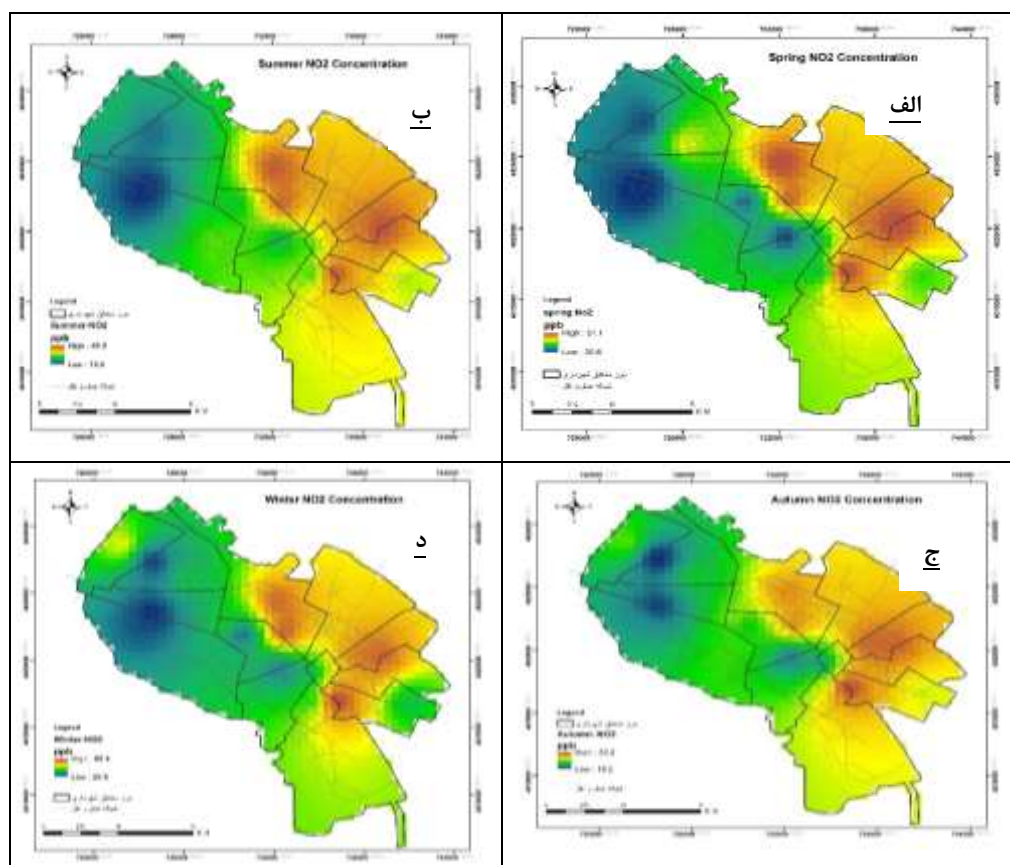
شکل ۳- توزیع فصلی غلظت NO_2 شهر مشهد در طی دروه آماری ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۰
 مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰

۲.۴. توزیع فصلی NO_2

عملیات جبری روی نقشه‌های ماهانه که توسط تابع مپ الجبرا (نقشه جبری)^۱ صورت گرفت، به تولید نقشه‌های فصلی منجر شد (شکل ۴) و مقادیر آماری این نقشه‌ها نیز در جدول ۲ ارائه شده است. مطابق شکل ۴ الف، در فصل بهار دامنه تغییرات از بیشترین غلظت با $51/1 \text{ ppb}$ در مناطق شرق و شمالی شهر و کمترین آن ($20/6 \text{ ppb}$) در بخش‌هایی از مناطق مرکزی و همچنین مناطق غرب و شمال غرب شهر ثبت شده است که مقدار انحراف معیار کم محاسبه شده در مقایسه با سایر فصول نشان از یکدست‌تر بودن توزیع این آلاینده در سطح شهر دارد. همانند فصل بهار، در فصل تابستان نیز مناطق غرب و شمال غرب مشهد کمترین غلظت NO_2 ($15/6 \text{ ppb}$) را دارد (شکل ۴ ب). میانگین غلظت در این فصل $7/3 \text{ ppb} \pm$ است که در مقایسه با فصل بهار کاهش داشته است و بیشترین غلظت ($46/9 \text{ ppb}$) در مناطق شرق و شمال شرق و کمترین آن ($15/6 \text{ ppb}$) در مناطق غرب شهر است. الگوی پراکنش فصل پاییز نیز با فصول بهار و تابستان مشابه است (شکل ۴ ج). هسته تمرکز این آلاینده در مناطق شرق و شمالی شهر واقع شده است و کمترین غلظت‌ها مطابق فصول گذشته در شمال غرب و غرب مشهد دیده می‌شود. دامنه غلظت این آلاینده از کمینه غلظت

1. Map Algebra

۱۹/۲ ppb در غرب و شمال غربی تا بیشینه غلظت ۵۳/۲ ppb در شرق و شمال شرق شهر متغیر است (میانگین غلظت ۳۶/۶ $\pm$ ۹/۹ ppb). آخرین فصل سال بیشترین غلظت NO₂ را دارد؛ به گونه‌ای که میانگین غلظت در این فصل ۳۹/۹ $\pm$ ۸/۴ ppb محاسبه شده است (جدول ۲). در مجموع، ایستگاه‌های سنجش کیفیت هوای مستقر در مناطق رسالت، سمزقند، خیام شمالی، خیام جنوبی، سجاد، تقی‌آباد، ساختمان و آوینی بیشترین غلظت و ایستگاه‌های مستقر در مناطق غرب و شمال غرب (ایستگاه‌های صدف، ویلا، سرافرازان و خاقانی) کمترین غلظت را داشتند.



شکل ۴- نقشه پراکنش NO₂: الف- فصل بهار، ب- فصل تابستان، ج- فصل پاییز، د- فصل زمستان

مشهد میانگین دوره آماری ۱۳۹۳-۱۴۰۰

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰

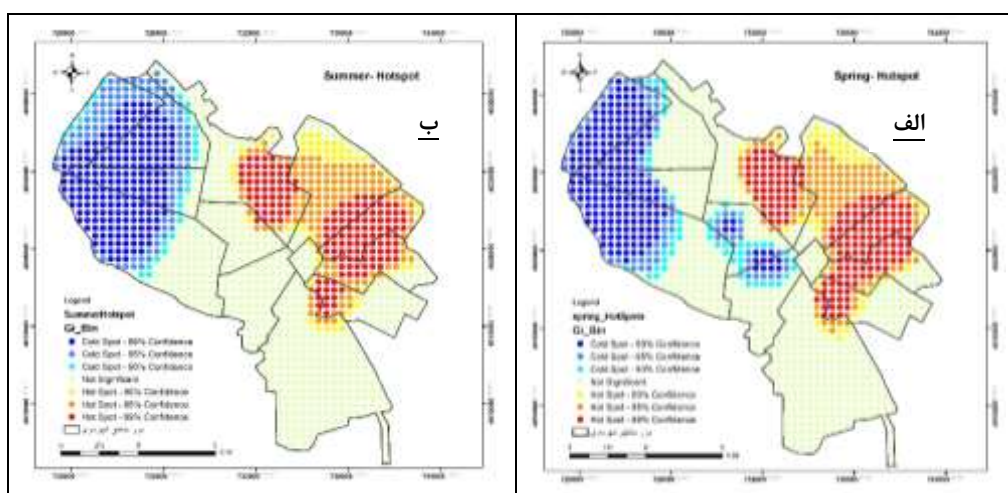
جدول ۲- مقادیر آماری نقشه‌های فصلی آلاینده NO_2 مشهد میانگین دوره آماری ۱۳۹۳-۱۴۰۰

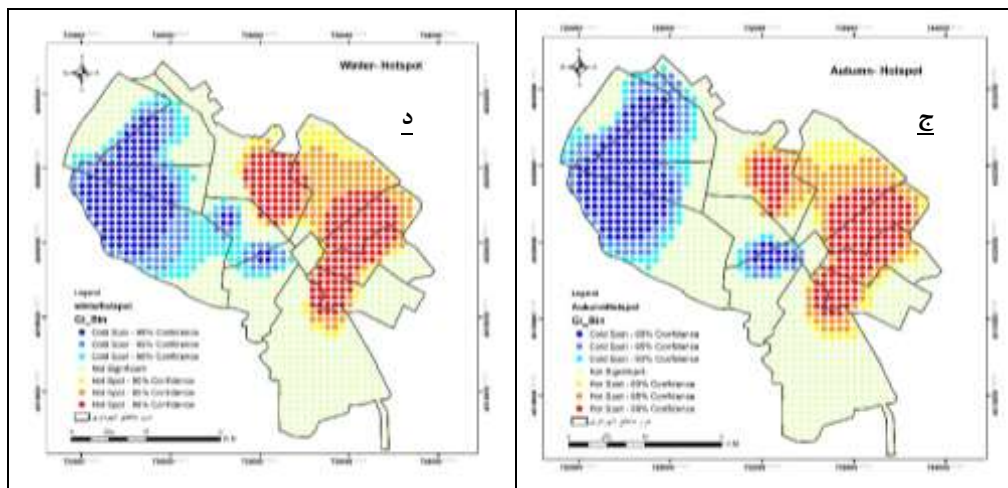
مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰

کمترین غلظت (ppb)	بیشترین غلظت (ppb)	میانگین غلظت (ppb)	انحراف معیار
۲۰/۶	۵۱/۱	۳۵/۲	۶/۸
۱۵/۶	۴۶/۹	۳۱/۵	۷/۳
۱۹/۲	۵۳/۲	۳۶/۶	۶/۹
۲۰/۸	۶۰/۴	۳۹/۲	۸/۴
۱۹/۱	۵۲/۹	۳۵/۶	۷/۴

۴.۳. شناسایی نقاط داغ NO_2

براساس نقشه‌های تحلیل فضایی، گستره نقاط داغ در فصول مختلف سال (با سطوح اطمینان ۹۰، ۹۵ و ۹۹ درصد) در مناطق شرقی و پس از آن با غلظتی کمتر در مناطق شمال شرقی مشهد واقع شده است؛ این در حالی است که شکل‌گیری نقاط سرد عموماً در تمام فصول سال در مناطق غرب و شمال غرب مشهد است؛ البته براساس نقشه‌های به‌دست‌آمده در فصول بهار، پاییز و زمستان، نقاط سرد تاحدودی به مناطق مرکزی شهر نیز گسترش یافته است.





شکل ۵- نقشه موقعیت نقاط داغ و سرد آلاینده NO_2 : الف- فصل بهار، ب- فصل تابستان، ج- فصل

پاییز، د- فصل زمستان شهر مشهد دوره آماری ۱۳۹۳-۱۴۰۰

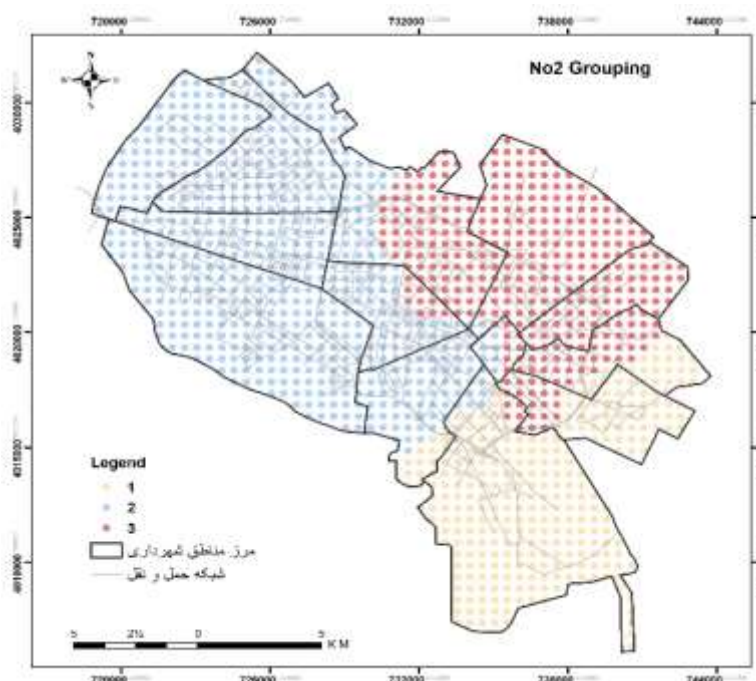
مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰

ایستگاه‌های خیام شمالی، رسالت، سمزقند، ساختمان، آوینی، سجاد و تقی‌آباد در محدوده نقاط داغ و ایستگاه‌های صدف، ویلا، سرافرازان و خاقانی در پهنه نقاط سرد واقع شده‌اند. براساس نقشه‌های فصلی، آرایش توزیع مکانی نقاط داغ و سرد مشابه است؛ با این تفاوت که تنها در فصل تابستان لکه نقاط سرد فقط در نیمه غرب و شمال غرب گسترده‌گی دارد و مناطق مرکزی شهر را در بر نگرفته است (شکل ۵- ب).

۴.۴. پهنه‌بندی یا تعیین نواحی همگن NO_2

برای تحلیل خوشه‌ای نقشه‌ها ابتدا مقادیر عددی هریک از یاخته‌ها برای هر فصل به محیط نرم‌افزار تخصصی Minitab منتقل شد. بعد از تجمیع داده‌ها در ماتریسی به شکل S آرایش داده شد. در ادامه، تحلیل سلسه‌مراتبی به روش ادغام وارد روی داده‌ها صورت گرفت که در نهایت به ترسیم نقشه پهنه‌بندی یا همان نواحی همگن غلظت NO_2 برای شهر مشهد منجر شد (شکل ۶). در این نقشه هریک از پهنه‌های شناسایی شده خصوصیات آماری خاص خود را دارد که در آن شباهت درون‌گروهی، حداکثر و شباهت بین‌گروهی، حداقل است. براساس نتایج این تحلیل (شکل ۶)، سطح شهر مشهد در سه پهنه یا منطقه همگن تفکیک‌شدنی است.

پهنه یا منطقه ۱ که در شکل ۶ با رنگ زرد مشخص شده است، با غلظت (ppb) $37/8$ غلظت متوسط دارد که با $7,650$ هکتار، 24 درصد از مساحت شهر را به خود اختصاص داده است. نواحی از جنوب و جنوب شرق شهر در این پهنه قرار دارد. پهنه دوم با میانگین سالانه ppb $29/3$ کمترین غلظت را دارد که در نقشه خروجی با رنگ آبی نشان داده شده است. در صورتی که خطی از شمال به جنوب شهر در نظر گرفته شود، تقریباً نیمه غربی در محدوده آبی یا دارای غلظت کم قرار می‌گیرد که با مساحت $16,375$ هکتار، 50 درصد از مساحت کل شهر را به خود اختصاص داده است. در نهایت، پهنه ۳ یا منطقه دارای غلظت زیاد (رنگ قرمز) است که میانگین غلظت در این منطقه (ppb) $43/5$ محاسبه شده است و $8,425$ هکتار (حدود 26 درصد از کل مساحت شهر) که عمدتاً در مناطق شرق، شمال شرق واقع شده است، در این پهنه قرار دارد.



شکل ۶- پهنه‌بندی (نواحی همگن) NO_2 شهر مشهد در دوره آماری ۱۳۹۳-۱۴۰۰

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰

مسلم است، چنین نقشه‌ای شناخت بهتر و کامل‌تری از چگونگی توزیع آلاینده مطالعه‌شده را ارائه می‌کند. براساس این پهنه‌بندی، نیمه شرقی و شمال شرقی مشهد دارای بیشترین غلظت و نیمه غرب به‌خصوص شمال غرب شهر دارای بار آلودگی کمتری (میانگین غلظت دوره آماری هفت‌ساله) است. در جدول ۳ به تفصیل خصوصیات آماری هر پهنه در فصول مختلف محاسبه و درج شده است.

جدول ۳- خصوصیات آمار فصلی و سالانه NO_2 برای هریک از پهنه‌های (مناطق) شناسایی‌شده در دوره

آماری ۱۳۹۳-۱۴۰۰

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰

خصوصیات آماری پهنه	فصل	کمترین غلظت (ppb)	بیشترین غلظت (ppb)	میانگین غلظت (ppb)	انحراف معیار
پهنه غلظت متوسط یا زرد (منطقه ۱)	بهار	۳۳/۸	۴۴/۵	۳۷/۴	۲
	تابستان	۳۲/۳	۴۱	۳۴/۷	۱/۷
	پاییز	۳۶/۳	۴۹/۲	۴۰/۱	۲/۱
	زمستان	۳۳/۹	۵۳/۷	۴۱/۹	۳/۲
	سالانه	۳۴/۳	۴۳/۳	۳۷/۸	۱/۸
پهنه غلظت کم یا آبی (منطقه ۲)	بهار	۲۰/۶	۴۲/۱	۲۹/۷	۴/۲
	تابستان	۱۵/۶	۳۹/۴	۲۵/۶	۴/۸
	پاییز	۱۹/۳	۴۲/۶	۳۰/۸	۴/۲
	زمستان	۲۰/۹	۴۷/۴	۳۲/۴	۴/۸
	سالانه	۲۰/۳	۳۹/۷	۲۹/۳	۴/۵
پهنه غلظت زیاد یا قرمز (منطقه ۳)	بهار	۳۵/۸	۵۱/۲	۴۳/۶	۲/۷
	تابستان	۳۵/۸	۴۶/۹	۴۰/۲	۲/۳
	پاییز	۴۱/۸	۶۰/۴	۴۹/۸	۳/۳
	زمستان	۳۶/۶	۵۳/۲	۴۴/۶	۲/۷
	سالانه	۳۵/۹	۵۰/۶	۴۳/۵	۲/۸

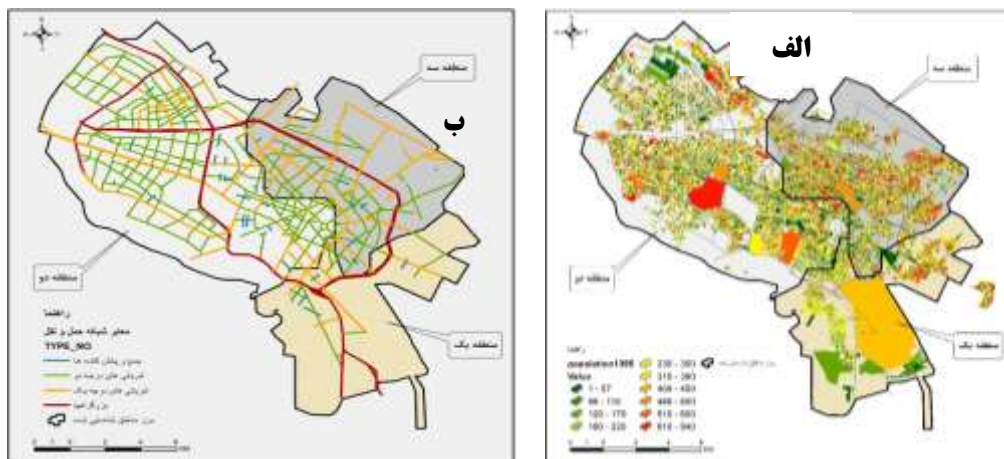
در واکاوی چرایی شکل‌گیری مناطق تفکیک‌شده (شکل ۶)، می‌باید به منابع انتشار این آلاینده توجه شود؛ از این‌رو در ادامه توزیع فضایی جمعیت به‌عنوان موتور متحرک مصرف

انرژی و تعدادی از مؤلفه‌های حمل و نقل سطح شهر بررسی شده است. در ابتدا لایه‌های جمعیت و حمل و نقل با لایه خروجی پهنه‌بندی مطابقت^۱ داده شد. سپس با استفاده از تابع تحلیل مکانی^۲ مشخصات آماری مورد نیاز برای هریک از سه پهنه به صورت مجزا احصاء شد و با یکدیگر مقایسه تطبیقی شد.

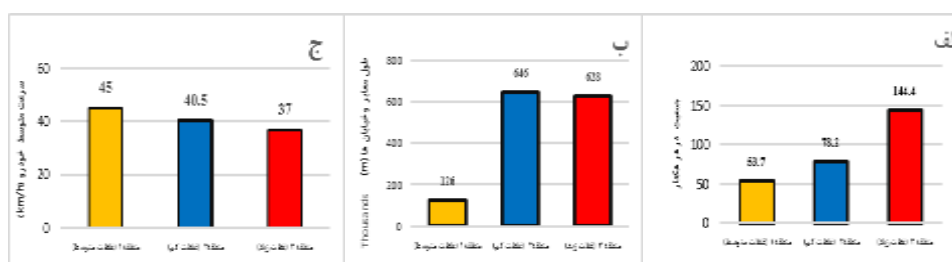
مطابق نقشه تراکم جمعیتی (شکل ۷ الف)، مناطق شرق و شمال شرقی شهر که در پهنه غلظت زیاد یا قرمز قرار دارند، دارای بیشترین تراکم جمعیتی‌اند. مسلم است که افزایش جمعیت باعث افزایش مصرف انرژی و طبعاً انتشار بیشتر آلاینده‌های هوا از جمله NO_2 می‌شود. علاوه بر این، طول شبکه معابر و شریان‌های اصلی در پهنه ۳ (غلظت زیاد) کمتر از پهنه‌های ۲ و ۱ است. بنابراین سرعت حرکت خودروها در این منطقه کمتر (شکل ۸ ج) و بار ترافیکی بیشتر است که این عامل خود باعث انتشار بیشتر NO_2 از خودروها می‌شود. مطابق شکل ۷ ب، مجموع طول شبکه حمل و نقل شهری در مناطق با غلظت زیاد NO_x (منطقه قرمز)، $646,434/3$ متر و متوسط سرعت وسایل نقلیه در این بخش 37 کیلومتر بر ساعت است؛ در حالی که مجموع طول این شبکه در مناطق با غلظت کم (مناطق غرب و شمال غربی شهر یا منطقه آبی یا ۲)، $628,720/4$ متر و متوسط سرعت خودروها $40/5$ کیلومتر بر ساعت محاسبه شده است (شکل ۸).

1. Overlay

2. Spatial Analyst Tools



شکل ۷- الف- نقشه تراکم جمعیت در هر کیلومتر مربع، ب- نقشه معابر شبکه حمل‌ونقل مشهد
 مأخذ: سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری مشهد (۱۳۹۷)



شکل ۸- نمودارهای الف- تراکم جمعیت در هر هکتار، ب- طول معابر و شریان‌ها (km)، ج- سرعت متوسط خودرو (km/h)
 مأخذ: محاسبات نگارندگان، ۱۴۰۰

بنابراین در مناطق با غلظت کم (رنگ آبی) به دلیل خطوط ارتباطی کامل‌تر، ترافیک روان‌تر و سرعت خودروها بیشتر است که باعث انتشار کمتر آلاینده‌ها در مقایسه با مناطق پرتراکم می‌شود. از طرفی تمرکز و تراکم زیاد جمعیت در مناطق شرقی شهر و شبکه کمتر توسعه یافته از شریان‌های حمل‌ونقل، باعث انتشار بیشتر و در نهایت شکل‌گیری هسته‌هایی با تراکم زیاد از آلاینده NO_2 می‌شود. همچنین مجاورت این محدوده با اراضی کشاورزی، واحدهای کارگاهی و صنعتی واقع در مناطق شرق و شمال شرق را می‌توان جزو دلایل غلظت زیاد NO_2 عنوان

کرد. در مقابل، مناطق غرب و شمال غرب مشهد دارای تراکم کمتر جمعیت، سرانه فضای سبز بسیار بیشتر، ارتفاع نسبی بیشتر، فاصله بیشتر از صنایع و منابع ثابت انتشار آلاینده هوا، مجاورت به مناطق ییلاقی طرجه و شاندیز و... برخوردار است که می‌تواند در انتشار کمتر آلاینده‌ها نقش داشته باشد.

۵. نتیجه‌گیری

نخستین آورده این پژوهش را می‌توان تهیه و ترسیم نقشه‌های توزیع فصلی NO_2 مشهد با به‌کارگیری ۸۴ نقشه ماهانه (دوره آماری هفت‌ساله) دانست که بررسی مطالعات نشان داد، کامل‌ترین مطالعه فضایی این آلاینده برای مشهد است. براساس نقشه‌های ترسیمی پراکنش NO_2 تقریباً در همه فصول از الگوی مشابه تبعیت می‌کند (نیمه شرقی شهر بیشترین و نیمه غربی کمترین غلظت را دارد). بیشترین غلظت این آلاینده در فصل زمستان ($39/2 \text{ ppb}$) است و کمترین آن مربوط به فصل تابستان ($31/5 \text{ ppb}$) است که این نتایج با نقشه‌های سالانه پراکنش $\text{Pm}_{2.5}$ و NO_2 شهر مشهد که توسط مرکز پایش آلاینده‌های زیست‌محیطی مشهد (۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹) هر ساله تهیه و منتشر می‌شود، مطابقت دارد؛ با این حال، اسماعیلی (۱۳۹۸) بیشترین غلظت $\text{Pm}_{2.5}$ مشهد را فصل پاییز و کمترین آن را فصل بهار گزارش داد که از لحاظ زمانی با نتایج این پژوهش متفاوت است. کانون نقاط داغ NO_2 در مناطق شرق، شمال شرق و قسمت‌هایی از نواحی شمالی مشهد است و در مقابل هسته نقاط سرد در مناطق غرب و شمال غربی مشهد واقع شده است. در همین ارتباط، اسماعیلی و امینی (۱۳۹۹) نتایج مشابهی را درباره نقاط داغ آلاینده $\text{Pm}_{2.5}$ مشهد گزارش دادند که حاکی از الگوی مشابه در توزیع مکانی آلاینده NO_2 و $\text{Pm}_{2.5}$ است.

نتایج تحلیل خوشه‌بندی سه پهنه یا منطقه همگن NO_2 را برای مشهد مشخص کرد: پهنه اول یا منطقه با غلظت متوسط شامل نواحی از جنوب و جنوب غرب مشهد می‌شود؛ پهنه دوم که کمترین غلظت آلاینده مدنظر را دارد، تقریباً نیمه غربی شهر را در بر می‌گیرد؛ پهنه سوم با بیشترین غلظت، عمدتاً مناطق شرق و شمال شرق مشهد را فراگرفته است. این نتایج با نقشه پهنه‌بندی نواحی همگن $\text{Pm}_{2.5}$ مشهد همخوانی دارد، با این تفاوت که محدوده و مساحت

نواحی شناسایی شده کمی متفاوت است (اسماعیلی، ۱۳۹۷)؛ با این حال، نتایج هر دوی این پژوهش‌ها، در شرق و جنوب شرق مشهد، بیشترین و در شمال غرب و غرب، کمترین غلظت آلاینده‌ها را نشان می‌دهد و کمربندی حائل بین این دو پهنه از شرایطی حد وسط برخوردار است.

واکاوی آماری و مقایسه تطبیقی بین پهنه‌های شناسایی شده نشان داد، تراکم جمعیت در پهنه دارای غلظت زیاد، به‌طور معناداری در مقایسه با سایر پهنه‌ها بیشتر است. همچنین میانگین سرعت خودروها در این پهنه کمتر است که بیانگر ترافیک بیشتر و انتشار بیشتر آلاینده‌هاست. از طرفی این پهنه (نقاط داغ) جزو مناطق نسبتاً محروم و کمتر توسعه‌یافته محسوب می‌شود که فرسوده‌ترین خودروها با بیشترین آلودگی و بیشترین تعداد موتورسیکلت‌های مستهلک و دودزا در این پهنه وجود دارد. در تکمیل استنتاج یافته‌های پژوهش، مجاورت این پهنه با زمین‌های کشاورزی و کارگاه‌های تولیدی و صنعتی را نباید نادیده گرفت که به دلیل مجاورت، به صورت مستقیم مناطق شرقی و جنوب شرقی مشهد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. مجموع دلایل ذکر شده به غلظت زیاد NO_2 و شکل‌گیری نقاط داغ در این محدوده از شهر منجر شده است. در مقابل، حمل و نقل روان‌تر با آلودگی کمتر، تراکم کمتر جمعیت، برخورداری از ارتفاع بیشتر و نزدیکی به مناطق کوهستانی و ییلاقی طبقه و شان‌دیز نیز را می‌توان از دلایل غلظت کمتر این آلاینده در غرب و شمال غرب مشهد دانست. از آنجاکه تدوین برنامه‌ها و اثربخشی اقدامات کنترلی و کاهش مستلزم تعیین موقعیت مکانی آلاینده‌هاست، نتایج این پژوهش می‌تواند به عنوان منبع اطلاعات تخصصی قابل استناد، برای تدوین برنامه‌های رصد، کاهش و کنترل آلاینده NO_2 مشهد به کار رود.

کتابنامه

۱. اسماعیلی، ر. (۱۳۹۷). نواحی همگن آلودگی هوای شهر مشهد. *مجله مخاطرات محیط طبیعی*، ۱۶(۱)، ۲۴۰-۲۲۷.
۲. اسماعیلی، ر.، و امینی، ف. (۱۳۹۹). شناسایی نقاط داغ غلظت ذرات معلق ($\text{PM}_{2.5}$) هوای شهر مشهد. *نشریه پژوهش‌های اقلیم‌شناسی*، ۱۱(۴۴)، ۷۸-۶۳.

۳. بهاری، ر.، عباسپور، ر.، و پهلوانی، پ. (۱۳۹۴). پهنه‌بندی آلودگی ذرات معلق با استفاده از مدل‌های آماری محلی در GIS (مطالعه موردی، شهر تهران). *نشریه علوم و فنون نقشه‌برداری*، (۳)، ۱۷۳-۱۶۵.
۴. تقوی، ه. (۱۳۹۱). *توزیع زمانی و مکانی آلاینده‌های شاخص آلودگی هوای شهر مشهد و عوامل موثر بر آن* (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد)، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.
۵. جولایی، ف.، پیروی، ر.، اسماعیلی، ح.، کتابی، د.، و متعلمی، آ. (۱۳۹۶). بررسی تغییرات غلظت مونوکسید کربن و PM_{2.5} در شهر مشهد در سال ۱۳۹۵. *نشریه تحقیقات سلامت در جامعه*، (۳)، ۴۵-۳۴.
۶. خرسندی، ح.، امینی تپوک، ف.، کارگر، ح.، و موسوی مغانجوقی، س. (۱۳۹۱). بررسی کیفیت بهداشتی هوای شهر ارومیه براساس شاخص AQI. *مجله پزشکی ارومیه*، ۲۳ (۷)، ۷۷۵-۷۶۷.
۷. خسروی، ی.، و بحری، ع. (۱۳۹۷). استفاده از تکنیک‌های آمار فضایی جهت بررسی تغییرات زمانی-مکانی غلظت کلروفیل a در خلیج فارس. *مجله علمی-پژوهشی زیست دریا*، ۱۰ (۳۷)، ۴۶-۳۳.
۸. علیجانی، ب. (۱۳۹۴). *تحلیل فضایی. نشریه تحلیل فضایی مخاطرات محیطی*، ۲ (۳)، ۱۴-۱.
۹. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۷). *سالنامه آماری کشور ۱۳۹۵*. دفتر ریاست روابط عمومی و همکاری‌های بین الملل مرکز آمار، تهران.
۱۰. مرکز پایش آلاینده‌های زیست محیطی شهر مشهد. گزارش‌های سالانه ۱۳۹۶، ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸. <https://epmc.mashhad.ir> بازپایی از
۱۱. نادیان، م.، میرزایی، ر.، و سلطانی محمدی، س. (۱۳۹۷). کاربرد شاخص خودهمبستگی فضایی موران در تحلیل فضایی-زمانی آلاینده PM_{2.5} (مطالعه موردی: شهر تهران). *مجله مهندسی بهداشت محیط*، ۵ (۳)، ۲۱۳-۱۹۷.

12. AEA Technology Environment. (2005). Damages per tone emission of PM_{2.5}, NH₃, SO₂, NO_x and VOCs from each EU25 member State (excluding Cyprus) and surrounding seas. In *Service contract for carrying out cost-benefit analysis of air quality related issues, in particular in the clean air for Europe (CAFE) programme* (pp. 4-20). Oxon, UK: AEA Technology Environment.
13. Chu, H. J., Huang, B., & Lin, CY. (2015). Modeling the spatio-temporal heterogeneity in the PM₁₀-PM_{2.5} relationships. *Atmospheric Environment*, (102), 176-182.

14. Clean Air Alliance of China (CAAC). (2013). *State council air pollution prevention and control action plan, issue II* (English translation). Retrieved October 8, 2015, from <http://en.cleanairechina.org/product/6346.html>
15. Kim, KH, Kabir, E, & Kabir, S. (2015). A review on the human health impact of airborne particulate matter. *Environ International*, (74), 136-43.
16. Ku, C. (2020). Exploring the spatial and temporal relationship between air quality and urban land-use patterns based on an integrated method. *Sustainability*, 12(2964), 1-16.
17. Li, Ch., Dai, Zh., Yang, L., & Ma, Zh. (2019). Spatiotemporal characteristics of air quality across Weifang from 2014–2018. *International Journal of Environment Research Public Health*, 16(3122), 2-15.
18. Nanda, Ch., Kant, Y., Gupta, A. & Mitra, D. (2018). Spatio-temporal distribution of pollutant trace gases during Diwali over India. *Annals of the Photogrammetry, Remote Sensing and Spatial Information Sciences*, (5), 339-350.
19. Nunez-Alonso, D., Vicente, L., Manzoor, S. & Caceres, J. (2019). Statistical tools for air pollution assessment: multivariate and spatial analysis studies in the Madrid region. *Journal of Analytical in Chemistry*, 2019, 1-9.
20. Pu, H., Luo, K., Wang, P., Wang, S., & Kang, S. (2017). Spatial variation of air quality index and urban driving factors Linkage: Evidence from Chinese cities. *Environmental Science Pollution Research*, (24), 4457-4468.
21. Ryu, J., Park, C., & Jeon, S. W. (2019). Mapping and statistical analysis of NO₂ concentration for local government air quality regulation. *Sustainability*, (11), 1-18.
22. US EPA. (2014). national ambient air quality standards (NAAQS). Retrieved from <http://epa.gov/air/criteria.html>.
23. Varshney, C. K., & Singh, A.P. (2003). Passive samplers for NO_x monitoring: A critical review. *Environmentalist*, (23), 127–136.
24. Wang L., Wang J., Tan X., & Fang, C. (2020). Analysis of NO_x pollution characteristics in the atmospheric environment in Changchun City. *Atmosphere*, (11), 30. 1-12.
25. Wang, Z., & Fang, C. (2016). Spatial-temporal characteristics and determinants of PM_{2.5} in the Bohai Rim Urban Agglomeration. *Chemosphere*, (148), 148-162.
26. Zhang, Q., Geng, G. N., & Wang, S. W. (2012). Satellite remote sensing of changes in NO_x emissions over China during 1996–2010. *China Science Bulletin*, (57), 2857–2864.
27. Zhang, Q., Streets, D. G., & He, K. (2007). No_x emission trends for China, 1995–2004: The view from the ground and the view from space. *Journal of Geophysical Research: Atmospheres*, 112(18), 1-18



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

doi: <https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2022.75436.1116>

مقاله پژوهشی - مطالعه موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال نوزدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۳۷

بررسی نقش مشارکت مردمی در افزایش تاب‌آوری اجتماعی سکونتگاه‌های غیررسمی در برابر پاندمی کوید-۱۹ (مطالعه موردی: محلات اسکان غیررسمی شهر زنجان)^۱

محمدتقی حیدری (دانشیار، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران، نویسنده مسئول)

mt.heydari@znu.ac.ir

محسن احدنژاد روشنی (دانشیار، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران)

ahadnejad@znu.ac.ir

حسین طهماسبی مقدم (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران)

tahmasebihosseini@znu.ac.ir

صص ۴۱۵ - ۳۸۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش مشارکت عمومی در افزایش تاب‌آوری اجتماعی سکونتگاه‌های غیررسمی در برابر همه‌گیری کوید-۱۹ در زنجان است. پژوهش حاضر از نظر هدف از نوع کاربردی و از نظر ماهیت و روش پژوهش از نوع ترکیبی کیفی-کمی است. گردآوری داده‌ها براساس روش پیمایشی تخصصی و اسنادی بوده است. حجم نمونه شامل ۱۵ نفر از کارشناسان دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی است. از روش نمونه‌گیری هدفمند و برای پردازش داده‌ها از مدل تحلیل معادلات ساختاری

^۱ -پژوهش حاضر مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان (امکان‌سنجی و ارزیابی خلق جوامع تاب‌آور و کاربست آن در برابر پاندمی کرونا با رویکرد مدیریت بحران‌های اجتماع‌محور)، و با حمایت مادی و معنوی صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور به انجام رسیده است.

و روش تحلیل مسیر در نرم‌افزار PLS استفاده شد. یافته‌ها حاکی از آن است که از میان شاخص‌های تعامل اجتماعی، گرایش به برقراری ارتباط از طریق فضای مجازی به عنوان مهم‌ترین متغیر شناسایی شد. ضریب تعیین متغیر «نقش مشارکت مردمی» بر متغیر «تاب‌آوری اجتماعی در برابر بیماری‌های کوید-۱۹» برابر با ۰/۸۵۳ به دست آمد؛ یعنی ۸۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته (تاب‌آوری) با چهار متغیر مستقل (اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، پیوند اجتماعی و تعامل اجتماعی) بررسی می‌شود؛ بنابراین هر چهار متغیر مستقل پژوهشی توانسته‌اند به‌طور هم‌زمان بیش از ۷۰ درصد از متغیرهای وابسته را بررسی کنند و تاب‌آوری را از طریق ۱۷ معیار تعریف‌شده در رابطه با یکدیگر تحت‌تأثیر قرار دهند. ۱۵ درصد باقی‌مانده از عوامل دیگری به دست می‌آید که به‌طور غیرمستقیم بر تاب‌آوری تأثیر می‌گذارند و متغیر وابسته تحقیق را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند. درنهایت می‌توان گفت محله‌های آسیب‌پذیر زنجان به موازات استفاده از مشارکت و در نتیجه ارتقای تاب‌آوری اجتماعی، اثرات پاندمی کوید-۱۹ را تعدیل می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: مشارکت مردمی، تاب‌آوری اجتماعی، سکونتگاه‌های غیررسمی، پاندمی کوید-۱۹.

۱. مقدمه

مشارکت جوامع یکی از مهم‌ترین عوامل مهار و کاهش اثرات بلایا و فاجعه‌های انسانی و طبیعی در ابعاد مختلف به شمار می‌آید؛ مقوله‌ای که به ارتقای تاب‌آوری اجتماعی مراکز جمعیتی و سکونتی در برابر شیوع امراض واگیردار می‌انجامد. بیشتر ادبیات تاب‌آوری اجتماعی به چگونگی غلبه و کنترل بر شوک‌های سیستم شهری مربوط می‌شود و درباره راهکارهای بقا و سازگاری در بین فقیرترین ساکنان آن اطلاعات اندکی در دست است (فالبرگ، ویچینو، فرناندس و پوتیگوارا^۱، ۲۰۲۰) با وجود اینکه نقش تاب‌آوری اجتماعی در مدیریت بلایا همچنان مدنظر و علاقه روزافزون محققان و متولیان قرار گرفته است (ساجا، گونتیلکه، تنو و زیات^۲، ۲۰۱۹)، چگونگی اثرگذاری و جایگاه مشارکت شهروندان در مراکز

1. Fahlberg, Vicino, Fernandes & Potiguara

2. Saja, Goonetilleke, Teo & Ziyath

اسکان غیررسمی برای مقابله با پاندمی و سایر بحران‌های فاجعه‌آمیز کمتر مدنظر قرار گرفته است؛ به عبارت دقیق‌تر، به‌رغم گسترش چشمگیر کار در زمینه تاب‌آوری اجتماعی، این مجموعه از تحقیق درباره استراتژی‌های سازگاری و بقا^۱ که در محله‌های فقیرنشین شهری به کار گرفته می‌شوند، به‌طور عمده مغفول مانده است (پو و چو^۲، ۲۰۱۶). شهرها به توسعه و مبارزه با بسیاری از چالش‌ها ادامه می‌دهند. تاب‌آوری شهری به مفهوم مهمی تبدیل شده است و در سطوح فردی، جامعه، شهر، منطقه یا در مقیاس ملی و بین‌المللی سنجش‌شدنی است (ولف، دوناتو و لوری^۳، ۲۰۱۵؛ اوستروفسکی^۴، ۲۰۱۴). در پاندمی کنونی (بیماری کوید-۱۹) نیز اهمیت بسیار زیادی برای یافتن استراتژی‌های تاب‌آور ساز بیشتر شهرها در برابر شیوع اختصاص یافته است؛ زیرا شهرها در خط مقدم پاندمی‌های کشنده، سایر بحران‌های جهانی و خسارات قرار دارند (لک، شکوری و ماهر^۵، ۲۰۲۰). فراوانی و تأثیر بلایای طبیعی و انسانی در مسیر صعودی قرار دارد و پیش‌بینی می‌شود با توجه به تأثیر آینده تغییرات آب‌وهوا و رشد جمعیت، همچنان افزایش یابد. محدود کردن اثرات مخرب بلایا و بحران‌ها با افزایش تاب‌آوری به مسئله مهم اقتصادی و اجتماعی تبدیل‌شده است (خلیلی، هری و مورلی^۶، ۲۰۱۸).

موضوع مهم دیگر، درجه تأثیرپذیری محلات مختلف شهرها از پاندمی کوید-۱۹ است. ساکنان محله‌های فقیرنشین و اسکان غیررسمی، با شوک‌های مزمن^۷ روبه‌رو هستند یا به‌طور مداوم در حوادث مکرر مانند سیل، بیماری شدید یا حمله خشونت‌آمیز پلیس قرار دارند (فالبرگ و همکاران، ۲۰۲۰). بدین ترتیب علاوه بر خطرات بیشتر انتقال بیماری، ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی با شوک‌های همزمان اثرات مخرب برآمده از سیاست‌های فاصله فیزیکی و چالش‌های از جمله تعطیلی کارخانجات و مدارس و ممنوعیت اجتماعات بزرگ

1. Adaptation And Survival
2. Pu and Qiu
3. Wulff, Donato & Lurie
4. Ostrowski
5. Lak, Shakouri & Maher
6. Khalili, Harre & Morley
7. Chronic Shocks

مواجه هستند (پینچوف^۱ و همکاران، ۲۰۲۱). این جوامع به‌ویژه به کوید-۱۹ به دلیل فعالیت در مشاغل غیررسمی و اغلب روزمزد و همچنین کار در خانه آسیب‌پذیر هستند (کوربرن^۲ و همکاران، ۲۰۲۰). نابرابری منابع و تسهیلات در میان محلات مختلف شهرها به‌ویژه در مناطق اسکان غیررسمی و بافت‌های فرسوده شهری باعث شده است که این مناطق به‌طور بالقوه آسیب‌پذیرتر شوند؛ زیرا بیشتر اوقات چنین مناطقی بسیار متراکم با فضای باز کم و شبکه‌های ارتباطی بی کیفیت دیده می‌شوند (لک، شکوری و ماهر^۳، ۲۰۲۰). به‌رغم اینکه تحقیقات درمورد ارتباطات احتمالی بین تراکم جمعیت و انتشار و میزان شیوع بیماری‌های پاندمی تاکنون بی‌نتیجه بوده است، ولی اندازه پاندمی‌ها واقعاً با تراکم جمعیت ارتباط نزدیک دارد (لی، ریچموند و رونر^۴، ۲۰۱۸)؛ در نتیجه با یک میلیارد نفر جمعیت ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی، ۳۰ تا ۷۰ درصد از ساکنان برخی از شهرها نیاز فوری به بررسی امکان توصیه‌های موجود و حمایت از توسعه رویکردهای محلی مناسب برای محافظت از این جمعیت در برابر بدترین اثرات کوید-۱۹ دارند (ویلکینسون، سان و موبری^۵، ۲۰۲۰)؛ بنابراین اقدامات تقویت تاب‌آوری یک جامعه خاص باید بسته به نوع جامعه کانونی متفاوت باشد (راسانن، لاین، برد و ستن^۶، ۲۰۲۰). شیوع کوید-۱۹ به‌عنوان پدیده‌ای گسترده، بر اغلب کشورها در سراسر جهان تأثیر منفی گذاشته است و صرف‌نظر از درآمد و تعهد سیاسی آن‌ها برای بهبود سلامت و رفاه، به‌عنوان یکی از موارد اساسی دستور کار اهداف توسعه پایدار^۷ محسوب می‌شود (ژو^۸ و همکاران، ۲۰۲۰). به‌طور کلی، یکی از راهبردهای بین‌المللی سازمان ملل متحد، برای کاهش بلایا، ایجاد تاب‌آوری جوامع در برابر سوانح طبیعی و انسانی است (روستا، ابراهیم‌زاده و ایستگلدی، ۱۳۹۷)؛ چراکه جوامع تاب‌آور می‌توانند شوک‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، از جمله بلایایی مانند بیماری‌های همه‌گیر را به‌طور مؤثر جذب کنند (لیتمن^۹،

1. Pinchoff

2. Corburn

3. Lak, Shakouri & Maher

4. Li, Richmond & Roehner

5. Wilkinson, Sun & Mowbray

6. Rasanen, Lein & Bird

7. Sustainable Development Goals (SDGs) agenda

8. Zhou, Su, Pei, Zhang, Du & Luo

9. Iltman

۲۰۲۰). مشارکت دادن ذی‌نفعان مختلف در مدیریت سیستم‌های اجتماعی-بوم‌شناختی می‌تواند به ایجاد و افزایش تاب‌آوری از طریق بهبود مشروعیت، گسترش بیشتر و تنوع دانش و کمک به تشخیص و تفسیر چالش‌های مختلف کمک کند. این امر ممکن است در مراحل مختلف یا تمام فرآیند مدیریت رخ دهد، اگر چه مشارکت متنوع می‌تواند به طور خاص در مرحله ابتدایی مفید باشد. طیف وسیعی از مزایا برای مشارکت گسترده و کارآمد وجود دارد. به عنوان مثال یک گروه آگاه و با عملکرد بهتر این پتانسیل و توانایی را دارند که اعتماد و درک مشترکی از هر دو مورد اساسی برای اقدام جمعی ایجاد کنند (هونن و پاتس^۱، ۲۰۰۷). ایجاد چنین جوامعی برای اقدام جمعی در دوره بحران برآمده از کوید-۱۹ با تعامل، آگاهی و مشارکت سکونتگاه‌های غیررسمی تسهیل می‌گردد چرا که مشارکت از طریق تعامل فعال همه ذینفعان مربوطه برای ایجاد تاب‌آوری اجتماعی-بوم‌شناختی اساسی تلقی می‌شود (موسوینگان^۲، ۲۰۱۹). این امر به ایجاد اعتماد و روابط موردنیاز برای بهبود مشروعیت دانش و اقتدار در طول فرایندهای تصمیم‌گیری کمک می‌کند (کندیل، لیچ، شولتز، آرمیتاژ و پترسون^۳، ۲۰۱۵). اهمیت مشارکت مردمی با در نظر گرفتن این امر که «شیوع چنین بیماری عفونی منجر به عواقب گسترده اقتصادی و سیاسی، از جمله از دست دادن جان و اخلال در زندگی روزمره ساکنان شده است»، دوچندان می‌شود (لک، شکوری و ماهر^۴، ۲۰۲۰). همچنین برای نجات زندگی ساکنان محلات غیررسمی به‌کارگیری مشارکت ابزار مناسب و کارآمدی به نظر می‌رسد؛ بنابراین به‌منظور عملیاتی کردن و سنجش موارد مطرح‌شده، در تحقیق حاضر به بررسی این مقوله‌ها در مناطق اسکان غیررسمی شهر زنجان پرداخته می‌شود؛ چراکه در شهر زنجان ۴۷۷۷۵ نفر برابر ۱۱ درصد جمعیت شهری در ۵ محله اسکان غیررسمی سکونت دارند و از ابتدای شیوع بیماری کوید-۱۹، بیش از ۶ هزار نفر مبتلا و بیش از یک‌هزار فوت شدند که بالغ بر ۲۹۰۶ نفر آن به این مراکز تعلق دارند (علوم پزشکی زنجان، ۱۴۰۰)؛ بنابراین پژوهش حاضر می‌کوشد به این پرسش اصلی پاسخ دهد: مشارکت شهروندان در ارتقای

1. Hohnen & Potts

2. Musavengane

3. Cundill, Leitch, Schultz, Armitage & Peterson

4. Lak, Shakouri & Maher

تاب‌آوری اجتماعی در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر زنجان در راستای مقابله با پاندمی کوید-۱۹ چگونه است؟

۲. پیشینه تحقیق

در ارتباط با «تاب‌آوری اجتماعی»، «مجلات تاب‌آور»، «مدیریت بلایا»، «پاندمی‌ها» و «مشارکت و تاب‌آوری» مطالعاتی صورت گرفته که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود. رضاییگی داورانی، هوشمندی، راعی و دانشی (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان «نقش مشارکت مردمی و گروه‌های داوطلب در پیشگیری و کنترل کوید-۱۹ در ایران» به بررسی نقش مشارکت مردمی و گروه‌های داوطلب در مقابله با پاندمی کوید-۱۹ در ایران پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد، سازمان‌های مردم‌نهاد و تلاش‌های مردمی می‌توانند در تأمین نیروی انسانی داوطلبانه، تجهیزات درمانی و پزشکی، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و آگاه‌سازی و اقناع مردمی به دولت کمک کنند. راسانن، لاین، برد و ستن^۱ (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «مفهوم‌سازی جامعه در مدیریت ریسک بلایا» به شاخص‌های بالقوه تاب‌آوری اجتماع پرداخته‌اند که شامل مؤلفه‌های سیاست‌های بخش عمومی و شبکه‌های بازیگر DRM و همچنین شبکه‌های اجتماعی غیررسمی و سرمایه اجتماعی است. در نهایت پیشنهاد کردند که اقدامات برای تقویت تاب‌آوری اجتماع خاص باید بسته به جامعه مدنظر متفاوت باشد. لیتمن (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «برنامه‌ریزی اجتماع تاب‌آور در برابر بیماری همه‌گیر: اقدامات عملیاتی برای کمک به جوامع برای آمادگی، واکنش و بازیابی از همه‌گیری‌ها و سایر شوک‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی» به برنامه‌ریزی اجتماع تاب‌آور در برابر بیماری همه‌گیر پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که برای بهبود تاب‌آوری، جوامع برای واکنش مؤثر در شرایط اضطراری، کنترل شیوع، روش‌های ایمن برای ارائه کالاها و خدمات ضروری، مسکن مناسب برای همه ساکنان، پشتیبانی جسمی و روحی از افراد منزوی و هزینه‌های نیاز دارند و خطرات بیماری‌های عفونی اقدام شدیدتر برای از بین بردن بی‌خانمانی را توجیه می‌کند. فالبرگ و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «مقابله با شوک‌های شدید: تاب‌آوری اجتماعی در

1. Rasanen, Lein & Bird

محل‌های فقیر ریودوژانیرو» به بررسی مقابله با شوک‌های مزمن با محوریت تاب‌آوری اجتماعی در محل‌های فقیرنشین ریودوژانیرو پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، تنوع در استراتژی‌ها نشان‌دهنده توانایی ساکنان در انطباق با یک محیط نابرابر و ناعادلانه شهری است. در راستای تاب‌آوری اجتماعی، ساکنان فقیر به دنبال حقوق، منابع و امتیازات مشابه با سایر شهروندان شهری هستند. ساجا، گونتیلکه، تئو و زیات^۱ (۲۰۱۹) به بررسی انتقادی چارچوب‌های ارزیابی تاب‌آوری اجتماعی در مدیریت بلایا پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد، چارچوب جامع تاب‌آوری اجتماعی که بتواند متناسب با زمینه‌های مختلف سازگار شود و با ابزارها و دستورالعمل‌های سنجش خاص تلفیق شود، ضروری است. نتایج پژوهش خلیلی، هری و مورلی^۲ (۲۰۱۸) که با تمرکز بر چارچوب تاب‌آوری اجتماعی موقت در برابر بلایا در استرالیا انجام شد، بیانگر این است که همبستگی مثبت بین شاخص‌های شناسایی‌شده و تاب‌آوری اجتماعی وجود دارد، اما میزان تأثیرگذاری آن‌ها بسته به مرحله فاجعه متفاوت است. نتایج تحقیق روستا، ابراهیم‌زاده و ایستگلدی (۱۳۹۷) که به ارزیابی میزان تاب‌آوری اجتماعی در شهر زاهدان پرداخته‌اند، نشان می‌دهد که فضای ذهنی نامناسب در مناطق شهری زاهدان (به‌ویژه در مناطق ۳ و ۴) باعث آسیب‌پذیری و نبود تاب‌آوری اجتماعی شهر شده و به تبع آن، امنیت اجتماعی و توسعه این مناطق را به خطر انداخته است. نتایج پژوهش آلدريچ^۳ (۲۰۱۹) نشان می‌دهد که در مطالعه منطقه توهوکو^۴ به دنبال سونامی در ژاپن، سرمایه اجتماعی، شبکه‌ها و شیوه‌های حکمرانی خوب بازسازی شهرها را پس از بلایای طبیعی در منطقه تسهیل کرد. مایکل و مگردمین^۵ (۲۰۱۵)، در تحقیقی که بر مدل‌سازی تاب‌آوری اجتماعی پس‌آپیدمی انجام داده‌اند، بیان کرده‌اند که سرمایه اجتماعی یعنی ساختار اولیه اجتماعی و همچنین تصمیماتی که افراد می‌گیرند، می‌تواند تاب‌آوری جامعه را در برابر حوادث فاجعه‌بار مانند اپیدمی تحت تأثیر قرار دهد.

1. Saja, Goonetilleke, Teo & Ziyath

2. Khalili, Harre & Morley

3. Aldrich

4. Tōhoku region

5. Michel and Megerdooian

۳. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف از نوع کاربردی و از نظر ماهیت و روش پژوهش از نوع ترکیبی کیفی-کمی است. بخش کیفی شامل شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار سازمان‌های غیردولتی بر تاب‌آوری اجتماعی شهروندان در برابر مخاطرات کوید-۱۹ از طریق بررسی مبانی نظری و تئوریک پژوهش و انجام تحلیل دلفی فازی با مشارکت ۱۵ متخصص مرتبط با موضوع پژوهش در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی به‌عنوان اعضای پانل است. سپس مؤلفه‌های نقش سازمان‌های غیردولتی با روش دلفی فازی تعیین شده است. در بخش کمی با استفاده از مدل تحلیل معادلات ساختاری و روش تحلیل مسیر در نرم‌افزار PLS نوع مؤلفه‌ها با توجه به اثرگذاری و اثرپذیری بر سایر مؤلفه‌ها مشخص شده است. در پژوهش حاضر برای بررسی روایی و پایایی پرسشنامه از دو روش صوری و اعتبار سازه (عاملی) و به‌منظور ارزیابی قابلیت اعتماد پرسشنامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج نشان داد که پرسشنامه از پایایی خوبی برخوردار است و آلفای کرونباخ برای دو ساختار از بیشتر از ۰/۷ است. مدل‌های معادلات ساختاری معمولاً ترکیبی از مدل‌های اندازه‌گیری و مدل‌های ساختاری هستند که طبق نرم‌افزار Smart-PLS، سنجش پایایی مرکب و مقدار متوسط واریانس استخراج‌شده محاسبه می‌شود. بنا بر نظر الکساندر و همکاران (۲۰۱۲)، AVE بیشتر از ۰/۵ حاکی از روایی همگراست؛ یعنی متغیر پنهان مدنظر حداقل ۵۰ درصد از واریانس مشاهده‌پذیرهای خود را تبیین می‌کند. بنا بر یافته‌های پژوهش مذکور، نتایج روایی همگرا (AVE) برای همه متغیرهای تحقیق بیشتر از ۰/۵ است؛ در نتیجه از روایی همگرا برخوردار است.

مؤلفه‌های استفاده در این پژوهش، مؤلفه‌های نقش مشارکت مردمی و مؤلفه‌های تاب‌آوری اجتماعی است. برای انتخاب مؤلفه‌ها علاوه بر مطالعه مبانی نظری و پیشینه‌ها، از نظرات متخصصان و کارشناسان در زمینه موضوع موردبحث و همچنین نظرات اساتید دانشگاهی استفاده شده است. در این راستا در این پژوهش از ۴ مؤلفه اصلی نقش مشارکت شامل اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، پیوند اجتماعی، تعامل اجتماعی و ۵ مؤلفه‌های تاب‌آوری اجتماعی شامل مهارت، دانش، آگاهی، نگرش، سرمایه اجتماعی استفاده شده است.

زیرمؤلفه‌های هرکدام از این مؤلفه‌های اصلی، ۲۳ زیرمؤلفه برای مشارکت مردمی در جدول ۱ و همچنین ۹ زیرمؤلفه برای تاب‌آوری اجتماعی در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۱- مؤلفه‌های اصلی و زیر مؤلفه‌های مشارکت مردمی

زیر مؤلفه‌ها	مؤلفه اصلی	منابع
اعتماد اجتماعی	اعتماد به نهادهای اجتماعی محلی (مسجد، شورایی‌های محلی)	پارسونز و همکاران (۲۰۱۶) خلیلی و همکاران (۲۰۱۵)
	عملگرایی مسئول در مدیریت شهری	استاد تقی‌زاده (۲۰۱۵)
	اعتماد به همسایگان	مگوایر و هاگان (۲۰۰۷)
	پاسخگویی مسئولان و مدیران شهری	چن و همکاران (۲۰۱۹)
	صداقت مسئولان و مدیران شهری	لیکین و همکاران (۲۰۱۶)
	اطلاع‌رسانی در زمینه پاندمی کوید-۱۹ از طریق صدا و سیما	وانگ و همکاران (۲۰۲۰)
	اعتماد به همشهریان	ژو و همکاران (۲۰۲۰)
	شرکت در فعالیت‌های رویداد محلی	مگوایر و هاگان (۲۰۰۷)
انسجام اجتماعی	حس تعلق مکانی	نوریس و همکاران (۲۰۰۸)
	راهبری مؤثر جامعه	کوسوماستوتی و همکاران (۲۰۱۴)
	عضویت در سازمان‌های اجتماعی (سازمان مردم‌نهاد)	مگوایر و هاگان (۲۰۰۷)
	متعهدبودن به یک‌دیگر	ساجا و همکاران (۲۰۱۸)
	جلب کمک‌های مردمی محلی و بین‌المللی با یاری سازمان‌های مردم‌نهاد	فیما (۲۰۱۶)
	تشویق جامعه و طبقه‌ثروتمند برای کمک به اقشارضعیف از طریق ارائه بسته‌های حمایتی	فوترگیل و پیک (۲۰۰۴)
	همکاری شهروندان با بیماران زمینه‌ای	لطفی و همکاران (۱۳۹۷)
توانمند اجتماعی	ارتباط مناسب خانوادگی در دوران کوید-۱۹	مولالو و همکاران (۲۰۲۰)
	افزایش تنوع در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی شهری	ژو و همکاران (۲۰۲۰)
	تشکیل تعاونی‌های اقتصادی مردم‌نهاد مانند تعاونی‌های مصرف در برابر پاندمی کوید-۱۹	لیتمن (۲۰۲۰)
	تعامل شهروندان در رویدادهای محلی مانند رویدادهای گردشگری	پرسل (۲۰۱۳)
تعامل اجتماعی	انگ زدایی از بیماران خاص (کرونا)	لیتمن (۲۰۲۰)
	رای‌زنی با بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری برای جلب کردن توجه	دانشپور (۲۰۲۰)

منابع	مؤلفه اصلی	زیر مؤلفه‌ها
	مدیران بانک‌ها و مؤسسات برای اعطای تسهیلات	
استاد تقی‌زاده (۲۰۱۵)	تمایل به ارتباط از طریق فضای مجازی	
سازمان بهداشت جهانی (۲۰۲۰)	حضور در فضای شهری در دوران کوید-۱۹	

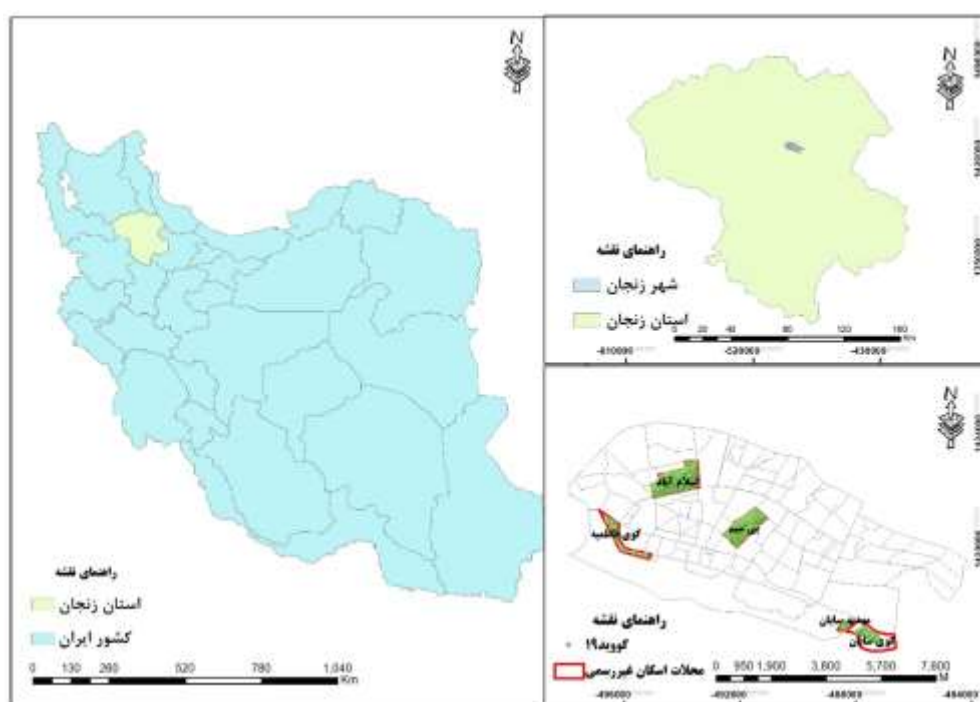
جدول ۲- مؤلفه‌های اصلی و زیرمؤلفه‌های تاب‌آوری اجتماعی

منابع	زیرمؤلفه‌ها	مؤلفه اصلی
مگواير و هاگان (۲۰۰۷)	وضعیت مهارت خانوارها در زمان وقوع و بعد از بحران از طریق شرکت در دوره‌های آموزشی مقابله با بحران شیوع پاندمی کوید-۱۹	مهارت
مایونگا (۲۰۰۷)	مهارت‌های حفظ آرامش روحی و روانی در حین و بعد از بحران شیوع کوید-۱۹	
طهماسبی‌مقدم (۱۴۰۰)	وضعیت دانش خانوارها در ارتباط با آموزش‌های لازم درباره آمادگی در ارتباط با بحران شیوع پاندمی کوید-۱۹	دانش
لیکین و همکاران (۲۰۱۶)	وضعیت آگاهی خانوارها در ارتباط با بحران شیوع پاندمی کوید-۱۹	آگاهی
ساجا و همکاران (۲۰۱۸)	آگاهی از پروتکل‌های بهداشتی مقابله با شیوع پاندمی کوید-۱۹	
(۲۰۱۸)	آگاهی از وجود گروه‌های امداد محله‌ای برای مقابله با بحران شیوع پاندمی کوید-۱۹	
کوهن و همکاران (۲۰۱۳)	نگرش و باور خانوارها در ارتباط با بحران شیوع پاندمی کوید-۱۹	نگرش
لیکین و همکاران (۲۰۱۶)	اعتماد اجتماعی در بین اعضای جامعه برای واکنش مؤثر در برابر بحران شیوع پاندمی کوید-۱۹	سرمایه اجتماعی
نوريس و همکاران (۲۰۰۸)	انسجام اجتماعی بین نهادهای اجتماعی در مقابله مؤثر و پاسخ به بحران شیوع پاندمی کوید-۱۹	

۳.۱. محدوده مورد مطالعه

شهر زنجان به‌عنوان یکی از شهرهای میان‌اندام ایران، تحت‌تأثیر شیوه پاندمی کوید-۱۹ قرار گرفته است. این امر از یک سو باعث شده است که شهروندان تحت‌تأثیر این شیوع پاندمی قرار بگیرند و براساس آمار علوم پزشکی شهر زنجان، از میان ۶۵۷۷ نفر آلوده به ویروس کوید-۱۹، ۲۹۰۶ نفر در سکونتگاه‌های غیررسمی این شهر بوده‌اند؛ به عبارتی ۴۴/۱۸

درصد افراد مبتلا به ویروس فقط در سکونتگاه‌های غیررسمی بوده‌اند (دانشگاه علوم پزشکی زنجان، ۱۴۰۰). براساس آمار سرشماری سال ۱۳۹۵ این شهر دارای جمعیتی معادل ۴۳۳۴۷۵ نفر بوده است که به‌عنوان بیستمین شهر کشور از لحاظ جمعیتی محسوب می‌شود که از این میزان جمعیت معادل ۴۷۷۷۵ برابر ۱۱,۰۲ درصد جمعیت در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر زنجان ساکن هستند. شکل ۱ موقعیت سکونتگاه‌های شهر زنجان را نشان می‌دهد.



شکل ۱- موقعیت منطقه مورد مطالعه

۴. مبانی نظری تحقیق

واژه «تاب‌آوری» اغلب به معنای برگشت به گذشته به کار می‌رود و از ریشه لاتین Resilio به معنای جهش به گذشته گرفته شده است (کوپلند^۱ و همکاران، ۲۰۲۰) و معادل

1. Copeland, McGinnis, Adams, Nardone, Devadanam & Hudziak

واژه انگلیسی آن Resilience به معنای توانایی بازیابی، بهبود سریع، تغییر، شناوری، کشسانی و همچنین خاصیت فنری و ارتجاعی است (وبستر مریام^۱، ۲۰۰۶). این واژه را قابلیت ارتجاع، فنریت، جهندگی، کشسانی، برگشت پذیری، بهبود پذیری، انعطاف پذیری و ترمیم پذیری نیز بیان کرده‌اند (بریگوگلیو، کوردینا، فاروجیا و ولا^۲، ۲۰۰۷؛ هیل^۳ و همکاران، ۲۰۱۲) و برای اولین بار بیشتر در علوم مکانیکی (از سال ۱۸۵۸) برای اشاره به میزان توانایی مواد در تغییر شکل و بازگشت به حالت اولیه خود استفاده شده است (الکساندر^۴، ۲۰۱۳). سپس در نظریه‌های علمی، واژه تاب‌آوری در علم روان‌شناسی و اکولوژی (تاکنبرگ و لوکاس^۵، ۲۰۱۹) و تعدادی از رشته‌های علمی دیگر مانند جغرافیا و اقتصاد راه یافته است (کک و ساکداپلرک^۶، ۲۰۱۳، ص. ۱۸) به دلیل کاربرد بیشتر مفهوم تاب‌آوری، تفسیرهای مختلفی از آن در رشته‌های مختلف از جمله علوم مهندسی، اکولوژی و علوم اجتماعی شده است (کوینلان، بلازکز، هایدن و پترسون^۷، ۲۰۱۵؛ مک‌میلن، کمپیل، سوندسن و رینولدز^۸، ۲۰۱۶).

تاب‌آوری و جوامع شهری: مفهوم تاب‌آوری در بسیاری از رشته‌های مختلف از جمله بوم‌شناسی، سیستم‌های زیست‌محیطی اجتماعی، علوم اجتماعی و روان‌شناسی مطالعه و استفاده شده است (نوریس، استیونز، پفربام، وایچ و پفربام^۹، ۲۰۰۸؛ مک‌میلن و همکارا، ۲۰۱۶). نخستین بار نیز لینگ^{۱۰} در سال ۱۹۷۳ میلادی این اصطلاح را به عنوان مفهومی اکولوژیک مطرح کرد. سپس ادگر^{۱۱} (۲۰۰۰) در نظام‌های اجتماعی، کارپنتر^{۱۲} (۲۰۰۱) در نظام‌های انسانی محیطی، برکیس^{۱۳} (۲۰۰۳) در نظام‌های اجتماعی اکولوژیک، برنئو^{۱۴} (۲۰۰۳) در

1. WebsterMerriam
2. Briguglio, Cordina, Farrugia & Vella
3. Hill, Clair
4. Alexander
5. Tackenberg & Lukas
6. Keck & Sakdapolrak
7. Quinlan, Blázquez, Haider & Peterson
8. McMillen, Campbell, Svendsen & Reynolds
9. Norris, Stevens, Pfefferbaum, Wyche & Pfefferbaum
10. Holling
11. Adger
12. Carpenter
13. Berkes
14. Bruneau

مدیریت سوانح کوتاه‌مدت و تیمرمن^۱ (۱۹۸۱) در پدیده‌های بلندمدت مانند تغییرات اقلیمی به کار گرفتند. تعریف‌های متعدد و گوناگونی از تاب‌آوری بیان شده است. همچنین، مفهوم تاب‌آوری در علوم مختلف به شکل‌های گوناگونی مدنظر قرار گرفته است (رفیعیان، رضایی، عسگری، پرهیزگار و شایان، ۱۳۹۰، ۲۲). اجماع جامعه علمی این است که تاب‌آوری و اجتماع تاب‌آور مفهومی چندجانبه و شامل ابعادی مانند اجتماعی، اقتصادی، نهادی، کالبدی و محیطی است (فنی و معصومی، ۱۳۹۵، ۶۸). از یک سو تاب‌آوری به تلاش‌های جامعه برای مقاومت در برابر یک فاجعه و پیامدهای آن مربوط می‌شود (مگوایر و هاگان^۲، ۲۰۰۷، ص. ۱۷) و از سوی دیگر، امروزه، تاب‌آوری راهی برای تقویت جوامع با به‌کارگیری ظرفیت‌های آن‌ها مطرح می‌شود و تعریف‌ها، رویکردها، شاخص‌ها و مدل‌های سنجشی متفاوتی درمورد آن شکل گرفته است (رفیعیان و همکاران، ۱۳۹۰، ص. ۱۹). به‌طور کلی، توانایی افراد و جوامع برای کنار آمدن با آشفتگی^۳ یا تغییرات و حفظ رفتار سازگارانه، تاب‌آوری نامیده می‌شود (خلیلی، هری و مورلی^۴، ۲۰۱۸). مطالعات درمورد تاب‌آوری می‌تواند به جوامع ما در کاهش خطر بلایا، سازگاری با تغییرات آب و هوایی و ارائه راهکارهایی برای توسعه پایدارتر و کارآمدتر کمک کند (نگوین و آکرکار^۵، ۲۰۲۰)؛ در نتیجه، جوامع برای ایجاد تاب‌آوری باید به طور پیشگیرانه و مداوم برای مقابله با خطرات به‌منظور ایجاد تاب‌آوری به‌منظور کاهش شدت اثرات فاجعه و بازیابی سریع‌تر از خسارات برآمده از فاجعه آماده شوند (ساجا، گونتیلکه، تئو، زیات^۶، ۲۰۱۹).

۴.۱. تبیین مفهومی تاب‌آوری اجتماعی

به‌طور خاص، تاب‌آوری اجتماعی^۷ به‌طور گسترده‌ای در مدیریت منابع طبیعی، تغییر و توسعه اجتماعی و مدیریت بلایا مطالعه شده است (کک و ساکداپلرک^۸، ۲۰۱۳، ص. ۱۸).

1. Timmerman
2. Maguire & Hagan
3. Disturbances
4. Khalili, Harre & Morley
5. Nguyen & Akerkar
6. Saja, Goonetilleke, Teo & Ziyath
7. social resilience
8. Keck & Sakdapolrak

تاب‌آوری اجتماعی، ظرفیت گروه‌ها و جوامع اجتماعی برای بازیابی از بحران‌ها یا پاسخ مثبت آن‌هاست (مگوایر و هاگان، ۲۰۰۷). مگوایر و هاگان (۲۰۰۷) معتقدند که تحقیقات در علوم اجتماعی حاکی از آن است که تاب‌آوری اجتماعی پاسخی «به‌طور طبیعی» در برابر فاجعه است، اما برنامه‌های مدیریت اضطراری باید این ظرفیت را تشخیص دهند و از آن استفاده کنند و شاخص‌های بهبود تاب‌آوری اجتماعی زمینه‌ای اولویت‌دار برای تحقیقات آینده است. تاب‌آوری اجتماعی در شهر بیشتر اوقات به این صورت تعریف می‌شود: توانایی یک سیستم شهری و همه شبکه‌های اجتماعی اقتصادی اکولوژیک و اجتماعی فنی آن در مقیاس زمانی و مکانی - برای حفظ یا بازگشت سریع عملکردهای مطلوب در برابر اختلال، سازگار شدن با تغییر و تبدیل سریع سیستم‌هایی که ظرفیت انطباقی فعلی یا آینده را محدود کند (میرو، نیول و استالتز^۱، ۲۰۱۵، ص. ۳۹). همچنین برای بهبود تاب‌آوری، جوامع به پاسخ‌های مؤثری از جمله کنترل سرایت، دسترسی ایمن به کالاها و خدمات ضروری و تحویل آن‌ها، مسکن مناسب، حمایت جسمی و روحی از افراد منزوی و مقرون‌به‌صرفه بودن نیاز دارند (لیتمن، ۲۰۲۰). در حالت کلی، تاب‌آوری اجتماعی به ظرفیت یک جامعه یا اجتماع محلی در مقابله و انطباق با اختلالات و تغییرات اشاره دارد و توانایی جوامع را برای خودسازمان‌دهی، تنظیم تنش‌ها و افزایش ظرفیت خود برای یادگیری انطباق و پوشش می‌دهد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۷۹). قابلیت‌های تاب‌آوری جوامع، سرعت و وسعت بهبود آن‌ها در بلایا، اغلب تفاوت درخور توجهی دارند (برتون^۲، ۲۰۱۵، ص. ۶۸)؛ در نتیجه اگر تاب‌آوری فرایند نتیجه شرایط اجتماعی، اقتصادی و اکولوژیک باشد، در این صورت می‌تواند به‌عنوان منابعی برای سلامت باشد. در این چارچوب، امروزه شهرها و مراکز بزرگ جمعیتی با مخاطره‌ای بیولوژیک و خارجی به نام پاندمی کوید-۱۹ روبه‌رو هستند که از اواخر سال ۲۰۱۹ نه مثل طاعون، وبا، ابولا و...، بلکه با سرعت بیشتری جوامع را از شرق به غرب درنوردید (سازمان بهداشت جهانی^۳، ۲۰۲۰، ص. ۲) و به دنبال آن، موجی از تحولات در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایجاد کرد؛ به‌طوری‌که این نوپدیده از پدیده‌ای پزشکی به پدیده‌ای اجتماعی،

1. Meerow, Newell & Stults

2. Burton

3. World Health Organization

اقتصادی و در پی آن شهر و شهرنشینی تبدیل شده است. همواره گروه‌های آسیب‌پذیر جوامع به دلیل ناتوانی در رعایت موازین بهداشتی، الزام برای کار و تأمین حداقل معیشت خانواده و پرسه‌زنی اجتماعی برای فرار از فضاها و کوچ مسکنی که محل سکونت نیست، بیشتر در معرض بیماری قرار دارند و این زمینه دیگری را برای درگیری اجتماعی و اقتصادی همه گروه‌ها در فضاها و شهری فراهم می‌کند که خود مسبب افزایش مشکلات پیشگیری و کنترل پاندمی کوید-۱۹ می‌شود (ریمرز و شلاچر^۱، ۲۰۲۰) که مهم‌ترین برآیند آن، وقفه در جریان عادی زندگی مردم، مشکلات اجتماعی و اقتصادی، عاطفی، روانی، وقفه در تولید، خدمات و ارتباطات، خسارات مالی و جانی، تهدید و ازهم‌گسیختگی سلامتی جامعه امروزی است (وانگ، مونتیرو و پاپکین^۲، ۲۰۲۰، ص. ۴۵۸)؛ بنابراین امروزه شهرهای جهان با توجه به تجربه جهانی کرونا و پارادایمیک برنامه‌ریزی از درون افراد پذیرفته‌اند که تاب‌آوری اجتماعی، یکی از زیربناهای حرکتی برای مهار بیماری کرونا خواهد بود.

۴.۲. پاندمی کوید-۱۹: محلات اسکان غیررسمی و تاب‌آوری اجتماعی

ارزیابی آسیب‌پذیری‌ها و پیامدهای پاندمی‌ها یک مسئله پیچیده چندبعدی است که باید مسائل اجتماعی مانند اختلال در زیرساخت‌ها و خدمات، تورم اقتصادی، کسری‌های مالی برآمده از بحران و فقر در نظر گرفته شود (دی ویت، پینار و دی کوپپر^۳، ۲۰۱۶)؛ به عبارت بهتر، عواقب اقتصادی، اختلال در زیرساخت‌ها و خدمات و همچنین سرعت بهبودی، تنها چند مورد از ابعاد مختلفی است که می‌تواند تأثیر یک پاندمی را بر ساختار جامعه تعیین کند (ماسارو، گانین، پرا، لینکوف و و سپیگنانی^۴، ۲۰۱۸). حاشیه‌نشینان و فقیرنشینان شهری نه تنها چالش‌های مختلفی را در مقایسه با ساکنان ثروتمند شهری تجربه می‌کنند، بلکه چالش‌های آن‌ها اغلب با تاب‌آوری هسته شهری ارتباط منفی دارد؛ بنابراین باید از استراتژی‌های مختلف بقا استفاده کنند (فالبرگ و همکاران، ۲۰۲۰، ص. ۳). خانوارهای فقیر شهری در طول بحران‌ها بسیار آسیب‌پذیر هستند و هنگامی که با شوک‌های خارجی شدید مواجه می‌شوند، توانایی

1. Reimers & Schleicher
2. Wang, Monteiro & Popkin
3. De Witte, Pienaar & De Cuyper
4. Massaro, Ganin, Perra, Linkov & Vespignani

کمتری برای مقابله با اثرات سلامت و مالی دارند (روئل^۱، ۲۰۱۰). با ظهور پاندمی کوید-۱۹، نیاز فوری به در نظر گرفتن امکان توسعه روش‌های مناسب محلی برای حفاظت از این جمعیت در برابر بدترین اثرات این پاندمی درمان‌ناپذیر وجود دارد. با توجه به وضعیت غیرقانونی یا غیررسمی، اطلاعات همه‌گیرشناسی درمورد تعداد افرادی که در این سکونتگاه‌ها زندگی می‌کنند، برای متخصصان سلامت عمومی، ناهموار و دشوار است. براساس مطالعات اخیر، تراکم زیاد جمعیت، تعاملات مکرر و پیچیده، کمبود مراکز بهداشتی درمانی در شهرها (ژو، سو، پی، ژانگ، دیو و لو^۲، ۲۰۲۰) و آلودگی محیط‌زیست (ریس، آن، توربر، برک^۳، ۲۰۱۳) ازجمله عناصری هستند که باعث تشدید اوضاع همه‌گیر می‌شوند و مشکلات را در کاهش، پیشگیری و کنترل به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه ایجاد می‌کنند (لک، شکوری و ماهر^۴، ۲۰۲۰). همان‌طور که سازمان بهداشت جهانی اشاره کرده است، در قرن بیست‌ویکم ارتباط ریسک و مشارکت مردمی (RCCE) برای موفقیت پاسخ به شرایط اضطراری بهداشتی ضروری است (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۲۰، ص. ۲). نابرابری در دسترسی به آموزش، منابع و کیفیت زندگی، کنترل بهداشت و شیوه زندگی بهداشتی، کاهش سرمایه اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی در توسعه جدید بر اهمیت تاب‌آوری اجتماعی در همه‌گیرهای طاقت‌فرسا تأکید می‌کنند (تامبو و موکشل^۵، ۲۰۱۸)؛ بنابراین سیاست‌های عمومی تاب‌آوری و شیوه‌های برنامه‌ریزی باید نحوه تأثیرپذیری اجتماعی بر حاشیه‌نشینان خود را در نظر بگیرد و صدا و نیازهای آن‌ها را در برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات دولت لحاظ کند (فالبرگ و همکاران، ۲۰۲۰)؛ چراکه افراد بی‌خانمان، افراد در خانه‌های شلوغ نامناسب و ناسالم یا خانه‌های مشترک و کثیف و حتی چادرها بیشتر در معرض خطر بیماری‌ها هستند (ملالو، واحدی و ریورا^۶، ۲۰۲۰). تغییر در رویه‌های حاکم بر مبنای ارتقای تاب‌آوری اجتماعی از طریق جلب مشارکت شهروندان برای مقابله با شوک‌ها و بحران‌های گسترده مانند پاندمی کوید-۱۹ اجتناب‌ناپذیر

-
1. Ruel
 2. Zhou, Su, Pei, Zhang, Du & Luo
 3. Reyes, Ahn, Thurber, Burke
 4. Lak, Shakouri & Maher
 5. Tambo & Mockshell
 6. Mollalo, Vahedi & Rivera

است؛ زیرا مشارکت شهروندان یکی از مباحث مطرح در مدیریت بحران است. مشارکت شهروندان در واقع سهمی شدن مردم در تمامی فرایندهای مربوط به چرخه مدیریت بحران است (جهانگیری، استوار ایزدخواه و جاروندی، ۱۳۸۹).

۵. یافته‌های تحقیق

۵.۱. بررسی ساختاری نقش مشارکت مردمی در افزایش تاب‌آوری اجتماعی در برابر پاندمی کوید-۱۹

در این پژوهش برای بررسی نقش مشارکت مردمی بر تاب‌آوری اجتماعی سکونتگاه‌های غیررسمی در برابر پاندمی کوید-۱۹، مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر مشارکت مردمی در ارتقای تاب‌آوری اجتماعی، با استفاده از مطالعه مبانی نظری جمع‌آوری شد. سپس به صورت پرسشنامه در قالب روش دلفی فازی تحلیل شد. از اعضای پانل خبرگان (۱۵ نفر) خواسته شد با استفاده از متغیرهای کلامی (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم) نظر خود را در مورد هر کدام از مؤلفه‌ها اعمال کنند. در این میان برای فازی کردن متغیرهای کلامی از اعداد فازی مثلثی که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، بهره گرفته شده است.

بر اساس جدول ۵ و یافته‌های حاصل از پرسشنامه در دور اول دلفی و با توجه به اینکه آستانه تحمل مقدار ۰/۷ در نظر گرفته شده است، از ۲۳ مؤلفه‌ای که در اختیار کارشناسان قرار گرفته شد، در مجموع مقدار عددی فازی شده ۱۷ مؤلفه، بیشتر از ۰/۷ به دست آمده است و به عنوان مؤلفه‌های تأثیرگذار در ارتقای تاب‌آوری اجتماعی تأیید شده‌اند و ۶ مؤلفه مقداری کمتر از ۰/۷ به دست آورده‌اند که نشان از تأییدنشدن این مؤلفه‌ها توسط کارشناسان به عنوان عامل مهم در تاب‌آوری اجتماعی دارند. عوامل استخراج شده از پرسشنامه‌ها و نتایج بررسی داده‌ها در مرحله اول دلفی فازی در جدول ۳ بیان شده است.

جدول ۳- مؤلفه‌ها و دیدگاه خبرگان مرتبط با نقش مشارکت مردمی در ارتقای تاب‌آوری اجتماعی محلات

اسکان غیررسمی شهر زنجان (نظرسنجی مرحله اول)

زیر مؤلفه‌ها	مؤلفه اصلی	کرانه زیاد	کرانه وسط	کرانه کم	میانگین سه کرانه	وضعیت
۱	اعتماد به نهادهای اجتماعی محلی (مسجد)،	۰/۹۸	۰/۸۵	۰/۶۰	۰/۸۳	تأیید شده

زیر مؤلفه‌ها	مؤلفه اصلی	کرانه زیاد	کرانه وسط	کرانه کم	میانگین سه کرانه	وضعیت
	شورایاری‌های محلی)					
	عملگرایی مسئولان در مدیریت شهری	۰/۹۲	۰/۷۸	۰/۵۳	۰/۷۶	تأیید شده
	اعتماد به همسایگان	۰/۹۰	۰/۷۲	۰/۴۷	۰/۷۰	تأیید شده
	پاسخگویی مسئولان و مدیران شهری	۰/۸۰	۰/۶۲	۰/۳۸	۰/۶۰	تأیید نشده
	صداقت مسئولان و مدیران شهری	۰/۹۲	۰/۷۲	۰/۴۷	۰/۷۰	تأیید شده
	اطلاع‌رسانی در زمینه پاندمی کوید-۱۹ از طریق صدا و سیما	۰/۹۳	۰/۸۰	۰/۵۵	۰/۷۸	تأیید شده
	اعتماد به همشهریان	۰/۸۳	۰/۷۰	۰/۴۵	۰/۶۸	تأیید نشده
انجام اجتماعی	شرکت در فعالیت‌های رویداد محلی	۰/۸۸	۰/۷۲	۰/۴۷	۰/۷۰	تأیید شده
	حسن تعلق مکانی	۰/۸۷	۰/۷۵	۰/۵۰	۰/۷۲	تأیید شده
	راهبری مؤثر جامعه	۰/۹۲	۰/۷۳	۰/۴۸	۰/۷۲	تأیید شده
	عضویت در سازمان‌های اجتماعی (سازمان مردم نهاد)	۰/۹۰	۰/۷۷	۰/۵۲	۰/۷۴	تأیید شده
	متعهد بودن نسبت به یک‌دیگر	۰/۷۸	۰/۶۳	۰/۳۸	۰/۶۱	تأیید نشده
	جلب کمک‌های مردمی محلی و بین‌المللی با یاری سازمان‌های مردم‌نهاد	۰/۹۰	۰/۷۵	۰/۵۰	۰/۷۳	تأیید شده
	تشویق جامعه و طبقه ثروتمند برای کمک به افشار ضعیف از طریق ارائه بسته‌های حمایتی	۰/۷۵	۰/۷۲	۰/۴۷	۰/۶۸	تأیید نشده
پیوند اجتماعی	همکاری شهروندان با بیماران زمینه‌ای	۰/۹۵	۰/۸۰	۰/۵۵	۰/۷۸	تأیید شده
	ارتباط مناسب خانوادگی در دوران کوید-۱۹	۰/۹۵	۰/۷۸	۰/۵۳	۰/۷۶	تأیید شده
	افزایش تنوع در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی شهری	۰/۶۵	۰/۶۵	۰/۵۰	۰/۶۹	تأیید نشده
	تشکیل تعاونی‌های اقتصادی مردم‌نهاد مانند تعاونی های مصرف در برابر پاندمی کوید-۱۹	۰/۹۲	۰/۷۲	۰/۴۷	۰/۷۰	تأیید شده
تفاعل اجتماعی	تعامل شهروندان در رویدادهای محلی مانند رویدادهای گردشگری	۰/۸۷	۰/۷۵	۰/۵۰	۰/۷۲	تأیید شده
	انگ‌زدایی از بیماران خاص (کرونا)	۰/۸۷	۰/۷۳	۰/۴۸	۰/۷۱	تأیید شده
	رایزنی با بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری به‌منظور جلب کردن توجه مدیران بانک‌ها و مؤسسات برای اعطای تسهیلات	۰/۸۵	۰/۷۳	۰/۴۸	۰/۷۱	تأیید شده

مؤلفه اصلی	کرانه زیاد	کرانه وسط	کرانه کم	میانگین سه کرانه	وضعیت
تمایل به ارتباط از طریق فضای مجازی	۰/۹۰	۰/۷۲	۰/۴۷	۰/۷۰	تأیید شده
حضور در فضای شهری در دوران کوید-۱۹	۰/۷۷	۰/۶۷	۰/۴۷	۰/۶۹	تأیید نشده

در مرحله دوم از روش دلفی فازی، ۱۷ مؤلفه تأیید شده از سوی کارشناسان از مرحله اول، در قالب پرسشنامه‌ای دیگر و برای شروع فاز دوم روش دلفی فازی، در اختیار کارشناسان قرار گرفته شد. در این مرحله پس از تحلیل‌های انجام گرفته و مقایسه آن با نتایج دوره اول، باید اختلاف خبرگان در مقایسه با مرحله قبل از حد آستانه ۰/۲ کمتر باشد تا فرایند نظرسنجی متوقف شود. با مقایسه‌های صورت گرفته مجموع اختلاف نظر خبرگان در دو مرحله کمتر از ۰/۲ بوده است؛ بنابراین دلفی در دور دوم متوقف شد. مطابق جدول ۴، با توجه به مقدار عددی فازی شده در مرحله دوم، همه مؤلفه‌ها، مقداری بیشتر از ۰/۷ به دست آورده‌اند و خبرگان تأیید کرده‌اند.

جدول ۴- مؤلفه‌ها و دیدگاه خبرگان مرتبط با مشارکت مردمی در ارتقای تاب‌آوری اجتماعی محلات

اسکان غیررسمی شهر زنجان (نظرسنجی مرحله دوم)

مؤلفه اصلی	کرانه زیاد	کرانه وسط	کرانه کم	میانگین سه کرانه	وضعیت
اعتماد اجتماعی	۰/۹۵	۰/۷۳	۰/۴۸	۰/۷۲	تأیید شده
	۰/۹۰	۰/۷۷	۰/۵۲	۰/۷۴	تأیید شده
	۰/۹۰	۰/۷۲	۰/۴۷	۰/۷۰	تأیید شده
	۰/۹۲	۰/۷۲	۰/۴۷	۰/۷۰	تأیید شده
	۰/۹۳	۰/۷۸	۰/۵۳	۰/۷۶	تأیید شده
انسجام اجتماعی	۰/۹۳	۰/۷۲	۰/۴۷	۰/۷۱	تأیید شده
	۰/۸۷	۰/۷۳	۰/۴۸	۰/۷۱	تأیید شده
	۰/۹۰	۰/۷۲	۰/۴۷	۰/۷۰	تأیید شده
	۰/۹۰	۰/۷۵	۰/۵۰	۰/۷۳	تأیید شده

مؤلفه‌ها	زیر	مؤلفه اصلی	کراانه زیاد	کراانه وسط	کراانه کم	میانگین سه کراانه	وضعیت
		مردم‌نهاد					
		جلب کمک‌های مردمی و بین‌المللی با یاری سازمان های مردم‌نهاد	۰/۹۰	۰/۷۵	۰/۵۰	۰/۷۳	تائیدشده
توسعه اجتماعی		همکاری شهروندان با بیماران زمینه‌ای	۰/۹۳	۰/۷۵	۰/۵۰	۰/۷۳	تائیدشده
		ارتباط مناسب خانوادگی در دوران کوید-۱۹	۰/۹۳	۰/۷۳	۰/۴۸	۰/۷۲	تائیدشده
		تشکیل تعاونی‌های اقتصادی مردم‌نهاد مانند تعاونی‌های مصرف در برابر پاندمی کوید-۱۹	۰/۹۳	۰/۷۲	۰/۴۷	۰/۷۱	تائیدشده
توسعه اقتصادی		تعامل شهروندان در رویدادهای محلی مانند رویدادهای گردشگری	۰/۸۷	۰/۷۵	۰/۵۰	۰/۷۲	تائیدشده
		انگ‌زدایی از بیماران خاص (کرونا)	۰/۸۷	۰/۷۳	۰/۴۸	۰/۷۱	تائیدشده
		رایزنی با بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری به منظور جلب کردن توجه مدیران بانک‌ها و مؤسسات برای اعطای تسهیلات	۰/۸۷	۰/۷۲	۰/۴۷	۰/۷۰	تائیدشده
		تمایل به ارتباط از طریق فضای مجازی	۰/۹۰	۰/۷۲	۰/۴۷	۰/۷۰	تائیدشده

۲.۵. بررسی میزان اهمیت و نحوه اثرگذاری و اثرپذیری مؤلفه‌های شناسایی شده

۲.۵.۱. سنجش بارهای عاملی

از تحلیل عاملی تأییدی به این دلیل استفاده شده است که بررسی کنیم آیا سؤالات هر متغیر (متغیرهای آشکار) با سازه مربوط به خودش (متغیر پنهان) ارتباط دارد یا خیر. در تحلیل عاملی تأییدی پیش فرض اساسی این بوده است که هر عامل با زیرمجموعه خاصی از متغیرها ارتباط دارد. قدرت رابطه بین عامل (متغیر پنهان) و متغیر قابل مشاهده به وسیله بار عاملی نشان داده شده است. در جدول ۴، متغیرهای پژوهش به همراه گوی‌های مربوط به آن‌ها در ابزار پژوهش و بارهای عاملی آن‌ها که از نرم‌افزار SmartPls استخراج شده، آورده شده است.

جدول ۵- نتایج بارهای عاملی

متغیر	شاخص (گویه)	بار عاملی	متغیر	شاخص (گویه)	بار عاملی
اعتماد اجتماعی	اعتماد به نهادهای اجتماعی محلی (مسجد، شورایاری‌های محلی)	۰/۷۲۵	تبادل اجتماعی	تعامل شهروندان در رویدادهای محلی مانند رویدادهای گردشگری	۰/۷۷۷
	عملگرایی مسئولان در مدیریت شهری	۰/۸۱۰		انگ‌زدایی از بیماران خاص (کرونا)	۰/۸۲۸
	اعتماد به همسایگان	۰/۷۳۳		رایزنی با بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری برای جلب نمودن توجه مدیران بانک‌ها و مؤسسات برای اعطای تسهیلات	۰/۸۳۰
	صداقت مسئولان و مدیران شهری	۰/۸۹۰		تمایل به ارتباط از طریق فضای مجازی	۰/۹۳۳
	اطلاع‌رسانی در زمینه پاندمی کوید-۱۹ از طریق صداوسیما	۰/۷۱۸			
انسجام اجتماعی	شرکت در فعالیت‌های رویداد محلی	۰/۸۳۸	تاب‌آوری اجتماعی	وضعیت مهارت خانوارها در زمان وقوع و بعد از بحران از طریق شرکت در دوره‌های آموزشی مقابله با بحران شیوع پاندمی کوید-۱۹	۰/۷۵۲
	حس تعلق مکانی	۰/۷۱۳		مهارت‌های حفظ آرامش روحی و روانی در حین و بعد از بحران شیوع کوید-۱۹	۰/۷۱۶
	راهبری مؤثر جامعه	۰/۷۴۲		وضعیت دانش خانوارها در ارتباط با آموزش های لازم درباره آمادگی در ارتباط با بحران شیوع پاندمی کوید-۱۹	۰/۷۹۷
	عضویت در سازمان‌های اجتماعی (سازمان‌های مردم‌نهاد)	۰/۸۸۰		وضعیت آگاهی خانوارها در ارتباط با بحران شیوع پاندمی کوید-۱۹	۰/۸۳۳
	جلب کمک‌های مردمی و بین المللی با یاری سازمان‌های مردم‌نهاد	۰/۷۶۹		آگاهی از پروتکل‌های بهداشتی مقابله با شیوع پاندمی کوید-۱۹	۰/۷۳۶
پیوند اجتماعی	همکاری شهروندان با بیماران زمینه‌ای	۰/۹۴۴		آگاهی از وجود گروه‌های امداد محله‌ای برای مقابله با بحران شیوع پاندمی کوید-۱۹	۰/۷۴۰
	ارتباط مناسب خانوادگی در دوران کوید-۱۹	۰/۷۴۸		نگرش و باور خانوارها در ارتباط با بحران شیوع پاندمی کوید-۱۹	۰/۷۱۶
	تشکیل تعاونی‌های اقتصادی	۰/۸۳۵		اعتماد اجتماعی در بین اعضای جامعه برای	۰/۸۸۶

متغیر	شاخص (گویه)	بار عاملی	متغیر	شاخص (گویه)	بار عاملی
	مردم‌نهاد مانند تعاونی‌های مصرف در برابر پاندمی کوید-۱۹			واکنش مؤثر در برابر بحران شیوع پاندمی کوید-۱۹	
				انسجام اجتماعی بین نهادهای اجتماعی در مقابله مؤثر و پاسخ به بحران شیوع پاندمی کوید-۱۹	۰/۷۰۷

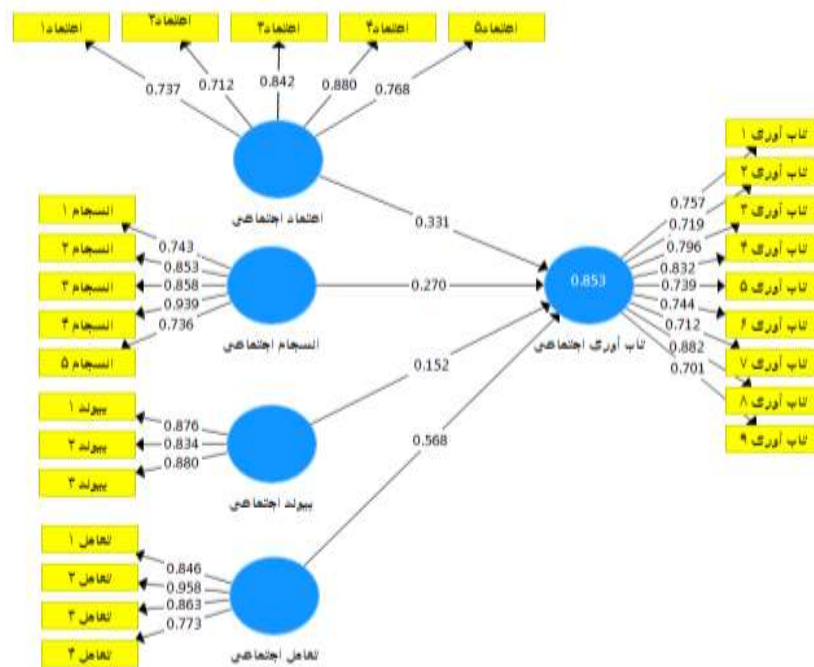
نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد، مقادیر تمامی بارهای عاملی گویه‌ها بیشتر از ۰/۵ است که برای محاسبه متغیرهای پنهان مدل مقیاس بسیار قابل قبول به حساب می‌آید. مقدار بار عاملی بین ۰/۲ تا ۰/۳ نشان‌دهنده مقیاس ضعیف است و احتمالاً باید از مدل حذف شود. بارهای عاملی بین ۰/۳ تا ۰/۵ نشان می‌دهد، متغیر مشاهده‌شده دارای مقیاس نسبتاً ضعیفی است، ولی برای ادامه تحلیل کفایت می‌کند. مقادیر بزرگ‌تر از ۰/۵ نیز نشان می‌دهد، متغیر مشاهده‌پذیر مقیاس قابل اطمینان برای محاسبه متغیر پنهان است.

براساس نتایج به‌دست‌آمده از مدل تحلیل عاملی تأییدی، تمامی شاخص‌های آشکار رابطه قوی بین متغیر پنهان خود دارند؛ به‌طوری‌که در شاخص‌های اعتماد اجتماعی به‌ترتیب مؤلفه‌های صداقت مسئولان و مدیران شهری (۰/۸۹۰)، عملگرایی مسئولان در مدیریت شهری (۰/۸۱۰) و اعتماد به همسایگان (۰/۷۳۳) بیشترین رابطه را با متغیر پنهان دارند. در بین متغیر انسجام اجتماعی، بیشترین میزان بار عاملی به عضویت در سازمان‌های اجتماعی (سازمان‌های مردم‌نهاد) (۰/۸۸۰)، شرکت در فعالیت‌های رویداد محلی (۰/۸۳۸) و جلب کمک‌های مردمی و بین‌المللی با یاری سازمان‌های مردم‌نهاد (۰/۷۶۹) اختصاص یافته است. از مؤلفه‌های پیوند اجتماعی، به بیشترین رابطه می‌توان به‌ترتیب به همکاری شهروندان با بیماران زمینه‌ای (۰/۹۴۴)، تشکیل تعاونی‌های اقتصادی مردم‌نهاد مانند تعاونی‌های مصرف در برابر پاندمی کوید-۱۹ (۰/۸۳۵) و ارتباط مناسب خانوادگی در دوران کوید-۱۹ (۰/۷۴۸) اشاره کرد. از شاخص‌های تعامل اجتماعی، به‌ترتیب بیشترین میزان رابطه تمایل به ارتباط از طریق فضای مجازی (۰/۹۳۳)، ریزنی با بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری به‌منظور جلب کردن توجه مدیران بانک‌ها و مؤسسات برای اعطای تسهیلات (۰/۸۳۰) و انگ‌زدایی از بیماران خاص

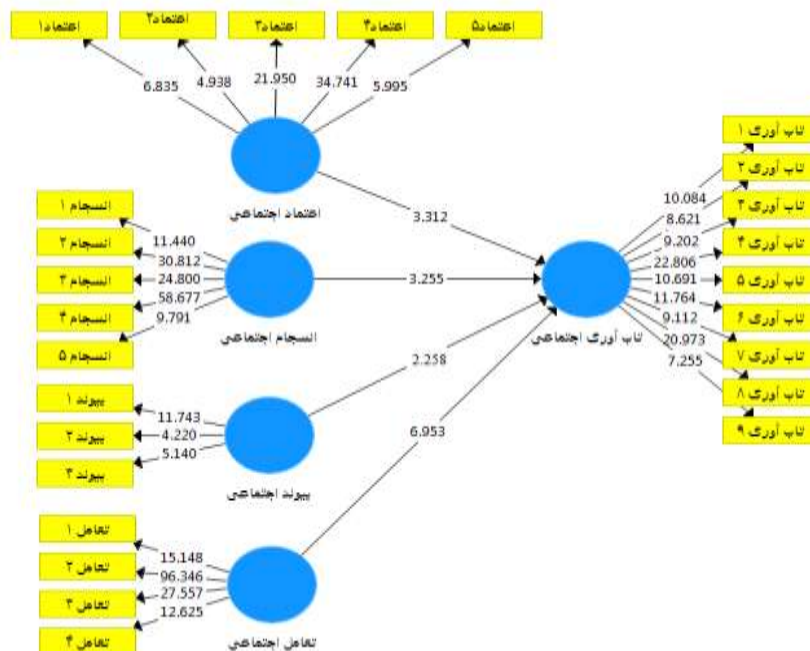
(کرونا) (۰/۸۲۸) است. در بین شاخص‌های مربوط به تاب‌آوری اجتماعی، براساس بیشترین میزان بار عاملی می‌توان به اعتماد اجتماعی در بین اعضای جامعه برای واکنش مؤثر در برابر بحران شیوع پاندمی کوید-۱۹ (۰/۸۸۶)، وضعیت آگاهی خانوارها در ارتباط با بحران شیوع پاندمی کوید-۱۹ (۰/۸۳۳) و وضعیت دانش خانوارها در ارتباط با آموزش‌های لازم درباره آمادگی در ارتباط با بحران شیوع پاندمی کوید-۱۹ (۰/۷۹۷) اشاره کرد.

۵.۲.۲. ضرایب مسیر و معناداری آن

ضریب مسیر بیان‌کننده وجود رابطه علی خطی و شدت و جهت این رابطه بین دو متغیر پنهان است. درحقیقت، همان ضریب رگرسیون در حالت استاندارد است که در مدل‌های ساده‌تر رگرسیون ساده و چندگانه مشاهده می‌شود؛ عددی بین -۱ تا +۱ است که ضرایب مسیر مثبت نشان‌دهنده روابط مستقیم و ضرایب مسیر منفی نشان‌دهنده روابط معکوس بین متغیرهای پنهان مستقل و وابسته است و اگر برابر با صفر شوند، نشان‌دهنده نبود رابطه علی خطی بین دو متغیر پنهان است. این مقدار از نظر بزرگی نشان‌دهنده قدرت رابطه است که با برقرار شدن روابط غیرمستقیم از میزان بزرگی یک ضریب بتا کاسته می‌شود؛ به همین منظور برخی از محققان بر ضرورت اثرات کلی که ترکیبی از اثر مستقیم (ضریب مسیر یا بتا) و غیر مستقیم است، تأکید دارند. ضرایب مسیر اثرات مستقیم و مقدار t متناظر با آن از نرم‌افزار Smart-PLS استخراج شده است در جدول ۵ و شکل‌های ۲ و ۳ نشان داده شده است.



شکل ۲- نتایج تجزیه و تحلیل PLS



شکل ۳- نتایج تجزیه و تحلیل اماره T نمودار

با توجه به شکل ۳ که میزان آماره T را در پژوهش حاضر نشان می‌دهد، اگر در سطح معنا داری ۰/۰۵ از مقدار بحرانی ۱/۹۶ بزرگ‌تر باشد، نشان‌دهنده معنادار بودن ضریب مسیر به‌دست‌آمده است. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، آماره T در تمامی متغیرهای مستقل پژوهش بیشتر از حد بحرانی است و نشان‌دهنده معنادار بودن ضرایب مسیر در تمامی متغیرها است؛ به‌گونه‌ای که بیشترین میزان آماره T و معناداری ضرایب مسیر به‌ترتیب در متغیرهای تعامل اجتماعی، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و پیوند اجتماعی با ضرایب ۶/۹۵۳، ۳/۳۱۲، ۳/۲۵۵ و ۲/۵۲۸ است (جدول ۶).

جدول ۶- برآورد اثرات مستقیم نقش مشارکت مردمی بر تاب‌آوری اجتماعی

اثر مستقیم				مسیر مستقیم	
رد/تأیید در سطح ۰/۰۵	P-value	T-value	ضریب مسیر	متغیر وابسته	متغیر مستقل
تأیید	۰/۰۲۹	۳/۳۱۲	۰/۳۳۱	تاب‌آوری اجتماعی	اعتماد اجتماعی
تأیید	۰/۰۰۰	۳/۲۵۵	۰/۲۷۰		انسجام اجتماعی
تأیید	۰/۰۰۰	۲/۵۲۸	۰/۱۵۲		پیوند اجتماعی
تأیید	۰/۰۰۰	۶/۹۵۳	۰/۵۶۸		تعامل اجتماعی

با توجه به اینکه آماره T بزرگ‌تر از ۱/۹۶ است، در سطح معناداری ۹۵ درصد ضرایب مسیر و روابط فرض شده در مدل ساختاری پژوهش تأیید می‌شود و روابط میان مؤلفه‌ها معنادار است. با توجه به جدول ۴، متغیرهای مستقل پژوهش حاضر اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، پیوند اجتماعی و تعامل اجتماعی، به‌ترتیب با ضرایب ۳/۳۱۲، ۳/۲۵۵، ۲/۵۲۵ و ۶/۹۵۳ در سطح معنی‌داری $p < ۰/۰۵$ بر متغیر مستقل پژوهش (تاب‌آوری اجتماعی) تأثیر مثبت و معناداری داشته است که در بین شاخص‌های بررسی‌شده، بیشترین تأثیر با ضریب ۰/۵۶۸ مربوط به متغیر تعامل اجتماعی است و پس از آن به‌ترتیب متغیرهای اعتماد اجتماعی و انسجام اجتماعی قرار دارند؛ بنابراین در افزایش تاب‌آوری اجتماعی سکونتگاه‌های غیررسمی در بحران شیوع پاندمی کوید-۱۹، تعامل اجتماعی با گویه‌هایی همچون تعامل شهروندان در رویدادهای محلی مانند رویدادهای گردشگری، انگ‌زدایی از بیماران خاص

(کرونا)، ریزنی با بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری به منظور جلب کردن توجه مدیران بانک‌ها و مؤسسات برای اعطای تسهیلات، تمایل به ارتباط از طریق فضای مجازی، اثرگذاری داشته است. همچنین با توجه به سطح معناداری ۵ درصد و سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان نتیجه گرفت، بین متغیر مستقل و وابسته تحقیق ارتباط معنادار وجود دارد (جدول ۷).

جدول ۷- مقادیر ضریب تعیین (R^2)

ضریب تأثیر	فرضیه
۰/۸۵۳	نقش مشارکت مردمی در ارتقای تاب‌آوری اجتماعی

نتیجه ضریب تأثیر متغیر نقش مشارکت مردمی بر متغیر تاب‌آوری اجتماعی در برابر پاندمی کوید-۱۹، ۰/۸۵۳ به دست آمد؛ یعنی ۸۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته (تاب‌آوری اجتماعی) توسط چهار متغیر مستقل (اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، پیوند اجتماعی و تعامل اجتماعی) توضیح داده می‌شود؛ به این معنا که هر چهار متغیر مستقل پژوهش از طریق ۱۷ معیار و گویه تعریف شده برای هر کدام، به طور هم‌زمان توانسته‌اند بیش از ۷۰ درصد از متغیر وابسته را تبیین کنند و بر تاب‌آوری اجتماعی تأثیرگذار باشند. ۱۵ درصد باقی‌مانده نیز برگرفته از سایر عوامل است که به صورت غیرمستقیم بر تاب‌آوری اجتماعی اثر می‌گذارند و متغیر وابسته تحقیق را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

۵.۲.۳. برازش نیکویی مدل

در مدل‌سازی حداقل مربعات جزئی، شاخصی به نام نیکویی برازش پیشنهاد شده است. این شاخص هر دو مدل اندازه‌گیری و ساختاری را مدنظر قرار می‌دهد و به عنوان معیاری برای سنجش عملکرد کلی مدل به کار می‌رود. برای محاسبه میانگین یا متوسط مقادیر اشتراکی متغیرهای مدل، از خروجی الگوریتم PLS در قسمت شاخص‌های کیفی مدل استفاده شده و نتایج آن در جدول ۸ ارائه شده است. شاخص ریشه میانگین مربعات باقی‌مانده یکی از شاخص‌های برازش مدل است که هرچه مقدار این معیار به صفر نزدیک‌تر باشد، نیکویی برازش مدل بیشتر است. میزان این شاخص در پژوهش حاضر به صفر نزدیک‌تر است. مقدار شاخص‌های شاخص مربع فاصله اقلیدسی و فاصله هندسی باید کمتر از ۰/۹۵ باشد که در

پژوهش حاضر این مقدار کمتر از ۰/۹۵ است. در شاخص کای اسکوتر این میزان باید بیش از ۵۰ باشد که در پژوهش حاضر این مقدار ۸۹/۳۰۷ است. شاخص برازش هنجار شده که شاخص بنتلر بونت نامیده می‌شود، برای مقادیر بیشتر از ۰/۹ قابل قبول و نشانه برازندگی مدل است که در پژوهش حاضر بیشتر از این مقدار است. با توجه به نتایج، شاخص‌های مدنظر برای بررسی برازش مدل و مقادیر قابل تأیید در وضعیت مطلوبی قرار دارند و از نظر تمامی شاخص‌های بررسی شده، نیکویی برازش مدل تأیید می‌شود که نشان‌دهنده میزان همخوانی مناسب بین داده‌های تجربی با مدل مفهومی و نظری تحقیق است.

جدول ۸- نیکویی برازش مدل

نوع شاخص		مدل استاندارد	مدل تخمینی	مقدار قابل تأیید	نتیجه
ریشه‌ی میانگین استاندارد شده	SRMR	۰/۱۳۶	۰/۱۳۶	نزدیک به صفر	تأیید نیکویی
مربع فاصله اقلیدسی	d_uls	۰/۹۱۲	۰/۹۱۲	کمتر از ۰/۹۵	تأیید نیکویی
فاصله هندسی	d_g	۰/۹۱۶	۰/۹۱۶	کمتر از ۰/۹۵	تأیید نیکویی
کای اسکوتر	Chi-Square	۸۹/۳۰۷	۸۹/۳۰۷	بیشتر از ۵۰	تأیید نیکویی
شاخص برازش هنجار شده	NFI	۰/۹۲۳	۰/۹۲۳	بیشتر از ۰/۹	تأیید نیکویی

۶. نتیجه‌گیری

در قرن حاضر، آشکارا مشاهده می‌شود که بحران طبیعی و گاه انسانی در جوامعی که آمادگی مقابله با آثار آن‌ها را ندارند، به بحران‌ها و بعضاً فجایع عظیم تبدیل می‌شود؛ از این‌رو باید برای کنترل و مدیریت این بحران‌ها به دنبال ارائه راه‌حلی بود تا آسیب‌هایی را که از هریک از این بحران‌ها انتظار می‌رود، کنترل و مدیریت کرد یا به حداقل رساند. می‌توان تاب‌آوری اجتماعی را در نگاهی ملی، توانایی مردم در گروه‌های اجتماعی رسمی و غیررسمی در مواجهه با بحران در شرایط اضطراری و زمان بازسازی با استفاده از منابع فردی و جمعی و به اشتراک گذاشتن آموزه‌های آن دانست. تاب‌آوری اجتماعی نشان‌دهنده تغییر پارادایم در ذهنیت مردم در برابر مشکلات خود، درک افراد دیگر و در نتیجه آن، نیاز به دیدگاهی تازه در

تعیین مداخلات در برابر مشکلات است و سطوح مختلف فردی و خانوادگی دارد. در این چارچوب سه‌جانبه، ایده اصلی این است که مقابله با مخاطرات فجایع با مداخله کنشگران مختلف اجتماعی در جامعه میسر می‌شود؛ از خانوارها، تا محلات و دولت، بخش خصوصی، دانشگاه، جامعه مدنی، سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد، خیرین، هلال‌احمر و غیره. کنشگران جامعه مدنی را افراد غیردولتی سازمان‌یافته یا غیرسازمان‌یافته تشکیل می‌دهند که شامل سازمان‌های مردم‌نهاد، افراد داوطلب، سازمان‌های مذهبی و اجتماعات محلی می‌شود؛ از این رو در پژوهش حاضر با توجه به اهمیت و جایگاه سازمان‌های غیردولتی و جامعه مدنی در افزایش تاب‌آوری اجتماعی از رهگذر مشارکت مردمی به‌عنوان مهم‌ترین الزام در شرایط به‌وجودآمده، به بررسی نقش سازمان‌های غیردولتی در تاب‌آوری اجتماعی در برابر بیماری‌های واگیردار (کوید-۱۹) پرداخته شده است. با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه و اسنادی و همچنین تکنیک دو مرحله‌ای دلفی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تاب‌آوری اجتماعی در چهار متغیر مستقل اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، پیوند اجتماعی، تعامل اجتماعی تقسیم‌بندی شده است و خروجی تکنیک دلفی در مجموع دو مرحله و مؤلفه تأثیرگذار بر تاب‌آوری اجتماعی است. براساس نتایج مدل تحلیل عاملی تأییدی، تمامی شاخص‌های آشکار رابطه قوی بین متغیر پنهان خود دارند؛ به‌طوری‌که در شاخص‌های اعتماد اجتماعی به‌ترتیب مؤلفه‌های صداقت مسئولان و مدیران شهری، عملگرایی مسئولان در مدیریت شهری و اعتماد به همسایگان، بیشترین رابطه را با متغیر پنهان دارند. در بین متغیر انسجام اجتماعی، بیشترین میزان بار عاملی به عضویت در سازمان‌های اجتماعی (سازمان‌های مردم‌نهاد)، شرکت در فعالیت‌های رویداد محلی و جلب کمک‌های مردمی محلی و بین‌المللی با یاری سازمان‌های مردم‌نهاد اختصاص یافته است. از مؤلفه‌های پیوند اجتماعی، به ترتیب بیشترین رابطه می‌توان به همکاری شهروندان با بیماران زمینه‌ای، تشکیل تعاونی‌های اقتصادی مردم‌نهاد در برابر پاندمی کوید-۱۹ و ارتباط مناسب خانوادگی در دوران کوید-۱۹ اشاره کرد. از میان شاخص‌های تعامل اجتماعی، به‌ترتیب بیشترین میزان رابطه تمایل به ارتباط از طریق فضای مجازی، رایزنی با بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری به‌منظور جلب کردن توجه مدیران بانک‌ها و مؤسسات برای اعطای تسهیلات و انگ‌زدایی از بیماران خاص (کرونا) است. در بین شاخص

های مربوط به تاب‌آوری، براساس بیشترین میزان بار عاملی می‌توان به اعتماد اجتماعی در بین اعضای جامعه برای واکنش مؤثر در برابر بحران شیوع پاندمی کوید-۱۹، وضعیت آگاهی خانوارها در ارتباط با بحران شیوع پاندمی کوید-۱۹ و وضعیت دانش خانوارها در ارتباط با آموزش‌های لازم درباره آمادگی در ارتباط با بحران شیوع پاندمی کوید-۱۹ اشاره کرد. نتیجه ضریب تعیین متغیر نقش مشارکت مردمی بر متغیر تاب‌آوری اجتماعی در برابر بیماری کرونا $0/853$ به دست آمد؛ یعنی ۸۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته (تاب‌آوری) توسط چهار متغیر مستقل (اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، پیوند اجتماعی و تعامل اجتماعی) توضیح داده می‌شود؛ به این معنی که هر چهار متغیر مستقل پژوهش از طریق ۱۷ معیار و گویه تعریف‌شده برای هرکدام، به‌طور هم‌زمان توانسته‌اند بیش از ۷۰ درصد از متغیر وابسته را تبیین کنند و بر تاب‌آوری تأثیرگذار باشند. ۱۵ درصد باقی‌مانده نیز برگرفته از سایر عواملی است که به‌صورت غیرمستقیم بر تاب‌آوری اثر می‌گذارند و متغیر وابسته تحقیق را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

کتابنامه

۱. جهانگیری، ک.، استوار ایزدخواه، ی.، آذین، س.ع.، و جاروندی، ف. (۱۳۸۹). بررسی میزان مشارکت مردم در مقابله با بلایای طبیعی در استان خوزستان: دیدگاه‌های مسئولین. *فصلنامه علمی پژوهشی/مداد و نجات*، ۲(۴)، ۱۱-۲۰.
۲. رضاییگی داورانی، ع.، هوشمندی، ک.، راعی، م.، و دانشی، س. (۱۳۹۹). نقش مشارکت جامعه و گروه‌های داوطلب در پیشگیری و کنترل کوید-۱۹ در ایران. *نشریه ارتقای بهداشت نظامی*، ۱(۳)، ۱۱۱-۱۱۴.
۳. رفیعیان، م.، رضایی، م.، عسگری، ع.، پرهیزکار، ا.، و شایان، س. (۱۳۹۰). تبیین مفهومی تاب‌آوری و شاخص سازی آن در مدیریت سوانح اجتماع‌محور (CBDM). *برنامه‌ریزی و آمایش فضا (مدرس علوم/انسانی)*، ۱۵(۴)، ۱۹-۴۱.
۴. روستا، م.، ابراهیم‌زاده، ع.، و ایستگلدی، م. (۱۳۹۷). ارزیابی میزان تاب‌آوری اجتماعی شهری (موردشناسی: شهر زاهدان). *نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، ۹(۳۲)، ۱-۱۴.

۵. طهماسبی مقدم، ح.، احدنژادروشتی، م.، حیدری، م. ت.، و شعلی، ع. (۱۴۰۰). تبیین عوامل مؤثر بر تاب‌آوری اجتماعی در برابر مخاطرات بیولوژیکال با تأکید بر کوید-۱۹ (مطالعه موردی: شهر زنجان). *جغرافیا و مخاطرات محیطی*، ۱۰(۱)، ۱-۱۹.
۶. فنی، ز.، و لیلما، م. (۱۳۹۵). سنجش و ارزیابی تأثیر سبک زندگی بر میزان تاب‌آوری شهری مطالعه تطبیقی: محلات قیطریه و شکوفه شمالی در مناطق ۱ و ۱۹ تهران. *مجله مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۱۹(۱)، ۸۴-۶۱.
۷. لطفی، ح.، مفرح، م.، آفتاب، ا.، و مجنون، ع. (۱۳۹۷). نقش حکمروایی مطلوب شهری در افزایش تاب‌آوری سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران (مطالعه موردی: کلانشهر تبریز). *فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)*، ۸(۲)، ۲۰۹-۲۲۴.

8. Adger, W. N. (2000). Social and ecological resilience: Are they related? *Progress in Human Geography*, 24(3), 347-364.
9. Aldrich, D. (2019). *Black wave: How networks governance shaped Japan's 3/11 disasters*. Chicago: University of Chicago Press.
10. Alexander, D. E. (2013). Resilience and disaster risk reduction: An etymological journey. *Natural Hazards and Earth System Sciences*, 13(11), 2707-2716.
11. Berkes, F., Colding, J., & Folke, C. (2003). *Navigating social-ecological systems: Building resilience for complexity and change*. Cambridge: Cambridge University Press.
12. Briguglio, L., Cordina, G., Farrugia, N., & Vella, S. (2009). Economic vulnerability and resilience: concepts and measurements. *Oxford Development Studies*, 37(3), 229-247.
13. Burton, C. G. (2015). A validation of metrics for community resilience to natural hazards and disasters using the recovery from Hurricane Katrina as a case study. *Annals of the Association of American Geographers*, 105(1), 67-86.
14. Carpenter, S., Walker, B., Anderies, J. M., Abel, N. (2001), From metaphor to measurement: Resilience of what to what? *Ecosystems*, 4(8), 765-781.
15. Cohen, O., Leykin, D., Lahad, M., Goldberg, A., & Aharonson-Daniel, L. (2013). The conjoint community resiliency assessment measure as a baseline for profiling and predicting community resilience for emergencies. *Technological Forecasting and Social Change*, 80(9), 1732-1741.
16. Copeland, W. E., McGinnis, E., Bai, Y., Adams, Z., Nardone, H., Devadanam, V., & Hudziak, J. J. (2021). Impact of COVID-19 pandemic on college student mental health and wellness. *Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry*, 60(1), 134-141.
17. Corburn, J., Vlahov, D., Mberu, B., Riley, L., Caiaffa, W. T., Rashid, S. F., & Ayad, H. (2020). Slum health: Arresting COVID-19 and improving well-being in urban informal settlements. *Journal of Urban Health*, 97(3), 348-357.

18. Cundill, G., Leitch, A. M., & Schultz, L. (2015). Encouraging learning. In Biggs, R., Schlüter, M., & Schoon, M. L. (Eds.), *Principles for building resilience: Sustaining ecosystem services in social-ecological systems* (pp. 174-200). Cambridge: Cambridge University Press.
19. Daneshpour, Z. A. (2020). *Out of the coronavirus crisis, a new kind of urban planning must be born*. Retrieved from https://novinshahrsaz.ir/wp-content/uploads/2020/04/Out_of_the_coronavirus_crisis_a_new_kind_of_urban_planning_must.pdf
20. De Witte, H., Pienaar, J., & De Cuyper, N. (2016). Review of 30 years of longitudinal studies on the association between job insecurity and health and well-being: Is there causal evidence? *Australian Psychologist*, 51(1), 18-31.
21. Fahlberg, A., Vicino, T.J., Fernandes, R., Potiguara, V. (2020). Confronting chronic shocks: Social resilience in Rio de Janeiro's poor neighborhoods, *Cities*, 99, 102623.
22. FEMA, U. (2016). *Department of Homeland Security*. ICS Training Courses.
23. Fothergill, A., & Peek, L. A. (2004). Poverty and disasters in the United States: A review of recent sociological findings. *Natural Hazards*, 32(1), 89-110.
24. Hill, E., St. Clair, T., Wial, H., Wolman, H., Atkins, P., Blumenthal, P., Ficenec, S., & Friedhoff, A. (2012). Economic shocks and regional economic resilience. In *Urban and regional policy and its effects: building resilient regions* (pp. 193-274). Brookings Institution Press.
25. Hohnen, P., & Potts, J. (2007). *Corporate social responsibility, an implementation guide for business, international institute for sustainable development (IISD)*. Retrieved from http://www.iisd.org/pdf/2007/csr_guide.pdf 08/01/2021.
26. Holling, C. S. (1973). Resilience and stability of ecological systems. *Annual Review of Ecology and Systematic*, 4, 1-23.
27. Keck, M., & Sakdapolrak, P. (2013). What is social resilience? Lessons learned and ways forward. *Erdkunde*, 67(1), 5-19.
28. Khalili, S., Harre, M., Morley, P. (2018). A temporal social resilience framework of communities to disasters in Australia. *Environmental Disasters*, 5(23), 1-9.
29. Kusumastuti, R. D., Husodo, Z. A., Suardi, L., & Danarsari, D. N. (2014). Developing a resilience index towards natural disasters in Indonesia. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 10, 327-340.
30. Lak, A., Shakouri Asl, S., & Maher, A. (2020). Resilient urban form to pandemics: Lessons from COVID-19. *Medical Journal of the Islamic Republic of Iran*, 34, 502-509.
31. Leykin, D., Lahad, M., Cohen, R., Goldberg, A., & Aharonson-Daniel, L. (2016). The dynamics of community resilience between routine and emergency situations. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 15(1), 125-131.
32. Li, R., Richmond, P., Roehner, B. M. (2018). Effect of population density on epidemics. *Physica A: Statistical Mechanics and its Applications*, 510, 713-724.

33. Litman, T. (2020). *Pandemic-resilient community planning: Practical ways to help communities prepare for, respond to, and recover from pandemics and other economic, social and environmental shocks*. Victoria Transport Policy Institute.
34. Maguire, B., & Hagan, P. (2007). Disasters and communities: Understanding social resilience. *The Australian Journal of Emergency Management*, 22(2), 16-20.
35. Massaro, E., Ganin, A., Perra, N., Linkov, I., & Vespignani, A. (2018). Resilience management during large-scale epidemic outbreaks. *Scientific Reports*, 8, 1859.
36. Mayunga, J. S. (2007). Understanding and applying the concept of community disaster resilience: A capital-based approach. *Summer Academy for Social Vulnerability and Resilience Building*, 1(1), 1-16.
37. McMillen, H., Campbell, L. K., Svendsen, E. S., & Reynolds, R. (2016). Recognizing stewardship practices as indicators of social resilience: In living memorials and in a community garden. *Sustainability*, 8(8), 775.
38. Meerow, S., Newell, J. P., Stults, M. (2015). Defining urban resilience: A review. *Landscape and Urban Planning*, 147, 38-49.
39. Michel, S., Megerdooian, K. (2015). Modeling community resilience for a post-epidemic society. Paper presented at the *Conference on Computational Social Science Society of the Americas* At, Santa Fe, New Mexico.
40. Mollalo, A., Vahedi, B., & Rivera, K. M. (2020). GIS-based spatial modeling of COVID-19 incidence rate in the continental United States. *Science of Total Environment*, 728(6), 13884.
41. Musavengane, R. (2019). Using the systemic-resilience thinking approach to enhance participatory collaborative management of natural resources in tribal communities: Toward inclusive land reform-led outdoor tourism. *Journal of Outdoor Recreation and Tourism*, 25, 45-56.
42. Nguyen, H. L., & Akerkar, R. (2020). Modelling, measuring, and visualising community resilience: A systematic review. *Sustainability*, 12, 7896.
43. Norris, F. H., Stevens, S. P., Pfefferbaum, B., Wyche, K. F., & Pfefferbaum, R. L. (2008). Community resilience as a metaphor, theory, set of capacities, and strategy for disaster readiness. *American Journal of Community Psychology*, 41, 127-150.
44. Ostadtaghizadeh, A., Ardalan, A., Paton, D., Jabbari, H., & Khankeh, H. R. (2015). Community disaster resilience: A systematic review on assessment models and tools. *PLoS Currents Disasters*, 7, 1-16.
45. Ostrowski T. M. (2014), Resilience in the light of research and theoretical reflection. In Sikorska, I., & Ostrowski, T. M. (Eds.), *Health and Resilience*. Jagiellonian: Jagiellonian University Press.
46. Pinchoff, J., Austrian, K., Rajshekhar, N., Abuya, T., Kangwana, B., Ochako, R., & Ngo, T. D. (2021). Gendered economic, social and health effects of the COVID-19 pandemic and mitigation policies in Kenya: Evidence from a prospective cohort survey in Nairobi informal settlements. *BMJ Open*, 11(3), e042749.

47. Pu, B., Qiu, Y. J. (2016). Emerging trends and new developments on urban resilience: A bibliometric perspective. *Current Urban Studies*, 4, 36–52.
48. Quinlan, A. E., Berbés-Blázquez, M., Haider, L. J., & Peterson, G. D. (2016). Measuring and assessing resilience: broadening understanding through multiple disciplinary perspectives. *Journal of Applied Ecology*, 53(3), 677-687.
49. Rasanen, A., Lein, H., Bird, D., Setten, G. (2020). Conceptualizing community in disaster risk management. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 45, 101485.
50. Reimers, F. M., & Schleicher, A. (2020). A framework to guide an education response to the COVID-19 Pandemic of 2020. *OECD*, 14(2020), 2020-04.
51. Reyes R., Ahn R., Thurber, K., & Burke, T. F. (2013). Urbanization and infectious diseases: General principles, historical perspectives, and contemporary challenges. In *Challenges in infectious diseases* (pp. 123-46). Cham: Springer.
52. Saja, A. M. A., Goonetilleke, A., Teo, M., & Ziyath, A.M. (2019). A critical review of social resilience assessment frameworks in disaster management. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 35, 101096.
53. Tackenberg, B., & Lukas, T. (2019). Resilience through social cohesion: A case study on the role of organizations. In *Resilience in social, cultural and political spheres* (pp. 323-344). Cham: Springer.
54. Tambo, J. A., & Jonathan, M. (2018). Differential impacts of conservation agriculture technology options on household income in Sub-Saharan Africa. *Ecological Economics*, 151, 95-105.
55. Timmerman, P. (1981). *Vulnerability, resilience and the collapse of society: A review of models and possible climatic applications*. Institute for Environmental Studies, Canada: University of Toronto.
56. Wang, Y., Monteiro, C., & Popkin, B.M. (2002). Trends of obesity and underweight in older children and adolescents in the United States, Brazil, China, and Russia. *American Journal of Clinical Nutrition*, 75(6), 971–977.
57. Wilkinson, A., Sun, J. M., & K Mowbray, P. (2020). Employee voice in the Asia Pacific. *Asia Pacific Journal of Human Resources*, 58(4), 471-484.
58. World Health Organization. (2020). *Novel Coronavirus (2019-nCoV): Situation report*, 3. Retrieved from <https://apps.who.int/iris/>
59. Wulff, K., Donato, D., & Lurie, N. (2015), What is health resilience and how can we build it? *Annual Review of Public Health*, 36(1), 361-374.
60. Zhou, C., Su, F., Pei, T., Zhang, A., Du, Y., Luo, B., ..., & Xiao, H. (2020). COVID-19: challenges to GIS with big data. *Geography and sustainability*, 1(1), 77-87.

Investigating the Role of Public Participation in Increasing the Social Resilience of Informal Settlements against the Covid-19 Pandemic (Case Study: Informal Settlements in Zanjan City) ¹

Mohammad Taghi Heydari ²

Assistant Professor, Department of Geography and Urban Planning, Faculty of Humanities, University of Zanjan, Zanjan, Iran

Mohsen Ahadanjad Roveshti

Associate Professor, Department of Geography and Urban Planning, Faculty of Humanities, University of Zanjan, Zanjan, Iran

Hossein Tahmasabi Moghadam

PhD, Department of Geography and Urban Planning, Faculty of Humanities, University of Zanjan Zanjan, Iran

Received: 20 February 2022

Accepted: 10 May 2022

Abstract

A resilient society is one that can have structures, processes, and identity when a sudden or gradual change and pressure occurs in it, which can transform into a new and better organization and continue its life on a better level. The main purpose of this study is to investigate the role of public participation in increasing the social resilience of informal settlements against the epidemic of Covid-19 in Zanjan city. This applied research used a qualitative-quantitative method. Data collection was based on a specialized and documentary survey method, and the sample size included 15 experts from universities and research centers. The purposeful sampling method was used. Moreover, structural equation analysis model and path analysis method in PLS software were used for data processing. The findings show that among the indicators of social interaction, the tendency to communicate through virtual space is the most important variable, and the coefficient of determination of the variable "role of public participation" on the variable "social resilience against the diseases of Covid-19" is 0.853, which means that 85% of the changes in the dependent variable (resilience) are investigated with 4 independent variables (social trust, social cohesion, social bond and social interaction). Therefore, all four independent research variables have been able to simultaneously examine more than 70% of dependent variables and influence resilience through 17 criteria defined in relation to each other. The remaining 15% is obtained from other factors that indirectly affect resilience and the dependent variable of the research. Finally, it can be said that the vulnerable neighborhoods of Zanjan moderate the effects of the Covid-19 pandemic with the use of participation and as a result of promoting social resilience.

Keywords: Public Participation, Social Resilience, Informal Settlements, Covid-19 Pandemic

1. This article is an extract from the research project entitled "Feasibility assessment and evaluation of the creation of resilient cities and its application against the Corona pandemic with the approach of community-based crisis management (CBD) (case study: Zanjan city)" which is supported by the Researcher and Technology Support Fund.

2. Corresponding author. Email: mt.heydari@znu.ac.ir

Identifying and Zoning the Nitrogen Dioxide Hotspots in Mashhad

Reza Esmaili ¹

PhD in Climatology, Department of Environment and Urban Services, Mashhad Municipality, Mashhad, Iran

Mohammad Pazira

MA in Environmental Health, Department of Environment and Urban Services, Mashhad Municipality, Mashhad, Iran

Received: 1 February 2022

Accepted: 30 August 2022

Abstract

Nitrogen dioxide is one of the standard pollutants that in addition to adverse health effects, is also a prerequisite for the formation of hazardous atmospheric compounds. Based on 84 monthly maps, which are drawn from the maximum number of air quality stations and the longest possible statistical period, four seasonal maps of NO₂ distribution were prepared for Mashhad city. Then, using Getis-Ord-Gi index, the hot spots of this pollutant were identified on seasonal maps. Using hierarchical cluster analysis, homogeneous NO₂ areas of Mashhad were identified. According to the results, the spatial pattern of the formation of hotspots is similar in all seasons and covers most of the eastern and northeastern regions of Mashhad. Moreover, in terms of the concentration of pollutants, Mashhad can be divided into three homogeneous zones or areas. Region 1 with moderate concentration covers 24% of the city area in the southern and southwestern of the city. Zone 2 with the lowest concentration that covers 50% of the city area corresponds to the western half of Mashhad and is located in this zone, and finally Zone 3 with high concentration, mainly includes the eastern and northeastern parts of Mashhad. High population density compared to other regions, lack of infrastructure, urban transport network, old motor vehicles and proximity to the suburbs of production and industrial units may be reasons for high concentration of NO₂ formation in this region. The results of this study can be used as a source of specialized information for developing programs for monitoring, reducing and controlling NO₂ pollutants in Mashhad.

Keywords: Nitrogen Dioxide, Mashhad, Hotspot, Zoning, Getis-Ord-Gi Index

1. Corresponding author. Email: r.esmaili.n@gmail.com

Formulating Development Strategy of Chegeni Town Rrural Regions, Lorestan Province: Application of SOAR Strategic Framework

Mahdi Mohammadinasab ¹

Assistant Professor of Management Department, University of Qom, Qom, Iran

Mohammad Teymori Tulabi

MA in Management, University of Qom, Qom, Iran

Received: 25 December 2021

Accepted: 10 May 2022

Abstract

This study aimed to formulate rural development strategies in rural areas of Chegeni town. Chegeni city with special features and conditions was studied as a case. This research is an applied one with exploratory purpose. Research data gathering was conducted in an interview method and the sampling method was purposeful. The theoretical population of this study includes 32 stakeholders (specialists, local experts, and relevant officials) of Chegeni town who were purposefully identified and selected by the facilitators. Due to the role of multiple stakeholders and the need to take advantage of the opinions of these stakeholders, as well as to deal with the tendency to criticize and express only negative points, it was necessary to use a technique that would achieve more appropriate results; therefore, SOAR framework was used to formulate rural development strategy, which is more suitable for this research due to its positive and participatory perspective. Results showed that water resources, livestock and livestock production capacities, suitable climate and fertile land are among the most important strengths. Moreover, sufficient pastures for livestock, poultry and bee development, suitable market for rural products, participation of villagers, government support, increase the desire for tourism and educated young people were the most important opportunities of Chegeni city from the the stakeholders' perspectives. Based on these and taking into account the values, perspectives and missions of the city, maximum productivity of range land, reputation as a tourist destination, attractive areas for investment, youth employment and livestock production center of the province were identified as the most important aspirations. The development strategies of rural areas of Chegeni city were such issues as developing conversion industries, prioritizing tourism, and developing the capacity of exploitation of mines.

Keywords: Development, Rural Development, Strategy, Chegeni City, SOAR

1. Corresonding author. Email: mohammadinasab@qom.ac.ir

Identify the Driving Forces Affecting the Realization of Urban Prosperity

Foroogh Khazaee Nezhad ¹

Assistant Professor in Geography and Urban Planning, Kosar University of Bojnord, Bojnord, Iran

Received: 6 December 2021

Accepted: 12 March 2022

Abstract

Never before has mankind faced such an accumulation of multiple crises in cities. Therefore, special attention to cities in general and urban prosperity in particular in the world and Iran seems necessary. The present study was done to identify the driving forces affecting urban prosperity. For this purpose, Bojnord city, the capital of North Khorasan province, was selected as sample. This research is applied in terms of purpose and combined in terms of method. Library and field methods (expert questionnaire) were used to collect information. Regarding the identification of effective driving forces, 20 experts in urban flourishing were selected as participants. The indicators were examined according to the UN CPI program in six areas (productivity, infrastructure development, quality of life, justice and social participation, environmental sustainability, and urban governance and legislation) forming 25 variables. Data analysis was performed using the interaction analysis method in Micmac Software. The results showed that the variable of information and communication technology have most impact and the least dependence. Furthermore, economic power, economic status, employment status, housing infrastructure, social infrastructure, health and health infrastructure, public space, safety and security, economic equality, social status, waste management technology, sustainable energy technology, status and ability to manage the city and the geographical location of the city have the most impact.

Keywords: Urban Prosperity, Driving Forces, Bojnord

1. Corresponding author. Email: f.khazaee@kub.ac.ir

Investigating the Effects of Tourism in Protected Area (Shaskooh Protected Area of South Khorasan as a Case Study)

Mehdi Mododi Arkhudi¹

Assistant Professor, Department of Geography, Bozorgmehr University of Qaenat, Qaen, Iran

Sajad Ferdowsi

PhD in Tourism, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Reyhane Boroumand

PhD in Geomorphology, University of Tabriz, Tabriz, Iran

Received: 1 December 2021

Accepted: 28 May 2022

Abstract

Protected areas are considered the most sensitive natural environments, and human actions, especially tourism activities, if not managed, can cause irreparable damage to these areas. Therefore, this study was conducted to evaluate the impacts of tourism on the protected area of Shaskooh. The general approach of this research was quantitative and the data collection was based on library resources and survey method. The statistical population of the study was the residents of the surrounding villages and within the protected area of Shaskooh. In order to analyze the data, descriptive statistical methods including frequency and percentage, as well as inferential statistical methods including Kolmogorov-Smirnov test and Chi-square test were used. The results indicate that based on the calculated significance level ($\text{sig}=0.000$), it can be concluded with 99% confidence level that the plant species are facing positive and negative consequences of tourism at a high level. Moreover, regarding the animal species and the environment of the villages, the findings show that tourism has had positive effects on a high level; however, the negative effects of tourism at a medium to low level are also visible on animal species and villages. Therefore, the development of tourism in the protected area of Shaskooh, has led to positive consequences in the protection of plant and animal species in the area and improved the environment of the surrounding villages. On the other hand, the biodiversity of the region and the environment of the surrounding villages are also facing threats from tourism activities. In this regard, it is necessary to define a suitable management system in the field of tourism to reduce and control the negative effects of tourism as much as possible, and to strengthen the positive consequences of tourism.

Keywords: Tourism, Environment, Protected Area, South Khorasan, Shaskooh

1. Corresponding author. Email: mododi@buqaen.ac.ir

Foresight and Crisis Management of Tourism Industry in Covid-19 Pandemic Using an Artificial Neural Network Model

Saeedeh Moayedfar ¹

Associate Professor in Geography and Urban Planning, Faculty of Humanities, Meybod University, Meybod, Iran

Najme Neshat

Assistant Professor in Industrial Engineering, Meybod University, Meybod, Iran

Received: 24 November 2021

Accepted: 11 June 2022

Abstract

Tourism industry, as the most diverse and largest industry in the world, is the most important source of income and creation of job opportunities for many countries of the world, which is considered as the engine of development. Undoubtedly, such an industry is very vulnerable to all kinds of natural, human, and biological crises. The outbreak of Covid-19 crisis around the world has posed serious challenges to the industry. The purpose of this study was to present a neural network model that has been developed by modeling the experiences of different countries in dealing with crises and their policies. Relying on its generalizability, the proposed neural network model is able to model the dynamics between the “policies/factors and conditions” governing ecosystems and the “effectiveness of the adopted policies” to determine the effectiveness of the forthcoming policies for the Corona Pandemic Crisis. Using the proposed neural network model and providing information about the policies/factors and conditions governing the Iranian tourism industry, the outputs of the model indicate that the best policy adopted to return to pre-crisis climate conditions in Iran is using the “combined” policy. "Economic and financial preparedness to deal with the crisis" in the first place and with a slight difference in policy "combined focus on domestic tourism with preparedness to deal with the crisis" is the next, which according to the criteria of sustainable tourism development and economic sanctions in Iran, the second policy is much more practical. Therefore, solutions are suggested for these conditions, such as traditional tourism planning for domestic tourists and virtual tourism planning for foreign tourists, development of rural tourism and emphasis on creative and safe tourism.

Keywords: Foresight, Crisis Management, Corona Pandemic, Artificial Neural Network (ANN) Model, Tourism

1. Corresponding author. Email: moayedfar@meybod.ac.ir

Analyzing the Vulnerability and Resilience of Farmers and Citrus Production to Climate Change in the Mazandaran Province

Seyed Abdolhamid Hashemi Sadati

Phd Student of Agricultural Development, University of Zanjan, Zanjan, Iran

Esmail Karamidehkordi ¹

Associate Professor of Agricultural Extension and Rural Development, Department of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agriculture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Yahya Tajvar

Associate Professor, Citrus and Subtropical Fruits Research Center, Horticultural Science Research Institute, Agricultural Research Education and Extension Organization (AREEO), Ramsar, Iran

Seyed Hossein Mirmousavi

Associate Professor of Geography Department, University of Zanjan, Zanjan, Iran

Received: 16 September 2021

Accepted: 1 November 2021

Abstract

Climate change has had broad effects on production and human societies in terms of environmental and socio-economic dimensions. In the last two decades, severe damages has been made to citrus production in the north of Iran, due to the incidence of frost, as a climatic phenomenon. However, the effects of this climatic phenomenon on citrus production and farmers' vulnerability and resilience have not been comprehensively studied. This study aimed to understand citrus production and farmers' vulnerability and resilience mechanisms to the climatic phenomenon of frost from the perspective of agricultural specialists and extension agents. This research used a mixed method containing a combination of case study and grounded theory. Data were collected through document analysis, focus groups and semi-structured interviews with the specialists and extension agents of the Agriculture-Jahad Organization in the Mazandaran Province working at the provincial, township and sub-county levels, who were selected using the purposive sampling technique and based on the snowball sampling method. The results indicates that extreme low temperatures have occurred much more frequently during the last two decades in the region, which have caused many citrus orchards that are mainly sensitive to extreme low temperatures. This has increased the vulnerability of citrus farmers. Moreover, despite the solutions suggested by experts, the measures taken by citrus farmers to reduce their vulnerability and increase their resilience have been very limited and have not been implemented in a timely manner. The knowledge and financial, credit, institutional supports have also been insufficient and not provided timely.

Keywords: Vulnerability, Resilience, Citrus, Farmer, Climate Change

1. Corresponding author. Email: e.karamidehkordi@modares.ac.ir

The Role of Socio-Economic Factors in the Vulnerability of Rural Settlements (1996-2020) (Case: Takab County, West Azerbaijan)

Behzad Doosti Sabzi

PhD Candidate in Geography and Rural Planning, Faculty of Earth Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Abbas Saeedi ¹

Professor, Department of Human Geography and Spatial Planning, Faculty of Earth Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Bijan Rahmani

Associate Professor, Department of Human Geography and Spatial Planning, Faculty of Earth Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Received: 6 August 2021

Accepted: 17 October 2021

Abstract

Vulnerability of human settlements is affected by various factors. Damages of different origins have had different effects on human habitat, the extent which has been higher in rural areas. The aim of this study was to investigate the vulnerability of rural settlements in Takab County. The method used is qualitatively exploratory type. The statistical population of the present study was experts, all managers, and local people of rural settlements in Takab County. Sampling was performed using a purposive method. Theoretical saturation was used to determine the sample size, and interviews were continued until saturation was reached. Finally, 30 interviews were conducted. The method of analysis in this research is content analysis. The results of qualitative studies included 179 primary codes, 43 concepts, 16 sub-categories and 3 main categories. The results showed damages in form: environmental damages (water resources limitation, hazards, mining damages, fragmentation of agricultural lands and dispersal), economic damages (raw material sales, employment, product sales problems, low lack of services and infrastructure, mismanagement in the tourism sector and lack of support for carpet weavers) and social harms (migration, low participation of people in rural affairs, low level of literacy, especially women, unpopularity and damage caused by social networks).

Keywords: Vulnerability, Rural Settlements, Spatial Transformations, Content Analysis, Takab County

1. Corresponding author. Email: abbsaidi@gmail.com

The Role of Electronic Marketing on Improving the Sustainable Livelihood Capital of Rural Households in Gorgan County

Rezvan Karimi

MA in Geography and Rural Planning, Golestan University, Gorgan, Iran

Bahman Sahneh¹

Assistant Professor in Geography and Rural Planning, Faculty of Humanities and Social Sciences, Golestan University, Gorgan, Iran

Ali Akbar Najafi Kani

Associate Professor in Geography and Rural Planning, Faculty of Humanities and Social Sciences, Golestan University, Gorgan, Iran

Received: 6 August 2021

Accepted: 13 October 2021

Abstract

The challenges of marketing agricultural products are access to buyers and the distance from sales centers. Recent advances in information and communication technology have solved many of these challenges, enabling rural households to improve their sustainable livelihoods with electronic commerce. The aim of this study was investigating the role of electronic marketing on improving the sustainable livelihood of rural households in Gorgan. It is descriptive-analytical in nature and applied in terms of its purpose. In this study, households in 9 villages of Gorgan city totaled 7863, of which 366 households were selected based on Cochran's formula as a sample size. Using a five-option Likert scale, a researcher-made questionnaire was created for this study. Cronbach's alpha rate of 0.725 was used to confirm the content validity of the questionnaire and its reliability. Data were analyzed using Friedman, Kramer's Phi, two-sided chi-square, and Spearman statistics in SPSS. Preparation of the map was carried out using ArcGIS software. There is a significant relationship between electronic marketing and personal characteristics of people, including age, education, occupation, and skill, as demonstrated by the results. Electronic marketing has been effective in improving the livelihood capital of rural households by increasing interest in learning new skills, reducing middlemen's roles, and enabling the ownership of tools and agricultural equipment as well as livestock. For this reason, it is important to train residents in rural areas with electronic marketing skills continuously, so that by working in this field, more people, especially educated youth in rural areas, would be able to achieve extensive employment, stable incomes, and longevity.

Keywords: Rural Development, Electronic Marketing, Sustainable Livelihood, Rural Areas, Gorgan County

1. Corresponding author. Email: b.sahneh@gu.ac.ir

Weighting the Stages of City Development Strategy Plan based on the Importance of the Interests of Stakeholders and using Quality Function Deployment Technique (Case Study: Kashmar) ¹

Hadi Sarvari ²

Assistant Professor, Department of Urban Development, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

Received: 19 June 2021

Accepted: 11 December 2021

Abstract

The study aimed to discover the relationship between the interests of the stakeholders and the weight of different stages of the city development strategy plan for Kashmar, Iran. Taking a cooperative approach, the development strategy program tries to appeal the cooperation of beneficiaries for maximizing the effectiveness of city development programs. The development program of Kashmar has also been planned to provide the ground for filling the gap that can be seen between stakeholders and the city's long-term development regarding the so significant pilgrimage and services dimensions. The cooperation of the stakeholders, however, should follow the realization of their interests and planners should care the issue. The applied research used a descriptive-analytical method and quality function deployment technique. The technique is used for translating customers or stakeholders' demands into the features of product. That is, all demands of stakeholders are clearly and remarkably determined and prioritized for planners. The population of the study are managers of the institutions benefiting from urban development of Kashmar and experts in urban planning. The questionnaires were purposefully distributed among the population. Validity of the study was confirmed by a group of experts and its reliability was confirmed by parallel method. The findings showed that the most significant benefits from important stakeholders' perspective are developing rail and air access, preserving water resources, and boosting economic interactions with the influential parts of the city. The results showed that the most significant stages in preparing the development strategy plan of the city which planners should consider in fulfilling important interests of the stakeholders are compliance with the higher-rank plans, connecting the plan with the current structure, and making inter-departmental agreements. Ensuring the most important interests of major stakeholders through urban planners' endeavors in more effective stages of city development strategy planning would significantly contribute to the fulfillment of urban development plans.

Keywords: Stakeholders, City Development Strategy Process, Benefits, Quality Function Deployment, Kashmar City

1. The paper is an extract of research project entitled "Strategic-Operational Program of the City and Municipality of Kashmar".

2. Corresponding author. Email: sarvari_hadi@mshdiau.ac.ir

Exploring the Relationship between Tribalism and Political Participation (Case Study: Parliament Election in Mamasani Voting Zone)

Mohammadreza Hafeznia

Professor, Department of Political Geography, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Vahid Sadeghi ¹

PhD Candidate, Department of Political Geography, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Received: 18 March 2019

Accepted: 25 June 2019

Abstract

Political participation in every society is in relation to its political culture. In democratic societies with modern political culture, participation is a systematic event and affected by formal and inclusive organizations and institutions. In the developing countries, however, participation is an unsystematic foundation, and the political behaviors and actions of people are based on informal and tribal issues. Mamasani voting zone is one of those living places whose people have a nomadic characteristic and therefore, benefit from a tribal ethnic features. Owing to the specific culture, the pattern of political participation in this town has a tribal function. Considering this, the goal of the present research was to explain the relationship between tribalism and political participation. Data was collected through library sources and field studies (interviewing and observation). It seems that there is a meaningful relationship between two variables tribalism and political participation. Moreover, environmental and tribal tendencies play a key role in political participation in Mamasani voting zone. In the first three rounds of parliament election in which tribalism had not took the form of violence and prejudice yet, political participation followed its natural course, but from the fourth and the fifth rounds onwards, we can see social and geographical demarcations which separate the inhabitants and produce the concepts “self” and “others”. This happening resulted in forming an identity-oriented electoral behavior and tribal street rivalry. It also affected the political participation and intensified it so that according to the data, participation has increased course even the eligible population has decreased.

Keywords: Geography of Elections, Environmental Psychology, Tribalism, Political Participation, Mamasani Voting Zone

1. Corresponding author. Email: vahidsadeghi86@yahoo.com

Measuring the Comprehensive Performance of Rural Production Cooperatives (Case Study: Isfahan province)

Maryam Najafi

Postdoctoral Researcher, Department of Geography and Rural Planning, University of Isfahan, Isfahan, Iran

SeyedHedayatullah Nouri ¹

Professor, Department of Geography and Rural Planning, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Amir Mozafar Amini

Associate Professor, Department of Rural Development, Isfahan University of Technology, Isfahan, Iran

Received: 6September 2018

Accepted: 24February 2019

Abstract

The purpose of this research is designing a researcher-made comprehensive measurement tool to assess the performance of rural production cooperatives in Isfahan province. In this descriptive-analytical study, data were collected by questionnaires. The statistical population of this study was the components of rural production cooperatives of Isfahan province that included general assembly, board of directors and investigators. The required data was completed by 375 members of cooperatives. The content validity and construct validity of the seven-dimensional construct of the comprehensive performance were reviewed and confirmed. In this research, Confirmatory Factor Analysis was used and the obtained indices (RMSEA=0.068, CFI=0.987 and TLI=0.976) showed that the model fit of the study was well. Additionally, the performance of rural production cooperatives in Isfahan province was compared for different towns. Based on the factor loadings calculated by AMOS software, among the seven dimensions of the researcher-made comprehensive performance, the dimensions improvement of livelihood and the promotion of the economic power of members (0.855), modifying production system and improving the productivity of production factors (0.809), service activities (0.805), quantitative and qualitative increase in product production (0.786), educational and promotion activities (0.751), allocation and optimal use of resources (0.689) and environmental protection (0.537) had respectively the most weight in building the comprehensive performance structure of rural production cooperatives. Therefore, according to the obtained results, the dimensions improvement of livelihood and the promotion of the economic power of members had the most significant role in evaluating the performance of cooperatives. Additionally, the measurement tool had the ability to predict the financial performance of the cooperatives. Moreover, the results showed that 63.6% of them had good performance.

Keywords: Rural Production Cooperatives, Performance Dimensions, Comprehensive Performance, Confirmatory Factor Analysis

1. Corresponding author. Email: h.nouri@geo.ui.ac.ir

Foresighting Redevelopment of the brownfields of Abkouh sugar factory in Mashhad

Reyhane Alaee

PhD Candidate in Geography and Urban Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Mohammad Rahim Rahnama¹

Professor in Geography and Urban Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Omid Ali Kharazmi

Assistant Professor in Geography and Urban Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Received: 18 May 2015

Accepted: 16 June 2015

Abstract

The main goal of this research is sustainable planning of the brownfields of Abkouh sugar factory in Mashhad and investigating possible scenarios in the redevelopment of its lands. To achieve this goal, six main steps of scenario writing were done. In order to carry out these steps, quantitative and qualitative combined studies were conducted. First, to determine the expected future, a semi-structured interview was conducted with 12 experts familiar with the scope of the study, and the initial framework of the questionnaire was designed. Next, using a questionnaire (in two dimensions, the degree of influence and uncertainty), 56 experts and professors were asked for their opinions, and by means of descriptive and inferential statistical tests such as T-test, the critical drivers of the scenario were determined. Then, semi-structured interviews were used with six experts, managers, consulting engineers, and academic experts to develop scenarios, examine consequences, and determine strategies. The results of the research showed that three scenarios can be imagined for the redevelopment of the lands of Aabkouh sugar factory in Mashhad. The golden scenario includes two main drivers, providing new sources of income for the permanent transfer of the factory and creating new projects with a mixed approach around the factory based on their capacities and location. The basic scenario is the continuation of the trends in compliance with the prevailing conditions with the continuation of the existing process.

Keywords: Brownfields, redevelopment, scenario writing, Abkoh sugar factory, Mashhad

1. Corresponding author. Email: rahnama@um.ac.ir

Contents	Page
▪ Foresighting Redevelopment of the brownfields of Abkouh sugar factory in Mashhad	1
Reyhane Alaee, Mohammad Rahim Rahnama, Omid Ali Kharazmi	
▪ Measuring the Comprehensive Performance of Rural Production Cooperatives (Case Study: Isfahan province)	2
Maryam Najafi, Seyed Hedayatullah Nouri, Amir Mozafar Amini	
▪ Exploring the Relationship between Tribalism and Political Participation (Case Study: Parliament Election in Mamasani Voting Zone)	3
Mohammadreza Hafeznia, Vahid Sadeghi	
▪ Weighting the Stages of City Development Strategy Plan based on the Importance of the Interests of Stakeholders and using Quality Function Deployment Technique (Case Study: Kashmar)	4
Hadi Sarvari	
▪ The Role of Electronic Marketing on Improving the Sustainable Livelihood Capital of Rural Households in Gorgan County	5
Rezvan Karimi, Bahman Sahneh, Ali Akbar Najafi Kani	
▪ The Role of Socio-Economic Factors in the Vulnerability of Rural Settlements (1996-2020) (Case: Takab County, West Azerbaijan)	6
Behzad Doosti Sabzi, Abbas Saeedi, Bijan Rahmani	
▪ Analyzing the Vulnerability and Resilience of Farmers and Citrus Production to Climate Change in the Mazandaran Province	7
Seyed Abdolhamid Hashemi Sadati, Esmail Karamidehkordi, Yahya Tajvar, Seyed Hossein Mirmousavi	
▪ Foresight and Crisis Management of Tourism Industry in Covid-19 Pandemic Using an Artificial Neural Network Model	8
Saeedeh Moayedfar, Najme Neshat	
▪ Investigating the Effects of Tourism in Protected Area (Shaskooh Protected Area of South Khorasan as a Case Study)	9
Mehdi Mododi Arkhudi, Sajad Ferdowsi, Reyhane Boroumand	
▪ Identify the Driving Forces Affecting the Realization of Urban Prosperity	10
Forough Khazaei Nezhad	
▪ Formulating Development Strategy of Chegeni Town Rural Regions, Lorestan Province: Application of SOAR Strategic Framework	11
Mahdi Mohammadinasab, Mohammad Teymori Tulabi	
▪ Identifying and Zoning the Nitrogen Dioxide Hotspots in Mashhad	12
Reza Esmaili, Mohammad Pazira	
▪ Investigating the Role of Public Participation in Increasing the Social Resilience of Informal Settlements against the Covid-19 Pandemic (Case Study: Informal Settlements in Zanjan City)	13
Mohammad Taghi Heydari, Mohsen Ahadanjad Roveshti, Hossein Tahmasabi Moghadam	

ABSTRACTS

In the Name of Allah



Ferdowsi University of Mashhad

Journal of Geography and Regional
Development

**Vol 19, No. 2, Fall & Winter 2021-2022,
Serial Number 37**

License Holder
Ferdowsi University of Mashhad

General Director
Dr. M. R. Rahnama

Editor-in-Chief
Dr. H. Shayan

Editorial Board

Dr. A. Roknoddin Eftekhari
Tarbiat Modarres University, Tehran

Dr. M. Ahmadiyan
Islamic Azad University Mashhad
Branch

Dr. K. Hoseinzade Dalir
University of Tabriz, Tabriz

Dr. S. R. Hoseinzadeh
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. M. R. Rahnama
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. M. J. Zomorrodian
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. H. Shayan
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. H. Kamran
University of Tehran, Tehran

Dr. S. H. Motiee Langroodi
University of Tehran, Tehran

Dr. E. Mafi
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. S. Velayati
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Internal Editor:
Dr. R. Doostan
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

English Language Editor:
A. Nowruzy

Persian Editing of Articles:
Dr. S. M. Fazaeli

Excutive Manager:
Z. Baniasad

Typesetting:
E. Tajvidy

Publisher:
Ferdowsi University of Mashhad Press

Circulation: 30
Price: 20000 Rials
Subscription:
25 US\$ (USA)
20 \$ (other)

Address:
Faculty of Letters & Humanities
Ferdowsi University Campus
Azadi Sq. Mashhad-Iran
Postal Code:
9177948883
Tel: (+98 513) 8806724
Fax: (+98 513) 8807060
E-mail:
jrd@ferdowsi.um.ac.ir
Website:
<http://jgrd.um.ac.ir/>



Ferdowsi University of Mashhad

Journal of Geography and Regional Development

(Peer-reviewed Journal)

Vol 19, No. 2, Fall & Winter 2021-2022, Serial Number 37

- **Foresighting Redevelopment of the brownfields of Abkouh sugar factory in Mashhad**..... 1
Reyhane Alaei, Mohammad Rahim Rahnama, Omid Ali Kharazmi
- **Measuring the Comprehensive Performance of Rural Production Cooperatives (Case Study: Isfahan province)**..... 2
Maryam Najafi, Seyed Hedayatullah Nouri, Amir Mozafar Amini
- **Exploring the Relationship between Tribalism and Political Participation (Case Study: Parliament Election in Mamasani Voting Zone)**..... 3
Mohammadreza Hafeznia, Vahid Sadeghi
- **Weighting the Stages of City Development Strategy Plan based on the Importance of the Interests of Stakeholders and using Quality Function Deployment Technique (Case Study: Kashmar)**..... 4
Hadi Sarvari
- **The Role of Electronic Marketing on Improving the Sustainable Livelihood Capital of Rural Households in Gorgan County**..... 5
Rezvan Karimi, Bahman Sahneh, Ali Akbar Najafi Kani
- **The Role of Socio-Economic Factors in the Vulnerability of Rural Settlements (1996-2020) (Case: Takab County, West Azerbaijan)**..... 6
Behzad Doosti Sabzi, Abbas Saeedi, Bijan Rahmani
- **Analyzing the Vulnerability and Resilience of Farmers and Citrus Production to Climate Change in the Mazandaran Province**..... 7
Seyed Abdolhamid Hashemi Sadati, Esmail Karamidehkordi, Yahya Tajvar, Seyed Hossein Mirmousavi
- **Foresight and Crisis Management of Tourism Industry in Covid-19 Pandemic Using an Artificial Neural Network Model**..... 8
Saeedeh Moayedfar, Najme Neshat
- **Investigating the Effects of Tourism in Protected Area (Shaskooh Protected Area of South Khorasan as a Case Study)**..... 9
Mehdi Mododi Arkhudi, Sajad Ferdowsi, Reyhane Boroumand
- **Identify the Driving Forces Affecting the Realization of Urban Prosperity** 10
Forough Khazaei Nezhad
- **Formulating Development Strategy of Chegeni Town Rrural Regions, Lorestan Province: Application of SOAR Strategic Framework**..... 11
Mahdi Mohammadinasab, Mohammad Teymori Tulabi
- **Identifying and Zoning the Nitrogen Dioxide Hotspots in Mashhad** 12
Reza Esmaili, Mohammad Pazira
- **Investigating the Role of Public Participation in Increasing the Social Resilience of Informal Settlements against the Covid-19 Pandemic (Case Study: Informal Settlements in Zanjan City)**..... 13
Mohammad Taghi Heydari, Mohsen Ahadanjad Roveshti, Hossein Tahmasabi Moghadam

ISSN: 2008-1391